هٰذا بيانٌ لِلنّاسِ هُدًى وّموعظةٌ لِلمُتّقِين

قد طبع النصف الاول من هذا الكتاب المستطاب النافع لكل متعظ

سنة ١٣١٣ھ

# خیر المواعظ

من مصنفات محقق المسائل الفقهية بالآيات الصريحة والاحاديث الصحيحة

المدقق الفريد مولانا الحاج المولوی محمد زمان خان الشهيد مع ابی محمد شاه سلمه الله

بامر الجناب السامی

ذی المجد والفضل النامی شمس علماء الشريعة بدر فضيح الاسلام

مولانا المولوی الحافظ الحاج الشيخ محمد انوار الله كار مه بعون الله

باهتمام

الشيخ المولوی الحافظ ابی الدرجات محمد حسن الفاروقی الامدادی

المهتمم لمجلس اشاعة العلوم

بمطبعهٔ عثمان پریس حیدرآباد دکن

سنه هجری

نمایندگان ...

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا

او آنست که ساخت آفتاب را درخشنده وماه را روشن ومقرر ساخت برای او منزلها تا بدانید

عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ

شمار سالها وحساب را اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و بوجود آرد دیگران را

وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ۝ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ

وهست خدا براین کار توانا بسیار بابرکت است آنکه فرود آورد فرقان را بر بنده خویش

لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ۝ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي

تا باشد ترساننده عالمیان را هر آئینه آمد شما را از جانب خدا نوری وکتابی روشن بسبب آن هدایت

بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

می نماید خدا کسی را که طلب رضا کرد بسوی راه نجات وبیرون می آرد ایشان را از تاریکی ها بسوی روشنی

بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ

بحکم خود وراه می نماید ایشان را بسوی راه راست هر آئینه نعمت فراوان داد خدا بمومنان آنگاه که فرستاد

فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

درمیان ایشان پیغمبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیتهای خود و پاک میسازد ایشان را وی آموزاند ایشان را

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ فَآمِنُوا

کتاب وعلم وهر آئینه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر پس ایمان آرید

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ

بخدا و پیغمبر او که نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدا را و سخنان او را و پیروی کنید او را تا بود که

تَهْتَدُونَ ۝ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ

راه یاب شوید محمد پیغمبر خدا است وآنانکه همراه وی اند سخت اند بر کافران مهربان اند

بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ

درمیان خود امی بینی ایشان را رکوع کنندگان وسجده نمایندگان می طلبند فضل را از خدا وخوشنودی او را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

شروع می کنم بنام خدا بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ

همه ستایش خدای را [illegible] آفرید آسمانها و زمین را وفرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد

بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۝ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ

بسبب آن از انواع میوه ها روزی برای شما اوست آنکه می نماید شما را ابر قرابرای ترسیدن ترس امید وپیدا

السَّحَابَ الثِّقَالَ ۝ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ ۝ لَا إِلَٰهَ

ابرهای گران را وپاکی دمی کند رعد با ستایش او وفرشتگان از ترس او ونیست هیچ معبود

إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ [illegible] رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ۝ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا

مگر او زنده می کند و می میراند [illegible] کار شما است و پروردگار پدران نخستین شما است پس چون میکند کاری

فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ [illegible] يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ

پس جز این نیست که میگوید او را [illegible] که خواهد ورحم کند بر آنکه خواهد و بسوی او بازگردانیده خواهید شد

فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۞ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

در روی ایشان است از اثر سجود هر آئینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۞ وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ

ای مسلمانان درود فرستید بروی و سلام سلام گفتنی و سبقت کنندگان پیشینیان

مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ

از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان کردند بنیکوکاری خوشنود شد خدا ازان جماعت

وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

و خوشنود شدند ایشان از وی و آماده ساخت برای ایشان بوستانها که میروند زیر آن جویها جاوید باشند در آنجا

أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۞ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

همیشه اینست فیروزی بزرگ ای پروردگار بیامرز مارا و برادران مارا که سبقت کردند با

بِالْإِيمَانِ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞

بایمان آوردن ای پروردگار تمام کن مارا نورما و بیامرز مارا هر آئینه تو بر هر چیز توانا است

## فِي ثَنَاءِ اللّٰهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَعَزَّ اسْمُهُ

در ثنای خدائیکه بزرگ است ذکر او و عزیز است نام او –

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ

همه ستایش خدارا است که بدست اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مر او راست ستایش در آخرت

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۞ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ

و اوست با حکمت آگاه می داند آنچه در می آید بر زمین و آنچه برمی آید از وی و آنچه فرود می آید

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۞ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ

از آسمان و آنچه بالا میرود در وی و اوست مهربان آمرزنده آفریننده آسمانها

وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ۞ وَهُوَ

و زمین است و چون میکند کارے پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود و اوست



الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۞ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ

غالب بر بندگان خود و اوست با حکمت دانا و اوست آنکه فرود می آرد باران

مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ۞ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ

بعد از آنکه نا امید شده بودند و پراگنده میسازد رحمت خود را و اوست کارساز ستوده کار و از نشانهای

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ

آفریدن آسمانها و زمین و آفریدن آنچه پراگنده کردست درمیان هر دو از جانوران و او بر هم آوردن ایشان می خواهد

قَدِيرٌ ۞ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ۞ يَسْأَلُهُ

تواناست پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه درمیان آنهاست اگر ایمان آرنده اید سوال

مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ۞ وَسَخَّرَ لَكُمُ

می کنند از خدا هر که در آسمانها و زمین است هر روز خدا در حالتی است و رام ساخت برای شما

الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ۞ وَسَخَّرَ لَكُمُ

کشتی را تا برود در دریا بحکم او و رام ساخت برای شما جویهارا و رام گردانید برای شما

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۞ وَآتَاكُم مِّن كُلِّ

آفتاب و ماهتاب همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز و داد شما را از هر چه

مَا سَأَلْتُمُوهُ ۞ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا

خواستید ازان بسیار بابرکت است آن خدا که ساخت در آسمان بروج را و ساخت در آنها چراغ

وَقَمَرًا مُّنِيرًا ۞ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

و ماه روشن هر آئینه خدا پوشیده نمی شود بروی چیزے در زمین و نه در

السَّمَاءِ ۞ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

آسمان او آنست که بصورت می بندد شمارا در رحمها چنانکه خواهد نیست هیچ معبودی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۞ وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ

سوای او غالب استوار و خدا بیرون آورد شمارا از شکم

أمهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع والأبصار والأفئدة

مادران شما نمیدانستید چیزی را و ساخت برای شما شنوائی و چشمها و دلها

لعلكم تشكرون وإن تعدوا نعمة الله لا تحصوها إن تكفروا

شاید که شما شکر کنید و اگر بشمارید نعمت خدا را احاطه نتوانید کرد آن را اگر کفران نعمت

أنتم ومن في الأرض جميعا فإن الله لغني حميد إن يشأ يذهبكم

کنید شما و هر که در زمین است همه پس بر آئینه خدا توانگر است ستوده شده اگر خواهد نابود

ويأت بخلق جديد وما ذلك على الله بعزيز ولو شاء

سازد شما را و بیارد آفرینش نو و نیست این کار بر خدا دشوار و اگر خواستی

ربك لآمن من في الأرض كلهم جميعا إن الله يفعل ما يشاء

پروردگار تو هر آئینه ایمان آوردندی آنانکه در زمین اند همه ایشان هر آئینه خدا میکند آنچه میخواهد

وهو أعلم بما يفعلون ومن يهن الله فما له من مكرم وإن

و او دانا تر است بآنچه می کنند و هر که را خوار کند خدا پس نیست او را هیچ گرامی دارنده و اگر

يمسسك الله بضر فلا كاشف له إلا هو وإن يمسسك

سختی رساند بتو خدا پس هیچ دفع کننده نیست او را مگر او و اگر نعمت رساند بتو

بخير فهو على كل شيء قدير قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك

پس او بر هر چیز توانا ست بگو بار خدایا ای خداوند ای مالک ملک میدهی تو پادشاهی

من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من

هر کرا خواهی و باز میگیری پادشاهی از هر که میخواهی و ارجمند میسازی هر کرا خواهی و خوار میسازی هر کرا

تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير تولج الليل في

خواهی بدست تست نیکی هر آئینه تو بر هر چیز توانا هستی در می آری شب را در

النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء

روز و در می آری روز را در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از



بغير حساب ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء وهم يجادلون

بی شمار و میفرستد صاعقها پس میرساند آنرا بهر که خواهد و کافران مکابره می کنند

في الله وهو شديد المحال عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء

در باب خدا و او سخت کننده عقوبت است داناست به پنهان و آشکارا بزرگ است بلند مرتبه

منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب

یکسانست از شما کسیکه پوشیده سخن را و کسیکه بآواز بلند گوید آنرا و کسیکه وی پنهان است در شب و کسیکه

بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من

او میرود بروز برای او فرشتگان از پی یکدیگر میان دو دست و پس پشت او نگاه میدارند او را

أمر الله إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وهو

بحکم خدا هر آئینه خدا بدل نمی کند حالتی را که بقوم میباشد تا وقتیکه ایشان بدل کنند آنچه در

القاهر فوق عباده ويرسل عليكم حفظة حتى إذا جاء أحدكم

ضمیر ایشان است و اوست غالب بر بندگان خود و میفرستد بر شما نگاه بانان تا وقتیکه بیاید کسی را

الموت توفته رسلنا وهم لا يفرطون ثم ردوا إلى الله مولاهم

از شما مرگ قبض روح او کنند فرشتگان ایشان تقصیر نمی کنند پس باز گردانیده شوند مردگان

الحق ألا له الحكم وهو أسرع الحاسبين ويوم يحشرهم كأن لم

ایشان که حق است بدانید مر او راست حکم و او شتاب حساب کنندگانست و روزیکه برانگیزد خدا ایشان را

يلبثوا إلا ساعة من النهار يتعارفون بينهم وما قدروا الله

گویا درنگ نکرده بودند مگر ساعتی از روز شناسا باشند با یکدیگر و نه شناختند خدا را

حق قدره والأرض جميعا قبضته يوم القيامة والسماوات مطويات

حق شناختن او حالانکه زمین همه یکجا در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده شوند

بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ونفخ في الصور فصعق

در دست راست او پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک او مقرر می کنند و دمیده شود در صور پس

مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ
هر که در آسمان و هر چه که در زمین است مگر آنکه خواسته خداست باز دمیده شود در صور
أُخْرٰى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ
بار دیگر پس آنگهان ایشان ایستادگان اند می نگرند و روشن می شود زمین بنور پروردگار خود و نهاده می شود
الْكِتٰبُ وَجِيءَ بِالنَّبِيّٖنَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
نامهای اعمال و آورده شود پیغمبران را و گواهان را و حکم کرده شود میان آدمیان براستی و ایشان ستم کرده نمی شوند
وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ
و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و خدا داناتر است بآنچه میکنند هر آئینه خدا هیچ ستم نمی کند
النَّاسَ شَيْئًا وَلٰكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ
بر مردمان ولیکن مردمان بر خویشتن ستم می کنند نه بلکه می پرسیم که ساخت زمین را قرارگاه
جَعَلَ خِلٰلَهَا أَنْهٰرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا
و پیدا کرد زمین جویها و بیافرید برای زمین کوه ها و بیافرید میان دو دریا حجاب را
ءَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ
آیا معبودی دیگر ست با خدا بلکه بیشترین آن را نمی دانند نه بلکه می پرسیم که قبول میکند از درمانده چون
وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ءَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ قَلِيلًا مَا
بخواندش و بردارد سختی و بسازد شما را جانشین در زمین آیا معبودی هست دیگر با خدا اندکی
تَذَكَّرُونَ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيٰحَ
پند می پذیرید نه بلکه می پرسیم که راه می نماید شما را در تاریکیهای بیابان و دریا و که میفرستد بادها را
بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ءَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ تَعَالَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ
مژده دهنده پیش از رحمت او آیا معبودی هست با خدا برتر است خدا از آنکه شریک میکنند
أَمَّنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
نه بلکه می پرسیم که که بیافرید خلق را پس باز آرد او را و آنکه روزی میدهد شما را از آسمان و زمین



ءَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ
آیا معبودی هست با خدا و اگر آنچه در زمین هست از درختان قلمها شوند و دریا سیاهی آن شده
مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝
از پس او هفت دریای دیگر بپایان نرسند سخنان خدا هر آئینه خدا غالب با حکمت است
فَسُبْحٰنَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝
پس پاکست آنکه بدست اوست بادشاهی هر چیز و بسوی او باز گردانیده شوید۔
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلّٰهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ أَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً بَيْنَ الْجِنِّ
وسلم مر خدا تعالی راست صد رحمت فرود آورده است از آن صد رحمت یک رحمت را میان
وَالْإِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فَبِهَا يَتَعَاطَفُونَ وَبِهَا يَتَرَاحَمُونَ
پریان و آدمیان و میان چارپایان و حشرات الارض بان رحمت آنها مهربانی میکنند بر یکدیگر
وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَحْشُ عَلَى وَلَدِهَا وَأَخَّرَ اللّٰهُ تِسْعًا وَتِسْعِينَ رَحْمَةً
و بان رحمت می بخشایند بر یکدیگر و بان رحمت مهربانی در زند جانوران دشتی بر فرزندان خود و واپس گذاشته است خدا تعالی نود و نه رحمت
يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ
که رحم میکند بان رحمتها بندگان خود را روز قیامت متفق علیه و در روایتی مر مسلم را از سلمان فارسی
سَلْمَانَ نَحْوَهُ وَفِي آخِرِهِ قَالَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ أَكْمَلَهَا بِهٰذِهِ الرَّحْمَةِ
مانند این آمده است و در آخرش این عبارت است که گفت پس چون باشد روز قیامت تمام میگرداند آنرا باین یک رحمت
وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
روایت است از وی رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا رحمت خدا باد بر وی
وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهِ
و سلام اگر بداند مومن چیزی را که نزد خدا است از عذاب طمع نکند به بهشت خدا

اَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مَا قَنَطَ مِنْ جَنَّتِهِ اَحَدٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

یکی از مومنان و اگر بداند کافر چه چیز است نزد خدا است از رحمت نا امید نگردد از بهشت او هیچ یکی از کافران متفق علیه

وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَدُ اللّٰهِ مَلْاٰى لَا تَغِيْضُهَا نَفَقَةٌ سَحَّاءُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَرَاَيْتُمْ مَا اَنْفَقَ

دست عنایت خدا پر است تهی نمیساند او را هیچ نفقه عطای ریزنده و سیل کننده در شب و روز خبر

مُذْ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْاَرْضَ فَاِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِيْ يَدِهِ وَكَانَ عَرْشُهُ

دهید که چه قدر انفاق و عطا کرده است وی تعالی از آن باز که پیدا کرده است آسمان و زمین پس بدرستی که عطای او کم نساخت چیزی که در او

عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْمِيْزَانُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

دست او بود در وقت پیدا کردن آسمان و زمین عرش و بر آب و بدست قدرت اوست ترازو پست میکند و بر میدارد ترازو را متفق علیه است

وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَامَ فِيْنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه گفت استاد میان ما پیغمبر خدا صلی الله علیه

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فَقَالَ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَنَامُ وَ

وسلم برای وعظ و پند پنج سخن پس گفت آنحضرت بدرستی که خدا تعالی خواب

لَا يَنْبَغِيْ لَهُ اَنْ يَنَامَ يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ يُرْفَعُ اِلَيْهِ عَمَلُ

نمیکند و نمی سزد او را که خواب کند پست میکند قسط را و بالا میبرد آن را بر داشته میشود بسوی درگاه وی عملهای

اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابُهُ النُّوْرُ

شب پیش از عملهای روز و برداشته میشود عمل روز پیش از عمل شب پرده حق تعالی نور است

لَوْ كَشَفَهُ لَاَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهٰى اِلَيْهِ بَصَرُهُ

از برداشتن این پرده را هر آینه بسوختی انوار روی وی هر چیز را که رسیده بسوی آن چیز بصر خدا

مِنْ خَلْقِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

از خلق خدا میباشد رواه مسلم و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود پیغمبر خدا



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اللّٰهُ تَعَالٰى يَا عِبَادِيْ كُلُّكُمْ ضَالٌّ

صلی الله علیه وسلم میگوید خدا تعالی ای بندگان من همه شما گمراهانید

اِلَّا مَنْ هَدَيْتُ فَاسْئَلُوْنِي الْهُدٰى اَهْدِكُمْ وَكُلُّكُمْ فُقَرَاءُ اِلَّا

مگر آن کسی که راه نمودم من او را پس سوال کنید از من راه راست بنمایم شما را راه راست و همه شما فقیرانید

مَنْ اَغْنَيْتُ فَاسْئَلُوْنِيْ اَرْزُقْكُمْ وَكُلُّكُمْ مُذْنِبٌ اِلَّا مَنْ عَافَيْتُ

مگر کسی که غنی گردانم من او را پس سوال کنید از من که رزق دهم شما را و همه شما گناهگارانید مگر کسی که عفو کردم من

فَمَنْ عَلِمَ اَنِّيْ ذُوْ قُدْرَةٍ عَلَى الْمَغْفِرَةِ فَاسْتَغْفَرَنِيْ غَفَرْتُ لَهُ

او را پس کسی که بداند که من خداوند قدرتم بر آمرزیدن گناهان پس طلب آمرزش کند از من می آمرزم

وَلَا اُبَالِيْ وَلَوْ اَنَّ اَوَّلَكُمْ وَاٰخِرَكُمْ وَحَيَّكُمْ وَمَيِّتَكُمْ وَرَطْبَكُمْ

او را باک ندارم و اگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما

وَيَابِسَكُمْ اجْتَمَعُوْا عَلٰى اَتْقٰى قَلْبِ عَبْدٍ مِنْ عِبَادِيْ مَا زَادَ

و خشک شما جمع شوند به ترسنده تر دل بنده از بندگان من زیاده نگرداند

ذٰلِكَ فِيْ مُلْكِيْ جَنَاحَ بَعُوْضَةٍ وَلَوْ اَنَّ اَوَّلَكُمْ وَاٰخِرَكُمْ وَحَيَّكُمْ

آن در ملک من مقدار بازوی پشه و اگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما

وَمَيِّتَكُمْ وَرَطْبَكُمْ وَيَابِسَكُمْ اجْتَمَعُوْا عَلٰى اَشْقٰى قَلْبِ عَبْدٍ

و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند بر بدبخت ترین دل بنده

مِنْ عِبَادِيْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْكِيْ جَنَاحَ بَعُوْضَةٍ وَلَوْ اَنَّ

از بندگان من کم نگرداند آن از ملک من مقدار بازوی پشه و اگر بدرستی

اَوَّلَكُمْ وَاٰخِرَكُمْ وَحَيَّكُمْ وَمَيِّتَكُمْ وَرَطْبَكُمْ وَيَابِسَكُمْ اجْتَمَعُوْا

که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند

فِيْ صَعِيْدٍ وَاحِدٍ فَسَاَلَ كُلُّ اِنْسَانٍ مِنْكُمْ مَا بَلَغَتْ اُمْنِيَّتُهُ

در یک روی زمین پس سوال کند هر آدمی از شما چیزی که نهایت آرزوی اوست.

فَاَعْطَيْتُ كُلَّ سَائِلٍ مِّنْكُمْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُّلْكِي اِلَّا كَمَا
پس بدهم بر سائل را هرچه خواهد کم نکند آن از ملک من مگر چنانکه اگر بگذرد
لَوْ اَنَّ اَحَدَكُمْ مَرَّ بِالْبَحْرِ فَغَمَسَ فِيْهِ اِبْرَةً ثُمَّ رَفَعَهَا ذٰلِكَ
یکی از شما در دریا پس فرو برد دران سوزنی را پستر بردارد آن سوزن را
بِاَنِّي جَوَادٌ مَاجِدٌ اَفْعَلُ مَا اُرِيْدُ عَطَائِيْ كَلَامٌ وَعَذَابِيْ كَلَامٌ
آن بجهت آنکه من بخشنده ام و بخشایش کننده بزرگم میکنم هرچه خواهم دادن من سخن است و عذاب من سخن است
اِنَّمَا اَمْرِيْ لِشَيْءٍ اِذَا اَرَدْتُ اَنْ اَقُوْلَ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ رَوَاهُ اَحْمَدُ
نیست کار من بچیزی وقتیکه خواهم مگر اینکه بگویم مر آنچیز را شو پس میشود آن چیز روایت کرد
وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا
این حدیث را احمد و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبداللہ ابن عمر رضی اللہ عنهما
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَطْوِي اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بپیچد خدای تعالی آسمان را
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ يَاْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْيُمْنٰى ثُمَّ يَقُوْلُ اَنَا الْمَلِكُ
روز قیامت پس میگیرد آسمانها را بدست راست خود باز میگوید منم بادشاه
اَيْنَ الْجَبَّارُوْنَ اَيْنَ الْمُتَكَبِّرُوْنَ ثُمَّ يَطْوِي الْاَرَضِيْنَ بِشِمَالِهٖ
کجا اند جبر کنندگان و کجا اند تکبر کنندگان بستر بپیچد زمین ها را بدست چپ خود
وَفِيْ رِوَايَةٍ يَاْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْاُخْرٰى ثُمَّ يَقُوْلُ اَنَا الْمَلِكُ اَيْنَ
و در روایت دیگر است که میگیرد آنها را بدست دیگر خود بستر میگوید منم بادشاه کجا اند
الْمُتَكَبِّرُوْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ اَتَيْتُ
تکبر کنندگان روایت کرد این حدیث را مسلم و روایت است از فرزند دیلمی گفت که آمدم
اُبَيَّ ابْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهٗ قَدْ وَقَعَ فِيْ نَفْسِيْ شَيْءٌ مِّنَ الْقَدَرِ
نزد ابی ابن کعب پس گفتم مر او را به تحقیق در افتاد در دل من چیزی شک از قضا و قدر



فَحَدِّثْنِيْ لَعَلَّ اللّٰهَ اَنْ يُّذْهِبَهٗ مِنْ قَلْبِيْ فَقَالَ لَوْ اَنَّ اللّٰهَ
پس چیزی بخوان مرا شاید که خدا تعالی ببرد آن شک را از دل من پس گفت اگر برابینه خدا تعالی
عَذَّبَ اَهْلَ سَمٰوٰتِهٖ وَاَهْلَ اَرْضِهٖ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ
عذاب میکرد تمامه آسمانها را و زمینها را عذاب کند ایشانرا و حال آنکه وی غیر ظلم
لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ كَانَتْ رَحْمَتُهٗ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْ اَعْمَالِهِمْ
کننده است مر ایشانرا و اگر رحمت میکرد بر آنها میبود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهای ایشان
الْحَدِيْثَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ
تا آخر حدیث روایه احمد و ابوداود و ابن ماجه روایت است از ابی ذر رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْمَا يَرْوِيْ عَنِ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم در آنچه روایت میکند از
اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اِنَّهٗ قَالَ يَا عِبَادِيْ اِنِّيْ حَرَّمْتُ الظُّلْمَ
خدا تعالی که تحقیق وی گفت ای بندگان من تحقیق که من حرام گردانیده ام ظلم
عَلٰى نَفْسِيْ وَجَعَلْتُهٗ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوْا يَا عِبَادِيْ كُلُّكُمْ
دبر نفس خود و گردانیده ام ظلم را درمیان شما حرام پس ظلم نه کنید بر یکدیگر ای بندگان من همه شما
ضَالٌّ اِلَّا مَنْ هَدَيْتُهٗ فَاسْتَهْدُوْنِيْ اَهْدِكُمْ يَا عِبَادِيْ كُلُّكُمْ جَائِعٌ
گمراهید مگر کسیکه راه نمودم او را پس طلب هدایت کنید از من که هدایت کنم شما را ای بندگان من همه شما گرسنه اید
اِلَّا مَنْ اَطْعَمْتُهٗ فَاسْتَطْعِمُوْنِيْ اُطْعِمْكُمْ يَا عِبَادِيْ كُلُّكُمْ عَارٍ
مگر کسیکه طعام خورانیدم او را پس طلب طعام کنید از من که اطعام کنم شما را ای بندگان من همه شما برهنه اید
اِلَّا مَنْ كَسَوْتُهٗ فَاسْتَكْسُوْنِيْ اَكْسُكُمْ يَا عِبَادِيْ اِنَّكُمْ
مگر کسی که جامه پوشانیدم او را پس طلب کسوت کنید از من که کسوت دهم شما را ای بندگان من تحقیق شما
تُخْطِئُوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاَنَا اَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا
گناه میکنید شب و روز و من می آمرزم همه گناهان را

فاستغفروني اغفر لكم يا عبادي انكم لن تبلغوا
پس طلب آمرزش کنید از من که بیامرزم مر شما را ای بندگان من تحقیق که شما هرگز نمی رسید
ضري فتضروني ولن تبلغوا نفعي فتنفعوني يا عبادي
گزند مرا تا که گزند رسانید مرا و هرگز نمی رسید سود مرا تا سود رسانید مرا ای بندگان من
لو ان اولكم واخركم وانسكم وجنكم كانوا على اتقى
اگر باشند اول شما واخر شما وآدمیان شما وجنیان شما باشند بر پرهیزگار ترین
قلب رجل واحد منكم ما زاد ذلك في ملكي شيئا يا عبادي
دل یک مرد از شما زیاده نمی کند آن در ملک من چیزی را ای بندگان من
لو ان اولكم واخركم وانسكم وجنكم كانوا على افجر
اگر باشند اول شما واخر شما واو میان شما وجنیان شما باشند بر گناه کننده ترین
قلب رجل واحد منكم ما نقص ذلك من ملكي شيئا يا عبادي
دل یک مرد از شما کم نه کند آن از ملک من چیزی را ای بندگان من
لو ان اولكم واخركم وانسكم وجنكم قاموا في صعيد
اگر باشند اول شما واخر شما وآدمیان شما وجنیان شما بایستند در یک روی زمین
واحد فسالوني فاعطيت كل انسان ما نقص ذلك مما
پس سوال کنند مرا پس بدهم هر آدمی را کم نکند آن از آنچه
عندي الا كما ينقص المخيط اذا ادخل البحر يا عبادي انما هي
نزد من است مگر چنانچه کم میکرداند سوزن چون در آورده شود در دریا ای بندگان من نیست آن
اعمالكم احصيها عليكم ثم اوفيكم اياها فمن وجد خيرا
عملهای نیک وبد مگر عملهای که می شمارم بر شما بعد تمام میدهم شما را جزای آن اعمال پس کسیکه بیابد نیکی را
فليحمد الله ومن وجد غير ذلك فلا يلومن الا نفسه رواه مسلم
پس باید که شکر کند خدا را و کسیکه بیابد غیر نیکی را پس باید که ملامت نکند مگر نفس خود را رواه مسلم



# في مدح النبي القريشي الهاشمي المكي صلوة الله وسلامه عليه وعلى اله وصحبه

لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص
البته تحقیق آمده است بشما پیغمبری از قبیله شما دشوار است بروی مرنج شما حریص است
عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم ٥ وما ينطق عن الهوى ان
بر هدایت شما بمسلمانان شفقت کننده مهربان است وسخن نمیگوید از خواهش نفس نیست
هو الا وحي يوحى ٥ قال الله تعالى انا ارسلناك بالحق بشيرا
آن سخن مگر وحی که بسوی او فرستاده میشود فرمود خدا تعالی هر آینه ما فرستادیم ترا بحق مژده دهنده
ونذيرا ولا تسئل عن اصحب الجحيم ٥ وانزل الله عليك الكتب
وترساننده و پرسیده نخواهی شد از اهل دوزخ وفرود آورده است خدا بر تو کتاب
والحكمة وعلمك ما لم تكن تعلم وكان فضل الله عليك
ودانش وآموخته است ترا آنچه نمیدانستی وهست فضل خدا بر تو
عظيما ٥ وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى وما كان الله
بزرگ ونه افگندی تو وقتیکه افگندی ولیکن خدا افگند ونیست خدا که عذاب کند
ليعذبهم وانت فيهم ٥ وما ارسلناك الا رحمة للعلمين ٥
ایشان را وتو در میان ایشان باشی ونه فرستادیم ترا مگر رحمت برای عالمیان ٥
يا ايها النبي انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا وداعيا
ای پیغامبر هر آئینه ما فرستادیم ترا گواهی دهنده ومژده دهنده وترساننده وخواننده
الى الله باذنه وسراجا منيرا ٥ وبشر المؤمنين بان لهم
بسوی خدا بحکم او وچراغ روشن وبشارت ده مومنان را بآنکه ایشان را باشد

مِنَ اللهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۞ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللهِ إِلَيْكُمْ
از جانب خدا بخشایش بزرگ بگو که ای مردمان هر آینه من فرستاده خدا ام بسوی
جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
همه شما آنخدا یکه او را است پادشاهی آسمانها و زمین نیست معبودی مگر او زنده میکند
يُحْيِي وَيُمِيتُ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ
و می میراند اوست آنکه برانگیخت در ناخواندگان پیغامبر را از قوم ایشان
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
که میخواند بر ایشان آیات او را و پاک میکند ایشان را و می آموزد ایشان را کتاب و دانش
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۞ إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ
و اگرچه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر . هر آینه خدا و فرشتگان او درود
يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۞
میخوانند بر پیغامبر ای مسلمانان درود بخوانید بروی و سلام گویید سلام گفتنی
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابی هریره رض که گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم
أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ
من سردار فرزندان آدم روز قیامت و نخستین کسی ام که شگافته خواهد شد ازوی قبر
وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ
و من نخستین شفاعت کننده ام و نخستین کسیکه قبول کرده شود شفاعت وی رواه مسلم و روایت است از ابی سعید که گفت
قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
فرمود پیغامبر خدا صلی الله و سلم من بهتر فرزندان آدم روز قیامت
وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لِوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ وَمَا مِنْ نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ
و نمیگویم بطریق فخر و بدست من است رایت حمد و نیست فخر و نیست هیچ پیغمبری در روز قیامت چه آدم



وَمَنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لِوَائِي وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ
و چه سوای اوست مگر آنکه در زیر لوای من در آید و من آنم که نخستین شگافته شود ازوی زمین
وَلَا فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ
و نیست فخر رواه ترمذی و روایت است از جابر که آنحضرت صلی الله علیه
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا قَائِدُ الْمُرْسَلِينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا خَاتَمُ
و سلم فرمود من پیشوای مرسلینم و نیست فخر و من خاتم
النَّبِيِّينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَمُشَفَّعٍ وَلَا فَخْرَ
الانبیاام و نیست فخر و من نخستین شفاعت کننده و شفاعت قبول کرده شده ام و نیست فخر
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى
رواه ترمذی روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ خُرُوجًا إِذَا بُعِثُوا وَأَنَا
علیه و سلم من نخستین مردم ام ازروی بیرون آمدن از قبر وقتیکه برانگیخته شوند از قبر و من
قَائِدُهُمْ إِذَا وَفَدُوا وَأَنَا خَطِيبُهُمْ إِذَا أَنْصَتُوا وَأَنَا مُسْتَشْفِعُهُمْ
پیشوای مردمم وقتیکه بیایند بدرگاه خدا و من خطیب خواننده ایشانم وقتیکه خاموش گردند و من طلب کرده شفاعت ایشانم
إِذَا حُبِسُوا وَأَنَا مُبَشِّرُهُمْ إِذَا أَيِسُوا الْكَرَامَةُ وَالْمَفَاتِيحُ
شفاعت بسوی خدا وقتیکه حبس کرده میشوند مردم و من بشارت دهنده ام مردم را وقتیکه نومید شوند بزرگی و کلیدها
يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَلِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَأَنَا أَكْرَمُ وُلْدِ
آنروز بدست من باشد و لوای حمد در آن روز بدست من باشد و من بزرگترین فرزندان
آدَمَ عَلَى رَبِّي يَطُوفُ عَلَيَّ أَلْفُ خَادِمٍ كَأَنَّهُمْ بَيْضٌ مَكْنُونٌ
آدم نزد پروردگار خود گرد من میگردند هزار خادم گویا این خادمان بیضهای پوشیده اند
أَوْ لُؤْلُؤٌ مَنْثُورٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ
یا مروارید های پراکنده شده روایت کرد این را ترمذی و الدارمی و روایت است ازوی

فَقَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا اَوَّلُ شَفِيْعٍ فِي

گفت فرمود پیغامبر صلی الله علیه وسلم من نخستین کسی ام که شفاعت کنند و

الْجَنَّةِ لَمْ يُصَدَّقْ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ مَا صُدِّقْتُ وَاِنَّ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

بهشت تصدیق کرده نشد هیچ پیغامبر از پیغامبران آنمقدار که تصدیق کرده شدم و تحقیق از جمله پیغامبران

نَبِيًّا مَا صَدَّقَهُ مِنْ اُمَّتِهِ اِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پیغمبری است که تصدیق نکرد اورا از امت وی مگر یک مرد رواه مسلم و روایت است

جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

از جبیر ابن مطعم رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که می فرمود

اِنَّ لِيْ اَسْمَاءً اَنَا مُحَمَّدٌ وَاَنَا اَحْمَدُ وَاَنَا الْمَاحِي الَّذِيْ يَمْحُو اللهُ

تحقیق که مرا نامها است من محمدم و من احمدم و من ماحی ام آنکه محو می کند خدا

بِيَ الْكُفْرَ وَاَنَا الْحَاشِرُ الَّذِيْ يُحْشَرُ النَّاسُ عَلٰى قَدَمِيْ وَاَنَا

بوجود من کفر را و نام من حاشر است که برانگیخته شوند مردم بر قدم من و نام من

الْعَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِيْ لَيْسَ بَعْدَهُ نَبِيٌّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

عاقب است و عاقب آنکه نیست پس از وی پیغمبری متفق علیه است و روایت است

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّهُ قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَحْمَةٌ

از ابی هریرة رض از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تحقیق آنحضرت فرمود که جز این نیست من رحمت او

مُهْدَاةٌ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ عَمْرِو

وراه یافته شده رواه الدارمی والبیهقی در شعب الایمان و روایت است از عمر

بْنِ قَيْسٍ اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَحْنُ

بن قیس تحقیق که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ما در ظهور

الْاٰخِرُوْنَ وَنَحْنُ السَّابِقُوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنِّيْ قَائِلٌ قَوْلًا غَيْرَ فَخْرٍ

پسترانیم و در مرتبه سابق ترینیم روز قیامت و تحقیق من گوینده ام گفتاری بی مفاخرت



اِبْرَاهِيْمُ خَلِيْلُ اللهِ وَمُوْسٰى صَفِيُّ اللهِ وَاَنَا حَبِيْبُ اللهِ وَمَعِيْ

که ابراهیم خلیل الله است و موسی برگزیده خدا است و من محبوب خدا ام و با من باشد

لِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنَّ اللهَ وَعَدَنِيْ فِيْ اُمَّتِيْ وَاَجَارَهُمْ

لوای حمد روز قیامت و بتحقیق که خدا تعالی وعده کرد مرا در باب امت من و امان داد ایشان را

مِنْ ثَلٰثٍ لَا يَعُمُّهُمْ بِسَنَةٍ وَلَا يَسْتَاْصِلُهُمْ عَدُوٌّ وَلَا يَجْمَعُهُمْ

از سه چیز در نمیگرد ایشان را بقحط سالی و هلاک نمیگرداند ایشان را دشمنان و جمع نمی کند

عَلٰى ضَلَالَةٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ اِنَّ اللهَ تَعَالٰى

ایشان را بر گمراهی رواه دارمی روایت است از ابن عباس رض گفت تحقیق که خدا تعالی

فَضَّلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ وَعَلٰى اَهْلِ السَّمَاءِ

فضیلت داد آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بر پیغمبران و بر اهل آسمان

ط یعنی بر پیغمبران فضیلت بخشند ۱۲

فَقَالُوْا يَا اَبَا عَبَّاسٍ بِمَ فَضَّلَهُ عَلٰى اَهْلِ السَّمَاءِ قَالَ اِنَّ اللهَ تَعَالٰى

گفتند ای ابا عباس بچه چیز فضل داد خدا آنحضرت را بر اهل آسمان گفت تحقیق که خدای تعالی

قَالَ لِاَهْلِ السَّمَاءِ وَمَنْ يَّقُلْ مِنْهُمْ اِنِّيْ اِلٰهٌ مِّنْ دُوْنِهِ فَذٰلِكَ

فرمود فرشتگان را این کلام و کسی که گوید از فرشتگان که من خدا ام جز خدا پس آنکس پاداشش

نَجْزِيْهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِيْنَ وَقَالَ اللهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ

میدهیم او را دوزخ همچنین پاداش میدهیم ظالمان را و فرمود خدا تعالی مر آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِيْنًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللهُ

صلی الله علیه وسلم را تحقیق که فتح دادیم ترا فتح ظاهر تا بیامرزد مر خدا تعالی

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ قَالُوْا وَمَا فَضْلُهُ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ

هرچه پیش رفته از گناه تو و هرچه پس آید گفتند و چیست فضل محمد بر انبیا

قَالَ قَالَ اللهُ تَعَالٰى وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ

گفت فرمود خدای تعالی و نفرستادیم ما هیچ پیغامبر را مگر بزبان قوم او

لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَشَاءُ الْآيَةَ وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

تا آنکه بیان کند برای قوم خود پس گمراه میگرداند خدا هر که را میخواهد تمام آیه و گفت خدا تعالی مر محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَا اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ فَاَرْسَلَهٗ اِلَى الْجِنِّ

علیه وسلم را و نفرستادیم ترا مگر برای کافه آدمیان پس فرستاد خدا تعالی او را سوی پریان

وَالْاِنْسِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنِ الْعَبَّاسِ اَنَّهٗ جَاءَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

و آدمیان رواه دارمی و روایت است از عباس رضی که وی آمد بسوی آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَاَنَّهٗ سَمِعَ شَيْئًا فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ

علیه وسلم پس گویا که عباس شنیده بود چیزی را پس ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر سر منبر

فَقَالَ مَنْ اَنَا فَقَالُوْا اَنْتَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَنَا

پس فرمود که من کیستم پس گفتند صحابه تو پیغمبر خدائی صلی الله علیه وسلم فرمود که من

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ اِنَّ اللّٰهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فَجَعَلَنِيْ فِيْ

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ام تحقیق که خدای تعالی پیدا کرد خلق را پس گردانید

خَيْرِهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُمْ فِرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِيْ فِيْ خَيْرِهِمْ فِرْقَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ

مرا در بهترین ایشان پس گردانیده آدمیان را دو گروه پس گردانیده مرا در بهترین فرقه ایشان پس گردانیده آنها را

قَبَائِلَ فَجَعَلَنِيْ فِيْ خَيْرِهِمْ قَبِيْلَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ بُيُوْتًا فَجَعَلَنِيْ

قبیله پس گردانیده مرا در بهترین ایشان از روی قبیله پس گردانید ایشان را خانه پس گردانیده مرا

فِيْ خَيْرِهِمْ بَيْتًا فَاَنَا خَيْرُهُمْ نَفْسًا وَخَيْرُهُمْ بَيْتًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

در بهترین خانه های ایشان پس من بهترین ایشانم از روی نفس و بهترین ایشانم از روی خانه رواه ترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِيْ

و روایت است از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مثال من

وَمَثَلُ الْاَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ قَصْرٍ اَحْسَنَ بُنْيَانَهٗ تُرِكَ مِنْهُ مَوْضِعُ

و مثل پیغمبران سابق همچو مثل کوشکی است که نیک کرده شد بنای او گذاشته شد از آن جائے



لَبِنَةٍ فَطَافَ بِهِ النُّظَّارُ يَتَعَجَّبُوْنَ مِنْ حُسْنِ بُنْيَانِهٖ اِلَّا مَوْضِعَ

خشت پس گرد اگرد آن گشتند نظر کنندگان در حالیکه تعجب میکردند از خوبی بنائے آن مگر جائے

تِلْكَ اللَّبِنَةِ فَكُنْتُ اَنَا سَدَدْتُ مَوْضِعَ اللَّبِنَةِ خُتِمَ بِيَ

آن خشت که خالی مانده پس بودم من که بستم جائے آن خشت را ختم کرده شد بمن

الْبُنْيَانُ وَخُتِمَ بِيَ الرُّسُلُ وَفِيْ رِوَايَةٍ فَاَنَا اللَّبِنَةُ وَاَنَا خَاتَمُ

بنا و ختم کرده شد بمن پیغمبران و در روایت دیگر پس منم مثل آن خشت و من ختم کننده

النَّبِيِّيْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

پیغمبرانم متفق علیه است و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اٰتِيْ بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَاَسْتَفْتِحُ

صلی الله علیه وسلم می آیم در بهشت را روز قیامت پس طلب کنم گشادن در را

فَيَقُوْلُ الْخَازِنُ مَنْ اَنْتَ فَاَقُوْلُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُوْلُ

پس میگوید داروغه بهشت که تو کیستی پس میگویم من محمدم صلی الله علیه وسلم پس میگوید آن داروغه

بِكَ اُمِرْتُ اَنْ لَا اَفْتَحَ لِاَحَدٍ قَبْلَكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ الْعِرْبَاضِ

بسبب تو امر کرده شدم که نگشایم برای کسی پیش از تو رواه مسلم و روایت است از عرباض

ابْنِ سَارِيَةَ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّهٗ قَالَ

ابن ساریه رض از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم تحقیق آنحضرت فرمود

اِنِّيْ عِنْدَ اللّٰهِ مَكْتُوْبٌ خَاتَمُ النَّبِيِّيْنَ وَاِنَّ اٰدَمَ لَمُنْجَدِلٌ

که تحقیق من نزد خدا نوشته شده ام خاتم پیغمبران حال آنکه آدم هر آئینه افتاده بود

فِيْ طِيْنَتِهٖ وَسَاُخْبِرُكُمْ بِاَوَّلِ اَمْرِيْ دَعْوَةُ اِبْرَاهِيْمَ وَبِشَارَةُ

در گل خود قریب است که خبر دهم شما را بحقیقت کار خود دعائے ابراهیم است و خوشخبری

عِيْسٰى وَرُؤْيَا اُمِّيَ الَّتِيْ رَاَتْ حِيْنَ وَضَعَتْنِيْ وَقَدْ خَرَجَ لَهَا نُوْرٌ

عیسی است و خواب مادر من است که دید وقتیکه زائیده مرا و تحقیق بر آمد مر آنرا روشنی

أَضَاءَ لَهَا مِنْهُ قُصُورُ الشَّامِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَرَوَاهُ

که ظاهر شد برای آمنه از آن نور کوشکهای شام روایت کرده آنرا در شرح سنه و روایت کرده

أَحْمَدُ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ مِنْ قَوْلِهِ سَأُخْبِرُكُمْ الخ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

احمد از ابی امامه از قول او که ساخبرکم است تا آخر و روایت است از ابی هریره

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَأُكْسَى حُلَّةً مِنْ حُلَلِ

از پیغمبر صلی الله علیه و سلم گفت پس پوشانیده میشوم من حله از حله های

الْجَنَّةِ ثُمَّ أَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْخَلَائِقِ

بهشت پستر می ایستم من از جانب راست عرش نیست کسی از خلق

يَقُومُ ذٰلِكَ الْمَقَامَ غَيْرِي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَفِي رِوَايَةِ

که ایستد دران مقام جز من رواه ترمذی و در روایة

جَامِعِ الْأُصُولِ عَنْهُ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ فَأُكْسَى

جامع وصول اینست که من آنکسم که شگافته میگردد از وی زمین پس پوشانیده میشوم

وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا

و روایت است از ابی ابن کعب از پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود آنحضرت چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّينَ وَخَطِيبَهُمْ وَصَاحِبَ

باشد روز قیامت باشم پیشوای پیغمبران و باشم خطیب ایشان و خداوند

شَفَاعَتِهِمْ غَيْرَ فَخْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى

شفاعت میان ایشان بی آنکه فخر کنم رواه ترمذی و روایت است از نبی صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَلُوا اللهَ لِيَ الْوَسِيلَةَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ

الله علیه و سلم فرمود بخواهید از خدا برای من وسیله گفتند ای پیغمبر خدا

وَمَا الْوَسِيلَةُ قَالَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا رَجُلٌ

و چیست وسیله فرمود وسیله بلند ترین پایا ایست در بهشت نمی یابد آنرا مگر یک مرد



وَاحِدٌ أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

امید میدارم که باشم من آن مرد رواه ترمذی و روایت است از

وَاثِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واثله بن اسقع رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را

يَقُولُ إِنَّ اللهَ اصْطَفٰى كِنَانَةَ مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيلَ وَاصْطَفٰى

که میگفت که بتحقیق که خدا برگزید کنانه را از اولاد اسمعیل و برگزید

قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفٰى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِي هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِي

قریش را از کنانه و برگزید از قریش بنی هاشم را و برگزید مرا

مِنْ بَنِي هَاشِمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِي رِوَايَةٍ لِلتِّرْمِذِيِّ إِنَّ اللهَ اصْطَفٰى

از بنی هاشم رواه مسلم و در روایت ترمذی این قدر زیاده کرده بتحقیق خدا برگزیده

مِنْ وُلْدِ إِبْرَاهِيمَ إِسْمٰعِيلَ وَاصْطَفٰى مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيلَ بَنِي كِنَانَةَ

از فرزندان ابراهیم اسمعیل را و برگزید از اولاد اسمعیل بنی کنانه را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ

در روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نیست از پیغمبران

مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا قَدْ أُعْطِيَ مِنَ الْآيَاتِ مَا مِثْلُهُ آمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ

هیچ پیغمبری مگر بتحقیق داده شد از معجزات معجزه که مثل وی در اعجاز ایمان آورده اند بر آن آدمیان

وَإِنَّمَا كَانَ الَّذِي أُوتِيتُ وَحْيًا أَوْحَى اللهُ إِلَيَّ فَأَرْجُو أَنْ

و جز این نیست معجزه که داده شده ام من وحی است که فرستاده است خدا بسوی من پس امید میدارم که

أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

باشم من اکثر پیغمبران از روی تابعان روز قیامت متفق علیه و روایت است از وی

أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فُضِّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ

بتحقیق پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم فرمود فضیلت داده شدم من بر پیغمبران

بِسِتٍّ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَأُحِلَّتْ

بشش چیز داده شدم کلمات جامع را و نصرت داده شدم برعب و حلال کرده شد

لِيَ الْغَنَائِمُ وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا وَأُرْسِلْتُ

برای من غنیمت ها و گردانیده شد برای من همه زمین مسجد و پاکی و فرستاده شده ام من

إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَخُتِمَ بِيَ النَّبِيُّونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بسوی تمام خلق و ختم کرده شدند بمن پیغمبران رواه مسلم و روایت است از

ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ

ثوبان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق خدا

زَوَى لِيَ الْأَرْضَ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ أُمَّتِي

جمع آورد برای من زمین را پس دیدم من بلاد مشرق و مغرب را و هر آئینه است امت من

سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا وَأُعْطِيتُ الْكَنْزَيْنِ

نزدیک است که رسد بادشاهی ایشان آنقدر که فراهم آورده شد برای من از زمین و داده شد مرا دو گنج

الْأَحْمَرَ وَالْأَبْيَضَ الْحَدِيثَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالُوا يَا

سرخ و سفید تا آخر حدیث و روایت است از ابی هریرة رض گفت گفتند صحابه ای

رَسُولَ اللّٰهِ مَتَى وَجَبَتْ لَكَ النُّبُوَّةُ قَالَ وَآدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ

پیغمبر خدا کی لازم شد ترا نبوت فرمود در آنحال که آدم میان روح

وَالْجَسَدِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ لَقِيتُ

و جسد بود رواه ترمذی و روایت است از عطاء بن یسار گفت ملاقات کردم

عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رض قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَةِ

عبد الله ابن عمرو بن عاص را گفتم خبر ده مرا از بعضی صفات

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي التَّوْرٰةِ قَالَ أَجَلْ وَاللّٰهِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که در توریت است گفت آری سوگند بخدا



إِنَّهُ لَمَوْصُوفٌ فِي التَّوْرٰةِ بِبَعْضِ صِفَتِهِ فِي الْقُرْآنِ

تحقیق که آنحضرت صلعم وصف کرده شده است در توریت ببعض صفات وی که در قرآن است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَحِرْزًا

ای پیغمبر ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و بشارت دهنده و بیم کننده و پناه

لِلْأُمِّيِّينَ أَنْتَ عَبْدِي وَرَسُولِي سَمَّيْتُكَ الْمُتَوَكِّلَ لَيْسَ بِفَظٍّ

مر عرب را تو بنده خاص من و پیغمبر من هستی نام نهاده ام ترا متوکل که نیست درشت خو

وَلَا غَلِيظٍ وَلَا صَخَّابٍ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يَدْفَعُ بِالسَّيِّئَةِ

و نه درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار و نه دور کننده به بدی

السَّيِّئَةَ وَلٰكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ وَلَنْ يَقْبِضَهُ اللّٰهُ حَتّٰى يُقِيمَ

بدی را و لیکن در گذر میکند و می پوشد و هرگز قبض نمیکند خدا تعالی او را تا آنکه راست میگرداند

بِهِ الْمِلَّةَ الْعَوْجَاءَ بِأَنْ يَقُولُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَيَفْتَحُ بِهَا أَعْيُنًا

بوجود وی دین قوم کج را که بگویند لا اله الا الله و تا آنکه بکشاید باین کلمه چشمهای

عُمْيًا وَآذَانًا صُمًّا وَقُلُوبًا غُلْفًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَكَذَا الدَّارِمِيُّ

کور را و گوشهای کر را و دلهای را که نمی فهمد رواه بخاری و همچنین روایت کرد دارمی

عَنْ عَطَاءٍ ابْنِ سَلَامٍ نَحْوَهُ وَعَنْ جَابِرٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

از عطا بن سلام مانند آن و روایت است از جابر رض تحقیق که محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ بَعَثَنِي لِتَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

علیه وسلم فرمود هر آئینه خدا فرستاده است مرا برای اتمام خوبی های نیک

وَكَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

و برای کامل گردانیدن نیک اعمال رواه فی شرح السنة و روایت است از

كَعْبٍ رض يَحْكِي عَنِ التَّوْرٰةِ قَالَ نَجِدُ مَكْتُوبًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ

کعب رض حکایت میکند از توریت گفت که یافتیم نوشته که محمد رسول الله

عبدي المختار لا فظ ولا غليظ ولا صخاب في الأسواق

بنده برگزیده من است نه سخت خواست و نه درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار

ولا يجزي بالسيئة السيئة ولكن يعفو ويغفر مولده

و پاداش نمیدهد بدی را بدے را ولیکن عفو میکند و می بخشد ولادت او

بمكة وهجرته بطيبة وملكه بالشام وأمته الحمادون

در مکه است و هجرت او به مدینه و پادشاهی او در شام و امت وے بسیار حمد گویان اند

يحمدون الله في السراء والضراء يحمدون الله في كل

که حمد میگویند مر خدارا در شادی و غمی حمد میگویند مر خدارا در هر

منزلة ويكبرونه على كل شرف رعاة للشمس يصلون

منزل و تکبیر میگویند خدارا در هر جائے بلند رعایت کنندگان آفتاب را میگذارند

الصلوة إذا جاء وقتها يتأزرون على أنصافهم

نماز چون آید وقت نماز ازار می بندند بر میانهائے خود

ويتوضؤن على أطرافهم مناديهم ينادي في جو

وضو میکنند بر اطراف خود آواز کننده ایشان آواز میکند درمیان

السماء صفهم في القتال وصفهم في الصلوة سواء لهم

آسمان وصف بستن ایشان در کارزار و صف بستن ایشان در نماز برابر است مر ایشان را

بالليل دوي كدوي النحل هذه لفظ المصابيح

در شب آوازیست مانند آواز مگس شهد این لفظ مصابیح است

وروى الدارمي مع تغيير يسير عن عبد الله بن سلام

و روایت کرد دارمی باندکے تغیر از عبدالله بن سلام

قال مكتوب في التورية صفة محمد صلى الله عليه وسلم

گفت نوشته است در توریت صفت محمد صلی الله علیه وسلم



وعيسى ابن مريم يدفن معه قال أبو مودود وقد بقي

و اینکه عیسی بن مریم دفن خواهد شد با آنحضرت ص گفت ابومودود بتحقیق باقیمانده است

في البيت موضع قبر رواه الترمذي وعن ابن عباس رض

در خانه آنحضرت جاے یک قبر رواه ترمذی و روایت است از ابن عباس رض

قال جلس ناس من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت نشسته بودند مردمان از یاران رسول خدا صلی الله علیه وسلم

فخرج حتى إذا دنا منهم سمعهم يتذاكرون قال بعضهم

پس بیرون آمد آنحضرت تا آنکه چون نزدیک شد آنحضرت ایشان را شنید صحابه را که ذکر میکردند گفت بعضی ایشان

إن الله اتخذ إبراهيم خليلا وقال آخر موسى

بتحقیق که خداتعالی گرفت ابراهیم را دوست و گفت دیگر که موسی

كلمه تكليما وقال آخر عيسى كلمة الله وروحه

سخن کرد خدا او را سخن کردنی و گفت دیگر که عیسی کلمه خدا و روح خداست

وقال آخر آدم اصطفاه الله فخرج عليهم رسول

و گفت دیگر که آدم برگزیده است او را خدا پس ناگاه بیرون آمد بر ایشان پیغمبر

الله صلى الله عليه وسلم وقال قد سمعت كلامكم

خدا صلی الله علیه وسلم و فرمود تحقیق شنیدم من سخن شمارا

وعجبكم أن إبراهيم خليل الله وهو كذلك وموسى

و تعجب آوردن شمارا که ابراهیم دوست خداست و وی همچنین است و موسی

نجي الله وهو كذلك وعيسى روحه وكلمته وهو

همراز خداست و وی همچنین است و عیسی روح خدا و کلمه خداست و وی

كذلك وآدم اصطفاه الله وهو كذلك ألا وأنا حبيب الله

همچنین است و آدم برگزیده خداست و وی همچنین است آگاه باشید من دوست خدا ام

وَلَا فَخْرَ وَ اَنَا حَامِلُ لِوَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

ونیست فخر ومن بردارندۂ لوائے حمد روز قیامت ام

تَحْتَهٗ اٰدَمُ فَمَنْ دُوْنَهٗ وَلَا فَخْرَ وَ اَنَا اَوَّلُ

زیر آن لوای حمد آدم است و ہر کہ جز او ست ونیست فخر ومن اول

شَافِعٍ وَّ اَوَّلُ مُشَفَّعٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا فَخْرَ وَ اَنَا

شفاعت کنندہ واول شفاعت قبول کردہ شدہ ام روز قیامت ونیست فخر ومن

اَوَّلُ مَنْ يُّحَرِّكُ حِلَقَ الْجَنَّةِ فَيَفْتَحُ اللّٰهُ لِيْ

اول آنکہ جنبانند حلقہائے بہشت را پس بکشاید خدا برای من

فَيُدْخِلُنِيْهَا وَمَعِيَ فُقَرَاءُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا فَخْرَ

پس درآورد مرا در بہشت حال آنکہ با من باشند درویشان مسلمانان ونیست فخر

وَ اَنَا اَكْرَمُ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ عَلَى اللّٰهِ وَلَا

ومن بزرگترین اولین وآخرین ایشانم بر خدا ونیست

فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ كِتَابُ الْاِيْمَانِ

فخر روایت کرد او را ترمذی و دارمی

ومن اللہ التوفیق والعصمۃ

شرح المشکوٰۃ شیخ الہند





جزو بست وہشتم رکوع ۶

هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

اوست خدا آنکہ نیست ہیچ معبود مگر او دانندۂ نہان و آشکار

هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ۝ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا

اوست بخشایندہ مہربان اوست خدا آنکہ نیست ہیچ معبود مگر

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

او بادشاہ نہایت پاک سلامت از ہمہ عیبہا امن دہندہ

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۝ سُبْحَانَ

نگاہبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی

اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

خدا راست از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا آفرید کار پیدا کنندہ

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهٗ مَا

صورت سازندہ او راست نامہای نیک پاکی یاد میکند او را ہر چہ

فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝

در آسمانہا و زمین است واوست غالب با حکمت

جزو بست وہشتم رکوع ششم

٣٠

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰٓ اَجَلًا

اوست آنکه آفرید شمارا از گل باز مقرر کرد وقت مرگ

وَاَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهٗ ثُمَّ اَنْتُمْ تَمْتَرُوْنَ ۝ وَهُوَ

ومدتے معین است نزدیک او باز شما شک میکنید واوست

الَّذِيٓ اَنْشَاَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ

آنکه پیدا فرید برای شما شنوائی ودیدها ودلها

قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ۝ وَهُوَ الَّذِيْ ذَرَاَكُمْ

اند کے شکر گزارے میکنید واوست آنکه پیدا کرد شمارا

فِي الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ۝ وَهُوَ الَّذِيْ

درزمین وبسوے او برانگیخته خواهید شد واوست آنکه

يُحْيٖ وَيُمِيْتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ

زنده میکند ومی میراند واوراست آمد وشد شب وروز

اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ۝ قَالَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ

ایا نمی فهمید فرمود حق تعالیٰ ای مردمان

٣١

اِنْ كُنْتُمْ فِيْ رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَاِنَّا

اگر در شک آیید از رستخیز پس بر آئینه ما

خَلَقْنٰكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ

آفریدیم شمارا از خاک باز از نطفه باز

مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ

از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده

وَّغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

وغیر صورت داده تا واضح سازیم برای شما وقرار میدهیم

فِي الْاَرْحَامِ مَا نَشَآءُ اِلٰٓى اَجَلٍ

در رحم ها چیزے را که خواهیم تا میعادے

مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

معین باز بیرون مے آریم شمارا کودک باز

لِتَبْلُغُوْٓا اَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّتَوَفّٰى

تربیت میکنیم تا رسید بنهایت جوانی خود واز شما کسے بود که قبض روح کرده شود

۳۲

وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ اِلٰى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

واز شما یکے بود که باز گردانیده شود طرف بدترین عمر تا نه

يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا قُلْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ

داند چیزے را بعد از آنکه میدانست بگو که ایمان آوردیم بخدا

وَمَا اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا اُنْزِلَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ

و آنچه فرود آورده شده است بر ما و آنچه فرود آورده شده است بر ابراهیم

وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ

و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و نبیره گان وے

وَمَا اُوْتِيَ مُوْسٰى وَعِيْسٰى وَالنَّبِيُّوْنَ

و آنچه داده شده موسی و عیسی و پیغمبران را

مِنْ رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ

از پروردگار ایشان فرق نمی کنیم میان هیچ یکے از ایشان

وَنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ السَّاعَةِ

و ما خدا را منقادیم سوال میکنند ترا از قیامت

۳۳

اَيَّانَ مُرْسٰهَا قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّيْ

که کی باشد استقرار وے بگو جز این نیست که علم قیامت نزدیک پروردگار من

لَا يُجَلِّيْهَا لِوَقْتِهَا اِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمٰوٰتِ

پیدا نه آرد اورا در وقت او مگر او گران شده است در آسمانها

وَالْاَرْضِ لَا تَاْتِيْكُمْ اِلَّا بَغْتَةً اِنَّمَا

و زمین نیاید بشما مگر ناگهان جز این نیست

الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ

که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدا

وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ

بترسد دل ایشان و چون خوانده شود بر ایشان

اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ

آیات خدا زیاده سازد آن آیات ایمان را و بر پروردگار خویش

يَتَوَكَّلُوْنَ الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا

توکل میکنند آنانکه برپا میدارند نماز را و از آنچه

رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا

روزی دادیم ایشان را خرج میکنند این جماعت ایشانند مومنان به تحقیق

لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ

ایشان راست مرتبها نزدیک پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک

۳۴

وعن عمر بن الخطاب قال بينما نحن

روایت است از عمر بن الخطاب گفت در اثنای آنکه ما نزد

عند رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بودیم

يوم اذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب

روزی ناگاه پیدا گشت بر ما مردی سخت سفید جامه

شديد سواد الشعر لا يرى عليه اثر السفر ولا يعرفه

سخت سیاه موی دیده نمی شد بر وی نشان سفر و هیچ کس نمی شناخت او را

منا احد حتى جلس الى النبي صلى الله عليه

از ما هیچ یکی تا آنکه نشست پیش آنحضرت صلی الله علیه

وسلم فاسند ركبتيه الى ركبتيه ووضع كفيه

وسلم پس تکیه زد هر دو زانوی خود را بر دو زانوی آنحضرت و نهاد هر دو کف دست خود را

على فخذيه وقال يا محمد اخبرني عن الاسلام

بر هر دو ران آنحضرت و گفت ای محمد خبر ده مرا از حقیقت اسلام

۳۵

قال الاسلام ان تشهد ان لا اله الا الله وان

فرمود آنحضرت اسلام آنست که گواهی دهی تو که نیست هیچ معبود بحق مگر خدا و بتحقیق

محمدا رسول الله وتقيم الصلوة وتؤتي

محمد فرستاده خداست و بر پا داری نماز را و بدهی

الزكوة وتصوم رمضان وتحج البيت ان

زکوة را و روزه داری بماه رمضان و بگذاری مناسک حج را اگر

استطعت اليه سبيلا قال صدقت فعجبنا

بتوانی بسوی وی راه گفت آن مرد راست گفتی پس عجب داشتیم ما

له يسأله ويصدقه قال فاخبرني عن الايمان

حال آن مرد را که می پرسد آنحضرت را و تصدیق میکند او را گفت آن مرد پس خبر ده مرا از ایمان

قَالَ اَنْ تُؤْمِنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ

فرمود كه بگروی بخدا و بفرشتگان وی و به كتب های وی و پیغمبران او

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهٖ وَشَرِّهٖ

و بروز پسین و ایمان آری باینكه همه چیز را از نیك و بد در ازل نوشته و تقدیر كرده است

قَالَ صَدَقْتَ قَالَ فَاَخْبِرْنِیْ عَنِ الْاِحْسَانِ قَالَ

گفت راست گفتی گفت پس خبر ده مرا از احسان فرمود احسان

اَنْ تَعْبُدَ اللّٰهَ كَاَنَّكَ تَرَاهُ فَاِنْ لَّمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَاِنَّهٗ

آنست كه عبادت كنی خدا را گویا كه می بینی او را پس اگر نیستی تو باین حال كه می بینی او را پس

يَرَاكَ قَالَ فَاَخْبِرْنِیْ عَنِ السَّاعَةِ قَالَ مَا الْمَسْئُوْلُ

عبادت كن كه وی می بیند ترا گفت آنمرد كه خبر ده مرا از وقت قیامت فرمود نیست پرسیده

٣٦

عَنْهَا بِاَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ قَالَ فَاَخْبِرْنِیْ

از قیامت داناتر از كسی كه پرسنده است گفت پس خبر ده مرا

عَنْ اَمَارَاتِهَا قَالَ اَنْ تَلِدَ الْاَمَةُ رَبَّتَهَا

از علامتهای قیامت فرمود اینكه بزاید كنیزك مربی خود را

وَاَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ

و به بینی برهنه پایان برهنه تنان فقرای چرانندگان

الشَّاءِ يَتَطَاوَلُوْنَ فِی الْبُنْيَانِ قَالَ ثُمَّ

گوسفند از زیادتی كنندگان بر یكدیگر در بنا گفت عمر رضی الله عنه پس تر

انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ لِیْ يَا عُمَرُ

روان شد پس درنگ كردم من زمانه دراز باز فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرا ای عمر رضی الله عنه

اَتَدْرِیْ مَنِ السَّائِلُ قُلْتُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ

آیا در می یابی كه بود سائل گفتم خدا و رسول خدا

اَعْلَمُ قَالَ فَاِنَّهٗ جِبْرَئِيْلُ اَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ

داناتر است فرمود پس این سائل جبرئیل بود آمد شما را در حالیكه تعلیم میكند

دِيْنَكُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَرَوَاهُ اَبُوْهُرَيْرَةَ مَعَ

بشما دین شما را روایت كرد آنرا مسلم و روایت كرد اینحدیث را ابوهریره به

اِخْتِلَافٍ وَفِيْهِ اِذَا رَاَيْتَ الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ

اختلافی كه با حدیث عمر دارد و در حدیث ابوهریره است كه چون بینی تو برهنه

الصم البكم ملوك الارض في خمس

کران وگنگان را صاحب ملک وجاه علم قیامت در آن پنج چیز است

لا يعلمهن الا الله ثم قرء ان الله عنده

که نمیدانند آنها را بجز خدا پس خواند آنحضرت بدرستیکه نزد خداست

علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في

علم قیامت و علم باران و علم آنچیز که در

الارحام الاية متفق عليه وعن ابن عمر

شکم زن حاملات تا آخر آیت متفق علیه است و روایت است از ابن عمر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بني الاسلام على خمس شهادة ان لا اله الا الله

بنا کرده شده است خانه مسلمانی بر پنج چیز اول گواهی دادن است بخدا تعالی

وان محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة

و به پیغامبری محمد صلی الله علیه وسلم دوم برپا کردن نماز



وايتاء الزكوة والحج وصوم رمضان

وسوم دادن زکوة چهارم حج و پنجم روزه ماه رمضان

متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال

متفق علیه است و روایت است از ابی هریرة رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الايمان بضع وسبعون شعبة فافضلها

ایمان هفتاد و چند شاخ است پس فاضلترین شعبهای ایمان

قول لا اله الا الله وادناها اماطة الاذى

گفتن لا اله الا الله کلمه طیبه و فروترین شعبها دور کردن آنچه ایذا کند مردم را

عن الطريق والحياء شعبة من الايمان

از راه و شرم داشتن شعبه عظیمه است از ایمان

متفق عليه وعن عبد الله بن

متفق علیه است و روایت است از عبد الله بن

عمر رض قال قال رسول الله صلى الله

عمر رض که گفت فرمود رسول الله صلی الله

عليه وسلم المسلم من سلم المسلمون

علیه وسلم مسلمان کامل کسی هست که سلامت باشند مسلمانان

مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى

از زبان وی و از دست وی و هجرت کننده کسی است که ترک کند چیزی را که نهی کرده است

اللهُ عَنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ

خدا از آن روایت کرد بخاری این حدیث را و از انس است گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم ایمان نمی آرد

أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ

یکی از شما تا آنکه باشم من دوست داشته تر بسوے او از پدر وی

وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

و فرزند انش و همه مردم متفق علیه است و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ

الله علیه و سلم سوگند بخدائی که بقای ذات محمد

بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هٰذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ

در دست اوست نشنود مرا هیچ یکی ازین امت یهودی باشد یا نصرانی

ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ

پستر بمیرد آنکس و حال آنکه ایمان نیاورد بدین و شریعتی که فرستاده شده ام من بآن مگر آنکه باشد

أَصْحَابِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

آنکس از دوزخیان روایت کرد مسلم و روایت است از ابی هریرة رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللهُ تَعَالَى يُؤْذِينِي

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم گفت خدا تعالی میرنجاند مرا

ابْنُ آدَمَ يَسُبُّ الدَّهْرَ وَأَنَا الدَّهْرُ بِيَدِيَ الْأَمْرُ أُقَلِّبُ

فرزند آدم دشنام میدهد ابن آدم روزگار را و حال آنکه منم دهر بدست من است کار که میگردانم

اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رض

شب و روز را متفق علیه است روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَحَدٌ أَصْبَرُ عَلَى

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نیست هیچ کس صابر تر از خدا بر

أَذًى يَسْمَعُهُ مِنَ اللهِ يَدَّعُونَ لَهُ الْوَلَدَ ثُمَّ يُعَافِيهِمْ وَيَرْزُقُهُمْ

مکروهی که میشنود آنرا میخوانند برای وی فرزند پستر تندرست میدارد و روزی میرساند ایشانرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

متفق علیه و روایت است از ابی ذر رض گفت آمدم پیغمبر را صلی الله علیه سلم

وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ ثَوْبٌ أَبْيَضُ وَهُوَ نَائِمٌ ثُمَّ أَتَيْتُهُ وَقَدِ

و حال آنکه بود بر آنحضرت جامه سفید و آنحضرت در خواب بود پستر باز آمدم و حال آنکه بتحقیق

اسْتَيْقَظَ فَقَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ ثُمَّ مَاتَ

بیدار شده بود پس گفت نیست هیچ بنده که گفت لا اله الا الله پستر مرا

| |
|---|
| عَلٰى ذٰلِكَ اِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ قُلْتُ وَاِنْ زَنٰى |
| برایں کلمہ مگر آنکہ در می آید ایدان بندہ بہشت را گفتم اگرچہ زنا کردہ باشد |
| وَاِنْ سَرَقَ قَالَ وَاِنْ زَنٰى وَاِنْ سَرَقَ |
| و دزدی کردہ باشد گفت اگرچہ زنا کردہ باشد و اگرچہ دزدی کردہ باشد |
| قُلْتُ وَاِنْ زَنٰى وَاِنْ سَرَقَ قَالَ وَاِنْ زَنٰى |
| گفتم اگرچہ زنا کردہ باشد و اگرچہ دزدی کردہ باشد گفت اگرچہ زنا کردہ باشد |
| وَاِنْ سَرَقَ قُلْتُ وَاِنْ زَنٰى وَاِنْ سَرَقَ |
| و اگرچہ دزدی کردہ باشد گفتم من اگرچہ زنا کردہ باشد و اگرچہ دزدی کردہ باشد |
| قَالَ وَاِنْ زَنٰى وَاِنْ سَرَقَ عَلٰى رَغْمِ اَنْفِ |
| گفت اگرچہ زنا کردہ باشد و اگرچہ دزدی کردہ باشد بر خلاف مشرع و بر خاک آلودگی بینی |
| اَبِيْ ذَرٍّ وَكَانَ اَبُوْذَرٍّ اِذَا حَدَّثَ بِهٰذَا |
| ابی ذر و بود ابوذر در و گفتے کہ بیان میکرد این حدیث را |
| قَالَ وَاِنْ رَغِمَ اَنْفُ اَبِيْ ذَرٍّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ |
| میگفت اگرچہ خاک آلودہ شود بینی ابوذر رض متفق علیہ است |



| |
|---|
| وَعَنْ اُمَامَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ |
| و روایت است از ابی امامہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ |
| عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَحَبَّ لِلّٰهِ وَاَبْغَضَ لِلّٰهِ وَاَعْطٰى |
| علیہ و سلم کسیکہ دوست دارد کسی را برای خدا و کسیکہ دشمن دارد برای خدا و بدہد |
| لِلّٰهِ وَمَنَعَ لِلّٰهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْاِيْمَانَ رَوَاهُ |
| برای خدا و نہد برای خدا پس بتحقیق کامل گردانید ایمان خود را روایت |
| اَبُوْدَاؤُدَ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ |
| ابوداؤد و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود |
| رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَفْضَلُ |
| پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فاضل ترین |
| الْاَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللّٰهِ وَالْبُغْضُ فِي اللّٰهِ رَوَاهُ |
| عملہا دوست داشتن است کسی را از جہت خدا و دشمن داشتن از جہت خدا روایت کرد این حدیث را |
| اَبُوْدَاؤُدَ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ |
| ابوداود و روایت است از جابر گفت فرمود |
| رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثِنْتَانِ |
| پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم دو خصلت |
| مُوْجِبَتَانِ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا الْمُوْجِبَتَانِ |
| واجب گردانندہ اند گفت مردی ای پیغمبر خدا چیست معنی موجبتان |

قَالَ مَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ

فرمود کسیکه بمرد در حالیکه شریک میگرداند با خدا چیزی را می درآید باتش دوزخ

وَمَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ

وکسیکه بمیرد در حالیکه شریک نمیگرداند بخدا چیزی را میدرآید به بهشت

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

رواه مسلم و روایت است از معاذ ابن جبل

قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

گفت فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلٰهَ

وسلم کلید هائی بهشت گواهی دادن است باین کلمه که لا اله

إِلَّا اللهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ وَهْبِ بْنِ

الا الله است رواه احمد روایت است از وهب ابن

مُنَبِّهٍ رض قِيلَ لَهُ أَلَيْسَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِفْتَاحُ

منبه رض گفته شد اورا آیا نیست لا اله الا الله کلید

الْجَنَّةِ قَالَ بَلٰى وَلٰكِنْ لَيْسَ مِفْتَاحٌ إِلَّا وَلَهُ أَسْنَانٌ

بهشت گفت آری ولیکن نیست کلیدی مگر آنکه مر اورا دندانها ست

فَإِنْ جِئْتَ بِمِفْتَاحٍ لَهُ أَسْنَانٌ فُتِحَ لَكَ وَإِلَّا لَمْ يُفْتَحْ لَكَ

پس اگر آری تو کلید یرا که مر ورا دندانه هاست گشاده میشود برائی تو وگرنه گشاده نمیشود برای تو

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي تَرْجَمَةِ بَابٍ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

رواه بخاری در ترجمهٔ باب روایت است از ابی هریرة رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَحْسَنَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم چون نیک گرداند

أَحَدُكُمْ إِسْلَامَهُ فَكُلُّ حَسَنَةٍ يَعْمَلُهَا تُكْتَبُ بِعَشْرِ

یکی از شما اسلام خودرا پس هر کار نیک که میکند اورا نوشته می شود

أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِ مِائَةِ ضِعْفٍ وَكُلُّ سَيِّئَةٍ يَعْمَلُهَا

برابر چندش تا هفت صد زیادتی و هر بدی که می کند

تُكْتَبُ بِمِثْلِهَا حَتّٰى لَقِيَ اللهَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

نوشته می شود یکی بیکی تا دم مرگ و لقائے خدا متفق علیه و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

ابی امامه رض بدرستیکه مردی پرسید پیغامبر خدا را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا الْإِيمَانُ قَالَ إِذَا سَرَّتْكَ

علیه وسلم چیست نشان ایمان فرمود چون شادگرداند ترا

حَسَنَتُكَ وَسَاءَتْكَ سَيِّئَتُكَ فَأَنْتَ مُؤْمِنٌ

وعمل نیک تو و اندوه گین گرداند ترا بدی تو پس تو مومن درست ایمانی

قَالَ يَا رَسُولَ اللهِ فَمَا الْإِثْمُ قَالَ

گفت ای پیغامبر خدا پس چیست گناه گفت

اِذَا حَاكَ فِيْ صَدْرِكَ فَدَعْهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ

چو بخلد در سینهٔ تو چیزے پس بگذار آنکار را روایت کرد آنرا احمد

وَعَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رض قَالَ قَالَ

و روایت است از عباس ابن مطلب رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاقَ طَعْمَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بچشید ذائقه

الْاِيْمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا

ایمان آنکس که راضی باشد با خدا از روی پروردگار و باسلام از روے دین

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَسُوْلًا

و با محمد صلی الله علیه وسلم از روی نبی

رَوَاهُ مُسْلِمٌ بَابُ الْكَبَائِرِ وَعَلَامَاتِ النِّفَاقِ

رواه مسلم این باب در بیان گناهان کبیره و نشانهائی نفاق است

يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ اِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ

ای پیغامبر چون بیایند نزدیک تو زنان با ایمان که بیعت کنند با تو

عَلٰى اَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَّلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِيْنَ

باین شرط که نکنند شریک با خدا چیزیرا و نکنند دزدی و نکنند زنا

وَلَا يَقْتُلْنَ اَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَاْتِيْنَ بِبُهْتَانٍ

و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ

يَّفْتَرِيْنَهٗ بَيْنَ اَيْدِيْهِنَّ وَاَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ

که بربسته باشند آنرا در میان دستهای خویش و پاهای خویش نافرمانی نکنند ترا

فِيْ مَعْرُوْفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ

در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان از خدا

اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ

هر آئینه خدا آمرزگار مهربان است هر آئینه خدا نمی آمرزد آنرا

يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَاءُ

که شریک آرد بخدا ای و می آمرزد و غیر شریک را هر که را خواهد

وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًا بَعِيْدًا

و هر که شریک مقرر کند با خدا هر که آئینه گمراه شد از حق گمراهی دور یعنی در نهایت ضلالت

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوْبِقَاتِ

صلی الله علیه وسلم پرهیز کنید از هفت خصلت که هلاک کنندگان اند

قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ وَمَا هُنَّ قَالَ الشِّرْكُ

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چیز اند آن هفت فرمود شرک آوردن.

بِاللهِ وَالسِّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ

با خدا و جادو کردن و کشتن ذاتیکه حرام کرده است

اللهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبٰوا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ

خدا مگر بحق وخوردن ربا وخوردن مال یتیم

وَالتَّوَلِّي يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنٰتِ

و پشت دادن روز جنگ دشنام دادن بزنان پارسا

الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

مسلمان غافل از بدکرداری مسلمانان متفق علیه است و مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ

زنا نمی کند زنا کننده در هنگامی که زنا میکند وحال آنکه وی مومن است

٤٨

٤٩

وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ

و دزدی نمیکند دزدی کننده هنگامے که دزدی میکند وحال آنکه مومن است ونمی نوشد شراب انگبی

حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْتَهِبُ نُهْبَةً يَرْفَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ

هنگامی که می نوشد وحال آنکه وی مومن است وغارت نمیکند کسے غارت کردنی که بر میدارند مردم بسوے

فِيهَا أَبْصَارَهُمْ حِينَ يَنْتَهِبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَغُلُّ

آن غارت کننده دران غارت کردن چشمها خود را وقتیکه غارت میکند وحال آنکه وی مومن است خیانت نمیکند

أَحَدُكُمْ حِينَ يَغُلُّ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَإِيَّاكُمْ إِيَّاكُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

یکے از شما از غنیمت هنگامیکه خیانت میکند وحال آنکه وی مومن است پس دور دارید خود را ازین گناه متفق علیه است

وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَلَا يَقْتُلُ حِينَ يَقْتُلُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

ودر روایت ابن عباس است ونمیکشد هیچکس هنگامیکه میکشد وحال آنکه وی مومن است

قَالَ عِكْرِمَةُ قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ كَيْفَ يُنْزَعُ الْإِيمَانُ مِنْهُ

گفت عکرمه گفتم من مر ابن عباس را چگونه کشیده میشود ایمان ازین شخص

قَالَ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا فَإِنْ تَابَ

گفت این چنین وتشبیک کرد میان انگشتان خود باز از هم بیرون آورد انگشتها را پس

عَادَ إِلَيْهِ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَقَالَ

اگر توبه کرد در برگشت از آن معصیت باز میگردد ایمان بسوے وی تشبیک کرد میان انگشتان خود و گفته است

أَبُو عَبْدِ اللهِ لَا يَكُونُ هٰذَا مُؤْمِنًا تَامًّا وَلَا يَكُونُ

ابوعبدالله بخاری نمی باشد این شخص مومن کامل ونمی باشد

لَهُ نُورُ الْإِيمَانِ هٰذَا لَفْظُ الْبُخَارِيِّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

مراد از نور ایمان این عبارت بخاری است وروایت است از ابوهریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا زَنَى الْعَبْدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون زنا میکند بنده

خرج منه الإيمان فكان فوق رأسه كالظلة فإذا

بیرون می آید ازوی ایمان پس میباشد بالای سروی مانند سایبان پس چون

خرج من ذلك العمل رجع إليه الإيمان رواه

بیرون می آید ازان عمل باز میگردد بسوے وی ایمان روایه

الترمذي وأبو داود رح وعن أبي هريرة رض

ترمذی وابوداؤد رح وروایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم

آية المنافق ثلث زاد مسلم وإن صام و

نشان منافق سه خصلت است زیاده کرده است مسلم اگرچه روزه دارد و

صلى وزعم أنه مسلم ثم اتفقا إذا

نماز میگذارد و گمان می برد که مسلمان است پس اتفاق دارند بخاری و مسلم چون سخن گوید

حدث كذب وإذا وعد أخلف وإذا ائتمن

دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند و چون امانت نهاده شود

خان متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

خیانت کند متفق علیه و روایت است از عبدالله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أربع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت است



من كن فيه كان منافقا خالصا ومن كانت فيه

هر کس که باشند این چهار دروی باشد آنکس منافق خالص و هر که باشد در وے

خصلة منهن كانت فيه خصلة من النفاق

یک خصلت ازین چهار باشد دروے یک خصلت از نفاق

حتى يدعها إذا ائتمن خان وإذا حدث كذب

تا آنکه بگذارد آنرا چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون سخن گوید دروغ گوید

وإذا عاهد غدر وإذا خاصم فجر متفق عليه

و چون عهد بنده بشکند و چون پیکار کند برگشتی ورزد متفق علیه

## باب في الوسوسة

ولقد خلقنا

این باب در بیان وسوسه است و هر آئینه آفریدیم

الإنسان ونعلم ما توسوس به نفسه

آدمی را و میدانیم چیزیکه بخاطر میگذراند ش نفس او

ونحن أقرب إليه من حبل الوريد بسم الله

وما نزدیکتریم با آدمی از رگ جان بنام خدای بزرگ

الرحمن الرحيم قل أعوذ برب الناس ملك

بخشاینده مهربان بگو پناه میگیرم بپروردگار مردمان پادشاه

الناس إله الناس من شر الوسواس الخناس

مردمان معبود مردمان از شر وسوسه اندازنده پس رونده

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُوْرِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ
آنکه وسوسه مے افگند در سینه‌ہائی مردمان از جنس جن باشد یا از جنس
وَالنَّاسِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ
مردمان روایت ہست از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ تَجَاوَزَ عَنْ
صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ خدا تعالی درگذرانیده است
أُمَّتِي مَا وَسْوَسَتْ بِهِ صُدُوْرُهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ
از امت من چیزیکه وسوسه کردہاند چیز سینہائی ایشان مادام که عمل نکرده
بِهِ أَوْ تَتَكَلَّمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ
بدان چیز یا نگفته متفق علیه است روایت است از وے گفت



جَاءَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
آمدند جماعت از یاران پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلُوْهُ
وسلم بسوئے پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم پس پرسیدند آنحضرت را
إِنَّا نَجِدُ فِي أَنْفُسِنَا مَا يَتَعَاظَمُ أَحَدُنَا أَنْ يَتَكَلَّمَ
بتحقیق میبابیم در ذات ہائی خود از وساوس چیزیکه سخت بزرگ میداند ہر یکی از ماکه بگوید
بِهِ قَالَ أَوَقَدْ وَجَدْتُمُوْهُ قَالُوْا نَعَمْ قَالَ ذَاكَ
آنرا گفت آیا به تحقیق یافتند شما آنرا گفتند آرے گفت این
صَرِيْحُ الْإِيْمَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض
محض ایمان است رواه مسلم و روایت است از ابن مسعود رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم
مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِيْنُهُ
نیست از شما کسی یک مگر آنکه به تحقیق گماشته شده است بروی قرین وے
مِنَ الْجِنِّ وَقَرِيْنُهُ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ قَالُوْا وَإِيَّاكَ
از جنیان و قرین وی از فرشتگان گفتند صحابه و خود را اراده میکنی
يَا رَسُوْلَ اللهِ قَالَ وَإِيَّايَ وَلٰكِنَّ اللهَ أَعَانَنِي
ای پیغمبر خدا فرمود و خود را نیز داخل این حکم میدارم لیکن خدا یاری داد مرا

عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ فَلَا يَأْمُرُنِي إِلَّا بِخَيْرٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
بروی پس اسلام آورد پس امر نمیکند مرا بهیچ چیز مگر به نیکی رواه مسلم
وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي
الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان میرود
مِنَ الْإِنْسَانِ مَجْرَى الدَّمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
در آدمی مانند رفتن خون در بدن متفق علیه است
وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ إِبْلِيسَ يَضَعُ عَرْشَهُ
الله علیه وسلم بدرستیکه ابلیس می نهد تخت خود را
عَلَى الْمَاءِ ثُمَّ يَبْعَثُ سَرَايَاهُ يَفْتِنُونَ النَّاسَ
بر آب پستر می فرستد فوجهای خود را که در فتنه می اندازد مردم را
فَأَدْنَاهُمْ مِنْهُ مَنْزِلَةً أَعْظَمُهُمْ فِتْنَةً يَجِيءُ
پس نزدیک تر ایشان از وی مرتبه بزرگترین ایشانست از روی فتنه می آید
أَحَدُهُمْ فَيَقُولُ فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا فَيَقُولُ
یکی از شیاطین پس میگوید کردم من چنین و چنین پس میگوید ابلیس

٥٤

مَا صَنَعْتَ شَيْئًا قَالَ ثُمَّ يَجِيءُ أَحَدُهُمْ فَيَقُولُ
نکردی چیزی را گفت جابر پستر می آید یکی از لشکریان او پس می گوید
مَا تَرَكْتُهُ حَتَّى فَرَّقْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ امْرَأَتِهِ قَالَ
نگذاشتم فرزند آدم را تا آنکه جدائی افگندم میان وی و میان زن وے و گفت
فَيُدْنِيهِ مِنْهُ فَيَقُولُ نِعْمَ أَنْتَ قَالَ الْأَعْمَشُ
پس نزدیک میگرداند او را پس می گوید نیکو یار منی تو گفت اعمش
أُرَاهُ قَالَ فَيَلْتَزِمُهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
که گمان میبرم من جابر را که گفت پس بکنار میگیرد او را روایت کرد این حدیث را مسلم و روایت است
عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ رض قَالَ قُلْتُ يَا
از عثمان ابن ابی العاص رضی الله عنه گفت گفتم اے
رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ
پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم بدرستیکه
الشَّيْطَانَ قَدْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ صَلَاتِي وَ
شیطان حائل میگردد میان من و میان نماز من و
بَيْنَ قِرَاءَتِي يَلْبِسُهَا عَلَيَّ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
میان قراءة من و تخلیط میکند قراءة را بر من پس گفت پیغمبر خدا صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ
الله علیه وسلم آنکه حائل میشود شیطانے است که گفته میشود مر او را
خِنْزَبٌ فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ وَاتْفُلْ
خنزب پس چون دریابی این وسواس را پس پناه جو بخدا از آن شیطان و تف کن
عَلَى يَسَارِكَ ثَلٰثًا فَفَعَلْتُ ذٰلِكَ فَأَذْهَبَهُ اللّٰهُ
بر جانب چپ خود سه بار پس کردم آنرا پس دور گردانید او را خدائے تعالی

٥٥

عَنِّي رواه مسلم باب الايمان بالقدر

ازمن روایت کرده مسلم این باب ایمان بقدر است

وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو

ونزدیک اوست کلیدهای غیب نمیداند آن را مگر او

ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من

ومیداند آنچه در بیابان و دریاست ونمی افتد هیچ

ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض

برگی مگر میداند آنرا ونمی افتد هیچ دانه در تاریکیهای زمین

ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين ه

ونه هیچ تری ونه هیچ خشکی مگر ثبت است در کتاب روشن

وما من دابة في الارض الا على الله رزقها

نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خدا است روزی

ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب

ومیداند جای ماندن او را وجای نگاه داشتن او را همه در کتاب

عہ جزء ۷ رکوع ۱۳ عہ جزء ۱۲ رکوع ۱



مبين ه وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال

روشن است وروایت است از عبدالله بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم كتب الله

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نوشت خدا تعالی

مقادير الخلائق قبل ان يخلق السموت والارض

اقدار خلایق را پیش از پیدا کردن آسمانها وزمین

بخمسين الف سنة قال وكان عرشه على الماء

بپنجاه هزار سال گفت وبود عرش خدا بر آب

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال قال

روایت کرده مسلم وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم احتج آدم و

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مباحثه کردند با یکدیگر آدم و

موسى عند ربهما فحج آدم موسى قال موسى انت آدم

موسی نزدیک پروردگار شان پس غالب آمد بحجت آدم بر موسی گفت موسی تو آن آدمی

الذي خلقك الله بيده ونفخ فيك من روحه

که پیدا کرد خدا ترا از دست قدرت خود ودمید در تو از روح خود

واسجد لك ملئكته واسكنك في جنته

وساجد گردانید مر ترا فرشتگان خود را وسکونت داد ترا در بهشت

ثُمَّ اَهْبَطْتَ النَّاسَ بِخَطِيْئَتِكَ اِلَى الْاَرْضِ قَالَ

خود پستر فرود افگند تو مردم را بسبب گناهی که کردی بر زمین گفت

اٰدَمُ اَنْتَ مُوْسَى الَّذِيْ اصْطَفَاكَ اللّٰهُ بِرِسَالَتِهٖ

آدم تو آن موسی هستی که برگزید ترا خدا تعالی به پیغمبری خود

وَبِكَلَامِهٖ وَاَعْطَاكَ الْاَلْوَاحَ فِيْهَا تِبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ

و بکلام و داد ترا الواح که در آن بیان هر چیز است

وَقَرَّبَكَ نَجِيًّا فَبِكَمْ وَجَدْتَ اللّٰهَ كَتَبَ التَّوْرٰىةَ

و نزدیک گردانید ترا راز گو بنده پس بگو بچند مدت یافتی خدا را که نوشت توریت را

قَبْلَ اَنْ اُخْلَقَ قَالَ مُوْسٰى بِاَرْبَعِيْنَ عَامًا قَالَ

پیش از آنکه پیدا کرده شوم گفت موسی بچهل سال گفت

اٰدَمُ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيْهَا وَعَصٰى اٰدَمُ رَبَّهٗ

آدم پس آیا یافتی تو در توریت و گناه کرده آدم پروردگار خود را

فَغَوٰى قَالَ نَعَمْ اَفَتَلُوْمُنِيْ عَلٰى اَنْ عَمِلْتُ عَمَلًا

پس گم کرد راه را گفت موسی آری یافتم گفت آدم آیا پس ملامت میکنی مرا بر اینکه کردم کاری را که



كَتَبَهُ اللّٰهُ عَلَيَّ اَنْ اَعْمَلَهٗ قَبْلَ اَنْ يَّخْلُقَنِيْ بِاَرْبَعِيْنَ

نوشت خدا بر من که بکنم آن را پیش از آنکه پیدا کند مرا بچهل

سَنَةً قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

سال فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَحَجَّ اٰدَمُ مُوْسٰى رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و سلم پس غالب آمد آدم بر موسی روایه مسلم و روایت است

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَا مِنْ مَّوْلُوْدٍ اِلَّا يُوْلَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَاَبَوَاهُ

و سلم نیست هیچ زائیده شده مگر آنکه زائیده میشود بر فطرت پس مادر و پدر وی

يُهَوِّدَانِهٖ اَوْ يُنَصِّرَانِهٖ اَوْ يُمَجِّسَانِهٖ كَمَا تُنْتَجُ

یهودی میگردانند او را یا نصرانی یا مجوسی سازند او را چنان که زایانیده می شود

الْبَهِيْمَةُ بَهِيْمَةً جَمْعَاءَ هَلْ تُحِسُّوْنَ فِيْهَا مِنْ

چارپایه چارپایه را کامل در اعضاء آیا می بینید شما در آن بهایم هیچ بهیمه بینی

جَدْعَاءَ ثُمَّ يَقُوْلُ فِطْرَةَ اللّٰهِ الَّتِيْ فَطَرَ النَّاسَ

یا گوش بریده پس گفت و خواند این آیة را لازم گیرید خلقت خدا که پیدا کرده است

عَلَيْهَا لَا تَبْدِيْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ

آدمیان را بر آن نیست تغیر پیدایش خدا را این مقتضای دین درست است

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ قَالَ

متفق علیه روایت است از عباده بن صامت رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که نخستین چیزی که پیدا کرد

الْقَلَمَ فَقَالَ لَهُ اكْتُبْ قَالَ مَا أَكْتُبُ قَالَ اكْتُبِ الْقَدَرَ

خدا قلم است پس گفت مر او را بنویس گفت چه نویسم گفت بنویس هر چیز را

فَكَتَبَ مَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى الْأَبَدِ رَوَاهُ

که تقدیر کرده شده است پس نوشت آنچه بود و آنچه خواهد بود تا ابد رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي خِزَامَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ

ترمذی و روایت است از ابی خزامه وا از پدر خود گفت گفتم من

يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَرَأَيْتَ رُقًى نَسْتَرْقِيهَا وَدَوَاءً

ای پیغمبر خدا خبر ده ما را از حال افسون که افسون گری میکنیم با آنها و از دوائیکه

نَتَدَاوَى بِهِ وَتُقَاةً نَتَّقِيهَا هَلْ تَرُدُّ مِنْ قَدَرِ

تداوی میکنیم بان و جای پناه میجوئیم بدان آیا باز می گرداند آنها

اللّٰهِ شَيْئًا قَالَ هِيَ مِنْ قَدَرِ اللّٰهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

از قضا و قدر خدا تعالی چیزی را گفت این چیزها از قضا و قدر خدا است رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت



خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

برآمد از خانه بر ما پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وَنَحْنُ نَتَنَازَعُ فِي الْقَدَرِ فَغَضِبَ حَتَّى احْمَرَّ

و ما بحث و نزاع میکردیم در مسئله قضا و قدر پس خشم کرد آنحضرت تا آنکه سرخ شد

وَجْهُهُ حَتَّى كَأَنَّمَا فُقِئَ فِي وَجْنَتَيْهِ حَبُّ

روی مبارک وی گویا شکسته شده است در هر دو رخساروی دانها ی

الرُّمَّانِ فَقَالَ أَبِهٰذَا أُمِرْتُمْ أَمْ بِهٰذَا

انار پس گفت آیا باین امر کرده شده است شما را یا باین

أُرْسِلْتُ إِلَيْكُمْ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ

فرستاده شده ام من بسوی شما هلاک شدند کسانیکه بودند پیش از شما

حِينَ تَنَازَعُوا فِي هٰذَا الْأَمْرِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ

هرگاه میکردند بحث در قضا و قدر واجب میگردانم بر شما

عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ أَلَّا تَتَنَازَعُوا فِيهِ رَوَاهُ

واجب میگردانم بر شما که نزاع نکنید درین امر رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ

ترمذی و روایت است از عبدالله ابن عمر رض گفت

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم

يقول ان الله خلق خلقه في ظلمة
كه ميگفت بدرستى كه خداتعالى پيدا كرد خلق خود را در تاريكى
فالقى عليهم من نوره فمن اصابه
پس بينداخت بر خلق از نور خود پس كسيكه رسيد او را
من ذلك النور اهتدى ومن اخطأه
ازان نور راه راست يافت وكسيكه نرسيد
ضل فلذلك اقول جف القلم
گمراه شد پس ازين جهت ميگويم خشك شد قلم
على علم الله رواه الترمذي
برانچه دانست خدا رواه ترمذى
وعن عائشة رض قالت قال رسول الله
وروايت است از عائشه رض گفت فرمود پيغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم ستة لعنتهم لعنهم الله
صلى الله عليه وسلم شش كس اند كه لعنت كرده ام من ايشانرا لعنت كرد ايشانرا خدا



وكل نبي يجاب الزائد في كتاب
وهر پيغمبرى مقبول كرده شده است دعاى او يكى ازان زياده كننده در كتاب خدا
الله والمكذب بقدر الله والمتسلط
دوم تكذيب كننده بتقدير الهى سوم غلبه نماينده بر مردم
بالجبروت ليعز من اذله الله و
بتكبر تا گرامى دارد وعزيز گرداند كسى را كه خوار گردانيده است خدا و
يذل من اعزه الله والمستحل لحرم
وخوار گرداند كسى را كه عزيز گردانيده است او را خدا چهارم استحلال كننده حرم
الله والمستحل من عترتي ما حرم الله
خدا پنجم حلال داننده از اهل قرابت من چيزى را كه حرام گردانيده است خدا

فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا في الارض وتقطعوا ارحامكم اولئك الذين لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم

وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الْمَدْخَلِ

و ششم ترک کننده سنت مرا رواه بیهقی در مدخل

وَرَزِينٌ فِي كِتَابِهِ وَعَنْ مَطَرِ بْنِ عُكَامِسٍ رض

و رزین در کتاب خود و روایت است از مطر بن عکامس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که چون

قَضَى اللهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ

حکم کند خدا برائے بندہ که بمیرد در زمین بگرداند مر آن بنده را

إِلَيْهَا حَاجَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بسوے آن زمین حاجتے رواه احمد والترمذی روایت است

أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَغَ إِلَى كُلِّ عَبْدٍ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالیٰ فارغ شده بسوی هر بنده

مِنْ خَلْقِهِ مِنْ خَمْسٍ مِنْ أَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَمَضْجَعِهِ

که از مخلوق اوست از پنج چیز از اجل او و از عمل هر بنده و از سکون

وَأَثَرِهِ وَرِزْقِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ رض

و حرکت و رزق هر بنده رواه احمد و روایت است از ابن دیلمی رض

قَالَ أَتَيْتُ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ رض فَقُلْتُ لَهُ قَدْ وَقَعَ

گفت آمدم من نزد ابی بن کعب رض پس گفتم من او را تحقیق که افتاد

فِي نَفْسِي مِنَ الْقَدَرِ فَحَدِّثْنِي لَعَلَّ اللهَ أَنْ يُذْهِبَهُ

در دل من چیزی شک از قضا و قدر پس حدیثی بخوان مرا تا که خدا تعالیٰ دور کند آن

مِنْ قَلْبِي فَقَالَ لَوْ أَنَّ اللهَ عَذَّبَ أَهْلَ سَمٰوَاتِهِ

از دل من پس گفت اگر هر آئینه خدا عذاب کرد تمامه آسمانیان را

وَاَهْلَ اَرْضِهٖ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ

وزمینیان را عذاب میکرد ایشان را حال آنکه وی غیر ظالم است ایشان را واگر رحمت میکرد

كَانَتْ رَحْمَتُهٗ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْ اَعْمَالِهِمْ وَلَوْ اَنْفَقْتَ مِثْلَ اُحُدٍ

میبود رحمت او بهتر مر ایشان را از عملهای ایشان واگر خرج کنی مانند کوه احد

ذَهَبًا فِیْ سَبِيْلِ اللّٰهِ مَا قَبِلَهُ اللّٰهُ مِنْكَ حَتّٰى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ

طلا را در راه خدا قبول نکند خدا او را از تو تا آنکه ایمان آری بقضا و قدر

وَتَعْلَمَ اَنَّ مَا اَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِّيُخْطِئَكَ وَاَنَّ مَا اَخْطَاَكَ

وتا آنکه بدانی که آنچه رسیده است ترا نبود آنکه نرسد ترا وبدانی که آنچه نرسیده است ترا

لَمْ يَكُنْ لِّيُصِيْبَكَ وَلَوْ مُتَّ عَلٰى غَيْرِ هٰذَا لَدَخَلْتَ النَّارَ

نبود آنکه برسد ترا واگر بمیری تو بر غیر این حال هر آینه درآئی آتش دوزخ

قَالَ ثُمَّ اَتَيْتُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ مَسْعُوْدٍ فَقَالَ مِثْلَ

گفت پسر آدم من نزد عبد الله ابن مسعود رض پس گفت مانند

ذٰلِكَ قَالَ ثُمَّ اَتَيْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ فَقَالَ

این سخن پستر آدم من نزد حذیفه بن یمان پس گفت

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ اَتَيْتُ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ فَحَدَّثَنِيْ

مانند این سخن پستر آدم من نزد زید بن ثابت پس حدیث کرد

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَ ذٰلِكَ

مرا از پیغمبر صلی الله علیه وسلم مانند آن

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ

رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه

## بَابُ الْاِعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

این باب در چنگ زدن بکتاب و سنت است

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ

بگو اگر دوست میدارید خدا را پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا

وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ قُلْ

وبیامرزد شما را گناهان شما و خدا آمرزنده مهربان است بگو

اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ

فرمان برید خدا را و پیغمبر را پس اگر روگردانید هر آینه خدا دوست ندارد

الْكٰفِرِيْنَ ۝ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ

کافران را هر که فرمان برد خدا و رسول را پس این جماعت

مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَ

همراه کسانند که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و

الصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصّٰلِحِيْنَ وَحَسُنَ

صدیقان و شهیدان و صالحان ونیکو رفیق اند

اُولٰٓئِكَ رَفِيْقًا ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ

ایشان این بخشایش از خدا است وبس است خدا

عِلِیْمٌ ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا
دانا و نیا فریدم جن و انس را
لِیَعْبُدُوْنِ ۝ وَمَآ اُرِیْدُ مِنْهُمْ مِّنْ رِّزْقٍ
مگر تا که پرستند مرا نمیخواهم از ایشان رزق را
وَّمَآ اُرِیْدُ اَنْ یُّطْعِمُوْنِ ۝ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الرَّزَّاقُ
که مرا طعام دهند هر آئینه خدا همونست رزق دهنده
ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِیْنُ ۝ وَمَآ اٰتٰىكُمُ الرَّسُوْلُ
خداوند توانائی استوار و هرچه بدهد شمارا پیغمبر
فَخُذُوْهُ وَمَا نَهٰىكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوْا وَاتَّقُوا اللّٰهَ
بگیرید آنرا و هرچه منع کند شمار از آن باز استید و بترسید از خدا

۶۸



اِنَّ اللّٰهَ شَدِیْدُ الْعِقَابِ ۝ وَاَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا
هر آئینه خدا سخت عقوبت کننده است و فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری
الرَّسُوْلَ فَاِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاِنَّمَا عَلٰی رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ
کنید رسول را پس اگر رو گردان شوید پس جز این نیست که بر پیغمبر پیغام رسانیدن
الْمُبِیْنُ ۝ یٰٓاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَلْتَنْظُرْ
آشکار است ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تامل کند
نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌ
هر شخص چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید از خدا هر آئینه خدا خبردار است
بِمَا تَعْمَلُوْنَ ۝ اِنَّا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ عَلَی السَّمٰوٰتِ
با نچه میکنید هر آئینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمان ها
وَالْاَرْضِ وَالْجِبَالِ فَاَبَیْنَ اَنْ یَّحْمِلْنَهَا وَاَشْفَقْنَ
و بر زمین و بر کوه ها پس قبول نکردند که بردارند آنرا و ترسیدند
مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهٗ كَانَ ظَلُوْمًا جَهُوْلًا ۝
از آن و برداشت آنرا آدمی هر آئینه آدمی هست ستمگار نادان

۶۹

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
درروایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ لَتَتَّبِعُنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا
وسلم هرآئینه پیروی خواهید کرد شما طریقهٔ پیشینیان را شبر بشبر ودست
بِذِرَاعٍ حَتَّى لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ تَبِعْتُمُوهُمْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ
بدست تا آنکه اگر در آمل شوند ایشان سوراخ سوسمار را پیروی خواهید کرد شما ایشان را گفتند ای پیغمبر خدا
الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى قَالَ فَمَنْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
اراده میکنی یهود و نصاری را فرمود پس کیستند متفق علیه و روایت است
عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
از عایشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم
مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هٰذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
کسیکه نو پیدا کرد در دین ما چیزے را که نیست ازین دین پس آنچیز مردود است متفق علیه
وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم
أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللهِ وَخَيْرَ الْهَدْيِ
در خطبه بعد از حمد و نعت پس بهترین سخنان کتاب خدا است و بهترین طریقه
هَدْيُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَرَّ الْأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا
طریقهٔ محمد است صلی الله علیه وسلم و بدترین چیزها آنست که نو پیدا کرده شده است
وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
و هر بدعت سبب گمراهی است رواه مسلم و روایت است از ابن عباس رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللهِ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دشمن داشته شده ترین مردم بسوی خدا

ثَلٰثَةٌ مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ وَمُبْتَغٍ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ
سه کس اند الحاد کننده در زمین حرم و طلب کننده در اسلام طریقه جاهلیت را
وَمُطَّلِبُ دَمِ امْرِئٍ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُهَرِيقَ دَمَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
و طلب کننده خون مردی را بنا حق برائے آنکه بریزد او را رواه بخاری
وَعَنْ أَبِي مُوسَى رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ مَا بَعَثَنِيَ اللهُ بِهِ كَمَثَلِ رَجُلٍ
وسلم جز این نیست که قصهٔ من و قصهٔ چیزی که فرستاده است مرا بروردگار بآن چیز مانند قصه مردیکه
أَتَى قَوْمًا فَقَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي رَأَيْتُ الْجَيْشَ بِعَيْنَيَّ وَإِنِّي أَنَا
آمد قومی را پس گفت ای قوم بدرستی که من دیده ام لشکر را بدو چشم خود بدرستیکه من
النَّذِيرُ الْعُرْيَانُ فَالنَّجَاءَ النَّجَاءَ فَأَطَاعَهُ طَائِفَةٌ مِنْ قَوْمِهِ
خبر خوف رساننده ام برهنه شتابی کنید شتابی کنید پس فرمانبرداری کردند باو بعض از قوم او
فَأَدْلَجُوا فَانْطَلَقُوا عَلَى مَهَلِهِمْ فَنَجَوْا وَكَذَّبَتْ طَائِفَةٌ
پس رفتند شبا شب پس رفتند براهستگی خود پس رستگاری یافتند و تکذیب کردند بعض
مِنْهُمْ فَأَصْبَحُوا مَكَانَهُمْ فَصَبَّحَهُمُ الْجَيْشُ فَأَهْلَكَهُمْ
از قوم وی پس صبح کردند و بایستادند بمکان خود پس صبح گردانید برایشان لشکر در آمد ایشان را پس هلاک گردانید ایشان را
وَاجْتَاحَهُمْ فَذٰلِكَ مَثَلُ مَنْ أَطَاعَنِي فَاتَّبَعَ مَا جِئْتُ بِهِ
و از بیخ برکند ایشان را پس این قصهٔ کسے است که فرمانبرداری کرد مرا پس پیروی کرد چیزی را که آورده ام آنرا
وَمَثَلُ مَنْ عَصَانِي وَكَذَّبَ مَا جِئْتُ بِهِ مِنَ الْحَقِّ
و حال کسیکه نافرمانی کرد مرا و دروغ داشت چیزے را که آورده ام من آنرا از نزد خدا
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ
متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا

صلی الله علیه وسلم حال من بچو حال مردی است که افروخت آتشی را

فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهَا جَعَلَ الْفَرَاشُ وَهٰذِهِ الدَّوَابُّ

پس هرگاه که روشن کرد آن آتش آنچه که گرد اوست گشت پروانه ها و این جنبندگان و کرمها

الَّتِي تَقَعُ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا وَجَعَلَ يَحْجُزُهُنَّ وَيَغْلِبْنَهُ

که عادت ایشان است که می افتند در آتش و در ساختن که منع میکند آنها را و غالب می آمدند او را بر آنکه

فَيَتَقَحَّمْنَ فِيهَا فَأَنَا آخِذٌ بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ وَأَنْتُمْ

پس اقتحام کردند در آتش پس من گیرنده ام جای بند ازار شما را که باز دارم شما را از آتش و شما

تَقَحَّمُونَ فِيهَا هٰذِهِ رِوَايَةُ الْبُخَارِيِّ وَلِمُسْلِمٍ نَحْوُهَا

از دحام میکنید در آن آتش این روایت بخاری است و مسلم را مانند این روایت است

وَقَالَ فِي آخِرِهَا قَالَ فَذٰلِكَ مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ أَنَا آخِذٌ

و گفته است مسلم در پایان روایت خود گفت پس آن مذکور حال من و حال شما است و من گیرنده ام

بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ فَتَغْلِبُونِي

جای بندهای ازار شما را از آتش بیائید بسوی من از آتش پس غالب می آئید مرا

تَقَحَّمُونَ فِيهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ

می افتید در آتش متفق علیه و روایت است از ابی هریره رضـ

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ دَجَّالُونَ كَذَّابُونَ يَأْتُونَكُمْ

می باشد در آخر الزمان تلبیس کنندگان دروغ گویان می آرند شما را

مِنَ الْأَحَادِيثِ بِمَا لَمْ تَسْمَعُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ

از احادیث آنچه نشنیده آید شما و نه پدران شما

فَإِيَّاكُمْ وَإِيَّاهُمْ لَا يُضِلُّونَكُمْ وَلَا يَفْتِنُونَكُمْ

دور دارید خود را ایشان را از خود گمراه نگردانند و در فتنه نیندازند شما را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه مسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا

صلی الله علیه وسلم بس است مرد را از روی دروغ

أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

اینکه حدیث کند هر چیزی را که شنیده است رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ

کسیکه بخواند بسوی راه راست باشد او را اجر مقدار

أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ

مزدهای کسانیکه پیروی میکنند او را کم نمیکند این از

أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ

اجرهای ایشان چیزی را و کسیکه بخواند کسی را بگمراهی

۴۵ و لعد از توبه و رجوع اقرار بدان می کردند والله اعلم کذا قال شیخ الهند در مقدمه شرح مشکوة

كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ

باشد بر وے از بزه مقدار بزه های کسانیکه پیروی کنند اورا

لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ

کم نمی کند این از آثام ایشان چیزی را رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مسلم وروایت است از وی رضه گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا

صلی الله علیه وسلم پیدا شد اسلام در آغاز کار غریب

وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَىٰ لِلْغُرَبَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و در نهایت که بازگردد غریب چنانکه در ابتدا بود پس خوشی باد مر غریبان را رواه مسلم

---

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ

وروایت است از وی رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

الْإِيمَانَ لَيَأْرِزُ إِلَى الْمَدِينَةِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ إِلَىٰ جُحْرِهَا

ایمان گرد می آید بسوی مدینه چنانکه باز می گردد مار بسوی سوراخ خود

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رضه قَالَ فِي

متفق علیه است وروایت است از عرباض ابن ساریه رضه گفت در

حَدِيثِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي

حدیث خود از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس لازم گیرید بر خود سنت من

وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ تَمَسَّكُوا بِهَا

وسنت خلفاء راشدین که راه یافتگان اند چنگ در زنید بسنت من

وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الْأُمُورِ

وسخت بگزید بر سنت دندانها را و دور دارید خود را از کارهاے نو پیدا

فَإِنَّ كُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ

پس بدرستیکه هر خصلت که احداث کرده شود بدعت است و هر بدعت ضلالت است رواه احمد

وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو

وابوداود وترمذی وابن ماجه وروایت است از عبدالله ابن عمرو

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد

اَحَدُكُمْ حَتّٰى يَكُوْنَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهٖ

یکے از شما تا آنکہ باشد ہوای نفس او تابع مرچیزے راکہ آوردم من آنرا

رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ بِلَالِ ابْنِ الْحَارِثِ

روایت کرد در شرح سنتہ این حدیث را و روایت است از بلال ابن حارث

الْمُزَنِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

مزنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَحْيٰى سُنَّةً مِنْ سُنَّتِيْ

علیہ وسلم کسیکہ زندہ گرداند سنتی از سنتہائے مرا

قَدْ اُمِيْتَتْ بَعْدِيْ فَاِنَّ لَهٗ مِنَ الْاَجْرِ مِثْلَ اُجُوْرِ

کہ بہ تحقیق میرا نیدہ شدہ است پس از من بدرستی کہ مراو راست از مزد باشد مزدہائی

مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ اَنْ يَنْقُصَ مِنْ اُجُوْرِهِمْ

کسانیکہ کار میکنند آن سنت بی آنکہ کم کردہ شود از مزدہائے ایشان

شَيْئًا وَمَنِ ابْتَدَعَ بِدْعَةً ضَلَالَةً لَا يَرْضَاهَا اللّٰهُ

چیزے و کسیکہ بدعت پیدا کرد بدعت ضلالت کہ راضی نیست ازان بدعت خدا

وَرَسُوْلُهٗ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْاِثْمِ مِثْلُ اٰثَامِ مَنْ عَمِلَ بِهَا

پیغمبر خدا باشد بروی از بزہ مقدار بزہہائی کسانیکہ پیروی کردہ اند

لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ اَوْزَارِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

او را کم نیکند ازین از آثام ایشان چیزیرا رواہ ترمذی و روایت است

عَمْرِو بْنِ عَوْفٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از عمر بن عوف رضی اللہ عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اِنَّ الدِّيْنَ لَيَاْرِزُ اِلَى الْحِجَازِ كَمَا تَاْرِزُ الْحَيَّةُ

وسلم بدرستیکہ اسلام گردمی آید بسوی حجاز چنانچہ باز میگردد مار

اِلٰى جُحْرِهَا وَلَيَعْقِلَنَّ الدِّيْنُ مِنَ الْحِجَازِ مَعْقِلَ الْاُرْوِيَّةِ

بسوئی سوراخ خود ہر آئینہ پناہ بجوید دین از زمین حجاز ہمچو پناہ جستن بز کوہی

مِنْ رَاْسِ الْجَبَلِ اِنَّ الدِّيْنَ بَدَاَ غَرِيْبًا وَسَيَعُوْدُ كَمَا بَدَاَ

از سر کوہی بدرستیکہ پیدا شدہ است غریب و تنہا و قریب است کہ باز گردد چنانکہ

فَطُوْبٰى لِلْغُرَبَاءِ وَهُمُ الَّذِيْنَ يُصْلِحُوْنَ مَا اَفْسَدَ النَّاسُ

بود پس خوشی خبری باد مر غریبان را و غریبان آن کسان اند کہ نیکوی سازند چیزیرا کہ بد ساختہ اند مردم

مِنْ بَعْدِيْ مِنْ سُنَّتِيْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

بعد از من از سنت من رواہ ترمذی و روایت است از عبد اللہ

ابْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لَيَاْتِيَنَّ عَلٰى اُمَّتِيْ كَمَا اَتٰى عَلٰى بَنِيْ اِسْرَائِيْلَ حَذْوَ النَّعْلِ

ہر آئینہ بیاید برامت من مانند آنچہ آمدہ بر بنی اسرائیل مطابق یکدیگر

بِالنَّعْلِ حَتّٰى اِنْ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ اَتٰى اُمَّهٗ عَلَانِيَةً لَكَانَ

تا آنکہ اگر بود از بنی اسرائیل کسیکہ آمد مادر خود را آشکارا ہر آئینہ باشد

فِي أُمَّتِي مَنْ يَصْنَعُ ذٰلِكَ وَاِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ

در امت من کسیکه بکند آن فعل شنیع را و هر آئینه بنی اسرائیل

تَفَرَّقَتْ عَلٰى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِيْنَ مِلَّةً وَتَفَرَّقُ

جدا شدند بهفتاد و دو ملت و جدا خواهد شد

أُمَّتِي عَلٰى ثَلٰثٍ وَّسَبْعِيْنَ مِلَّةً كُلُّهُمْ

امت من بر هفتاد و سه مذهب همه ایشان

فِي النَّارِ اِلَّا مِلَّةً وَّاحِدَةً قَالُوْا مَنْ هِيَ يَا

مستحق در آمدن دوزخ باشند مگر یک ملت گفتند کیست آن یک ملت ا

رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ مَا أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي رَوَاهُ

پیغمبر خدا فرمود آن ملت که من بر آنم و صحابه من بر آنند رواه

التِّرْمِذِيُّ وَفِي رِوَايَةِ أَحْمَدَ وَأَبِي دَاوُدَ

ترمذی و در روایت است احمد و ابی داود

عَنْ مُعَاوِيَةَ ثِنْتَانِ وَسَبْعُوْنَ فِي النَّارِ

از معاویه آمده که اهل هفتاد و دو ملت در آتش اند

٧٨

وَّوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الْجَمَاعَةُ وَاِنَّهُ سَيَخْرُجُ

و اهل یک ملت در بهشت و آن یکی جماعت است بدرستی که زود باشد که بیرون آیند

فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ تَتَجَارٰى بِهِمْ تِلْكَ الْأَهْوَاءُ

در امت من گروه های که روان میشود با ایشان آن اهوا

كَمَا يَتَجَارَى الْكَلْبُ بِصَاحِبِهِ لَا يَبْقٰى مِنْهُ عِرْقٌ

چنانکه سرایت می کند گزیدن سگ صاحب خود را باقی نماند از صاحب او هیچ رگی

وَلَا مَفْصَلٌ اِلَّا دَخَلَهُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ

و بندی مگر در می آید در آن و روایت است از ابن عمر رضی الله گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَجْمَعُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که گرد نمی آرد خدا

أُمَّتِي أَوْ قَالَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

امت مرا یا گفت امت محمد صلی الله علیه وسلم

عَلٰى ضَلَالَةٍ وَّيَدُ اللّٰهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَمَنْ شَذَّ شُذَّ

بر گمراهی و دست احسان خدا بر جماعت است و کسیکه تنها افتد از جماعت انداخته شود

٧٩

فِي النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

در آتش رواه ترمذی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّبِعُوا السَّوَادَ الْاَعْظَمَ فَاِنَّهُ مَنْ شَذَّ شُذَّ

الله علیه وسلم پیروی کنید جمهور را بدرستیکه شان اینست که کسیکه تنها افتاد از جماعت انداخته شود

فِي النَّارِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ لِي

در آتش رواه ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود مرا

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بُنَيَّ اِنْ قَدَرْتَ اَنْ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ای پسرک من اگر توانی که

تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ وَلَيْسَ فِي قَلْبِكَ غِشٌّ لِاَحَدٍ فَافْعَلْ

صبح کنی و شام کنی و حال آنکه نیست در دل تو کینه برای هیچ کسی پس بکن

ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ وَذٰلِكَ مِنْ سُنَّتِي وَمَنْ اَحَبَّ سُنَّتِي فَقَدْ

پس گفت ای پسرک من و این کار از سنت من است و کسیکه دوست داشت سنت مرا پس بتحقیق

اَحَبَّنِي وَمَنْ اَحَبَّنِي كَانَ مَعِي فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

دوست دارد مرا کسیکه دوست دارد مرا باشد با من در بهشت رواه ترمذی

وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فَسَادِ اُمَّتِي فَلَهُ

علیه وسلم کسیکه چنگ در زند به سنت من نزد فساد امت من پس او راست



اَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ لَهُ مِنْ

مزد و ثواب صد شهید رواه بیهقی در کتاب الزهد که تصنیف او است از

حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

از حدیث ابن عباس رض و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ مَنْ تَرَكَ مِنْكُمْ عُشْرَ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه شما در زمانی هستید که هرکه نکند از شما دهم حصه

مَا اُمِرَ بِهِ هَلَكَ ثُمَّ يَاْتِي زَمَانٌ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ بِعُشْرِ

آنچه امر کرده شده است بدان هلاک شود پستر می آید زمانیکه هرکه بکند از ایشان دهم حصه

مَا اُمِرَ بِهِ نَجَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

آنچه امر کرده شده است بدان نجات یابد رواه ترمذی و روایت است از معاذ ابن جبل رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الشَّيْطَانَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان

ذِئْبُ الْاِنْسَانِ كَذِئْبِ الْغَنَمِ يَاْخُذُ الشَّاذَّةَ وَالْقَاصِيَةَ

گرگ آدمی است مانند گرگ گوسفند که بگیرد گوسفند را که از انس ناگیرنده است و

وَالنَّاحِيَةَ وَاِيَّاكُمْ وَالشِّعَابَ وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ

دور رونده از گله و یک جانب افتاده است و دور دارید خود را از راهها ے میان کوه

الْعَامَّةِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِي ذَرٍّ قَالَ قَالَ

کثیر را رواه احمد و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه جدائی کرد جماعت را

شِبْرًا فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْاِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ رَوَاهُ اَحْمَدُ

مقدار یک شبر پس بتحقیق برکشید ربقه اسلام را از گردن خود رواه احمد

٨٢

وابوداود وعن ابراهيم بن ميسرة رض

وابوداود و روایت است از ابراهیم ابن میسره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من وقر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه تعظیم کرد

صاحب بدعة فقد اعان على هدم الاسلام

خداوند بدعت را پس تحقیق مدد کرد بر ویران کردن دین اسلام

رواه البيهقي في شعب الايمان مرسلا وعن

رواه بیهقی در شعب الایمان مرسل و روایت است از

ابن مسعود رض قال من كان مستنا فليستن بمن

ابن مسعود رض گفت کسیکه خواهد که برود راه راست پس باید که برود راه

قد مات فان الحي لا تؤمن عليه الفتنة اولئك

کسیکه تحقیق از عالم گذشته اند پس بدرستیکه زندگان ایمنی کرده نمیشود بر ایشان از فتنه

اصحاب محمد صلى الله عليه وسلم كانوا افضل

یاران محمد صلی الله علیه وسلم اند که بودند فاضلتر

هذه الامة ابرها قلوبا واعمقها علما واقلها

از همه گروه این امت است و این امت دیگر تر از روی دلها و دانشها و کمتر

تكلفا اختارهم الله لصحبة نبيه ولاقامة دينه

از روی تکلف برگزید ایشان را خدا از برای صحبت پیغمبر خود و برای برپا داشتن دین وی

٨٣

فاعرفوا لهم فضلهم واتبعوهم على اثرهم وتمسكوا

پس بشناسید برای ایشان فضل ایشان و پیروی کنید ایشان را بر نشانهای ایشان و چنگ زنید

بما استطعتم من اخلاقهم وسيرهم فانهم كانوا

بانچه توانید از خویها سیرتهای و روشهای ایشان که تحقیق بودند

على الهدى المستقيم رواه رزين وعن

بر راه راست رواه رزین و روایت است از

انس رض انه قال قال رسول الله صلى الله عليه

انس رض بدرستیکه وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لا يؤمن احدكم حتى اكون احب اليه

وسلم ایمان نمی آرد یکی از شما تا آنکه باشم دوست داشته تر بسوی او

من نفسه وماله وولده ووالده والناس اجمعين

از جان او و از مال او و از فرزند او و پدرش و مردمان همه

رواه الشيخان واحمد والنسائي وابن ماجة

رواه شیخان و احمد و نسائی و ابن ماجه

وَقِيْلَ لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَتٰى اَكُوْنُ

وگفته شد مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم کی باشم

مُؤْمِنًا وَفِيْ لَفْظٍ اٰخَرَ مُؤْمِنًا صَادِقًا قَالَ اِذَا اَحْبَبْتَ

مومن ودر لفظ آخر مومن صادق گفت چون دوست داشته باشی

اللّٰهَ فَقِيْلَ وَمَتٰى اُحِبُّ اللّٰهَ فَقَالَ اِذَا اَحْبَبْتَ رَسُوْلَهٗ

خدا را پس گفته شد وکی باشم که دوست دارم خدا را پس فرمود چون دوست داشتی پیغمبر او

فَقِيْلَ وَمَتٰى اُحِبُّ رَسُوْلَهٗ قَالَ اِذَا اتَّبَعْتَ طَرِيْقَتَهٗ

پس گفته شد وکی دوست دارم پیغمبر او را فرمود چون پیروی کنی طریقه او را

وَاسْتَعْمَلْتَ سُنَّتَهٗ وَاَحْبَبْتَ بِحُبِّهٖ وَاَبْغَضْتَ بِبُغْضِهٖ

وعمل کنی سنت او را ودوست داری کسی را بسبب دوستی وے ودشمن داری کسے را بسبب دشمنی وی

وَوَالَيْتَ بِوَلَايَتِهٖ وَعَادَيْتَ بِعَدَاوَتِهٖ وَيَتَفَاوَتُ

ودوست شوی بدوستی وے وعداوت کنی بعداوت وے ومتفاوت اند

النَّاسُ فِي الْاِيْمَانِ عَلٰى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِيْ مَحَبَّتِيْ

مردمان در ایمان بمقدار تفاوت ایشان در محبت من

۸۴

وَيَتَفَاوَتُوْنَ فِي الْكُفْرِ عَلٰى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِيْ بُغْضِيْ اَلَا

ومتفاوت میشوند در کفر باندازه تفاوت ایشان در بغض من آگاه باشی

لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهٗ اَلَا لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهٗ

نیست ایمان مر آن شخص را که نیست محبت مر ورا آگاه باش نیست ایمان مر آنکس را که نیست محبت مر او را

اَلَا لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهٗ كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقِيْلَ

آگاه باش نیست ایمان مر آنکس را که نیست محبت آنرا چنین است در دلائل خیرات وگفته شد

لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَرٰى مُؤْمِنًا يَخْشَعُ وَ

مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را می بینیم مومنے را که خوف میکند

مُؤْمِنًا لَا يَخْشَعُ مَا السَّبَبُ فِيْ ذٰلِكَ فَقَالَ مَنْ وَجَدَ لِاِيْمَانِهٖ

ومومنے را که خوف نمیکند چیست سبب دران میان پس گفت که هر که می یابد برای ایمان خود

حَلَاوَةً خَشَعَ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهَا لَمْ يَخْشَعْ فَقِيْلَ بِمَ تُوْجَدُ

ذائقه خوف میکند وکسیکه نیافت آنرا خوف نمی کند پس گفته شد بچه یافته میشود آن حلاوت

اَوْ بِمَ تُنَالُ وَبِمَا تُكْتَسَبُ قَالَ بِصِدْقِ الْحُبِّ فِي اللّٰهِ فَقِيْلَ

یا بچه حاصل کرده میشود وبچه کسب کرده میشود گفت براستی محبت در مقدمه خدا پس گفته شد

وَبِمَ يُوْجَدُ حُبُّ اللّٰهِ اَوْ بِمَ يُكْتَسَبُ فَقَالَ بِحُبِّ رَسُوْلِهٖ

وبچه یافته میشود محبت خدا یا بچه کسب کرده میشود پس گفت بسبب محبت پیغمبر وی

فَالْتَمِسُوْا رِضَاءَ اللّٰهِ وَرِضَاءَ رَسُوْلِهٖ فِيْ حُبِّهِمَا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ

پس بجوئید رضاے خدا ورضاے پیغمبر او در محبت هر دو چنانست در دلائل الخیرات

۸۵

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ آلُ مُحَمَّدٍ

وگفته شد مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را کیستند آل محمد

اَلَّذِينَ أُمِرْنَا بِحُبِّهِمْ وَإِكْرَامِهِمْ وَالْبِرِّ بِهِمْ فَقَالَ

آنانکه امر کرده شده ایم بمحبت ایشان وگرامی کردن ایشان ونیکوکاری کردن با ایشان پس گفت

أَهْلُ الصَّفَاءِ وَالْوَفَاءِ مَنْ آمَنَ وَأَخْلَصَ قِيلَ وَمَا عَلَامَاتُهُمْ

صاحب صفا و وفا آنکسان که ایمان آورد ونمود خالص کردند پس گفته شد چیست نشانهای ایشان

فَقَالَ إِيثَارُ مَحَبَّتِي عَلَى كُلِّ مَحْبُوبٍ وَاشْتِغَالُ الْبَاطِنِ

پس گفت اختیار کردن محبت من بر همه دوست داشته شده ومشغول داشتن باطن خود را

بِذِكْرِي بَعْدَ ذِكْرِ اللّٰهِ وَفِي أُخْرَى عَلَامَتُهُمْ إِدْمَانُ

بذکر من بعد از ذکر خدا ودر روایت دیگر نشان ایشان دوام کردن

ذِكْرِي وَالْإِكْثَارُ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ دَلَائِلُ وَقِيلَ

ذکر من وبسیار درود فرستادن بر من است دلائل وگفته شد

لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ الْقَوِيُّ فِي الْإِيمَانِ

مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کیست قوی در ایمان آوردن

بِكَ فَقَالَ مَنْ آمَنَ بِي وَلَمْ يَرَنِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ بِي عَلَى

بتو پس فرمود کسیکه ایمان آورد بمن وندید مرا پس بدرستیکه وی مؤمن است بمن بر

شَوْقٍ مِنْهُ وَصِدْقٍ فِي مَحَبَّتِي وَعَلَامَةُ ذٰلِكَ مِنْهُ أَنَّهُ

خرقیکه او راست وبر صدق که در محبت من است ونشان اینکار از او آنست که او

يَوَدُّ رُؤْيَتِي بِجَمِيعِ مَا يَمْلِكُ وَفِي أُخْرَى مِلْءَ الْأَرْضِ

دوست میدارد دیدار مرا باتمام آنچیکه مالک شده است ودر روایت دیگر لفظ ملء الارض

ذَهَبًا ذٰلِكَ الْمُؤْمِنُ بِي حَقًّا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ

زر است آنکس مؤمن است بمن حقیقة چنین است در دلایل وگفته است

٨٦

صَاحِبُ الْمَطَالِعِ فِي هٰذِهِ الْأَحَادِيثِ الْأَرْبَعَةِ لَا

صاحب المطالع درین چهار حدیث که

أَعْرِفُهَا وَلَمْ أَجِدْهَا كُتُبَ الْعِلْمِ إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ

نمی شناسم اینها را ونیافتم این هر چهار را جز این نیست میترسند خدا را

مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰؤُا وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ

عالمان از بندگان او وشتابی مکن بخواندن قرآن پیش از آنکه

أَنْ يُقْضٰى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

انجام رسانیده شود بسوی تو وحی او را وبگو ای پروردگار من بیفزا مرا دانش

## بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الْعِلْمِ

٨٧

٨٨

وَالْعُلَمَاءِ وَعَنْ كَثِيرِ بْنِ قَيْسٍ رض قَالَ كُنْتُ

و روایت است از کثیر ابن قیس رض گفت بودم من

جَالِسًا مَعَ أَبِي الدَّرْدَاءِ فِي مَسْجِدِ دِمَشْقَ فَجَاءَهُ رَجُلٌ

نشسته با ابودرداء رض در مسجد دمشق پس آمد او را مردے

فَقَالَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ إِنِّي جِئْتُكَ مِنْ مَدِينَةِ الرَّسُولِ

پس گفت اے ابودرداء بدرستیکہ من آمدم ترا از مدینہ پیغمبر

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَدِيثٍ بَلَغَنِي أَنَّكَ تُحَدِّثُهُ

صلے اللہ علیہ وسلم جہت شنیدن حدیثے کہ رسیدہ است مرا کہ تو خبر میدہی از آن

عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا جِئْتُ لِحَاجَةٍ

از پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیامدہ ام از جہت حاجتے دیگر

قَالَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت پس بدرستیکہ من شنیدہ ام پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم را

يَقُولُ مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللهُ بِهِ

گفت کسے کہ برود راہ را کہ طلب کند در وے علمے ببرد خدا او را

طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا

براہے از راہ ہاے بہشت و بدرستیکہ فرشتگان برآئینہ می نہند بازوہاے خود را

رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ

بجہت رضامندی طالب علم و بدرستیکہ عالم برآئینہ آمرزش میخواہد براے او ہرکہ

٨٩

فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ

در آسمان است و ہرکہ در زمین است و ماہیان در میان آب

وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ

و بدرستیکہ فضیلت عالم بر عابد ہمچو فضل ماہ شب

الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ

چہاردہم است بر باقی ہمہ کواکب و بدرستیکہ عالمان وارثان

الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا

پیغمبران اند و بدرستیکہ پیغمبران وارث نگردانیدند دینار را و نہ درہم را

وَإِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ رَوَاهُ

و نگذاشتہ اند میراث مگر علم را پس کسیکہ گرفت علم را گرفت نصیبے تمام روایت کرد

أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

احمد و ترمذی و ابو داؤد و ابن ماجہ

وَالدَّارِمِيُّ وَسَمَّاهُ التِّرْمِذِيُّ قَيْسَ بْنَ كَثِيرٍ

و دارمی و نام داشت راوی را ترمذی بہ قیس ابن کثیر

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ

علیہ وسلم چون بمیرد آدمی بریدہ می شود از وے ہر عملے کہ میکند

إِلَّا مِنْ ثَلٰثَةٍ مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ

مگر از سه عمل یکے از آن صدقۂ جاریہ و یا علمے کہ نفع گرفته شود

بِهٖ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بآن یا فرزند نیک کردار که دعا کند اورا رواہ مسلم و روایت است

ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا فِي الْإِثْنَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

وسلم نیست حسد مگر درین دو کس مردیکه داد اورا خدا

مَالًا فَسَلَّطَهٗ عَلٰى هَلَكَتِهٖ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

مال پس برگماشت وے تعالے آنمرد را بر ہلاک کردن آنمال در طاعت حق و مردیکه داد اورا خدا

الْحِكْمَةَ فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

حکمت پس آن مرد عمل میکند بدان و تعلیم میکند آنرا متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت است از عبد اللہ بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً

صلے اللہ علیه وسلم برسانید از من اگرچه آیتے باشد

وَحَدِّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ

و حکایت کنید از بنی اسرائیل و نیست گناہے



وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهٗ مِنَ النَّارِ

و ہر کہ دروغ بر بندد بر من قصداً پس بایدکه بگیرد جاے نشست خود را از آتش

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

رواہ بخاری و ہم از وے روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً

صلے اللہ علیه وسلم کسیکه رہائش دہد و دور گرداند ہطالی اندوہ را

مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللّٰهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ

از اندوہ ہاے دنیا آسائش دہد و دور گرداند خدا تعالی از آنکس اندوہ را از

كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلٰى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

اندوہ ہاے روز قیامت و کسیکه آسان گرداند کار بر شخصے که در وے دشواری افتادہ است آسان گرداند

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللّٰهُ فِي

بروے حق تعالی در دنیا و آخرت و کسیکه بپوشد عیب مسلمانی را بپوشد خدا تعالے

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللّٰهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ

در دنیا و آخرت و خدا تعالے در یاری کردن بندہ است مادام که بندہ

فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللّٰهُ

در یاری کردن برادر خود است و کسیکه برود راہی که طلب میکند در وے علمی را آسان گرداند حق تعالی

لَهٗ بِهٖ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللّٰهِ

مر آنکس را بسبب آن طریق راہے بہشت و نفراہم آیند گروہے در خانه از خانہا ے خدا

يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم إلا نزلت
که بخوانند قرآن را بطریق ورد و تعلیم کنند از یکدیگر قرآن که فرود آید برایشان
عليهم السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتهم
آرام باطن بپوشد ایشان را رحمت و گرد بگیرند ایشان را
الملائكة وذكرهم الله فيمن عنده ومن بطأ
فرشتگان ، یاد کند ایشان را خدا تعالی در میان جمع که نزد او یند و کسیکه
به عمله لم يسرع به نسبه رواه مسلم
پس انداخت او را عمل او پیش نمی آرد او را نسب او رواه مسلم
وعن أبي أمامة الباهلي رضـ قال ذكر
روایت است از ابی امامه باهلی رضـ گفت ذکر کرده شد برای
لرسول الله صلى الله عليه وسلم رجلان
رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو مرد یکی
أحدهما عابد والآخر عالم فقال رسول الله
از آن دو مرد عابد و دیگر عالم پس فرمود پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم فضل العالم على العابد
صلی الله علیه وسلم فضل عالم بر عابد
كفضلي على أدناكم ثم قال رسول الله صلى الله
همچو فضل من است بر ادنای شما پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله



عليه وسلم إن الله وملائكته وأهل السموات
علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی و فرشتگان او و آسمانیان
والأرض حتى النملة في جحرها وحتى الحوت ليصلون
و زمینیان تا مور چه در سوراخ خود و تا ماهی هر آئینه درود میفرستند
على معلم الناس الخير رواه الترمذي وعن
بر تعلیم کننده خیر مردم را رواه ترمذی و روایت است
أبي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
از ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
الكلمة الحكمة ضالة الحكيم فحيث وجدها فهو
سخن علم و حکمت چیز گم شده حکیم است پس هر جا که یافت آن کلمه را پس الحکیم
أحق بها رواه الترمذي وابن ماجة وعن
سزاوارتر است بآن کلمه رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از
ابن عباس رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه
ابن عباس رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم فقيه واحد أشد على الشيطان من ألف
وسلم یکی فقیه سخت تر است بر شیطان از هزار
عابد رواه الترمذي وابن ماجة وعن أنس رضـ
عابد رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از انس رضـ

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَلَبُ الْعِلْمِ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب علم
فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَوَاضِعُ الْعِلْمِ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ
فرض است بر ہر مسلم و نہندہ علم نزد کسیکہ اہل آن نیست
كَمُقَلِّدِ الْخَنَازِيرِ الْجَوْهَرَ وَاللُّؤْلُؤَ وَالذَّهَبَ
ہمچو اندازندہ است بگردن خوکان قلادہ جواہر و مروارید و طلا
رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ
رواہ ابن ماجہ و روایت کرد بیہقی در شعب ایمان
إِلَى قَوْلِهِ مُسْلِمٍ وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ مَتْنُهُ مَشْهُورٌ
تا قول او کہ مسلم است و گفت این حدیث حدیثی است کہ متنش مشہور است
وَإِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ وَقَدْ رُوِيَ مِنْ أَوْجُهٍ كُلُّهَا ضَعِيفٌ
در میان مردم و اسناد او ضعیف است و تحقیق روایت کردہ شدہ است بوجوہ کہ ہمہ ضعیف است
وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ خَرَجَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَهُوَ فِي سَبِيلِ
علیه وسلم کسیکہ بیرون آمد برای طلب علم پس وے در راہ
اللّٰهِ حَتَّى يَرْجِعَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ
خدا است تا ہنگام باز گشتن رواہ ترمذی و دارمی

وَعَنْ سَخْبَرَةَ الْأَزْدِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
روایت است از سخبرہ ازدی رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ كَانَ كَفَّارَةً
صلی الله علیه وسلم ہر کہ طلب کند علم را باشد این طلب او کفارت
لِمَا مَضَى رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ
گناہان را کہ گذشتہ است رواہ ترمذی و دارمی و روایت است از ابی سعید
الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
لَنْ يَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَسْمَعُهُ حَتَّى يَكُونَ مُنْتَهَاهُ
ہرگز سیر نگردد مومن از شنیدن سخن نیک تا آنکہ بباشد عاقبت کار او
الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ سَمِعْتُ
بہشت رواہ ترمذی و روایت است از ابن مسعود رض گفت شنیدم
رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ نَضَّرَ اللّٰهُ
پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم کہ میگفت تر و تازہ گرداند خدای

إمْرَأً سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ أَوْعَى لَهُ مِنْ

مردیرا کہ شنید از ما چیزے را پس رسانید آنرا ہمچنانکہ شنید آنرا پس بسا کسیکہ رسانیدہ شود بوی نگاہ دارندہ تر باشد از

سَامِعٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ رض

شنوندہ رواہ ترمذی و روایت است از عوف ابن مالک اشجعی رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقُصُّ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم وعظ نگوید

إِلَّا أَمِيرٌ أَوْ مَأْمُورٌ أَوْ مُخْتَالٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

مگر حاکم یا کسیکہ امر کردہ است او را حاکم یا مرد متکبر رواہ ابوداؤد و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ

أُفْتِيَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ وَمَنْ أَشَارَ عَلَى

فتوے دہد بیدانش باشد گناہ او بر کسے کہ استفتا نمود او را و کسیکہ امر کرد

أَخِيهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرُّشْدَ فِي غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ رَوَاهُ

برادر خود را بکارے کہ میداند اینکہ صلاح کار در غیر آن کار است پس بتحقیق خیانت کرد او را

أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض قَالَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

ابوداؤد و روایت است از معاویہ رض گفت بدرستیکہ پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْأُغْلُوطَاتِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

وسلم نہی کرد از اغلوطات یعنی از مغالطات رواہ ابوداؤد و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض رِوَايَةً يُوشِكُ أَنْ يَضْرِبَ النَّاسُ أَكْبَادَ

از ابی ہریرہ رض بطریق روایت نزدیکست کہ بزنند مردم جگرہاے

الْإِبِلِ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ فَلَا يَجِدُونَ أَحَدًا أَعْلَمَ

شتر را در حالیکہ طلب می کنند علم را پس نیابند ہیچ یکے را داناتر

مِنْ عَالِمِ الْمَدِينَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

از عالم مدینہ مطہرہ رواہ ترمذی

وَعَنْهُ فِيمَا اَعْلَمُ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از وے در انچہ میدانم از پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم اینحدیث فرمود
قَالَ اِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْعَثُ لِهٰذِهِ الْاُمَّةِ عَلٰى رَاْسِ كُلِّ
پیغمبر خدا تحقیق خدا بر انگیزد برائے نفع این امت بر سر هر
مِائَةِ سَنَةٍ مَنْ يُّجَدِّدُ لَهَا دِيْنَهَا رَوَاهُ اَبُوْ دَاؤُدَ وَعَنِ
صد سالے کسے را کہ نو می گرداند برائے است دین او را رواہ ابو داؤد و روایت است
الْحَسَنِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
حسن رض از وے مرسل گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
مَنْ جَاءَهُ الْمَوْتُ وَهُوَ يَطْلُبُ الْعِلْمَ لِيُحْيِيَ بِهِ الْاِسْلَامَ
کسیکه بیاید موت او را حال آنکه وے طلب می کند علم را تا زنده گرداند بآن علم دین اسلام
فَبَيْنَهٗ وَبَيْنَ النَّبِيِّيْنَ دَرَجَةٌ وَّاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ
پس میان او و میان پیغمبران یکپایه تفاوت است در جنت رواه
الدَّارِمِيُّ وَعَنْ وَاثِلَةَ بْنِ الْاَسْقَعِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ
دارمی و روایت است از واثله بن اسقع رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ فَاَدْرَكَهٗ كَانَ لَهٗ
صلے اللہ علیہ وسلم کسیکه بجوید علم دین را پس دریابد آنرا باشد مر او را
كِفْلَانِ مِنَ الْاَجْرِ فَاِنْ لَّمْ يُدْرِكْهُ كَانَ لَهٗ كِفْلٌ مِّنَ الْاَجْرِ
دو نصیب از ثواب پس اگر در نیافت آن علم را باشد مر او را یک ثواب

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ
رواه دارمی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهٖ
صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکه از آنچه میرسد مسلمان را از ثواب کردار وے
وَحَسَنَاتِهٖ بَعْدَ مَوْتِهٖ عِلْمًا عَلَّمَهٗ وَنَشَرَهٗ وَوَلَدًا
و از نیکی هاے وے بعد از مرگ وے علمیست که دانست او را و پراگنده کرد آن را و فرزند
صَالِحًا تَرَكَهٗ اَوْ مُصْحَفًا وَّرَّثَهٗ اَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ اَوْ بَيْتًا
نیک کردار که گذاشت او را یا مصحفے که بارث گذاشت او را یا مسجدے که بنا کرد او را
لِابْنِ السَّبِيْلِ بَنَاهُ اَوْ نَهْرًا اَجْرَاهُ اَوْ صَدَقَةً اَخْرَجَهَا
که برائے مسافر آنرا بنا کرده است یا نهرے که روان ساخت آنرا یا صدقه که بیرون آورد آنرا
مِنْ مَّالِهٖ فِيْ صِحَّتِهٖ وَحَيٰوتِهٖ تَلْحَقُهٗ بَعْدَ مَوْتِهٖ
از مال خود در تندرستی خود و در حیوة خود میرسد ثواب این چیزها آن مسلمان را پس مرگ او
رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ
رواه ابن ماجه و بیهقی در شعب الایمان
وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّهَا قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ
و روایت است از عائشه رض بدرستیکه گفت شنیدم من آنحضرت را
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ اَوْحٰى اِلَيَّ
صلے اللہ علیہ وسلم میگفت بدرستیکه خدا تعالے وحی کرد بسوے من

أَنَّهُ مَنْ سَلَكَ مَسْلَكًا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ سَهَّلْتُ لَهُ طَرِيقَ

بدرستیکه هر که رود در راهی در طلب علم آسان گردانم مراورا راه

الْجَنَّةِ وَمَنْ سَلَبْتُ كَرِيمَتَيْهِ أَثَبْتُهُ عَلَيْهِمَا الْجَنَّةَ وَفَضْلٌ

بهشت و کسیکه بربایم من هر دو چشم اورا ثواب میدهم اورا در مقابله دو چشم بهشت و زیادتی

فِي عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ فَضْلٍ فِي عِبَادَةٍ وَمِلَاكُ الدِّينِ الْوَرَعُ

در علم بهتر است از زیادتی در عبادت و سبب استحکام و قوت دین ورع و تقوی است

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

روایت کرده بیهقی در شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ تَدَارُسُ الْعِلْمِ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ خَيْرٌ مِنْ إِحْيَائِهَا

گفت درس گفتن علم یک ساعت از شب بهتر است از زنده گردانیدن تمام شب

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رض أَنَّ

روایت کرده دارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض بدرستیکه

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِمَجْلِسَيْنِ فِي مَسْجِدِهِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بدو مجلس که در مسجد شریف وی بود

فَقَالَ كِلَاهُمَا عَلَى خَيْرٍ وَأَحَدُهُمَا أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ أَمَّا

پس فرمود آنحضرت اهل هر دو مجلس ثابت اند بر نیکی و یکی از آن دو اهل مجلس فاضلتر است از دیگر اما

هٰؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللهَ وَيَرْغَبُونَ إِلَيْهِ فَإِنْ شَاءَ

این جماعت مشغول اند بدعا پس میخوانند خدا را و رغبت می کنند بسوی او پس اگر میخواهد

أَعْطَاهُمْ وَإِنْ شَاءَ مَنَعَهُمْ وَأَمَّا هٰؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ

میدهد ایشان را و اگر میخواهد منع کند ایشان را و اما این طایفه که مشغول اند بنده اگر که علم می آموزند

الْفِقْهَ أَوِ الْعِلْمَ وَيُعَلِّمُونَ الْجَاهِلَ فَهُمْ أَفْضَلُ

فقه را یا علم را و می آموزند نادان را پس ایشان فاضلتر اند





وَإِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا ثُمَّ جَلَسَ فِيهِمْ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي

و نفرستاده شده ام من مگر آموزنده علم را پس نشست آنحضرت درمیان این قوم روایت کرده دارمی و روایت است از ابی

الدَّرْدَاءِ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَدُّ الْعِلْمِ الَّذِي

درداء رض گفت پرسیده شد از آن حضرت صلی الله علیه وسلم که چیست نهایت علمی که

إِذَا بَلَغَهُ الرَّجُلُ كَانَ فَقِيهًا فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

چون برسد مرد آن مرتبه را باشد در اعداد فقها پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا فِي أَمْرِ دِينِهَا بَعَثَهُ اللهُ فَقِيهًا

کسیکه یاد کرد و رسانید بر امت من چهل حدیث از کار دین ایشان برانگیزد خدای تعالی اورا در زمره فقها

وَكُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ شَافِعًا وَشَهِيدًا وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض

و باشم من اورا روز قیامت شفاعت کننده و گواهی دهنده و روایت است از انس ابن مالک رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ تَدْرُونَ مَنْ أَجْوَدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا می دریابید که کیست زیاده تر

جُودًا قَالُوا اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ اللهُ تَعَالَى أَجْوَدُ جُودًا ثُمَّ أَنَا

از روی جود و کرم گفتند صحابه خدا و رسول خدا داناتر است گفت کامل تر از روی جود خدای تعالی است پس من

أَجْوَدُ بَنِي آدَمَ وَأَجْوَدُهُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهُ

جوادترم از میان آدمیان و جوادترین نوع انسان بعد از من مردیست که حاصل کرد علم را پس نشر کرد علم را

يَأْتِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَمِيرًا وَحْدَهُ أَوْ قَالَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَعَنْهُ

می آید روز قیامت تنها مانند امیرے که همراه او تابعان باشند یا گفت راوی مانند امت واحده و روایت است از وی

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دو حریص سیر نمی شوند

مَنْهُومٌ فِي الْعِلْمِ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ وَمَنْهُومٌ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ

یکی حریص در علم سیر نمی شود از تحصیل علم و حریص در دنیا سیر نمی شود

مِنْهَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْأَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَقَالَ
ازان روایت کرد بیہقی این ہر سہ احادیث را در شعب الایمان و گفت
قَالَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ فِيْ حَدِيْثِ أَبِي الدَّرْدَاءِ هٰذَا مَتْنٌ مَشْهُوْرٌ فِيْمَا
کہ گفت امام احمد در حدیث ابی درداء متن این حدیث مشہور است درمیان
بَيْنَ النَّاسِ وَلَيْسَ لَهٗ إِسْنَادٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ عَوْنٍ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللّٰهِ
مردم و نیست مرورا اسناد صحیح و روایتست از عون گفت گفت عبد اللہ
ابْنُ مَسْعُوْدٍ رض مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ صَاحِبُ الْعِلْمِ وَصَاحِبُ الدُّنْيَا
ابن مسعود رض دو حریص سیر نمی شوند اہل علم و اہل دنیا
وَلَا يَسْتَوِيَانِ أَمَّا صَاحِبُ الْعِلْمِ فَيَزْدَادُ رِضًى لِلرَّحْمٰنِ وَأَمَّا
و برابر نیستند این ہر دو اما صاحب علم پس زیادہ میکند خوشنودی خدای مہربان را و لیکن
صَاحِبُ الدُّنْيَا فَيَتَمَادٰى فِي الطُّغْيَانِ ثُمَّ قَرَأَ عَبْدُ اللّٰهِ كَلَّا إِنَّ
صاحب دنیا پس نہایت میرود در سرکشی باز خواند عبد اللہ این آیۃ را حقا براستیکہ
الْإِنْسَانَ لَيَطْغٰى أَنْ رَّاٰهُ اسْتَغْنٰى قَالَ وَقَالَ الْآخَرَ
آدمی از حد میگذرد وقتیکہ می بیند خود را توانگر شدہ گفت و گفت بار دیگر
إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰؤُا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ
جز این نیست کہ می ترسند از خدا عالمان از بندگان او رواہ دارمی و روایتست از وی
مُرْسَلًا قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلَيْنِ
از روی مرسل گفت پرسیدہ شد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم از حال دو مرد
كَانَا فِيْ بَنِيْ إِسْرَائِيْلَ أَحَدُهُمَا كَانَ عَالِمًا يُصَلِّي الْمَكْتُوْبَةَ ثُمَّ
کہ بودند در فرزندان یعقوب کہ یکے از آن دو مرد بود عالم کہ میگزارد نماز فرض را پستر
يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ وَالْآخَرُ يَصُوْمُ النَّهَارَ وَيَقُوْمُ
می نشست پس می آموخت مردم را علم و مرد دیگر روزہ میداشت بروز و نماز میگذارد



اللَّيْلَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضْلُ هٰذَا
در شب کدام یکے ازین دو مرد فاضلتر است فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم زیادتی ثواب این
الْعَالِمِ الَّذِيْ يُصَلِّي الْمَكْتُوْبَةَ ثُمَّ يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ عَلَى
عالم کہ صفتش اینست کہ میگذارد نماز فرض را پستر می نشست و تعلیم میکرد مردم را علم بر آن
الْعَابِدِ الَّذِيْ يَصُوْمُ النَّهَارَ وَيَقُوْمُ اللَّيْلَ كَفَضْلِيْ عَلٰى أَدْنَاكُمْ
مرد عابد کہ روزہ میداشت بروز و نماز میگذارد در شب ہمچو فضل من است بر مرد یکہ پست پایہ تر از شما
رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ بَابُ مَا جَاءَ فِيْ عِلْمٍ بِلَا عَمَلٍ وَشِرَارِ الْعُلَمَاءِ
رواہ دارمی باب احادیثے کہ وارد شدہ است در علم بلا عمل و بدترین علماء
أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلٰهَهٗ هَوٰىهُ وَأَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى عِلْمٍ وَّخَتَمَ
آیا دیدی کسے را کہ معبود خود گرفتہ است خواہش نفس خود را و گمراہ کرد اورا خدا با وجود دانشش و مہر نہاد
عَلٰى سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهٖ غِشَاوَةً فَمَنْ يَّهْدِيْهِ مِنْ
بر گوشش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پردہ پس کیست کہ راہ نماید اورا
بَعْدِ اللّٰهِ أَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ه أَتَأْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ
بعد از خدا آیا پند نمیگیرید آیا میفرمائید مردمان را بنیکوکاری و فراموش میکنید
أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ أَفَلَا تَعْقِلُوْنَ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض
خویشتن را و شما میخوانید کتاب آیا نمی فہمید و روایت است از ابی ہریرہ رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ عِلْمٍ لَا يُنْتَفَعُ بِهٖ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم مثال علمے کہ نفع گرفتہ نمی شود بوے
كَمَثَلِ كَنْزٍ لَا يُنْفَقُ مِنْهُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ
ہمچو مال گنجے است کہ دادہ نمی شود از وے در راہ خدا رواہ احمد و دارمی
وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوْشِكُ
و روایت است از علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نزدیکست

أن يأتي على الناس زمان لا يبقى من الإسلام إلا اسمه
که بیاید بر مردم روزگارے که باقی نماند از دین مگر نام او

ولا يبقى من القرآن إلا رسمه مساجدهم عامرة وهي خراب
و باقی نماند از قرآن مگر آئین وے مسجدهاے ایشان آبادان است و حال آنکه آنها خراب است

من الهدى علماءهم شر من تحت أديم السماء من عندهم
از هدایت دانشمندان ایشان بدترین مردم اند که زیر آسمان اند از نزد ایشان

تخرج الفتنة وفيهم تعود رواه البيهقي في شعب الإيمان
بیرون می آید فتنه و بازهم در ایشان باز میگردد روایت کرد بیهقی در شعب ایمان این حدیث را

وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
و مروی است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

تعوذوا بالله من جب الحزن قالوا يا رسول الله صلى الله عليه
پناه جوئید بخدا از جب حزن گفتند اے پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم وما جب الحزن قال واد في جهنم يتعوذ منه جهنم كل
وسلم چیست جب حزن فرمود وادی است در دوزخ پناه میجوید از وے دوزخ

يوم أربع مائة مرة قيل يا رسول الله ومن يدخلها قال
هر روز چهار صد مرتبه گفته شد اے پیغمبر خدا که مے درآید آن را فرمود

القراء المراءون بأعمالهم رواه الترمذي وكذا ابن ماجة
قرآن خواندگان ریاکنندگان بعملهاے خود روایه ترمذی و همچنین ابن ماجه

وزاد فيه وإن من أبغض القراء إلى الله الذين يزورون الأمراء
و زیاده کرده در آن حدیث این کلام را و بدرستیکه از جمله دشمن داشته شده ترین قراء بسوی خدا آن کسان اند که ملاقات میکنند امرا را

قال المحاربي يعني الجورة وعن الحسن رض قال العلم علمان
گفت محاربی مراد بامرا جابرانند و روایت است از حسن رح گفت علم دو علم است



فعلم في القلب فذاك العلم النافع وعلم على اللسان فذاك حجة
پس یک علم علمی است که در دل است پس آن علمی است سودمند و دیگر علمی است که بر سر زبان است پس این علم حجت

الله عز وجل على ابن آدم رواه الدارمي وعن زياد بن
خدا است بر آدمیان که بدان الزام خواهد داد ابن آدم را رواه الدارمی و روایت است از زیاد بن

حدير قال لي عمر رض هل تعرف ما يهدم الإسلام قلت لا قال
حدیر که گفت مرا عمر رض آیا می شناسی چه چیز مے شکند بنای اسلام را گفتم من نمی شناسم گفت عمر رض

يهدمه زلة العالم وجدال المنافق بالكتاب وحكم الأئمة
می شکند بنای اسلام را لغزیدن عالم و نزاع منافقان بکتاب خدا و حکم کردن امراء جور

المضلين رواه الدارمي وعن أبي الدرداء رض قال إن من
گمراه کنندگان خلق اند رواه دارمی و مروی است از ابی درداء گفت بدرستیکه از جمله

أشر الناس عند الله منزلة يوم القيامة عالم لا ينتفع بعلمه رواه
بدترین مردمان نزد خدا تعالی از روی مرتبه روز قیامت عالمی است که فائده نمیگیرد از علم خود رواه

الدارمي وعن الأحوص بن حكيم عن أبيه قال سأل رجل النبي
دارمی و روایت است از احوص بن حکیم از پدر خود رض گفت پرسید مردی پیغمبر خدا را

صلى الله عليه وسلم عن الشر فقال لا تسألوني عن الشر وسلوني
صلی الله علیه وسلم از بدی پس فرمود مپرسید مرا از شر و بپرسید مرا

عن الخير يقولها ثلاثا ثم قال ألا إن شر الشر شرار العلماء وإن
از خیر فرمود این کلمه را سه بار پس تر فرمود بدانید که بدرستی بدترین بدان علما اند و بدرستی که

خير الخير خيار العلماء رواه الدارمي وعن سفيان أن عمر بن
نیکترین نیکان نیکان علما اند رواه دارمی و مروی است از سفیان بدرستی که عمر بن

الخطاب رض قال لكعب من أرباب العلم قال الذين يعملون بما يعلمون
خطاب رض گفت مر کعب را که کیستند خداوندان علم گفت آنکسان اند که عمل میکنند بانچه علم دارند

قَالَ فَمَا أَخْرَجَ الْعِلْمَ مِنْ قُلُوبِ الْعُلَمَاءِ قَالَ الطَّمَعُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

گفت پس چه چیز بیرون میکشد نور علم را از دلهائے علماء گفت طمع بیرون می کشد رواه الدارمی

وَعَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفَةُ الْعِلْمِ

و روایت است از اعمش رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آفت علم

النِّسْيَانُ وَإِضَاعَتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ أَهْلِهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ مُرْسَلًا

فراموشی است وضائع گردانیدن علم اینست که حدیث کنی علم را بغیر اہل علم رواه دارمی بطریق مرسل

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ صَانُوا الْعِلْمَ

و روایت است از عبدالله بن مسعود رض گفت بودے که اہل علم نگاه میداشتند علم را

وَوَضَعُوهُ عِنْدَ أَهْلِهِ لَسَادُوا بِهِ أَهْلَ زَمَانِهِمْ وَلٰكِنَّهُمْ بَذَلُوهُ

ومی نهادند علم را نزد اہل آن هر آئینه مهتر می شدند بسبب علم اہل زمان خود را ولیکن اہل علم در باختند علم را

لِأَهْلِ الدُّنْيَا لِيَنَالُوا بِهِ مِنْ دُنْيَاهُمْ فَهَانُوا عَلَيْهِمْ سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ

مر اہل دنیا را تا بیابند بهای علم چیزے از دنیا ے ایشان پس خوار شدند نزد اہل دنیا شنیدم پیغمبر شما را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا هَمَّ آخِرَتِهِ

صلی الله علیه وسلم میفرمود کسے که بگرداند قصدها ے خود یک قصد که قصد آخرت است

كَفَاهُ اللّٰهُ هَمَّ دُنْيَاهُ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ أَحْوَالَ الدُّنْيَا

بسند کند او را خدا تعالی مقصود دنیا ے وے و هر کسی که پریشان گرداند او را قصدها ے او احوال دنیا است

لَمْ يُبَالِ اللّٰهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَتِهَا هَلَكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

باک و پروا ندارد خدا که در کدام یکے از وادیهاے دنیا هلاک گردد رواه ابن ماجه و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُنَاسًا

ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بعض مردم

مِنْ أُمَّتِي سَيَتَفَقَّهُونَ فِي الدِّينِ وَيَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ وَيَقُولُونَ

از امت من نزدیک باشد که فقیه شوند در دین و خوانند قرآن را و میگویند



نَأْتِي الْأُمَرَاءَ فَنُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَنَعْتَزِلُهُمْ بِدِينِنَا وَلَا يَكُونُ

می آئیم امرا را پس میرسیم بچیزے از دنیاے ایشان و گوشه میگیریم از ایشان با دین خود نمی شود

ذٰلِكَ كَمَا لَا يُجْتَنٰى مِنَ الْقَتَادِ إِلَّا الشَّوْكُ كَذٰلِكَ لَا يُجْتَنٰى مِنْ قُرْبِهِمْ

آن چنانکه چیده نمی شود از درخت خار دار مگر خار همچنین حاصل نمی شود از قرب امرا

إِلَّا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ كَأَنَّهُ يَعْنِي الْخَطَايَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ

مگر گفت محمد بن صباح گویا میخواهد از آن گناهان را رواه ابن ماجه و روایت است از وے

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضٰى عَلَيْهِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه نخستین مردیکه حکم کرده شود بر وے

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَجُلٌ اسْتُشْهِدَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا فَقَالَ

روز قیامت مردیست که کشته شده در راه خدا پس آورده میشود پس می شناساند خدا مر او را نعمت خود پس شناسد نعمت خدا را پس میگوید

فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ قَاتَلْتُ فِيكَ حَتّٰى اسْتُشْهِدْتُ قَالَ كَذَبْتَ

با او پس بگو چه عمل کردی در شکر این نعمت گوید آنمرد کارزار کردم برائے تو تا آنکه کشته شدم میگوید خدا دروغ گفتی

وَلٰكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ

ولیکن تو کارزار کردی برای اینکه گفته شود فلان دلیر است پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وے پس کشیده شود

عَلٰى وَجْهِهِ حَتّٰى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ وَقَرَأَ

بر روے خود تا آنکه انداخته شود در آتش دوزخ و دیگر مردیکه آموخت علم را و آموزانید آنرا و خواند

الْقُرْآنَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ

قرآن را پس آورده شود او پس شناساند او را خدا نعمتهائے خود پس شناسد آن نعمت ها را بگوید خدا پس چه کار کردی در شکر این نعمتها میگوید آنمرد

تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ قَالَ كَذَبْتَ وَلٰكِنَّكَ

آموختم علم را و آموزانیدم آنرا و خواندم قرآن را در رضاے تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی ولیکن تو

تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيُقَالَ إِنَّكَ عَالِمٌ وَقَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ

علم آموختی تا اینکه گفته شود بتحقیق که تو عالمی و خواندی قرآن را تا گویند مردم که فلان خواننده قرآن است

فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه حتى ألقي في النار ورجل وسع

پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بحث وی پس کشیده شود بر روی وی تا آنکه انداخته شود در دوزخ و دو مردیکه فراخ گردانیده است

الله عليه الرزق وأعطاه من أصناف المال كله فأتي به فعرفه نعمه

خدا بروی روزی داده است او را گونه گونه از گونه های مال همه پس آورده شود او را پس شناسانده خدا او را نعمتهای خود

فعرفها قال فما عملت فيها قال ما تركت من سبيل تحب أن ينفق

پس شناسد آن نعمت ها را میگوید پس چه عمل کردی در شکر این نعمت میگوید آن مرد نگذاشتم هیچ راهی را که دوست داری تو که مرفی کرده شود

فيها إلا أنفقت فيها لك قال كذبت ولكنك فعلت ليقال هو

دران مگر آنکه صرف کرم دران برضای تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی ولیکن تو کردی این کار تا که گفته شود که او

جواد فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه ثم ألقي في النار رواه

سخی است پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بحث وی پس کشیده شود بر روی خود پس انداخته شود در دوزخ

مسلم وعن عبد الله بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

مسلم و روایت است از عبد الله ابن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم إن الله لا يقبض العلم انتزاعا ينتزعه من العباد ولكن يقبض

وسلم بدرستیکه خدا نمی گیرد علم را بطریق کشیدن که بکشد آنرا از دست بندگان و لیکن باز میگیرد

العلم بقبض العلماء حتى إذا لم يبق عالما اتخذ الناس رءوسا

علم را بمیرانیدن علما رض تا آنکه چون باقی نگذارد هیچ عالمی را میگیرند مردم سران

جهالا فسئلوا فأفتوا بغير علم فضلوا وأضلوا متفق عليه وعن

قوم جاهلان را پس پرسیده پس فتوی می دهند بجهل پس خود هم گمراه میشوند و هم دیگر آنرا گمراه میکنند متفق علیه و روایت از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سئل عن علم

ابی هریرة رض گفت فرمود رسول خدا صلى الله عليه وسلم کسیکه پرسیده شود از علمی

علمه ثم كتمه ألجم يوم القيمة بلجام من نار رواه أحمد

که میداند آنرا پس پوشید آنرا لگام کرده شود در دهان او روز قیامت از آتش دوزخ رواه احمد



وأبو داود والترمذي ورواه ابن ماجة عن أنس رض وعن كعب بن

و ابو داود و ترمذی و رواه ابن ماجه از انس رض و روایت از کعب ابن

مالك رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من طلب العلم ليجاري به

مالک رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم کسیکه طلب کند علم را تا که همراهی کند علما را

العلماء أو ليماري به السفهاء أو يصرف به وجوه الناس إليه أدخله

بآن یا آنکه جدال کند بآن علم جاهلان را یا بگرداند بآن علم رویهای مردم بسوی خود در آورد او را

الله النار رواه الترمذي وروى ابن ماجة عن ابن عمر رض وعن

خدا در آتش دوزخ رواه ترمذی و روایت کرد ابن ماجه از ابن عمر رض و روایت است از

ابن عباس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال في القرآن

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلى الله عليه وسلم هر که بگوید در قرآن تفسیر

برأيه فليتبوأ مقعده من النار رواه الترمذي وعن أبي هريرة

از قیاس خود پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش رواه ترمذی و روایت است از ابی هریرة

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تعلم علما مما يبتغى به

گفت فرمود رسول خدا صلى الله عليه وسلم کسیکه بیاموزد علمی را از جنس علمی که طلب کرده شود بدان علم

وجه الله لا يتعلمه إلا ليصيب به عرضا من الدنيا لم يجد عرف

ذات الهی نیاموزد آن علم را مگر آنکه برسد بسبب آن علم متاعی را از دنیا نیابد آنکس بوی

الجنة يوم القيمة يعني ريحها رواه أحمد وأبو داود وابن ماجة

بهشت روز قیامت رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه

وعن أسامة بن زيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت از اسامه بن زید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

يجاء بالرجل يوم القيمة فيلقى في النار فتندلق أقتابه في النار

آورده شود مرد روز قیامت پس انداخته شود در آتش پس بیرون آید بسرعت رودهای او در آتش

فيطحن فيها كطحن الحمار برحاه فيجتمع أهل النار عليه فيقولون أي

پس آس میکند گرد وی (شکم) خود همچو آس کردن خر بآسیای خود پس گرد آیند اهل دوزخ بر آن مرد پس بگویند ای

فلان ما شانك أليس كنت تأمرنا بالمعروف وتنهانا عن المنكر

فلان چه حال تست آیا نبوده تو که امر میکردی ما را بمعروف و نهی میکردی ما را از منکر

قال كنت آمركم بالمعروف ولا آتيه وأنهاكم عن المنكر وآتيه

میگوید آن مرد بودم من که امر میکردم شما را بمعروف و خود نمیکردم آن را و نهی میکردم شما را از منکر و خود میکردم آن را

متفق عليه وعن أنس أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

متفق علیه و روایت از انس رض بدرستی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت

رأيت ليلة أسري بي رجالا تقرض شفاههم بمقاريض من نار

دیدم من شبی که سیر کنانیدند مرا مردمان را که بریده میشد لبهای اوشان از مقراض های آتش

قلت من هؤلاء يا جبرئيل قال هؤلاء خطباء من أمتك

گفتم من کیستند ایشان ای جبرئیل گفت ایشان خطیب ها اند از امت تو که

يأمرون الناس بالبر وينسون أنفسهم رواه في شرح السنة

بودند امر کنندگان مردم را بانیکی و فراموش میکردند ذات های خود را رواه در شرح سنه

## كتاب الطهارة

این کتاب طهارت است

يا أيها الذين آمنوا إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وأيديكم

ای مسلمانان چون برخیزید بسوی نماز پس بشوئید رو های خود را و دستهای خود را

إلى المرافق وامسحوا برءوسكم وأرجلكم إلى الكعبين وإن كنتم

تا آرنج و مسح کنید سرهای خود را و بشوئید پاهای خود را تا شتالنگ و اگر باشید

جنبا فاطهروا وإن كنتم مرضى أو على سفر أو جاء أحد منكم

با جنابت پس غسل کنید و اگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید کسی از شما



من الغائط أو لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا

از خلا جای یا مساس کرده باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک

طيبا فامسحوا بوجوهكم وأيديكم منه ما يريد الله ليجعل عليكم

پاک را پس مسح کنید بر روهای خود و دست های خود از آن خاک نه میخواهد خدا تعالی که مقرر کند بر شما

من حرج ولكن يريد ليطهركم وليتم نعمته عليكم لعلكم

مشقتی و لیکن میخواهد که پاک سازد شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود که

تشكرون وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

شکر کنید و روایتست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ألا أدلكم على ما يمحو الله به الخطايا ويرفع به الدرجات قالوا بلى

آیا راه ننمایم شما را بر عملی که محو میکند خدا تعالی بسبب آن گناهان را و بلند میگرداند بسبب آن مرتبه ها را گفتند آری

يا رسول الله قال إسباغ الوضوء على المكاره وكثرة الخطى إلى

ای رسول خدا فرمود تمام و کمال کردن وضو در هنگام مشقت و بسیاری گامها در رفتن بسوی

المساجد وانتظار الصلوة بعد الصلوة فذلكم الرباط رواه مسلم

مسجد ها و انتظار نماز بعد از نماز پس اینست رباط رواه مسلم

وعن عثمان رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

و روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

توضأ فأحسن الوضوء خرجت خطاياه من جسده حتى تخرج من

وضو کند و نیک کند وضو را می بر آیند گناهان او از بدن او تا آنکه می بر آیند از

تحت أظفاره متفق عليه وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله

زیر ناخنهای او متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم إذا توضأ العبد المؤمن أو المسلم فغسل وجهه

صلی الله علیه وسلم چون وضو میکند بنده مومن یا مسلم پس می شوید روی خود را

خرج من وجهه كل خطيئة نظر اليها بعينيه مع الماء او مع اخر
بیرون می آید از روی وی هر گناه که نظر کرده است بسوی آن گناه بهردو چشم خود همراه آب یا با آخر
قطر الماء فاذا غسل يديه خرج من يديه كل خطيئة بطشتها
قطره از قطره های آب پس چون می شوید هردو دست خود را بیرون می آید از دست وی هر گناهی که میگرفت آن گناه را
يداه مع الماء او مع آخر قطر الماء فاذا غسل رجليه خرج كل
هردو دست او همراه آب یا همراه آخر قطره از قطره های آب پس چون می شوید هردو پای خود بیرون می آید هر
خطيئة مشتها رجلاه مع الماء او مع آخر قطر الماء حتى يخرج
گناهیکه رفته است بسوی آن هردو پای او همراه آب یا با آخر قطره از قطره های آب تا آنکه بیرون می آید
نقيا من الذنوب رواه مسلم وعن عثمان رض قال قال رسول الله
از جای وضو پاک از گناهان رواه مسلم در روایت از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم ما من امرء مسلم تحضره صلوة مكتوبة
صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مردے مسلمان که حاضر میشود او را وقت نماز فرض
فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها الا كانت كفارة لما قبلها
پس نیک میکند وضوء نماز را و نیک میکند خشوع نماز را و نیک کند رکوع نماز را مگر باشد این نماز کفاره مر آنچیز را که پیش
من الذنوب ما لم يؤت كبيرة وذلك الدهر كله رواه مسلم
از وی کرده است از گناهان مادام که بوجود نیارد گناه کبیره و باد این کفاره بودن همیشه است رواه مسلم
وعن عقبة بن عامر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از عقبه ابن عامر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
ما من مسلم يتوضأ فيحسن وضوءه ثم يقوم فيصلي ركعتين
نیست هیچ مسلمانے که وضو کند پس نیک سازد وضو خود را پستر بایستد پس بگذارد دو رکعت
مقبل عليهما بقلبه ووجهه الا وجبت له الجنة رواه مسلم
در حالیکه وی پیش آینده است بدان دو رکعت بدل خود و روی خود مگر آنکه واجب گردد مر وی را بهشت رواه مسلم



وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان امتي
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه امت من
يدعون يوم القيمة غرا محجلين من آثار الوضوء فمن استطاع منكم
خوانده شود در محشر غر محجلین از آثار وضو پس کسیکه می تواند از شما
ان يطيل غرته فليفعل متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله
که دراز کند غره خود را باید که بکند متفق علیه و از وی روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عليه وسلم تبلغ الحلية من المؤمن حيث يبلغ الوضوء رواه مسلم
علیه وسلم میرسد سیما و نشان وضو در دست و پاے مومن تا آنجاکه میرسد آب وضو رواه مسلم
وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضأ
و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو سازد
على طهر كتب له عشر حسنات رواه الترمذي وعن جابر رض
بر طهارت نوشته شود برای وی ده نیکے رواه ترمذی و روایت است از جابر رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مفتاح الجنة الصلوة ومفتاح
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کلید بهشت و مقدمه در آمدن آن نماز است و کلید
الصلوة الطهور رواه احمد وعن عبد الله الصنابحي رض قال
نماز و مقدمه او طهارت ست رواه احمد و روایت است از عبد الله صنابحی رض گفت
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا توضأ العبد المؤمن فمضمض
فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون وضو سازد بنده مسلمان پس آب در دهن میکند
خرجت الخطايا من فيه واذا استنثر خرجت الخطايا من
بیرون می آیند گناهان از دهن وے و چون بینی می افشاند بیرون می آیند گناهان از
انفه واذا غسل وجهه خرجت الخطايا من وجهه حتى تخرج من تحت
بینی وے و چون می شوید روی خود را بیرون می آیند گناهان از روی وے تا آنکه بیرون می آیند از زیر

أَشْفَارِ عَيْنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ يَدَيْهِ حَتَّى تَخْرُجَ
موی پلک دو چشم او پس چون می شوید هر دو دست خود را بیرون می آیند گناهان از هر دو دست وی تا آنکه بیرون می آیند

مِنْ أَظْفَارِ يَدَيْهِ فَإِذَا مَسَحَ بِرَأْسِهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رَأْسِهِ حَتَّى
از ناخن های هر دو دست وی پس چون مسح میکند به سر خود بیرون می آیند گناهان از سر وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ أُذُنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رِجْلَيْهِ حَتَّى
بیرون می آیند از هر دو گوش وی پس چون می شوید هر دو پای خود را بیرون می آیند گناهان از هر دو پای وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِ رِجْلَيْهِ ثُمَّ مَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَصَلٰوتُهُ
بیرون می آیند از زیر ناخنهای هر دو پای او پس تر میباشد رفتن او بسوی مسجد و نماز گذاردن او

نَافِلَةً لَهُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ أُهْدِيَتْ
زیادتی بر پاک شدن از گناهان مر او را رواه مالک نسائی و روایت از ابی رافع رض گفت بهدیه فرستاده شد

لَهُ شَاةٌ فَجَعَلَهَا فِي الْقِدْرِ فَدَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ
مر او را گوسفندے پس گردانید آن گوسفند را ابو رافع در دیگ پس درآمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود

مَا هٰذَا يَا أَبَا رَافِعٍ فَقَالَ شَاةٌ أُهْدِيَتْ لَنَا يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَطَبَخْتُهَا فِي
آنحضرت چیست این در دیگ است ای ابا رافع پس گفت این گوشت گوسفندیست که بهدیه فرستاده شده است بر ما ای پیغمبر خدا پس پختم آن را

الْقِدْرِ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ يَا أَبَا رَافِعٍ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي
در دیگ فرمود آنحضرت بده مرا دست ای ابا رافع پس دادم آنحضرت را ذراع پس فرمود بده مرا

الذِّرَاعَ الْآخَرَ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ الْآخَرَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ الْآخَرَ
ذراع دیگر پس دادم آنحضرت را ذراع دیگر پس فرمود بده مرا ذراع دیگر

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّمَا لِلشَّاةِ ذِرَاعَانِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
پس گفت ای پیغمبر خدا نمی باشد گوسفند را مگر دو ذراع پس فرمود مر او را پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ سَكَتَّ لَنَاوَلْتَنِي ذِرَاعًا فَذِرَاعًا مَا سَكَتَّ
علیه وسلم آگاه باش بدرستیکه اگر خاموش میماندی هر آئینه میدادی مرا ذراع بعد ذراع مادام که خاموش می بودی



ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَتَمَضْمَضَ فَاهُ وَغَسَلَ أَطْرَافَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى
پستر طلبید آنحضرت آب را پس مضمضه کرد دهان مبارک خود را و بشست کرانهای انگشتان خود را پستر بایستاد پس بگذارد نماز را

ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فَوَجَدَ عِنْدَهُمْ لَحْمًا بَارِدًا فَأَكَلَ ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ
پستر بازگشت بسوی اهل و عیال ابی رافع پس یافت نزد ایشان گوشت سرد را پس بخورد آنحضرت پستر درآمد مسجد را

فَصَلَّى وَلَمْ يَمَسَّ مَاءً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ
پس بگذارد نماز را و مس نکرد آب را رواه احمد و روایت از انس رض گفت بود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ بِرِطْلَيْنِ وَيَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ جَمْعُ الْجَوَامِعِ
صلی الله علیه وسلم که وضو میکرد از دو رطل و غسل میکرد از یک صاع مروی است در جمع الجوامع

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ لَهُ بِالسُّجُودِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ
من اول کسے ام که دستوری داده شود مرا و را بسجده روز قیامت و من نخستین کسے ام که اذن کرده شود

لَهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَأَنْظُرُ إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيَّ فَأَعْرِفُ أُمَّتِي مِنْ بَيْنِ
مرا و را که بردارد سر خود را پس نگاه کنم بسوی خلقے که ایستاده اند پیش روی دست من پس شناسم امت خود را از میان

الْأُمَمِ وَمِنْ خَلْفِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ يَمِينِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ شِمَالِي
امتهاے دیگر و بینم از جانب پس پشت خود مانند آن و بینم از جانب راست مانند آن و از جانب چپ

مِثْلَ ذٰلِكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ كَيْفَ تَعْرِفُ أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ
مانند آن پس گفت مردے ای پیغمبر خدا چگونه شناسی امت خود را از میان

الْأُمَمِ فِيمَا بَيْنَ نُوحٍ إِلَى أُمَّتِكَ قَالَ هُمْ غُرٌّ مُحَجَّلُونَ مِنْ أَثَرِ
امتها در میان مدتے که در میان نوح است تا امت تو گفت امت من نورانی پیشانی اند از نشان

الْوُضُوءِ لَيْسَ أَحَدٌ كَذٰلِكَ غَيْرُهُمْ وَأَعْرِفُهُمْ أَنَّهُمْ يُؤْتَوْنَ كُتُبَهُمْ
وضو نیست هیچکس باین صفت غیر ایشان و شناسم ایشان را باینکه داده شود ایشان را نامهاے اعمال ایشان

بايمانهم واغرفهم تسعى بين ايديهم ذريتهم رواه احمد

بدت راست ایشان وشناسم ایشانرا بانیکه بروند پیش پیش ایشان فرزندان ایشان رواه احمد

## باب آداب الخلاء

این باب در آداب بیت الخلا است

عن ابي ايوب الانصاري رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا

روایت از ابی ایوب انصاری رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون

اتيتم الغائط فلا تستقبلوا القبلة ولا تستدبروها ولكن شرقوا

بیائید شما قضای حاجت راپس رو مکنید بسوے قبلہ و پشت مدہید بجانب آن ولیکن رو بجانب شرق کنید

او غربوا متفق عليه وعن سلمان رضه قال نهانا يعني رسول الله

یا جانب غرب متفق علیه وروایت از سلمان رضه گفت نہی کرد مارا یعنی پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان نستقبل القبلة لغائط او بول او ان نستنجي

صلی الله علیه وسلم از روی آوردن بقبله برائے پاخانه وشاشه واز استنجا کردن ما

باليمين او ان نستنجي باقل من ثلثة احجار او ان نستنجي برجيع

بدست راست واز استنجا کردن بکمتر از سه سنگ ونهی کرد از استنجا کردن بسر گین

او بعظم رواه مسلم وعن انس رضه قال كان رسول الله صلى

یا باستخوان رواه مسلم وروایت از انس رضه گفت انس که بود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم اذا دخل الخلاء يقول اللهم اني اعوذ بك من

الله علیه وسلم چون در می آمد پاے خانه را میگفت اللهم انی اعوذ بک من

الخبث والخبائث وعن ابن عباس رضه قال مر النبي صلى الله

الخبث والخبائث وروایت از ابن عباس رضه گفت گذشت پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم بقبرين فقال انهما ليعذبان وما يعذبان في كبير

علیه وسلم بدو گور پس بفرمود بدرستیکه صاحب این دو گور هر آئینه عذاب کرده میشوند وعذاب کرده نمیشوند بجہت



اما احدهما فكان لا يستتر من البول وفي رواية لمسلم لا يستنزه

اما یکی از آن دو حال او این بود که پرده نمیگرفت از بول ودر روایت دیگر مسلم راست که طلب نزاهت نمیکرد

من البول واما الآخر فكان يمشي بالنميمة ثم اخذ جريدة رطبة

از بول واما دیگر پس بود که میرفت بسوی مردم بسخن چینی پس تر گرفت شاخ از خرما که تر بود

فشقها بنصفين ثم غرز في كل قبر واحدة فقالوا يا رسول الله

پس باز کرد آن شاخ را بدو پاره پس تر خلانید در هر قبر یکے از آن دو پاره را پس گفتند ای پیغامبر خدا

لم صنعت هذا فقال لعله ان يخفف عنهما ما لم ييبسا متفق عليه

چرا کردی تو این فعل را پس گفت کردم بامید آنکه سبک گردانیده شود عذاب از آن دو قبر تا آنکه تر باشند متفق علیه

وعن ابي هريرة رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اتقوا

وروایت از ابی هریرة گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بپرهیزید

اللاعنين قالوا وما اللاعنان يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

از دو کار که سبب لعنت میشوند گفتند چیست آن دو کار ای پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

قال الذي يتخلى في طريق الناس او في ظلهم رواه مسلم وعن

فرمود آنکه قضاء حاجت میکند در راه مردم یا در سایه ایشان رواه مسلم وروایت است از

انس قال كان النبي صلى الله عليه وسلم اذا دخل الخلاء

انس گفت بود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون بیت الخلا است که در آید در متوضا

نزع خاتمه رواه ابو داود والنسائي والترمذي وقال ابو داود هذا

می کشید انگشتری خود را رواه ابوداود ونسائی وترمذی وگفت ابوداود این

حديث منكر وفي رواية وضع بدل نزع وعن زيد بن ارقم رضه قال

حدیث منکر است ودر روایت دیگر وضع آمده است در بدل نزع وروایت است از زید بن ارقم رضه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان هذه الحشوش محتضرة فاذا اتى

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که این ها جای حاضر شدن جن وشیاطین اند پس چون بیاید

أحدكم الخلاء فليقل أعوذ بالله من الخبث والخبائث رواه أبو داود

یکی از شما بخانه را باید که بپناه بجوید وگوید این کلمه را که اعوذ بالله من الخبث والخبائث رواه ابوداؤد

وابن ماجة وعن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وابن ماجة ودروایت از علی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

ستر ما بين أعين الجن وعورات بني آدم إذا دخل أحدكم الخلاء أن

پرده درمیان چشمهای جن واندام شرم آدمیان چون درآید یکی از شما محل قضای حاجت را اینست

يقول بسم الله رواه الترمذي وعن ابن مسعود قال لما قدم

که گوید بسم الله رواه ترمذی ودروایت است از ابن مسعود رضی الله عنه گفت هرگاه که آمدند

وفد الجن على النبي صلى الله عليه وسلم قالوا يا رسول الله انه أمتك

ایلچیان پریان بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند ای پیغامبر خدا نهی کن امت خود را

أن يستنجوا بعظم أو روثة أو حممة فإن الله جعل لنا فيها رزقا

از استنجا کردن ایشان با استخوان یا سرگین یا انگشت زیرا که خدا تعالی گردانیده برای ما در این سه چیز روزی

فنهانا رسول الله صلى الله عليه وسلم عن ذلك رواه أبو داود

پس نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ازان رواه ابوداؤد

## باب السواك

این باب در بیان سواک کردن است

عن عائشة قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عشر

روایت است از عائشه رضی الله عنها گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ده خصلت

من الفطرة قص الشارب وإعفاء اللحية والسواك واستنشاق

از فطرت است کوتاه کردن سبلت وفرو گذاشتن ریش ومسواک کردن وآب در بینی

الماء وقص الأظفار وغسل البراجم ونتف الإبط وحلق العانة

کردن وگرفتن ناخنها وشستن بندهای انگشتان وبرکندن موی بغل وستردن موی زهار



وانتقاص الماء يعني الاستنجاء قال الراوي ونسيت العاشرة إلا أن

وکم کردن آب یعنی راوی گوید مراد استنجا باشد وگفت راوی حدیث فراموش کردم خصلت دهم را مگر اینکه

تكون المضمضة رواه مسلم وعن عائشة قالت قال رسول الله

باشد مضمضه رواه مسلم ودروایت از عائشه رضی الله عنها گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم السواك مطهرة للفم مرضاة للرب رواه

صلی الله علیه وسلم مسواک پاک کننده است مر دهن را وراضی کننده پروردگار را رواه

الشافعي وأحمد والدارمي والنسائي وروى البخاري في صحيحه بلا إسناد

الشافعی واحمد والدارمی والنسائی وروایت کرد بخاری در صحیح خود بغیر از اسناد

وعن أبي أيوب قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أربع

ودروایت از ابی ایوب رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت اند

من سنن المرسلين الحياء ويروى الختان والتعطر والسواك

از سنتهای پیغمبران سابق یکی حیا است ودروایت کرده می شود ختنه کردن بجای حیا دوم استعمال بوی خوش نمودن سوم مسواک

والنكاح رواه الترمذي وعن أبي أمامة رض أن رسول الله

وچهارم نکاح کردن است رواه ترمذی ودروایت است از ابی امامه رضی الله عنه بدرستیکه پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم قال ما جاءني جبريل قط إلا أمرني بالسواك

صلی الله علیه وسلم گفت نیامد جبریل هرگز مگر آنکه امر کرد مرا بمسواک کردن

لقد خشيت أن أحفي مقدم فيّ رواه أحمد وعن أنس قال قال

هر آئینه ترسیدم از بس مبالغه کردن که پست کنم پیش دهان خود را رواه احمد ودروایت از انس رضی الله عنه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لقد أكثرت عليكم في السواك رواه البخاري

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه تحقیق بسیار کردم بر شما سخن از جهت مسواک رواه البخاری

وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم تفضل الصلوة

ودروایت است از عائشه رضی الله عنها گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زیاده می شود در ثواب نماز یکه

الَّتِي يُسْتَاكُ لَهَا عَلَى الصَّلٰوةِ الَّتِي لَا يُسْتَاكُ لَهَا سَبْعِينَ ضِعْفًا رَوَاهُ

مسواک کرده شد برای وی بر نمازی که مسواک کرده نمیشود برای وی هفتاد چند روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ حَبَّانَ قَالَ قُلْتُ

بیهقی در شعب ایمان و مرویست از محمد بن یحیی بن حبان رضه گفت گفتم

لِعُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ اَرَأَيْتَ وُضُوءَ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ

مر عبید الله بن عبد الله بن عمر را خبر ده مرا از وضوء عبد الله بن عمر

لِكُلِّ صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ عَمَّنْ اَخَذَهُ فَقَالَ حَدَّثَتْهُ اَسْمَاءُ

برای هر نماز با وضو باشد یا بی وضو از که گرفته است پس گفت که حدیث کرد اسماء

بِنْتُ زَيْدِ بْنِ الْخَطَّابِ اَنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ حَنْظَلَةَ بْنِ اَبِي عَامِرٍ الْغَسِيلِ

دختر زید بن خطاب بدرستیکه عبد الله بن حنظله بن ابی عامر غسیل

حَدَّثَهَا اَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ اُمِرَ بِالْوُضُوءِ لِكُلِّ

حدیث کرد اسما بنت زید را بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود امر کرده شده بوضو برای هر

صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ فَلَمَّا شَقَّ ذٰلِكَ عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نماز با وضو باشد یا بی وضو پس هرگاه که سخت آمد آن بر پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمِرَ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلٰوةٍ وَوُضِعَ عَنْهُ الْوُضُوءُ اِلَّا مِنْ

علیه وسلم امر کرده شد بمسواک کردن نزدیک هر نماز و نهاده شد از ذمه شریف آنحضرت وضو مگر

حَدَثٍ قَالَ فَكَانَ عَبْدُ اللّٰهِ يَرَى اَنَّ بِهِ قُوَّةً عَلَى ذٰلِكَ فَفَعَلَهُ حَتّٰى

از جهت بیوضوئی گفت عبید الله پس بود عبد الله که اعتقاد میکرد که مر ورا قوت بر این پس میکرد آنکار را تا آنکه

مَاتَ رَوَاهُ اَحْمَدُ | كِتَابُ الصَّلٰوةِ | وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ

مرد روایت کرد احمد | این کتاب صلوة است | و بر پا دارید نماز را

وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ

و بدهید زکوة را و فرمان برداری کنید پیغامبر را بود که بر شما رحم کرده شود و مدد طلبید بشکیبایی



وَالصَّلٰوةِ وَاِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ اَنَّهُمْ مُلَاقُو

و نماز و هر آینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد

رَبِّهِمْ وَاَنَّهُمْ اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى

با پروردگار خویش و آنانکه ایشان بسوی وی باز خواهند گشت محافظت کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه

وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِينَ ۝ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ

و بایستید برای خدا فرمان بردار شده پس صبر کن بر آنچه میگویند و بپاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خود پیش از بر آمدن

الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُودِ

آفتاب پیش از فرو شدن و در بعضے اوقات شب پس بپاکی یاد کن خدا را و عقب نماز نیز

## بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّرْغِيبِ فِيهَا

باب احادیثے که در ترغیب آن وارد شده اند

اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ

هر آینه کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شائسته و بر پا داشتند نماز را و دادند زکوة را مر ایشان راست

اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ اَقِمِ الصَّلٰوةَ

مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند بر پا دار نماز را

لِدُلُوكِ الشَّمْسِ اِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ اِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ كَانَ

وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب و لازم گیر قرآن خواندن فجر را هر آینه قرآن خواندن فجر را

مَشْهُودًا ۝ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ سَاَلْتُ النَّبِيَّ

حاضر میشوند فرشتگان و روایت است از ابن مسعود رضی الله تعالی عنه گفت پرسیدم پیغامبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ الْاَعْمَالِ اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الصَّلٰوةُ لِوَقْتِهَا

صلی الله علیه وسلم کدام عمل از عملها محبوبتر است نزد خدا گفت نماز گزاردن در وقتش

قُلْتُ ثُمَّ اَيٌّ قَالَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ قُلْتُ ثُمَّ اَيٌّ قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

گفتم پس کدام گفت نیکی کردن بمادر و پدر گفتم پس کدام فرمود کار زار کردن با کافران در راه خدا

قال حدثني بهن ولو استزدته لزادني متفق عليه وعن ابي ذر رضـ

گفت ابن مسعود حدیث کرد مرا آنحضرت باین اعمال اگر طلب زیاده میکردم ازآنحضرت هر آینه زیاده میکرد متفق علیه و روایت از ابی ذر رضـ

ان النبي صلى الله عليه وسلم خرج زمن الشتاء والورق تهافت

بدرستی که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بیرون آمد در زمستان و حال آنکه برگهای درختان می افتاد پیاپی

فاخذ بغصنين من شجرة قال فجعل ذلك الورق تهافت وقال

پس گرفت آنحضرت دو شاخ را از درختی گفت ابوذر پس افتاد ن گرفت برگهای آن درخت و بعضی از بعضی بطور خود می افتاد و گفت ابوذر رضـ

فقال يا اباذر قلت لبيك يا رسول الله قال ان العبد المسلم

پس فرمود آنحضرت ای ابوذر گفتم بخدمت استاده ام ای رسول خدا فرمود بدرستیکه هر بنده مسلمان

ليصلي الصلوة يريد بها وجه الله تعالى فتهافت عنه ذنوبه كما

هر آینه میگذارد نماز را و حالیکه میخواهد بآن نماز ذات خدا تعالی پس پیاپی می افتند از بنده گناهان او چنانکه

تهافت هذا الورق عن هذه الشجرة رواه احمد وعن زيد بن

می افتد این برگها از این درخت رواه احمد و روایت از زید بن

خالد الجهني قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى

خالد جهنی رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد

سجدتين لا يسهو فيهما غفر الله له ما تقدم من ذنبه رواه

دو رکعت را که سهو و غفلت نکند در آن بیامرزد خدا مر او را هر چه گذشته است از گناه وی رواه

احمد وعن ابي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

احمد و روایت است از ابی هریرة رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الصلوة الخمس والجمعة الى الجمعة ورمضان الى رمضان

نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعهٔ دیگر و روزهٔ رمضان تا رمضان دیگر

مكفرات لما بينهن اذا اجتنبت الكبائر رواه مسلم وعنه

محو کننده اند گناهان را که واقع شده اند میان آنها و قتیکه پرهیز کنی از گناهان کبیره رواه مسلم و هم از ابی هریره است



قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ارايتم لو ان نهرا بباب احدكم

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم خبر دهید مرا اگر ثابت شود که جوی روانست بر در خانهٔ یکی از شما

يغتسل فيه كل يوم خمسا هل يبقى من درنه شيء قالوا لا يبقى من

که غسل میکند وی در آن جوی هر روز پنج وقت آیا باقی می ماند از چرک بدنیم وی هیچ گفتند باقی نمی ماند

درنه شيء قال فذلك مثل الصلوات الخمس يمحو الله بهن الخطايا

از چرک وی چیزی فرمود پس آن حال نمازهای پنجگانه است که محو میکند خدا تعالی بآنها گناهان

متفق عليه وعن عبادة بن الصامت رضـ قال قال رسول الله

متفق علیه و روایت است از عبادة بن صامت رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم خمس صلوات افترضهن الله تعالى من احسن

صلی الله علیه وسلم پنج نماز است که فرض گردانیده است آنها را خدا تعالی کسیکه نیک کند

وضوءهن وصلاهن لوقتهن واتم ركوعهن وخشوعهن كان

وضوء آن نمازها و بگذارد آنها را در وقت شان و بتمام بجا آرد رکوعشان و خشوع و خضوع شان باشد

له على الله عهد ان يغفر له ومن لم يفعل فليس له على الله

مر او را بر خدا تعالی عهد که بیامرزد مر او را و کسیکه نکند اینرا و نگذارد نماز بر آن وجه نیست مر او را بر خدا

عهد ان شاء غفر له وان شاء عذبه رواه احمد وابو داود وروى

عهد لازم اگر بخواهد آمرزد او را و اگر بخواهد عذاب کند او را رواه احمد و ابوداود و روایت کرد

مالك والنسائي نحوه وعن ابي امامة رضـ قال قال رسول الله

مالک و نسائی مانند آن و روایت است از ابی امامه رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم صلوا خمسكم وصوموا شهركم وادوا زكوة

صلی الله علیه وسلم بگذارید پنج نماز خود را و روزه دارید ماه خود را که رمضان است و بدهید زکوة

اموالكم واطيعوا ذا امركم تدخلوا جنة ربكم رواه احمد والترمذي

مالهای خود را و فرمانبرداری کنید خداوند امر خود را در آیند به بهشت پروردگار خود را رواه احمد و الترمذی

وعن ابن مسعود قال ان رجلا اصاب من امرأة قبلة فاتى
و روایت از ابن مسعود رض گفت بدرستی که مردی رسید از زنی بوسه را پس آمد
النبي صلى الله عليه وسلم فاخبره فانزل الله تعالى واقم الصلوة
پیغمبر را صلی الله علیه وسلم پس خبر داد آنحضرت را پس فرود فرستاد خدا تعالی این آیت را و برپا دار نماز را
طرفي النهار وزلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات
در هر دو طرف روز و بگذار نماز در چند ساعت که نزدیک بروز اند بدرستیکه نیکیها می برند بدی ها را
فقال الرجل يا رسول الله الي هذا قال لجميع امتي كلهم وفي رواية
پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا آیا مراست این حکم فرمود آنحضرت همه امت مراست و در روایت دیگر این چنین است
لمن عمل بها من امتي متفق عليه وعن عمارة بن رويبة
مر هر کسی را که عمل کند بحسنات از امت من متفق علیه و روایت از عمارة بن رویبه
قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لن يلج النار احد
گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت البته در نیاید آتش دوزخ را کسیکه
صلى قبل طلوع الشمس وقبل غروبها يعني الفجر والعصر رواه مسلم
نماز گذارده است پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آفتاب یعنی نماز فجر و نماز عصر را رواه مسلم
وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم
يتعاقبون فيكم ملئكة بالليل وملئكة بالنهار ويجتمعون في
در پی یکدیگر فرود می آیند در میان شما جماعت فرشتگان در شب و جماعت از فرشتگان در روز و جمع میشوند این جماعت در
صلوة الفجر وصلوة العصر ثم يعرج الذين باتوا فيكم فيسئلهم
نماز فجر و در نماز عصر پستر بالا میروند آن کسانیکه شب کردند در میان شما پس می پرسد ایشان را
ربهم وهو اعلم بهم كيف تركتم عبادي فيقولون تركناهم
پروردگار شان و حال آنکه وی تعالی داناتر است باحوال بندگان چگونه گذاشتید ای بندگان مرا پس میگویند گذاشتیم ایشان را



وهم يصلون واتيناهم وهم يصلون متفق عليه وعن ابي هريرة
در حالتیکه ایشان نماز میگزاردند و آمدیم در حالتیکه ایشان نماز میگزاردند متفق علیه و روایت از ابی هریرة رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم الناس ما في النداء
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بدانند مردم ثوابی که در اذان گفتن است
والصف الاول ثم لم يجدوا الا ان يستهموا عليه لاستهموا ولو
و دریافتن صف اول پستر نیابند مگر آنکه قرعه بیندازند بر آن هر آئینه قرعه می اندازند و اگر
يعلمون ما في التهجير لاستبقوا اليه ولو يعلمون ما في العتمة والصبح
بدانند فضیلتی که در نیم روز رفتن است هر آئینه جلدی میکنند بسوی آن و اگر بدانند فضیلتی که در گزاردن نماز عشا و صبح است
لاتوهما ولو حبوا متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله
هر آئینه بیایند آنرا رونده بر سر دو دست و سینه متفق علیه و روایت از وی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عليه وسلم ليس صلوة اثقل على المنافقين من الفجر والعشاء ولو
علیه وسلم نیست هیچ نمازی گرانتر بر منافقان از نماز بامداد و نماز خفتن و اگر
يعلمون ما فيهما لاتوهما ولو حبوا متفق عليه وعن عثمان رض
بدانند ثوابی که درین دو نماز است هر آئینه می آیند این دو نماز را اگرچه بطریق حبو باشد و روایت از عثمان رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى العشاء في جماعة
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگزارد نماز عشا را بجماعت
فكانما قام نصف الليل ومن صلى الصبح في جماعة فكانما صلى الليل
پس چنانکه نماز گزارد نیم شب و کسیکه گزارد نماز فجر بجماعت پس گویا نماز گزارد
كله رواه مسلم وعن سلمان رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه
تمام شب رواه مسلم و روایت از سلمان رض گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه
وسلم يقول من غدا الى صلوة الصبح غدا براية الايمان ومن غدا
وسلم که میگفت کسیکه بامداد میرود بسوی نماز بامداد میرود برایت ایمان و کسیکه بامداد برود

إلى السوق غدا براية إبليس رواه ابن ماجة وعن ابن عمر رض قال
بسوی بازار میرود برایت ابلیس رواه ابن ماجه و مرویست از ابن عمر رضی الله عنه گفت
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اجعلوا في بيوتكم من صلوتكم
فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بگردانید در خانهای خود چیزی از نماز های شما
ولا تتخذوها قبورا متفق عليه وعن أبي هريرة رض قال قال
و مگردانید خانهای خود را مانند گور متفق علیه و مرویست از ابی هریرة رضی الله عنه گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم أقرب ما يكون العبد من ربه وهو
پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که نزدیک ترین بودن بنده از آفریدگار خود حاصل است در حالیکه بنده
ساجد فأكثروا الدعاء رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله
سجده کننده است پس زیاده کنید دعا در حال سجده رواه مسلم و مرویست از وی رض گفت فرمود پیغامبر خدا
صلى الله عليه وسلم إذا قرأ ابن آدم السجدة فسجد اعتزل الشيطان
صلی الله علیه وسلم چون میخواند آدمی زاد آیة سجده را پس سجده میکند گوشه میگیرد دیو لعین
يبكي يقول يا ويلتي أمر ابن آدم بالسجود فسجد فله الجنة وأمرت
در حالیکه میگرید میگوید وای اندوه امر کرده شد آدمی زاد بسجده پس سجده کرد پس او را بهشت روزی باشد و امر کرده شدم من
بالسجود فأبيت فلي النار رواه مسلم وعن ربيعة بن كعب رض
بسجده پس سر باز زدم از سجده پس روزی شد مرا آتش رواه مسلم و روایت است از ربیعه بن کعب رض
قال كنت أبيت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فأتيته بوضوئه
گفت بودم من که شب میگذرانیدم با آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس می آوردم برای آنحضرت آب وضو را
وحاجته فقال لي سل فقلت أسألك مرافقتك في الجنة قال أو غير
و میکردم خدمتهای دیگر او را پس فرموده بخواه گفتم میخواهم از تو همراه تو بودن در بهشت فرمود چیزی دیگر بخواه
ذلك قلت هو ذاك قال فأعني على نفسك بكثرة السجود رواه مسلم
که این مرتبه پس عظیمست گفتم مقصود من همانست فرمود پس یاری ده مرا بر نفس خود به بسیار کردن سجده



وعن معدان بن طلحة رض قال لقيت ثوبان مولى رسول الله صلى الله
و مرویست از معدان بن طلحه رض گفت پیش آمدم ثوبان را که آزاد کرده آنحضرت صلی الله
عليه وسلم فقلت أخبرني بعمل أعمله يدخلني الله به الجنة فسكت
علیه وسلم بود پس گفتم خبر ده مرا از کاری که کنم آن کار را تا در آرد مرا خدا تعالی بسبب آن کار بهشت را پس خاموش ماند
ثم سألته فسكت ثم سألته الثالثة فقال سألت عن ذلك رسول الله
باز پرسیدم او را پس خاموش ماند باز پرسیدم او را بار سوم پس گفت پرسیدم من ازین عمل پیغامبر خدا را
صلى الله عليه وسلم فقال عليك بكثرة السجود فإنك لا تسجد لله
صلی الله علیه وسلم پس فرمود بر تو باد که بسیار سجده کنی پس بدرستیکه تو نمی کنی مر خدا را
سجدة إلا رفعك الله بها درجة وحط عنك بها خطيئة قال
سجده مگر آنکه برمیدارد ترا خدا تعالی بسبب آن سجده پایه بزرگ کم میکند از تو بسبب آن سجده گناه ترا گفت
معدان ثم لقيت أبا الدرداء فسألته فقال لي مثل ما قال لي ثوبان
معدان بیشتر ملاقات کردم ابو دردا را پس پرسیدم او را نیز پس گفت مرا مانند آنچه که گفته بود مرا ثوبان
رواه مسلم وعن ابن عمر رض قال كانت الصلوة خمسين والغسل
رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت بوده است نماز پنجاه گانه و غسل
من الجنابة سبع مرات وغسل البول من الثوب سبع مرات فلم يزل
از جنابت هفت مرتبه و شستن شاشه از پارچه هفت بار پس همیشه بود
رسول الله صلى الله عليه وسلم يسأل حتى جعلت الصلوة خمسا وغسل
رسول خدا صلی الله علیه وسلم که سوال میکرد تا آنکه گردانیده شد نماز پنجگانه و غسل
الجنابة مرة وغسل الثوب من البول مرة رواه أبو داود
از جنابت یک مرتبه و شستن ثیاب از بول یکمرتبه رواه ابوداود

## باب ما جاء في إثم تارك الصلوة

باب احادیثی که وارد شده است در گناه ترک کننده نماز

وعن ابي هريرة رضـ قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ان
ومرویست از ابی ہریرہ رضـ گفت شنیدم از پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت بدرستیکہ
اول ما يحاسب به العبد يوم القيمة من عمله صلوته فان صلحت
نخستین چیزیکہ محاسبہ کردہ شود لسبب آن چیز بندہ روز قیامت از عمل او نماز اوست پس اگر درست آمد نماز
فقد افلح وانجح وان فسدت فقد خاب وخسر فان نقص من فريضته شيء
پس بتحقیق فلاح ونجات یافت آن مرد واگر فاسد شد آن نماز پس بتحقیق ناامید وخاسر شد آنمرد پس اگر ناقص شود از فریضہ
قال الرب تبارك وتعالى انظروا هل لعبدي من تطوع فيكمل بها ما انتقص
بگوید پروردگار تبارک وتعالی بہ بینید آیا ہست مر بندہ مرا چیزے از نفل تا کامل کردہ شود لسبب آن نفل آنچہ کہ ناقص شدہ است
من الفريضة ثم يكون سائر عمله على ذلك وفي رواية ثم الزكوة
از فرض او پستر می باشد باقی عمل او براین طور ودر روایت دیگر ہمچنین است پستر زکوۃ
مثل ذلك ثم تؤخذ الاعمال على حسب ذلك رواه ابوداود ورواه
مانند آن پستر مواخذہ کردہ شود اعمال براین طریق رواہ ابوداود وروایت
احمد عن رجل وعن طلق بن علي الحنفي رضـ قال قال رسول الله صلى
احمد از مردی وروایت است از طلق بن علی حنفی رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی
الله عليه وسلم لا ينظر الله عز وجل الى صلوة عبد لا يقيم فيها صلبه
اللہ علیہ وسلم قبول نمی کند خدای برتر نماز بندہ راکہ راست نمی کند استخوان پشت خود را
بين خشوعها وسجودها رواه احمد وعن ابن عمر رضـ قال قال رسول الله
در رکوع وسجود نماز رواہ احمد ومرویست از ابن عمر رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا
صلى الله عليه وسلم الذي تفوته صلوة العصر فكانما وتر اهله
صلی اللہ علیہ وسلم آن کسی کہ فوت شود واورا نماز عصر گویا نقصان کردہ شد اہل خانہ او
وماله متفق عليه وعن بريدة رضـ قال قال رسول الله صلى الله
ومال آنکس متفق علیہ واز بریدہ رضـ روایت است کہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ



عليه وسلم من ترك صلوة العصر فقد حبط عمله رواه البخاري
علیہ وسلم کسیکہ ترک کند نماز عصر دیدہ ودانستہ پس تحقیق باطل شود تمام عمل او رواہ بخاری
وعن ابي ذر رضـ قال اوصاني خليلي ان لا تشرك بالله شيئا
وروایت است از ابی ذر گفت وصیت کرد مرا دوست من کہ شریک مگردان بخدا چیزے را
وان قطعت وحرقت ولا تترك صلوة مكتوبة متعمدا فمن تركها
اگر پارہ پارہ شوی وسوختہ شوی وترک مکن نماز فرض را دیدہ ودانستہ پس ہر کہ ترک کند نماز فریضہ را
متعمدا فقد برئت منه الذمة ولا تشرب الخمر فانها مفتاح كل
دیدہ ودانستہ پس بیزار شد ازوی عہد مسلمانی ومنوش شراب را پس بدرستیکہ آن کلید ہمہ
شر رواه ابن ماجة وعن عبد الله بن شقيق رضـ قال كان اصحاب
بدی است رواہ ابن ماجہ وروایت است از عبد اللہ بن شقیق رضـ گفت بودند یاران
رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يرون شيئا من الاعمال تركه كفرا
پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم اعتقاد نمیکردند ہیچ عملے راکہ ترک وے کفر باشد
غير الصلوة رواه الترمذي وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضـ
جز نماز رواہ ترمذی وروایت است از عبد اللہ بن عمرو بن عاص رضـ
عن النبي صلى الله عليه وسلم انه ذكر الصلوة يوما فقال من حافظ
از پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کہ آنحضرت ذکر کردہ نماز را روزی پس فرمود کسیکہ نگہبانی کند
عليها كانت له نورا وبرهانا ونجاة يوم القيمة ومن لم يحافظ عليها
بر نماز باشد مر او را نماز سبب نورانیت وحجت قوی ونجات روز قیامت وکسیکہ محافظت نکند بر نماز
لم تكن له نورا ولا برهانا ولا نجاة وكان يوم القيمة مع قارون و
نباشد مر او را نور ونہ حجت ونہ سبب رستگاری وباشد آنکس روز قیامت با کافران کہ قارون و
فرعون وهامان وابي بن خلف رواه احمد والدارمي والبيهقي
فرعون وہامان است وابی ابن خلف کہ اشقی این امت است روایت کرد آنرا احمد ودارمی وبیہقی

في شعب الإيمان وعن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده رض
در شعب الایمان وروایت است از عمرو بن شعیب واو از پدر خود واو از جد او رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مروا أولادكم بالصلوة
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر فرزندان خود را به نماز گزاردن
وهم أبناء سبع سنين واضربوهم عليها وهم أبناء عشر سنين و
حال آنکه ایشان هفت ساله باشند وبزنید فرزندان خود را به گزاردن نماز چون ده ساله شوند و
فرقوا بينهم في المضاجع رواه أبو داود وكذا رواه في شرح السنة عنه
جدائی کنید میان فرزندان در خوابگاه روایت کرد این حدیث را ابوداود و همچنین روایت کرده است در شرح السنة از عمرو بن شعیب
وفي المصابيح عن سبرة بن معبد وعن بريدة رض قال قال رسول الله
در مصابیح روایت کرد از سبره بن معبد وروایت است از بریده رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم العهد الذي بيننا وبينهم الصلوة فمن تركها
صلی الله علیه وسلم عهدی که در میان ما و میان منافقان است نماز است پس کسیکه نگذارد نماز را
فقد كفر رواه أحمد والترمذي والنسائي وابن ماجة ؁
پس بتحقیق ظاهر شد کفر او روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه
وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
بين العبد وبين الكفر ترك الصلوة رواه مسلم
حدیکه واقع شده است میان بنده و میان کفر همین نماز است روایت کرد این حدیث را مسلم

## باب تعجيل الصلوة

باب احادیثی که در فضیلت عجلت نماز وارد شده اند

حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى وقوموا لله قانتين ؀
نگهبانی کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه که نماز عصر است بالیقین برای خدا فرمان بردار شده



وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الوقت الأول
وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اول وقت
من الصلوة رضوان الله والوقت الآخر عفو الله رواه الترمذي وعن
از نماز سبب رضای خدای تعالی است و گزاردن نماز در آخر وقت عفو خدا است روایت کرد ترمذی و روایت است
علي أن النبي صلى الله عليه وسلم قال يا علي ثلث لا تؤخرها الصلوة
از علی رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ای علی سه خصلت است تاخیر مکن در آن یکی نماز
إذا أتت والجنازة إذا حضرت والأيم إذا وجدت لها كفوا رواه
چون بیاید دوم جنازه وقتیکه حاضر شود سوم زنی بی شوهر وقتیکه بیابی برا او را کفو روایت کرد
الترمذي وعن رافع بن خديج رض قال كنا نصلي المغرب مع رسول الله
ترمذی وروایت است از رافع بن خدیج رض گفت بودیم ما که میگذاردیم نماز مغرب را با پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم فينصرف أحدنا وإنه ليبصر مواقع نبله متفق
صلی الله علیه وسلم پس میگشت یکی از ما و حال آنکه وی هر آئینه میدید جاهای افتادن تیرهای خود را متفق
عليه وعن أبي أيوب قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
علیه وروایت از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم
لا يزال أمتي بخير أو قال على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب إلى أن
همیشه اند امت من پیوسته بخیر یا گفت همیشه اند بر اکرجش اسلام مادام که تاخیر نکنند نماز مغرب را تا
تشتبك النجوم رواه أبو داود وعن النعمان بن بشير رض قال
مختلط شوند ستارها روایت کرد ابوداود وروایت از نعمان بن بشیر رض گفت
أنا أعلم بوقت هذه الصلوة صلوة العشاء الآخرة كان رسول الله
من داناترم بوقت این نماز که نماز عشاء پسین باشد میگذارد پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم يصليها لسقوط القمر لثالثة رواه أبو داود والدارمي
صلی الله علیه وسلم آنرا در وقت افتادن ماه در مغرب وی در شب سوم روایت کرد ابوداود و دارمی

وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيْجٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وروایت است از رافع بن خدیج رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
اَسْفِرُوْا بِالْفَجْرِ فَاِنَّهٗ اَعْظَمُ لِلْاَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالدَّارِمِيُّ
اسفار کنید در فجر و در روشنی بگذارید آنرا پس بدرستیکه اسفار بزرگتر است از جهت مزد روایت کرده او ترمذی وابوداود ودارمی
وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اشْتَدَّ
وروایت از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه سخت شود
الْحَرُّ فَاَبْرِدُوْا بِالصَّلٰوةِ وَفِيْ رِوَايَةِ الْبُخَارِيِّ عَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ بِالظُّهْرِ
گرمی پس سرد کنید بنماز در روایت بخاری از ابی سعید لفظ بالظهر واقع شده
فَاِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ وَاشْتَكَتِ النَّارُ اِلٰى رَبِّهَا فَقَالَتْ
زیرا که سختی گرمی از جوشیدن دوزخ است وگله کرد آتش بسوی پروردگار خود پس گفت
يَا رَبِّ اَكَلَ بَعْضِيْ بَعْضًا فَاَذِنَ لَهَا بِنَفَسَيْنِ نَفَسٍ فِي الشِّتَاءِ
پروردگار من خورد اجزاء من بعضی دیگر را پس دستوری داد پروردگار مر آتش را بدو نفس یک دم در زمستان
وَنَفَسٍ فِي الصَّيْفِ اَشَدُّ مَا تَجِدُوْنَ مِنَ الْحَرِّ وَاَشَدُّ مَا تَجِدُوْنَ
ودمی دیگر در تابستان سخت تر آنچه می یابید شما از گرمی وسخت تر آنچه می یابید شما
مِنَ الزَّمْهَرِيْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِلْبُخَارِيِّ فَاَشَدُّ مَا تَجِدُوْنَ
از سردی از آن دو نفس است متفق علیه و در روایت دیگر بخاری را چنین آمده است پس سخت تر آنچه می یابید شما
مِنَ الْحَرِّ فَمِنْ سَمُوْمِهَا وَاَشَدُّ مَا تَجِدُوْنَ مِنَ الْبَرْدِ فَمِنْ زَمْهَرِيْرِهَا
از گرمی پس از دم گرم آتش است وسخت تر آنچه گرمی یابید شما از سردی پس از دم سرد اوست

## بَابُ فَضْلِ الْاَذَانِ وَاِجَابَةِ الْمُؤَذِّنِ

باب احادیثی که در فضیلت اذان واجابت مؤذن وارد شده اند

عَنْ اَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
روایت است از ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه



وَسَلَّمَ لَا يَسْمَعُ مَدٰى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنٌّ وَّلَا اِنْسٌ وَّلَا شَيْءٌ اِلَّا شَهِدَ
وسلم نمی شنوند غایت آواز موذن را نه جن ونه انس ونه هیچ شئی مگر آنکه گواهی میدهد برای
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى
روز قیامت رواه البخاری وروایت از معاویه رضی الله عنه گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ الْمُؤَذِّنُوْنَ اَطْوَلُ النَّاسِ اَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
الله علیه وسلم که میگفت موذنان گردن دراز ترند از مردمان روز قیامت رواه مسلم
وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا نُوْدِيَ
وروایت از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه آواز کرده می شود
لِلصَّلٰوةِ اَدْبَرَ الشَّيْطَانُ لَهٗ ضُرَاطٌ حَتّٰى لَا يَسْمَعَ التَّاْذِيْنَ فَاِذَا قُضِيَ
برای نماز پشت میدهد شیطان در حالیکه تیز میزند تا نشنود اذان را پس چون تمام کرده شود
النِّدَاءُ اَقْبَلَ حَتّٰى اِذَا ثُوِّبَ بِالصَّلٰوةِ اَدْبَرَ حَتّٰى اِذَا قُضِيَ التَّثْوِيْبُ اَقْبَلَ
اذان پیش آمد تا آنکه وقتیکه اقامت گفته شود برای نماز پشت میدهد تا آنکه چون تمام کرده شد اقامت پیش می آمد
حَتّٰى يَخْطُرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهٖ يَقُوْلُ اُذْكُرْ كَذَا اُذْكُرْ كَذَا لِمَا لَمْ يَكُنْ يَذْكُرُ
تا آنکه وسوسه می اندازد در میان مرد و میان نفس وی میگوید یاد کن چنین و یاد کن چنان یاد میدهد چیزی را که نبود یاد آن
حَتّٰى يَظَلَّ الرَّجُلُ لَا يَدْرِيْ كَمْ صَلّٰى مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ
تا آنکه میگردد مرد چنانکه در نمی یابد که چند رکعت گذارده است متفق علیه وروایت از ابی هریره رض گفت
قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْاِمَامُ ضَامِنٌ وَّالْمُؤَذِّنُ مُؤْتَمَنٌ
فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امام بر خود گیرنده است کار وبار و موذن امانت دار است
اَللّٰهُمَّ اَرْشِدِ الْاَئِمَّةَ وَاغْفِرْ لِلْمُؤَذِّنِيْنَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ
خداوندا راه راست نما امامان را و بیامرز موذنان را رواه احمد وابوداود وترمذی
وَالشَّافِعِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وشافعی وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من أذن سبع سنين محتسبا كتب له براءة من النار رواه الترمذي
کسیکه اذان گوید هفت سال برای طلب اجر نوشته شود برای او بیزاری از آتش دوزخ رواه ترمذی
وابن ماجة وعن عقبة بن عامر رض قال قال رسول الله صلى الله
و ابن ماجه در روایت است از عقبه بن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عليه وسلم يعجب ربك من راعي غنم في رأس شظية للجبل يؤذن
علیه وسلم عجب کرد پروردگار تو از چرا کننده گوسفندان در سر بلندی کوه که اذان میگوید
بالصلوة ويصلي فيقول الله عز وجل انظروا الى عبدي هذا يؤذن
برای نماز و میگذارد نماز را پس میگوید خدای بزرگ بفرشتگان نظر کنید بسوی بنده من که اینست اذان میگوید
ويقيم الصلوة يخاف مني قد غفرت لعبدي وأدخلته الجنة رواه
و برپای دارد نماز را میترسد از من بتحقیق آمرزیدم این بنده خود را و آوردم او را در بهشت رواه
أبو داود والنسائي وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله
ابوداؤد و نسائی در روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عليه وسلم ثلثة على كثبان المسك يوم القيمة عبد أدى حق الله
علیه وسلم سه کس بر تلها مشک روز قیامت یکی بنده که گذارد حق خدا را
وحق مولاه ورجل أم قوما وهم به راضون ورجل ينادي بالصلوات
و حق خداوند خود را دیگر مردیکه امامت کرد گروهی را و ایشان از وی راضی اند و دیگر مردیکه اذان میگوید پنج وقت
الخمس كل يوم وليلة رواه الترمذي وقال هذا حديث غريب وعن
نماز را هر روز و شب رواه ترمذی و گفت این حدیث غریب است و روایت است از
أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم المؤذن يغفر له مدى
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بانگ نماز گوینده آمرزیده شود مر او را تا غایه بلند
صوته ويشهد له كل رطب ويابس وشاهد الصلوة يكتب له خمس
آواز او و گواهی میدهد برای او هر تره خشک و حاضر آینده نماز را نوشته میشود بیست و پنج



وعشرون صلوة ويكفر عنه ما بينهما رواه أحمد وأبو داود وعن
نماز و بخشیده میشود از وی گناهان که واقع میشوند میان هر دو نماز رواه احمد و ابوداؤد و روایت است از
عثمان بن أبي العاص رض قال قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم اجعلني
از عثمان بن ابی العاص رض گفت گفتم ای پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بگردان مرا
إمام قومي قال أنت إمامهم واقتد بأضعفهم واتخذ مؤذنا لا يأخذ
امام قوم من فرمود تو امام قومی و اقتدا کن بضعیف ترین ایشان و بگیر موذنی را که نگیرد
على أذانه أجرا رواه أحمد وأبو داود وعن ابن عمر رض أن رسول الله صلى
بر اذان خود اجرت رواه احمد و ابوداؤد و روایت است از ابن عمر رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی
الله عليه وسلم قال من أذن ثنتي عشرة سنة وجبت له الجنة و
الله علیه وسلم فرمود کسیکه اذان گوید دوازده سال واجب گردد مر او را بهشت و
كتب له بتأذينه في كل يوم ستون حسنة ولكل إقامة ثلثون
و نوشته میشود مر او را بجزای اذان گفتن وی هر روز هر بار شصت نیکی و هر اقامت را سی
حسنة رواه ابن ماجة وعن سهل بن سعد رض قال قال رسول الله
نیکی رواه ابن ماجه و روایت است از سهل ابن سعد رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم ثنتان لا تردان الدعاء عند النداء وعند
صلی الله علیه وسلم دو چیز است که رد کرده نمی شود دعا نزد بانگ نماز و نزدیک
البأس حين يلحم بعضهم بعضا وفي رواية تحت المطر رواه أبو داود
جنگ کافران وقتیکه بکشند بعضی ایشان بعض را و در روایتی آمده که زیر باران مقبول است رواه ابوداؤد
وعن أم سلمة رض قالت علمني رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از ام سلمه رضی الله عنها گفت که تعلیم کرد مرا رسول الله صلی الله علیه وسلم
أن أقول عند أذان المغرب اللهم هذا إقبال ليلك وإدبار نهارك
اینکه بخوانم نزد بانگ نماز شام این دعا را خداوندا این وقت پیش آمدن شب تست و وقت پشت دادن روز تست

واصوات دعاتك فاغفر لي رواه ابوداود والبيهقي في الدعوات الكبير

واین آواز خوانندگان تست بعبادت پس بیامرز مرا رواه ابوداود و روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا علي فانه من صلى علي

چون بشنوید موذن را که اذان میگوید پس بگوئید مانند آنچه وی میگوید پس درود بفرستید بر من زیرا که هر کسی که یکبار درود بفرستد بر ما

صلوة صلى الله عليه بها عشرا ثم سلوا الله لي الوسيلة فانها منزلة

یکبار درود بفرستد خداتعالی بر وی بجزای آن ده بار پس سوال کنید خدا را برای من وسیله زیرا که وسیله درجه ایست

في الجنة لا ينبغي الا لعبد من عباد الله تعالى وارجوا ان اكون انا

در بهشت نمی سزد آن منزلت مگر برای یک بنده از بندگان خداتعالی و امید میدارم که باشم من آن بنده

فمن سأل لي الوسيلة حلت عليه الشفاعة رواه مسلم وعن

پس هر که سوال کند برای من وسیله فرود آمد بروی شفاعت رواه مسلم و روایت است از

جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع النداء

جابر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگوید هنگام شنیدن اذان

اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة ات محمدا

خداوندا ای پروردگار این دعا تامه و صلوة قائمه بده محمد صلعم را

الوسيلة والفضيلة وابعثه مقاما محمودا الذي وعدته حلت له

وسیله و فضیلت و ایستاده کن محمد را در مقام محمود آن مقام که وعده کرده اورا فرود می آید مر اورا

شفاعتي يوم القيمة رواه البخاري وعن سعد بن ابي وقاص رض

شفاعت من روز قیامت رواه البخاری و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع المؤذن

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگوید هنگام شنیدن اذان



اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله

اینکه گواهی میدهم که نیست پرستیده بحق مگر خدای واحد که شریک نیست و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و رسول او اند

رضيت بالله ربا وبمحمد رسولا وبالاسلام دينا غفر له ذنبه رواه

راضی شدم بخداتعالی از روی رب و بمحمد از روی رسول و باسلام از روی دین آمرزیده شوند مر او را گناهان صغار رواه

مسلم وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خصلتان

مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

معلقتان في اعناق المؤذنين للمسلمين صيامهم وصلوتهم رواه ابن ماجة

آویخته شده اند در گردنهای بانگ نماز گویندگان برای مسلمانان روزه شان و نماز ایشان رواه ابن ماجه

## باب فضل الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم

باب فضیلت درود بر نبی صلی الله علیه وسلم

ان الله وملئكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه

بر آیینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر ای آن کسانیکه ایمان آورده اند درود فرستید

وسلموا تسليما وعن انس قال قال رسول الله صلى الله عليه

و سلام گوئید سلام گفتنی و روایت است از انس رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه

وسلم من صلى علي صلوة واحدة صلى الله عليه عشر صلوات وحطت

وسلم کسیکه درود بفرستد بر من یکبار بفرستد خداتعالی بر وی ده بار درود و دور کرده شود

عنه عشر خطيئات ورفعت له عشر درجات رواه النسائي

از وی ده گناه و برداشته شود مر او را ده پایه در قرب حق رواه نسائی

وعن ابن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اولى

و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیک ترین

الناس بي يوم القيمة اكثرهم علي صلوة رواه الترمذي

مردم بمن روز رستخیز بیشترین ایشانست بر من درود گوینده رواه ترمذی

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلّٰهِ مَلٰئِكَةً

واز وی روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مر خدایرا فرشتگانند

سَيَّاحِيْنَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُوْنِيْ مِنْ أُمَّتِي السَّلَامَ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

رونده در زمین که میرسانند مرا از امت من سلامی که میگویند برمن رواه نسائی و دارمی

وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ

در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی

يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللّٰهُ عَلَيَّ رُوْحِيْ حَتّٰى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ

که سلام میفرستد برمن مگر آنکه باز میفرستد خدا تعالی برمن روح مرا تا آنکه جواب گویم بروی سلام را رواه ابو داود

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وبیهقی روایت کرد در دعوات کبیر و مرویست از وی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ لَا تَجْعَلُوْا بُيُوْتَكُمْ قُبُوْرًا وَلَا تَجْعَلُوْا قَبْرِيْ عِيْدًا

علیه وسلم را میگفت مگردانید خانهای خود را مانند قبرها و مگردانید قبر مرا عیدگاه

وَصَلُّوْا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلٰوتَكُمْ تَبْلُغُنِيْ حَيْثُ كُنْتُمْ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْهُ

درود فرستید برمن زیرا که درود شما میرسد مرا هر جاکه باشید رواه نسائی و در روایت است از وی

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خاک آلوده باد بینی مردی که ذکر کرده شوم نزد آن مرد

فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ وَرَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَيْهِ رَمَضَانُ ثُمَّ انْسَلَخَ قَبْلَ

پس درود نه فرستد برمن و هلاک باد مردیکه در آید بروی ماه رمضان بعد بگذرد این ماه پیش از آنکه

أَنْ يُغْفَرَ لَهُ وَرَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ أَدْرَكَ عِنْدَهُ أَبَوَاهُ الْكِبَرَ أَوْ

آمرزیده شود آنمرد و خوار باد مردیکه دریابد نزد وی مادر و پدرش بزرگ سالی را یا

أَحَدُهُمَا فَلَمْ يُدْخِلَاهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِيْ طَلْحَةَ رض أَنَّ

یکی از مادر و پدرش نیفرستند پدر و مادر او در بهشت رواه ترمذی و روایت است از ابی طلحه رض بدرستیکه



رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ ذَاتَ يَوْمٍ وَالْبِشْرُ فِيْ وَجْهِهِ فَقَالَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد پیش اصحاب خود روزی در حالتیکه خوشی در روی مبارک او بود پس فرمود

إِنَّهُ جَاءَنِيْ جِبْرِيْلُ فَقَالَ إِنَّ رَبَّكَ يَقُوْلُ أَمَا يُرْضِيْكَ يَا مُحَمَّدُ أَنْ لَا يُصَلِّيَ

که آمد جبرئیل نزد من پس گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید آیا راضی نمیسازد ترا ای محمد آنکه یک درود نفرستد

عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ

بر تو هیچ یکی از امت تو مگر درود بفرستم بر وی ده بار و سلام نفرستد بر تو هیچ یکی از

أُمَّتِكَ إِلَّا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رض

امت تو مگر آنکه سلام بفرستم بر وی ده بار رواه نسائی و در روایت است از ابی بن کعب رض

قَالَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّيْ أُكْثِرُ الصَّلٰوةَ عَلَيْكَ فَكَمْ

گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه من بسیار میفرستم درود بر تو پس چه مقدار

أَجْعَلُ لَكَ مِنْ صَلٰوتِيْ فَقَالَ مَا شِئْتَ قُلْتُ الرُّبُعَ قَالَ مَا شِئْتَ فَإِنْ

زمان معین گردانم برای درود فرستادن بر تو پس فرمود بر مقدار که میخواهی گفتم چهار یک از زمان فرمود بر قدر که میخواهی پس اگر

زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ قُلْتُ النِّصْفَ قَالَ مَا شِئْتَ فَإِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ

زیاده کنی از ربع پس آن بهتر است ترا گفتم نصف زمان را بگردانم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی پس آن بهتر است

لَكَ قُلْتُ فَالثُّلُثَيْنِ قَالَ مَا شِئْتَ فَإِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ قُلْتُ

مر ترا گفتم پس دو ثلث گفتم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی آن بهتر است مر ترا گفتم

أَجْعَلُ لَكَ صَلٰوتِيْ كُلَّهَا قَالَ إِذًا يُكْفٰى هَمُّكَ وَيُكَفَّرُ لَكَ ذَنْبُكَ رَوَاهُ

میگردانم برای تو زمان دعای خود را همه فرمود آنگاه کفایت کرده شود همه مقصود تو و پوشیده کرده شود همه گناهان تو

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواه ترمذی و در روایت است از علی رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

الْبَخِيْلُ الَّذِيْ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بخیل است کسیکه ذکر کرده شوم من نزدی پس او درود نفرستد بر من رواه ترمذی

ورواه أحمد عن حسين بن علي رض وعن أبي هريرة رض قال قال
ورواه احمد از حسین بن علی رض وروایت است از ابی هریرة رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى علي عند قبري سمعته ومن صلى
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من نزد قبر من البته میشنوم درود او را وکسیکه درود بفرستد

علي نائيا أبلغته رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن عبد الله
بر من از دور رسانیده شود درود او مرا رواه بیهقی در شعب الایمان وروایت است از عبد الله

بن عمرو رض قال من صلى على النبي صلى الله عليه وسلم واحدة صلى
بن عمرو رض گفت کسیکه درود بفرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم یکبار درود فرستد

الله عليه وملائكته سبعين صلوة رواه أحمد وعن رويفع أن
خدا تعالی بر وی و فرشتگان وی هفتاد بار درود رواه احمد وروایت است از رویفع بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من صلى على محمد وقال اللهم أنزله
پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر محمد صلی الله علیه وسلم وبگوید خداوندا فرود آر محمد را

المقعد المقرب عندك يوم القيامة وجبت له شفاعتي رواه أحمد
در نشستگاه که نزدیک گردانیده شده نزد تو در روز رستخیز واجب گردد باو شفاعت من رواه احمد

وعن عمر بن الخطاب رض قال إن الدعاء موقوف بين السماء
وروایت است از عمر بن الخطاب رض گفت بدرستیکه دعا ایستاده گردانیده شود میان آسمان

والأرض لا يصعد منها شيء حتى تصلي على نبيك رواه الترمذي
وزمین بر رود وبالا برده نمیشود از دعوت چیزی تا آنکه درود بفرستی بر نبی خود رواه ترمذی

وقال صلى الله عليه وسلم من صلى علي صلت عليه الملائكة ما دام
و فرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من درود میفرستند بروی فرشتگان تا وقتیکه آن

يصلي علي فليقلل عند ذلك أو ليكثر أخرجه ابن حبان بسند ضعيف
درود میفرستد بر من پس باید که کم کنند نزد او مرد چنین یا زیاده کنند آن بنده روایت کرد ابن حبان بسند ضعیف



والطبراني في الأوسط بسند حسن والإمام أحمد وسعيد بن منصور
وطبرانی در اوسط بسند حسن وامام احمد وسعید ابن منصور

وأبو نعيم كلهم عن عامر بن ربيعة كذا في مطالع المسرات شرح
وابونعیم همه ایشان از عامر بن ربیعه همچنین است در مطالع مسرات که شرح

دلائل الخيرات وقال صلى الله عليه وسلم من أفضل أيامكم يوم
دلائل خیرات است وفرمود صلی الله علیه وسلم فاضل ترین روزهای شما روز

الجمعة فيه خلق آدم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة
جمعه است در وی آفریده شد آدم ودر وی وفات یافت ودر وی نفخه است ودر وی صعقه است

فأكثروا علي من الصلوة فيه فإن صلوتكم معروضة علي قالوا
پس زیاده کنید بر من از درود در روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده شود بر من گفتند

يا رسول الله وكيف تعرض عليك صلوتنا وقد أرمت أي بليت أي
یا رسول الله صلی الله علیه وسلم وچه طور عرض کرده شود بر تو درود تا حال اینکه جسد شما در قبر کهنه شده باشد یعنی

صرت رميما قال إن الله تعالى حرم على الأرض أن تأكل أجساد
خاک شده باشد فرمود بدرستیکه خدا تعالی حرام کرده است بر زمین اینکه بخورد اجساد

الأنبياء أخرجه أبو داود والنسائي وابن ماجة بأسانيد صحيحة وابن
پیغمبران را روایت کرد ابوداود ونسائی وابن ماجه بسند های صحیح وابن

حبان والحاكم وقال صحيح على شرط البخاري من حديث أوس
حبان وحاکم وگفت این حدیث صحیح است بر شرط بخاری از حدیث اوس

ابن أوس الثقفي رض مطالع وقال صلى الله عليه وسلم من صلى علي
ابن اوس الثقفی رض این حدیث در مطالع است وفرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود نوشت بر من

في كتاب لم تزل الملائكة تصلي عليه ما دام اسمي في ذلك الكتاب
در کتاب همیشه اینست که فرشتگان درود میفرستند بروی تا وقتیکه نام من در آن کتاب باقی باشد

قال العراقي رواه الطبراني في الاوسط وابو الشيخ في الثواب والمستغفري

گفت عراقی روایت کرده طبرانی در اوسط وابو شیخ در ثواب والمستغفری

في الدعوات من حديث ابي هريرة بسند ضعيف مطالع وقال

در دعوات از حدیث ابی ہریرة رض بسند ضعیف این حدیث در مطالع است وگفت

ابو سليمان الداراني من اراد ان يسئل حاجته فليكثر بالصلوة على

ابو سلیمان دارانی کسیکه خواهد که سوال کند حاجت خود را پس باید که زیاده بفرستد درود ابر

النبي صلى الله عليه وسلم ثم يسئل الله حاجته وليختم بالصلوة على النبي

نبی صلی الله علیه وسلم پستر سوال کند از خدا تعالی حاجت خود را وباید که تمام کند دعا بر درود شریف فرستادن

صلى الله عليه وسلم فان الله يقبل الصلوتين وهو اكرم من ان يدع

بر نبی صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه خدا قبول میکند هردو درود را و او آنخدا بزرگتر است ازینکه ترک کند دعا را

ما بينهما كذا في دلائل الخيرات وروي عنه صلى الله عليه وسلم

که میان هردو درود … در دلائل الخیرات و روایت است از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

انه قال من صلى على يوم الجمعة مائة مرة غفرت له خطيئة

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر من روز جمعه یکصد مرتبه آمرزیده شود برای وی گناه

ثمانين سنة اخرجه الديلمي عن انس رض مطالع وفي رواية

هشتاد ساله تخریج کرد این حدیث را دیلمی از انس رض از مطالع نقل کرده شد و در روایت

عبد الرحمن بن عوف قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم جاءني جبرئيل

عبد الرحمن بن عوف گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد نزد من جبرئیل

عليه السلام وقال يا محمد لا يصلي عليك احد الا صلى عليه سبعون

علیه السلام وگفت ای محمد صلی الله علیه وسلم درود نمی فرستد بر تو کسی یک کره درود میفرستند بروی هفتاد

الف ملك ومن صلت عليه ملئكة كان من اهل الجنة هكذا ذكره

هزار فرشتگان وکسیکه درود میفرستند بروی فرشتگان می باشد آن شخص از اهل بهشت همچنین ذکر کرد آن را



بهذا اللفظ ابن فرحون مطالع وقال صلى الله عليه وسلم اكثركم

باین الفاظ ابن فرحون از مطالع وفرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بیشترین شما

على صلوة اكثركم ازواجا في الجنة ذكره ابن وداعة بهذا اللفظ

بر من از روی درود بسیار ترین شما از روی ازواج است در جنت ذکر کرد این حدیث را ابن وداعه باین لفظ

ونقله السخاوي عن صاحب الدر المنتظم مطالع وعنه صلى الله عليه

ونقل کرد این حدیث را سخاوی از صاحب در المنتظم از مطالع واز وے صلی الله علیه

وسلم انه قال من صلى على صلوة تعظيما لحقي خلق الله عز وجل من ذلك

وسلم مرویست بدرستیکه فرمود کسیکه درود فرستد بر من یکبار برای تعظیم حق من آفریند خدای بزرگ و بلند ازین

القول ملكا له جناح بالمشرق والاخر بالمغرب ورجلاه مقرورتان

قول یک فرشته که مر ورا باشد یک بازو در مشرق ودیگر در مغرب وهردو پایے او قرار یافته

في الارض السابعة السفلى وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله

در زمین هفتمی تحتانی وگردن وے متصل زیر عرش میگوید خدا تعالی

عز وجل له صل على عبدي كما صلى على نبيي صلى الله عليه وسلم

عز وجل مر ویرا درود بفرست بر بنده من چنانکه درود فرستاده است آن بنده بر پیغامبر من صلی الله علیه وسلم

فهو يصلي عليه الى يوم القيمة الحديث ذكره ابن سبع من دون

پس آن فرشته درود میفرستد بروی تا روز قیامت تا آخر حدیث ذکر کرد این حدیث را ابن سبع بغیر

ذكر صحابي ولا مخرج وذكره ابن جبير عن انس رض ولم يعزه وكذا

ذکر صحابی وبغیر ذکر صاحب تخریج وذکر کرد این حدیث جبیر از انس رض ونسبت نکرد بطرف او چنان ذکر کرد

ابن وداعة واسنده ابن بشكوال عن انس رض الا اني لم اجد عنده قوله

ابن وداعه واسناد رسانید این حدیث را ابن بشکوال از انس رض مگر این قول نیز گفت که بدرستیکه من نیافته ام نزد وی قول او

ورجلاه الى تحت العرش مطالع وروي عنه صلى الله عليه وسلم

که ورجلاه تا لفظ تحت عرش است از مطالع وروایت است از وی صلی الله علیه وسلم

أَنَّهُ قَالَ لَيَرِدَنَّ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْوَامٌ مَا أَعْرِفُهُمْ إِلَّا بِكَثْرَةِ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه وارد شوند بر حوض کوثر در روز رستخیز قومهائیکه نمی شناسم من ایشانرا مگر بسبب زیادتی

الصَّلٰوةِ عَلَيَّ ذَكَرَهُ الْقَاضِي عِيَاضٌ فِي الشِّفَاءِ وَعَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

درود که بر من فرستاده اند ذکر کرده است قاضی عیاض در کتاب شفا فی حقوق المصطفی در روایتست از آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً وَاحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَمَنْ

وسلم بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستاد بر من یکبار درود میفرستد خدا تعالی بروی ده بار و کسیکه

صَلَّى عَلَيَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ مِائَةً وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِائَةً صَلَّى

درود فرستد بر من ده مرتبه درود میفرستد خدا تعالی بروی صد مرتبه و کسیکه درود فرستد بر من صد بار درود میفرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ أَلْفَ مَرَّةٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ أَلْفَ مَرَّةٍ حَرَّمَ اللّٰهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ

بروی خدا تعالی هزار مرتبه و کسیکه درود فرستد بر من هزار مرتبه حرام گرداند خدا تعالی جسد ویرا بر آتش دوزخ

وَثَبَّتَهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ عِنْدَ الْمَسْئَلَةِ

و ثابت میدارد ویرا با قول ثابت که توحید است در حیات دنیا و در آخرت نزدیک سوال

وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَجَاءَتْ صَلٰوتُهُ عَلَيَّ نُورًا لَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلَى الصِّرَاطِ

و داخل کند خدا تعالی آن بنده را در بهشت و آید درود وی بر من نور مر ویرا روز رستخیز بر پل صراط

مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ وَأَعْطَاهُ اللّٰهُ بِكُلِّ صَلٰوةٍ صَلَّاهَا قَصْرًا فِي

که راه وی پنج صد ساله است و میدهد او را خدا تعالی بسبب هر درود که خوانده است آنرا یک محل در

الْجَنَّةِ قَلَّ ذٰلِكَ أَوْ كَثُرَ ذَكَرَهُ ابْنُ وَدَاعَةَ كُلَّهُ مِنْ غَيْرِ نِسْبَةٍ

بهشت کم کند آن بنده یا زیاده کند ذکر کرد ابن وداعه همه این را بغیر نسبت

وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا خَرَجَتِ الصَّلٰوةُ

و فرمود صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی بنده که درود میفرستد بر من مگر آنکه بیرون می آید آن درود

مُسْرِعَةً مِنْ فِيهِ فَلَا يَبْقَى بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ وَلَا شَرْقٌ وَلَا غَرْبٌ إِلَّا وَتَمُرُّ

بسرعت از دهن آن بنده پس باقی نمی ماند هیچ یک بیابان و نه دریا و نه شرق و نه غرب مگر اینکه گذر میکند آن درود



بِهِ تَقُولُ أَنَا صَلَاةُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُخْتَارِ خَيْرِ خَلْقِ اللّٰهِ

بدان و میگوید که درود فلان بن فلان ام که درود فرستاده بود بر محمد که برگزیده و بهترین مخلوق خدا است

فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ إِلَّا وَصَلَّى عَلَيْهِ وَيُخْلَقُ مِنْ تِلْكَ الصَّلٰوةِ طَائِرٌ لَهُ

پس باقی نمیماند هیچ شی مگر حال اینکه درود میفرستد بروی و آفریده میشود ازین درود یک طایر که میباشد مروی را

سَبْعُونَ أَلْفَ جَنَاحٍ فِي كُلِّ جَنَاحٍ سَبْعُونَ أَلْفَ رِيشَةٍ فِي كُلِّ رِيشَةٍ

هفتاد هزار بازو و در هر بازو هفتاد هزار پر در هر پر

سَبْعُونَ أَلْفَ رَأْسٍ فِي كُلِّ رَأْسٍ سَبْعُونَ أَلْفَ وَجْهٍ فِي كُلِّ وَجْهٍ

هفتاد هزار سر در هر سر هفتاد هزار روے در هر روے

سَبْعُونَ أَلْفَ فَمٍ فِي كُلِّ فَمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ لِسَانٍ كُلُّ لِسَانٍ يُسَبِّحُ اللّٰهَ

هفتاد هزار دهان در هر دهان هفتاد هزار زبان هر زبان تسبیح می کند خدای

تَعَالٰى بِسَبْعِينَ أَلْفَ لُغَاتٍ وَيَكْتُبُ اللّٰهُ تَعَالٰى لَهُ ثَوَابَ ذٰلِكَ كُلِّهِ هٰذَا

تعالی را به هفتاد هزار لغت و می نویسد خدا تعالی مر ویرا ثواب این همه، همچنین است

فِي دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ هٰذَا لَوَاجِدُهُ وَعَنْ

در دلائل الخیرات و گفت صاحب مطالع مسرات این لفظ را نیافتم و در روایت است از

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى

علی بن ابی طالب رض بدرستیکه علی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه درود میفرستد

عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةً جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَعَهُ نُورٌ لَوْ قُسِمَ ذٰلِكَ النُّورُ بَيْنَ

بر من روز جمعه صد بار بیاید روز رستخیز حالانکه همراه او نوری باشد که اگر تقسیم کرده شود این نور میان

الْخَلْقِ كُلِّهِمْ لَوَسِعَهُمْ أَخْرَجَهُ أَبُو نُعَيْمٍ فِي الْحِلْيَةِ وَفِي الْحِرْزِ الثَّمِينِ

مخلوق همه ایشان هر آئینه گنجایش دارد ایشان را روایت کرد آنرا ابو نعیم در حلیه شریف و در حرز ثمین

لِلْحِصْنِ الْحَصِينِ مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللّٰهَ فِيهِ وَلَمْ يُصَلُّوا

شرح حصن حصین مذکور است نه نشیند قومی در مجلسے که نه یاد کنند خدا تعالی را در آن مجلس درود نفرستند

عَلٰى نَبِيِّهِمْ اِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنْ دَخَلُوا الْجَنَّةَ لِلثَّوَابِ
بر نبی خود مگر باشد بر ایشان حسرتی در روز رستخیز اگرچه که داخل شوند در بهشت برای ثواب
رَوَاهُ ابْنُ حِبَّانَ وَاَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالْحَاكِمُ كُلُّهُمْ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ
رواه ابن حبان و احمد و ابوداؤد و نسائی و حاکم همه ایشان روایت است کرده اند از ابی هریره
اَكْثِرُوْا عَلَيَّ مِنَ الصَّلٰوةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَاِنَّ صَلٰوتَكُمْ مَعْرُوْضَةٌ عَلَيَّ رَوَاهُ
زیاده کنید بر من درود شریف روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده میشود بر من رواه
اَبُوْدَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَابْنُ حِبَّانَ كُلُّهُمْ مِنْ حَدِيْثِ اَوْسِ بْنِ
ابوداؤد و نسائی و ابن ماجه و ابن حبان همه ایشان از حدیث اوس ابن
اَوْسِ الثَّقَفِيِّ مَا مِنْ اَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ اِلَّا رَدَّ اللّٰهُ عَلَيَّ رُوْحِيْ حَتّٰى
اوس ثقفی نیست هیچ کسیکه سلام کند بر من مگر باز پس میفرستد خدا تعالی بر من روح من تا آنکه
اَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ وَرَوَاهُ اَحْمَدُ اَيْضًا
رد میکنم بروی سلام را رواه ابوداؤد از ابی هریرة و روایت کرد احمد نیز
اَوْلَى النَّاسِ بِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلٰوةً رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ
نزدیک ترین مردمان با من روز قیامت درود فرستنده تر از آنها بر من اند رواه ترمذی و ابن
حِبَّانَ كِلَاهُمَا عَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ اَلْبَخِيْلُ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهٗ فَلَمْ يُصَلِّ
حبان هر دو از ابن مسعود رضه بخیل کسیکه ذکر کرده شوم من نزد او پس درود نمی فرستد
عَلَيَّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ عَنْ عَلِيٍّ وَابْنُ حِبَّانَ وَالْحَاكِمُ عَنْ حُسَيْنِ
بر من روایت کرد ترمذی و نسائی از علی رضی الله عنه و ابن حبان و حاکم از حسین
ابْنِ عَلِيٍّ اَكْثِرُوا الصَّلٰوةَ عَلَيَّ فَاِنَّهَا زَكٰوةٌ لَّكُمْ رَوَاهُ اَبُوْ يَعْلٰى عَنْ
بن علی رضه زیاده کنید درود بر من پس بدرستیکه درود شما زکوة است مر شما را رواه ابو یعلی از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ اِنِّيْ لَقِيْتُ جِبْرَئِيْلَ فَبَشَّرَنِيْ وَقَالَ اِنَّ رَبَّكَ يَقُوْلُ مَنْ صَلّٰى
ابی هریرة رضه بدرستیکه من ملاقات کردم جبرئیل علیه السلام پس بشارت داد مرا و گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید کسیکه درود فرستد



عَلَيْكَ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَسَجَدْتُ لِلّٰهِ
بر تو درود میفرستم بروی ده بار و کسیکه سلام کند بر تو سلام میفرستم بروی پس سجده شکر کردم مر خدا تعالی را
شُكْرًا رَوَاهُ الْحَاكِمُ وَاَحْمَدُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ ابْنِ عَوْفٍ مَنْ صَلّٰى عَلَى النَّبِيِّ وَاحِدَةً
رواه حاکم و احمد از عبد الرحمن بن عوف رضه کسیکه درود بفرستد بر نبی یکبار
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهٗ سَبْعِيْنَ صَلٰوةً رَوَاهُ اَحْمَدُ عَنِ ابْنِ عَمْرٍو
درود میفرستد خدا تعالی بروی و فرشتگان وی هفتاد درود رواه احمد از ابن عمرو رضه
قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوْبٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ
گفت علی رضی الله عنه همه دعاها محجوب است تا آنکه درود فرستی تو بر محمد صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ رَوَاهُ الطَّبَرَانِيُّ فِي الْاَوْسَطِ وَعَنْ عُمَرَ اَنَّ الدُّعَاءَ
علیه و سلم و بر آل محمد رواه طبرانی در اوسط و روایت از عمر رضه بدرستیکه دعا
مَوْقُوْفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى نَبِيِّكَ
موقوف میماند میان آسمان و زمین بالا نمیرود از آن دعا چیزی تا آنکه درود فرستی بر نبی خود
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ اِنْتَهٰى ذُكِرَ فِيْ بَعْضِ الْاَخْبَارِ اَنَّهٗ مَكْتُوْبٌ عَلٰى سَاقِ
رواه ترمذی آخر شد مذکور است در بعض اخبارات بدرستیکه شان اینست که نوشته است بر ساق
الْعَرْشِ مَنِ اشْتَاقَ اِلَيَّ رَحِمْتُهٗ وَمَنْ سَاَلَنِيْ اَعْطَيْتُهٗ وَمَنْ تَقَرَّبَ اِلَيَّ
عرش کسیکه مشتاق است بسوی من رحم میکنم او را و کسیکه سوال کرد مرا میدهم او را هر چه خواسته است و کسیکه تقرب
بِالصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ غَفَرْتُ لَهٗ ذُنُوْبَهٗ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ ذَكَرَهٗ
با درود فرستادن بر محمد آمرزیدم مر او را گناهان او را اگرچه باشد مانند کف دریا ذکر کرد این حدیث را
ابْنُ سَبُعٍ وَرُوِيَ عَنْ بَعْضِ الصَّحَابَةِ رِضْوَانُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ
ابن سبع و روایت کرده شده است از بعض صحابه رضوان الله علیهم اجمعین
اَنَّهٗ قَالَ مَا مِنْ مَجْلِسٍ يُصَلّٰى فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلَّا قَامَتْ
بدرستیکه فرمود آنحضرت نیست مجلسیکه درود فرستاده شود در وی بر محمد صلی الله علیه و سلم مگر آنکه بر می خیزد

منه رائحة طيبة حتى تبلغ عنان السماء فتقول الملئكة هذا مجلس

از آن مجلس بوی خوش تا آنکه میرسد آن بوی ابر را پس میگویند فرشتگان این مجلسی است

صلي فيه على محمد صلى الله عليه وسلم كذا في دلائل الخيرات قال الشيخ

که درود فرستاده شده است در آن مجلس بر محمد صلی الله علیه وسلم همچنین است در دلائل الخیرات گفت شیخ

ابو جعفر ابن وداعة رحمه الله في الحديث عن بعض الصحابة رضي الله عنهم انه قال ما من

ابوجعفر ابن وداعه رحمه الله در حدیث که روایت از صحابه رض بدرستیکه گفت نیست هیچ

موضع يذكر فيه النبي صلى الله عليه وسلم ويصلى عليه فيه الا نمت منه

جایی که ذکر کرده شود در آن جای اسم نبی صلی الله علیه وسلم درود فرستاده شود بر وی آن جا مگر بیخیزد از ان جای

رائحة تخرق السموات السبع حتى تنتهي الى العرش يجد ريحها كل من

بوی که میشگافد آسمانهای هفت را تا آنکه میرسد تا عرش می یابد آن بوی را هر آنکس که

خلق الله في الارض الا الانس والجن فانهم لو وجدوا ريحها يشتغل كل واحد

آفریده است خدا تعالی در زمین سوای انسان و جن بدرستیکه ایشان اگر می یافتند بوی آن را هر آینه باز میماندی هر یک

منهم بلذتها عن معيشته ولا يجد تلك الرائحة ملك ولا خلق من

از ایشان بسبب لذت آن از معیشت خود و نمی یابد بوی خوش را هیچ فرشته و نه هیچ مخلوق از

خلق الله تعالى الا استغفر لاهل المجلس ويكتب لهم بعددهم حسنات

مخلوق خدا تعالی مگر مغفرت میخواهد برای اهل مجلس و نوشته میشود مر ایشان را بشمار ایشان نیکی ها

وترفع لهم بعددهم درجات سواء كان في المجلس واحد او مائة الف

و بلند کرده میشود ایشان را بشمار ایشان پایه ها برابر است که باشد در مجلس واحد یا صد هزار

يأخذ من الاجر هذا العدد وما عند الله خير واجزل كذا في المطالع

میگیرد از ثواب این قدر شمار را و آنچه که نزد خدا است از نیکی بهتر است و عطا تمام کننده تر است همچنین است در مطالع

وذكر في بعض الاخبار ان العبد المؤمن والامة المؤمنة اذا بدأ

و ذکر کرده شد در بعض اخبار بدرستیکه بنده مومن یا زن مومنه چون شروع میکنند



بالصلوة على محمد صلى الله عليه وسلم فتحت له ابواب السماء

درود فرستادن بر محمد صلی الله علیه وسلم گشاده می شود مر وی را بابهای آسمان

والسرادقات حتى الى العرش فلا يبقى ملك في السموات الا صلى على

و پرده ها تا آنکه تا عرش پس باقی نمی ماند هیچ فرشته در آسمانها مگر درود میفرستد بر

محمد صلى الله عليه وسلم ويستغفرون لذلك العبد او الامة ما شاء

محمد صلی الله علیه وسلم و مغفرت میخواهند مر این مرد یا زن را آنقدر که خواسته است

الله كذا في الدلائل وعن جابر ابن عبد الله رضي الله عنه قال قال رسول الله

خدا تعالی چنین است در دلائل و از جابر بن عبد الله رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى علي في كل يوم مائة مرة قضيت

صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من در هر روز صد مرتبه روا کرده شود

له مائة حاجة منها ثلثون للدنيا وسائرها للآخرة اخرجه

مر وی را صد حاجت از آن صد سی حاجت دنیاوی و باقی شان اخروی باشد روایت کرد این حدیث را

المستغفري كذا في المطالع وعن بعض الصالحين انه

مستغفری در مطالع است چنین و از بعض صالحین مروی است که بدرستیکه

قال كان لي جار نساخ فمات فرأيته في المنام فقلت له ما فعل

گفت که بود مرا همسایه کاتب پس مرد آن پس دیدم من او را در خواب پس گفتم مر او را چه معامله کرد

الله بك فقال غفر لي فقلت له فبم ذلك فقال كنت اذا كتبت

خدا با تو پس گفت آمرزید مرا پس گفتم مر او را پس بچه چیز حاصل شد این آمرزش پس گفت بودم من که چون مینوشتم

اسم محمد صلى الله عليه وسلم في كتاب صليت عليه فاعطاني ربي

اسم مبارک محمد صلی الله علیه وسلم در کتاب درود میفرستادم بر آنحضرت پس داد پروردگار من

ما لا عين رأت ولا اذن سمعت ولا خطر على قلب بشر كذا

آنچه که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه خطره گذشت بر دل کسی بشر چنین است

فی دلائل الخیرات قال صاحب المطالع المراد بهذا البعض هنا عبید الله

در دلائل الخیرات وگفت صاحب مطالع مراد باین بعض درینجا عبید الله

بالتصغیر ابن عمرو القواریری بفتح القاف رحمه الله تعالی وقال

بعبید تصغیر ابن عمر قواریری است بفتح قاف رحم کناد خدا تعالی اورا و نیز گفت

ایضا وحکایته هذه ذکرها غیر واحد منهم ابن سبع وابن بشکوال

حکایت این کاتب که اینست ذکر کرده اند بسیار کسان بعض از ایشان ابن سبع و ابن بشکوال

وجبر وابن وداعة وابن الفاکهانی وقیل لرسول الله صلی الله علیه

و جبر و ابن وداعه و ابن فاکهانی است وگفته شد مر رسول صلی الله علیه

وسلم ارأیت صلوة المصلین علیک ممن غاب عنک ومن یاتی

وسلم را چه میفرمایند در حق فرستندگان درود بر تو از آن کسان که غایب اند از تو و در حق آنکسانکه می آیند

بعدک ما حالهما عندک فقال اسمع صلوة اهل محبتی واعرفهم

بعد تو چه مرتبه دارند نزد تو این هر دو پس فرمود میشنوم درود اهل محبت من و میشناسم ایشان را

وتعرض علی صلوة غیرهم عرضا کذا فی الدلائل وقال صاحب المطالع

و عرض کرده میشود بر من درود غیر ایشان نوع عرض کردنی چنین است در دلائل وگفت صاحب مطالع

لا اعرفه ولم اجده وعن انس قال ارتقی رسول الله صلی الله

نمیشناسم من آنرا و نیافتم آنرا و از انس مرویست که گفت بر منبر آمد پیغامبر خدا صلی الله

علیه وسلم المنبر فقال امین ثم ارتقی ثانیة فقال امین ثم

علیه وسلم پس گفت امین پستر بر منبر آمد آنحضرت دوباره پس گفت آنحضرت آمین پستر

ارتقی ثالثة فقال امین ثم استوی فقال امین فقال اصحابه

سوم بار بر منبر آمد پس فرمود امین پستر برابر شد بر منبر پس فرمود آمین پس گفتند یاران آنحضرت

ما امنت یا رسول الله فقال اتانی جبرئیل فقال لی یا محمد

چه چیز گویا ئی آمین گردانیدا ای پیغامبر خدا پس فرمود آمد مرا جبرئیل علیه السلام پس گفت مرا ای محمد



رغم انف امرئ ذکرت عنده فلم یصل علیک فقلت امین قال

خوار باد آنمرد که تو ذکر کرده شدی نزد وی پس درود نفرستاد بر تو پس گفتم آمین وگفت

رغم انف امرئ ادرک والدیه او احدهما فلم یدخلاه الجنة فقلت

خوار باد مرد یکه یافت والدین را یا یکی از ان را پس داخل نکردند آنها ویرا در بهشت پس گفتم

امین وقال رغم انف امرئ ادرک شهر رمضان فلم یغفر له

آمین وگفت خوار باد مرد یکه یافت ماه رمضان مبارک پس آمرزیده نشود مردے را

فقلت امین ابن النجار فی جمع الجوامع

پس گفتم آمین روایة کرد ابن نجار در جمع الجوامع

## باب الذکر بعد الصلوة

این باب در فضیلت ذکر بعد نماز است

عن ابی هریرة قال ان فقراء المهاجرین اتوا رسول الله صلی

و روایت است از ابی هریرة گفت بدرستیکه فقراء مهاجرین آمدند پیش پیغامبر خدا صلی

الله علیه وسلم فقالوا قد ذهب اهل الدثور بالدرجات العلی والنعیم

الله علیه وسلم پس گفتند بتحقیق بردند خداوندان اموال بسیار پایهای بلند و نعمت

المقیم فقال ماذاک قالوا یصلون کما نصلی ویصومون کما

پاینده را پس فرمود و چیست این سخن گفتند اینکه نماز میگذارند ایشان چنانکه نماز میگذاریم ما و روزه میدارند

نصوم ویتصدقون ولا نتصدق ویعتقون ولا نعتق فقال رسول الله

روزه میداریم ما و صدقه میدهند ایشان و صدقه نمیدهیم و برده آزاد میکنند ایشان و آزاد نمی کنیم ما پس فرمود پیغامبر خدا

صلی الله علیه وسلم افلا اعلمکم شیئا تدرکون به من سبقکم

صلی الله علیه وسلم آیا نیاموزم شما را عملے که دریابید بسبب آن عمل فضل کسانی را که پیشینی کردند

وتسبقون به من بعدکم ولا یکون احد افضل منکم الا من صنع

و پیشینی کنید بسبب آن عمل کسانی را که بعد از شما باشند و نباشد هیچ یکی از اغنیا زیاده تر از شما مگر کسی که کند از ایشان

مثل ما صنعتم قالوا بلى يا رسول الله قال تسبحون وتكبرون و

مانند آن عمل که شما کنید گفتند آری تعلیم کن ای پیغامبر خدا فرمود تسبیح کنید و تکبیر گوئید و

تحمدون دبر كل صلوة ثلثا وثلثين مرة قال ابو صالح فرجع فقراء

حمد خوانید پس هر نماز سی و سه بار گفت ابو صالح راوی پس باز گشتند فقرا

المهاجرين الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالوا سمع اخواننا

مهاجرین بسوئی آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند که شنیدند برادران ما

اهل الاموال بما فعلنا ففعلوا مثله فقال رسول الله صلى الله عليه

که مالها دارند عملی را که کردیم ما پس کردند مانند آن پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء متفق عليه وليس قول

وسلم این افزونی اغنیا بر شما فضل خداست که میدهد فضل خود را هر که میخواهد متفق علیه و نیست قول

ابي صالح الى اخره الا عند مسلم وعن كعب بن عجرة قال قال

ابی صالح تا آخر مگر نزد مسلم و مرویست از کعب ابن عجره گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم معقبات لا يخيب قائلهن او

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کلماتی که بعضی عقب بعضی آینده اند که نومید گردانیده نمیشود گوینده آن کلمات

فاعلهن دبر كل صلوة مكتوبة ثلث وثلثون تسبيحة وثلث

یا کننده آن در پس هر نماز فریضه سی و سه بار سبحان الله گفتن و سی

وثلثون تحميدة واربع وثلثون تكبيرة رواه مسلم وعن

و سه بار الحمد لله گفتن و سی و چهار بار الله اکبر گفتن رواه مسلم و مرویست از

ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سبح

ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه سبحان الله

الله دبر كل صلوة ثلثا وثلثين وحمد الله ثلثا وثلثين وكبر

بگوید در پس هر نماز فریضه سی و سه بار و الحمد لله بگوید سی و سه بار و الله اکبر بگوید



الله ثلثا وثلثين فتلك تسعة وتسعون وقال تمام المائة لا اله الا الله

سی و سه بار پس این مجموع نود و نه بار میشود و بگوید برای تمام کردن عدد صد این کلمه لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير غفرت

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر آمرزیده شود

خطاياه وان كانت مثل زبد البحر رواه مسلم وعن ابي امامة قال

گناهانش اگرچه باشد گناهانش مانند کف دریا رواه مسلم و از ابی امامه مرویست گفت

قيل يا رسول الله اي الدعاء اسمع قال جوف الليل الاخر ودبر الصلوات

گفته شد ای پیغمبر خدا کدام دعا مسموع تر است فرمود دعا در میانه شب آخر و عقب نمازهای

المكتوبات رواه الترمذي وعن انس قال قال رسول الله صلى الله

فرض رواه ترمذی و مرویست از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لان اقعد مع قوم يذكرون الله من صلوة الغداة حتى تطلع

علیه وسلم که هر آینه نشستن من با گروهی که ذکر میکنند خدا تعالی را بعد از نماز بامداد تا بر آمدن

الشمس احب الي من ان اعتق اربعة من ولد اسمعيل ولان اقعد مع

آفتاب محبوب تر است بسوی من از آزاد کردن من چهار برده را از اولاد اسمعیل و هر آینه نشستن من با

قوم يذكرون الله من صلوة العصر الى ان تغرب الشمس احب الي من

گروهی که ذکر میکنند خدا را بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب محبوب تر است بسوی من از

ان اعتق اربعة رواه ابو داود وعنه قال قال رسول الله صلى الله

آزاد کردن من چهار برده را رواه ابو داود و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من صلى الفجر في جماعة ثم قعد يذكر الله حتى تطلع الشمس

علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز بامداد بجماعت پس بنشیند در حالیکه یاد میکند خدا را تا آنکه بر آید آفتاب

ثم صلى ركعتين كانت له كاجر حجة وعمرة تامة تامة تامة

پس بگذارد دو رکعت باشد مر او را مانند اجر حج و اجر عمره برای تاکید سه بار فرمود تامه تامه تامه

رواه الترمذي وعن علي قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم
رواه ترمذی و روایت است از علی رضی گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم
على أعواد هذا المنبر يقول من قرأ آية الكرسي في دبر كل صلوة لم يمنعه
بر چوبهای این منبر که میفرمود کسیکه بخواند آیة الکرسی را در پس هر نماز باز نمیدارد او را از در آمدن
من دخول الجنة إلا الموت ومن قرأها حين يأخذ مضجعه آمنه الله
بهشت مگر مرگ و هر که بخواند آیة الکرسی را وقتیکه میگیرد خوابگاه خود را ایمن گرداند او را خدا تعالی
على داره ودار جاره وأهل دويرات حوله رواه البيهقي في شعب الإيمان
بر سرای او و سرای همسایه او و اهل چند سرایها که گرداگرد وی‌اند رواه بیهقی در شعب الایمان
وعن عبد الرحمن بن غنم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قال
و روایت است از عبد الرحمن بن غنم رضی و او از نبی صلی الله علیه وسلم الله علیه وسلم گفت آنحضرت کسیکه گفت
قبل أن ينصرف ويثني رجليه من صلوة المغرب والصبح لا إله إلا الله
پیش از آنکه برگردد از نماز و دو تا گرداند پایهای خود را از نماز شام و بامداد لا اله الا الله
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير يحيي ويميت وهو على
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر یحیی و یمیت وهو علی
كل شيء قدير عشر مرات كتب له بكل واحدة عشر حسنات ومحيت عنه
کل شیء قدیر ده مرتبه نوشته شود مر آنکس را بهر یکی ازین کلمات ده نیکی و محو کرده شود از وی
عشر سيئات ورفع له عشر درجات وكانت له حرزا من كل مكروه
ده بدی و بلند گردانیده شود مر او را ده پایه و باشد هر یک ازین کلمه برای او امان از هر ناخوش
وحرزا من الشيطان الرجيم ولم يحل لذنب أن يدركه إلا الشرك
و پناه از شر شیطان سنگسار کرده شده و روا نیست هیچ گناهی را که دریابد او را مگر کفر
وكان من أفضل الناس عملا إلا رجلا يفضله يقول أفضل مما قال رواه أحمد
و باشد گوینده کلمات از بهترین مردم از روی عمل مگر مردی که زیاده شود او را که گوید فاضلتر از آنچه که گفته است رواه احمد



# باب تعمير المساجد

باب در فضیلت تعمیر مساجد

ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها
و کیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را از آنکه یاد کرده شود نام خدا در و کوشش کرد در ویرانی آنها
أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين لهم في الدنيا خزي ولهم
این گروه نمی سزد ایشان را که درآیند بمسجدها مگر ترسان ایشان راست در دنیا خواری و ایشان راست
في الآخرة عذاب عظيم إنما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر
در آخرت عذاب بزرگ جز این نیست که عمارت میکند مسجدهای خدا را کسیکه ایمان آورده است بخدا و بروز آخر
وأقام الصلوة وآتى الزكوة ولم يخش إلا الله فعسى أولئك أن يكونوا
و بر پا داشته است نماز را و داده است زکوة را و نه ترسیده است مگر از خدا پس توقع است که این جماعه
من المهتدين في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح
از راه یافتگان باشند در خانهای که دستوری داده است خدا که بلند کرده شود و از یاد کرده شود در آنجا نام او بپاکی یاد میکنند
له فيها بالغدو والآصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن
خدا را آنجا صبح و شام مردانیکه باز ندارد ایشان را سوداگری و نه خرید و فروخت از
ذكر الله وإقام الصلوة وإيتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه
یاد کردن خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکوة میترسند از آن روز که مضطرب شوند در آن
القلوب والأبصار ليجزيهم الله أحسن ما عملوا ويزيدهم من فضله
دلها و دیدها تا جزا دهد ایشان را خدا بهترین آنچه کردند و زیاده کند ایشان را خدا از فضل خویش
والله يرزق من يشاء بغير حساب وعن أبي هريرة قال قال رسول الله
و خدا روزی میدهد هر کرا خواهد بغیر حساب یعنی بسیار روایت است از ابی هریرة رضی گفت فرمود پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم أحب البلاد إلى الله مساجدها وأبغض البلاد
صلی الله علیه وسلم دوست ترین جایها از شهرها بسوی خدا مسجدهای آن شهرهاست و ناپسندترین جایها از شهرها

إلى الله أسواقها رواه مسلم وعن عثمان قال قال رسول الله صلى الله

بسوی خدا بازارهای آن دسته شهر است رواه مسلم و مرویست از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من بنى لله مسجدا بنى الله له بيتا في الجنة متفق عليه

علیه وسلم کسیکه بنا کند برای خدا مسجد را بنا کند خدا تعالی مر او را خانه در بهشت متفق علیه

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من غدا إلى

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه برود در اول روز بسوی

المسجد أو راح أعد الله له نزله من الجنة كلما غدا أو راح متفق عليه

مسجد یا برود در آخر روز آماده گرداند خدا تعالی برای وی طعام مهمانی او در بهشت بامداد و شبانگاه متفق علیه

وعن أبي موسى قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أعظم الناس أجرا

و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگترین مردم از روی ثواب

في الصلوة أبعدهم فأبعدهم ممشى والذي ينتظر الصلوة حتى يصليها

در نماز دورترین پس دورترین ایشانست در راه و آن کسیکه نشسته است در مسجد انتظار میکند تا آنکه بگذارد آن را

مع الإمام أعظم أجرا من الذي يصلي ثم ينام متفق عليه وعن

با امام بزرگ ترست از روی اجر از کسیکه بگذارد تنها پس بستر بخواب میرود متفق علیه و از

جابر قال خلت البقاع حول المسجد فأراد بنو سلمة أن ينتقلوا قرب

جابر مرویست گفت خالی شد جایها گرد مسجد آنحضرت پس خواستند بنو سلمه که بیایند از منازل خود نزد مسجد

المسجد فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وسلم فقال لهم بلغني أنكم تريدون

پس رسید آن خبر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس گفت مر ایشان را که رسیده مرا که شما میخواهید

أن تنتقلوا قرب المسجد قالوا نعم يا رسول الله قد أردنا ذلك فقال

منتقل شدن از منازل خود در قرب مسجد گفتند آری ای پیغمبر خدا بتحقیق خواسته ایم آن را پس فرمود

يا بني سلمة دياركم تكتب آثاركم دياركم تكتب آثاركم رواه مسلم

ای بنی سلمه لازم گیرید جایهای خود را نوشته میشود آثار شما مکرر فرمود برای تاکید رواه مسلم



وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم سبعة

و از ابی هریره روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هفت قوم اند از مردم

يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله إمام عادل وشاب نشأ في عبادة

که میدهد ایشان را خدا تعالی در پناه خود روزی که نیست هیچ پناهی جز پناه وی یکی بادشاه عادل است دوم جوانیکه نشو و نما یافت در پرستش

الله ورجل قلبه معلق بالمسجد إذا خرج منه حتى يعود إليه

خدا و سوم مردیکه دلش متعلق است بمسجد وقتیکه بیرون آید از آن تا آنکه باز گردد بسوی مسجد

ورجلان تحابا في الله اجتمعا عليه وتفرقا عليه ورجل ذكر الله

و چهارم هر یکی از دو مرد که دوستدارند یکدیگر را از جهت خدا فراهم آمدند بر محبت خدا و جدا شدند بر محبت خدا و پنجم مردیکه یاد کرد خدا را

خاليا ففاضت عيناه ورجل دعته امرأة ذات حسب وجمال

تنها پس اشک ریخت هر دو چشم وی و ششم مردیکه خواند او را زنی صاحب جاه و جمال

فقال إني أخاف الله ورجل تصدق بصدقة فأخفاها حتى لا تعلم

پس گفت آن مرد بدرستیکه من میترسم خدا را و هفتم مردیکه صدقه کرد بنوعی از صدقه پس پنهان کرد صدقه را تا آنکه نداند

شماله ما تنفق يمينه متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى

دست چپ آنچه میدهد دست راست وی متفق علیه و از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم صلوة الرجل في الجماعة تضعف على صلوته في

الله علیه وسلم نماز مردیکه میگذارد در مسجد بجماعت زیاده گردانیده میشود ثواب آن بر نماز او که میگذارد تنها در

بيته وفي سوقه خمسا وعشرين ضعفا وذلك أنه إذا توضأ

خانه خود و در بازار خود بیست و پنج درجه و این تضعیف ثواب بسبب آنست که چون وضو کند

فأحسن الوضوء ثم خرج إلى المسجد لا يخرجه إلا الصلوة لم يخط

پس نیک کرد وضو را بستر بیرون آمد بسوی مسجد در حالتیکه بیرون نمی آرد او را مگر نماز نمی نهد

خطوة إلا رفعت له بها درجة وحط عنه بها خطيئة فإذا صلى

هیچ گامی مگر بلند گردانیده میشود مر او را بآن گام پایه و ثواب کم کرده میشود از وی بآن گام گناهی پس چون نماز گذارد

لَوْتَزَلِ الْمَلٰئِكَةُ تُصَلِّي عَلَيْهِ مَادَامَ فِي مُصَلَّاهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ

بهمیشه باشند فرشتگان که درود میفرستند بروی مادامیکه نشسته است در جای نماز خود باین صیغه که خداوندا درود فرست بروی خداوندا

ارْحَمْهُ وَلَا يَزَالُ اَحَدُكُمْ فِي صَلٰوةٍ مَا يَنْتَظِرُ الصَّلٰوةَ وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ اِذَا

رحمت کن او را و همیشه است یکی از شما در نماز مادامیکه انتظار میکند نماز را و در روایتی این چنین آمده است که گفت آنحضرت چون

دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَتِ الصَّلٰوةُ تَحْبِسُهُ وَزَادَ فِي دُعَاءِ الْمَلٰئِكَةِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

درآمد مسجد را در حالیکه نماز که منع کننده او است از برآمدن و زیاده کرده در دعای فرشتگان این عبارت را خداوندا بیامرز

لَهُ اَللّٰهُمَّ تُبْ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُؤْذِ فِيْهِ مَا لَمْ يُحْدِثْ فِيْهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

مر او را خداوندا رجوع کن برحمت بروی مادامیکه در آنجا نمی رنجاند در مسجد هیچ مسلمان را مادامیکه حدث نکنند در مسجد متفق علیه است

وَعَنْ اَبِيْ اُسَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و از ابی اسید رضه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

اِذَا دَخَلَ اَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَقُلْ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاِذَا خَرَجَ

چون آید یکی از شما مسجد را پس باید که گوید خداوندا بکشا برای من درهای رحمت خود را و چون برآید از مسجد

فَلْيَقُلْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ قَتَادَةَ

پس باید که گوید خداوندا من سوال میکنم ترا از فزونی بخشش تو رواه مسلم و روایت است از ابی قتاده رضه

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا دَخَلَ اَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ

به درستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم فرمود چون در آید یکی از شما مسجد را

فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ اَنْ يَّجْلِسَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ ابْنِ

پس باید که بگذارد دو رکعت پیش از آنکه بنشیند متفق علیه و از معاویه ابن

قُرَّةَ عَنْ اَبِيْهِ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهٰى عَنْ هَاتَيْنِ

قره روایتست او روایت میکند از پدر خود که بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه و سلم نهی کرد از خوردن این

الشَّجَرَتَيْنِ يَعْنِي الْبَصَلَ وَالثُّوْمَ وَقَالَ مَنْ اَكَلَهُمَا فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا

دو درخت یعنی پیاز و سیر و فرمود آنحضرت کسیکه بخورد این دو درخت را پس قریب نشود مسجد ما را



وَقَالَ اِنْ كُنْتُمْ لَا بُدَّ اٰكِلِيْهِمَا فَاَمِيْتُوْهُمَا طَبْخًا رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ

و گفت اگر هستید شما که ناچار خورندگانید این دو درخت را پس بمیرانید دور کنید بوی آنها را به پختن رواه ابو داود و مرویست از

جَابِرٍ رضه قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَكَلَ مِنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ

جابر رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه بخورد این درخت ناخوشبو پیاز یا سیر را

الْمُنْتِنَةِ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا فَاِنَّ الْمَلٰئِكَةَ تَتَاَذّٰى مِمَّا يَتَاَذّٰى مِنْهُ

پس باید که قریب نشود در نماز مسجد ما را زیرا که فرشتگان آزار میکشند از آن چیزی که آزار میکشند از وی

الْاِنْسُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رضه قَالَتْ اَمَرَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

آدمیان متفق علیه است و مرویست از عایشه رضه گفت امر کرد پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِبِنَاءِ الْمَسْجِدِ فِي الدُّوْرِ وَاَنْ يُّنَظَّفَ وَيُطَيَّبَ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ

علیه و سلم به بنا کردن مسجد در سرا ها و محلها و امر کرد که پاکیزه داشته شوند مسجدها و خوشبو کرده شوند رواه ابو داود و

وَالتِّرْمِذِيُّ اَيِ الْمَحَلَّاتِ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و ترمذی مراد دُوْر است از دُور محلات را و ابن ماجه و از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُرِضَتْ عَلَيَّ اُجُوْرُ اُمَّتِيْ حَتَّى الْقَذَاةُ يُخْرِجُهَا الرَّجُلُ مِنَ

علیه و سلم عرض کرده شد بر من عملهای امت من که بهمان ثواب بیابند تا آنکه خس و خاشاک و چرک که بیرون می آرد او را مرد از

الْمَسْجِدِ وَعُرِضَتْ عَلَيَّ ذُنُوْبُ اُمَّتِيْ فَلَمْ اَرَ ذَنْبًا اَعْظَمَ مِنْ سُوْرَةٍ مِنَ

مسجد و عرض کرده شد بر من گناهان امت من پس ندیدم هیچ گناهی بزرگتر از فراموش کردن سوره از

الْقُرْاٰنِ اَوْ اٰيَةٍ اُوْتِيَهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ

قرآن یا ایتی که داده شد آن را مرد پس تر فراموش کرد آن را رواه ترمذی و ابو داود و از

بُرَيْدَةَ رضه قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَشِّرِ الْمَشَّائِيْنَ فِي الظُّلَمِ

بریده رضه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بشارت ده مر روندگان را در تاریکی ها

اِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّوْرِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوُدَ

بمسجد به روشنی تام در روز رستخیز رواه ترمذی و ابو داود

وابن ماجة عن سهل بن سعد وانس رض وعن ابي سعيد ن الخدري رض
وابن ماجه از سهل ابن سعد رض واز انس رض واز ابی سعید خدری مرویست رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رأيتم الرجل يتعاهد المسجد
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید مردی را که عهده برای مسجد میکند
فاشهدوا له بالايمان فان الله يقول عز وجل انما يعمر مساجد الله من
پس گواهی دهید حکم کنید مر او را که او مومن است زیرا که خدا تعالی میفرماید معمور کنند او مسجد های خدا را مگر کسیکه
آمن بالله واليوم الآخر رواه الترمذي وابن ماجة والدارمي وعن
ایمان آورده است بخدا و روز آخرت رواه ترمذی وابن ماجه والدارمی و روایت است
ابي امامة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من خرج من
از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیرون آید از
بيته متطهرا الى صلوة مكتوبة فاجره كاجر الحاج المحرم
خانه خود با وضو بسوی نماز فرض پس اجر او همچو اجر کسیکه حج برآینده است احرام بسته
ومن خرج الى تسبيح الضحى لا ينصبه الا اياه فاجره كاجر المعتمر
و کسیکه بیرون آید بسوی نماز چاشت نه در آرد او را مگر تسبیح ضحی پس ثواب او همچو کسیکه عمره می آرد
وصلوة على اثر الصلوة لا لغو بينهما كتاب في عليين رواه احمد
و نماز بر نمازی دیگر که نیست کلامی بیهوده در میان آن هر دو علییت که نوشته شود در اعلی مراتب رواه احمد
وابوداود وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
وابوداود و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
اذا مررتم برياض الجنة فارتعوا قيل يا رسول الله صلى الله عليه
وقتیکه گذر پیدا شما به باغ های بهشت پس بچرید گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم وما رياض الجنة قال المساجد قيل وما الرتع يا رسول الله
وسلم چیست ریاض الجنة فرمود مساجد گفته شد چیست چریدن ای پیغمبر خدا



قال سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر رواه الترمذي
فرمود این کلمه است سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر رواه ترمذی
وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من اتى المسجد
و مرویست از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاید مسجد را
لشيء فهو حظه رواه ابوداود وعن ابي امامة قال ان حبرا
برای چیزی پس همان چیز بهره اوست رواه ابوداود و مرویست از ابی امامه رض گفت بدرستیکه دانشمندی
من اليهود سأل النبي صلى الله عليه وسلم اي البقاع خير فسكت عنه
از یهود پرسید پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم کدامی از جاها بهتر است پس خاموش ماند آنحضرت از جواب آن
وقال اسكت حتى يجيء جبرئيل فسكت وجاء جبرئيل عليه السلام فقال
و گفت خاموش میباشم تا آنکه بیاید جبرئیل پس خاموش ماند آنحضرت و آمد جبرئیل علیه السلام پس پرسید آنحضرت
فقال ما المسئول عنها باعلم من السائل ولكن اسأل ربي تبارك وتعالى
پس گفت جبرئیل نیست سوال کرده شده از آن داناتر از سوال کننده ولیکن میپرسم من پروردگار خود را تبارک و تعالی
ثم قال جبرئيل يا محمد اني دنوت من الله دنوا ما دنوت منه قط قال
پستر گفت جبرئیل ای محمد بدرستیکه من نزدیک شدم از درگاه خدا نزدیک شدنی که نزدیک نشده بودم در همه عمر از آنجناب هرگز فرمود چگونه
وكيف كان يا جبرئيل قال كان بيني وبينه سبعون الف حجاب
بود ای جبرئیل آن نزدیک شدن تو با او گفت جبرئیل بود میان من وخدا هفتاد هزار پرده
من نور فقال شر البقاع اسواقها وخير البقاع مساجدها رواه ابن
از نور گفت پس فرمود حق تعالی بدترین جاها بازارهاست وبهترین جاها مسجدهاست رواه ابن
حبان مس وعن ابي هريرة رض قال سمعت رسول الله صلى
حبان در روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم من پیغمبر خدا صلی
الله عليه وسلم يقول من جاء مسجدي هذا لم يأته الا لخير يتعلمه او يعلمه
الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه بیاید بمسجد من که این مسجد است نیاید مگر برای کار نیکی که خود بیاموزد یا بیاموزاند دیگران را

فهو بمنزلة المجاهد في سبيل الله ومن جاء لغير ذلك فهو بمنزلة

پس وی اجر وثواب همچو کسیکه جهاد میکند در راه خدا وکسیکه بیاید برای کار دیگر پس آنکس همچو

الرجل ينظر الى متاع غيره رواه ابن حبان والبيهقي في شعب الايمان

مردیکه می نگرد بجانب متاع دیگر روایت کرد ابن حبان وبیهقی در شعب الایمان

وعن الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يأتي على

وروایت از حسن بصری از روی مرسل گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم می آید بر

الناس زمان يكون حديثهم في مساجدهم في امر دنياهم فلا تجالسوهم

مردمان زمانیکه میباشد گفت وگوی ایشان در مسجدهای ایشان در کار دنیای ایشان پس همنشینی مکنید ایشانرا

فليس لله فيهم حاجة رواه البيهقي في شعب الايمان وعن انس

پس نیست مر خدا را در ایشان حاجتی روایت کرد بیهقی در شعب ایمان واز انس رض

ابن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة الرجل في

روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز مرد وی در

بيته بصلوة وصلوته في مسجد القبائل بخمس وعشرين صلوة

خانه وی بمنزله یک نماز است ونماز وی در مسجد قبیله وی بمنزله بیست وپنج نماز است

وصلوته في المسجد الذي يجمع فيه بخمس مائة صلوة وصلوته

ونماز وی در مسجدیکه جمعه ادا کرده شود در ان مسجد بمنزله پانصد نماز است ونماز وی

في المسجد الاقصى بخمسين الف صلوة وصلوته في مسجدي بخمسين

در مسجد اقصی پنجاه هزار نماز است ونماز وی در مسجد من بمنزله پنجاه

الف صلوة وصلوته في المسجد الحرام بمائة الف صلوة رواه ابن

هزار نماز است ونماز وی در مسجد حرام بمنزله صد هزار نماز است روایت کرد ابن

ماجة وعن ابي ذر رض قال قلت يا رسول الله اي مسجد وضع في

ماجه وروایت است از ابی ذر رض گفت گفتم ای پیغمبر خدا کدام مسجد است که بنا کرده شد در



الارض اول قال المسجد الحرام قلت ثم اي قال ثم المسجد الاقصى

زمین نخست فرمود مسجد حرام گفتم پس تر کدام فرمود پس تر مسجد اقصی است

قلت كم بينهما قال اربعون عاما ثم الارض لك مسجد فحيث ما

گفتم چند مدت است در میان این هر دو مسجد فرمود چهل سال پس تر زمین تمام ترا مسجد است پس هر کجا که

ادركتك الصلوة فصل متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو بن

دریابد ترا نماز پس بگذار متفق علیه وروایت از عبد الله بن عمرو بن

العاص قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول اذا دخل المسجد

عاص رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم میگفت در وقت در آمدن مسجد

اعوذ بالله العظيم وبوجهه الكريم وسلطانه القديم من الشيطن

پناه میجویم بخدای بزرگ وبذات پاک وی وبسلطنت وفرمان وی که قدیم است از شیطان

الرجيم قال فاذا قال ذلك قال الشيطان حفظ مني سائر اليوم رواه

سنگسار کرده شده فرمود آنحضرت چون بگوید کسی این کلمات را میگوید شیطان نگاه داشته شد این بنده از من تمام روز روایت کرد

ابو داود وعن معاذ بن جبل قال احتبس عنا رسول الله صلى الله

ابوداود ره وروایت از معاذ بن جبل رض گفت باز داشته شد از ما پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ذات غداة عن صلوة الصبح حتى كدنا نترائ عين الشمس

علیه وسلم یک بامداد از نماز صبح تا آنکه نزدیک بودیم که ببینیم آفتاب را طلوع کرده

فخرج سريعا فثوب بالصلوة فصلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس بیرون آمد از غایت شتابی پس تکبیر گفته شد برای نماز پس نماز گذارد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وتجوز في صلوته فلما سلم دعا بصوته فقال لنا على مصافكم كما

وکوتاه کرد نماز را بر خلاف عادت پس بعد از سلام خواند با واز بلند پس فرمود ما را بنشینید بر جاهای صفها بنشینید چنانکه

انتم ثم انفتل الينا ثم قال اما اني ساحدثكم ما حبسني عنكم

هستید پس برگشت آنحضرت بجانب ما پس فرمود آگاه باشید که زود خبر دهم شما را که چه چیز باز داشت مرا از شما در این

الغداة اني قمت من الليل فتوضأت وصليت ما قدر لي فنعست في

بامداد که بدرستی من برخاستم از شب پس وضو کردم وبگذاردم از نماز آنچه که تقدیر کرده شد بود برای من پس غنودم

صلوتي حتى استثقلت فاذا انا بربي تبارك وتعالى في احسن صورة

نماز تا آنکه گران شدم پس ناگاه می بینم که با پروردگار خودم تبارک وتعالی در نیکوترین صفت وحالت

فقال يا محمد قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الاعلى قلت

پس گفت حق تعالی ای محمد گفتم ایستادم در خدمت تو ای رب فرمود در چه بحث ونزاع میکنند فرشتگان ملا اعلی گفتم

لا ادري قالها ثلثا قال فرايته وضع كفه بين كتفي حتى وجدت

نمی دانم گفت حق تعالی این کلمه را سه بار پس گفت آنحضرت دیدم حق تعالی را که نهاده دست خود را در میان دو شانه من تا آنکه یافتم

برد انامله بين ثديي فتجلى لي كل شيء وعرفت فقال يا محمد

سردی انگشتان او را میان بر دو پستان خود پس ظاهر شد برای هر چیز از علوم وشناختم همه را پس فرمود حق تعالی ای محمد

قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الاعلى قلت في الكفارات

گفتم ایستاده ام در خدمت تو ای پروردگار من فرمود در چه چیز نزاع میکنند فرشتگان ملا اعلی گفتم بحث میکنند در کفارات

قال وما هن قلت مشي الاقدام الى الجماعات والجلوس في المساجد

فرمود چه چیز اند کفارات گفتم که رفتن پایها بسوی جماعتهای نماز ودوم نشستن در مسجدها

بعد الصلوة واسباغ الوضوء حين الكريهات قال ثم فيم قلت

بعد از نماز سوم کامل وسیراب کردن وضو در حالتهایی که ناخوش دارد طبیعت استعمال آب را فرمود باز در چه چیز بحث میکنند گفتم

في الدرجات قال وما هن قلت اطعام الطعام ولين الكلام والصلوة

در درجات فرمود وچه چیز هستند درجات گفتم درجات خورانیدن طعام بمسکینان ونرمی کردن در سخن ونماز گذاردن

بالليل والناس نيام ثم قال سل قال قلت اللهم اني اسئلك فعل

در شب حالی که مردم در خواب باشند پس فرمود حق تعالی بخواه از خیرات گفتم ودعا کردم بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا کردن

الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وان تغفر لي وترحمني

نیکی ها وگذاشتن کارهای بد را که ناشناخته اند وسوال میکنم دوستی مسکینان را واینکه بیامرزی مرا ورحم کنی مرا



واذا اردت فتنة في قوم فتوفني غير مفتون واسالك حبك وحب

وچون خواهی فتنه در قومی پس بمیران مرا پیش از آنکه گرفتار فتنه شوم وسوال میکنم از تو دوستی ترا ودوستی

من يحبك وحب عمل يقربني الى حبك فقال رسول الله صلى

کسی را که دوست دارد ترا ودوستی کاری که مرا نزدیک گرداند بسوی دوستی تو پس فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم انها حق فادرسوها ثم تعلموها رواه احمد

الله علیه وسلم این واقعه که دیدم حق است پس بخوانید آنرا پس تعلیم کنید آنرا روایت کرد احمد

والترمذي وقال هذا حديث حسن صحيح وسألت محمد بن اسمعيل

وترمذی وگفت که این حدیث حسن صحیح است ودرسیدم محمد بن اسمعیل

عن هذا الحديث فقال هذا حديث صحيح

یعنی بخاری را از این حدیث که چه حال دارد پس گفت که این حدیث صحیح است

## باب فضيلة الجماعة

باب در فضیلت نماز با جماعت

واقيموا الصلوة واتوا الزكوة واركعوا مع الراكعين

وبرپا دارید نماز را وبدهید زکوة را ورکوع کنید همراه رکوع کنندگان

عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة

مرویست از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز بجه

الجماعة تفضل صلوة الفذ بسبع وعشرين درجة متفق عليه

بجماعت بگذارند زیاده میشود در ثواب بر نماز یکتنها گذارنده به بیست وهفت درجه متفق علیه است

وعن ابي بن كعب قال صلى بنا رسول الله صلى الله عليه وسلم

وروایت است از ابی بن کعب گفت نماز کرد با ما آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يوما الصبح فلما سلم قال اشاهد فلان قالوا لا قال اشاهد

روزی نماز بامداد پس هرگاه که سلام داد فرمود که آیا حاضر است فلان گفتند حاضر نیست فرمود آیا حاضر

فُلَانٌ قَالُوا لَا قَالَ إِنَّ هَاتَيْنِ الصَّلٰوتَيْنِ أَثْقَلُ الصَّلَوَاتِ عَلَى الْمُنَافِقِيْنَ

فلان شخص گفتند که حاضر نیست فرمود آنحضرت که این دو نماز صبح و شام گرانترین نمازهاست بر منافقین

وَلَوْ تَعْلَمُوْنَ مَا فِيْهِمَا لَأَتَيْتُمُوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الرُّكَبِ وَإِنَّ الصَّفَّ الْأَوَّلَ

اگر میدانستید ثواب آن را که اندر این دو نماز است هر آینه می آمدید این دو نماز را بر زانو رونده و بدرستیکه صف اول

عَلٰى مِثْلِ صَفِّ الْمَلٰئِكَةِ وَلَوْ عَلِمْتُمْ مَا فَضِيْلَتُهُ لَابْتَدَرْتُمُوْهُ وَإِنَّ صَلٰوةَ

برمانند صف فرشتگان است در فضل و اگر میدانستید که چیست فضیلت صف اول بر آینه شتابی میکردید بطلب آن بدرستیکه نماز

الرَّجُلِ مَعَ الرَّجُلِ أَزْكٰى مِنْ صَلٰوتِهِ وَحْدَهُ وَصَلٰوتُهُ مَعَ الرَّجُلَيْنِ أَزْكٰى مِنْ

مرد با یک مرد پاکیزه تر است از گذاردن نمازش تنها و نماز وی با دو مرد پاکیزه تر است

صَلٰوتِهِ مَعَ الرَّجُلِ وَمَا كَثُرَ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَى اللّٰهِ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

از نماز گذاردنش با یک مرد و هر چه بسیار است از جماعت پس آن محبوب تر است بسوی خدا رواه ابوداود و نسائی

وَعَنْ أُمِّ الدَّرْدَاءِ قَالَتْ دَخَلَ عَلَيَّ أَبُو الدَّرْدَاءِ وَهُوَ مُغْضَبٌ فَقُلْتُ

و روایت است از ام درداء گفت درآمد بر من ابودرداء و حال آنکه وی بخشم آورده شده بود پس گفتم من

مَا أَغْضَبَكَ قَالَ وَاللّٰهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ أَمْرِ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

چه چیز در غضب آورد ترا گفت بخدا که میشناسم من از کار امت محمد صلی الله علیه وسلم

شَيْئًا إِلَّا أَنَّهُمْ يُصَلُّوْنَ جَمِيْعًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِيْ بَكْرِ

چیزی را مگر آنکه نماز میگذارند بجماعت رواه بخاری واز ابی بکر

ابْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ أَبِيْ حَثْمَةَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ فَقَدَ سُلَيْمَانَ بْنَ

بن سلیمان بن ابی حثمه مرویست که بدرستی عمر بن الخطاب رضی الله عنه گم کرد سلیمان بن

أَبِيْ حَثْمَةَ فِيْ صَلٰوةِ الصُّبْحِ وَأَنَّ عُمَرَ غَدَا إِلَى السُّوْقِ وَمَسْكَنُ سُلَيْمَانَ

ابی حثمه را در نماز بامداد و بدرستیکه عمر رضی الله عنه رفته بود بامداد بجانب بازار و خانه سلیمان

بَيْنَ الْمَسْجِدِ وَالسُّوْقِ فَمَرَّ عَلَى الشِّفَاءِ أُمِّ سُلَيْمَانَ فَقَالَ لَهَا لَمْ أَرَ

درمیان مسجد و بازار بود پس گذشت بر شفا که مادر سلیمان است پس گفت عمر رض شفا را که ندیدم



سُلَيْمَانَ فِي الصُّبْحِ قَالَتْ إِنَّهُ بَاتَ يُصَلِّيْ فَغَلَبَتْهُ عَيْنَاهُ فَقَالَ عُمَرُ رض

سلیمان را در نماز صبح پس گفت شفا بدرستیکه سلیمان همه شب نماز میگذارد پس غالب آمد او را دو چشم او پس فرمود عمر رض

لَأَنْ أَشْهَدَ صَلٰوةَ الصُّبْحِ فِيْ جَمَاعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُوْمَ لَيْلَةً

هر آینه حاضر شدن من نماز بامداد را در جماعت محبوب تر است بسوی من از آنکه قیام کنم شبی

رَوَاهُ مَالِكٌ وَعَنْ أَبِيْ مُوْسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

رواه مالک و روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اثْنَانِ فَمَا فَوْقَهُمَا جَمَاعَةٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ

الله علیه وسلم دو کس و یک زیاده از آنها است جماعت است رواه ابن ماجه و مرویست از وی رض

قَالَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ أَعْمٰى فَقَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ إِنَّهُ

گفت آمد آنحضرت را صلی الله علیه وسلم مردی نابینا پس گفت ای پیغمبر خدا بدرستیکه شان اینست

لَيْسَ لِيْ قَائِدٌ يَقُوْدُنِيْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَسَأَلَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

که نیست مرا کشنده که دست مرا گیرد و بکشد مرا بسوی مسجد پس سوال کرد درخواست از آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَنْ يُرَخِّصَ لَهُ فَيُصَلِّيَ فِيْ بَيْتِهِ فَرَخَّصَ لَهُ فَلَمَّا وَلّٰى دَعَاهُ

وسلم که رخصت دهد تا بگذارد آن مرد نماز در خانه خود پس رخصت داد مر او را پس هرگاه که بازگشت خواند او را

فَقَالَ هَلْ تَسْمَعُ النِّدَاءَ بِالصَّلٰوةِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَأَجِبْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس فرمود آیا می شنوی آواز اذان را برای نماز گفت آری میشنوم فرمود پس اجابت کن و بمسجد بیا رواه مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّهَا قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واز عائشه مرویست بدرستیکه عایشه گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که

يَقُوْلُ لَا صَلٰوةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ وَلَا وَهُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ رَوَاهُ

میگفت نیک نیست نماز در حضور طعام و نه درحالیکه با مصلی کشاکشی کنند بول و غائط رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلٰوةُ فَلَا صَلٰوةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ

چو اقامت کرده شود نماز پس جائز نیست نماز غیر از نماز فرض رواه مسلم در روایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَمْنَعُوا نِسَاءَكُمُ

ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم منع نکنید زنان خود را

الْمَسَاجِدَ وَبُيُوتُهُنَّ خَيْرٌ لَهُنَّ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ

از رفتن مساجد و خانهای ایشان بهتر است مر ایشان را رواه ابوداؤد و از ابی هریره رض روایت گفت

أَمَرَنَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْمَسْجِدِ فَنُودِيَ بِالصَّلٰوةِ

امر فرمود ما را رسول الله صلی الله علیه وسلم که وقتیکه باشید در مسجد پس اذان گفته شد

فَلَا يَخْرُجْ أَحَدُكُمْ حَتّٰى يُصَلِّيَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ أُمِّ

پس باید که بیرون نرود کسی از شما تا آنکه نماز گزارده شود رواه احمد و مرویست از عبد الله ابن ام

مَكْتُومٍ رض قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَدِينَةَ كَثِيرَةُ الْهَوَامِّ

مکتوم رض گفت ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در مدینه بسیار است گزندها

وَالسِّبَاعِ وَأَنَا ضَرِيرُ الْبَصَرِ فَهَلْ تَجِدُ لِي مِنْ رُخْصَةٍ قَالَ هَلْ تَسْمَعُ حَيَّ

و درندها و من نابینا ام پس آیا رخصت می یابی برای من فرمود میشنوی این کلمات را که حی

عَلَى الصَّلٰوةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَحَيَّ هَلًا وَلَمْ يُرَخِّصْ رَوَاهُ

علی الصلوة حی علی الفلاح است گفت عبد الله آری پیغمبر فرمود اجابت کن و بیا و رخصت نداد رواه

أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابوداؤد و نسائی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ ثُمَّ رَاحَ فَوَجَدَ النَّاسَ قَدْ صَلَّوْا

علیه وسلم کسیکه وضو کرد پس نیک کرد وضوی خود را پس تر رفت بسوی مسجد پس یافت مردم را که نماز گزاردند

أَعْطَاهُ اللّٰهُ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَلَّاهَا وَحَضَرَهَا لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ

میدهد او را خدای بزرگ مانند ثواب کسیکه گزارده آنرا با جماعت و حاضر شده است در نماز کم نمی کند این ثواب دادن او را از ثواب اهالی ایشان



شَيْئًا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ مس ايضا وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

چیزے رواه ابوداؤد ونسائی روایت است از انس رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى لِلّٰهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي جَمَاعَةٍ يُدْرِكُ التَّكْبِيرَةَ

صلی الله علیه وسلم کسیکه نماز گزارد برائے خدا چهل روز در جماعت در حالیکه دریابد تکبیر

الْأُولٰى كُتِبَ لَهُ بَرَاءَتَانِ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَبَرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ رَوَاهُ

اولی را نوشته میشود مر ویرا دو خط بیزاری یکی بیزاری از آتش دوزخ و دوم بیزاری از نفاق رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ ثَوَابَةَ بْنِ مَسْعُودٍ عَمَّنْ

ترمذی و روایت است از عبد الله بن وهب و او روایت میکند از ثوابة بن مسعود از کسیکه

حَدَّثَهُ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ تُوُفِّيَ ابْنٌ لِعُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ فَاشْتَدَّ

روایت کرده است از انس بن مالک رض گفت وفات کرد فرزند عثمان بن مظعون پس زیاده شد

حُزْنُهُ عَلَيْهِ حَتّٰى اتَّخَذَ فِي دَارِهِ مَسْجِدًا يَتَعَبَّدُ فِيهِ فَبَلَغَ ذٰلِكَ

غم او بر عثمان تا آنکه گرفت در خانه خود مسجد که عبادت میکرد در آن مسجد پس رسید آن خبر

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا عُثْمَانُ إِنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس فرمود اے عثمان بدرستیکه خدا نه نوشت بر ما

الرَّهْبَانِيَّةَ إِنَّمَا رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ يَا عُثْمَانَ ابْنَ

رهبانیت را جز این نیست که رهبانیت امت من جهاد است در راه خدا ای عثمان بن

مَظْعُونٍ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَلِلنَّارِ سَبْعَةَ أَبْوَابٍ فَمَا يَسُرُّكَ

مظعون بدرستیکه بهشت را هشت در است و مر دوزخ را هفت در است پس خوش نمی آید ترا

إِلَّا تَأْتِيَ بَابًا مِنْهَا إِلَّا وَجَدْتَ ابْنَكَ إِلٰى جَنْبِكَ آخِذًا بِحُجْزَتِكَ

اینکه بیائی دری را از درهای آن مگر آنکه بیابی تو که فرزند تو بر پهلوی تو گیرنده است بکمر بند تو

يَسْتَشْفِعُ لَكَ إِلٰى رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ قَالُوا بَلٰى قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

طلب شفاعت کند مر ترا بسوی پروردگار تو که بزرگ و بلند است گفت آری گفتند یاران ای پیغمبر خدا

وَكُنَّا فِي فُرُطِنَا مَا لِعُثْمَانَ قَالَ نَعَمْ لِمَنْ صَبَرَ مِنْكُمْ وَاحْتَسَبَ ثُمَّ قَالَ

درین بشارت ما هر داخل ایم یا بر عثمان فرمود آری شما هر داخل این بشارت ایکسی که صبر کرد از شما و چشم ثواب داشت پستر فرمود آنحضرت

لَهُ يَا عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ مَنْ صَلَّى صَلوٰةَ الْفَجْرِ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ جَلَسَ يَذْكُرُ

مرعثمان را ای عثمان بن مظعون کسیکه نماز ادا کرد نماز بامداد را در جماعت پستر نشست تا که ذکر میکند

اللهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ كَانَ لَهُ فِي الْفِرْدَوْسِ سَبْعُوْنَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ

خدا را تا اگر طلوع شود آفتاب باشد مرویرا در فردوس هفتاد درجه مسافت میان

دَرَجَتَيْنِ كَرَكْضِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ الْمُضَمَّرِ سَبْعِيْنَ سَنَةً وَمَنْ صَلَّى الظُّهْرَ

هر دو درجه مانند رفتار اسپ تیز رو تضمیر کرده شده هفتاد سال راه و کسیکه نماز ظهر خواند

فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ خَمْسُوْنَ دَرَجَةً كَرَكْضِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ

در جماعت باشد مرویرا در جنت عدن پنجاه درجه مانند رفتار اسپ تیز رو

الْمُضَمَّرِ خَمْسِيْنَ سَنَةً وَمَنْ صَلَّى الْعَصْرَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ ثَمَانِيَةٍ

تضمیر کرده شده پنجاه ساله راه و کسیکه ادا کرد نماز عصر در جماعت باشد مراورا مانند ثواب هشت کس

مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيْلَ كُلِّهِمْ رَبَّ بَيْتٍ أَعْتَقَهُمْ وَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ فِي

از اولاد اسمٰعیل همه ایشان را مالک شان آزاد کرد ایشانرا و کسیکه نماز مغرب ادا کرد

جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَحَجَّةٍ مَبْرُوْرَةٍ وَعُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَمَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي

با جماعت باشد آن مانند حج مبرور و عمرهٔ مقبول و کسیکه ادا کرد نماز عشا را

جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ هب جَمْعُ الْجَوَامِعِ

بجماعت باشد مرویرا مانند قیام و زنده داشتن شب قدر از جمع الجوامع

## بَابُ إِثْمِ تَرْكِ الْجَمَاعَةِ

این باب در معصیت ترک جماعت است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ مَنْ أَدْرَكَ الرَّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ

روایت است از ابی هریرة رض بدرستیکه او بود که میگفت کسیکه یافت رکوع را پس تحقیق یافت



السَّجْدَةَ وَمَنْ فَاتَتْهُ قِرَاءَةُ أُمِّ الْقُرْآنِ فَقَدْ فَاتَهُ خَيْرٌ رَوَاهُ مَالِكٌ

سجده را یعنی رکعت را و کسیکه فوت شد او را خواندن فاتحة الکتاب پس تحقیق فوت شد از وی نیکی بسیار رواه مالک

وَعَنْهُ أَنَّهُ قَالَ الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَخْفِضُهُ قَبْلَ الْإِمَامِ فَإِنَّمَا

و روایت است از وی بدرستیکه او گفت کسیکه بردارد سر خود را و پست کند سر را پیش از امام پس ایست

نَاصِيَتُهُ بِيَدِ الشَّيْطٰنِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

موی پیشانی او بدست شیطان رواه مالک و روایت است از ابی هریرة رضی الله عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا مَا فِي الْبُيُوْتِ مِنَ النِّسَاءِ

از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نمی بود چیزیکه در خانه هاست از زنان

وَالذُّرِّيَّةِ أَقَمْتُ صَلوٰةَ الْعِشَاءِ وَأَمَرْتُ فِتْيَانِي يُحَرِّقُوْنَ مَا فِي

و اطفال برپا میکردم نماز عشا را و میفرمودم خادمان خود را که بمبالغه بسوزند چیزها را که در

الْبُيُوْتِ بِالنَّارِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي الشَّعْثَاءِ قَالَ خَرَجَ رَجُلٌ مِنَ

خانهاست بآتش رواه احمد و روایت است از ابو شعثاء گفت بیرون آمد مردے از

الْمَسْجِدِ بَعْدَ مَا أُذِّنَ فِيْهِ فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ أَمَّا هٰذَا فَقَدْ عَصَى

مسجد بعد از آنکه اذان گفته شد در مسجد پس گفت ابو هریرة رض اما این مرد بتحقیق که گناه کرد

أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُثْمَانَ

اباقاسم را که کنیت آنحضرت است صلی الله علیه وسلم رواه مسلم و از عثمان

بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

بن عفان رضی الله عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

أَدْرَكَهُ الْأَذَانُ فِي الْمَسْجِدِ ثُمَّ خَرَجَ لَمْ يَخْرُجْ لِحَاجَةٍ وَهُوَ لَا يُرِيْدُ الرَّجْعَةَ

که دریابد او را بانگ نماز در مسجد پستر بیرون آمد و آنجا لیکه بیرون نیامده بود برای حاجت ضروری او نمیخواهد باز آمدن

فَهُوَ مُنَافِقٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ

پس او منافق است رواه ابن ماجه و روایت است از ابن عباس رضی الله تعالی عنه

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من سمع النداء فلم يجبه فلا صلوة

از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بشنود بانگ نماز را پس اجابت نکرد برای نماز در مسجد نماز ه پس نیست نماز

له الا من عذر رواه الدارقطني وعن مجاهد عن عبد الله بن عمر

مر اورا مگر از جهت عذری رواه دار قطنی و روایت است از مجاهد و او از عبد الله بن عمر

رضي الله عنهما ان النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يمنعن رجل اهله

رضی الله عنهما بدرستیکه نبی صلی الله علیه وسلم فرمود منع نکند هیچ مردے کسان خود را

ان ياتوا المساجد فقال ابن لعبد الله بن عمر فانا نمنعهن فقال عبد الله

از آمدن مسجد ها پس گفت پسری که مر عبد الله بن عمر را بود که ما البته منع میکنیم پس گفت عبد الله

احدثك عن رسول الله صلى الله عليه وسلم وتقول هذا قال فما كلمه

حدیث میکنم مر ترا از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و تو میگوئی این کلمه گفت راوی پس کلام

عبد الله حتى مات رواه احمد وعن عبد الله بن مسعود رض قال

نکرد با آن فرزند عبد الله بن عمر تا آنکه مرد رواه احمد و مروی است از عبد الله بن مسعود رض گفت

لقد رايتنا وما يتخلف عن الصلوة الا منافق قد علم نفاقه او مريض

بتحقیق دانستیم خود و صحابه دیگر را که حکم میکردیم بانکه او پس نمیماند از جماعت نماز مگر منافقی که بتحقیق معلوم بود نفاق او یا بیماری که اصلا طاقت ندارد

وان كان المريض ليمشي بين رجلين حتى ياتي الصلوة وقال ان

و بتحقیق بود بیمار که او میرفت میان دو مرد تکیه کرده بر ایشان تا آنکه می آمد در مسجد برای نماز و گفت ابن مسعود بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم علمنا سنن الهدى وان من سنن

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تعلیم کرد مارا سنتهارا که عمل کردن آن موجب هدایت است و بدرستیکه از جمله سنن هدی

الهدى الصلوة في المسجد الذي يؤذن فيه وفي رواية قال من سره

نماز است در مسجد که اذان گفته شود در آن مسجد و در روایت آمده است که ابن مسعود گفت کسیکه خوشحال میگرداند اورا

ان يلقى الله غدا مسلما فليحافظ على هؤلاء الصلوات الخمس

آنکه ملاقات کند خدارا فردا مسلمان کامل پس باید که نگهبانی کند بر نمازها ے پنجگانه



حيث ينادى بهن فان الله شرع لنبيكم سنن الهدى وانهن من

در جاییکه ندا کرده شود برای آنها پس بدرستیکه خدا تعالی شروع کرد برای پیغامبر شما طریقه های هدایت را و بدرستی این پنج نماز از

سنن الهدى ولو انكم صليتم في بيوتكم كما يصلي هذا المتخلف في

جمله آن طریقهاست و اگر ثابت شود اینکه شما گذارده اید نماز را در خانهای خود چنانکه میگذارد این شخص باز مانده در

بيته لتركتم سنة نبيكم ولو تركتم سنة نبيكم لضللتم وما من

خانه خود هر آینه ترک کرده باشید طریقهٔ پیغامبر خود را و اگر ترک کنید طریقهٔ پیغمبر خود را هر آینه گمراه شوید و نیست هیچ

رجل يتطهر فيحسن الطهور ثم يعمد الى مسجد من هذه المساجد الا

مردیکه طهارت کند پس نیک کند طهارت را پیشتر قصد رفتن کند بسوی مسجدی از این مساجد مگر آنکه

كتب الله له بكل خطوة يخطوها حسنة ورفعه بها درجة وحط عنه

بنویسد خدا تعالی برای او بهر گامیکه مینهد نیکی و ثواب بلند گرداند برای او پایه ارجمندی و کم گرداند از و

بها سيئة ولقد رايتنا وما يتخلف عنها الا منافق معلوم النفاق

بسبب آن بدی او و بتحقیق دانستیم با صحابه رض همه که تخلف نمیکرد از جماعت مگر منافقی که نفاق او ظاهر بود

ولقد كان الرجل يؤتى به يهادى بين الرجلين حتى يقام في الصف

و بتحقیق بود مرد بیماری که آورده می شد در حالیکه تکیه میکرد از غایت ضعف میان دو مرد تا آنکه ایستاده کرده میشد در صف نماز

رواه مسلم وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه

رواه مسلم و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم من سمع المنادى فلم يمنعه من اتباعه عذر قالوا وما

وسلم کسیکه بشنود بانگ نماز پس باز ندارد اورا از پیروی کردن آن هیچ بهانه گفتند صحابه که چیست عذر

العذر قال خوف او مرض لم تقبل منه الصلوة التي صلى رواه

فرمود ترس هلاک یا بیماری پذیرفته نمی شود از وی نمازیکه گذارده است رواه

ابو داود والدارقطني وعن ابي الدرداء رض قال قال رسول الله

ابو داود و دار قطنی و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ ثَلٰثَةٍ فِيْ قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيْهِمُ الصَّلٰوةُ
صلی الله علیه وسلم نیست سه مرد در دیهی و یا در بادیه که برپا کرده نمیشود در میان ایشان نماز بجماعت
اِلَّا قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَاِنَّمَا يَاْكُلُ الذِّئْبُ
مگر آنکه غالب شده بر ایشان شیطان پس بر تو باد که لازم گیری جماعت را زیرا که نخورد گرگ مگر گوسفند یرا
الْقَاصِيَةَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ
که دور افتاده است رواه احمد وابوداود ونسائی وروایت است از ابی هریرة رضی
اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ صَلٰوةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَّعِشْرِيْنَ دَرَجَةً
الله تعالی عنه نمازی که بجماعت گذارند زیادتی میکند بر نمازیکه تنها بگذارد به بست و هفت درجه
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
متفق علیه و روایت است از ابی هریرة رضه گفت فرموده پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ لَقَدْ هَمَمْتُ اَنْ اٰمُرَ بِحَطَبٍ فَيُحْطَبُ ثُمَّ اٰمُرَ
بخدای که بقای ذات من بدست قدرت اوست بتحقیق آهنگ کردم که امر کنم بجمع کردن هیزم پس جمع کرده شود
بِالصَّلٰوةِ فَيُؤَذَّنَ لَهَا ثُمَّ اٰمُرَ رَجُلًا فَيَؤُمَّ النَّاسَ ثُمَّ اُخَالِفَ اِلٰى
باذان گفتن برای نماز پس اذان گفته شود برای نماز پس امر کنم مردی را که بگردن پس امامت کند مردم را پس بروم بسوی
رِجَالٍ وَفِيْ رِوَايَةٍ لَا يَشْهَدُوْنَ الصَّلٰوةَ فَاُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوْتَهُمْ
مردمانیکه در روایتی این کلمات است حاضر نشدند برای نماز پس بسوزانم بر ایشان خانهای ایشان را
وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ لَوْ يَعْلَمُ اَحَدُهُمْ اَنَّهٗ يَجِدُ عَرْقًا سَمِيْنًا اَوْ مِرْمَاتَيْنِ
بخدا سوگند اگر بداند یکی از ایشان که او می یابد استخوان فربه یا دو سم گاو
حَسَنَتَيْنِ لَشَهِدَ الْعِشَاءَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَلِمُسْلِمٍ نَحْوُهٗ
و گوسفند که نیکو در آید در نظر مرد و زن هر آئینه حاضر میگردد نماز عشا را رواه بخاری و مر مسلم را مانند اوست

## بَابُ تَسْوِيَةِ الصَّفِّ

باب در برابر کردن صف وقت نماز



عَنِ النُّعْمَانِ ابْنِ الْبَشِيْرِ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
وروایت است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَوِّيْ صُفُوْفَنَا حَتّٰى كَاَنَّمَا يُسَوِّيْ بِهَا الْقِدَاحَ حَتّٰى رَاٰى
الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای ما را در نماز تا آنکه گویا برابر میکرد بآن صفوف قداح را یعنی چوب تیر تا آنکه دید آنحضرت
اَنَّا قَدْ عَقَلْنَا عَنْهُ ثُمَّ خَرَجَ يَوْمًا فَقَامَ حَتّٰى كَادَ اَنْ يُّكَبِّرَ فَرَاٰى رَجُلًا
که ما بتحقیق فهمیدیم از قول و فعلش پیشتر بیرون آمد آنحضرت روزی پس استاد تا آنکه قریب شد که الله اکبر بگوید پس دید مردی را
بَادِيًا صَدْرُهٗ مِنَ الصَّفِّ فَقَالَ عِبَادَ اللّٰهِ لَتُسَوُّنَّ صُفُوْفَكُمْ اَوْ
که بیرون است سینهٔ او از صف پس گفت ای بندگان خدا هر آئینه باید که برابر کنید شما صفهای خود را یا آنکه
لَيُخَالِفَنَّ اللّٰهُ بَيْنَ وُجُوْهِكُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ
بتحقیق مخالفت می اندازد خدا تعالی در میان ذاتهای شما رواه مسلم و روایت است از عائشه
رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ
رضی الله عنها گفت فرموده پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا
وَمَلٰئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلٰى مَيَامِنِ الصُّفُوْفِ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ
و فرشتگان او درود میفرستند بر جانبهای راست از صفوف و از ابی امامه مرویست
رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ
رضی الله عنه گفت فرموده پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی
وَمَلٰئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ الْاَوَّلِ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَعَلَى
و فرشتگان او درود می فرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر
الثَّانِيْ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ الْاَوَّلِ قَالُوْا يَا
صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای
رَسُوْلَ اللّٰهِ وَعَلَى الثَّانِيْ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ
پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود می فرستند بر صف

الاول قالوا يا رسول الله وعلى الصف الثاني قال وعلى الثاني وقال

اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت و بر صف دوم و فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم سووا صفوفكم وحاذوا بين

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازید صفهای خود را و برابری کنید میان

مناكبكم ولينوا في ايدي اخوانكم وسدوا الخلل فان الشيطن

دوشهای خود و نرمی کنید در پیش دستهای برادران خود و بندید فرجهای صف خود زیرا که شیطان

يدخل فيما بينكم بمنزلة الحذف يعني اولاد الضان الصغار

می در آید در میان شما در رنگ حذف خواست راوی بلفظ حذف بچهای میش که خورد باشند

رواه احمد وعن ابن عمر رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

رواه احمد و از ابن عمر روایت رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم اقيموا الصفوف وحاذوا بين المناكب وسدوا

صلی الله علیه وسلم برپا کنید صفوف را و برابری کنید در میان دوشهای مناکب خود و بندید

الخلل ولينوا بايدي اخوانكم ولا تذروا فرجات للشيطن ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در پیش دستهای برادران شما و مگذارید فرجها شیطان را و کسی که

وصل صفا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه ابوداود

وصل کند صف را وصل کند او را خدا تعالی و کسیکه ببرد و رخنه کند صف را ببرد و دور اندازد او را خدا تعالی رواه ابوداود

وعن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله

و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لا يزال قوم يتاخرون عن الصف الاول حتى يؤخرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می افتند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله في النار رواه ابوداود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه

خدا تعالی در آتش رواه ابوداود و روایت است از ابی هریرة رضی الله تعالی عنه



قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اما يخشى الذي يرفع راسه

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا نمی ترسد آنکس که بر میدارد سر خود را

قبل الامام ان يحول الله راسه راس حمار متفق عليه وعن انس

پیش از امام از اینکه بگرداند خدا تعالی سر او را همچو سر خر متفق علیه است و از انس رضی الله عنه مروی است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رصوا صفوفكم وقاربوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پیوسته دارید و استوار کنید صفهای خود را و نزدیکی کنید

بينها وحاذوا بالاعناق فوالذي نفسي بيده اني لارى الشيطن

میان صفها و برابر کنید گردنها را پس سوگند بخدا اینکه بقای ذات من بدست اوست بدرستیکه من هر آینه می بینم شیطان را

يدخل من خلل الصف كانها الحذف رواه ابوداود وعن

که در می آید از رخنه صف گویا آن شیطان بچه میش است رواه ابوداود و روایت است از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير

ابی هریرة رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین

صفوف الرجال اولها وشرها اخرها وخير صفوف النساء اخرها

صفهای مردان اولین آنهاست و بدترین صفهای مردان پسین آنهاست و بهترین صفهای زنان پسین آنهاست

وشرها اولها رواه مسلم وعن ابي سعيد الخدري

و بدترین صفهای زنان پیشین آنها رواه مسلم و از ابی سعید الخدری

رضي الله تعالى عنه راى رسول الله صلى الله عليه وسلم في اصحابه تاخرا

رضی الله عنه مروی است دید پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در یاران خود پس ماندنی در صف نماز

فقال لهم تقدموا واتموا بي وليأتم بكم من بعدكم لا يزال

پس گفت مر ایشان را پیش آیید و اقتدا کنید بمن و باید که اقتدا کند بشما کسیکه پس ایستاده است و همیشه اند

قوم يتاخرون حتى يؤخرهم الله رواه مسلم وعن ابي مسعود

قومی که پس می ایستند تا آنکه پس می افگند ایشان را خدا تعالی از ثواب عظیم رواه مسلم و روایت است از ابی مسعود

الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الانصاری رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَمْسَحُ مَنَاكِبَنَا فِي الصَّلٰوةِ وَيَقُوْلُ اِسْتَوُوْا وَلَا تَخْتَلِفُوْا فَتَخْتَلِفَ

که مسح میکرد کتفهای ما را در نماز و میفرمود که برابر شوید و اختلاف مکنید پس مختلف گردد

قُلُوْبُكُمْ لِيَلِيَنِيْ مِنْكُمْ اُولُو الْاَحْلَامِ وَالنُّهٰى ثُمَّ الَّذِيْنَ يَلُوْنَهُمْ

دلهای شما باید که متصل شوند مرا از شما خداوندان بلوغ و عقل در صف اول پس آنکسانیکه قریب اند بایشان در مرتبه

ثُمَّ الَّذِيْنَ يَلُوْنَهُمْ قَالَ اَبُوْ مَسْعُوْدٍ فَاَنْتُمُ الْيَوْمَ اَشَدُّ اخْتِلَافًا

پستر آنکسانیکه قریب اند بایشان گفت ابو مسعود انصاری رض پس شما امروز سخت تراید از روی اختلاف

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ

رواه مسلم و روایت است از براء ابن عازب رضی الله عنه گفت بود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهُ يُصَلُّوْنَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند

عَلَى الَّذِيْنَ يَلُوْنَ الصُّفُوْفَ الْاُوْلٰى وَمَا مِنْ خُطْوَةٍ اَحَبُّ

بر آنانکه متصل اند صفهای پیشین را و نیست هیچ گامی محبوب تر

اِلَى اللّٰهِ مِنْ خُطْوَةٍ يَمْشِيْهَا يَصِلُ بِهَا صَفًّا رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

بسوی خدا از گامی که میرود بوی که بپیوندد بوی صف را رواه ابو داود

## بَابُ السُّتْرَةِ وَاِثْمِ الْمُرُوْرِ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّيْ

باب در احادیثی که وارد است در بیان ستره و گناه گذشتن از روبروی مصلی

عَنْ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللّٰهِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از طلحه ابن عبید الله گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِذَا وَضَعَ اَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ مُؤْخِرَةِ الرَّحْلِ فَلْيُصَلِّ وَلَا يُبَالِ

وقتیکه بنهد یکی از شما پیش خود مانند پس پالان شتر پس باید که نماز بگذارد و باک ندارد کسیرا که بگذرد



مَنْ مَرَّ وَرَآءَ ذٰلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ جُهَيْمٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ

پس آن ستره رواه مسلم و روایت است از ابی جهیم رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّيْ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر میدانست گذرنده پیش مصلی

مَاذَا عَلَيْهِ لَكَانَ اَنْ يَقِفَ اَرْبَعِيْنَ خَيْرًا لَّهُ مِنْ اَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ

که چه گناه است بروی هر آینه باشد ایستادن او تا چهل بهتر مر او را از گذشتن وی از پیش مصلی گفت

اَبُو النَّضْرِ لَا اَدْرِيْ قَالَ اَرْبَعِيْنَ يَوْمًا اَوْ شَهْرًا اَوْ سَنَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

ابو نضر که یکی از راویان است که در نمی یابم که گفت چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال متفق علیه

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِذَا صَلّٰى اَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ تِلْقَآءَ وَجْهِهِ شَيْئًا فَاِنْ لَّمْ يَجِدْ فَلْيَنْصِبْ

وسلم چون نماز بگذارد یکی از شما پس باید که بگرداند در مقابل روی خود چیزی را پس اگر نیابد چیزی را پس باید که ایستاده کند

عَصَاهُ فَاِنْ لَّمْ يَكُنْ مَّعَهُ عَصًا فَلْيَخْطُطْ خَطًّا ثُمَّ لَا يَضُرُّهُ مَا مَرَّ

عصای خود را پس اگر نباشد باوی عصا پس باید که بکند خطی را در زمین پس زیان ندارد او را چیزیکه بگذرد

اَمَامَهُ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رَضِيَ اللّٰهُ

پیش او رواه ابو داود و ابن ماجه روایت است از ابی سعید رضی الله

تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقْطَعُ الصَّلٰوةَ شَيْءٌ

تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم باطل نمیگرداند نماز را چیزی

وَادْرَءُوْا مَا اسْتَطَعْتُمْ فَاِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ

پیش مصلی بگذرد و دفع کنید بقدر یکه توانید زیرا که آن گذرنده شیطانست رواه ابو داود و روایت است

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ اَحَدُكُمْ

از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر میدانست یکی از شما آنچه مراد را

مَا لَهُ فِي أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْ أَخِيهِ مُعْتَرِضًا فِي الصَّلٰوةِ كَانَ لَأَنْ يُقِيمَ

از گناه در گذشتن وی از پیش برادر مسلمان از مقابل در نماز باشد هر آئینه ایستادن او

مِائَةَ عَامٍ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْخُطْوَةِ الَّتِي خَطَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

صد سال بهتر مر او را از گامی که بزند آنرا رواه ابن ماجه واز

كَعْبِ الْأَحْبَارِ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي مَاذَا

کعب احبار روایت گفت اگر بدانستے گذرنده از پیش مصلی آنچه بر او ست

عَلَيْهِ لَكَانَ أَنْ يُخْسَفَ بِهِ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ

از گناه هر آئینه بهتر بود فرو برده شدن او در زمین از گذشتن وی از پیش

يَدَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ أَهْوَنَ عَلَيْهِ رَوَاهُ مَالِكٌ

مصلی و در روایتی است این لفظ یعنی آسان تر است بر وی رواه مالک

## بَابُ السُّنَنِ

این باب در بیان سنت ها است

عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از ام حبیبه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ

علیه وسلم کسیکه بگذارد در روز و شب دوازده رکعت بنا کرده شود برائی وی خانه

فِي الْجَنَّةِ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ

در بهشت چهار رکعت سنت پیش از نماز پیشین دو رکعت پس از ظهر دو رکعت نماز بعد از نماز شام

وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلٰوةِ الْفَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

دو رکعت نماز بعد از نماز خفتن دو رکعت پیش از نماز فجر رواه ترمذی

وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

واز عایشه رضی الله عنها مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله



عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

علیه وسلم دو رکعت سنت فجر بهتر است از عالم سفلی و هر چه در ویست رواه مسلم واز

ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُصَلِّي بَعْدَ

ابن عمر رضی الله عنهما مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که نمیگزارد بعد از نماز

الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ فَيُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

جمعه تا آنکه برگشت از نماز پس میگزارد دو رکعت در خانهٔ خود متفق علیه ومرویست از

أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ

ابی هریرة رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه هست

مِنْكُمْ مُصَلِّيًا بَعْدَ الْجُمُعَةِ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ

از شما نماز گذارنده بعد از جمعه پس باید که بگذارد چهار رکعت رواه مسلم واز ابن عمر رضی الله

تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحِمَ اللّٰهُ امْرَءًا صَلَّى

تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم رحمت کند خدا تعالی مردی را که بگذارد

قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ

پیش از نماز عصر چهار رکعت رواه احمد و ترمذی و ابوداود و روایت است از عایشه رضی

اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ

الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد بعد نماز مغرب

عِشْرِينَ رَكْعَةً بَنَى اللّٰهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بیست رکعت را بنا کند خدا برائی وی خانه در بهشت رواه ترمذی و روایت است از

مَكْحُولٍ يَبْلُغُ بِهِ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ

مکحول میرساند حدیث را با آنحضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه فرمود پیغمبر خدا صلعم کسیکه بگذارد بعد از مغرب

قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ رَكْعَتَيْنِ وَفِي رِوَايَةٍ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ رُفِعَتْ صَلٰوتُهُ

پیش از آنکه کلام کند دو رکعت و در روایتی آمده است که بگذارد چهار رکعت برداشته شود نماز او

فی علیین مرسلاً وعن حذیفة نحوه وزاد فکان یقول

درعلیین از روی مرسل واز حذیفه رض مانند این حدیث وزیاده کرده است این عبارت پس بود که میگفت آن حضرت

عجلوا الرکعتین بعد المغرب فانهما ترفعان مع المکتوبة رواهما

شتابی کنید دو رکعت را که بعد مغرب اند زیرا که این دو رکعت برداشته میشوند بعلیین با فرض رواهما

رزین وروی البیهقی الزیادة عنه نحوها فی شعب الایمان

رزین و روایت کرد بیهقی زیادت را از حذیفه مانند آن در شعب ایمان

## باب صلوة التهجد والتحریض علی قیام اللیل

باب در بیان احادیثیکه در باب فضیلت نماز تهجد و تحریص بر قیام شب واقع شده

ومن اللیل فتهجد به نافلة لک عسی ان یبعثک ربک مقاماً

و بعضی شب بیدار باش بقرآن شب چیزی زیاده برای تو قریب است که ایستاده کند ترا پروردگار تو بمقامی

محموداً تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفاً وطمعاً

پسندیده دور می ماند پهلوهای ایشان از خوابگاه میخوانند پروردگار خود را بترس و امید داری

ومما رزقنهم ینفقون فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین

و آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج میکنند پس نمیداند هیچ نفس چه چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم

جزاء بما کانوا یعملون وعن اسماء بنت یزید رض عن رسول الله

پاداش داده شد بآنچه میکردند و روایت است از اسماء بنت یزید رض از پیغمبر خدا

صلی الله علیه وسلم قال یحشر الناس فی صعید واحد یوم القیمة

صلی الله علیه وسلم فرمود فراهم آورده میشود مردم بر صعید واحد روز قیامت

فینادی منادٍ فیقول این الذین کانت تتجافی جنوبهم عن المضاجع

پس آواز میدهد آواز دهنده پس میگوید کجا اند آنکسانیکه دور و جدا میبود پهلوهای ایشان از خوابگاههای ایشان

فیقومون وهم قلیل فیدخلون الجنة بغیر حساب ثم یؤمر

پس می خیزند و حال آنکه ایشان کم باشند پس می گردند در بهشت بغیر آنکه حساب گرفته شوند پس امر کرده میشود



بسائر الناس الی الحساب رواه البیهقی فی شعب الایمان باب الحساب

سائر مردم را بحساب گرفتن رواه البیهقی در شعب الایمان باب حساب

وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ینزل ربنا

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرود آید پروردگار ما

تبارک وتعالی کل لیلة الی السماء الدنیا حتی یبقی ثلث اللیل الآخر

که بزرگ بلند است هر شب بآسمانیکه فرود تر و پایان تر است وقتیکه باقی ماند سیم حصه که شب آخر است

یقول من یدعونی فاستجیب له من یسألنی فاعطیه له من یستغفرنی

میفرماید حق تعالی کیست که دعا کند مرا تا قبول کنم دعا او را کیست که درخواست کند از من تا بدهم بخشم او را کیست که آمرزش

لی فاغفرله متفق علیه وفی روایة لمسلم ثم یبسط یدیه یقول

از من پس بیامرزم او را متفق علیه است و در روایت مسلم آمده پس فراخ میکند پروردگار هر دو دست خود را میگوید پروردگار

من یقرض غیر عدوم ولا ظلوم حتی ینفجر الفجر وعن جابر

کیست که قرض دهد بکسیکه نه فقیر است و نه ظلم کننده میگوید خدا تا میکشاید فجر و از جابر رضی الله عنه مرویست

رضی الله تعالی عنه قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ان

گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت بدرستیکه

فی اللیل لساعة لا یوافقها رجل مسلم یسأل الله خیراً من امر الدنیا

در شب هر آینه ساعتی است که موافق نیفتد آنرا هر مرد مسلمان در حالیکه سوال میکند خدا را نیکی از کار دنیا

والآخرة الا اعطاه الله ایاه وذلک کل لیلة رواه مسلم وعن

و آخرت مگر آنکه میدهد خدا تعالی آنرا او را و این ساعت در هر شب است رواه مسلم و روایت است از

عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنهما قال قال رسول الله صلی الله علیه

عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم احب الصلوة الی الله تعالی صلوة داود واحب الصیام الی الله

وسلم دوست داشته شده ترین نماز با بسوی خدا تعالی نماز داود علیه السلام است و دوست داشته ترین روزه ها بسوی خدا تعالی

صِيَامُ دَاوُدَ وَكَانَ يَنَامُ نِصْفَ اللَّيْلِ وَيَقُومُ ثُلُثَهُ وَيَنَامُ سُدُسَهُ وَيَصُومُ

روزه داود علیه السلام است و داود علیه السلام خواب میکرد سه دانگ شب و برمیخاست دو دانگ و خواب میکرد باز یکدانگ و روزه میداشت

يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى

یکروز روزه میگشاد روز دیگر متفق علیه است و از ابی امامه رضی الله تعالی

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ

عنه روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر شما باد برخاستن شب برای نماز زیرا که شب خیزی

دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَهُوَ قُرْبَةٌ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ وَمَكْفَرَةٌ لِلسَّيِّئَاتِ

عادت نیکوکاران است که پیش از شما بودند و قیام لیل سبب قربت رسانیدن شما است بسوی پروردگار شما و سبب بخشیدن مر بدیها را

وَمَنْهَاةٌ عَنِ الْإِثْمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ

و بازدارنده است از گناهان رواه ترمذی و از ابی سعید الخدری

رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يَضْحَكُ

رضی الله تعالی عنه روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم سه کس اند که بخندد

اللهُ تَعَالَى إِلَيْهِمُ الرَّجُلُ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ يُصَلِّي وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي

خدای تعالی برای ایشان یکی مرد که چون برخیزد برای نماز شب دوم قوم چون صف بندند در

الصَّلٰوةِ وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي قِتَالِ الْعَدُوِّ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

نماز سوم قومیکه چون صف بندند در کشتن دشمنان دین رواه در شرح سنة

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلٰثَ

وسلم گره می‌بندد شیطان بر پس سر یکی از شما وقتیکه او خواب میکند سه

عُقَدٍ يَضْرِبُ عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ فَإِنِ اسْتَيْقَظَ

گره میزند بر هر گره لازم گیر بر خود خواب را که شب دراز است پس خواب کن پس اگر بیدار شود



فَذَكَرَ اللهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَإِنْ صَلَّى انْحَلَّتْ

پس ذکر گوید خدا را گشاده شود گرهی پس اگر وضو کند گشاده شود گرهی پس اگر نماز کند گشاده شود

عُقْدَةٌ فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسْلَانَ

گرهی پس صبح کند شادمان پاک نفس و اگر بیدار نشود و ذکر نکند صبح میکند پلید نفس کاهل

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْمُغِيرَةِ رض قَالَ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى

متفق علیه است و روایت است از مغیره رض گفت ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نماز شب

تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهُ فَقِيلَ لَهُ لِمَ تَصْنَعُ هٰذَا وَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ

تا آنکه آماسید قدم مبارک پس گفته شد مر آنحضرت را که برای چه میکنی این همه ریاضت را و حالانکه آمرزیده شد مر تراگناهان تو

ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ قَالَ أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ

انچه پیش رفته و انچه پس خواهد آمد فرمود آنحضرت آیا پس نباشم من بنده سپاس گذار متفق علیه است و از

ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن مسعود رضی الله عنه گفت ذکر کرده شد نزدیک پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

رَجُلٌ فَقِيلَ لَهُ مَا زَالَ نَائِمًا حَتَّى أَصْبَحَ مَا قَامَ إِلَى الصَّلٰوةِ قَالَ ذٰلِكَ رَجُلٌ

مردی پس گفته شد مر او را که مستمر ماند خواب کننده تا آنکه صبح کرد و نایستاد برای نماز شب فرمود آنحضرت

بَالَ الشَّيْطَانُ فِي أُذُنِهِ أَوْ قَالَ فِي أُذُنَيْهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ

کمیزانید شیطان در گوش او یا گفت آنحضرت در دو گوش او متفق علیه و از عمرو ابن

عَبَسَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ

عبسه رض روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکتر بودن پروردگار از بنده

الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللهَ

میانه شب است در جانب آخر پس اگر میتوانی که باشی تو ای عمرو از آن جماعت که یاد میکنند خدا را

فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

در آن ساعت پس باش تو از آن رواه ترمذی و از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله رجلا قام من الليل فصلى وايقظ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ببخشاد خدا تعالی مردی را که برخواست بنماز شب پس گذارد نماز را و بیدار کرد

امرأته فصلت فان ابت نضح في وجهها الماء رحم الله امرأة قامت

زن خود را پس نماز گزارد آن زن نیز پس اگر انکار کند بپاشد در روی آن زن آب را ببخشاید خدا تعالی زن را که برخاست

من الليل فصلت وايقظت زوجها فصلى فان ابى نضحت في وجهه

از شب پس نماز گذارد و بیدار کرد مرد خود را پس نماز گذارد آن مرد پس اگر سر باز زند آن مرد بپاشد آن زن در روی او

الماء رواه ابو داود والنسائي وعن ابي امامة رضي الله تعالى عنه

آب را رواه ابو داود و النسائی واز ابی امامه رضی الله تعالی عنه مرویست

قال قيل يا رسول الله صلى الله عليه وسلم اي الدعاء اسمع قال جوف الليل

گفت گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کدام دعا مسموع تر است باجابت فرمود دعائیکه درون شب

الآخر ودبر الصلوات المكتوبات رواه الترمذي وعن ابي مالك

آخر واقع شده و پس نمازهای فرض که شامل است دعا را در آخر تشهد رواه ترمذی واز ابی مالک

الاشعري رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

اشعری رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ان في الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها اعدها

بدرستیکه در بهشت غرفهاست که دیده میشود ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش از عین لطافت و صفا آماده ساخته است

الله لمن الان الكلام واطعم الطعام وتابع الصيام وصلى بالليل

خدا آنها را برای کسیکه نرم گوید سخن را و بخوراند طعام را و پی در پی دارد روزه را و نماز گذارد بشب

والناس نيام رواه البيهقي في شعب الايمان وروى الترمذي

و حال آنکه مردم در خواب باشند روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و روایت ترمذی

عن علي نحوه وفي رواية لمن اطاب الكلام وعن عبد الله

از علی رض مانند آن و در روایتی آمده است طیب کلام بجای لین کلام واز عبد الله



ابن عمرو بن العاص رضي الله تعالى عنه قال لي رسول الله صلى الله عليه

ابن عمرو بن عاص رضی الله تعالی عنه مرویست فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يا عبد الله لا تكن مثل فلان كان يقوم من الليل فترك قيام

وسلم ای عبد الله مباش مانند فلان بود وی که برمیخواست بنماز شب پس بگذاشت

الليل متفق عليه وعن عثمان ابن ابي العاص رضي الله تعالى عنه

شب خیزی را متفق علیه و روایت است از عثمان بن ابی العاص رضی الله تعالی عنه

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول كان لداود عليه

گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را می فرمود بود داؤد علیه

السلام من الليل ساعة يوقظ فيها اهله يقول يا آل داود قوموا فصلوا

السلام را از شب ساعتی که بیدار میکرد در آن ساعت اهل خود را میگفت ای اهل و عیال داؤد برخیزید پس نماز کنید

فان هذه ساعة يستجيب الله عز وجل فيها الدعاء الا لساحر او

زیرا که بتحقیق این ساعتی است که قبول میکند خدا تعالی در وی دعا را مگر ساحر را

عشار رواه احمد وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال سمعت

و عشر ستاننده را رواه احمد از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مرویست گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول افضل الصلوة بعد الفريضة صلوة

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میفرمود افزون ترین نماز در ثواب بعد از نماز فرض

في جوف الليل رواه احمد وعنه قال جاء رجل الى النبي صلى الله

درون شب است رواه احمد و از وی مرویست گفت آمد مردی نزدیک آنحضرت صلی الله

عليه وسلم فقال ان فلانا يصلي بالليل فاذا اصبح سرق فقال انه

علیه وسلم پس گفت که بتحقیق فلان شخص نماز میکند بشب پس چون صبح میکند دزدی میکند پس گفت آنحضرت بدرستیکه

ستنهاه ما تقول رواه احمد والبيهقي في شعب الايمان وعن

باز دارد آن نماز او را از دزدی رواه احمد و بیهقی در شعب الایمان واز

ابی سعید و ابی هریرة رضی الله تعالی عنهما قال قال رسول الله صلی الله
ابی سعید و ابی هریره رضی الله عنهما گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله
علیه وسلم اذا ایقظ الرجل اهله من اللیل فصلیا او صلی رکعتین جمیعا
علیه وسلم چون بیدار کند مرد زن خود را بپارهٔ شب پس بگذارند دو رکعت هر دو یا هر واحد دو رکعت را بهمه
کتب فی الذاکرین والذاکرات رواه ابو داود وابن ماجة وعن
نوشته میشوند هر دو در حلقه مردان ذاکرین و زنان ذاکرات رواه ابوداود و ابن ماجه و مرویست از
ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اشراف امتی
ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگ قدران امت من
حملة القرآن واصحاب اللیل رواه البیهقی فی شعب الایمان وعن
بردارندگان قرآنند یعنی حافظان و اهل شب خوانندگان آن در نماز رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از
ابن عمر ان اباه عمر بن الخطاب کان یصلی من اللیل ما شاء الله
ابن عمر رضی الله عنهما بدرستیکه پدر او عمر بن الخطاب بود نماز شب میکرد از مقدار شب آنچه خواسته بود خدا
حتی اذا کان من آخر اللیل ایقظ اهله للصلوة یقول لهم الصلوة ثم
تا آنکه چون می شد آخر شب بیدار میکرد اهل خود را برای نماز شب میگفت اهل خود را که وقت نماز است بگذارید نماز را بعد از آن
یتلو هذه الآیة وأمر اهلک بالصلوة واصطبر علیها لا نسئلک
میخواند این آیة را بفرما اهل خود را بنماز و ثابت کن در صبر کردن بر نماز نمی طلبیم ما از تو
رزقا نحن نرزقک والعاقبة للتقوی رواه مالک وعن عبد الله
رزق را ما روزی میرسانیم ترا و خوبی عاقبت کار مر متقیان راست رواه مالک و از عبد الله
ابن مسعود رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم عجب ربنا من رجلین
ابن مسعود مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم عجب دارد پروردگار ما از دو مرد
رجل ثار عن وطائه ولحافه من بین حبه واهله الی صلوته فیقول
مردیکه برجست از فرش نرم خود و از لحاف خود برجست از میان محبوب و اهل خود بسوی نماز پس میگوید



الله لملئکته انظروا الی عبدی ثار عن فراشه ووطائه من بین
خدا تعالی بفرشتگان خود نگاه کنید بسوی بنده من که برجست از فراش خود و از لحاف خود از میان
حبه واهله الی صلوته رغبة فیما عندی وشفقا مما عندی ورجل غزا
محبوب خود و اهل خود بسوی نماز خود از جهت رغبت نمودن در ثوابیکه نزد منست و از جهت خوف و هراس از عقابیکه نزد منست و مردیکه جهاد کرد
فی سبیل الله فانهزم مع اصحابه فعلم ما علیه فی الانهزام وما
در راه خدا پس شکست خورد بایاران خود پس دانست آنچه که براوست در شکست خوردن و نفعی که
له فی الرجوع فرجع حتی اهریق دمه فیقول الله لملئکته انظروا
مر او راست در بازگشتن پس برگشت تا آنکه ریخته شد خون او پس میگوید خدا تعالی بفرشتگان خود نظر کنید
الی عبدی رجع رغبة فیما عندی وشفقا مما عندی حتی اهریق دمه
بسوی بنده من که برگشت از جهت خواهش در ثوابیکه نزد منست و از جهت ترسیدن عقابیکه نزد منست تا آنکه ریخته شد خون او
رواه فی شرح السنة **باب صلوة الضحی** وعن ابی ذر رض
رواه در شرح سنة باب نماز چاشت روایت است از ابی ذر رض
قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یصبح علی کل سلامی من
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ثابت میگردد بر هر بند استخوان اندام
احدکم صدقة فکل تسبیحة صدقة وکل تحمیدة صدقة وکل تهلیلة
یکی از شما صدقه پس هر بار سبحان الله گفتن صدقه ایست و هر بار الحمد لله گفتن صدقه ایست و هر بار لا اله الا الله گفتن
صدقة وکل تکبیرة صدقة وامر بالمعروف صدقة ونهی عن
صدقه ایست و هر بار الله اکبر گفتن صدقه ایست و فرمودن کسی را بکار مشروع صدقه ایست و باز داشتن کسی را از
المنکر صدقة ویجزئ من ذلک رکعتان یرکعهما من الضحی
کار نامشروع صدقه ایست و کفایت میکند از شکرانه سلامی و صدقه آن دو رکعت که بگذارد آن دو رکعت را از چاشت
رواه مسلم وعن ابی الدرداء وابی ذر رضی الله تعالی عنهما
رواه مسلم و روایت است از ابی درداء و ابی ذر رضی الله تعالی عنهما

قالا قال رسول الله صلی الله علیه وسلم عن الله تبارک وتعالی انه
گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم از خدا تعالی
قال یا ابن آدم ارکع لی اربع رکعات من اول النهار اکفک آخره
که فرمود اے آدمی زاد بگذار برای من چهار رکعت را در اول روز پس کار گذاری کنم ترا در آخر روز
رواه الترمذی ورواه ابو داود والدارمی عن نعیم بن همار
رواه ترمذی و رواه ابو داود و الدارمی از نعیم بن همار
الغطفانی واحمد عنهم وعن بریدة رضی الله تعالی عنه قال
غطفانی و احمد از همه و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت
سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول فی الانسان ثلث مائة
شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را که میگفت در آدمی سه صد
وستون مفصلا فعلیه ان یتصدق عن کل مفصل منه بصدقة
و شصت بند است پس بر او است که تصدق کند از هر بندی از خود بصدقه
قالوا ومن یطیق ذلک یا نبی الله قال النخاعة فی المسجد تدفنها
گفتند صحابه و که طاقت دارد آنرا ای پیغمبر خدا فرمود آنحضرت آب بینی افتاده در مسجد دفن کنی آنرا
والشیء تنحیه عن الطریق فان لم تجد فرکعتا الضحی تجزئک
و چیزی که دور کنی آنرا از راه مردم پس اگر نیابی آنرا پس دو رکعت نماز چاشت بسنده میکند ترا
رواه ابو داود وعن انس رضی الله تعالی عنه قال قال رسول الله
رواه ابو داود و روایت است از انس رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا
صلی الله علیه وسلم من صلی الضحی ثنتی عشرة رکعة بنی الله له
صلی الله علیه و سلم که بگذارد نماز ضحی دوازده رکعت بنا کند خدا تعالی برای او
قصرا من ذهب فی الجنة رواه الترمذی وابن ماجة وعن
کوشکی از طلا در بهشت رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از



معاذ بن انس الجهنی رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من
معاذ بن انس جهنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم هر که
قعد فی مصلاه حین ینصرف من صلوة الصبح حتی یسبح رکعتی
نشیند در جای نماز وقتیکه برگردد از نماز بامداد تا آنکه بگذارد دو رکعت
الضحی لا یقول الا خیرا غفر له خطایاه وان کانت اکثر من زبد البحر
چاشت را نگوید مگر سخن نیک را آمرزیده شود مر او را گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا در بسیاری
رواه ابو داود وعن ابی هریرة رضی الله تعالی عنه قال قال
رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود
رسول الله صلی الله علیه وسلم من حافظ علی شفعة الضحی غفرت
پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه محافظت کند بر دو رکعت ضحی آمرزیده شود
له ذنوبه وان کانت مثل زبد البحر رواه احمد والترمذی وابن
مر او را گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا رواه احمد و الترمذی و ابن
ماجة وعن عائشة رضی الله تعالی عنها انها کانت تصلی الضحی
ماجه و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها که حضرت عائشه میگذارد نماز چاشت را
ثمانی رکعات ثم تقول لو نشر لی ابوای ما ترکتها رواه مالک
هشت رکعت پس میگفت اگر زنده کرده شوند برای من پدر و مادر من ترک نکنم آنرا رواه مالک
وعن ابی سعید رضی الله تعالی عنه قال کان رسول الله صلی الله
و روایت است از ابی سعید رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله
علیه وسلم یصلی الضحی حتی نقول لا یدعها ویدعها حتی نقول
علیه و سلم که میگذارد و چند گاه نماز ضحی را تا آنکه میگفتیم هرگز ترک نخواهد کرد و آنرا و ترک میکرد آنرا تا آنکه میگفتیم
لا یصلیها رواه الترمذی
هرگز نخواهد گذارد آنرا رواه ترمذی

# باب التطوع

باب در احادیثی که در نوافل وارد اند

عن جابر رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه
وروایت است از جابر رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم يعلمنا الاستخارة في الامور كما يعلمنا السورة من القرآن
وسلم تعلیم میکرد مارا دعاء استخاره و نماز در کارهای مقصود چنانکه تعلیم میکرد مارا سوره از قرآن
يقول اذا هم احدكم بالامر فليركع ركعتين من غير الفريضة
میگفت چون قصد کند یکی از شما بکاری پس باید که بگذارد دو رکعت را غیر نماز فرض
ثم ليقل اللهم اني استخيرك بعلمك واستقدرك بقدرتك
پستر باید که بخواند این دعا را خداوندا من طلب میکنم خیر از تو باستعانت علم تو و طلب قدرت میکنم برو یا خیر بوسیلهٔ قدرت تو
واسئلك من فضلك العظيم فانك تقدر ولا اقدر وتعلم
وسوال میکنم از تو چیزی فضل تو که بزرگ است پس بدرستیکه تو قادری و من قدرت ندارم و تو میدانی
ولا اعلم وانت علام الغيوب اللهم ان كنت تعلم ان هذا
و من نمیدانم و تو دانندهٔ غیب هارا خداوندا اگر هستی تو که میدانی که این
الامر خير لي في ديني ومعاشي وعاقبة امري او قال في عاجل
کار من بهتر است مرا در دین من و در زندگانی من و پایان کار من یا گفت آنحضرت بجای
امري واجله فاقدره لي ويسره لي ثم بارك لي فيه وان كنت
فی معاشی در این جهان و در آنجهان پس تقدیر کن از برای من پستر برکت ده مرا بدان کار و اگر
تعلم ان هذا الامر شر لي في ديني ومعاشي وعاقبة امري او قال
میدانی تو که این کار بد مرا در دین و زندگانی من و در پایان کار من یا گفت
في عاجل امري واجله فاصرفه عني واصرفني عنه واقدر لي الخير
در این جهان و در آنجهان پس برگردان آنرا از من و برگردان مرا از وی و تقدیر کن مرا نیکی را



حيث كان ثم ارضني به قال ويسمي حاجته رواه البخاري وعن
هر جا که باشد پستر راضی گردان مرا بدان گفت آنحضرت و نام برد حاجت را رواه البخاری و روایت است از
علي رضي الله عنه قال حدثني ابو بكر وصدق ابو بكر رضي الله عنه قال
علی رضی الله عنه گفت حدیث کرد مرا ابو بکر رض و راست گفت ابو بکر رضی الله عنه گفت
سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من رجل يذنب ذنبا
شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وآله وسلم که میگفت نیست هیچ مردی که بکند گناهی را
ثم يقوم فيتطهر ثم يصلي ثم يستغفر الله الا غفر الله له ثم قرأ
پستر برخیزد پس طهارت کند پستر نماز بگذارد و پستر آمرزش خواهد از خدا مگر آنکه بیامرزد خدا تعالی مر او را پستر خواند
والذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا
آنحضرت این آیه را و آنکسانیکه چون میکنند کار بد را یا ظلم کنند بر جانهای خود یاد میکنند خدا تعالی را پس طلب مغفرت میکنند
لذنوبهم رواه الترمذي وابن ماجة الا ان ابن ماجة لم يذكر الاية
مر گناهان ایشان را رواه ترمذی و ابن ماجه مگر اینکه ابن ماجه ذکر نکرد آیت را
وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال اصبح رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت صبح کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فدعا بلالا فقال بما سبقتني الى الجنة ما دخلت الجنة قط الا سمعت
پس خواند بلال را رض پس گفت بچه عمل پیشی کردی تو مرا بسوی بهشت نه درآمدم بهشت را هرگز مگر شنیدم
خشخشتك امامي قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم ما اذنت قط
آواز نعلین ترا گفت بلال ای فرستادهٔ خدا صلی الله علیه وسلم اذان نگفتم هرگز
الا صليت ركعتين وما اصابني حدث قط الا توضأت عنده ورأيت
مگر آنچه گذاردم دو رکعت را بعد از آن و نرسید مرا هیچ نقصی هرگز مگر آنکه وضو ساختم نزد آن و اعتقاد کردم
ان لله علي ركعتين فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم بهما رواه الترمذي
که مر خدا راست دو رکعت بر من پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بسبب این دو رکعت یافتی این درجه را رواه ترمذی

وعن ابن عباس رضـ ان النبي صلى الله عليه وسلم قال للعباس ابن

ودروایت است از ابن عباس رضـ بدرستیکه نبی صلی الله علیه وسلم فرمود مرعباس ابن

عبد المطلب يا عباس يا عماه الا اعطيك الا امنحك الا اخبرك

عبد المطلب را ای عباس ای عم من آیا ندهم ترا آیا نبخشم ترا آیا خبر ندهم ترا

الا افعل بك عشر خصال اذا انت فعلت ذلك غفر الله لك ذنبك اوله

الا کنم با تو ده خصلت چون تو بکنی آنرا بیامرزد خدا تعالی ترا گناه ترا که پیش ازان کردی

واخره قديمه وحديثه خطاءه وعمده صغيره وكبيره سره وعلانيته

وپس ازین خواهی کرد گناه کهنه و نو گناهان که بی قصد کرده و بقصد کرده و گناهان خرد و کلان پوشیده و آشکاره

ان تصلي اربع ركعات تقرء في كل ركعة فاتحة الكتب وسورة فاذا

بگذار تو چهار رکعت نماز را بخوانی در هر رکعت سورهٔ فاتحه و سوره از قرآن پس چون

فرغت من القراءة في اول ركعة وانت قائم قلت سبحان الله والحمد لله

فارغ شوی از قرات در اول رکعت و حالانکه تو ایستاده بگوئی این کلمه تمجید را

ولا اله الا الله والله اكبر خمس عشرة مرة ثم تركع فتقولها وانت راكع

پانزده بار پس تر بگوئی تو این کلمات و حالانکه تو راکع باشے

عشرا ثم ترفع راسك من الركوع فتقولها عشرا ثم تهوي ساجدا

ده بار بعد از سبحان ربی العظیم پس تر بردار ای سرخود را از رکوع پس بگوئی تو این کلمات را ده بار بعد از سمع الله لمن حمده ربنا لك الحمد پس فرود آئی برای سجود

فتقولها وانت ساجد عشرا ثم ترفع راسك من السجود فتقولها

پس بگوئی آنرا و حالانکه تو در سجده باشی ده بار پستر بردار سر خود را از سجده و بگوئے آنرا

عشرا ثم تسجد فتقولها عشرا ثم ترفع راسك فتقولها عشرا

ده بار پستر سجده بکنی پس بگوئی آنرا ده بار پستر بر داری سر خود را پس بگوئے آنرا ده بار

فذلك خمس وسبعون في كل ركعة تفعل ذلك في اربع ركعات

پس مجموع آن هفتاد و پنج بار میشود در هر رکعتے بکنی آنرا در چهار رکعت



ان استطعت ان تصليها في كل يوم مرة فافعل فان لم تفعل

اگر میتوانی که بگذاری این نماز را در هر روز یکبار پس بکن پس اگر نکنے تو در هر روز

ففي كل جمعة مرة فان لم تفعل ففي كل شهر فان لم تفعل

پس بکن در هر جمعه یکبار پس اگر نکنے در هر جمعه پس بکن در هر ماه پس اگر نکنی در هر ماه

ففي كل سنة مرة فان لم تفعل ففي عمرك مرة رواه ابوداود وابن ماجة

پس بکن در هر سال یکبار پس اگر نکنے در هر سال بکن در عمر خود یکبار رواه ابوداود و ابن ماجه

والبيهقي في الدعوات الكبير وروى الترمذي عن ابي رافع نحوه وعن

و بیهقی در دعوات کبیر و روایت کرد ترمذی از ابی رافع رضـ مانند آن و روایت است از

ابي امامة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما اذن الله لعبد في

ابی امامه رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گوش ننهد خدا تعالی مر بنده را در

شيء افضل من الركعتين يصليهما وان البر ليذر على راس العبد

چیزی که فاضل تر است از دو رکعت که میگذارد آنها را و بدرستے که نیکی و رحمت نثار کرده شود بر سر بنده

ما دام في صلوته وما تقرب العباد الى الله بمثل ما خرج منه

مادام که بنده در نماز خود است و نزدیکی نجستند بندگان بسوے خدا بمانند چیزیکه بیرون آمده از خدا تعالی

يعني القران رواه احمد والترمذي

که قرآن است رواه احمد و ترمذی

## باب الجمعة

باب در بیان جمعه

يا ايها الذين امنوا اذا نودي للصلوة من يوم الجمعة فاسعوا الى

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس سعی کنید بسوے

ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون فاذا قضيت

یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت را این بهتر است شما را اگر شما میدانید پس چون تمام کرده شود

الصلوة فانتشروا في الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا

نماز پس متفرق شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار

لعلكم تفلحون وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

تا شما رستگار شوید و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم نحن الاخرون السابقون يوم القيمة بيد انهم

صلی الله علیه وسلم ما پسینانیم در دنیا پیشینانیم در آخرت در شرف مگر که اهل کتاب

اوتوا الكتب من قبلنا واوتيناه من بعدهم ثم هذا يومهم الذي فرض

داده شدند کتاب را پیش از ما و داده شدیم ما کتاب را پس از ایشان پس این روز یهود و نصاری که فرض کرده شده

عليهم يعني يوم الجمعة فاختلفوا فيه فهدانا الله له والناس لنا فيه

بر ایشان مراد بدین روز جمعه است پس اختلاف کردند ایشان در وی پس راه نمود ما را خدا تعالی از وی و مردم یعنی یهود و نصاری مر ما را

تبع اليهود غدا والنصارى بعد غد متفق عليه وعن ابي هريرة رض

یهود فردا گفتند که شنبه است و نصاری پس فردا که یکشنبه است متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه برآمد بروی آفتاب

يوم الجمعة فيه خلق ادم وفيه ادخل الجنة وفيه اخرج منها ولا تقوم

روز جمعه است در وی پیدا کرده شد آدم علیه السلام و در این روز درآورده شد آدم در بهشت و در وی بیرون آورده شد آدم از بهشت برپا نشود

الساعة الا في يوم الجمعة مسلم وعنه قال قال رسول الله

قیامت مگر در روز جمعه روایت کرد مسلم و از وی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان في الجمعة لساعة لا يوافقها عبد مسلم

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در روز جمعه هر آئینه ساعتی است که موافق نیفتد او را بنده مسلمان

يسأل الله فيها خيرا الا اعطاه اياه متفق عليه وزاد مسلم قال وهي

در حالیکه سوال میکند خدا را در آن ساعت نیکی را مگر آنکه میدهد خدای تعالی آن بنده را آن نیکی متفق علیه و زیاده کرد مسلم



ساعة خفيفة وعن ابي هريرة رضي الله عنه قال خرجت الى الطور

ساعتی سبکست یعنی کوتاهست و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت بیرون آمدم بسوی کوه طور

فلقيت كعب الاحبار فجلست معه فحدثني عن التورية وحدثته

پس دریافتم کعب احبار را پس نشستم با او پس حدیث کرد مرا از توریت و حدیث کردم او را

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فكان فيما حدثته ان قلت قال

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پس بود از جمله آنچه حدیث کردم او را اینکه گفتم فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس يوم

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه تافت بروی آفتاب روز

الجمعة فيه خلق ادم وفيه اهبط وفيه تيب عليه وفيه مات

جمعه است در آن پیدا کرده شد آدم و در این روز فرود آورده شد و در این روز رجوع برحمت کرده شد بروی و در آن روز مرد

وفيه تقوم الساعة وما من دابة الا وهي مصيخة يوم الجمعة

و در این روز برپا شود قیامت و نیست هیچ جنبنده بر زمین مگر آنکه وی گوش نهنده انتظار کننده است در روز جمعه

من حين تصبح حتى تطلع الشمس شفقا من الساعة الا الجن و

از وقتیکه صبح میکند تا آنکه برآید آفتاب از جهت ترسیدن از قیامت مگر پریان

الانس وفيه ساعة لا يصادفها عبد مسلم وهو يصلي يسأل

و آدمیان و در این روز جمعه ساعتی است که نمی یابد آنرا بنده مسلم در حالیکه او نماز کند دعا میکند میخواهد

الله شيئا الا اعطاه اياه قال كعب ذلك في كل سنة يوم

از خدا چیزی را مگر آنکه عطا کند آن بنده را آن چیز گفت کعب احبار آن ساعت در هر سالی روزیست از روزها جمعه است

فقلت بل في كل جمعة فقرأ كعب التورية فقال صدق

پس گفتم بلکه در هر جمعه است پس خواند کعب توریت را پس گفت کعب راست گفته است

رسول الله صلى الله عليه وسلم الحديث رواه مالك وابو داود

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آخر حدیث رواه مالک و ابو داود

والترمذي والنسائي واحمد الى قوله صدق كعب وعن انس
وترمذی ونسائی واحمد وروایت است از انس
رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم التمسوا
رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب کنید
الساعة التي ترجى في يوم الجمعة بعد العصر الى غيبوبة الشمس
ساعتی را که امید داشته میشود اجابت دعا را در روز جمعه بعد از نماز عصر تا غائب شدن آفتاب
رواه الترمذي وعن اوس بن اوس قال قال رسول الله
رواه ترمذی واز اوس بن اوس مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم ان من افضل ايامكم يوم الجمعة فيه خلق
صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از فاضل ترین روزهای شما روز جمعه است که در وی پیدا کرده شد
ادم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة فاكثروا على
آدم ودر وی قبض کرده شد جان او ودر وی نفخه است ودر وی صعقه است پس بسیار کنید بر من
من الصلوة فيه فان صلوتكم معروضة على قالوا يا رسول الله
درود فرستادن درین روز زیرا که درود شما عرض کرده شود بر من گفتند ای پیغمبر خدا
وكيف تعرض صلوتنا عليك وقد ارمت قال يقولون بليت
وچگونه عرض کرده شود درود ما بر تو وحالانکه پوسیده شده تو گفت راوی میگویند صحابه لفظ ارمت را بمعنی بلیت
قال ان الله حرم على الارض اجساد الانبياء رواه ابو داود
گفت آنحضرت که خدا تعالی حرام گردانید بر زمین جسدهای پیغمبران را رواه ابو داؤد
والنسائي وابن ماجة والدارمي والبيهقي في الدعوات الكبير وعن
ونسائی وابن ماجه ودارمی وبیهقی در دعوات کبیر وروایت است از
ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اليوم الموعود يوم
ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که مراد بیوم موعود روز



القيمة واليوم المشهود يوم عرفة والشاهد يوم الجمعة وما طلعت
قیامت است ومراد بیوم مشهود عرفه است ومراد بشاهد روز جمعه است ونه طلوع کرد
الشمس ولا غربت على يوم افضل منه فيه ساعة لا يوافقها عبد
آفتاب ونه غروب کرد بر روزی که فاضل تر از روز جمعه باشد ودرین روز ساعتی است که موافق نیفتد آن ساعت را بنده
مؤمن يدعو الله بخير الا استجاب الله له ولا يستعيذ من شيء
مومن که دعا کند خدا را بخیر مگر آنکه قبول کند خدا تعالی دعای او را وپناه نجوید از چیزی
الا اعاذه منه رواه احمد والترمذي وعن ابي لبابة ابن
مگر آنکه پناه دهد او را از آن رواه احمد وترمذی وروایت است از ابی لبابه ابن
عبد المنذر قال قال النبي صلى الله عليه وسلم ان يوم الجمعة
عبد المنذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه روز جمعه
سيد الايام واعظمها عند الله وهو اعظم عند الله من يوم الاضحى
بهتر روزها است وبزرگترین روزها است نزد خدا تعالی وروز جمعه بزرگتر است نزد خدا از روز عید قربان
ويوم الفطر فيه خمس خلال خلق الله فيه ادم واهبط الله فيه
وعید رمضان در روز جمعه پنج خصلت است پیدا کرد خدا در وی آدم را وفرود آورد خدا در آن روز
ادم الى الارض وفيه توفى الله ادم وفيه ساعة لا يسأل
آدم را بسوی زمین ودر وی میرانید خدا تعالی آدم را ودر وی ساعتی است که نطلبد
العبد فيها شيئا الا اعطاه ما لم يسأل حراما وفيه تقوم الساعة
بنده در وی چیزی را مگر آنکه بدهد خدا او را مادام که نطلبد چیزی را که حرام است ودر روز جمعه برپا شود قیامت
ما من ملك مقرب ولا سماء ولا ارض ولا رياح ولا جبال
نیست هیچ فرشته نزدیک گردانیده شده ونه آسمانی ونه زمینی ونه بادها ونه کوهها
ولا بحر الا هو مشفق من يوم الجمعة رواه ابن ماجة وعن
ونه دریاها مگر آنکه وی ترسنده است از روز جمعه رواه ابن ماجه وروایت است از

ابي هريرة قال قيل للنبي صلى الله عليه وسلم لاي شيء سمي يوم

ابی ہریرہ رض گفت گفته شد مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که از چه چیز نامیده شد روز

الجمعة قال لان فيها طبعت طينة ابيك ادم وفيها الصعقة

جمعه بجمعه فرمود آنحضرت از جهت آنکه در جمعه ساخته شد گل پدر تو آدم است و در روز جمعه هلاک شدن جانوران است

والبعثة وفيها البطشة وفي اخر ثلث ساعات منها ساعة

و برانگیختن انسان و در وی بطشه است یعنی گرفت قوی و شدید و در آخر سه ساعت از ساعات جمعه ساعتی است

من دعا الله فيها استجيب له رواه احمد وعن عبد الله بن عمرو

که کسیکه دعا کند خدا را در آن ساعت قبول کرده شود دعای او رواه احمد و روایت است از عبدالله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من مسلم يموت يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مسلمانی که بمیرد روز

الجمعة او ليلة الجمعة الا وقاه الله فتنة القبر رواه احمد

جمعه یا شب جمعه مگر آنکه نگاه دارد او را خدا تعالی از عذاب قبر رواه احمد

والترمذي وعن ابن عباس رضي الله عنه انه قرأ اليوم

والترمذی و روایت است از ابن عباس رضی الله عنه بدرستیکه وی خواند این آیت را

اكملت لكم دينكم الاية وعنده يهودي فقال لو نزلت هذه

که امروز کامل گردانیدم دین شما را تا آخر آیت و نزد ابن عباس یهودی بود پس گفت یهودی اگر فرود می‌آمد این

الاية علينا لاتخذناها عيدا فقال ابن عباس فانها نزلت في

آیت بما هر آینه میگرفتیم نازل این آیت را روز نزول او عید گفت ابن عباس رض بدرستیکه این آیت فرود آمده است در

يوم عيدين في يوم جمعة ويوم عرفة رواه الترمذي وعن

روز دو عید در روز جمعه و در روز عرفه رواه ترمذی و روایت است از

انس رضي الله عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

انس رضی الله عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم



اذا دخل رجب قال اللهم بارك لنا في رجب وشعبان وبلغنا

چون می در آمد ماه رجب میگفت خداوندا افزون کن در ماه رجب و شعبان و برسان ما را

رمضان قال وكان يقول ليلة الجمعة ليلة اغر ويوم الجمعة

برمضان گفت انس رض و بود آنحضرت که میگفت شب جمعه شب است سفید و روز جمعه

يوم ازهر رواه البيهقي في الدعوات الكبير عن سلمان

روزیست سفید و روشن روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از سلمان

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يغتسل

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم غسل نکند

رجل يوم الجمعة ويتطهر ما استطاع من طهر ويدهن من دهنه

مردی روز جمعه برای نماز جمعه و مبالغه نکند در پاکی آنقدر که تواند یا آنکه بدهد بموی سر روغن را از روغن خود

او يمس من طيب بيته ثم يخرج فلا يفرق بين اثنين ثم يصلي

یا نساید از بوی خوش هرچه در خانه وی باشد پس بیرون آید بسوی مسجد پس جدا نکند میان دو کس پس نماز گزارد

ما كتب له ثم ينصت اذا تكلم الامام الا غفر له ما بينه و

آنچه تقدیر کرده است بر آدمی از نوافل پس خاموش نشیند وقتیکه خطبه خواند امام مگر آنکه آمرزیده شود گناهان که در میان

بين الجمعة الاخرى رواه البخاري وعن ابي هريرة رضي

و میان جمعه دیگر گذشت رواه البخاری و روایت است از ابی هریره رضی

الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضأ

الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو کند

فاحسن الوضوء ثم اتى الجمعة فاستمع وانصت غفر له ما بينه و

پس نیک کند وضو را پس بیاید جمعه را پس بشنود و خاموش نشیند آمرزیده شود آنچه گذشت میان

بين الجمعة وزيادة ثلثة ايام ومن مس الحصا فقد لغا

و میان جمعه و زیاده سه روز و کسیکه مساس کند سنگریزه را پس تحقیق لغو کرد

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایه مسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَقَفَتِ الْمَلٰئِكَةُ عَلٰى بَابِ الْمَسْجِدِ يَكْتُبُوْنَ

چون بیاید روز جمعه می ایستند فرشتگان بر در مسجد می نویسند نام

الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلَ وَمَثَلُ الْمُهَجِّرِ كَمَثَلِ الَّذِيْ يُهْدِيْ بَدَنَةً ثُمَّ

هرکه پیشتر آمد بترتیب وقت حال آنکه اول وقت آید همچو حال کسیکه می فرستد شتر را بمکه برای قربانی پستر

كَالَّذِيْ يُهْدِيْ بَقَرَةً ثُمَّ كَبْشًا ثُمَّ دَجَاجَةً ثُمَّ بَيْضَةً فَإِذَا خَرَجَ

حال آنکس که پس از وی آید همچو گاو فرستنده است پستر شاه پستر بیضه تصدق کننده پس چون بیرون می آید

الْإِمَامُ طَوَوْا صُحُفَهُمْ وَيَسْتَمِعُوْنَ الذِّكْرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

امام می پیچند صحیفه های خود را و استماع میکنند ذکر خطبه را متفق علیه است و روایت است از

أَبِيْ سَعِيْدٍ وَأَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی سعید و از ابی هریره رض گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم

مَنِ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَلَبِسَ مِنْ أَحْسَنِ ثِيَابِهِ وَمَسَّ مِنْ طِيْبٍ

کسے که غسل کند روز جمعه و بپوشد از نیکترین جامه های خود و مساس کند از خوشبوئی

إِنْ كَانَ عِنْدَهُ ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ فَلَمْ يَتَخَطَّ أَعْنَاقَ النَّاسِ ثُمَّ صَلّٰى

اگر باشد نزد وی پستر بیاید جمعه را پس نگذارد پای خود بر گردن مردمان پستر نماز بگذارد

مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ ثُمَّ أَنْصَتَ إِذَا خَرَجَ إِمَامُهُ حَتّٰى يَفْرُغَ مِنْ صَلٰوتِهِ

آنچه نوشته است خدا برای وی پستر خاموش شود وقتیکه بیرون آید امام وی تا آنکه فارغ شود از نماز خود

كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الَّتِيْ قَبْلَهَا رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ

باشند این اعمال پوشنده مر آن گناهان را که میان این جمعه اند و جمعه که پیش ازین جمعه بود رواه ابو داود

وَعَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از اوس بن اوس گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم



مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ وَبَكَّرَ وَابْتَكَرَ وَمَشٰى وَلَمْ يَرْكَبْ وَدَنَا

کسیکه غسل کناند روز جمعه و خود غسل کند و بیاید نماز را در اول وقت و ادراک کند اول خطبه و بپای رفت و سوار نشد و نزدیک شد

مِنَ الْإِمَامِ وَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلُ سَنَةٍ أَجْرُ

از امام پس شنید خطبه را و لغو نکرد باشد او را هر گام ثواب عبادت یک سال جزای

صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُوْ دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

روزه یکساله و نماز شب های یکسال رواه ترمذی و ابو داود و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از عبد الله بن سلام رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا عَلٰى أَحَدِكُمْ إِنْ وَجَدَ أَنْ يَتَّخِذَ ثَوْبَيْنِ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ

الله علیه و سلم چیست بر یکے از شما باکی و نقصی اگر یابد و تواند که گیرد و بسازد دو جامه برای روز جمعه

سِوٰى ثَوْبَيْ مِهْنَتِهِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ مَالِكٌ عَنْ يَحْيٰى

سوای دو جامه خدمت خود رواه ابن ماجه و روایت کرد این حدیث را مالک از یحیی

ابْنِ سَعِيْدٍ وَعَنْ عُبَيْدِ بْنِ السَّبَّاقِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ابن سعید و روایت است از عبید الله بن سباق از وی مرسل گفت فرمود رسول خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ جُمُعَةٍ مِنَ الْجُمَعِ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِيْنَ إِنَّ هٰذَا

صلی الله علیه و سلم در روز جمعه از جمعه ها اے گروه مسلمانان تحقیق این

يَوْمٌ جَعَلَهُ اللّٰهُ عِيْدًا فَاغْتَسِلُوْا وَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ طِيْبٌ فَلَا يَضُرُّهُ

روز نیست که گردانیده است او را خدا تعالی روز جشن و اجتماع پس غسل کنید و کسیکه نزد وی خوشبوئی باشد زیان ندارد

أَنْ يَمَسَّ مِنْهُ وَعَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

که مساس کند از آن و بر شما باد که مسواک کنید رواه مالک و روایت کرده ابن ماجه

عَنْهُ وَهُوَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مُتَّصِلًا وَعَنِ الْبَرَاءِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ

از وی و او از ابن عباس متصل و روایت است از براء رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقًّا عَلَى الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَغْتَسِلُوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق و ثابت است بر مسلمانان که غسل کنند

يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَلْيَمَسَّ أَحَدُهُمْ مِنْ طِيبِ أَهْلِهِ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَالْمَاءُ لَهُ

روز جمعه و باید که مساس کند یکے از ایشان از بوی خوش زن بخود پس اگر نیابد طیب پس آب برای او

طِيبٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ

طیب است رواه احمد و ترمذی و روایت از سهل بن سعد رضی

اللهُ عَنْهُ قَالَ مَا كُنَّا نَقِيلُ وَلَا نَتَغَدَّى إِلَّا بَعْدَ الْجُمُعَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

الله عنه گفت نبودیم که قیلوله میکردیم و نه طعام چاشت میخوردیم بعد از نماز جمعه متفق است

وَعَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ كَانَ النِّدَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوَّلُهُ

و روایت است از سایب بن یزید گفت بود اذان روز جمعه اول وے

إِذَا جَلَسَ الْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

وقتیکه می نشست امام بر منبر در زمان پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ رض وَعُمَرَ رض فَلَمَّا كَانَ عُثْمَانُ رض وَكَثُرَ النَّاسُ زَادَ النِّدَاءَ

وسلم و ابی بکر رض و عمر رض پس هرگاه که موجود شد زمان عثمان رض و بسیار شدند مردم زیاده کرد اذان

الثَّالِثَ عَلَى الزَّوْرَاءِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ

سیوم را بر مقام زورا و روایت کرد این حدیث را بخاری و از ابن عمر رضی الله

عَنْهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ خُطْبَتَيْنِ كَانَ يَجْلِسُ إِذَا

عنه مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خطبه میخواند دو خطبه و بود که می نشست چون بالا آمد

صَعِدَ الْمِنْبَرَ حَتَّى يَفْرُغَ أُرَاهُ الْمُؤَذِّنُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَخْطُبُ ثُمَّ يَجْلِسُ وَلَا يَتَكَلَّمُ ثُمَّ

منبر تا آنکه فارغ شد گمان میبرم که گفت ابن عمر حتی یفرغ المؤذن پس برمیخاست پس خطبه میخواند پس می نشست و تکلم نمیکرد پس

يَقُومُ فَيَخْطُبُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

می ایستاد پس خطبه دوم را روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه



عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ آوَاهُ اللَّيْلُ إِلَى أَهْلِهِ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود جمعه فرض است بر کسیکه جا دهد او را شب بسوی خانه وی

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

رواه ترمذی و روایت است از طارق بن شهاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْجُمُعَةُ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فِي جَمَاعَةٍ إِلَّا

الله علیه وسلم جمعه حق واجب است بر هر مسلمان در جماعت مگر

عَلَى أَرْبَعَةٍ عَبْدٍ مَمْلُوكٍ أَوِ امْرَأَةٍ أَوْ صَبِيٍّ أَوْ مَرِيضٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

بر چهار گروه یکے بنده که در ملک کسی است دوم زن سوم کودک چهارم بیمار رواه ابو داود

## بَابُ بَيَانِ إِثْمِ تَرْكِ الْجُمُعَةِ

باب در بیان گناه ترک جمعه

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِقَوْمٍ

و روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود مر گروهے را که

يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ رَجُلًا يُصَلِّي بِالنَّاسِ

پس میمانند از نماز جمعه هر آئینه بتحقیق قصد کردم من که بفرمایم مردی را که بگذارد نماز جمعه را با مردم باز گذارند

ثُمَّ أُحَرِّقَ عَلَى رِجَالٍ يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ بُيُوتَهُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بسوزم بر سر مردانی که حاضر نمیشوند نماز جمعه را خانهای ایشان را رواه مسلم و

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ تَرَكَ

روایت است از ابن عباس رض بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه ترک کند

الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ كُتِبَ مُنَافِقًا فِي كِتَابٍ لَا يُمْحَى وَلَا يُبَدَّلُ

نماز جمعه را بے ضرورت نوشته میشود از جمله منافقان در کتابے که محو نمیشود و تغییر داده نشود

وَفِي بَعْضِ الرِّوَايَاتِ ثَلَاثًا رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ

و در بعض روایات واقع شده است سه کرت یعنی سه بار ترک کند جمعه را رواه شافعی و از جابر رض روایت است که پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فعليه
صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه ایمان دارد بخدا و بروز قیامت پس فرض است بروے
الجمعة يوم الجمعة إلا مريض أو مسافر أو امرأة أو صبي أو مملوك
نماز جمعه در روز جمعه مگر بیمار و مسافر و زن و کودک و بنده
فمن استغنى بلهو أو تجارة استغنى الله عنه والله غني حميد
پس کسیکه بی نیاز شود از نماز جمعه بیازی کردن یا بازرگانی کردن بی نیاز گردد از وی خدا تعالی و خدا تعالی بی نیاز است ستوده
رواه الدارقطني وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
رواه دارقطنی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
إذا قلت لصاحبك يوم الجمعة أنصت والإمام يخطب فقد لغوت
وقتیکه بگوئی مر یار خود را که با تو نشسته است روز جمعه خاموش باش حالانکه امام خطبه میخواند پس تحقیق تو لغو گفتی
متفق عليه وعن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
متفق علیه و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
لا يقيمن أحدكم أخاه يوم الجمعة ثم يخالف إلى مقعده فيقعد
باید که بر نخیزاند یکی از شما برادر خود را روز جمعه بعد ازان بیاید بسوی نشستگاه وی پس بنشیند
فيه ولكن يقول افسحوا رواه مسلم وعن سمرة بن جندب رض
در وے و لیکن بگوید کشاده کنید جای را رواه مسلم و از سمره بن جندب رض مرویست
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم احضروا الذكر وادنوا من
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر شوید ذکر را یعنی خطبه را و نزدیک شوید از
الإمام فإن الرجل لا يزال يتباعد حتى يؤخر في الجنة وإن دخلها
امام زیرا که مرد همیشه دور میشود از مواضع فضائل تا آنکه پس کرده میشود در بهشت اگرچه در آید در بهشت
رواه أبو داود وعن سهل بن معاذ بن أنس الجهني عن أبيه
رواه ابو داود و روایت است از سهل بن معاذ بن انس جهنی از پدر خود



قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تخطى رقاب الناس يوم
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذرد بر گردنهای مردم روز
الجمعة اتخذ جسرا إلى جهنم رواه الترمذي وعن معاذ بن
جمعه گرفته میشود آنکس پل بسوی دوزخ رواه ترمذی و روایت است از معاذ بن
أنس أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الحبوة يوم الجمعة
انس رض مرویست بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم منع کرد از احتباء یعنی تکیه زده نشستن روز جمعه
والإمام يخطب رواه الترمذي وأبو داود وعن ابن عمر رضي الله
و حالانکه امام خطبه میخواند رواه الترمذی و ابو داود و روایت است از ابن عمر رضی الله عنهما
عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا نعس أحدكم يوم الجمعة
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون بغنود یکے از شما روز جمعه
فليتحول من مجلسه ذلك رواه الترمذي وعن نافع رض قال
پس باید که بگردد از نشستگاه خود که در انجا نشسته است رواه ترمذی روایت است از نافع رض گفت
سمعت ابن عمر رض يقول نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يقيم
شنیدم ابن عمر رض را که میگفت نهی کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از بر خیزانیدن
الرجل الرجل من مقعده ويجلس فيه قيل لنافع في الجمعة قال
مردی مردی را از جای نشست وی و نشستن خود در انجا گفته شد مر نافع را این نهی در روز جمعه است
في الجمعة وغيرها متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض
در جمعه و غیر جمعه است متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يحضر الجمعة ثلثة نفر
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر میشوند جمعه را سه نفر
رجل حضرها يلغو فذلك حظه ورجل حضرها بدعاء فهو
پس مردیست که حاضر میشود جمعه را بلغو پس آن لغو حصه اوست و مردیست که حاضر میشود آنرا بدعا پس او

رجل دعا الله إن شاء أعطاه وإن شاء منعه ورجل حضرها

کو دعا کرده است خدارا اگر خواهد خدا تعالی او بدهد مطلب او را و اگر خواهد نمید به و دیگر مردیست که حاضر میشود

بإنصات وسكوت ولم يتخط رقبة مسلم ولم يؤذ أحدا فهي

جمعه را با استماع و خاموشی و نگذرد بر گردن مسلمان و نه ایذا داده کسی را پس این

كفارة إلى الجمعة التي تليها وزيادة ثلاثة أيام وذلك بأن

کفاره است تا جمعه دیگر که متصل است با جمعه و زیادتی سه روز و این بسبب این است

الله يقول من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها رواه أبو داود

که خدا تعالی میگوید که یکبار نیکی را پس او راست ده مانند آن رواه ابو داود

وعن ابن عباس رضي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من تكلم يوم الجمعة والإمام يخطب فهو كمثل الحمار يحمل

کسے که سخن کند روز جمعه و حالانکه امام خطبه میخواند پس آنمرد همچون خر است و بر میدارد

أسفارا والذي يقول له أنصت ليس له جمعة رواه أحمد

کتاب را بر پشت و آنکس که گوید مرا ورا خاموش باش نیست مر او را ثواب جمعه رواه احمد

وعن ابن عمر وأبي هريرة رضي أنهما قالا سمعنا رسول الله

و روایت است از ابن عمر رض و ابی هریره رض بدرستیکه آن هردو گفتند که شنیدیم پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول على أعواد منبره لينتهين أقوام

صلی الله علیه وسلم را که میگفت بر چوبهای منبر خود باید که البته باز آیند گروه هوے سلمان

عن ودعهم الجمعات أو ليختمن الله على قلوبهم ثم ليكونن

از ترک کردن مردم ایشان جمعها را یا هر آئینه مهر میکند خدا تعالی بر دلهای ایشان پس هر آئینه باشند

من الغافلين رواه مسلم وعن أبي الجعد الضميري رض

از غافلین رواه مسلم و روایت است از ابی جعد ضمیری رض



قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك ثلث جمع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه ترک کند سه جمعه را

تهاونا بها طبع الله على قلبه رواه أبو داود والترمذي والنسائي

از جهت آسان و حقیر پنداشتن آنرا مهر میکند خدا تعالی بر دل او رواه ابو داود و ترمذے و نسائی

وابن ماجة والدارمي ورواه مالك عن صفوان بن سليم

وابن ماجه و دارمے و روایت کرد آنرا مالک از صفوان بن سلیم

وأحمد عن قتادة وعن سمرة بن جندب رضي الله عنه قال

واحمد از ابی قتاده و روایت است از سمرة بن جندب رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك الجمعة من غير

فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه ترک کند جمعه را و اکتفا بظهر کند

عذر فليتصدق بدينار فإن لم يجد فنصف دينار رواه أحمد

بیعذر شرعے پس باید که تصدق کند بیک دینار پس اگر دینار نیابد پس نصف دینار تصدق کند رواه احمد

وأبو داود وابن ماجة وعن صالح بن إبراهيم بن عبد الرحمن

وابو داود وابن ماجه و از صالح بن ابراهیم بن عبد الرحمن

ابن عوف قال دخل علينا أنس رض يوم الجمعة والإمام يخطب

ابن عوف مرویست گفت در آمد بر ما انس رض روز جمعه و حالانکه امام خطبه میخواند

ونحن نتحدث فقال مه فلما أقيمت الصلوة قال إني لأخاف

و ما سخن میکردیم پس گفت انس رض خاموش باشید پس هرگاه که تکبیر نماز گفته شد گفت تحقیق که من خوف

أن أكون قد أبطلت جمعتي بقولي لكم مه ابن سعد كم

میکنم باینکه باشم من بدرستیکه باطل کرده شود جمعه من بسبب گفتن من برا شما مه ای باز ایست

جمع الجوامع باب العيدين وعن أبي سعيد

از جمع الجوامع این باب بیان احکام عید الفطر و عید اضحی است و روایت است از ابی سعید

الْخُدْرِيِّ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ يَوْمَ الْفِطْرِ

الخدری رض گفت بود پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم کہ بیروں می آمد در روز عید فطر

وَالْاَضْحٰى اِلَى الْمُصَلّٰى فَاَوَّلُ شَيْءٍ يَبْدَءُ بِهِ الصَّلٰوةُ ثُمَّ يَنْصَرِفُ

در روز اضحی بسوئے مصلے پس نخست چیزیکہ آغاز میکرد انحضرت باں چیز نماز بود پس بر میگشت

ثُمَّ يَقُوْمُ مُقَابِلَ النَّاسِ وَالنَّاسُ جُلُوْسٌ عَلٰى صُفُوْفِهِمْ فَيَعِظُهُمْ

از نماز پس می ایستاد روبروئے مردم وحالانکہ مردم نشستہ بودند پس پند میکرد

وَيُوْصِيْهِمْ وَيَاْمُرُهُمْ وَاِنْ كَانَ يُرِيْدُ اَنْ يَقْطَعَ بَعْثًا قَطَعَهٗ

مردم را و اندرز میکرد بخیر و امر میکرد ایشانرا و اگر میخواست کہ جدا کند و بفرستد لشکر را جدا میکرد آنرا

اَوْ يَاْمُرَ بِشَيْءٍ اَمَرَ بِهٖ ثُمَّ يَنْصَرِفُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ

یا اگر میخواست کہ بفرماید کار را بفرمود آنرا پس بر میگشت متفق علیہ و در روایت است از ابن

عَبَّاسٍ عَنْهُمَا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ اَيَّامٍ

عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ از روز ہا

الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيْهِنَّ اَحَبُّ اِلَى اللهِ مِنْ هٰذِهِ الْاَيَّامِ الْعَشْرِ قَالُوْا

کہ کار نیک در وے دوست داشتہ تر باشد نزد خدا ازیں دہ روز کہ دہ ذیحجہ است گفتند

يَا رَسُوْلَ اللهِ وَلَا الْجِهَادُ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ قَالَ وَلَا الْجِهَادُ فِيْ

ای پیغمبر خداوند کارزار کردن در راہ خدا فرمود انحضرت و نہ جہاد در

سَبِيْلِ اللهِ اِلَّا رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهٖ وَمَالِهٖ فَلَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذٰلِكَ

راہ خدا مگر جہاد آں مرد یکہ بیروں آید بنفس خود و مال خود پس باز نگشت از نفس و نہ مال خود

بِشَيْءٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ

بچیزے رواہ بخاری و از ابی ہریرہ رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ اَيَّامٍ اَحَبُّ اِلَى اللهِ اَنْ يُّتَعَبَّدَ لَهٗ

صلے اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ روزے از روزہا کہ دوست داشتہ تر است نزد خدا عبادت کردن خدا را



فِيْهَا مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ صِيَامُ كُلِّ يَوْمٍ مِّنْهَا بِصِيَامِ سَنَةٍ

در آں روزہا از دہ ذیحجہ برابر است روزہ ہر روز در آں روزہا بروزہ یکسال

وَقِيَامُ كُلِّ لَيْلَةٍ مِّنْهَا بِقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

و برابر است برخاستن ہر شب از شبہائے آں روزہا بنماز شب قدر رواہ ترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

ماجہ و در روایت است از عائشہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ مَا عَمِلَ ابْنُ اٰدَمَ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ اَحَبَّ اِلَى اللهِ مِنْ

وسلم نکرد آدمی ہیچ کارے روز نحر دوست داشتہ شدہ تر بسوئے خدا تعالی از

اِهْرَاقِ الدَّمِ وَاِنَّهٗ لَيَاْتِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِقُرُوْنِهَا وَاَشْعَارِهَا

ریختن خون و بدرستیکہ آں جانور مے آید روز قیامت بشاخہائے خود و موئہائے خود

وَاَظْلَافِهَا وَاِنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ مِنَ اللهِ بِمَكَانٍ قَبْلَ اَنْ يَقَعَ

و سمہای خود و بدرستیکہ خون ہر آئینہ مے افتد نزد خدا بمرتبہ قبول پیش از آنکہ افتد

بِالْاَرْضِ فَطِيْبُوْا بِهَا نَفْسًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

بزمین پس خوشحال گردانید بداں نفس را رواہ ترمذی و ابن ماجہ

وَعَنْ زَيْدِ بْنِ اَرْقَمَ قَالَ قَالَ اَصْحَابُ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ

و در روایت است از زید بن ارقم گفت گفتند یاران پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُوْلَ اللهِ مَا هٰذِهِ الْاَضَاحِيُّ قَالَ سُنَّةُ اَبِيْكُمْ

علیہ وسلم اے پیغمبر خدا چیست ایں قربانیہا و چیست اصل ایں قربانی فرمود ایں اضاحی سنت پدر شما

اِبْرَاهِيْمَ قَالُوْا فَمَا لَنَا فِيْهَا يَا رَسُوْلَ اللهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةٌ

ابراہیم است گفتند صحابہ پس چیست ما را دراں از جزا و ثواب ای رسول خدا فرمود در مقابل ہر موئے نیکی است

قَالُوْا فَالصُّوْفُ يَا رَسُوْلَ اللهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مِّنَ الصُّوْفِ حَسَنَةٌ

گفتند پس ثواب آنچہ پشم دارد چنانکہ ضان چیست یا رسول اللہ فرمود بمقابلہ موی از پشم حسنہ است

ک

وعلما را اختلاف است در فضیلت عشرۂ ذی الحجہ و عشرۂ رمضان مختار آنست کہ روزہای عشرۂ ذی الحجہ افضل است از روزہای دیگر و شبہای عشرۂ رمضان افضل است بسبب بودن شب قدر دراں ۱۲ * * *

ک

درین روز تضحیہ افضل است از تصدق بقیمت آں ... تصدق ... مستحب است ... در مکہ طواف افضل است از نماز * * *

ک

یعنی می آید در میزان اعمال و گراں گرداند میزان را * * * *

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ
رواہ احمد و ابن ماجہ و روایتست از عبد اللہ
ابْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ اُمِرْتُ بِيَوْمِ الْاَضْحٰى عِيْدًا جَعَلَهُ اللّٰهُ لِهٰذِهِ
وسلم امر کردہ شدہ ام بروز اضحی در حالیکہ این عیدی است گردانیدہ از خدا تعالیٰ برا
الْاُمَّةِ قَالَ لَهٗ رَجُلٌ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَرَاَيْتَ
این امت گفت آنحضرت را مردے ای پیغمبر خدا که خبر دہ مرا
اِنْ لَّمْ اَجِدْ اِلَّا مَنِيْحَةً اُنْثٰى اَفَاُضَحِّيْ
کہ اگر نیابم مگر منیحہ انثی کہ مراست آیا پس قربانی کنم
بِهَا قَالَ لَا وَلٰكِنْ خُذْ مِنْ شَعْرِكَ
بہاں فرمود نکن ولیکن بگیر از موئے خود
وَاَظْفَارِكَ وَتَقُصُّ شَارِبَكَ وَتَحْلِقُ عَانَتَكَ
و ناخنہائے خود و ببرے بروتہای خود را و بتراشی موئے زیر ناف خود
فَذٰلِكَ تَمَامُ اُضْحِيَّتِكَ عِنْدَ اللّٰهِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ
پس این افعال از تمام قربانی تست نزد خدا تعالےٰ روایت کرد او ابو داؤد و نسائی

## كِتَابُ الْجَنَائِزِ



كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَاِنَّمَا تُوَفَّوْنَ اُجُوْرَكُمْ
ہر نفسے چشندہ موت است و جز این نیست کہ تمام دادہ خواہید مزد خویش را
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ فَاِذَا جَاءَ اَجَلُهُمْ
روز قیامت و ہر گروہے میعادی است پس چوں آید
لَا يَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُوْنَ
میعاد ایشاں توقف نکنند ساعتے و نہ سبقت کنند

## بَابُ عِيَادَةِ الْمَرِيْضِ

باب در بیمار پرسی
عَنْ اَبِيْ مُوْسٰى قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
روایت است از ابی موسیٰ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَطْعِمُوا الْجَائِعَ وَعُوْدُوا الْمَرِيْضَ وَفُكُّوا الْعَانِيَ

علیه وسلم طعام بدہید گرسنہ را وعیادت کنید بیمار را و خلاص کنید اسیر را

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

رواه بخاری وروایت است از ثوبان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا عَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَةِ

علیه وسلم بدرستیکه مسلمان چون عیادت میکند برادر خود مسلمان را ہمیشہ میباشد در چیدن میوہ

الْجَنَّةِ حَتّٰى يَرْجِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض

بہشت تا آنوقت کہ بازگردد رواه مسلم وروایت است از براء بن عازب رض

قَالَ أَمَرَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَبْعٍ وَنَهَانَا عَنْ سَبْعٍ

گفت امر کرد ما را آنحضرت صلی اللہ علیہ و سلم از ہفت چیز ونہی کرد ما را از ہفت چیز

أَمَرَنَا بِعِيَادَةِ الْمَرِيْضِ وَاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَتَشْمِيْتِ الْعَاطِسِ

امر کرد بہ بیمار پرسی پس روے کردن جنازہ ودعا کردن عطسہ زننده را

وَرَدِّ السَّلَامِ وَإِجَابَةِ الدَّاعِيْ وَإِبْرَارِ الْمُقْسِمِ وَنَصْرِ الْمَظْلُوْمِ

وجواب سلام دادن وقبول کردن دعوت طعام وبراست گردانیدن سوگند خورنده را وبہ یاری کردن مظلوم

وَنَهَانَا عَنْ خَاتَمِ الذَّهَبِ وَعَنِ الْحَرِيْرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ وَالدِّيْبَاجِ

ونہی کرد ما را از انگشتری طلا از پوشیدن جامہ حریر واز پوشیدن استبرق و دیبا

وَالْمِيْثَرَةِ الْحَمْرَاءِ وَالْقَسِّيِّ وَآنِيَةِ الْفِضَّةِ وَفِيْ رِوَايَةٍ

ونہی کرد از میثرہ سرخ ونہی کرد از قسے واز آوندہائے نقرہ ودر روایت دیگر

وَعَنِ الشُّرْبِ فِي الْفِضَّةِ فَإِنَّهُ مَنْ شَرِبَ فِيْهَا فِي الدُّنْيَا

واز نوشیدن در نقرہ پس بدرستیکه کسیکه بنوشد در آوند نقرہ در دنیا

لَمْ يَشْرَبْ فِيْهَا فِي الْآخِرَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

ننوشد در آن در آخرة متفق علیہ است وروایت است از ابی ہریرہ رض



قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم حق مسلمان بر مسلمان

خَمْسٌ رَدُّ السَّلَامِ وَعِيَادَةُ الْمَرِيْضِ وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَإِجَابَةُ

پنج است جواب سلام دادن است وبیمار پرسی کردن است وپس روی کردن جنازہ است وقبول کردن

الدَّعْوَةِ وَتَشْمِيْتُ الْعَاطِسِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ

دعوت طعام ودعا کردن است عطسہ زننده را متفق علیہ وروایت است ازو گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم حق مسلمان بر مسلمان شش است

قِيْلَ مَا هُنَّ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ إِذَا لَقِيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَإِذَا

گفتہ شد چہ چیز است آن شش اے پیغمبر خدا فرمود چون پیش آئی مسلمان را پس سلام کن بر او وچون

دَعَاكَ فَأَجِبْهُ وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانْصَحْ لَهُ وَإِذَا عَطَسَ

بخواند ترا بطعام پس اجابت کن او را وچون نصیحت طلب کند از تو پس نصیحت کن مر او را وچون عطسہ زند مسلمان

فَحَمِدَ اللّٰهَ فَشَمِّتْهُ وَإِذَا مَرِضَ فَعُدْهُ وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ

پس حمد گوید خدا را پس تشمیت کن او را وچون بیمار شود پس عیادت کن او را وچون بمیرد پس روی کن جنازه او را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه مسلم وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى يَقُوْلُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

صلی اللہ علیہ وسلم بدرستے خدا بتعالی میفرماید در روز قیامت

يَا ابْنَ آدَمَ مَرِضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِيْ قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَعُوْدُكَ

ای پسر آدم بیمار شدم من پس نکردی باز پرس مرا گوید اے پروردگار من چگونہ عیادت کنم ترا

وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِيْ فُلَانًا مَرِضَ

وتو پروردگار جہانیانی بگو ید خدا آیا ندانستی تو بدرستیکه بندہ من فلانے بیمار شد

فَلَمْ تَعُدْهُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ يَا ابْنَ آدَمَ
پس نہ پرسیدے اورا آیا ندانستے تو کہ عیادت میکردے آن بندہ را ہر آئینہ مییافتی مرا نزد وے یعنی رحمتِ مرا میگوید ای آدم
اسْتَطْعَمْتُكَ فَلَمْ تُطْعِمْنِي قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أُطْعِمُكَ وَأَنْتَ
طلب طعام کردم از تو پس ندادی طعام مرا گوید آدمی اے پروردگار طعام دہم ترا و تو
رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ اسْتَطْعَمَكَ عَبْدِي فُلَانٌ
پروردگار عالمیانے گوید حق تعالی آیا ندانستے تو کہ طعام طلبید از تو بندۂ من فلان
فَلَمْ تُطْعِمْهُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ أَطْعَمْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي
پس ندادی تو اورا طعام آیا ندانستے تو کہ اگر طعام میدادی اورا می یافتی تو ثواب واجر آن طعام را نزد من
يَا ابْنَ آدَمَ اسْتَسْقَيْتُكَ فَلَمْ تَسْقِنِي قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَسْقِيكَ
ای فرزند آدم طلبیدم از تو آب پس ندادی تو مرا آب گوید آدمی ای پروردگار من چگونہ آب دہم ترا
وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ اسْتَسْقَاكَ عَبْدِي فُلَانٌ فَلَمْ تَسْقِهِ
و تو پروردگار عالمے و منزہ ہستی از آب خوردن گوید حق تعالی آب طلبید از تو بندۂ من فلان پس ندادی آب اورا
أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ سَقَيْتَهُ وَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي رَوَاهُ
آیا ندانستے تو کہ اگر آب میدادے اورا مے یافتی جزائے آنرا نزد من رواہ
مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ
مسلم وحکایت است از عائشہ رض گفت بود پیغمبر خدا صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اشْتَكَى مِنَّا إِنْسَانٌ مَسَحَهُ بِيَمِينِهِ ثُمَّ قَالَ
علیہ و سلم چون بیمار شد از ما آدمی مسح میکرد او را بدست راست خود پس میفرمود آنحضرت
أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ
کہ ببر این درد را ای پروردگار آدمیان و تندرستی دہ توئی تندرستی دہندہ نیست شفا
إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض
مگر شفای تو شفائی کہ نگذارد بیماری را متفق علیہ است وحکایت است از علی رض



قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ
گفت علی شنیدم پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت نیست ہیچ مسلمانے
يَعُودُ مُسْلِمًا غُدْوَةً إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى
کہ بیمار پرسی کند مسلمانے را در وقت بامداد مگر آنکہ صلوٰۃ بفرستند بروے ہفتاد ہزار فرشتہ تا آنکہ
يُمْسِيَ وَإِنْ عَادَهُ عَشِيَّةً إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ
شام کند و اگر عیادت کرد اورا بوقت شام مگر دعاے رحمت کنند بر وی ہفتاد ہزار فرشتہ
حَتَّى يُصْبِحَ وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ
تا آنکہ صبح کند و باشد مرویرا بستانی در بہشت رواہ ترمذی و ابوداؤد
وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم
مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ وَعَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ مُحْتَسِبًا
کسیکہ وضو کند پس نیک کند وضو را و بیمار پرسی کند برادر مسلمان را بقصد ثواب
بُوعِدَ مِنْ جَهَنَّمَ مَسِيرَةَ سِتِّينَ خَرِيفًا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
دور کردہ شود از دوزخ مقدار راہ شصت سال رواہ ابوداؤد
وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعُودُ مُسْلِمًا فَيَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَسْأَلُ
وسلم نیست ہیچ مسلمانے کہ عیادت کند مسلمانے را پس بگوید ہفت کرت سوال میکنم
اللهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ إِلَّا شُفِيَ
خدائے بزرگ را کہ پروردگار عرش بزرگ است کہ تندرستی دہد ترا مگر آنکہ تندرستی دادہ شود
إِلَّا أَنْ يَكُونَ قَدْ حَضَرَ أَجَلُهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ
آن مسلمان مگر آنکہ باشد کہ بتحقیق حاضر شدہ وقت موت او رواہ ابوداؤد و ترمذی

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وروایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيضِ فَنَفِّسُوا لَهُ فِي أَجَلِهِ فَإِنَّ ذٰلِكَ
وسلم چون در آئید بر بیماری برائے عیادت پس کشاده دهید بر بیم او را در درازی عمر او
لَا يَرُدُّ شَيْئًا وَيُطَيِّبُ بِنَفْسِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
زیراکہ تنفیس باز نمیگرداند چیزیراکہ مقدراست وخوش میگرداند نفس او را رواه ترمذی وابن ماجه
وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
وگفت ترمذی این حدیث غریب است وروایت است از ابن عباس رض
قَالَ إِنَّ عَلِيًّا رض خَرَجَ مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت که علی رض برآمد از نزد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم
فِي وَجَعِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ فَقَالَ النَّاسُ يَا أَبَا الْحَسَنِ كَيْفَ
در بیماری وے که وفات کرد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم در وے پس گفتند مردم ای ابوالحسن چگونه
أَصْبَحَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَصْبَحَ بِحَمْدِ اللّٰهِ
صبح کرد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفت شکر کرده شد بخدا
بَارِئًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
به شونده از بیماری رواه بخاری وروایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَادَ مَرِيضًا لَمْ يَزَلْ يَخُوضُ الرَّحْمَةَ
صلے اللہ علیہ وسلم کسیکه بپرسد بیماری را همیشه در آید در دریای رحمت را
حَتّٰى يَجْلِسَ فَإِذَا جَلَسَ اغْتَمَسَ فِيهَا رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَحْمَدُ
تا آنکه می نشیند پس چون نشیند فرو میرود در آن رواه مالک واحمد
وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ مِنَ السُّنَّةِ تَخْفِيفُ الْجُلُوسِ
وروایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس از سنت است سبک کردن در نشستن



وَقِلَّةُ الصَّخَبِ فِي الْعِيَادَةِ عِنْدَ الْمَرِيضِ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
وکم کردن بانگ وفریاد در عیادت نزد بیمار گفت ابن عباس وفرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا كَثُرَ لَغَطُهُمْ وَاخْتِلَافُهُمْ قُومُوا عَنِّي
صلے اللہ علیہ وسلم هرگاه که بسیار شد آواز اصحاب آنحضرت واختلاف شان برخیزید از نزد من
رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
رواه رزین وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَادَ مَرِيضًا نَادٰى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ
صلی اللہ علیہ وسلم کسیکه بپرسد بیماری را آواز میدهد آواز دهنده از آسمان
طِبْتَ وَطَابَ مَمْشَاكَ وَتَبَوَّأْتَ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا رَوَاهُ
خوش باد ترا در دنیا وخوش باد بر تو رفتن تو با جا کشی تو در آخرت وبگیری تو از بهشت منزل را
ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
رواه ابن ماجه وروایت است از عمر ابن الخطاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلْتَ عَلٰى مَرِيضٍ فَمُرْهُ يَدْعُو
صلے اللہ علیہ وسلم چون در آئی بر بیمار پس بفرما او را که دعا کند
لَكَ فَإِنَّ دُعَاءَهُ كَدُعَاءِ الْمَلَائِكَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ
ترا زیراکه بدرستی دعا او مانند دعا فرشتگان است رواه ابن ماجه

## بَابُ مَا جَاءَ فِي أَجْرِ الْمَصَائِبِ الَّتِي أَصْبَرَ عَلَيْهَا

باب حادیث که وارد شده در باب اجر مصائب وقتی که صبر بر آن کند

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
مَنْ يُرِدِ اللّٰهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ
کسیکه بخواهد خدا تعالے باو نیکی را گرفته میشود یا بیگیرد حق از وی رواه بخاری واز وی

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

واز ابی سعید خدری مرویست از آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ

علیہ و سلم فرمود نمیرسد مسلمان را از هیچ رنج و تعب

وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذًى وَلَا

و نمیرسید درد و نہ اندوہ و نہ غم و نہ آزار و نہ

غَمٍّ حَتَّى الشَّوْكَةِ يُشَاكُهَا إِلَّا كَفَّرَ اللّٰهُ بِهَا

اندوہ تا آنکہ خلانیدہ میشود آدمیرا خار مگر آنکہ می پوشد خدا تعالی

مِنْ خَطَايَاهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

بآن کرامات از معاصی آنکہ صغایر باشند متفق علیہ و روایتست از عبد اللہ

ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

بن مسعود رض گفت درآمدم بر آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُوعَكُ فَمَسِسْتُ [illegible] هُ بِيَدِي

علیہ و سلم درحالیکہ وے تپ زدہ شد [illegible] پس بسودم آنحضرت را بدست خود

فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّكَ [illegible] لَتُوعَكُ وَعْكًا

پس گفتم اے پیغامبر خدا بدرستی [illegible] بر آئینہ تپ زدہ میشوے تپ زدہ شدن

شَدِيدًا فَقَالَ ا[illegible] نَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سخت پس فرمود [illegible] پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ و سلم



أَجَلْ إِنِّي أُوعَكُ كَمَا يُوعَكُ رَجُلَانِ مِنْكُمْ قَالَ فَقُلْتُ

آرے تپ زدہ میشوم چنانکہ تپ زدہ میشوند دو مرد از شما ابن مسعود گوید پس گفتم من

ذٰلِكَ لِأَنَّ لَكَ أَجْرَيْنِ فَقَالَ أَجَلْ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ

آں یعنے شدت تپ بسبب آنست کہ ترا دو اجر است پس گفت آنحضرت آرے پس گفت آنحضرت نیست

مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذًى مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللّٰهُ

ہیچ مسلمانے کہ برسد اورا آزارے از بیماری پس چیزے کہ جز بیماریست مگر آنکہ فرو می افگند خدا تعالے

بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بدیہائے اورا چنانکہ فرو افگند درخت برگہائے خودرا متفق علیہ است

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایتست از جابر رض گفت درآمد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ عَلَى أُمِّ السَّائِبِ فَقَالَ مَا لَكِ تُزَفْزِفِينَ

و سلم بر ام سائب پس گفت آنحضرت ؟ چہ شدہ است ترا کہ میلرزے

قَالَتِ الْحُمَّى لَا بَارَكَ اللّٰهُ فِيهَا فَقَالَ لَا تَسُبِّي الْحُمَّى

گفت ام سائب سبب لرزیدن من تپ است برکت نکند خدا در وے پس گفت مکن دشنام تپ را

فَإِنَّهَا تُذْهِبُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ كَمَا يُذْهِبُ الْكِيرُ خَبَثَ

زیراکہ تپ می برد گناہان بنی آدم را چنانکہ می برد دمہ آہنگران چرک پلیدی

الْحَدِيدِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي مُوسَى رض قَالَ قَالَ

آہن را رواہ مسلم و روایتست از ابی موسی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ

رسول اللہ صلی اللہ علیہ و سلم چون بیمار شود بندہ

أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ بِمِثْلِ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا

یا سفر کند نوشتہ میشود برائے آں بندہ آنچہ بود عمل میکرد درحالیکہ مقیم و تندرست بود

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ

رواه البخارے وروایت است از کعب بن مالک گفت فرمود

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم حال مومن ہمچو حال

الْخَامَةِ مِنَ الزَّرْعِ تُفَيِّئُهَا الرِّيَاحُ تَصْرَعُهَا مَرَّةً

شاخ تر و نرم از کشت است مایل و راجع میگرداند آنرا بادہا کہ می افگند آنرا یکبارگی

وَتَعْدِلُهَا أُخْرٰى حَتّٰى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ

راست میگرداند آنرا بار دیگر تا آنکہ می آید اورا وقت موت وحال منافق

كَمَثَلِ الْأَرْزَةِ الْمُجْذِيَةِ الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتّٰى يَكُوْنَ

ہمچو حال درخت صنوبر است کہ محکم و ثابت است آن درختے کہ نمی رسد آنرا چیزے از بادہا تا آنکہ

انْجِعَافُهَا مَرَّةً وَاحِدَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

می باشد افتادن آن درخت یکبارگی متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم حال مومن

كَمَثَلِ الزَّرْعِ لَا يَزَالُ الرِّيحُ تُمِيلُهُ وَلَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ

ہمچو حال کشت است کہ ہمیشہ باد مایل میگرداند و ہمیشہ است مومن

يُصِيبُهُ الْبَلَاءُ وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ كَشَجَرَةِ الْأَرْزَةِ لَا تَهْتَزُّ

کہ میرسد اورا بلا و حال منافق ہمچو حال درخت صنوبر است کہ نمی جنبد

حَتّٰى تُسْتَحْصَدَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ

تا آنکہ درودہ شود و بریدہ شود متفق علیہ و روایت است از اسامہ بن زید

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الطَّاعُوْنُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم طاعون



رِجْزٌ أُرْسِلَ عَلٰى طَائِفَةٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَوْ عَلٰى مَنْ

عذابی است کہ فرستادہ شدہ است بر گروہے از بنی اسرائیل یا بر کسانیکہ

كَانَ قَبْلَكُمْ فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ بِأَرْضٍ فَلَا تَقْدِمُوا عَلَيْهِ

بودند پیش از شما پس چون بشنوید شما طاعون را در زمینی پس پیش نیائید بداں زمین

وَإِذَا وَقَعَ بِأَرْضٍ وَأَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَخْرُجُوا فِرَارًا مِنْهُ

و چون بیفتد طاعون بزمینے حالانکہ شما دران زمین باشید پس بیرون نیائید بجہت گریختن از طاعون

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ

متفق علیہ است و روایت است از انس رض گفت شنیدم آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ قَالَ اللهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰى

صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت میگوید اللہ سبحانہ وتعالی

إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتَيْهِ ثُمَّ صَبَرَ عَوَّضْتُهُ مِنْهُمَا

چون مبتلا گردانم بندہ خودرا بدو محبوب وے پستر صبر کند ان بندہ عوض دہم آن

الْجَنَّةَ يُرِيدُ عَيْنَيْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ

بندہ را ازان جنتین بہشت را کہ میخواہد دو چشم وے رواہ البخاری و روایت است از علی بن

زَيْدٍ عَنْ أُمَيَّةَ أَنَّهَا سَأَلَتْ عَائِشَةَ عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ

زید از امیہ بدرستیکہ امیہ پرسید از عایشہ رض از حقیقت معنی قول حق جل وعلا

وَجَلَّ إِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ

کہ اینست داگر آشکارا کنید چیزے را کہ در دلہاے شما است یا نہان دارید آنرا حساب میکند شما را

بِهِ اللهُ وَعَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ يَعْمَلْ سُوْءًا يُجْزَ بِهِ

بان خدا تعالے) و پرسید از قول وے تعالی (ہر کہ بکند بدی را پاداش دادہ شود بوے

فَقَالَتْ مَا سَأَلَنِي عَنْهَا أَحَدٌ مُنْذُ سَأَلْتُ رَسُوْلَ اللهِ

پس گفت عایشہ رض سوال نکرد مرا ازین محاسبہ و مجازات ہیچ یکے ازان گاہ کہ پرسیدم پیغامبر خدا را

صلی اللّٰہ علیہ وسلم فقال ہذہ معاتبۃ اللہ العبد

صلی اللہ علیہ وسلم پس گفت آنحضرت ایں کہ بجہ مجازات عتاب کردن خداست بندہ را

بما یصیبہ من الحمّٰی والنکبۃ حتی البضاعۃ

بآنچہ میرسد بندہ را از تپ و از نکبت تا آنکہ این مصیبت کہ پارۂ ارمال

یضعہا فی ید قمیصہ فیفقدہا فیفزع لہا حتّٰی

می نہد بندہ آنرا در دست پیراہن خود پس گم میکند آں بضاعت را پس می ترسد آں بضاعت را تا آنکہ

انّ العبد لیخرج من ذنوبہ کما یخرج التبر

بندہ ہر آئینہ بیروں می آید از گناہاں خود چنانکہ بیروں می آید زر

الاحمر من الکیر رواہ الترمذی وعن

سرخ از کورہ رواہ ترمذی و روایت است از

ابی موسٰی رض ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

ابی موسی رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

قال لا یصیب عبدا نکبۃ فما فوقہا او دونہا

فرمود نمیرسد رنج بندہ را مصیبتے حقیر پس آنچہ بالائے اوست یا فرود اوست

الا بذنب وما یعفو اللہ عنہ اکثر وقرأ

مگر بسبب گناہی کہ کردہ است و آنچہ عفو و محو میکند خدا تعالٰی از وے بیشتر است و خواند آنحضرت این آیت را

وما اصابکم من مصیبۃ فبما کسبت ایدیکم

و آنچہ میرسد شما را از مصیبت پس بسبب چیزیست کہ کردہ است از او دستہای شما

ویعفو عن کثیر رواہ الترمذی وعن

و عفو میکند خدا تعالٰی از بسیاری ازاں رواہ ترمذی و روایت است از

عبد اللہ بن عمرو قال قال رسول اللہ صلی اللہ

عبد اللہ بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ

۲۲۵

علیہ وسلم ان العبد اذا کان علی طریقۃ حسنۃ من

علیہ وسلم بدرستیکہ بندہ چوں می باشد بر حالت نیک از

العبادۃ ثم مرض قیل للملک الموکل بہ اکتب لہ

عبادت پس بیمار شود گفتہ میشود مر فرشتہ را کہ گماشتہ شدہ است بر وے بنویس

مثل عملہ اذا کان طلیقا حتی اطلقہ او اکفتہ

برای وے مانند عمل وے در وقتیکہ بود رہا غیر مقید باین بیماری تا آنگاہ کہ آزاد کنم او را یا در گور آرم او را

الی وعن انس ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

بسوی خود و روایت است از انس رض بدرستیکہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

قال اذا ابتلی المسلم ببلاء فی جسدہ قیل للملک اکتب لہ

گفت چون مبتلا گردانیدہ می شود مسلمان ببلا در تن او گفتہ میشود فرشتہ را بنویس برای وی

صالح عملہ الذی کان یعمل فان شفاہ غسلہ وطہرہ

عمل نیک وی را کہ می کرد پس اگر شفا دہد او را می شوید او را و پاک میگرداند

وان قبضہ غفر لہ ورحمہ رواہما فی شرح السنۃ

و اگر قبض میکند او را آمرزد و رحمت میکند او را روایت کرد این دو حدیث را در شرح سنۃ

وَعَنْ سَعْدٍ قَالَ سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ النَّاسِ
روایت است از سعد ابن ابی وقاص گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم که ام از آدمیان
اَشَدُّ بَلَاءً قَالَ الْاَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْاَمْثَلُ فَالْاَمْثَلُ وَيُبْتَلَى الرَّجُلُ
سخت تر است از روی بلا و آزمایش فرمود سخت ترین از آدمیان در بلا پیغامبران اند پس هر که فاضلتر از ایشان بود
عَلٰى حَسَبِ دِيْنِهٖ فَاِنْ كَانَ فِيْ دِيْنِهٖ صَلْبًا اشْتَدَّ بَلَاؤُهٗ وَاِنْ كَانَ
و مبتلا گردانیده می شود مرد باندازه دین وی پس اگر باشد در دین سخت درشت سخت می شود بلای او
فِيْ دِيْنِهٖ رِقَّةٌ هُوِّنَ عَلَيْهِ فَمَا زَالَ كَذٰلِكَ حَتّٰى يَمْشِيَ مَا لَهٗ
و در دین وی نرمی و تنگی سبک کرده می شود بر وی پس همیشه چنین حال است تا آنکه می رود بر زمین حال آنکه نیست
ذَنْبٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ
مر او را گناهی رواه ترمذی و ابن ماجه و الدارمی و گفت ترمذی
هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
این حدیث حسن صحیح است و روایت از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ
صلی اللہ علیہ وسلم بدرستی که بزرگی جزا با بزرگی
الْبَلَاءِ وَاِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ اِذَا اَحَبَّ قَوْمًا
بلاست و بدرستی که خدای بزرگ و برتر چون دوست میدارد گروهی را
ابْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضٰى وَمَنْ سَخِطَ
مبتلا گرداند ایشانرا پس کسیکه خوشنود بود از خدا و بلا پس مر او راست خوشنودی و کسیکه
فَلَهُ السَّخَطُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ
پس مر او راست خشم رواه ترمذی و ابن
مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
ماجه و از وی روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ



عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَرَادَ اللّٰهُ بِعَبْدِهِ الْخَيْرَ عَجَّلَ لَهُ
علیہ وسلم چون خواهد خدا تعالی به بنده خود نیکی را شتاب و بدمرا او را
الْعُقُوْبَةَ فِي الدُّنْيَا وَاِذَا اَرَادَ اللّٰهُ بِعَبْدِهٖ شَرًّا
سزای گناهان او را در دنیا و چون خواهد خدا تعالی به بنده خود بدی را
اَمْسَكَ عَنْهُ بِذَنْبِهٖ حَتّٰى يُوَافِيَهٗ بِهٖ يَوْمَ
نگاه دارد از وی عقوبت وی گذارد او را با گناه وی تا آنکه تمام می دهد بوی بنده را
الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ
آنچه مستحق است روز قیامت رواه ترمذی و روایت است از ابی هریره رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَزَالُ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم همیشه می باشد
الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةِ فِيْ نَفْسِهٖ وَمَالِهٖ وَوَلَدِهٖ
بلا بمرد مسلمان یا بزن مسلمان در ذات هر یکی و در مال هر یکی و در اولاد وی
حَتّٰى يَلْقَى اللّٰهَ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ خَطِيْئَةٍ رَوَاهُ
تا آنکه می آید پیش خدا در روز جزا حال آنکه نیست بر وی هیچ گناهی
التِّرْمِذِيُّ وَرَوٰى مَالِكٌ نَحْوَهٗ وَعَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ خَالِدٍ
رواه ترمذی و روایت کرد مالک مانند وی و روایت است از محمد بن
السُّلَمِيِّ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
خالد سلمی از پدرش از جدش گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ اِنَّ الْعَبْدَ اِذَا سَبَقَتْ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ مَنْزِلَةٌ لَمْ
وسلم بدرستی که بنده چون گذشته باشد بر آوی از خدا مرتبه و درجه بلند
يَبْلُغْهَا بِعَمَلِهٖ ابْتَلَاهُ اللّٰهُ فِيْ جَسَدِهٖ اَوْ فِيْ مَالِهٖ اَوْ فِيْ وَلَدِهٖ ثُمَّ صَبَّرَهٗ
که نمی تواند رسید بدان بنده بعمل صالح خود مبتلا گرداند خدا تعالی وی را در تن وی

عَلَى ذٰلِكَ حَتّٰى يُبَلِّغَهُ الْمَنْزِلَةَ الَّتِي سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللّٰهِ

بر آں بلا تا آنکہ میرساند ایں بلا بندہ را بمرتبہ کہ گذشتہ است مراورا از خدا تعالیٰ

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الشِّخِّيرِ

روا ہ احمد و ابو داؤ د و درروایت است از عبد اللہ بن شخیر

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُثِّلَ ابْنُ آدَمَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم تصویر کردہ شد فرزند آدم

وَإِلَى جَنْبِهِ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ مَنِيَّةً إِنْ أَخْطَأَتْهُ الْمَنَايَا وَقَعَ فِي

وحال آنکہ بجانب پہلوی اوست نود و نہ مرگ اگر خطا میکند او را مرگہا و اسباب آں می افتد در

الْهَرَمِ حَتّٰى يَمُوتَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ

پیری تا آنکہ بمیرد رواہ ترمذی وگفت ایں حدیث غریب است

وَعَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جابر رضا گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ يَوَدُّ أَهْلُ الْعَافِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِينَ يُعْطٰى أَهْلُ

وسلم دوست میدارند اہل عافیت در روز قیامت وقتیکہ دادہ شوند اہل

الْبَلَاءِ الثَّوَابَ لَوْ أَنَّ جُلُودَهُمْ كَانَتْ قُرِضَتْ فِي الدُّنْيَا

بلا ثواب آں را کاشکی پوستہائے ایشاں بریدہ و پارہ کردہ شدند در دنیا

بِالْمَقَارِيضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ

بکاردہا رواہ ترمذی وگفت کہ ایں حدیث غریب است

وَعَنْ عَامِرٍ الرَّامِ قَالَ ذَكَرَ رَسُولُ اللّٰهِ الْأَسْقَامَ

و روایت است از عامر رام مخفف رامی گفت ذکر کرد پیغامبر خدا بیماریہا را

فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السَّقَمُ

پس فرمود کہ مسلمان چون میرسد بیماری



ثُمَّ عَافَاهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ كَانَ كَفَّارَةً لِمَا مَضٰى مِنْ

پس صحت می بخشد او را خدا تعالیٰ ازاں می باشد پوشندہ مرگنا ہان گذشتہ را

ذُنُوبِهِ وَمَوْعِظَةً لَهُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ وَإِنَّ الْمُنَافِقَ

و می باشد نصیحت و پند مر او را در آنچہ پیش می آید از زمان و بدرستی کہ منافق

إِذَا مَرِضَ ثُمَّ أُعْفِيَ كَانَ كَالْبَعِيرِ عَقَلَهُ أَهْلُهُ ثُمَّ

چوں بیمار شود پس تر عافیت دادہ شود می باشد مانند شتر کہ ببندند او را کساں او پس تر

أَرْسَلُوهُ فَلَمْ يَدْرِ لِمَ عَقَلُوهُ وَلِمَ أَرْسَلُوهُ فَقَالَ

رہا کردند او را پس در نیافت آں شتر بجہت عدم تمیز کہ چرا بستند او را و چرا کشادند او را پس گفت

رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَمَا الْأَسْقَامُ وَاللّٰهِ مَا مَرِضْتُ

مردے اے پیغمبر خدا چہ چیز است بیماری ہا بخدا سوگند بیمار نشدم من

قَطُّ فَقَالَ قُمْ عَنَّا فَلَسْتَ مِنَّا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

ہرگز پس فرمود آنحضرت برخیز از پیش ما پس نیستی تو از ما رواہ ابوداؤد و روایت است از

عَطَاءِ ابْنِ أَبِي رَبَاحٍ قَالَ قَالَ لِي ابْنُ عَبَّاسٍ أَلَا أُرِيكَ

عطاء بن ابی رباح گفت فرمود مرا ابن عباس آیا ننمایم ترا

امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ قُلْتُ بَلٰى قَالَ هٰذِهِ

زنے از اہل بہشت گفتم بلے بنمای گفت ایں

الْمَرْأَةُ السَّوْدَاءُ أَتَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

زن سیاہ کہ نام وی سعدیہ است آمد نزد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنِّي أُصْرَعُ وَإِنِّي أَتَكَشَّفُ

پس گفت اے پیغامبر خدا بدرستیکہ من صرع زدہ میشوم و بدرستی کہ من برہنہ میشوم

فَادْعُ اللّٰهَ لِي فَقَالَ إِنْ شِئْتِ صَبَرْتِ وَلَكِ الْجَنَّةُ

پس دعا کن خدا را برای من پس فرمود آنحضرت اگر خواہی صبر کنی و باشد مر ترا بہشت

وَإِنْ شِئْتِ دَعَوْتُ اللهَ أَنْ يُعَافِيَكِ فَقَالَتْ

واگر خواہی دعا کنم خدای را که عافیت دہد ترا پس گفت آن زن

أَصْبِرُ فَقَالَتْ إِنِّي أَتَكَشَّفُ فَادْعُ اللهَ أَنْ لَا

صبر می کنم پس گفت آن زن که من برہنہ میشوم پس دعا کن خدای را که

أَتَكَشَّفَ فَدَعَا لَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ يَحْيَى

برہنہ نشوم پس دعا فرمود آنحضرت مرآن زن را متفق علیہ و روایت است از یحیی

ابْنِ سَعِيدٍ رضي الله عنه قَالَ إِنَّ رَجُلًا جَاءَهُ الْمَوْتُ فِي زَمَنِ

ابن سعید رضی الله عنه گفت مردی آمد او را موت در زمان

رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَجُلٌ

پیغامبر خدا صلی الله علیہ وسلم پس گفت مردی دیگر

هَنِيئًا لَهُ مَاتَ وَلَمْ يُبْتَلَ بِمَرَضٍ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ

که مبارک بادش باد مراد را که بمرد و مبتلا نگردانیده شد بمرضی پس فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيْحَكَ مَا يُدْرِيكَ لَوْ أَنَّ

صلی الله علیہ وسلم وای بر تو چه چیز دانا نید ترا اگر چه بود که

اللهَ ابْتَلَاهُ بِمَرَضٍ فَكَفَّرَ عَنْهُ مِنْ سَيِّئَاتِهِ رَوَاهُ

خدا تعالی می مبتلا ساختی او را به بیماری پس کفاره میکرد از وی از بدیهای او رواه

مَالِكٌ مُرْسَلًا وَعَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ

مالک ازوی مرسل و روایت است از شداد ابن اوس



وَالصُّنَابِحِيِّ أَنَّهُمَا دَخَلَا عَلَى رَجُلٍ مَرِيضٍ يَعُودَانِهِ فَقَالَا

والصنابحی بدرستیکه ایشان درآمدند بر مردی بیمار درحالیکه عیادت کنند ایں گفتند

لَهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ أَصْبَحْتُ بِنِعْمَةٍ قَالَ شَدَّادٌ أَبْشِرْ

مر آنمرد را که چگونه صبح کردی گفت صبح کردم ملتبس بنعمت گفت شداد خوش خبر و خوشحال باش

بِكَفَّارَاتِ السَّيِّئَاتِ وَحَطِّ الْخَطَايَا فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ

بخصلتهای که پوشنده است بدیها را و بفرو افگندن گناهان زیرا که شنیدم پیغمبر خدا را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِذَا

صلی الله علیه وسلم که می گفت که خدای تعالی می گوید چون که

أَنَا ابْتَلَيْتُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنًا فَحَمِدَنِي عَلَى مَا

من مبتلا بگردانم بنده را از بندگان خود که مومن است پس ثنا کند آن بنده مرا بر

ابْتَلَيْتُهُ فَإِنَّهُ يَقُومُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذٰلِكَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ

مبتلا گردانیدن من او را پس بدرستیکه آن بنده برمیخیزد از خوابگاه خود بچون روز زائیدن او را

أُمُّهُ مِنَ الْخَطَايَا وَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَا

مادر او از گناهان و میگوید پروردگار تبارک وتعالی من

قَيَّدْتُ عَبْدِي وَابْتَلَيْتُهُ فَأَجْرُوا لَهُ مَا كُنْتُمْ تُجْرُونَ لَهُ

بند کردم بنده خود را و مبتلا گردانیدم او را پس اجر کنید برای وی از اعمال خیر که می بود که اجر میکردید برای وی

وَهُوَ صَحِيحٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ

درحالیکه تندرست بود رواه احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره

ذُكِرَتِ الْحُمَّى عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَبَّهَا

ذکر کرده شد تپ نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس دشنام کرد آنرا

رَجُلٌ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبَّهَا فَإِنَّهَا تَنْفِي

مردی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دشنام مگو تپ را زیرا که آن دور میکند

الذنوب كما تنفي النار خبث الحديد رواه ابن ماجة

گناہان را چنانکہ دور میکند آتش چرک آہن را رواہ ابن ماجہ

وعنه قال ان رسول الله صلى الله عليه وسلم عاد

وہم از ابی ہریرہ رض گفت بدرستیکہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ و سلم عیادت کرد

مريضا فقال ابشر فان الله تعالى يقول هي ناري

بیماری را کہ تپ زدہ بود پس فرمود خوش باش زیرا کہ بدرستیکہ حق تعالی میفرماید تپ آتش من است

اسلطها على عبدي المؤمن في الدنيا لتكون حظه من

می گمارم آنرا بر بندۂ خود کہ مومن است در دنیا تا باشد تپ بخش آن بندہ از

النار يوم القيمة رواه احمد وابن ماجة والبيهقي في

آتش دوزخ روز قیامت رواہ احمد و ابن ماجہ و بیہقی در

شعب الايمان وعن انس رض ان رسول الله صلى

شعب ایمان و روایت است از انس رض آن حضرت صلی

الله عليه وسلم قال ان الرب سبحانه وتعالى يقول

اللہ علیہ و سلم گفت کہ پروردگار سبحانہ و تعالی میفرماید

وعزتي وجلالي لا اخرج احدا من الدنيا اريد اغفر

سوگند بعزت ذات من و جلال صفات من بیرون نمی آرم ہیچ یکے را از دنیا کہ میخواہم بیامرزم

له حتى استوفي كل خطيئة في عنقه بسقم في بدنه

مر او را تا آنکہ میگیرم جزاے ہر گناہے کہ در گردن اوست بسبب بیماری در تن وے

واقتار في رزقه رواه رزين وعن شقيق قال

و تنگی در رزق وے رواہ رزین و روایت است از شقیق گفت

مرض عبد الله فعدناه فجعل يبكي فعوتب فقال اني

بیمار شد عبد اللہ بن مسعود پس عیادت کردیم او را پس بگریستن گرفت پس ملامت کردہ شد پس گفت بدرستیکہ من



لا ابكي لاجل المرض لاني سمعت النبي صلى الله عليه

من نمی گریم از بہر بیماری زیرا کہ من شنیدم پیغامبر خدا را صلی اللہ علیہ

وسلم يقول المرض كفارة وانما ابكي انه اصابني على

و سلم کہ می فرمود بیماری کفارہ است گناہان را و می گریم گر از جہت آنکہ رسید بیماری

حال فترة ولم يصبني في حال اجتهاد لانه يكتب للعبد

بر حال فتور و ضعف و پیری و نرسید مرا مرض در حال قوت و کوشش زیرا کہ نوشتہ میشود مر بندہ را

من الاجر اذا مرض ما كان يكتب له قبل ان يمرض فمنعه

از مزد وقتیکہ بیمار می شود چیزے کہ نوشتہ میشود مر او را پیش از آنکہ بیمار گردد پس بازداشتہ

منه المرض رواه رزين وعن انس رض سمعت رسول الله

از آن عمل بیماری رواہ رزین و روایت است از انس رض شنیدم من پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول ايما رجل عاد مريضا فانما يخوض

صلی اللہ علیہ و سلم کہ میفرمود ہر مردیکہ بپرسد بیمار را پس جز این نیست کہ می در آید

في الرحمة فاذا قعد عند المريض غمرته الرحمة هذا للصحيح

دریاے رحمت را پس چون نشنید نزد بیمار غرق میسازد آن را رحمت الہی این ثواب برای صحیح است

فما للمريض قال تحط ذنوبه هب وعن انس رض

پس چہ قدر ثواب باشد بیمار را گفت ساقط میشود گناہان او و روایت است از انس رض

قال عطش عثمان بن عفان رض عند النبي صلى الله عليه وسلم

گفت تشنہ شد عثمان بن عفان نزد آنحضرت صلی اللہ علیہ و سلم

فقال النبي صلى الله عليه وسلم الا ابشرك فقال بلى

پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ و سلم آیا خوشخبری ندہم ترا پس گفت عثمان رض آری بدہ

بابي انت وامي قال هذا جبرئيل يخبرني عن الله تعالى

فدای تو باد مادر و پدر من فرمود این جبرئیل است کہ خبر میدہد مرا از جانب خدا تعالی

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَطِشَ ثَلٰثَ عَطَشَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ إِلَّا كَانَ

نی اند مومن تشنه بسه تشنگیهاے پیاپے مگر آنکه می باشد

الْإِيمَانُ ثَابِتًا فِي قَلْبِهِ الدَّيْلَمِي

ایمان او ثابت وقوے در دل وے دیلمی

## بَابُ تَمَنِّي الْمَوْتِ وَذِكْرِهِ

باب در آرزو کردن موت و ذکر آن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا يَتَمَنَّى أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ إِمَّا مُحْسِنًا فَلَعَلَّهُ أَنْ يَزْدَادَ خَيْرًا

آرزو نکند یکے از شما مرگ را یا او نیکوکار باشد پس شاید که زیاده کند نیکی را بزیادتی حیات

وَإِمَّا مُسِيئًا فَلَعَلَّهُ أَنْ يَسْتَعْتِبَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

و یا بدکار باشد پس شاید که طلب کند رضا حق را بتوبه و تلافی مافات رواه بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و هم از وے روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا يَتَمَنَّى أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ وَلَا يَدْعُ بِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُ

آرزو نکند یکے از شما موت را و دعا نکند بمرگ پیش از آنکه بیاید مرگ او را

إِنَّهُ إِذَا مَاتَ انْقَطَعَ أَمَلُهُ وَإِنَّهُ لَا يَزِيدُ الْمُؤْمِنَ عُمُرُهُ

بدرستیکه او وقتیکه بمیرد بریده شود امید او و بدرستی که شان آنست که زیاده نمیکند مسلمان را عمروی

إِلَّا خَيْرًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَنَسٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مگر نیکی را رواه مسلم و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ مِنْ ضُرٍّ

صلی الله علیه وسلم باید که آرزو نکند یکے از شما مرگ را از گزندے که

۲۳۵

أَصَابَهُ فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ

رسیده است او را پس اگر هست البته آرزو کننده پس باید که بگوید خداوندا

أَحْيِنِي مَا كَانَتِ الْحَيٰوةُ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي

زنده دار مرا تا آن زمانیکه باشد زندگی بهتر مرا و بمیران مرا

إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وقتیکه باشد مردن بهتر مرا متفق علیه

وَعَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رضـ قَالَ قَالَ

و روایت است از عباده بن الصامت رضـ گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه دوست دارد

لِقَاءَ اللهِ أَحَبَّ اللهُ لِقَاءَهُ وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ

لقاء خدا را دوست دارد خداتعالی لقاء او را و کسیکه ناخوش دارد لقا

اللهِ كَرِهَ اللهُ لِقَاءَهُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ رضـ

خدا را ناخوش دارد خداتعالی لقاء او را پس گفت عائشه صدیقه رضـ

أَوْ بَعْضُ أَزْوَاجِهِ إِنَّا لَنَكْرَهُ الْمَوْتَ قَالَ

یا گفت بعضی از ازواج مطهره آنحضرت بدرستیکه ما ناخوش و کروه میداریم موت را فرمود آنحضرت

لَيْسَ ذٰلِكِ وَلٰكِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ

نیست آنچه تو فهمیدی ولیکن مسلمان وقتیکه نزدیک شود او را مرگ

بُشِّرَ بِرِضْوَانِ اللّٰهِ وَكَرَامَتِهٖ فَلَيْسَ شَيْءٌ اَحَبَّ اِلَيْهِ مِمَّا
بشارت داده شود برضائے خدا تعالیٰ وکرامت او پس نیست ہیچ چیزے محبوب تر بسوے وے از چیزے
اَمَامَهٗ فَاَحَبَّ لِقَآءَ اللّٰهِ وَاَحَبَّ اللّٰهُ لِقَآءَهٗ وَاِنَّ الْكَافِرَ
کہ پیش اوست پس دوست دارد مومن لقائے خدا را و دوست دارد خدا لقائے او را و بدرستی کہ کافر
اِذَا حُضِرَ بُشِّرَ بِعَذَابِ اللّٰهِ وَعُقُوْبَتِهٖ فَلَيْسَ شَيْءٌ اَكْرَهَ
چوں حاضر کرده شود موت او را خبر داده شود بعذاب خدا و سزا دادن وے پس نیست ہیچ چیز مکروه تر
اِلَيْهِ مِمَّا اَمَامَهٗ فَكَرِهَ لِقَآءَ اللّٰهِ وَكَرِهَ اللّٰهُ لِقَآءَهٗ
بسوے وے از چیزی کہ پیش اوست پس ناخوش دارد کافر لقائے خدا را ناخوش میدارد خدا تعالیٰ لقائے او را
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةِ عَائِشَةَ وَالْمَوْتُ قَبْلَ لِقَآءِ اللّٰهِ
متفق علیہ و در روایت عائشہ صدیقہ است و موت پیش از لقائے خدا است و مقدمہ اوست
وَعَنْ اَبِيْ قَتَادَةَ رض اَنَّهٗ كَانَ يُحَدِّثُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ
و از ابی قتادہ رض روایت کرده بوده کہ حدیث میکرد کہ آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرَّ عَلَيْهِ بِجَنَازَةٍ فَقَالَ مُسْتَرِيْحٌ
صلے اللہ علیہ وسلم گذرانیده شد بوے جنازه پس فرمود آنحضرت صلعم این مرده یا راحت
اَوْ مُسْتَرَاحٌ مِنْهُ فَقَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا الْمُسْتَرِيْحُ
یافتہ است یا راحت یافتہ شده است از وے پس گفتند صحابہ اے پیغامبر خدا رض چیست معنے مستریح
وَمَا الْمُسْتَرَاحُ مِنْهُ فَقَالَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يَسْتَرِيْحُ مِنْ
و مستراح منہ پس فرمود آنحضرت صلعم کہ بنده مومن صالح راحت می یابد از رنج از
نَصَبِ الدُّنْيَا وَاَذَاهَا اِلٰى رَحْمَةِ اللّٰهِ وَالْعَبْدُ الْفَاجِرُ
تعب و رنج دنیا و آزار دنیا بسوے رحمت خدا و بنده فاسق
يَسْتَرِيْحُ مِنْهُ الْعِبَادُ وَالْبِلَادُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
راحت می یابند از وے بندگان و شہرہا و درختان و جنبندگان زمین متفق علیہ است



وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از جابر رض گفت شنیدم من پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ قَبْلَ مَوْتِهٖ بِثَلَاثَةِ اَيَّامٍ يَقُوْلُ لَا يَمُوْتَنَّ اَحَدُكُمْ
وسلم پیش از موت او بسہ روز کہ میگفت باید نمیرد یکے از شما
اِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللّٰهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
مگر آنکہ نیک دارد گمان خود را بخدا رواه مسلم و روایت از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
اَكْثِرُوْا ذِكْرَ هَادِمِ اللَّذَّاتِ الْمَوْتِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
بسیار کنید یاد ویران کننده و قطع کننده لذتہا را کہ موت است رواه ترمذی
وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض اَنَّ نَبِيَّ اللّٰهِ
و نسائی و ابن ماجہ و روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکہ آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ لِاَصْحَابِهٖ اسْتَحْيُوْا
صلے اللہ علیہ وسلم فرمود روزے بیاران خود شرم دارید
مِنَ اللّٰهِ حَقَّ الْحَيَاءِ قَالُوْا اِنَّا نَسْتَحْيِيْ مِنَ اللّٰهِ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ
از خدا چنانکہ باید شرم داشتن گفتند صحابہ کہ ما شرم میداریم از خدا اے پیغمبر خدا و حمد و سپاس
لِلّٰهِ قَالَ لَيْسَ ذٰلِكَ وَلٰكِنَّ مَنِ اسْتَحْيٰى مِنَ اللّٰهِ حَقَّ الْحَيَاءِ
مر خدا را بر توفیق دادن وے فرمود نیست این حق حیا ولیکن کسے کہ شرم دارد از خدا حق شرم داشتن
فَلْيَحْفَظِ الرَّاْسَ وَمَا وَعٰى وَلْيَحْفَظِ الْبَطْنَ وَمَا حَوٰى
پس باید کہ نگاه دارد سر را و نگاه دارد چیزیرا کہ جمع کرده است آن سر و باید کہ نگاه دارد شکم را از اکل حرام و چیزیکہ جمع
وَلْيَذْكُرِ الْمَوْتَ وَالْبِلٰى وَمَنْ اَرَادَ الْاٰخِرَةَ تَرَكَ زِيْنَةَ
و باید کہ یاد دارد مرگ را و پوسیده شدن استخوان را و کسے کہ خواهد ثواب آخرت ترک کند آرایش

الدنيا فمن فعل ذلك فقد استحيى من الله حق الحياء رواه

دنیارا پس کسے کہ بکند این مذکور را پس بتحقیق شرم داشت از خدا حق شرم داشتن رواه

احمد والترمذي وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال

احمد و ترمذی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم تحفة المؤمن الموت

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم تحفہ و ہدیہ مسلمان مرگ است

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عبيد الله

یعنے موصل بجنت و قرب اوست رواہ بیہقی در شعب الایمان و روایت است از عبید اللہ

ابن خالد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

موت الفجاءة اخذة الاسف رواه ابوداود وزاد

موت ناگہانی گرفتن خشم است رواہ ابوداود و زیادہ کرد

البيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه اخذة اسف

بیہقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود این لفظ را گرفتن غضب است

للكافر ورحمة للمؤمنين وعن جابر رض قال قال

مر کافران را و مہربانی حق تعالے مر مومنان را و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنوا الموت فان هول

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کہ آرزو نکنید مرگ را زیرا کہ بدرستی ترس

المطلع شديد وان من السعادة ان يطول عمر العبد

مطلع سخت است و بدرستی کہ از نیک بختی است کہ دراز شود عمر بندہ

ويرزقه الله عز وجل الانابة رواه احمد وعن

و روزی گرداند او را خدا تعالی رجوع و توجہ بجانب خود رواہ احمد و روایت است از



ابي امامة رض قال جلسنا الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فذكرنا

ابی امامہ رض گفت گذشتیم روبروے پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم پس یاد دادیمارا

ورققنا فبكى سعد بن ابي وقاص رض فاكثر البكاء فقال يا ليتني

احوال آخرت و نرم گردانید دلہارا پس گریہ کرد سعد ابن ابی وقاص رض پس بسیار گریہ کرد پس گفت اے کاشکے

مت فقال النبي صلى الله عليه وسلم يا سعد اعندي تتمنى

بمردمے پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم اے سعد آیا نزد من آرزو میکنی

الموت فردد ذلك ثلث مرات ثم قال يا سعد ان كنت

موت را کہ نامرضی حق است پس تکرار کرد آنحضرت صلعم این لفظ را سہ بار پستر فرمود اے سعد اگر ہستی تو

خلقت للجنة فما طال عمرك وحسن من عملك فهو خير

کہ پیدا کردہ شدی براے بہشت پس آنچہ دراز شود عمر تو و نیک باشد عمل تو پس آن بہتر است

لك رواه احمد وعن حارثة بن مضرب رض قال دخلت

مر ترا رواہ احمد و روایت است از حارث بن مضرب رض گفت در آمدم من

على خباب وقد اكتوى سبعا فقال لولا اني سمعت

بر خباب و حال آنکہ داغ سوختہ بود خباب بر بدن ہفت جا پس گفت خباب اگر نمی بود کہ شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا يتمنّ احدكم

پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت باید کہ تمنا نکند یکے از شما

الموت لتمنيته ولقد رايتني مع رسول الله صلى الله

مرگ را ہر آئینہ آرزو میکردم او را و بتحقیق دیدم و دانستم خود را با پیغمبر خدا صلے اللہ

عليه وسلم ما املك درهما وان في جانب بيتي

علیہ وسلم کہ مالک نبودم یک درہم را و بدرستی در گوشہ خانہ من

الان لاربعين الف درهم ثم اتي بكفنه فلما راه بكى

اکنون ہر آئینہ چہل ہزار درہم است پستر آوردہ شد نزد خباب کفن پس ہرگاہ کہ دید آن را

قَالَ وَلٰكِنْ حَمْزَةُ لَمْ يُوجَدْ لَهُ كَفَنٌ اِلَّا بُرْدَةٌ مَلْحَاءُ اِذَا جُعِلَتْ

گفت ولیکن حمزه بن عبد المطلب یافته نشد برائے وے کفن مگر چادرے که در وے خطوط سیاه وسفید بود چون گردانیده می شد

عَلٰى رَأْسِهٖ قَلَصَتْ عَنْ قَدَمَيْهِ وَاِذَا جُعِلَتْ عَلٰى قَدَمَيْهِ

بر سر وے کوتاه می آمد از پایہائے وے وچون گردانیده می شد بر پایہائے وے

قَلَصَتْ عَنْ رَأْسِهٖ حَتّٰى مُدَّتْ عَلٰى رَأْسِهٖ وَجُعِلَ عَلٰى

کوتاه می آمد از سر وے تا آنکه کشیده شد آن برده بر سر حمزه رض وگردانیده شد بر

قَدَمَيْهِ الْاِذْخِرُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ اِلَّا اَنَّهٗ لَمْ يَذْكُرْ

پایہائے حمزه رض گیاه که مشهور است در مکه معظمه روایت کرد احمد وترمذی مگر ترمذی ذکر نکرد

ثُمَّ اُتِيَ بِكَفَنِهٖ الخ

ثم اتی بکفنه تا آخر

## بَابُ مَا يُقَالُ عِنْدَ مَنْ حَضَرَهُ الْمَوْتُ

باب در بیان چیزیکه گفته میشود نزد کسے که حاضر شده او را موت

عَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ وَاَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت است از ابی سعید وابی هریره رض گفتند این هر دو که فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِّنُوْا مَوْتَاكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم تلقین کنید مردہائے خود را کلمه طیب را که لا اله الا الله محمد رسول الله

مُسْلِمٌ وَعَنْ اُمِّ سَلَمَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت کرد مسلم وروایت است از ام سلمه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا حَضَرْتُمُ الْمَرِيْضَ اَوِ الْمَيِّتَ فَقُوْلُوْا

الله علیه وسلم وقتیکه حاضر شوید شما بیمار را یا میت را که نزدیک موت رسیده پس بگوئید

خَيْرًا فَاِنَّ الْمَلٰٓئِكَةَ يُؤَمِّنُوْنَ عَلٰى مَا تَقُوْلُوْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

خیرے را زیرا که فرشتگان آمین بگویند بر آنچه میگوئید شما و دعا کنید روایت کرد مسلم



وَعَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

وهم از ام سلمه است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ

مُسْلِمٍ تُصِيْبُهٗ مُصِيْبَةٌ فَيَقُوْلُ مَا اَمَرَهُ اللّٰهُ بِهٖ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا

مسلمان که برسد او را مصیبتے پس بگوید چیزیرا که امر کرده است خدا تعالی گفتن آن

اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِيْ فِيْ مُصِيْبَتِيْ وَاَخْلِفْ لِيْ خَيْرًا

استرجاع است وایں کلمه تا آخر یعنی بار خدایا اجر ده مرا در مصیبت من و بدل گردان مرا بہتر

مِنْهَا اِلَّا اَخْلَفَ اللّٰهُ لَهٗ خَيْرًا مِنْهَا فَلَمَّا مَاتَ اَبُوْ سَلَمَةَ قُلْتُ

از آں مگر آنکه بدل میگرداند خدا برای وی بہتر از آں چون فوت شد ابو سلمه گفتم

اَيُّ الْمُسْلِمِيْنَ خَيْرٌ مِّنْ اَبِيْ سَلَمَةَ اَوَّلُ اَهْلِ بَيْتٍ هَاجَرَ

کدام یکے از مسلمانان بہتر است از ابی سلمه که بدل او بمن خواهد رسید که او اول خانه بود که هجرت کرد

اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ اِنِّيْ قُلْتُهَا فَاَخْلَفَ

بسوئے پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس بدرستی من با وجود این استبعاد کلمه اللهم اجرنی تا آخر

اللّٰهُ لِيْ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

خدا تعالی برای من رسول الله صلی الله علیه وسلم را روایت کرد مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ دَخَلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وهم از ام سلمه رض است گفت در آمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

عَلٰى اَبِيْ سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ بَصَرُهٗ فَاَغْمَضَهٗ ثُمَّ قَالَ اِنَّ الرُّوْحَ

بر ابو سلمه حال آنکه تحقیق باز مانده بود چشم ابی سلمه پس فرو خوابانید آنحضرت بصر را پس فرمود

اِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ فَضَجَّ نَاسٌ مِّنْ اَهْلِهٖ فَقَالَ

که جان چون قبض کرده شود در پس روی میکند او را بصر پس بانگ و فریاد کردند مردمان از خانه ابی سلمه

لَا تَدْعُوْا عَلٰى اَنْفُسِكُمْ اِلَّا بِخَيْرٍ فَاِنَّ الْمَلٰٓئِكَةَ

آن حضرت دعا نکنید بر ذاتہائے خود مگر به نیکی زیرا که فرشتگان

يُؤَمِّنُونَ عَلَى مَا تَقُولُونَ ثُمَّ قَالَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِأَبِي سَلَمَةَ
آمین میگویند بر چیزیکه میگویند شما پس گفت آنحضرت خداوندا بیامرز ابی سلمه را
وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبِهِ فِي
و بلند گردان پایه او را در کسانیکه راه راست نموده شده اند و خلیفه شو در پس وی در
الْغَابِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَافْسَحْ لَهُ
باقی ماندگان وی و بیامرز ما را و مر او را ای پروردگار جهانیان و فراخی کن مر او را
فِي قَبْرِهِ وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض
در قبر او و روشن گردان مر او را در قبرش رواه مسلم و روایت است از عائشه صدیقه رض
قَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ تُوُفِّيَ
گفت بدرستی که پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم وقتی که وفات یافت
سُجِّيَ بِبُرْدٍ حِبَرَةٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ
پوشیده شده بچادر حبر یعنی برد یمانی مخطط متفق علیه روایت است از معاذ بن جبل رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ آخِرُ
گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم کسیکه باشد آخر
كَلَامِهِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
سخن او لا اله الا الله می در آید بهشت را روایت کرد آنرا ابو داود
وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ
و روایت است از معقل بن یسار رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقْرَءُوا سُورَةَ يٰسٓ عَلَى مَوْتَاكُمْ رَوَاهُ
علیه و سلم بخوانید سوره یس بر مرده های شما یعنی کسیکه بموت قریب است رواه
أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض
احمد و ابو داود و ابن ماجه و روایت است از عائشه رضی الله عنها



قَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبَّلَ عُثْمَانَ
گفت بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه و سلم بوسه داد عثمان
ابْنَ مَظْعُونٍ وَهُوَ مَيِّتٌ وَهُوَ يَبْكِي حَتَّى سَالَ دُمُوعُ
ابن مظعون را و حال آنکه وی مرده بود و آنحضرت گریه می کرد تا آنکه روان شد اشکهای
النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى وَجْهِ عُثْمَانَ رَوَاهُ
پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بروی عثمان رواه
التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهَا قَالَتْ
ترمذی و ابو داود و ابن ماجه و هم از عائشه رض مرویست که گفت
إِنَّ أَبَا بَكْرٍ رض قَبَّلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ
بدرستی که ابو بکر رض بوسه داد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را و حال آنکه
مَيِّتٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ حُصَيْنِ بْنِ وَحْوَحٍ
آنحضرت مرده بود رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از حصین بن وحوح
أَنَّ طَلْحَةَ بْنَ الْبَرَاءِ مَرِضَ فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
بدرستی که طلحه بن براء انصاری بیمار شد پس آمد او را پیغمبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ يَعُودُهُ فَقَالَ إِنِّي لَا أُرَى طَلْحَةَ إِلَّا قَدْ حَدَثَ بِهِ
و سلم در حالیکه عیادت می کند او را پس فرمود بدرستی که من گمان نمی برم طلحه را مگر آنکه تحقیق
الْمَوْتُ فَآذِنُونِي وَعَجِّلُوا فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِجِيفَةِ
مرگ پس خبر کنید مرا بموت وی و شتابی کنید در تجهیز و تکفین زیرا که سزاوار نیست مرده
مُسْلِمٍ أَنْ تُحْبَسَ بَيْنَ ظَهْرَانَيْ أَهْلِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
مسلمانی را که بند داشته شود میان اهل او و دیگر او مبادا گنده شود رواه ابو داود
وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ جَعْفَرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ
و روایت است از عبد الله بن جعفر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لقنوا موتاكم لا اله الا الله الحليم الكريم

علیه و سلم تلقین کنید مردهاے شما را این کلمه توصیف باین صفت و بشارت بعفو و کرم الهی است تا که اسیر ارجان دیو

سبحان الله رب العرش العظيم والحمد لله رب العلمين

اشارت بعظمت کبریائی حق است تا شوق حضور درگاه عزت و عظمت پیدا شود تا از حمد آن حضرت آباد شده و راضی شد بخصوص معنی رب

قالوا يا رسول الله كيف للاحياء قال اجود واجود رواه ابن ماجة

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چگونه است این اذکار مر زندگان را اگر بیاموزیم تلقین کنیم فرمود بهتر و نیکوتر است رواه ابن ماجه

## باب سكرة الموت وما يلحق الميت بعد موته

باب در بیان سکرات موت و آنچه لاحق می شود مرده را بعد از موت وے

ولو ترى اذ يتوفى الذين كفروا الملئكة يضربون وجوههم

و تعجب می کردے اگر می دیدے چون قبض ارواح کافران میکنند فرشتگان میزنند بر روے ایشان

وادبارهم وذوقوا عذاب الحريق ذلك بما قدمت ايديكم

و بر پشت ایشان و میگویند بچشید عذاب سوزان این بسبب آن کردار است که پیش فرستاده دستهای شما

وان الله ليس بظلام للعبيد ولو ترى اذ الظلمون

و تحقیق که خدای ظلم کننده نیست بر بندگان و تعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان

في غمرات الموت والملئكة باسطوا ايديهم اخرجوا

در شدائد مرگ باشند و فرشتگان دستهای خود دراز می کنند میگویند بیرون آرید

انفسكم اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم

روحهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آن که

تقولون على الله غير الحق وكنتم عن ايته تستكبرون

می گفتید بر خدا ناحق و بسبب آنکه از تصدیق آیات او سرکشی می کردید

ولقد جئتمونا فرادى كما خلقناكم اول مرة وتركتم

و گوئیم هر آئینه آمدید پیش ما تنها چنانچه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید



ما خولناكم وراء ظهوركم ان الذين توفاهم الملئكة

آنچه داده بودیم شما را پس پشت خویش هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند

ظالمي انفسهم قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين

در حالیکه ستمگار بودند بر خویشتن فرشتگان گفتند در چه حال بودید شما گفتند بودیم بیچارگان

في الارض قالوا الم تكن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها

در زمین گفتند آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت میکردید در آن

فاولئك ماواهم جهنم وساءت مصيرا الا

پس این جماعت جای ایشان جهنم است و بد جائیست مگر

المستضعفين من الرجال والنساء والولدان لا يستطيعون

آنانکه بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند

حيلة ولا يهتدون سبيلا فاولئك عسى الله ان

و هیچ راه نمی یابند پس آن جماعت نزدیک است که خدا

يعفو عنهم وكان الله عفوا غفورا ويرسل عليكم

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده و آمرزنده و می فرستد بر شما

حفظة حتى اذا جاء احدكم الموت توفته رسلنا

ملائکه نگاهبان تا وقتیکه بیاید یکے از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما

وهم لا يفرطون ثم ردوا الى الله مولهم الحق

و ایشان تقصیر نمیکنند باز گردانیده شوند مردگان بسوے خداوند ایشان که حق است

الا له الحكم وهو اسرع الحاسبين الله يتوفى

مر اوراست حکم و او شتاب ترین حساب کنندگان است خدا تعالی قبض می کند

الانفس حين موتها والتي لم تمت في منامها فيمسك

ارواح را نزدیک موت آن و آن روح که نه مرده است قبض آن می کند در میان خواب آن پس نگاه میدارد

الَّتِي قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰى اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى

آنرا که حکم موت کرده است بروی وامی گذارد و آن دیگر را تا وقتی معین

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

هر آئینه درین مقدمه نشانهاست برای قومیکه تامل می کنند و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَيِّتُ تَحْضُرُهُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم شخصی که میرد حاضر میشوند او را

الْمَلٰٓئِكَةُ فَاِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَالِحًا قَالُوا اخْرُجِيْ اَيَّتُهَا

فرشتگان پس چون بباشد مرد میرنده نیکوکار میگویند فرشتگان بیرون آئی ای

النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ اخْرُجِيْ حَمِيْدَةً

جان پاک که بوده است در تن پاک. بیرون آئی ستوده نزد خدا

وَاَبْشِرِيْ بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا يَزَالُ

و خوش باش براحت و رزق پاک در بهشت و پروردگار خشم ناکننده پس همیشه است آن نفس

يُقَالُ لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَآءِ

که گفته میشود مراو را کلام مذکور از روح و بشارت تا آنکه بیرون می آید پس برداشته می شود او را بسوی آسمان

فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ هٰذَا فَيَقُوْلُوْنَ فُلَانٌ فَيُقَالُ مَرْحَبًا

پس گشوده میشود برای وی در آسمان پس گفته می شود کیست این پس می گویند ملائکه فلان بن فلان است پس گفته میشود فراخی جای

بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ حَمِيْدَةً وَّاَبْشِرِيْ

جان پاک را که بود در تن پاک در آئی ستوده و خوش باش

بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا تَزَالُ يُقَالُ لَهَا

براحت و رزق و پروردگار خشم نکننده پس همیشه است آن نفس که گفته می شود مراو را

ذٰلِكَ حَتّٰى تَنْتَهِيْ اِلَى السَّمَآءِ الَّتِيْ فِيْهَا اللّٰهُ فَاِذَا كَانَ

آن کلام و برده میشود از آسمانی به آسمان دیگر تا آنکه میرسد تا آسمانیکه در وی خدا است یعنی رحمت خاص تعالی پس چون میباشد



الرَّجُلُ السُّوْءُ قَالَ اخْرُجِيْ اَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيْثَةُ كَانَتْ

مرد بد می گوید یکی از فرشتگان نه ضرر بیرون آئی ای جان پلید که بودی

فِي الْجَسَدِ الْخَبِيْثِ اخْرُجِيْ ذَمِيْمَةً وَّاَبْشِرِيْ بِحَمِيْمٍ

در تن پلید. بیرون آئی نکوهیده و خوش باش آب گرم

وَّغَسَّاقٍ وَّاٰخَرَ مِنْ شَكْلِهٖ اَزْوَاجٌ فَمَا تَزَالُ يُقَالُ

و ریم و بعذاب دیگر که مشابه عذاب مذکور اند طرح بطرح پس همیشه است که گفته می شود

لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَآءِ فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ

نفس را این کلمه تا آنکه بیرون می آید پس برداشته میشود او را بسوی آسمان پس گشاده میشود برای وی در آسمان پس گفته میشود کیست

هٰذَا فَيُقَالُ فُلَانٌ فَيُقَالُ لَا مَرْحَبًا بِالنَّفْسِ الْخَبِيْثَةِ كَانَتْ فِي

این پس گفته میشود که فلان بن فلان است پس گفته میشود که مباد فراخی جای جان پلید را که بود در

الْجَسَدِ الْخَبِيْثِ ارْجِعِيْ ذَمِيْمَةً فَاِنَّهَا لَا تُفْتَحُ لَكِ

تن پلید بگرد نکوهیده زیرا که گشاده نشود برای تو

اَبْوَابُ السَّمَآءِ فَتُرْسَلُ مِنَ السَّمَآءِ ثُمَّ تَصِيْرُ اِلَى الْقَبْرِ

درهای آسمان پس فرستاده و انداخته میشود بر زمین از آسمان پس باز میگردد بسوی قبر

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایه ابن ماجه و هم از ابی هریره روایت است هر آینکه پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا خَرَجَتْ رُوْحُ الْمُؤْمِنِ تَلَقَّاهَا

علیه وسلم فرمود چون بیرون می آید جان مسلمان پیش می آیند او را

مَلَكَانِ يُصْعِدَانِهَا قَالَ حَمَّادٌ فَذَكَرَ مِنْ طِيْبِ رِيْحِهَا

دو فرشته که بالا میبرند آنرا گفت حماد که یکی از راویان حدیث است پس ذکر کرده ابوهریره یا آنحضرت از خوشی بوی وی

وَذَكَرَ الْمِسْكَ قَالَ وَيَقُوْلُ اَهْلُ السَّمَآءِ رُوْحٌ طَيِّبَةٌ

و ذکر کرده مشک را گفت ابوهریره یا آنحضرت و میگویند آسمانیان با نیست پاک

جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ الْاَرْضِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكِ وَعَلٰى جَسَدٍ

کہ آمدہ است از جانب زمین درود فرستد خدا تعالی بر تو و بر تنے

كُنْتِ تَعْمُرِيْنَهٗ فَيُنْطَلَقُ بِهٖ اِلٰى رَبِّهٖ ثُمَّ يَقُوْلُ انْطَلِقُوْا

کہ آباد داشتی زندہ میداشتی تو آنرا پس پیش بردہ میشود او را بسوی پروردگار وے پس میگوید ببرید

بِهٖ اِلٰى اٰخِرِ الْاَجَلِ قَالَ وَاِنَّ الْكَافِرَ اِذَا خَرَجَتْ رُوْحُهٗ

او را بسوی آخرت کہ مراد از ان قیامت است فرمود آنحضرت و بدرستیکہ کافر چون بیرون می آید روح او

قَالَ حَمَّادٌ وَذَكَرَ مِنْ نَتْنِهَا وَذَكَرَ لَعْنًا وَيَقُوْلُ اَهْلُ

گفت حماد و ذکر کرد ابو ہریرہ یا آنحضرت از بوی ناخوش آن روح و ذکر کرد لعنت را و می گویند

السَّمَاءِ رُوْحٌ خَبِيْثَةٌ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ الْاَرْضِ فَيُقَالُ

آسمانیان جانیست پلید کہ آمدہ است از جانب زمین پس گفتہ میشود

انْطَلِقُوْا بِهٖ اِلٰى اٰخِرِ الْاَجَلِ قَالَ اَبُوْ هُرَيْرَةَ فَرَدَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ببرید او را بسوی آخرت کہ مراد بآن قیامت است گفت ابو ہریرہ پس باز گردانید آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَيْطَةً كَانَتْ عَلَيْهِ عَلٰى اَنْفِهٖ

صلی اللہ علیہ وسلم چادری کہ بود بروی بر بینی خود

هٰكَذَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

ہمچنین روایت کردہ مسلم و ہم از ابی ہریرہ روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا حُضِرَ الْمُؤْمِنُ اَتَتْ مَلٰئِكَةُ

اللہ علیہ وسلم چون حاضر کردہ میشود مومن یعنی حاضر میشود او را موت آیند ملائکہ

الرَّحْمَةِ بِحَرِيْرَةٍ بَيْضَاءَ فَيَقُوْلُوْنَ اخْرُجِيْ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

رحمت با ابریشم پارہ سفید پس میگویند فرشتگان بیرون آی خوشنود از خدا و خوشنودی کردہ شدہ

عَنْكِ اِلٰى رَوْحِ اللّٰهِ وَرَيْحَانٍ وَرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَتَخْرُجُ

از تو بسوی راحت کہ از جانب خدا است و بسوی رزق روحانی و پروردگار خشم نکنندہ پس بیرون می آید



كَاَطْيَبِ رِيْحِ الْمِسْكِ حَتّٰى اَنَّهٗ لَيُنَاوِلُهٗ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

روح ہمچو بہترین بوی مشک تا آنکہ ہر آئینہ میدہند آن روح را بعضے از فرشتگان ببعضے یعنی دست بدست

حَتّٰى يَاْتُوْا بِهٖ اَبْوَابَ السَّمَاءِ فَيَقُوْلُوْنَ مَا اَطْيَبَ هٰذِهِ الرِّيْحَ الَّتِيْ

تا آنکہ می آرند او را نزد درہاے آسمان پس می گویند ملائکہ چہ خوش است این بوی کہ

جَاءَتْكُمْ مِنَ الْاَرْضِ فَيَاْتُوْنَ بِهٖ اَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِيْنَ فَلَهُمْ

آمدہ است شما را از زمین پس می آرند او را نزد ارواح مومنان پس ہر آئینہ ارواح مومنان

اَشَدُّ فَرَحًا مِنْ اَحَدِكُمْ بِغَائِبِهٖ يَقْدَمُ عَلَيْهِ فَيَسْاَلُوْنَهٗ

سخت تر اند از روی شادمانی از یکے از شما بغایب خود کہ باز می آید از سفر بروی پس میپرسند او را

مَاذَا فَعَلَ فُلَانٌ مَاذَا فَعَلَ فُلَانٌ فَيَقُوْلُوْنَ دَعُوْهُ فَاِنَّهٗ

چہ شد و چہ حال دارد فلان و فلان نام آنہاے برند و حال ایشان می پرسند پس میگویند کہ بگذارید

فِيْ غَمِّ الدُّنْيَا فَيَقُوْلُ قَدْ مَاتَ اَمَا اَتَاكُمْ فَيَقُوْلُوْنَ قَدْ

در غم دنیا است پس میگوید بتحقیق مردہ است آن آیا نیامدہ است پیش شما پس میگویند بتحقیق

ذُهِبَ بِهٖ اِلٰى اُمِّهِ الْهَاوِيَةِ وَاِنَّ الْكَافِرَ اِذَا احْتُضِرَ

بردہ شدہ او را بسوی ہاویہ کہ آتش دوزخ است و بدرستیکہ کافر وقتیکہ حاضر میشود او را موت

اَتَتْهُ مَلٰئِكَةُ الْعَذَابِ بِمِسْحٍ فَيَقُوْلُوْنَ اخْرُجِيْ سَاخِطَةً

می آیند او را ملائکہ عذاب بپلاس درشت پس میگویند بروح کافر بیرون آی ناخوشنود

مَسْخُوْطًا عَلَيْكِ اِلٰى عَذَابِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَتَخْرُجُ كَاَنْتَنِ

و ناخوشنودی کردہ شدہ بر تو بسوے عذاب خدا عز و جل پس بیرون می آید روح بچو ناخوش ترین گندہ ترین

رِيْحِ جِيْفَةٍ حَتّٰى يَاْتُوْنَ بِهٖ اِلٰى بَابِ الْاَرْضِ فَيَقُوْلُوْنَ

بوے مردہ تا آنکہ می آرند او را نزد در زمین پس می گویند

مَا اَنْتَنَ هٰذِهِ الرِّيْحَ حَتّٰى يَاْتُوْنَ بِهٖ اَرْوَاحَ الْكُفَّارِ رَوَاهُ

چہ گندہ است این بوئے تا آنکہ می آرند او را نزد ارواح کافران رواہ

أَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ خَرَجْنَا مَعَ

احمد و النسائی و روایت است از براء ابن عازب رض گفت بیرون آمدیم ما

النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةِ رَجُلٍ مِّنَ الْأَنْصَارِ

با آنحضرت صلی الله علیه وسلم در جنازه مردے از انصار

فَانْتَهَيْنَا إِلَى الْقَبْرِ وَلَمْ يُلْحَدْ فَجَلَسَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

پس آخر رسیدیم تا قبر و لحد کرده نشده بود پس نشست پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ كَأَنَّ عَلَى رُءُوْسِنَا الطَّيْرُ

علیه وسلم و نشستیم اگر دآن حضرت سر فرو برده گویا بر سرها پرنده نشسته است

وَفِي يَدِهِ عُوْدٌ يَنْكُتُ بِهِ فِي الْأَرْضِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ

و در دست آن حضرت چوبی بود که می کاوید و خطای کشید بآن چوب زمین پس برداشت سر خود را پس

اِسْتَعِيْذُوْا بِاللهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلٰثًا ثُمَّ قَالَ

پناه جوئید بخدا از عذاب قبر دو بار گفت این سخن را یا سه بار پس گفت آنحضرت

إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِّنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالٍ

بدرستیکه بنده مسلمان وقتی که می باشد در بریدگی از دنیا و می باشد در روآوردن

مِّنَ الْاٰخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مَلٰٓئِكَةٌ مِّنَ السَّمَاءِ بِيْضُ الْوُجُوْهِ

با آخرت فرود می آیند بسوے وی فرشتگان از آسمان که روهای ایشان سفید است

كَأَنَّ وُجُوْهَهُمُ الشَّمْسُ مَعَهُمْ كَفَنٌ مِّنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ

گویا که روهای ایشان آفتاب است با ایشان کفنی است از کفنهاے بهشت

وَحَنُوْطٌ مِّنْ حَنُوْطِ الْجَنَّةِ حَتّٰى يَجْلِسُوْا مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ

و حنوطی است از حنوطهاے بهشت تا آنکه می نشینند این فرشتگان از میت دور تا درازی بصر

ثُمَّ يَجِيْءُ مَلَكُ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتّٰى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُوْلُ

باز می آید فرشته موت که عزرائیل است تا آنکه می نشیند نزد سر میت پس می گوید



أَيَّتُهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ اخْرُجِيْ إِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّنَ اللهِ وَرِضْوَانٍ

ای جان پاک بیرون آی بسوے آمرزش از خدا و رضاے عظیم از وے فرمود

قَالَ فَتَخْرُجُ تَسِيْلُ كَمَا تَسِيْلُ الْقَطْرَةُ مِنَ السِّقَاءِ فَيَأْخُذُهَا

آن حضرت پس بیرون آید روح در حالیکه روان میشود چنانکه روان میگردد آب از مشک پس میگیرد ملک الموت آنرا

فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوْهَا فِيْ يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتّٰى يَأْخُذُوْهَا

پس چون میگیرد ملک الموت آنرا نمیگذارند فرشتگان آن روح را در دست ملک الموت یک زدن تا آنکه میگیرند فرشتگان

فَيَجْعَلُوْهَا فِيْ ذٰلِكَ الْكَفَنِ وَفِيْ ذٰلِكَ الْحَنُوْطِ وَتَخْرُجُ مِنْهَا

پس میکنند آن روح را در آن کفن و در آن حنوط و بیرون آید از آن روح رایحه که

كَأَطْيَبِ نَفْحَةِ مِسْكٍ وُجِدَتْ عَلٰى وَجْهِ الْأَرْضِ قَالَ

اینچو خوشبوترین دمیدن بوے مشک که یافته شده است بر روے زمین فرمود آن حضرت

فَيَصْعَدُوْنَ بِهَا فَلَا يَمُرُّوْنَ يَعْنِيْ بِهَا عَلٰى مَلَإٍ مِّنَ

پس بالا می برند فرشتگان آنرا پس نمیگذرند فرشتگان یعنی با روح بر هیچ جماعتے از

الْمَلٰٓئِكَةِ إِلَّا قَالُوْا مَا هٰذَا الرُّوْحُ الطَّيِّبُ فَيَقُوْلُوْنَ فُلَانُ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح پاک پس میگویند فلان

ابْنُ فُلَانٍ بِأَحْسَنِ أَسْمَائِهِ الَّتِيْ كَانُوْا يُسَمُّوْنَهُ بِهَا فِي

ابن فلان است میخوانند آنرا به نیکوترین نامهائی وی که میخواندند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتّٰى يَنْتَهُوْا بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَسْتَفْتِحُوْنَ

دنیا تا آنکه میرسند با وے تا آسمان که فرودترین آسمانهاست پس طلب در کشادن میکنند

لَهٗ فَيُفْتَحُ لَهُمْ فَيُشَيِّعُهٗ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مُّقَرَّبُوْهَا إِلَى السَّمَاءِ

برای وے پس کشاده می شود در برای ایشان پس متابعت میکنند او را از هر آسمان مقربان

الَّتِيْ تَلِيْهَا حَتّٰى يُنْتَهٰى بِهٖ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَيَقُوْلُ اللهُ

که متصل است تا آنکه با آخر رسیده می شود بآن روح تا آسمان هفتم پس میگوید خدا تعالی

عزّ وجلّ اكتبوا كتاب عبدي في علّيّين واعيدوه الى
بنويسيد نامهٔ بندهٔ مرا در علّيين كه نام موضعي است در آسمان و باز گردانيد او را
الارض فاني منها خلقتهم وفيها اعيدهم ومنها اخرجهم
بسوے زمين زيرا كه من از زمين پيدا كرده ام آدميان را و در زمين باز ميگردانم ايشان را
تارةً اخرى قال فتعاد روحه في جسده فيأتيه ملكان
بار ديگر فرمود آنحضرت پس باز گردانيده ميشود روح وے در تن وے پس مي آيند ميت را دو فرشته
فيجلسانه فيقولان له من ربّك فيقول ربّي الله
پس مي نشانند او را پس مي گويند او را كيست پروردگار تو پس ميگويد بنده پروردگار من خدا است
فيقولان له ما دينك فيقول ديني الاسلام فيقولان
پس ميگويند او را چيست دين تو پس ميگويد دين من اسلام است پس ميگويند
له ما هذا الرجل الذي بعث فيكم فيقول هو رسول الله
او را چيست اين مردے كه برانگيخته شده است در شما پس ميگويد بيت وے پيغمبر خدا است
فيقولان له وما علمك فيقول قرأت كتاب الله فامنت
پس ميگويند او را چيست دليل دانستن تو رسالت وے را پس ميگويد ميت خواندم كتاب خدا را كه قرآن است
به وصدّقت فينادي منادٍ من السماء ان صدق عبدي
با او و راست گو دانستم پس آواز مي دهد آواز دهنده از آسمان كه راست گفت بندهٔ من
فافرشوه من الجنّة والبسوه من الجنّة وافتحوا له بابًا
پس فرش گردانيد بندهٔ مرا از بهشت و بپوشانيد او را لباسي از بهشت و بگشائيد براے وي درے
الى الجنّة قال فيأتيه من روحها وطيبها ويفتح له في
بسوے بهشت فرمود آنحضرت پس مي آيد او را از راحت بهشت و خوشبوي بهشت پس گشاده ميشود براے وي
قبره مدّ بصره قال ويأتيه رجل حسن الوجه حسن الثياب
در قبر وے تا دراز ي بصر فرمود آنحضرت و مي آيد او را مردے نيك روے نيكو جامه



طيّب الريح فيقول ابشر بالذي يسرّك هذا يومك
خوشبوي پس ميگويد آن مرد كه مژده باد ترا با نچه شادمان گرداند ترا اين روز تست
الذي كنت توعد فيقول له من انت فوجهك الوجه
كه وعده كرده ميشدي تو پس ميگويد مرده مر آن مرد را كه چه كسے تو پس روے تو روے كامل در حسن است
يجيء بالخير فيقول انا عملك الصالح فيقول ربّ اقم
كه مي آرد نيكي را پس ميگويد آن مرد كه من عمل نيك توام پس مي گويد اے پروردگار برپا كن
الساعة اقم الساعة حتى ارجع الى اهلي ومالي قال
قيامت كه كنايت از احيا است تا آنكه باز برگردم بسوے اهل خود و بسوے مال خود فرمود آنحضرت
وانّ العبد الكافر اذا كان في انقطاعٍ من الدنيا
بدرستيكه بندهٔ كافر وقتے كه مي باشد در بريدگي از دنيا
واقبالٍ من الآخرة نزل اليه من السماء ملئكة سود
و روے آوردن از آخرت فرود مي آيند بسوے وي از آسمان فرشتگان سياه
الوجوه معهم المسوح فيجلسون منه مدّ البصر
روے و با ايشان پلاسهاست و مي نشينند از ميت تا آنجا كه نظر كار مي كند
ثم يجيء ملك الموت حتى يجلس عند رأسه فيقول
پس تر مي آيد ملك الموت تا آنكه مي نشيند نزد سر او پس مي گويد
ايّتها النفس الخبيثة اخرجي الى سخطٍ من الله قال
اي جان خبيث بيرون آي بسوي خشم و ناخوشنودي از خدا فرمود آنحضرت
فتفرّق في جسده فينتزعها كما ينتزع السفّود من
پس پريشان مي شود روح در جسد كافر پس بيكشد آن روح را ملك الموت چنانكه كشيده ميشود سيخ آهن از
الصوف المبلول فيأخذها فاذا اخذها لم يدعوها
پشم تر پس بگيرد ملك الموت آن روح را پس چون بگيرد ملك الموت آن روح را نميگذارند فرشتگان آن روح را

فِي يَدِهٖ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتّٰى يَجْعَلُوْهَا فِيْ تِلْكَ الْمُسُوْحِ
دردست او چشم زدن تا آنکه می کنند فرشتگان آن روح را دریں مسوح
وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَنْتَنِ رِيْحِ جِيْفَةٍ وُجِدَتْ عَلٰى وَجْهِ
وبیرون می آید ازاں روح رائحہ بچو بدبوے تریں مردار کہ یافتہ می شود بروے
الْأَرْضِ فَيَصْعَدُوْنَ بِهَا فَلَا يَمُرُّوْنَ بِهَا عَلٰى مَلَأٍ مِّنَ
زمین پس بالا می برند فرشتگان اورا پس نمی گذرند فرشتگان باو برجماعتے از
الْمَلٰئِكَةِ إِلَّا قَالُوْا مَا هٰذَا الرُّوْحُ الْخَبِيْثَةُ فَيَقُوْلُوْنَ
فرشتگان مگر آنکہ می گویند چیست ایں روح خبیث پس می گویند فرشتگان ہمراہیان کہ
فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِأَقْبَحِ أَسْمَائِهِ الَّتِيْ كَانَ يُسَمّٰى بِهَا فِي
فلان بن فلان است میخواندند آنرا بہ بدتریں نامہاے کہ میخواندند اورا بدیں نامہا در
الدُّنْيَا حَتّٰى يُنْتَهٰى بِهٖ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيُسْتَفْتَحُ لَهٗ
دنیا بمذمت تا آنکہ میرسند باوی تا آسمان دنیا پس طلب درکشادن میکنند براے وے
فَلَا يُفْتَحُ لَهٗ ثُمَّ قَرَأَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
پس کشادہ نمی شود دربراے اوی پس تر خواند پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم
لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ حَتّٰى
کشادہ نمی شود براے کافراں درہاے آسمان و درنمی آیند کافراں در بہشت تا آنکہ
يَلِجَ الْجَمَلُ فِيْ سَمِّ الْخِيَاطِ فَيَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ
درآید شتر باں عظمت در سوراخ سوزن پس بگوید حق تعالیٰ بزرگ و بلند
اُكْتُبُوْا كِتَابَهٗ فِيْ سِجِّيْنٍ فِي الْأَرْضِ السُّفْلٰى فَتُطْرَحُ
بنویسید نامہ اورا در سجین کہ نام جاے است در تحت زمین پایین ترین پس انداختہ میشود
رُوْحُهٗ طَرْحًا ثُمَّ قَرَأَ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ
روح کافر انداختنی سخت پس تر خواند آنحضرت ایں آیت را کہ ہرکہ شرک کرد با خدا پس گویا [illegible]



مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِيْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ مَكَانٍ
از آسمان پس میربایند اورا پرندگان یا می اندازد اورا باد در جاے
سَحِيْقٍ فَتُعَادُ رُوْحُهٗ فِيْ جَسَدِهٖ وَيَأْتِيْهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهٖ
دور پس عود کردہ میشود روح او درتن او و می آید اورا دو فرشتہ پس می نشانند او
فَيَقُوْلَانِ لَهٗ مَنْ رَّبُّكَ فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ
پس میگویند اورا کیست پروردگار تو پس میگوید کافر آہ آہ کہ کلمہ حسرت و تحیر است نمی دانم
لَهٗ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ فِيْكُمْ فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِيْ
مر اورا چیست حال ایں مرد کہ برانگیختہ شدہ است در شما پس میگوید کافر آہ آہ در نیافتم کیست
فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ أَنْ كَذَبَ فَافْرِشُوْهُ مِنَ النَّارِ
پس آواز می دہد آواز دہندہ از آسمان کہ دروغ گفت پس فرش گردانید براے وی از آتش
وَافْتَحُوْا لَهٗ بَابًا إِلَى النَّارِ فَيَأْتِيْهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُوْمِهَا
و بکشائید براے او دری بسوے آتش پس می آید بروی از حرارت دوزخ و باد گرم از آتش
وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهٗ حَتّٰى تَخْتَلِفَ فِيْهِ أَضْلَاعُهٗ وَيَأْتِيْهِ
و تنگ گردانیدہ میشود بر کافر قبر او تا آنکہ درہم شکند در وی استخوانہاے پہلوی وی و می آید اورا
رَجُلٌ قَبِيْحُ الْوَجْهِ قَبِيْحُ الثِّيَابِ مُنْتِنُ الرِّيْحِ فَيَقُوْلُ
مردے بدشکل بد جامہ گندہ بوے پس می گوید آں مرد
أَبْشِرْ بِالَّذِيْ يَسُوْءُكَ هٰذَا يَوْمُكَ الَّذِيْ كُنْتَ تُوْعَدُ
مژدہ باد ترا بانچہ کہ غمگین گرداند ترا ایں روز تست کہ وعدہ کردہ می شدی تو
فَيَقُوْلُ مَنْ أَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ يَجِيْءُ بِالشَّرِّ فَيَقُوْلُ
پس می گوید میت کافر کیست تو پس روے تو روے کامل است در آوردن بدی آرد از تو شر را پس می
أَنَا عَمَلُكَ الْخَبِيْثُ فَيَقُوْلُ رَبِّ لَا تُقِمِ السَّاعَةَ وَفِيْ رِوَايَةٍ
گوید من عمل بد توام پس میگوید میت کافر اے پروردگار من قائم مکن قیامت را و در روایتی دیگر

نحوه وزاد فيه اذا خرج روحه صلى عليه كل ملك بين

مانند آنچه که مذکور شده است و زیاده کرد در وی که چون بیرون آید جان مومن درود می فرستد بر وی هر

السماء والارض وكل ملك في السماء وفتحت ابواب السماء

آسمان و زمین است و هر فرشته که در آسمان است و گشاده شود در های وی در های آسمان

ليس من اهل باب الا وهم يدعون الله ان يعرج بروحه

نیست هیچ جماعت از اهل هیچ دراز درهای آسمان مگر آنکه ایشان میخواهند خدا را و دعا میکنند که برده شود

من قبلهم وتنزع نفسه يعني الكافر مع العروق

از جانب ایشان و کشیده میشود جان وے یعنی جان کافر با رگهاے او

فيلعنه كل ملك بين السماء والارض وكل ملك في

پس لعنت می کنند او را هر فرشته که میان آسمان و زمین است و هر فرشته که در میان

السماء وتغلق ابواب السماء ليس من اهل باب الا وهم

آسمان است و بسته می شود درهاے آسمان نیستند از اهل هر در مگر آنکه ایشان

يدعون الله ان لا يعرج روحه من قبلهم رواه احمد

میخوانند خدا را و دعا کنند که نه برداشته شود روح او از جانب ایشان رواه احمد

وعن عبد الرحمن بن كعب عن ابيه قال لما حضرت

و روایت است از عبد الرحمن بن کعب از پدر خود گفت هرگاه که حاضر شد

كعباً الوفاة اتته ام بشر بنت البراء بن معرور

کعب را وفات آمد او را ام بشر بنت براء بن معرور

فقالت يا ابا عبد الرحمن ان لقيت فلاناً فاقرأ عليه

پس گفت اے ابا عبد الرحمن اگر ملاقات بکنی فلاں را پس بخوان بر وے

مني السلام فقال غفر الله لك يا ام بشر نحن اشغل

از جانب من سلام پس گفت کعب بن مالک بیامرزد ترا خدا تعالی اے ام بشر ما مشغول تریم



من ذلك فقالت يا ابا عبد الرحمن اما سمعت رسول الله

از آنکه سلام و پیام برسانم پس گفت ام بشر اے ابو عبد الرحمن آیا نشنیدی تو آنحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول ان ارواح المؤمنين في طير

صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه ارواح مومنان نهاده شوند درون پرندگان

خضر تعلق بشجر الجنة قال بلى قالت فهو ذلك رواه

سبز که میچرند در درختان بهشت را گفت آرے شنیدم گفت ام بشر پس این آن فضل کرم است رواه

ابن ماجة والبيهقي في كتاب البعث والنشور

ابن ماجه و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وعن ابيه انه كان يحدث ان رسول الله صلى الله

و روایت است از پدر وے بدرستیکه او بود که حدیث میکرد بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم قال انما نسمة المؤمن طير تعلق في شجر الجنة

علیه وسلم فرمود نیست روح مومن مگر طیر که می چرد در درختان بهشت

حتى يرجعه الله في جسده يوم يبعثه رواه مالك

تا آنکه باز میگرداند او را خدا تعالی در تن او روزے که برانگیزد او را از خاک رواه مالک

والنسائي والبيهقي في كتاب البعث والنشور

و نسائی و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وعن محمد بن المنكدر قال دخلت على جابر بن

و روایت است از محمد بن منکدر گفت در آمدم بر جابر بن

عبد الله رض وهو يموت فقلت اقرأ على رسول الله

عبد الله رض حال آنکه وے می میرد پس گفتم بخوان بر آنحضرت

صلى الله عليه وسلم السلام رواه ابن ماجة

صلی الله علیه وسلم سلام را از جانب ما رواه ابن ماجه

وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

در روایت است از بریده رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ الْمُؤْمِنُ يَمُوْتُ بِعَرَقِ الْجَبِيْنِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَ

وسلم مومن بمیرد بعرق پیشانی روایه ترمذی و

النَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

نسائی و ابن ماجه و روایت است از عبدالله بن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَحَدَكُمْ اِذَا مَاتَ عُرِضَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه یکے از شما چون بمیرد ظاهر کرده شود

عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ اِنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ

بروے نشست گاه او بامداد و شبانگاه اگر باشد آن شخص از اهل بهشت

فَمِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَاِنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ النَّارِ فَمِنْ اَهْلِ النَّارِ

پس باشد جاے او از بهشت و اگر باشد آنکس از اهل دوزخ پس باشد جاے نشست او از دوزخ

هٰذَا مَقْعَدُكَ حَتّٰى يَبْعَثَكَ اللّٰهُ اِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ

گفته شود که این جاے نشست تو است تا آنکه برانگیزد ترا خدا تعالی بسوے خود روز قیامت متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

علیه است و روایت کرده شده است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ اَتَاهُ مَلَكَانِ اَسْوَدَانِ

صلی الله علیه وسلم چون نهاده میشود میت در قبر می آیند او را دو فرشته در صورت آدمی سیاه رنگ

اَزْرَقَانِ يُقَالُ لِاَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَلِلْاٰخَرِ النَّكِيْرُ فَيَقُوْلَانِ

کبود چشم گفته میشود مر یکے را از ایشان منکر و دیگرے را نکیر پس میگویند آن هردو

مَا كُنْتَ تَقُوْلُ فِيْ هٰذَا الرَّجُلِ فَيَقُوْلُ هُوَ عَبْدُ اللّٰهِ وَرَسُوْلُهُ

چه بود که میگفتی در حال این مرد پس میگوید میت که آنمرد بنده خدا و پیغمبر او است



اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ فَيَقُوْلَانِ

گواهی میدهم بآنکه نیست هیچ معبود مگر خداے و گواهی میدهم که محمد بنده خدا و رسول او است پس میگویند هردو فرشته

قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ اَنَّكَ تَقُوْلُ هٰذَا ثُمَّ يُفْسَحُ لَهُ فِيْ قَبْرِهِ سَبْعُوْنَ

که بدرستیکه بودیم بدانستیم که بتحقیق تو میگوئی این پس فراخ کرده میشود براے وے در قبر وے هفتاد

ذِرَاعًا فِيْ سَبْعِيْنَ ثُمَّ يُنَوَّرُ لَهُ فِيْهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ نَمْ ثُمَّ

ذراع در هفتاد ذراع پس منور و روشن کرده شود در قبر او پس گفته میشود براے وے که خواب کن پس

يَقُوْلُ اَرْجِعُ اِلٰى اَهْلِيْ فَاُخْبِرُهُمْ فَيَقُوْلَانِ نَمْ كَنَوْمَةِ الْعَرُوْسِ

میگوید که باز میروم بسوے اهل خانه من پس خبر میدهم ایشان را پس میگویند هردو فرشته خواب کن همچو خواب عروس

الَّذِيْ لَا يُوْقِظُهُ اِلَّا اَحَبُّ اَهْلِهِ اِلَيْهِ حَتّٰى يَبْعَثَهُ اللّٰهُ مِنْ

که بیدار نمی کند او را مگر محبوب ترین از اهل وے بسوے وے یعنے زوج تا آنکه برخیزاند او را خدا تعالی از

مَضْجَعِهِ ذٰلِكَ وَاِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُوْلُوْنَ

جاے آرام او که این است و اگر باشد آن میت منافق میگوید در جواب فرشته که شنیدم من مردمان را که میگفتند

قَوْلًا فَقُلْتُ مِثْلَهُ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ اَنَّكَ

قولے پس گفتم من مثل آن قول نمیدانم از واقعیت پس میگویند بتحقیق می دانستیم که تو

تَقُوْلُ ذٰلِكَ فَيُقَالُ لِلْاَرْضِ الْتَئِمِيْ فَتَلْتَئِمُ عَلَيْهِ فَتَخْتَلِفُ

میگوئی همچنین پس گفته میشود مر زمین را که برهم آبرد وے پس با هم برمی آید و می پیچد زمین بر وے پس مختلف میشود

اَضْلَاعُهُ فَلَا يَزَالُ فِيْهَا مُعَذَّبًا حَتّٰى يَبْعَثَهُ اللّٰهُ مِنْ مَضْجَعِهِ

پهلوے وے پس همیشه باشد آن میت در آن قبر عذاب کرده شده تا آنکه برانگیزد او را خدا از آن جاے

ذٰلِكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض

وے روایه ترمذی و روایت است از براء بن عازب رض

عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ

از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون بمیرد مرد مومن

يَاتِيْهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهٖ فَيَقُوْلَانِ لَهٗ مَا دِيْنُكَ فَيَقُوْلُ

می آید آن را دو فرشته پس می نشانند او را پس میگویند مر او را که چیست دین تو پس میگوید دین

دِيْنِيَ الْإِسْلَامُ فَيَقُوْلَانِ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ

دین من اسلام است پس میگویند چیست حال این مرد که برانگیخته شده است

فِيْكُمْ فَيَقُوْلُ هُوَ رَسُوْلُ اللّٰهِ فَيَقُوْلَانِ لَهٗ وَمَا يُدْرِيْكَ

در شما پس میگوید روشن که وے فرستادهٔ خدا است پس میگویند مر او را چه در یافت ترا که رسول خدا است

فَيَقُوْلُ قَرَأْتُ كِتَابَ اللّٰهِ فَاٰمَنْتُ بِهٖ وَصَدَّقْتُ فَذٰلِكَ

پس میگوید بدو روشن خواندم کتاب خدا را پس ایمان آوردم بوے و گرویدم پس آنست مراد

قَوْلُهٗ تَعَالٰى يُثَبِّتُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي

بقول خداوند تعالی مراد تثبیت درین قول جواب فرشتگان است در قبر

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا الاية قَالَ فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَآءِ

بر آن وجه که مذکور شده فرمود آنحضرت پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان

اَنْ صَدَقَ عَبْدِيْ فَافْرِشُوْهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْبِسُوْهُ مِنَ

که راست گفت بندهٔ من بگسترانید برائے بنده فرشے از فرشهای بهشت و بپوشانید او را از

الْجَنَّةِ وَافْتَحُوْا لَهٗ بَابًا اِلَى الْجَنَّةِ فَيُفْتَحُ لَهٗ قَالَ فَيَاْتِيْهِ

پوششهای جنت و بکشائید برائے وے درے بسوے بهشت پس کشاده شود برائے وے در پس فرمود آنحضرت پس

مِنْ رَوْحِهَا وَطِيْبِهَا وَيُفْسَحُ لَهٗ فِيْهَا مَدَّ بَصَرِهٖ وَاَمَّا

اندراحت بهشت و نسیم آن و فراخ کرده شود او را در جانب بهشت تا غایتے که میرسد نظر وے و لیکن

الْكَافِرُ فَذَكَرَ مَوْتَهٗ قَالَ وَيُعَادُ رُوْحُهٗ فِيْ جَسَدِهٖ وَ

کافر پس ذکر کرد آنحضرت مرگ او را فرمود باز آورده میشود روح او در تن وے و

يَاْتِيْهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهٖ فَيَقُوْلَانِ مَنْ رَّبُّكَ فَيَقُوْلُ

می آیند وے را دو فرشته پس می نشانند او را پس میگویند کیست پروردگار تو پس میگوید کافر



هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ لَهٗ مَا دِيْنُكَ فَيَقُوْلُ هَاهْ

آه آه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند مر او را چیست دین تو پس میگوید آه

هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ فِيْكُمْ

آه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند چیست حال این مرد که برانگیخته شده است در شما

فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَآءِ اَنْ

پس میگوید آه آه نمی دانم و در نمی یابم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که

كَذَبَ فَافْرِشُوْهُ مِنَ النَّارِ وَالْبِسُوْهُ مِنَ النَّارِ وَافْتَحُوْا لَهٗ

دروغ گفت این کافر پس بگسترانید فرشے برائے وے از آتش و بپوشانید او را از پوششهای دوزخ و بکشائید برائے وی

بَابًا اِلَى النَّارِ قَالَ فَيَاْتِيْهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُوْمِهَا قَالَ

درے بسوے دوزخ فرمود آنحضرت پس می آید او را از گرمی و تاب آتش و باد گرم آن گفت آنحضرت

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهٗ حَتّٰى تَخْتَلِفَ فِيْهِ اَضْلَاعُهٗ ثُمَّ

و تنگ کرده میشود بر کافر گور او تا آنکه مختلف و متبدل گردد در قبر وے استخوان هاے او پس تر

يُقَيَّضُ لَهٗ اَعْمٰى وَاَصَمُّ مَعَهٗ مِرْزَبَّةٌ مِّنْ حَدِيْدٍ

مسلط گردانیده میشود بر وے کور و کر که نمی شنود و گرزی نهد آهنین باو او باوے گلوخ کوب است از آهن

لَوْ ضُرِبَ بِهَا جَبَلٌ لَّصَارَ تُرَابًا فَيَضْرِبُهٗ بِهَا ضَرْبَةً

اگر زده شود بر کوهے بر آئینه میگردد خاک پس میزند او را بآن زدنی

يَسْمَعُهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اِلَّا الثَّقَلَيْنِ فَيَصِيْرُ

میشود آواز زدن را هر چه در میان مشرق و مغرب است مگر جن و انس پس میگردد کافر

تُرَابًا ثُمَّ يُعَادُ فِيْهِ الرُّوْحُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاؤُدَ وَعَنْ

خاک پس تر باز آورده میشود روح در بدن او روایه احمد و ابو داؤد و روایت است

عُثْمَانَ رضي الله عنه اَنَّهٗ كَانَ اِذَا وَقَفَ عَلٰى قَبْرٍ بَكٰى حَتّٰى يَبُلَّ لِحْيَتَهٗ

از عثمان رضی الله عنه که بود وے رضی چون می ایستاد بر سر گورے میگریست تا آنکه تر میساخت ریش خود را

فَقِيْلَ لَهُ تَذْكُرُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ فَلَا تَبْكِيْ وَتَبْكِيْ مِنْ هٰذَا

پس گفته شد او را که ذکر میکنی بهشت را و دوزخ را پس نمیگریی و گریه میکنی از این یعنی از استادن بر قبر

فَقَالَ اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ الْقَبْرَ

پس گفت بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه قبر

اَوَّلُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِ الْاٰخِرَةِ فَاِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهٗ

نخستین منزل است از منزلهای آخرت پس اگر کسی برست از عذاب قبر پس چیزیکه پس از وی است

اَيْسَرُ مِنْهُ وَاِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهٗ اَشَدُّ مِنْهُ وَقَالَ

آسان تر است و اگر نرست از عذاب قبر پس آنچه بعد از وست سخت تر است از آن و گفت عثمان رض

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا رَاَيْتُ مَنْظَرًا قَطُّ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ندیده ام هیچ نظرگاه هرگز زشت

اِلَّا وَالْقَبْرُ اَفْظَعُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

مگر آنکه گور زشت تر است از آن رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از

اَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَلَّطُ عَلَى الْكَافِرِ فِيْ قَبْرِهٖ تِسْعَةٌ وَّتِسْعُوْنَ

علیه وسلم هر آئینه گماشته میشود بر کافر در گور او نود و نه

تِنِّيْنًا تَنْهَشُهٗ وَتَلْدَغُهٗ حَتّٰى تَقُوْمَ السَّاعَةُ لَوْ اَنَّ تِنِّيْنًا

اژدها میگزد کافر را و میگزد او را تا آنکه برپا شود قیامت اگر اژدهای

مِنْهَا نَفَخَ فِي الْاَرْضِ مَا اَنْبَتَتْ خَضِرًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

از آن دم زند در زمین نمی رویاند زمین هیچ سبزه را رواه دارمی

وَالتِّرْمِذِيُّ نَحْوَهٗ وَقَالَ سَبْعُوْنَ بَدَلَ تِسْعَةٌ وَّتِسْعُوْنَ

و ترمذی مانند وے و گفت هفتاد بجای نود و نه



وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ خَرَجْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جابر رض گفت بیرون آمدیم با پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِلٰى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ رض حِيْنَ تُوُفِّيَ فَلَمَّا صَلّٰى عَلَيْهِ

وسلم بسوے سعد بن معاذ رض هنگامے که وفات یافت پس هرگاه که نماز گذارد بر وے

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَوُضِعَ فِيْ قَبْرِهٖ وَسُوِّيَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و نهاده شده معاذ در قبرش و برابر کرده شد خاک

عَلَيْهِ سَبَّحَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَبَّحْنَا طَوِيْلًا

بروے تسبیح کرد پیغامبر خدا و گفت سبحان الله صلی الله علیه وسلم پس تسبیح کردیم ما نیز تسبیح دراز

ثُمَّ كَبَّرَ فَكَبَّرْنَا فَقِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ لِمَ سَبَّحْتَ ثُمَّ

پستر تکبیر گفت پس تکبیر گفتیم ما پس گفته شد اے پیغمبر خدا برای چه تسبیح کردی پستر

كَبَّرْتَ قَالَ لَقَدْ تَضَايَقَ عَلٰى هٰذَا الْعَبْدِ الصَّالِحِ قَبْرُهٗ

تکبیر برآوردی فرمود آنحضرت بتحقیق تنگ گردید بر این بنده نیک قبر وے

حَتّٰى فَرَّجَهُ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رض

تا آنکه گشاده و بیرون آورد او را خدای تعالی از آن دشواری رواه احمد و روایت است از ابن عمر رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هٰذَا الَّذِيْ تَحَرَّكَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم در حق سعد بن معاذ این آن کسے است که

لَهُ الْعَرْشُ وَفُتِحَتْ لَهٗ اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَشَهِدَهٗ سَبْعُوْنَ

بجهت وے عرش در جنبش آمد و گشاده شد برائے وے درهای آسمان بجهت نزول رحمت و حاضر گردید او را هفتاد

اَلْفًا مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ لَقَدْ ضُمَّ ضَمَّةً ثُمَّ فُرِّجَ عَنْهُ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ

هزار فرشته بتحقیق تنگ کرده شد تنگ کردنی سخت پستر آسان کرده شد از وے رواه نسائی

وَعَنْ جَابِرٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

إذا أُدخِلَ الميّتُ القبرَ مُثِّلَتْ له الشمسُ عند غروبها

چون در آورده میشود مرده در گورش شکل کرده میشود مر او را آفتاب چنانکه در وقت غروب میباشد نزدیک زرد

فيجلسُ يمسحُ عينيه ويقول دعوني أُصلّي رواه ابن ماجة

پس نشیند میت در حالیکه میمالد هر دو چشم خود را و میگوید بگذارید مرا که نماز شام بگذارم رواه ابن ماجه

وعن أبي هريرة رضـ عن النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رضـ از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال إنّ الميّتَ يصيرُ إلى القبرِ فيجلسُ الرجلُ في قبرِه

گفت بدرستیکه میت میرود بسوی قبر پس می نشیند مرد در گورش در حالتیکه

غيرَ فزِعٍ ولا مشغوبٍ ثمّ يقال فيمَ كنتَ فيقول كنتُ

ترسنده نیست و غیر مفتون پس گفته میشود که در چه دین و ملت بوده تو پس میگوید مرده که بودم من

في الإسلام فيقال ما هذا الرجل فيقول محمّدٌ رسول الله

در دین اسلام پس گفته میشود که چیست صفت این مرد پس میگوید میت که وی محمد فرستاده خدا است

صلّى الله عليه وسلّم جاءنا بالبيّنات من عند الله فصدّقناه

صلی الله علیه وسلم که آورد ما را معجزات ظاهر را از نزد خدا پس تصدیق کردیم او را

فيقال له هل رأيتَ الله فيقول ما ينبغي لأحدٍ أن يرى

پس گفته میشود او را آیا دیدۀ تو خدا را پس می گوید که نمی رسد و نمی سزد مر یکی را که ببیند

الله فيُفرَّجُ له فرجةٌ قِبَلَ النار فينظرُ إليها يحطِمُ بعضُها

خدا تعالی را پس کشاده میشود مر او را شگافی بجانب آتش دوزخ پس نگاه میکند بجانب آتش که می شکند و پامال

بعضًا فيقال له انظر إلى ما وقاك الله ثمّ يُفرَّجُ له فرجةٌ

بعض وی بعض را پس گفته میشود مر او را که بنگر بجانب چیزی که نگاه داشت ترا خدا تعالی پس کشاده میشود مر او را

قِبَلَ الجنّة فينظرُ إلى زهرتها وما فيها فيقال له هذا

بجانب بهشت پس نگاه میکند بجانب خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته میشود مر او را این



مقعدُك على اليقين كنتَ وعليه مُتَّ وعليه تُبعَثُ إن شاء

جای نشست تو است زیرا که بر یقین و ایمان بوده تو در حیات و همبرین یقین مرده تو و همبرین ایمان و یقین برانگیخته میشوی از قبر اگر

الله تعالى ويجلس الرجلُ السوءُ في قبره فزِعًا مشغوبًا فيقال

خدای تعالی و نشانده می شود مرد بد در قبرش ترسناک و مفتون و تباه پس گفته میشود

له فيمَ كنتَ فيقول لا أدري فيقال له ما هذا الرجل فيقول

مر او را در چه دین بوده پس میگوید نمی دانم و در نمی یابم پس گفته میشود مر او را چیست صفت این مرد پس میگوید

سمعتُ الناسَ يقولون قولًا فقلتُه فيُفرَّجُ له قِبَلَ الجنّة فينظرُ

شنیدم مردم را که میگفتند سخنی را پس گفتم من نیز آن را پس کشاده کرده میشود مر او را شگافی در بهشت پس نگاه میکند

إلى زهرتها وما فيها فيقال له انظر إلى ما صرف الله عنك

بسوی خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته میشود مر او را بنگر بسوی آنچه که باز داشت خدای تعالی از تو

ثمّ يُفرَّجُ له فرجةٌ إلى النار فينظرُ إليها يحطِمُ بعضُها بعضًا

پس کشاده میشود مر او را شگافی بسوی آتش دوزخ پس نگاه میکند بسوی آتش دوزخ که می شکند و پامال میکند بعض بعض را

فيقال له هذا مقعدُك على الشكّ كنتَ وعليه مُتَّ

پس گفته میشود مر او را که اینست جای نشست تو که بودی تو بر شک در حیات و همبرین شک مردۀ تو

وعليه تُبعَثُ إن شاء الله تعالى رواه ابن ماجة وعن

و همبرین شک برانگیخته میشوی از قبر اگر خواهد خدای تعالی رواه ابن ماجه و روایت است از

قتادة عن أنس أنّ النبيّ صلى الله عليه وسلم قال لولا

قتاده رضـ از انس بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نمی بود ترس

أن لا تدافنوا لدعوتُ الله أن يُسمِعَكم عذابَ القبر

و ملاحظه آنکه بگور نکنید شما مردهای خود را هر آینه دعا کردم خدا را که بشنواند شما را عذاب قبر

في كتاب عذاب القبر وعن شيبة بن مساور

در کتاب عذاب قبر و روایت است از شیبه بن مساور

عَنْ اَنَسٍ رض قَالَ مَرَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرٍ

از انس رض گفت گذر کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بگورے

فَنَفَرَتْ بَغْلَتُهُ الشَّهْبَا فَاَخَذَ الْقَوْمُ فَقَالَ خَلُّوْا عَنْهَا فَاِنَّ

پس فرار گرفت مرکب آنحضرت پس گرفتند قوم پس فرمود بگذارید از ان بدرستیکه

صَاحِبَ الْقَبْرِ يُعَذَّبُ فَاِنَّهُ لَا يَسْتَنْزِهُ مِنَ الْبَوْلِ (ق) فِيْهِ

صاحب آن قبر عذاب کرده مے شود پس بدرستیکه وے طلب نمیکرد ترتبت را و پاکی نمیکرد از بول

وَعَنْ اَنَسٍ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

در روایت است از انس رض از پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت

اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى وَكَّلَ لِعَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ مَلَكَيْنِ يَكْتُبَانِ عَمَلَهٗ

بدرستیکه خدا تعالے گماشته است برای بنده مومن خود دو فرشته را که می نویسند عمل آن بنده

فَاِذَا مَاتَ قَالَ الْمَلَكَانِ الَّذَانِ وُكِّلَا بِهٖ قَدْ مَاتَ فَأْذَنْ

پس چون بمیرد آن مومن میگویند آن دو فرشته که گماشته شده بودند بدان بنده تحقیق که مرد پس اذن ده

لَنَا اَنْ نَصْعَدَ اِلَى السَّمَاءِ فَيَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ سَمَائِيْ

مارا که بالا برویم بسوے آسمان پس میگوید خدا تعالے آسمان من

مَمْلُوْءَةٌ مِنْ مَلَائِكَتِيْ يُسَبِّحُوْنَ فَيَقُوْلَانِ اَفَنُقِيْمُ فِي الْاَرْضِ

پر است از فرشتگان من که تسبیح میکنند پس میگویند آن دو فرشته آیا پس اقامت کنیم ما در زمین

فَيَقُوْلُ اللّٰهُ اَرْضِيْ مَمْلُوْءَةٌ مِنْ خَلْقِيْ يُسَبِّحُوْنِيْ فَيَقُوْلَانِ

پس میگوید خدا تعالے زمین من پر است از مخلوق من که تسبیح میکنند مرا پس می گویند

فَاَيْنَ فَيَقُوْلُ قُوْمَا عَلٰى قَبْرِ عَبْدِيْ فَسَبِّحَانِيْ وَاحْمَدَانِيْ

پس کجا نشینیم پس میفرماید بنشینید شما بر قبر بنده من پس تسبیح کنید مرا و حمد گوئید مرا

وَكَبِّرَانِيْ وَهَلِّلَانِيْ وَاكْتُبَا ذٰلِكَ لِعَبْدِيْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

تکبیر گوئید مرا و تهلیل گوئید مرا و بنویسید ثواب این برای بنده من تا روز قیامت



اَلْمَرْوَزِيُّ فِي الْجَنَائِزِ وَاَبُوْبَكْرٍ الشَّافِعِيُّ فِي الْغَيْلَانِيَاتِ

روایت کرده شده در جنائز و ابوبکر شافعی در غیلانیات

وَاَبُو الشَّيْخِ فِي الْعَظَمَةِ هب وَالدَّيْلَمِيُّ وَاَوْرَدَهٗ

و ابو الشیخ در عظمت این علامات جمع الجوامع است و الدیلمی و وارد کرد او را

ابْنُ الْجَوْزِيِّ فِي الْمَوْضُوْعَاتِ فَلَمْ يُصِبْ جَمْعُ الْجَوَامِعِ

ابن جوزی در موضوعات پس بصواب نرسید جمع الجوامع

## بَابُ غُسْلِ الْمَيِّتِ وَتَكْفِيْنِهٖ

باب در بیان غسل میت و در کفن در آوردن آن

عَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا كَفَّنَ اَحَدُكُمْ اَخَاهُ فَلْيُحَسِّنْ كَفَنَهٗ

علیه وسلم چون تکفین کند یکے از شما برادر خود را پس باید نیک کند کفن او را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبَّاسٍ رض

رواه مسلم و از عبد اللہ بن عباس رض مرویست

قَالَ اِنَّ رَجُلًا كَانَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که فرمود بدرستیکه مردے بود با پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم

فَوَقَصَتْهُ نَاقَتُهٗ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَمَاتَ فَقَالَ

پس بیفگند او را ناقه او در حالیکه وے محرم بود پس برد آنمرد پس فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِغْتَسِلُوْا بِمَاءٍ وَّسِدْرٍ
پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بشوئید اورا بآب وبرگ درخت کنار

وَكَفِّنُوْهُ فِىْ ثَوْبَيْهِ وَلَا تَمَسُّوْهُ بِطِيْبٍ وَّلَا تُخَمِّرُوْا
وتکفین کنید اورا در دو جامۂ او ونرسانید اورا بوے خوش ونپوشید

رَاْسَهٗ فَاِنَّهٗ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُلَبِّيًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
سر اورا چنانکہ محرم است پس بدرستیکہ وے برانگیختہ شود روز قیامت از قبر لبیک گویان متفق علیہ

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
واز ابن عباس مرویست رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اَلْبِسُوْا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ فَاِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ
وسلم بپوشید جامہاے سفید خود را زیراکہ جامہای سفید از جملۂ بہترین جامہاے شما است

وَكَفِّنُوْا فِيْهَا مَوْتَاكُمْ وَمِنْ خَيْرِ اَكْحَالِكُمُ الْاِثْمِدُ فَاِنَّهٗ يُنْبِتُ
وتکفین کنید در آن مردہای شما واز بہترین سرمہائی شما اثمد است زیراکہ آن میرویاند

الشَّعْرَ وَيَجْلُو الْبَصَرَ رَوَاهُ اَبُوْدَاؤدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَرَوٰى
موی مژگان را وروشن میکند بینائی را رواہ ابو داؤد والترمذی وروایت کرد

ابْنُ مَاجَةَ اِلٰى مَوْتَاكُمْ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ
ابن ماجہ تا لفظ موتاکم در روایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَغَالُوْا فِى الْكَفَنِ فَاِنَّهٗ
پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گران بہا مکنید در کفن زیراکہ کفن

يُسْلَبُ سَلْبًا سَرِيْعًا رَوَاهُ اَبُوْدَاؤدَ وَعَنْ اَبِىْ سَعِيْدِ
ربودہ میشود در بودنی شتاب رواہ ابو داؤد در روایت است از ابی سعید

نِ الْخُدْرِيِّ رض اَنَّهٗ لَمَّا حَضَرَهُ الْمَوْتُ دَعَا بِثِيَابٍ جُدُدٍ
خدری رض ہنگامیکہ حاضر شد اورا موت طلبید جامہ ہای نورا

فَلَبِسَهَا ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ
پس پوشید آنہارا پس گفت شنیدم پیغامبر خدارا صلی اللہ علیہ وسلم کہ می گفت

اَلْمَيِّتُ يُبْعَثُ فِىْ ثِيَابِهِ الَّتِىْ يَمُوْتُ فِيْهَا رَوَاهُ اَبُوْدَاؤدَ
مردہ برانگیختہ شود در جامہ ہای خود کہ میرد در وے رواہ ابو داؤد

## بَابُ الْمَشْيِ بِالْجَنَازَةِ وَالصَّلٰوةِ عَلَيْهَا
باب در رفتن ہمراہ جنازہ ونماز گذاردن بر آن

عَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اَسْرِعُوْا بِالْجَنَازَةِ فَاِنْ تَكُ صَالِحَةً فَخَيْرٌ تُقَدِّمُوْنَهَا
شتابی کنید بجنازہ یعنی برداشتن او بسوئے قبر پس اگر باشد میت نیکوکار پس شتابی کردن

اِلَيْهِ وَاِنْ تَكُ سِوٰى ذٰلِكَ فَشَرٌّ تَضَعُوْنَهٗ عَنْ رِقَابِكُمْ مُتَّفَقٌ
و اگر باشد میت غیر صالح پس زود بردن سبب دفع شری است کہ می نہید آنرا از گردنہای

عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِىْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
علیہ است در روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اِذَا وُضِعَتِ الْجَنَازَةُ فَاحْتَمَلَهَا الرِّجَالُ عَلٰى اَعْنَاقِهِمْ
وسلم وقتی کہ نہادہ می شود جنازہ بر نعش پس بردارند وے را مردان بر گردنہای خود

فَاِنْ كَانَتْ صَالِحَةً قَالَتْ قَدِّمُوْنِىْ وَاِنْ كَانَتْ غَيْرَ صَالِحَةٍ
پس اگر باشد مردہ نکوکار میگوید پیش فرستید مرا بسوے ثواب واگر باشد بدکار

قَالَتْ لِاَهْلِهَا يَا وَيْلَهَا اَيْنَ تَذْهَبُوْنَ بِهَا يَسْمَعُ صَوْتَهَا
مے گوید بکسان خود اے وای کجاے برید اورا می شنود آواز اورا

كُلُّ شَيْءٍ اِلَّا الْاِنْسَانَ وَلَوْ سَمِعَ الْاِنْسَانُ لَصَعِقَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
ہمہ چیز از حیوانات جمادات وغیرہ مگر انسان و اگر می شنید آدمی ہر آئینہ ہلاک میشد بجہت دہشت رواہ البخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا رَاَيْتُمُ
وهم ازوے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه بینید
الْجَنَازَةَ فَقُوْمُوْا فَمَنْ تَبِعَهَا فَلَا يَقْعُدْ حَتّٰى تُوْضَعَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
جنازه را پس بایستید از برای تکریم میت پس کسیکه پیروی کند جنازه را پس باید که ننشیند تا آنکه بر نهاده شود
وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اتَّبَعَ جَنَازَةَ مُسْلِمٍ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا وَّكَانَ مَعَهُ
علیه وسلم کسیکه پیروی کند جنازه مسلمانے را از روی ایمان وطلب کردن ثواب باشد با وے
حَتّٰى يُصَلّٰى عَلَيْهِ وَيُفْرَغَ مِنْ دَفْنِهَا فَاِنَّهُ يَرْجِعُ مِنَ الْاَجْرِ
تا آنکه بگذارد نماز بروے وتا آنکه فارغ گردد از دفن وے پس بدرستیکه باز گردد از اجر
بِقِيْرَاطَيْنِ كُلُّ قِيْرَاطٍ مِّثْلُ اُحُدٍ وَّمَنْ صَلّٰى عَلَيْهَا ثُمَّ رَجَعَ
بدو قیراط هر قیراط آنجهان مانند کوه احد هست وکسیکه نماز گذارد بروے پس تر گردد
قَبْلَ اَنْ تُدْفَنَ فَاِنَّهُ يَرْجِعُ بِقِيْرَاطٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
پیش از آنکه دفن کرده شود پس بدرستیکه وے برمیگردد بیک قیراط متفق علیه ودر روایت است از
عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ صَلّٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عوف بن مالک رض گفت نماز کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم
عَلٰى جَنَازَةٍ فَحَفِظْتُ مِنْ دُعَائِهٖ وَهُوَ يَقُوْلُ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَهٗ وَارْحَمْهُ
بر جنازه پس یاد گرفتم من از دعائے آن حضرت وے میگفت بار خدایا بیامرز مر او را ورحم کن
وَعَافِهٖ وَاعْفُ عَنْهُ وَاَكْرِمْ نُزُلَهٗ وَوَسِّعْ مُدْخَلَهٗ وَاغْسِلْهُ
وعافیت ده او را واو را سلامت بخش وعفو کن از وی وگرامی دار مهمانی او را وکشاده گردان جای در
بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَنَقِّهٖ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ
بآب وبرف وژاله وپاکیزه گردان او را از گناهان چنانکه پاکیزه گردانیدی تو جامه



الْاَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَاَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِّنْ دَارِهٖ وَاَهْلًا
سفید را از چرک وبدل کن او را سرائے بهتر از سرائے او که در آنجهان بود واهل خانه را
خَيْرًا مِّنْ اَهْلِهٖ وَزَوْجًا خَيْرًا مِّنْ زَوْجِهٖ وَاَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ
بهتر از اهل خانه او وجفتے بهتر از جفت وے ودر آر او را در بهشت
وَاَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ اَوْ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَفِيْ رِوَايَةٍ
وپناه ده او را از عذاب گور یا گفت آنحضرت پناه ده از عذاب آتش ودر روایتی آمده
وَقِهٖ فِتْنَةَ الْقَبْرِ وَعَذَابَ النَّارِ قَالَ حَتّٰى تَمَنَّيْتُ اَنْ
ونگهدار او را از فتنه گور واز عذاب آتش گفت راوی تا آنکه رشک بردم وآرزو کردم که
اَكُوْنَ اَنَا ذٰلِكَ الْمَيِّتَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض
کاشکے من بودی آن مرد که آنحضرت این دعا در حق من میکرد رواه مسلم ودر روایت است از ابی هریره
اَنَّ امْرَاَةً سَوْدَاءَ كَانَتْ تَقُمُّ الْمَسْجِدَ اَوْ شَابٌّ فَفَقَدَهَا
بدرستیکه زنی سیاه بود که جاروب میداد مسجد را یا جوانے بود پس گم کردن زن را
اَوْ فَقَدَهٗ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَاَلَ عَنْهَا اَوْ عَنْهُ
یا آن جوان را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسید آنحضرت از حال آن زن
فَقَالُوْا مَاتَ قَالَ اَفَلَا كُنْتُمْ اٰذَنْتُمُوْنِيْ قَالَ فَكَاَنَّهُمْ
پس گفتند مرد وی فرمود آنحضرت آیا پس چرا خبر نکردید مرا گفت ابو هریره پس گویا که صحابه خرد
صَغَّرُوْا اَمْرَهَا اَوْ اَمْرَهٗ فَقَالَ دُلُّوْنِيْ عَلٰى قَبْرِهٖ فَدَلُّوْهُ فَصَلّٰى
پنداشتند شان آن زن را یا شان آن مرد را پس فرمود آن حضرت که راه نمائید مرا بر گور آن
عَلَيْهَا ثُمَّ قَالَ اِنَّ هٰذِهِ الْقُبُوْرَ مَمْلُوْءَةٌ ظُلْمَةً عَلٰى اَهْلِهَا وَاِنَّ
بر قبر وے پس فرمود بدرستیکه این قبرها پر کرده شده اند تاریکی بر اهل خود وبدرستیکه
اللّٰهَ يُنَوِّرُهَا لَهُمْ بِصَلٰوتِيْ عَلَيْهِمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَفْظُهٗ لِمُسْلِمٍ
خداوند تعالی منور گرداند گورها را برای ایشان به سبب نماز کردن من بر ایشان متفق علیه ولفظ وے مر مسلم راست

وعن كريب مولى ابن عباس عن عبد الله بن عباس رض

روایت است از کریب که مولی ابن عباس است رض از عبد الله ابن عباس رض

أنه مات له ابن بقديد أو بعسفان فقال يا كريب انظر

که مرد پسری مر ابن عباس را در موضع قدید یا در موضع عسفان پس گفت ابن عباس ای کریب نظر کن

ما اجتمع له من الناس قال فخرجت فإذا ناس قد اجتمعوا

آنچه فراهم آمدند برای نماز وی از مردمان گفت کریب پس بیرون آمدم پس ناگاه مردمان تحقیق جمع شده اند از جهت نماز

له فأخبرته فقال تقول هم أربعون قال نعم قال أخرجوه

وی پس خبر دادم ابن عباس را پس گفت ابن عباس که میگوئی تو ایشان چهل اند گفت آری گفت بیرون آرید جنازه را

فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من

پس بدرستیکه من شنیده ام رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که می گفت نیست هیچ

رجل مسلم يموت فيقوم على جنازته أربعون رجلا

مرد مسلمانی که بمیرد پس بایستند بر جنازهٔ وی چهل مرد

لا يشركون بالله شيئا إلا شفعهم الله فيه رواه مسلم

که شریک نمی گردانند آن چهل مرد بخدا چیزی را مگر آنکه قبول کند شفاعت ایشان را خدا در حق وی روایت کرده مسلم

وعن عائشة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال ما من

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که نیست هیچ

ميت تصلي عليه أمة من المسلمين يبلغون مائة كلهم

مرده که نماز بگذارند بر وی گروهی از مسلمانان که برسند عدد صد را و همه ایشان

يشفعون له إلا شفعوا فيه رواه مسلم وعن أنس رض

شفاعت و دعا کنند او را بمغفرت مگر آنکه شفاعت ایشان قبول گردانیده شود در او مسلم و روایت است از انس

قال مروا بجنازة فأثنوا عليها خيرا فقال النبي صلى الله

گفت انس رض گذشتند جماعتی بجنازه پس ثنا کردند بر وی به نیکی پس فرمود آن حضرت صلی الله



عليه وسلم وجبت ثم مروا بأخرى فأثنوا عليها شرا

علیه وسلم واجب شد پس گذشتند بجنازهٔ دیگر پس ذکر کردند بروی به بدی

فقال وجبت فقال عمر رض ما وجبت فقال هذا أثنيتم عليه

پس فرمود واجب شد پس گفت عمر رض که چه چیز واجب شد پس فرمود آنحضرت که این مرده که یاد کردید او را

خيرا فوجبت له الجنة وهذا أثنيتم عليه شرا فوجبت

به نیکی پس واجب شد برای وی بهشت و این مرده که یاد کردید او را به بدی پس واجب شد

له النار أنتم شهداء الله في الأرض متفق عليه وفي رواية

برای وی آتش شما گواهان خدائید در زمین متفق علیه است و در روایتی آمده است

المؤمنون شهداء الله في الأرض وعن عمر رض قال

مسلمانان گواهان خدا تعالی اند در زمین و روایت است از عمر رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أيما مسلم شهد له

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هر مسلمانی که گواهی دهند او را

أربعة بخير أدخله الله الجنة فقلنا وثلاثة قال وثلاثة

چهار مرد به نیکی در آرد او را خدا تعالی به بهشت پس گفتیم و اگر گواهی دهند سه کس فرمود و اگر سه کس

قلنا واثنان قال واثنان ثم لم نسأله عن الواحد رواه

گفتیم و اگر دو کس گواهی دهند فرمود و اگر دو کس گواهی دهند نیز داخل شود پس تر سوال نکردیم از آنحضرت

البخاري وعن عبد الله ابن مسعود رض قال قال

روایت کرده بخاری و از عبد الله بن مسعود مرویست گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم الجنازة متبوعة ولا تتبع

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که جنازه پس روی کرده شده و جنازه پس روی نمی کند

ليس معها من تقدمها رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه

نیست همراه جنازه و نمی یابد ثواب همراهی آن کسے که پیش رود جنازه را روایت ابو داود و الترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و از ابی ہریرہ رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم
مَنْ تَبِعَ جَنَازَةً وَحَمَلَهَا ثَلٰثَ مِرَارٍ فَقَدْ قَضٰى مَا عَلَيْهِ مِنْ
کسیکہ پس روے کند جنازہ را و بردارد آنرا سہ بار پس بہ تحقیق بر داخت چیزیرا کہ بر او ست از
حَقِّهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ ثَوْبَانَ قَالَ خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ
حق جنازہ رواہ ترمذی واز ثوبان رض مرویست کہ گفت بیرون آمدیم ہمراہ آں حضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةٍ فَرَأٰى نَاسًا رُكْبَانًا فَقَالَ
صلی اللہ علیہ وسلم بجہت متابعت جنازہ پس دید آنحضرت مردمانرا سوار پس فرمود کہ
أَلَا تَسْتَحْيُونَ أَنَّ مَلٰئِكَةَ اللّٰهِ عَلٰى أَقْدَامِهِمْ وَأَنْتُمْ عَلٰى
شرم ندارید کہ فرشتگان خدا تعالی بر پاہاے خود میروند و شما بر
ظُهُورِ الدَّوَابِّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَرَوَى أَبُو دَاوُدَ
پشتہاے چارپایان میروید رواہ ترمذی و ابن ماجہ و روایت کرد ابوداود
نَحْوَهُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
مانند آن و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت کہ بود رسول اللہ صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلّٰى عَلَى الْجَنَازَةِ قَالَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا
علیہ وسلم چون می گذارد نماز بر جنازہ می گفت خداوندا بیامرز زندہاے مارا
وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا وَذَكَرِنَا
و مردہ ہاے مارا و حاضر مارا و غائب مارا و خرد مارا و بزرگ مارا و نرینہ مارا
وَأُنْثَانَا اللّٰهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ
و مادینہ مارا خداوندا کسیکہ زندہ داری تو اورا از ما پس زندہ دار اورا بر مسلمانی
وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ اللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا
و کسیکہ بمیرانی اورا از ما پس بمیران اورا بر ایمان خداوندا ناامید مگردان مارا



أَجْرَهُ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ
از مزد او و در فتنہ میندازمارا پس از وے رواہ احمد و ابوداود و ترمذی
وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
و ابن ماجہ و روایت است از عائشہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلٰى
اللہ علیہ وسلم کہ دشنام مکنید و بدمگوئید مردگان را زیراکہ ایشان بتحقیق رسیدند بسوئے جزاے
مَا قَدَّمُوهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ
کہ پیش فرستادند رواہ البخاری و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اذْكُرُوا مَحَاسِنَ مَوْتَاكُمْ
پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم یاد کنید و بگوئید نیکیہاے مردہاے خود را
وَكُفُّوا عَنْ مَسَاوِيهِمْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ
و باز ایستید از ذکر کردن بدیہاے ایشان رواہ ابوداود والترمذی
وَعَنْ مَالِكِ بْنِ هُبَيْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى
و روایت است از مالک بن ہبیرہ گفت شنیدم پیغامبر خدا صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيُصَلِّي عَلَيْهِ
اللہ علیہ وسلم را می گفت نیست مسلمانی کہ بمیرد پس نماز بگذارند بر وے
ثَلٰثَةُ صُفُوفٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَوْجَبَ فَكَانَ مَالِكٌ
سہ صف از مسلمانان مگر واجب گرداند خدا اورا بہشت پس بود مالک بن ہبیرہ
إِذَا اسْتَقَلَّ أَهْلَ الْجَنَازَةِ جَزَّأَهُمْ ثَلٰثَةَ صُفُوفٍ
وقتی کہ کم می دید اہل جنازہ یعنی مردمرا کہ حاضر آمدہ بودند بخش می کرد ایشانرا سہ صف
بِهٰذَا الْحَدِيثِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
بسبب این حدیث رواہ ابوداود

# بَابُ دَفْنِ الْمَيِّتِ

باب دفن الميت

عَنْ سُفْيَانَ التَّمَّارِ اَنَّهُ رَاٰى قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از سفیان تمار بدرستیکه وے دید قبر آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُسَنَّمًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

علیه وسلم سنم یعنی بر شکل کوهان شتر رواه البخاری وروایت از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَاَنْ يَّجْلِسَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هرآئینه اینکه بنشیند

اَحَدُكُمْ عَلٰى جَمْرَةٍ فَتُحْرِقَ ثِيَابَهٗ فَتَخْلُصَ اِلٰى جِلْدِهٖ

یکے از شما بر اخگر سوزان پس بسوزاند جامهاے او را پس برسد آن جمره تا پوست وے

خَيْرٌ لَّهٗ مِنْ اَنْ يَّجْلِسَ عَلٰى قَبْرٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بهتر است مر او را از نشستن وے بر قبر روایت کرد این حدیث را مسلم و از

ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ

ابن عمر رض مرویست که بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بود

اِذَا اُدْخِلَ الْمَيِّتُ الْقَبْرَ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ

که چون می درآورد مرده را در قبر میگفت بسم الله وبالله وعلی ملة

رَسُوْلِ اللّٰهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ وَعَلٰى سُنَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ رَوَاهُ

رسول الله و در روایتے و بر سنت پیغامبر خدا رواه

اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَرَوَى اَبُوْدَاوُدَ الثَّانِيَةَ

احمد والترمذی وابن ماجه و روایت کرد ابو داؤد روایت ثانی را

وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ اَبِيْهِ مُرْسَلًا اَنَّ النَّبِيَّ

وروایت است از جعفر بن محمد از پدر او از روے مرسل بدرستیکه آنحضرت



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَثٰى عَلَى الْمَيِّتِ ثَلٰثَ حَثَيَاتٍ بِيَدَيْهِ

صلی الله علیه وسلم خاک انداخت بر مرده سه بار خاک انداختن بهر دو دست خود

جَمِيْعًا وَاَنَّهٗ رَشَّ عَلٰى قَبْرِ ابْنِهٖ اِبْرَاهِيْمَ وَوَضَعَ عَلَيْهِ حَصْبَاءَ

و بدرستیکه آب پاشید بر گور پسر خود ابراهیم و نهاد بر قبر وے سنگریزها را

رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرده این حدیث را در شرح سنه و روایت است از جابر رض گفت جابر نهی کرده است پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ يُّجَصَّصَ الْقُبُوْرُ وَاَنْ يُّكْتَبَ عَلَيْهَا

صلی الله علیه وسلم از گچکاری کردن قبرها و از آنکه نوشته شود بر قبور

وَاَنْ يُّبْنٰى عَلَيْهَا وَاَنْ تُوْطَاَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ

و نهی کرد از آنکه بنا کرده شود بر قبور و از آنکه پایمال کرده شود قبور رواه ترمذی و هم از وے مرویست گفت جابر رض

رُشَّ قَبْرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ الَّذِيْ رَشَّ الْمَاءَ

که آب پاشیده شد قبر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و بود آن کس که پاشید آب را

عَلٰى قَبْرِهٖ بِلَالُ بْنُ رَبَاحٍ بِقِرْبَةٍ بَدَاَ مِنْ قِبَلِ رَاْسِهٖ

بر قبر آنحضرت بلال ابن رباح از مشک که شروع کرد از جانب سر آنحضرت

حَتّٰى انْتَهٰى اِلٰى رِجْلَيْهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

تا آنکه رسید بهر دو پاے مبارک آنحضرت رواه بیهقی در دلائل نبوة

وَعَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى عَائِشَةَ رض

وروایت است از قاسم بن محمد گفت که در آمدم بر عائشه رض

فَقُلْتُ يَا اُمَّاهُ اكْشِفِيْ لِيْ عَنْ قَبْرِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

پس گفتم اے مادر من بکشاے و پرده بردار برآے من از قبر آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَصَاحِبَيْهِ فَكَشَفَتْ لِيْ عَنْ ثَلٰثَةِ قُبُوْرٍ لَا مُشْرِفَةٍ

وسلم و هر دو یار وے پس پرده برداشت براے من از سه قبر که نه بلند بود

وَلَا لِاَطِئَةٍ مَبْطُوحَةٍ بِبَطْحَاءِ الْعَرْصَةِ الْحَمْرَاءِ رَوَاهُ اَبُوْدَاؤدَ

ونه متصل بزمین چسپیده شده بروے سنگریزہ ہاے سرخ رواہ ابو داؤد

وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عائشہ رضـ بدرستیکہ پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ و سلم

قَالَ كَسْرُ عَظْمِ الْمَيِّتِ كَكَسْرِهٖ حَيًّا رَوَاهُ مَالِكٌ وَاَبُوْدَاؤدَ

فرمود شکستن استخوان مردہ ہمچو شکستن استخوان اوست در حال حیات رواہ مالک و ابوداود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ حَزْمٍ قَالَ رَاٰنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

و ابن ماجہ و روایت است از عمرو ابن حزم گفت و دید مرا آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُتَّكِئًا عَلٰى قَبْرٍ قَالَ لَا تُؤْذِ صَاحِبَ

علیہ و سلم تکیہ زندہ بر قبرے فرمود آزار مکن صاحب

هٰذَا الْقَبْرِ اَوْ لَا تُؤْذِهٖ رَوَاهُ اَحْمَدُ

این قبر را یا فرمود آزار مکن او را رواہ احمد

## بَابُ الْبُكَاءِ عَلَى الْمَيِّتِ وَبَيَانِ

باب گریستن بر مردہ و بیان

## اَجْرِ مَنْ صَبَرَ عَلٰى مَوْتِ اَوْلَادِهٖ

مزد کسے کہ صبر کرد بر موت اولاد خود

عَنْ اَنَسٍ رضـ قَالَ دَخَلْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از انس رضـ گفت انس کہ در آمدیم ما ہمراہ آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ عَلٰى اَبِيْ سَيْفِ الْقَيْنِ وَكَانَ ظِئْرًا لِاِبْرَاهِيْمَ فَاَخَذَ

وسلم برابی سیف آہنگر و بود وے شوہر دایہ ابراہیم بن محمد پس گرفت

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِبْرَاهِيْمَ فَقَبَّلَهٗ وَشَمَّهٗ

آں حضرت صلی اللہ علیہ و سلم ابراہیم را پس بوسہ داد او را و بو کرد او را



ثُمَّ دَخَلْنَا عَلَيْهِ بَعْدَ ذٰلِكَ وَاِبْرَاهِيْمُ يَجُوْدُ بِنَفْسِهٖ

پستر در آمدیم ما بر وے بعد از آن یعنی ہمراہ آنحضرت و حال آنکہ ابراہیم جود و سخاوت میکرد بجان خود

فَجَعَلَتْ عَيْنَا رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس گردید ہر دو چشم آں حضرت صلی اللہ علیہ و سلم

تَذْرِفَانِ فَقَالَ لَهٗ عَبْدُ الرَّحْمٰنِ بْنُ عَوْفٍ وَاَنْتَ

کہ روان شد اشکہا از آن پس گفت بآنحضرت عبد الرحمن ابن عوف و تو گریہ می کنی

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَقَالَ يَا ابْنَ عَوْفٍ اِنَّهَا رَحْمَةٌ ثُمَّ

اے پیغمبر خدا یا رسول اللہ پس فرمود اے فرزند عوف این اشکہا اثر رحمت است پستر

اَتْبَعَهَا بِاُخْرٰى فَقَالَ اِنَّ الْعَيْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ

پس روان گردانید آن اشکہا را با اشکہاے دیگر پس فرمود بدرستیکہ چشم اشک میریزد و دل

يَحْزَنُ وَلَا نَقُوْلُ اِلَّا مَا يَرْضٰى رَبُّنَا وَاِنَّا بِفِرَاقِكَ

اندوہگین میگردد و نمیگوئیم مگر آنچہ کہ خوشنود است پروردگار ما و بدرستیکہ ما بجدائی تو

يَا اِبْرَاهِيْمُ لَمَحْزُوْنُوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

اے ابراہیم ہر آئینہ اندوہگینیم متفق علیہ است و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

عبد اللہ ابن مسعود رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُوْدَ

اللہ علیہ و سلم نیست از اہل طریقہ ما کسے کہ بزند رخسار ہا را

موج گنج مخفی چو بازار ظهور آمده است ۔ عارف آں بہ کہ زخلوت سوے بازار شود ۔ پردۂ آب و گل از رو دل و جان بر دارید تا ہمہ ظلمت ہستی

وَشَقَّ الْجُيُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

ویاره کند گریبان‌ها را وبخواند بخواندن جاهلیت چنانکه نوحه و دعا بویل وغیره متفق علیه

وَعَنْ اَبِي بُرْدَةَ قَالَ اُغْمِيَ عَلٰى اَبِي مُوسٰى فَاَقْبَلَتِ

وروایت است از ابی برده گفت که بیهوش شد ابوموسی اشعری پس پیش آمد

امْرَأَتُهُ اُمُّ عَبْدِ اللّٰهِ تَصِيحُ بِرَنَّةٍ ثُمَّ اَفَاقَ فَقَالَ

زن وی که کنیت او ام عبد الله است درحالیکه آواز می کرد به بکا پس از بیهوش آمد پس گفت

اَلَمْ تَعْلَمِي وَكَانَ يُحَدِّثُهَا اَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

آیا نمی‌دانی تو و بود ابوموسی که خبر میداد او را که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَصَلَقَ وَخَرَقَ

علیه و سلم فرمود که من بیزارم از کسیکه بسترد موی سر را و بلند کند آواز او پاره کند گریبان را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَفْظُهُ لِمُسْلِمٍ وَعَنْ اَبِي مَالِكٍ

متفق علیه و لفظ این مر مسلم راست وروایت است از ابی مالک

الْاَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

اَرْبَعٌ فِي اُمَّتِي مِنْ اَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتْرُكُونَهُنَّ الْفَخْرُ

چهار خصلت است در امت من از کار جاهلیت که نمی گذارند آنها را یکی ناز بدن

فِي الْاَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْاَنْسَابِ وَالْاِسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ

در حسبها و دوم طعن کردن در نسبهای مردم و سوم طلب باران کردن بستاره‌ها و چهارم

وَالنِّيَاحَةُ وَقَالَ النَّائِحَةُ اِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامُ

نوحه کردن در ماتم و فرمود آنحضرت که زن نوحه گر چون توبه نکند پیش از مرگ خود ایستاده کرده شود

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطِرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ

در روز قیامت و حال آنکه بر آن زن پیراهنی است قطران و پیراهنی از جرب



رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایه مسلم و روایت است از انس رض گفت گذشت آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ بِامْرَأَةٍ تَبْكِي عِنْدَ قَبْرٍ فَقَالَ اتَّقِي اللّٰهَ وَاصْبِرِي

و سلم بزنیکه گریه میکرد نزد گورے پس فرمود آنحضرت که بترس ای زن خدا و شکیبائی کن

قَالَتْ اِلَيْكَ عَنِّي فَاِنَّكَ لَمْ تُصَبْ بِمُصِيبَتِي وَلَمْ تَعْرِفْهُ

گفت آن زن با آنحضرت که یکسو شو از من زیراکه تو مصیبت زده نشده بمصیبت من و نشناخت آن زن حضرت را

فَقِيلَ لَهَا اِنَّهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاَتَتْ بَابَ النَّبِيِّ

پس گفته شد آنزا که آنکه این سخن گفت پیغامبر بود صلی الله علیه و سلم پس آمد آن زن بدر پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ تَجِدْ عِنْدَهُ بَوَّابِينَ فَقَالَتْ

صلی الله علیه و سلم پس نیافت آن زن نزد آنحضرت دربانان را پس گفت آن زن

لَمْ اَعْرِفْكَ فَقَالَ اِنَّمَا الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْاُولٰى

که من نشناختم ترا پس فرمود آنحضرت جز این نیست که صبر نزد کوفت نخستین است

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ

متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض گفت

لَعَنَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّائِحَةَ وَالْمُسْتَمِعَةَ

لعنت کرده است پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم زن نوحه کننده را و زن گوش دارنده نوحه را

رَوَاهُ اَبُو دَاوُدَ وَعَنْ سَعْدِ ابْنِ اَبِي وَقَّاصٍ رض قَالَ قَالَ

روایه ابو داود و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَجَبٌ لِلْمُؤْمِنِ اِنْ اَصَابَهُ

آنحضرت صلی الله علیه و سلم عجب است مر مسلمان را اگر برسد او را

خَيْرٌ حَمِدَ اللّٰهَ وَشَكَرَ وَاِنْ اَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ حَمِدَ اللّٰهَ وَصَبَرَ

نیکی از نعمت ستایش میکند خدا را و سپاس میگوید و اگر برسد او را سختی داند ده ثنا میگوید خدا را و

فَالْمُؤْمِنُ يُؤْجَرُ فِي كُلِّ اَمْرِهٖ حَتّٰى فِي اللُّقْمَةِ يَرْفَعُهَا اِلٰى

پس مسلمان مزد داده می شود در همه کار وے تا آنکه در لقمه که بر می دارد آنرا

فِي اِمْرَأَتِهٖ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسٍ رض

در دهن زن خود رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از انس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ اِلَّا

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم که نیست هیچ مومن مگر آنکه

وَلَهٗ بَابَانِ بَابٌ يَصْعَدُ مِنْهُ عَمَلُهٗ وَبَابٌ يَنْزِلُ مِنْهُ

او را دو در است دریکه که بالا میرود از آن عمل او و دریست که فرود می آید از آن در

رِزْقُهٗ فَاِذَا مَاتَ بَكَيَا عَلَيْهِ فَذٰلِكَ قَوْلُهٗ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ

رزق او پس چون بمیرد مسلمان بگریند آن هر دو در بروے پس آن مراد است بقول حق تعالے که پس

السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ

آسمان و زمین رواه ترمذی و روایت است از عبد اللہ بن

مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم کسے که تعزیت کند و تسلی دہد

مُصَابًا فَلَهٗ مِثْلُ اَجْرِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

مصیبت زده را پس مر او راست مانند اجر وے رواه الترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ بَرْزَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی برزه گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى ثَكْلٰى كُسِيَ بُرْدًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وسلم کسیکه تعزیت کند و صبر فرماید ثکلے را یعنی زنیکه فرزند او مرده پوشانیده شود چادرے در بهشت رواه ترمذی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ رض قَالَ لَمَّا جَآءَ نَعْيُ جَعْفَرٍ

و روایت است از عبد اللہ بن جعفر رض گفت هرگاه که آمد خبر موت جعفر رض



قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِصْنَعُوْا لِاٰلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَقَدْ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم که بسازید برائے آل و اولاد جعفر طعامے را پس بتحقیق

اَتَاهُمْ مَا يَشْغَلُهُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ

آمده است ایشان را چیزے که باز میدارد ایشان را از طعام رواه ترمذی و ابو داود و ابن ماجه

وَعَنِ الْمُغِيْرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از مغیره بن شعبه رض گفت شنیدم من آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ نِيْحَ عَلَيْهِ فَاِنَّهٗ يُعَذَّبُ بِمَا نِيْحَ

اللہ علیه وسلم را که میگفت کسیکه نوحه کرده میشود برو بے پس بدرستیکه او عذاب کرده میشود بچیزی که نوحه کرده شود

عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ

بروے روز قیامت متفق علیه است و روایت است از ابی موسی رض گفت

سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ مَيِّتٍ

شنیدم آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم را که میگفت نیست هیچ مرده که

يَمُوْتُ فَيَقُوْمُ بَاكِيْهِمْ فَيَقُوْلُ وَاجَبَلَاهُ وَاسَيِّدَاهُ وَنَحْوَ

بمیرد پس می ایستد گریه کننده قوم پس میگوید آن گریه کننده وائے کوه وائے مهتر و مانند آن

ذٰلِكَ اِلَّا وُكِّلَ اللّٰهُ بِهٖ مَلَكَيْنِ يَلْهَزَانِهٖ وَيَقُوْلَانِ

الفاظ دیگر مگر آنکه می سپارد خدای باوی دو فرشته را که مشت میزنند آن میت را و میگویند او را

اَهٰكَذَا كُنْتَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

بطریق استهزا آیا همچنین بوده تو رواه ترمذی و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ مَاتَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت مرد زینب بنت پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم

فَبَكَتِ النِّسَآءُ فَجَعَلَ عُمَرُ رض يَضْرِبُهُنَّ بِسَوْطِهٖ فَاَخَّرَهٗ

پس گریستند زنان پس در ایستاد عمر رض که میزد ایشان را بتازیانه خود پس دور کرد عمر را

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهٖ وَقَالَ مَهْلًا يَا عُمَرُ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدست مبارک خود و فرمود کہ آہستہ شو اے عمر

ثُمَّ قَالَ اِيَّاكُنَّ وَنَعِيْقَ الشَّيْطَانِ ثُمَّ قَالَ اِنَّهٗ مَهْمَا كَانَ

پستر فرمود آنحضرت آن زنان را کہ دور دارید خود را از آواز شیطان پستر گفت آنحضرت بدرستیکہ شان ازہر چہ

مِنَ الْعَيْنِ وَمِنَ الْقَلْبِ فَمِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنَ الرَّحْمَةِ وَمَا كَانَ

باشد از چشم و از دل پس آن از خدا است عز و جل و از مہربانیت و چیزے کہ باشد

مِنَ الْيَدِ وَمِنَ اللِّسَانِ فَمِنَ الشَّيْطَانِ رَوَاهُ اَحْمَدُ

از دست و از زبان پس آن از شیطان است رواہ احمد

وَعَنِ الْبُخَارِيِّ تَعْلِيْقًا قَالَ لَمَّا مَاتَ الْحَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ

و بخاری در صحیح خود بطریق تعلیق آوردہ است کہ چون مرد حسن بن امام حسن

ابْنِ عَلِيٍّ رض ضَرَبَتِ امْرَاَتُهُ الْقُبَّةَ عَلٰى قَبْرِهٖ سَنَةً ثُمَّ

بن علی رض زد زن او خیمہ را بر قبر او تا یک سال پستر

رُفِعَتْ فَسَمِعَتْ صَائِحًا يَقُوْلُ اَلَا هَلْ وَجَدُوْا مَا فَقَدُوْا

بر داشت خیمہ را پس شنید آواز کنندہ را کہ میگوید آگاہ باشید کہ آیا یافتند چیزے را کہ گم کردہ بودند

فَاَجَابَهٗ اٰخَرُ بَلْ يَئِسُوْا فَانْقَلَبُوْا وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ

پس آواز داد دیگرے بلکہ نومید شدند پس برگشتند و روایت است از عمران بن

حُصَيْنٍ وَاَبِيْ بَرْزَةَ رض قَالَا خَرَجْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى

حصین و از ابی برزہ رض گفتند کہ بیرون آمدیم با پیغامبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ جَنَازَةٍ فَرَاٰى قَوْمًا قَدْ طَرَحُوْا اَرْدِيَتَهُمْ

اللہ علیہ وسلم در متابعت جنازہ پس دید آنحضرت گروہی کہ بتحقیق انداختند رداہاے خود را

يَمْشُوْنَ فِيْ قُمُصٍ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

می رفتند در پیرہنہاے خود پس فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم



اَبِفِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَاْخُذُوْنَ اَوْ بِصَنِيْعِ الْجَاهِلِيَّةِ تَشَبَّهُوْنَ

آیا بکردار اہل جاہلیت عمل میکنید یا بکار و پیشہ جاہلیت مانند میشوید

لَقَدْ هَمَمْتُ اَنْ اَدْعُوَ عَلَيْكُمْ دَعْوَةً تَرْجِعُوْنَ فِيْ غَيْرِ صُوَرِكُمْ

بتحقیق قصد کردم کہ دعای بد کنم بر شما چنین دعا کہ برگردید شما در غیر صورت شما

قَالَ فَاَخَذُوْا اَرْدِيَتَهُمْ وَلَمْ يَعُوْدُوْا لِذٰلِكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفت راوی کہ پس گرفتند رداہای خود را و باز برنگشتند بآن فعل رواہ ابن ماجہ

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ

و روایت است از ابن عمر رض گفت کہ نہی کرد پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم از آنکہ

تُتْبَعَ جَنَازَةٌ مَعَهَا رَانَّةٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

پیروی کردہ شود جنازہ را کہ با او نوحہ گری باشد رواہ احمد و ابن ماجہ و روایت است از

اَبِيْ اُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُوْلُ

ابی امامہ رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم گفت آنحضرت میگوید

اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى ابْنَ اٰدَمَ اِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ

خداے تعالے اے فرزند آدم اگر صبر کنی و امید ثواب داری نزد

الصَّدْمَةِ الْاُوْلٰى لَمْ اَرْضَ لَكَ ثَوَابًا دُوْنَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اول کوفتن مصیبت راضی نمیشوم ترا از روی ثواب غیر بہشت را یعنی البتہ درآرم ترا در بہشت رواہ ابن ماجہ

وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از حسین بن علی رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيْبَةٍ فَيَذْكُرُهَا

فرمود نیست ہیچ مرد مسلمانے و زن مسلمان کہ رسیدہ میشود بمصیبتے پس یاد میکند آن مصیبت را

وَاِنْ طَالَ عَهْدُهَا فَيُحْدِثُ لِذٰلِكَ اسْتِرْجَاعًا اِلَّا جَدَّدَ اللّٰهُ

اگرچہ دراز بود زمان آن پس نو پیدا کند مر آن را ازہر مصیبت استرجاع مگر آنکہ نو میکند

تَبَارَكَ وَتَعَالٰى عِنْدَ ذٰلِكَ فَاَعْطَاهُ مِثْلَ اَجْرِهَا يَوْمَ اُصِيْبَ

تبارک وتعالے نزد آن پس بدہد خدا اوراماننداجر وے در روزے کہ رسیدہ است

بِهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ

بآن مصیبت رواہ احمد وبیہقی در شعب ایمان ودروایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اِذَا انْقَطَعَ شِسْعُ اَحَدِكُمْ فَلْيَسْتَرْجِعْ فَاِنَّهُ مِنَ الْمَصَائِبِ

کہ چون بگسلد دوال نعل یکے از شما پس باید کہ استرجاع کند زیراکہ گسستن دوال نیز از مصیبت است

وَعَنْ اُمِّ الدَّرْدَاءِ قَالَتْ سَمِعْتُ اَبَا الدَّرْدَاءِ يَقُوْلُ سَمِعْتُ

ودروایت است از ام الدرداء کہ گفت شنیدم ابو الدرداء را کہ میگفت شنیدم

اَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ

آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت بدرستیکہ خدا تبارک

وَتَعَالٰى قَالَ يَا عِيْسٰى اِنِّيْ بَاعِثٌ مِنْ بَعْدِكَ اُمَّةً اِذَا اَصَابَهُمْ

وتعالے فرمود یعیسی اے عیسے بدرستیکہ من برانگیزنده ام پس از تو گروہی را کہ چون برسد ایشانرا

مَا يُحِبُّوْنَ حَمِدُوا اللّٰهَ وَاِنْ اَصَابَهُمْ مَا يَكْرَهُوْنَ احْتَسَبُوْا

چیزیکہ دوست میدارند آنرا از نعمت شکر میگویند خدایرا واگر برسد ایشانرا چیزیکہ ناخوش دارند آنرا از بلیہ امید

وَصَبَرُوْا وَلَا حِلْمَ وَلَا عَقْلَ فَقَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ

وصبر میکنند وحال آنکہ نیست ایشانرا بردباری ونہ عقل وتدبیر پس گفت عیسی ای پروردگار من چگونہ

يَكُوْنُ هٰذَا لَهُمْ وَلَا حِلْمَ وَلَا عَقْلَ فَقَالَ اُعْطِيْهِمْ مِنْ

باشد این صبر واحتساب مرایشانرا وحال آنکہ نیست حلم وعقل پس گفت پروردگار کہ میدہم من ایشان را از

حِلْمِيْ وَعِلْمِيْ رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ

حلم خود وعلم خود روایت کرد این دو حدیث را بیہقی در شعب ایمان ودروایت است از



اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے علیہ وسلم

لَا يَمُوْتُ لِمُسْلِمٍ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَلَدِ فَيَلِجُ النَّارَ اِلَّا تَحِلَّةَ الْقَسَمِ

نمی میرد مسلمانی را سہ کس از فرزندان پس درآید آتش دوزخ را مگر برای حلال گردانیدن وکشادن سوگند حق تعالی

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

متفق علیہ ودروایت است از وے گفت ابوہریرہ کہ فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لِنِسْوَةٍ مِنَ الْاَنْصَارِ لَا يَمُوْتُ لِاِحْدٰكُنَّ ثَلَاثَةٌ

وسلم مرجماعت زنان را از قبیلہ انصار کہ نمی میرد مریکے را از شما سہ

مِنَ الْوَلَدِ فَتَحْتَسِبُهُ اِلَّا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ فَقَالَتِ امْرَاَةٌ مِنْهُنَّ

فرزند پس صبر کند وطلب ثواب وارد مگر آنکہ درآید بہشت را پس گفت زنے از میان ایشان

اَوِ اثْنَانِ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اَوِ اثْنَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ

یا دو فرزند ہم بمیرند اے پیغامبر خدا فرمود آنحضرت یا دو بمیرند حکم او ہمین است رواہ مسلم ودر روایتے

لَهُمَا ثَلَاثَةٌ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مر بخاری ومسلم را چنین آمدہ نمی میرند کہ نرسیدہ اند باندازہ گناہ وبالغ نشدہ اند وہم از وے گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اللّٰهُ مَا لِعَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ عِنْدِيْ

صلے علیہ وسلم در حدیث قدسی کہ میگوید خدا تعالی نیست مر بندہ مسلمان را نزد من

جَزَاءٌ اِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ اَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ اِلَّا

پاداشی چون قبض کنم وبمیرانم دوست خالص اورا از اہل دنیا چنانچہ فرزند پس صبر کند ونظر بر ثواب دارد مگر

الْجَنَّةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ

بہشت را رواہ البخاری ودروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ لَهُ فَرَطَانِ مِنْ اُمَّتِيْ

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسے کہ باشد اورا دو فرط از امت من

أَدْخَلَهُ اللّٰهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ فَقَالَتْ عَائِشَةُ رض فَمَنْ كَانَ لَهُ

درمی آرد او را خدا یتعالیٰ بسبب آن دو فرط در بهشت پس گفت عائشه صدیقه رض پس کسیکه باشد مر او را

فَرَطٌ مِنْ أُمَّتِكَ قَالَ وَمَنْ كَانَ لَهُ فَرَطٌ يَا مُوَفَّقَةُ فَقَالَتْ

یک فرط از امت تو پس آنحضرت فرمود که باشد مر او را یک فرط ای توفیق داده شده بر تعلیم شرایع خیر و

فَمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ فَرَطٌ مِنْ أُمَّتِكَ قَالَ فَأَنَا فَرَطُ أُمَّتِي لَنْ يُصَابُوا

پس گفت عائشه پس کسیکه نباشد مر او را فرط از امت تو حال وی چه باشد فرمود آنحضرت پس من فرط امت من هرگز مصیبت

بِمِثْلِي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ

باشند مصیبة من رواه ترمذی و روایت است از ابی موسی اشعری رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَاتَ وَلَدُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله وسلم چون می میرد فرزند

الْعَبْدِ قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ قَبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي

بندهٔ میگوید خدا یتعالیٰ بفرشتگان خود که قبض کردید شما فرزند بندهٔ مرا

فَيَقُولُونَ نَعَمْ فَيَقُولُ قَبَضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ فَيَقُولُونَ نَعَمْ

پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم پس میگوید باریتعالیٰ قبض کردید میوهٔ دل او را پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم

فَيَقُولُ مَاذَا قَالَ عَبْدِي فَيَقُولُونَ حَمِدَكَ وَاسْتَرْجَعَ

پس میگوید حق تعالیٰ چه چیز گفت بندهٔ من پس میگویند فرشتگان حمد گفت ترا و انا لله و انا الیه راجعون گفت

فَيَقُولُ اللّٰهُ ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ

پس میگوید حق تعالیٰ برآرید برای بندهٔ من خانهٔ در بهشت و میگوید حق تعالیٰ و نام نهید آنرا خانهٔ

الْحَمْدِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

حمد رواه احمد والترمذی و روایت است از ابی هریره رض

أَنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ مَاتَ ابْنٌ لِي فَوَجَدْتُ عَلَيْهِ هَلْ سَمِعْتَ

که مردے گفت مر او را مرد پسرے که مرا بود پس اندوهگین شدم بر وے آیا شنیدی تو



مِنْ خَلِيلِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ شَيْئًا يُطَيِّبُ بِأَنْفُسِنَا عَنْ

از دوست تو درودهای خدا بر او باد چیزے که خوش سازد نفسهای مارا از جانب

مَوْتَانَا قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُهُ قَالَ صِغَارُهُمْ دَعَامِيصُ الْجَنَّةِ

مردهای خود گفت آری شنیدم آنحضرت را که گفت خردان مسلمانان دعامیص بهشت اند

يَلْقَى أَحَدُهُمْ أَبَاهُ فَيَأْخُذُ بِنَاحِيَةِ ثَوْبِهِ فَلَا يُفَارِقُهُ حَتَّى

پیش می آید یکے از خردان پدر خود را پس میگیرد کنارهٔ جامهٔ پدر را پس جدا نمیشود از وے تا آنکه

يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَأَحْمَدُ وَاللَّفْظُ لَهُ وَعَنْ مُعَاذِ

درمی آرد او را در بهشت رواه مسلم واحمد و لفظ حدیث مر احمد راست و روایت است از معاذ

ابْنِ جَبَلٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

ابن جبل رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیستند

مُسْلِمَيْنِ يُتَوَفَّى لَهُمَا ثَلَاثَةٌ إِلَّا أَدْخَلَهُمَا اللّٰهُ الْجَنَّةَ

دو مسلمانے که میرد مادر و پدر که بمیرد مر ایشان را سه کس فرزندان مگر آنکه درآرد آن دو مسلمان را خدا یتعالیٰ در بهشت

بِفَضْلِهِ وَرَحْمَتِهِ إِيَّاهُمَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَوِ اثْنَانِ

بفضل و مهربانی خود بهر دو مادر و پدر را پس گفتند ای پیغامبر خدا یا دو کس بمیرند

قَالَ أَوِ اثْنَانِ قَالُوا أَوْ وَاحِدٌ قَالَ أَوْ وَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي

گفت آنحضرت یا دو کس بمیرند گفتند یا یک کس بمیرد فرمود یا یک کس بمیرد پس فرمود سوگند بآن خدائے

نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ السِّقْطَ لَيَجُرُّ أُمَّهُ بِسَرَرِهِ إِلَى الْجَنَّةِ

که جان من بدست او است بدرستیکه بچه ناتمام افگنده میکشد مادر خود را بناف خود بسوئے بهشت

إِذَا احْتَسَبَتْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ قَوْلِهِ

چون صبر کند بر وے رواه احمد و روایت کرد ابن ماجه از قول آنحضرت که

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

والذی نفسی بیده است و روایت است از عبدالله بن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَدَّمَ ثَلَاثَةً مِّنْ

گفت پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه پیش میفرستد کسی را از

الْوَلَدِ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ كَانُوْا لَهٗ حِصْنًا حَصِيْنًا مِّنَ النَّارِ

اولاد که نرسیده بحد بلوغ را باشند این ولد برای او پناه استوار از آتش دوزخ

فَقَالَ اَبُوْ ذَرٍّ قَدَّمْتُ اِثْنَيْنِ قَالَ وَاِثْنَيْنِ قَالَ اُبَيُّ ابْنُ

پس گفت ابوذر که پیش فرستادم دو کس را گفت آنحضرت دو کس هم پناه باشند گفت ابی ابن

كَعْبٍ اَبُو الْمُنْذِرِ سَيِّدُ الْقُرَّاءِ قَدَّمْتُ وَاحِدًا قَالَ وَوَاحِدًا

کعب که کنیت او ابومنذر است و در شان وی سید القراء واقع شده است پیش فرستادم یکی را گفت آنحضرت و یکی را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ قُرَّةَ الْمُزَنِيِّ

رواه الترمذی و ابن ماجه و روایت است از قره مزنی

اَنَّ رَجُلًا كَانَ يَاْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهٗ

بدرستیکه بود مردی که می آمد نزد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم و حال آنکه با وی بود

اِبْنٌ لَهٗ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَتُحِبُّهٗ

پسرے مر او را پس گفت او را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا دوست میداری این پسر را

فَقَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَحَبَّكَ اللّٰهُ كَمَا اُحِبُّهٗ فَفَقَدَهُ النَّبِيُّ

پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا دوست دارد ترا خدا چنانکه دوست دارم او را پس گم کرد و ندید آن پسر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا فَعَلَ ابْنُ فُلَانٍ فَقَالُوْا

صلی الله علیه وسلم پس گفت آنحضرت که چه شد فرزند فلانے پس گفتند

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَاتَ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اے پیغامبر خدا مرد آن پسر پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَمَا تُحِبُّ اَنْ لَا تَاْتِيَ بَابًا مِّنْ اَبْوَابِ الْجَنَّةِ اِلَّا وَجَدْتَهٗ

که آیا دوست نمیداری تو که نیائی تو هیچ درے از درهاے بهشت مگر آنکه یابی تو او را که

يَنْتَظِرُكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ لَهٗ خَاصَّةً

انتظار می برد ترا پس گفت مردے که اے پیغامبر خدا مر او راست این شکوه خاص

اَمْ لِكُلِّنَا قَالَ بَلْ لِكُلِّكُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ

یا بهمه ماست گفت آنحضرت بلکه بهمه شما رواه احمد و روایت است از

عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

علی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِنَّ السِّقْطَ لَيُرَاغِمُ رَبَّهٗ اِذَا اَدْخَلَ اَبَوَيْهِ النَّارَ

بدرستیکه بچه افگنده هر آئینه حجت میکند پروردگار خود را وقتیکه درآرد و گار پدر و مادر او را در آتش

فَيُقَالُ اَيُّهَا السِّقْطُ الْمُرَاغِمُ رَبَّهٗ اَدْخِلْ اَبَوَيْكَ

پس گفته می شود اے سقط مراغمه کننده پروردگار خود را درآر مادر و پدر خود را

الْجَنَّةَ فَيَجُرُّهُمَا بِسَرَرِهٖ حَتّٰى يُدْخِلَهُمَا

در بهشت پس میکشد این سقط مادر و پدر خود را بسر ناف خود تا آنکه در آرد مادر و پدر خود را

الْجَنَّةَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

در بهشت رواه ابن ماجه

## بَابُ زِيَارَةِ الْقُبُوْرِ

باب در بیان زیارة قبور

عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ زَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض گفت ابوهریره زیارت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قبر امه فبكى وابكى من حوله فقال استاذنت ربي
قبر مادر خود پس گریه کرد و گریانید کسے را که گرد آنحضرت بود پس فرمود که طلب اذن کردم پروردگار خود را
في ان استغفر لها فلم يؤذن لي فاستاذنته في
در آنکه طلب آمرزیدن کنم برائے او پس اذن داده نشد مرا پس اذن طلب کردم پروردگار خود را در
ان ازور قبرها فاذن لي فزوروا القبور فانها
آنکه زیارت کنم قبر مادر خود را پس اذن داده شد مرا پس زیارت کنید قبرها را زیرا که قبرها
تذكر الموت رواه مسلم وعن بريدة رض قال
یاد میدهند موت را رواه مسلم و روایت است از بریده رض گفت
كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يعلمهم اذا خرجوا
بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که تعلیم میکرد صحابه را چون بیرون می آمدند
الى المقابر السلام عليكم اهل الديار من المؤمنين
بسوے مقبرها این کلمات را که سلام بر شما اے اهل سراها از گروندگان
والمسلمين وانا ان شاء الله بكم للاحقون نسال
و گردن نهندگان و ما اگر خواسته است خدا تعالی بشما رسندگانیم و پیوندگانیم میطلبیم از
الله لنا ولكم العافية رواه مسلم وعن
خدا برائے خود و برائے شما عافیت و سلامت از عذاب رواه مسلم و روایت است از
محمد بن النعمان يرفع الحديث الى النبي صلى الله عليه
محمد بن نعمان در حالتیکه می رساند حدیث را به پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم قال من زار قبر ابويه او احدهما في كل جمعة
وسلم گفت آنحضرت کسیکه زیارت کرد قبر پدر و مادر خود را یا قبر یکے ازین دو را در هر هفته
غفر له وكتب برا رواه البيهقي في شعب الايمان مرسلا
آمرزیده شود مر آنکس را و نوشته شود بر ضد عاق و دیوان نیکی رواه بیهقی در شعب ایمان از روے مرسل

وعن ابن مسعود رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
قال كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها فانها
فرمود که بودم که نهی کرده بودم شمارا از زیارت قبرها پس اکنون زیارت کنید آنهارا زیرا که قبرها
تزهد في الدنيا وتذكر الاخرة رواه ابن ماجه
بے رغبت میگردانند در دنیا و یاد میدهند آخرت را رواه ابن ماجه

# كتاب الزكوة

كتاب الزكوة

والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في
و آنانکه ذخیره می کنند زر و نقره را و خرج نمی کنند آن را در
سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم يوم يحمى عليها
راه خدا پس بشارت ده ایشان را بعذاب دردناک روزیکه گرم شود بر آن
في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم
در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانی ایشان و پهلوهای ایشان را و پشت ایشان
هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون
اینست آنچه ذخیره کردید برائے خود پس بچشید آنچه ذخیره می کردید
واقيموا الصلوة واتوا الزكوة وما تقدموا لانفسكم
و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش میفرستید برائے خویشتن
من خير تجدوه عند الله ان الله بما تعملون بصير
از نیکوکاری خواهید یافت آن را نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه می کنید بینا است
عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا

نیست ہیچ خداوند زر و سیم که نمی دہد از آن حق آن را مگر آنکه چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي

باشد روز قیامت کوفته و ساخته شود برای وی صفایح از آتش پس گرم کرده می شود بر آن صفایح در

نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوٰى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ كُلَّمَا رُدَّتْ

آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن صفایح پہلوی آنکس و پیشانی او و پشت او ہرگاه که برآورده شوند آن

أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى

بازگردانیده شوند برای آنکس در روزی که باشد اندازهٔ وی پنجاه ہزار سال تا آنکه

يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيُرٰى سَبِيلُهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى

حکم کرده شود میان بندگان پس دیده شود راه وی یا بسوی بہشت و یا بسوی

النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَالْإِبِلُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ إِبِلٍ

دوزخ گفتند صحابه یا رسول الله پس حکم شتر چیست گفت آنحضرت و نیست ہیچ خداوند شتران که

وَلَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا وَمِنْ حَقِّهَا حَلَبُهَا يَوْمَ وِرْدِهَا

ادا نمی کند از آن حق آن را و از جمله حقوق شتران دوشیدن شتران است روز رود شتران

إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ أَوْفَرَ مَا كَانَتْ

مگر آنکه چون باشد روز قیامت بر روی انداخته شود صاحب شتران بصحرای فراخ ہموار در حالیکه بود

لَا يَفْقِدُ مِنْهَا فَصِيلًا وَاحِدًا تَطَؤُهُ بِأَخْفَافِهَا وَتَعَضُّهُ

شتران فربہتر و تمام در حالیکه گم نمیکند از آن شتران یکی بچه شتر را پایمال کند آنکس را بسپہای خود و میگزند آن شتران

بِأَفْوَاهِهَا كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أُولَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا فِي يَوْمٍ

بدہن های خود ہرگاه که بگذرد بروی طائفه نخستین باز گردانیده شود بروی طائفه پسین آنجا در روزی

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ

که باشد اندازهٔ آن پنجاه ہزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان



فَيُرٰى سَبِيلُهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

پس می بیند آنکس راه خود یا بسوی بہشت و یا بسوی دوزخ گفتند صحابه ای پیغامبر خدا

فَالْبَقَرُ وَالْغَنَمُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ بَقَرٍ وَلَا غَنَمٍ وَلَا يُؤَدِّي

پس چیست حکم بقر و غنم فرمود و نه خداوند بقر و نه خداوند غنم که ادا نمی کند

مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ

از آن حق آن مگر آنکه چون باشد روز قیامت بر روی انداخته شود صاحب آن بصحرای فراخ

وَلَا يَفْقِدُ مِنْهَا شَيْئًا لَيْسَ فِيهَا عَقْصَاءُ وَلَا جَلْحَاءُ

در حالیکه کم نمی کند صاحب آن از آن گاوان و گوسپندان چیزی را در حالیکه نیست در آن گاوان و گوسپندان پیچیده شاخها

وَلَا عَضْبَاءُ تَنْطَحُهُ بِقُرُونِهَا وَتَطَؤُهُ بِأَظْلَافِهَا كُلَّمَا

و بی شاخ و شکسته شاخ میزنند آن گاوان صاحب را بشاخهای خود و پایمال میکنند این گاوان و گوسپندان آنکس را بظلافهای خود ہرگاه که

مَرَّ عَلَيْهِ أُولَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ

بگذرد بروی طائفه نخستین بازگردانیده شود بروی طائفه پسین آنجا در روزی که باشد اندازهٔ آن

خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيُرٰى سَبِيلُهُ

پنجاه ہزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان پس ببیند راه خود

إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ الْحَدِيثَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

یا بسوی بہشت یا بسوی دوزخ تا آخر حدیث روایه مسلم

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ آتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكٰوتَهُ مُثِّلَ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

کسیکه بدہد او را خدای تعالی مال پس ادا نکند زکوة آن را مصور گردانیده شود برای وی مال وی روز قیامت

شُجَاعًا أَقْرَعَ لَهُ زَبِيبَتَانِ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ يَأْخُذُ

بصورت شجاع اقرع مر آن مار را دو نقطه سیاه است بالای دو چشم گردانیده شود آن مار مانند طوق در گردن آنکس

بِلَهْزَمَتَيْهِ يَعْنِي شِدْقَيْهِ يَقُولُ اَنَا مَالُكَ اَنَا كَنْزُكَ
بهر دو طرف کنج دہن وی پس میگوید آن اژدہا من مال توام من گنج توام کہ زکوٰۃ آن ندادی
ثُمَّ تَلَا وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَبْخَلُوْنَ الْاٰيَةَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
پستر خواند آنحضرت این آیت را تا آخر رواہ بخاری
وَعَنْ عَدِيِّ بْنِ عُمَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از عدی بن عمیرہ گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعْمَلْنَاهُ مِنْكُمْ عَلٰى عَمَلٍ فَكَتَمَنَا مِخْيَطًا
علیہ وسلم ہر کس کہ عامل گردانیدیم او را از شما بہ عملے پس پوشید از ما چیزے را کہ مالیت و سوزن است
فَمَا فَوْقَهُ كَانَ غُلُوْلًا يَأْتِيْ بِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
پس پوشید چیزے را کہ بالاے سوزن است خیانت است آن کتمان غلول می‌آید آنکس بہ این فعل روز قیامت و عقاب
وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيْجٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از رافع بن خدیج گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَامِلُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِالْحَقِّ كَالْغَازِيْ
علیہ وسلم عمل کنندہ بر صدقہ بطریق حق و عدل مانند کسے است کہ غزا کنندہ است
فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلٰى بَيْتِهٖ رَوَاهُ اَبُوْدَاؤُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ
در راہ خدا تا آنکہ باز گردد بسوے خانہ خود رواہ ابوداؤد و الترمذی
وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ لَمَّا تُوُفِّيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت ابوہریرہ چون وفات یافت آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ وَاسْتُخْلِفَ اَبُوْ بَكْرٍ بَعْدَهٗ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ
وسلم و خلیفہ گردانیدہ شد ابوبکر بعد وے و کافر شد بانکار زکوٰۃ آنکہ کافر شد از عرب
قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِاَبِيْ بَكْرٍ رضـ كَيْفَ نُقَاتِلُ النَّاسَ
گفت عمر بن خطاب رضـ مر ابی بکر صدیق رضـ را چگونہ مقاتلہ می‌کنیم مردمان را



وَقَدْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمِرْتُ اَنْ
و حال آنکہ بتحقیق فرمود پیغامبر خدا صلے علیہ وسلم امر کردہ شدہ ام کہ
اُقَاتِلَ النَّاسَ حَتّٰى يَقُوْلُوْا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فَمَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ
قتال کنم مردم را تا آنکہ بگویند لا الہ الا اللہ پس کسیکہ بگوید لا الہ
اِلَّا اللّٰهُ عَصَمَ مِنِّيْ مَالَهٗ وَنَفْسَهٗ اِلَّا بِحَقِّهٖ وَحِسَابُهٗ عَلَى
الا اللہ نگاہدارد از من مال خود را و نفس خود را مگر بحق اسلام و حساب او بر
اللّٰهِ فَقَالَ اَبُوْ بَكْرٍ وَاللّٰهِ لَاُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلٰوةِ
خداست پس گفت ابوبکر بخدا سوگند ہر آئینہ قتال میکنم کسے را کہ فرق کند میان نماز
وَالزَّكٰوةِ فَاِنَّ الزَّكٰوةَ حَقُّ الْمَالِ وَاللّٰهِ لَوْ مَنَعُوْنِيْ عَنَاقًا
و میان زکوٰۃ زیرا کہ زکوٰۃ حق واجب در مال است بخدا سوگند اگر منع کنند مرا بز غالہ
كَانُوْا يُؤَدُّوْنَهَا اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
کہ بودند کہ ادا میکردند آنرا بسوے پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
لَقَاتَلْتُهُمْ عَلٰى مَنْعِهَا قَالَ عُمَرُ فَوَاللّٰهِ مَا هُوَ اِلَّا اَنْ رَاَيْتُ
ہر آئینہ مقاتلہ می‌کنم ایشان را بر منع عناق گفت عمر پس سوگند بخدا نبود حال ابوبکر مگر آنکہ
اَنَّ اللّٰهَ شَرَحَ صَدْرَ اَبِيْ بَكْرٍ لِلْقِتَالِ فَعَرَفْتُ اَنَّهُ الْحَقُّ
بتحقیق کہ خدا کشاد سینہ ابی بکر برائے قتال پس شناختم کہ ہمین است حق کہ قتال کرد ابوبکر
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
متفق علیہ و ہم از وے است گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ يَكُوْنُ كَنْزُ اَحَدِكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ شُجَاعًا اَقْرَعَ يَفِرُّ
وسلم میباشد گنج یکے از شما روز قیامت مار بزرگ کہ موے سر ندارہ مے گریزد
مِنْهُ صَاحِبُهٗ وَهُوَ يَطْلُبُهٗ حَتّٰى يُلْقِمَهٗ اَصَابِعَهٗ رَوَاهُ اَحْمَدُ
از ان مار صاحب آن گنج و حال آنکہ آن مار میجوید او را تا آنکہ لقمہ میگرداند آنرا انگشتان خود را

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رض گفت عائشه رض شنیدم آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا خَالَطَتِ الزَّكٰوةُ مَالًا قَطُّ إِلَّا أَهْلَكَتْهُ

وسلم را که میگفت نیامیخت زکوٰة هیچ مالے را هرگز مگر آنکه هلاک کرد زکوٰة او را

رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَالْبُخَارِيُّ فِيْ تَارِيْخِهٖ وَالْحُمَيْدِيُّ وَزَادَ قَالَ

رواه الشافعی و رواه البخاری در تاریخ خود و حمیدی زیاده کرد و گفت مراد بمی لطت زکوٰة

يَكُوْنُ قَدْ وَجَبَ عَلَيْكَ صَدَقَةٌ فَلَا تُخْرِجُهَا فَيُهْلِكُ الْحَرَامُ

می باشد اینکه بتحقیق واجب شده است بر تو زکوٰة پس بیرون نمی آری تو زکوٰة را پس هلاک می گرداند حرام

الْحَلَالَ الْحَدِيْثُ وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ كُنْتُ أَلْبَسُ أَوْضَاحًا

حلال را تا آخر حدیث و روایت است از ام سلمه رض گفت ام سلمه بودم که می پوشیدم اوضاح

مِنْ ذَهَبٍ فَقُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ أَكَنْزٌ هُوَ فَقَالَ مَا بَلَغَ

که نوعی از زیور طلا است پس گفتم اے رسول خدا آیا گنج است این پس فرمود چیزیکه برسد مقدار را

أَنْ يُؤَدّٰى زَكٰوتُهٗ فَزُكِّيَ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُوْ دَاوٗدَ

که ادا کرده میشود زکوٰة آن پس داده شود زکوٰة آن پس نیست گنج که بران وعید است رواه مالک و ابو داؤد

## بَابُ مَنْ لَا تَحِلُّ لَهُ الْمَسْئَلَةُ وَمَنْ تَحِلُّ لَهٗ

باب در بیان کسیکه حلال نیست او را سوال کردن و گدائی کردن و کسیکه حلال است او را

عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ النَّاسَ أَمْوَالَهُمْ تَكَثُّرًا فَإِنَّمَا يَسْأَلُ

وسلم کسیکه سوال کند از مردم مالهاے ایشان بقصد زیادت شدن مال نه برای رفع حاجت پس سوال

جَمْرًا فَلْيَسْتَقِلَّ أَوْ لِيَسْتَكْثِرْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

اخگر را پس گو کم طلب بد یا بسیار بهر تقدیر سوال ضرر دارد رواه مسلم و روایت است از



الزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

زبیر بن عوام گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهٗ فَيَأْتِيَ بِحُزْمَةِ حَطَبٍ عَلٰى

هر آئینه بگیرد یکے از شما رسن خود را پس بیارد پشته هیزم را بر پشت خود

ظَهْرِهٖ فَيَبِيْعَهَا فَيَكُفَّ اللّٰهُ بِهَا وَجْهَهٗ خَيْرٌ لَّهٗ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ

پس بفروشد آنرا پس باز دارد حق تعالے باین پشته هیزم آبروے او را بهتر است او را ازین که سوال

النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

کند مردم را بدهند مردم او را یا ندهند رواه بخاری و روایت است از ابن عمر رض

أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود و حال آنکه وے بر منبر بود

وَهُوَ يَذْكُرُ الصَّدَقَةَ وَالتَّعَفُّفَ عَنِ الْمَسْئَلَةِ الْيَدُ الْعُلْيَا

و آن حضرت ذکر میکرد صدقه را و باز ایستادن از سوال حرام دست بالا

خَيْرٌ مِّنَ الْيَدِ السُّفْلٰى وَالْيَدُ الْعُلْيَا هِيَ الْمُنْفِقَةُ وَالسُّفْلٰى

بهتر است از دست پایان و تفسیر کرد آنحضرت که دست علیا دستی است که خرچ کننده است و دست پائین

هِيَ السَّائِلَةُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ رض

سوال کننده متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض

قَالَ إِنَّ أُنَاسًا مِّنَ الْأَنْصَارِ سَأَلُوْا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

گفت که بعضے مردمان از انصار سوال کردند از رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَاهُمْ ثُمَّ سَأَلُوْهُ فَأَعْطَاهُمْ حَتّٰى

علیه وسلم پس داد آنحضرت ایشان را پس سوال کردند پس داد ایشان را تا آنکه

نَفِدَ مَا عِنْدَهٗ فَقَالَ مَا يَكُوْنُ عِنْدِيْ مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهٗ عَنْكُمْ

تمام شد چیزیکه نزد آنحضرت بود پس فرمود آنچه میباشد نزد من از خیر یعنی از مال پس ذخیره نمی کنم آنرا از شما

وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللّٰهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللّٰهُ وَمَنْ

وکسیکه باز ایستد از سوال و نگاه بدارد خود را نگاه بدارد او را خدا تعالی و کسیکه استغنا ورزد از سوال توانگر گرداند او را

يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللّٰهُ وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً هُوَ خَيْرٌ وَأَوْسَعُ

و تکلف کند و در آید در صبر کردن صبر بخشد او را خدا و داده نشده است هیچ یکے را دادی که آن بهتر است و

مِنَ الصَّبْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رض قَالَ

از صبر متفق علیه و روایت است از عمر بن الخطاب رض گفت

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِينِي الْعَطَاءَ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم میداد مرا بخشش

فَأَقُولُ أَعْطِهِ أَفْقَرَ إِلَيْهِ مِنِّي فَقَالَ خُذْهُ فَتَمَوَّلْهُ

پس می گفتم که بده آنرا که محتاج تر بود بسوی آن از من پس گفت آنحضرت بگیر آنرا پس مال ساز آن را

وَتَصَدَّقْ بِهِ فَمَا جَاءَكَ مِنْ هٰذَا الْمَالِ وَأَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَلَا

و تصدق کن بآن پس چیزیکه بیاید ترا ازین مال و حال آنکه انتظار برنده و نه سوال کننده

سَائِلٍ فَخُذْهُ وَمَا لَا فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَمُرَةَ

پس بگیر آنرا و چیزیکه نه چنین است پس در مگردان آنرا نفس خود را متفق علیه و روایت است از

ابْنِ جُنْدَبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سمرة بن جندب رض گفت سمره فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

الْمَسَائِلُ كُدُوحٌ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ فَمَنْ شَاءَ

سوالها خراشها و جراحتها است که مجروح می گرداند بها مرد روی خود را پس کسیکه خواهد

أَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ وَمَنْ شَاءَ تَرَكَهُ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلُ ذَا سُلْطَانٍ

نگاه دارد روی خود را و کسیکه خواهد ترک کند آنرا مگر آنکه سوال کند مرد خداوند سلطنت را که امیر است

أَوْ فِي أَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بُدًّا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

یا سوال کند در کاریکه نمی یابد ازان چاره رواه ابوداود و ترمذی و نسائی



وَعَنْ سَهْلِ ابْنِ الْحَنْظَلِيَّةِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت ست از سهل بن حنظلیه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ وَعِنْدَهُ مَا يُغْنِيهِ

صلی الله علیه وسلم کسیکه سوال کند و نزد وے چیزے باشد که بی نیاز گرداند او را از

فَإِنَّمَا يَسْتَكْثِرُ مِنَ النَّارِ قَالَ النُّفَيْلِيُّ وَهُوَ أَحَدُ رُوَاتِهِ فِي مَوْضِعٍ

مگر آنکه میکند طلب بسیارے از آتش گفته است نفیلی و آن یکے از راویان این حدیث ست در جای دیگر

آخَرَ وَمَا الْغِنَى الَّذِي لَا يَنْبَغِي مَعَهُ الْمَسْأَلَةُ قَالَ قَدْرُ

و چیست غنا که روا نیست با وے سوال کردن گفت مقدار

مَا يُغَدِّيهِ وَيُعَشِّيهِ وَقَالَ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ أَنْ يَكُونَ

چیزیست که آنرا قوت بامداد گرداند و قوت شبانگاه و گفته است نفیلی در جای دیگر حد غنا اینست که باشد

لَهُ شِبَعُ يَوْمٍ أَوْ لَيْلَةٍ وَيَوْمٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

او را چیزے که سیر گرداند او را روز یا روز و شب رواه ابوداود و روایت ست از

حُبْشِيِّ بْنِ جُنَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

حبشی بن جناده رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ لِغَنِيٍّ وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ

وسلم بدرستیکه سوال کردن حلال نیست مر توانگر را و نه مر خداوند قوة سلیم الاعضا را

إِلَّا لِذِي فَقْرٍ مُدْقِعٍ أَوْ غُرْمٍ مُفْظِعٍ وَمَنْ سَأَلَ النَّاسَ

ولیکن حلال ست مر خداوند فقر را که چسپانیده است بخاک یا حلال است مر خداوند وام را که

لِيُثْرِيَ بِهِ مَالَهُ كَانَ خُمُوشًا فِي وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَرَضْفًا يَأْكُلُهُ

در فظاعت افگنده است و کسیکه سوال کند مردم را تا بسیار کند بآن مال خود را باشد آن سوال زخمها در روے

مِنْ جَهَنَّمَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُقِلَّ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ

از دوزخ پس کسیکه خواهد کم کند و هرکه خواهد زیاده کند

رواه الترمذي وعن ابن الفراسي ان الفراسي قال

رواه الترمذی و روایت ست از ابن الفراسی که منسوب ست بفراس بن غنم گفت

قلت لرسول الله صلى الله عليه وسلم أسأل يا رسول

ابن فراس از پدرش گفت گفتم مر پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم آیا سوال کنم من اے پیغمبر

الله فقال النبي صلى الله عليه وسلم لا وإن كنت

خدا از مردم چیزے پس فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم سوال مکن و اگر ہستی تو

لا بد فسأل الصالحين رواه أبو داود والنسائي وعن

ناگزیر و ناچار پس سوال کن صالحان را از جہت کرم ایشان رواہ ابو داؤد و النسائی و روایت است از

علي رض أنه سمع يوم عرفة رجلا يسأل الناس

علی کرم اللہ وجہہ که وے شنید روز عرفہ مردے را که سوال میکند مردمان را

فقال أفي هذا اليوم وفي هذا المكان تسأل من

پس فرمود آیا درین روز که عرفہ است و درین مکان که عرفات ست سوال میکنی از

غير الله فخفقه بالدرة رواه رزين وعن عمر رض

غیر خدا پس زد علی کرم اللہ وجہہ آنمرد را بدرہ رواہ رزین و روایت ست از عمر رض

قال تعلمن أيها الناس أن الطمع فقر وأن الإياس غنى

گفت عمر رض بدانید اے مردم که امید داشتن از مال مردم سبب فقر ست و ناامید بودن توانگری و بے نیازی ست

وأن المرء إذا يئس عن شيء استغنى عنه رواه رزين

و بدرستیکه مرد وقتیکه ناامید شود از چیزے بے نیاز شود از ان رواہ رزین

وعن ثوبان قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت ست از ثوبان مولاے آنحضرت گفت که فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

من يكفل لي أن لا يسأل الناس شيئا فأتكفل له

کیست که ضامن شود مرا که سوال نکند از مردم چیزے پس ضامن شوم مر او را



بالجنة فقال ثوبان أنا فكان لا يسأل أحدا شيئا رواه

بہشت پس گفت ثوبان من ضامن میشوم پس بود ثوبان که سوال نمیکرد ہیچ کسے را چیزے رواہ

أبو داود والنسائي وعن أبي ذر رض قال دعاني

ابو داؤد و النسائی و روایت ست از ابی ذر رض گفت ابو ذر رض خواند مرا

رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو يشترط علي أن

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و حال آنکه وے طلب شرط میکند بر من که

لا تسأل الناس شيئا قلت نعم قال ولا سوطك إن

سوال نکنی تو از مردم چیزے گفتم آرے شرط کردم و گفت آنحضرت و نہ طلبی از کسے تازیانہ خود را اگر بیفتد

سقط منك حتى تنزل إليه فتأخذه رواه أحمد باب

از دست تو تا آنکه فرود آئی تو از اسپ بسوے تازیانہ پس بگیری او را رواہ احمد باب

الإنفاق وكراهية الإمساك الذين ينفقون أموالهم

الانفاق و کراہت امساک کسانیکه خرچ میکنند سوال خویش

بالليل والنهار سرا وعلانية فلهم أجرهم عند ربهم

شب و روز پنہان و آشکارا پس ایشان را مزد ایشان ست نزدیک پروردگار ایشان

ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ٥ ولا يحسبن الذين

و نیست ترس بر ایشان و نہ ایشان اندوہگین شوند باید که گمان نکنند آنانکه

يبخلون بما آتاهم الله من فضله هو خيرا لهم

بخل میکنند بآنچه عطا کرده است ایشان را خدا از فضل خود این بخل بہتر ست برائے خویش

بل هو شر لهم سيطوقون ما بخلوا به

بلکه او بدتر ست برائے ایشان نزدیک است که بشکل طوق پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده اند بآن

يوم القيمة قل لعبادي الذين

روز قیامت بگو آن بندگان مرا

اٰمَنُوْا يُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَيُنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً

کہ ایمان آوردہ اند برپادارند نماز را وخرج کنند ازانچہ روزی دادیم ایشانرا پنہان وآشکارا

مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خِلٰلٌ مَنْ ذَا الَّذِيْ

پیش ازانکہ بیاید روزیکہ خرید وفروخت نیست دران ونہ بایکدیگر دوستی بود کیست آنکہ

يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ لَهٗ اَضْعَافًا كَثِيْرَةً

وام دہد خدا را وام دادن نیک پس دوچند سازد خدا اعمال جاریہ او مراتب بسیار

وَاللّٰهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا

وخدا تنگ میسازد وکشادہ میکند روزی را وبسوے او بازگردانیدہ میشوید اے مسلمانان

اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خُلَّةٌ وَّلَا

خرج کنید ازانچہ روزے دادیم شمارا پیش ازینکہ بیاید روزیکہ خرید وفروخت نیست دران ونہ دوستی

شَفَاعَةٌ ؕ وَالْكٰفِرُوْنَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۝ اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ

سفارش وکافران ایشانند ظالمان آنانکہ خرج میکنند

اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُوْنَ مَاۤ اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَاۤ

اموال خودرا در راہ خدا باز از پے آن انفاق نمی آرند منت نہادن را ونہ

اَذًى ۙ لَّهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

ایذا رسانیدن را ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان ونیست ترس بر ایشان ونہ ایشان

يَحْزَنُوْنَ ۝ قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ وَّمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ

اندوہگین شوند سخن ملایم گفتن ودرگذشتن از سائل بہتر ست

مِّنْ صَدَقَةٍ يَّتْبَعُهَاۤ اَذًى ؕ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَلِيْمٌ ۝

ازان خیرات کہ از پے آن آزردہ کردن ست وخدا بے نیاز بردبار ست

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ

اے مومنان تباہ کنید خیرات خودرا



بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى ۙ كَالَّذِيْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَآءَ النَّاسِ

بمنت نہادن وآزردہ کردن ہمچو کسیکہ خرج میکند مال خودرا برائے نمودن مردمان

وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ

وایمان ندارد بخدا وروز قیامت پس صفت او مانند

صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا ؕ

صفت سنگ صاف است کہ بروے باشد اندکی خاکی پس رسید بوے بارانے عظیم پس گذاشت اورا سخت وصاف اند

لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي

توانائی ندارند اہل ریا بر ہیچ چیزے ازآنچہ عمل کردند وخدا راہ نمی نماید

الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ۝ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

گروہ کافران را وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ لِيْ مِثْلُ اُحُدٍ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم اگرے بود مرا مانند کوہ احد

ذَهَبًا لَسَرَّنِيْ اَنْ لَا يَمُرَّ عَلَيَّ ثَلٰثُ لَيَالٍ وَعِنْدِيْ

طلا ہر آئینہ شاد میگردانید مرا اینکہ نگذرد برمن سہ شب وحال آنکہ نزد من

مِنْهُ شَيْءٌ اِلَّا شَيْءٌ اُرْصِدُهٗ لِدَيْنٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزے ازآن باقیمت مگر چیزے کہ آمادہ سازم آنرا برائے وام رواہ بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وہم ازوے روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ اِلَّا وَمَلَكَانِ يَنْزِلَانِ

نیست ہیچ روزے کہ صبح میکنند بندگان دروے مگر آنکہ فرود می آیند دو فرشتہ از آسمان

فَيَقُوْلُ اَحَدُهُمَا اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفًا وَيَقُوْلُ

پس میگوید یکے ازین دو فرشتہ خداوندا بدہ انفاق کنندہ را چیزے بجائے آن ومیگوید فرشتہ

الآخر اللهم اعط ممسكا تلفا متفق عليه وعن

دیگر خداوندا بده بخیل را ہلاکی مال که نگاه میدارد متفق است بخاری ومسلم و روایت است از

أسماء رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه

اسمار بنت ابی بکر رض گفت اسمار فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وسلم انفقي ولا تحصي فيحصي الله عليك ولا توعي

وسلم انفاق کن وشمار مکن که چند دهم پس احصا کند خدا بر تو ونگاه مدار مال را

فيوعي الله عليك ارضخي ما استطعت متفق عليه

پس نگاه دارد خدا بر تو بده آنچه میتوانی اگر چه اندک باشد متفق علیه

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ

عليه وسلم قال الله تعالى انفق يا ابن آدم انفق

علیہ وسلم فرمود خدا تعالے انفاق کن اے پسر آدم تا انفاق کنم

عليك متفق عليه وعن أبي أمامة رض قال قال

بر تو متفق علیہ وروایت است از ابی امامہ رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يا ابن آدم ان تبذل

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم گفت خدا در حدیث قدسی ای فرزند آدم بذل کردن

الفضل خير لك وان تمسكه شر لك ولا تلام

زیاده از قدر حاجت بهتر است مر ترا و نگاه داشتن آنرا دبخل کردن بد تر است مر ترا و نکوهیده نمی شوی تو

على كفاف وابدأ بمن تعول رواه مسلم وعن

بر نگاه داشتن کفاف و آغاز کن در بذل زیاده از کفاف بعیال خود رواه مسلم و روایت است از

جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

جابر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم



اتقوا الظلم فان الظلم ظلمات يوم القيمة واتقوا

پرهیز کنید ظلم را زیرا که ظلم سبب ظلمات متعدده است روز قیامت و پرهیز کنید

الشح فان الشح اهلك من كان قبلكم حملهم

بخل وحرص را زیرا که بخل هلاک گرداننده است کسانی را که پیش از شما بودند برانگیخت ایشان را

على ان سفكوا دماءهم واستحلوا محارمهم

بر آنکه ریختند خون یکدیگر را و حلال گردانیدند چیزها را که حرام گردانیده است خدا

رواه مسلم وعن أبي هريرة رض قال قال رجل

رواه مسلم وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت ابوہریرہ گفت مردے

يا رسول الله اي الصدقة اعظم اجرا قال ان

اے پیغامبر خدا کدام صدقه بزرگتر است از روے اجر و ثواب فرمود که بزرگترین صدقها آنست که

تصدق وانت صحيح شحيح تخشى الفقر وتأمل الغنى

تصدق کنی وحال آنکه تو تندرستی و بخیلی در حالیکه میترسی درویشی را وامید میداری توانگری را

ولا تمهل حتى اذا بلغت الحلقوم قلت لفلان

و توقف مکن تا آنکه برسد روح در گلو بگوی فلان را

كذا ولفلان كذا وقد كان لفلان متفق عليه

چنین وفلان را چنین وحال آنکه هست مر فلان را متفق علیه

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ

عليه وسلم السخي قريب من الله قريب من الجنة

علیہ وسلم سخی نزدیک است از جناب رحمت در حق نزدیکست از بهشت که در آید آنرا

قريب من الناس بعيد من النار والبخيل بعيد من الله

نزدیک است از دلهاے مردم بمحبت بعید است از دوزخ وبخیل بعید است از رحمت حق

بَعِيْدٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيْدٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيْبٌ مِنَ النَّارِ

بعید است از بہشت بعید است از مردمان قریب است از دوزخ

وَلَجَاهِلٌ سَخِيٌّ اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ مِنْ عَابِدٍ بَخِيْلٍ رَوَاهُ

وبتحقیق جاہل سخی دوست داشته شده تر است از عابد بخیل رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

الترمذی و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَاَنْ يَّتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فِيْ حَيَاتِهٖ بِدِرْهَمٍ

صلے اللہ علیہ وسلم ہر آئینہ تصدق کردن مرد یک درہم را در زندگانی خود

خَيْرٌ لَّهٗ مِنْ اَنْ يَّتَصَدَّقَ بِمِائَةٍ عِنْدَ مَوْتِهٖ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

بہتر است مر او را از تصدق کردن صد درہم نزد مردن و روایت کرد ابوداود

وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت از ابی درداء گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ مَثَلُ الَّذِيْ يَتَصَدَّقُ عِنْدَ مَوْتِهٖ اَوْ يُعْتِقُ كَالَّذِيْ

وسلم حال کسیکه تصدق کند نزد مردن خود یا آزاد میکند بنده را مانند حال کسے که

يُهْدِيْ اِذَا شَبِعَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَ

ہدیه میفرستد طعام را بعد از آنکه سیر شد رواه احمد والنسائی والدارمی و

التِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهٗ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ

الترمذی وحکم کرد بصحت آن و از ابی سعید روایت است گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَصْلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِيْ

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم دو خصلت جمع نشوند در

مُؤْمِنٍ اَلْبُخْلُ وَسُوْءُ الْخُلُقِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

ہیچ مسلمانے یکے بخیلی دیگر بدخلقی رواه الترمذی و روایت است از



اَبِيْ بَكْرِ نِ الصِّدِّيْقِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی بکر الصدیق رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَّلَا بَخِيْلٌ وَّلَا مَنَّانٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

در نمی آید بہشت را این کس اول مرد فریبنده دوم بخیل سوم مرد منت نهنده بعد از عطا رواه ترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ شَرُّ مَا فِي الرَّجُلِ شُحٌّ هَالِعٌ وَّجُبْنٌ خَالِعٌ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

وسلم بدترین خصلتها که در مردم است دو خصلت است یکے بخل جزع فزع کننده دوم بزدلی و ترسندگی کرمی برکند دل ان را

وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ بَيْنَمَا رَجُلٌ بِفَلَاةٍ

و روایت است از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت وقتیکه مردے حاضر بود

مِنَ الْاَرْضِ فَسَمِعَ صَوْتًا فِيْ سَحَابَةٍ اِسْقِ حَدِيْقَةَ فُلَانٍ

به بیابانے از زمین پس شنید آواز ے در ابرے که میگوید آب ده بستان فلان را

فَتَنَحّٰى ذٰلِكَ السَّحَابُ فَاَفْرَغَ مَاءَهٗ فِيْ حَرَّةٍ فَاِذَا شَرْجَةٌ

پس یکسو شد آن ابر پس ریخت آن آب خود را در زمین سنگستان پس ناگاه آب رابے

مِنْ تِلْكَ الشِّرَاجِ قَدِ اسْتَوْعَبَتْ ذٰلِكَ الْمَاءَ كُلَّهٗ فَتَتَبَّعَ

از ان آب راهها بتحقیق فراز گرفته است آن آب را همه پس پیروی کرد آن مرد

الْمَاءَ فَاِذَا رَجُلٌ قَائِمٌ فِيْ حَدِيْقَتِهٖ يُحَوِّلُ الْمَاءَ بِمِسْحَاتِهٖ

آب را پس ناگاه مردے ایستاده است در حدیقه خود میگرداند آب را به بیل آہنین

فَقَالَ لَهٗ يَا عَبْدَ اللّٰهِ مَا اسْمُكَ قَالَ فُلَانٌ الْاِسْمُ الَّذِيْ

پس گفت مر این مرد را اے بنده خدا چیست نام تو گفت نام من فلان است آن نامے که

سَمِعَ فِي السَّحَابَةِ فَقَالَ لَهٗ يَا عَبْدَ اللّٰهِ لِمَ تَسْاَلُنِيْ

شنیده بود در ابر پس گفت صاحب باغ مر آن مرد را اے بنده خدا برائے چه میپرسی مرا

عَنِ اسْمِي فَقَالَ اِنِّي سَمِعْتُ صَوْتًا فِي السَّحَابِ الَّذِي
از نام من پس گفت آنمرد من شنیده ام آوازے را در ابر که
هٰذَا مَاؤُهُ وَيَقُولُ اسْقِ حَدِيقَةَ فُلَانٍ لِاسْمِكَ فَمَا تَصْنَعُ
این آب اوست میگفت آن آواز یعنی کسیکه آواز میکرد آب ده حدیقه فلان را میگفت بنام ترا پس چه کار میکنی
فِيهَا قَالَ اَمَّا اِذْ قُلْتَ هٰذَا فَاِنِّي اَنْظُرُ اِلٰى مَا يَخْرُجُ مِنْهَا
در حدیقه خود گفت من نخواسته بودم که اظهار کنم لیکن چون گفتی این را اظهار کردم پس بدرستی که من نگاه میکنم بسوی چیزی که بیرون می آید از آن
فَاَتَصَدَّقُ بِثُلُثِهِ وَاٰكُلُ اَنَا وَعِيَالِي ثُلُثًا وَاَرُدُّ فِيهَا ثُلُثَهُ
پس تصدق میکنم بیک ثلث آن و میخورم من و عیال من از ثلث آن و باز میگردانم در حدیقه خود ثلث آن
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ اَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت کرد مسلم و هم از ابی هریره است که وے شنید آنحضرت صلی الله علیه وسلم
يَقُولُ اِنَّ ثَلٰثَةً مِنْ بَنِي اِسْرَائِيلَ اَبْرَصَ وَاَقْرَعَ وَاَعْمٰى
که میگفت بدرستیکه کسی بودند از قوم بنی اسرائیل یکے ابرص دوم اقرع سوم کور
فَاَرَادَ اللّٰهُ اَنْ يَبْتَلِيَهُمْ فَبَعَثَ اِلَيْهِمْ مَلَكًا فَاَتَى الْاَبْرَصَ
پس خواست خدا تعالی که ابتلا کند ایشان را پس فرستاد خدا بسوے ایشان فرشته را پس آمد آن فرشته نزد ابرص
فَقَالَ اَيُّ شَيْءٍ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ لَوْنٌ حَسَنٌ وَجِلْدٌ حَسَنٌ
پس گفت فرشته کدام چیز دوست داشته شده تراست بسوے تو گفت رنگ نیک و پوست نیک
وَيَذْهَبُ عَنِّي الَّذِي قَدْ قَذِرَنِي النَّاسُ قَالَ فَمَسَحَهُ
و اینکه برود از من آنچه بتحقیق پلید و مکروه پنداشتند مرا مردم گفت آنحضرت پس مسح کرد فرشته او را
فَذَهَبَ عَنْهُ قَذَرُهُ فَاُعْطِيَ لَوْنًا حَسَنًا وَجِلْدًا حَسَنًا قَالَ
پس رفت از وے پلیدی وے پس داده شد او را رنگ نیک و پوست نیک گفت فرشته
فَاَيُّ الْمَالِ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ الْاِبِلُ اَوْ قَالَ الْبَقَرُ شَكَّ
پس کدام مال محبوب تراست بسوے تو گفت شتر یا گفت بقر بجاے ابل شک کرده است



اِسْحٰقُ اِلَّا اَنَّ الْاَبْرَصَ اَوِ الْاَقْرَعَ قَالَ اَحَدُهُمَا الْاِبِلُ
اسحق مگر این که ابرص یا اقرع گفت یکے ازان دو شتر
وَقَالَ الْاٰخَرُ الْبَقَرُ قَالَ فَاُعْطِيَ نَاقَةً عُشَرَاءَ فَقَالَ بَارَكَ
و گفت دیگر گاو گفت پس داده شد او را ماده شترے حامل ده ماهه پس گفت فرشته برکت داد
اللّٰهُ لَكَ فِيهَا قَالَ فَاَتَى الْاَقْرَعَ فَقَالَ اَيُّ شَيْءٍ اَحَبُّ اِلَيْكَ
خداے مر ترا درین ناقه گفت پس آمد نزد اقرع پس گفت فرشته کدام چیز محبوب تراست بسوے تو
قَالَ شَعْرٌ حَسَنٌ وَيَذْهَبُ عَنِّي هٰذَا الَّذِي قَدْ قَذِرَنِي النَّاسُ
گفت موے نیک و اینکه برود از من آنچه که بتحقیق کرده پلید داشته اند مرا مردمان
قَالَ فَمَسَحَهُ فَذَهَبَ عَنْهُ قَالَ وَاُعْطِيَ شَعْرًا حَسَنًا قَالَ فَاَيُّ
گفت پس مسح کرد پس رفت از وے گفت داده شد موے نیک گفت فرشته پس کدام
الْمَالِ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ الْبَقَرُ فَاُعْطِيَ بَقَرَةً حَامِلًا قَالَ
مال محبوب تراست بسوے تو گفت بقر پس داده شد او را گاوے باردار و حامله گفت فرشته
بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ فِيهَا فَاَتَى الْاَعْمٰى فَقَالَ اَيُّ شَيْءٍ اَحَبُّ اِلَيْكَ
برکت داد خدا مر ترا در آن گاو پس آمد فرشته نزد کور پس گفت کدام چیز محبوب تراست بسوے تو
فَقَالَ اَنْ يَرُدَّ اللّٰهُ اِلَيَّ بَصَرِي فَاُبْصِرَ بِهِ النَّاسَ قَالَ
پس گفت کور اینکه باز گرداند خدا تعالی بسوے من بینائی من پس ببینم بوے مردمان را گفت
فَمَسَحَهُ فَرَدَّ اللّٰهُ اِلَيْهِ بَصَرَهُ قَالَ فَاَيُّ الْمَالِ اَحَبُّ اِلَيْكَ
پس مسح کرد فرشته او را و باز گردانید خدا بسوے وے بینائی او را گفت فرشته پس کدام مال محبوب تراست
قَالَ الْغَنَمُ فَاُعْطِيَ شَاةً وَالِدًا فَاُنْتِجَ هٰذَانِ وَوَلَّدَ هٰذَا
گفت کور گوسپندان محبوب تراست پس داده شد گوسپند زاینده پس انتاج کردند این دو و تولید کرد این یعنی صاحب
فَكَانَ لِهٰذَا وَادٍ مِنَ الْاِبِلِ وَلِهٰذَا وَادٍ مِنَ الْبَقَرِ وَلِهٰذَا
پس گشت حاصل مر این را وادی از شتر و مر این را وادی از گاوان و مر این را

وادٍ من الغنم قال ثم إنه أتى الأبرص في صورته وهيئته
و وادی از گوسفندان گفت آنحضرت پس بدرستیکه آن فرشته آمد ابرص را در همان صورت و هیئت
فقال إني رجل مسكين قد انقطعت بي الحبال في سفري
پس گفت من مردی مسکینم بتحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر
فلا بلاغ لي اليوم إلا بالله ثم بك أسألك بالذي
پس نیست کفایت رسیدن مرا امروز مگر بخدا و فضل خدا پس بتو سوال میکنم ترا بآنخدا که
أعطاك اللون الحسن والجلد الحسن والمال بعيرا أتبلغ
داده است ترا رنگ نیک و پوست نیک و داده است ترا مال شترے را که برسم
به في سفري فقال الحقوق كثيرة فقال إنه كأني أعرفك
بآن در سفر خود پس گفت حقها بسیار است پس گفت فرشته بدرستیکه گویا من ترا می شناسم
ألم تكن أبرص يقذرك الناس فقيرا فأعطاك الله
آیا نبوده ترا ابرص که پلید میکرده داشتند ترا مردم و فقیر که مال نبود داشتے پس داد ترا خدا تعالے
فقال إنما ورثت هذا المال كابرا عن كابر فقال إن كنت
پس گفت داده شده ام این مال را مگر بمیراث از آبا و اجداد بمن رسیده پس گفت فرشته اگر باشی تو
كاذبا فصيرك الله إلى ما كنت قال وأتى الأقرع في صورته
دروغ گو پس بگرداند ترا خدا تعالے بسوے حالی که بودی تو گفت و آمد آن فرشته اقرع را در همان صورت
فقال له مثل ما قال لهذا ورد عليه مثل ما رد على هذا
پس گفت مر آنرا مانند آنچه گفته بود مر ابرص را و رد کرد اقرع بفرشته مانند آنچه رد کرد بدین
فقال إن كنت كاذبا فصيرك الله إلى ما كنت قال
پس گفت فرشته اگر باشی تو دروغ گو پس بگرداند ترا خدا تعالے بازگردانده بسوے حالیکه بودی تو
وأتى الأعمى في صورته وهيئته فقال رجل مسكين
و آمد آن فرشته نزد اعمی در صورتے که نخست آمده بود پس گفت من مردے مسکینم



وابن سبيل قد انقطعت بي الحبال في سفري فلا بلاغ
و مسافر بتحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر پس نیست کفایت و رسیدن
لي اليوم إلا بالله ثم بك أسألك بالذي رد عليك
مرا امروز مگر بتوفیق خدا پس بتو سوال میکنم ترا بآن خدائے که داده است ترا
بصرك شاة أتبلغ بها في سفري فقال قد كنت
بینائی تو سوال میکنم گوسپندے که برسم بآن در حصول سفر من گفت آن اعمی بتحقیق بودم
أعمى فرد الله إلي بصري فخذ ما شئت ودع ما شئت
کور پس بازگردانید خدا تعالے بسوے من بینائی من پس بگیر هرچه میخواهی از گوسپندان و بگذار هرچه میخواهی
فوالله لا أجهدك اليوم بشيء أخذته لله فقال أمسك
پس بخدا سوگند که منع نمی کنم و در مشقت نمی اندازم ترا امروز بچیزے که بگیری تو آنرا برائے خدا پس گفت فرشته
مالك فإنما ابتليتم فقد رضي عنك وسخط على
مال خود را پس جز این نیست که ابتلا و آزمایش کرده شده اید کسان پس بتحقیق خشنود شده و خشم گرفت
صاحبيك متفق عليه وعن أم بجيد قالت
دو یار تو متفق علیه است و روایت است از ام بجید انصاریه رض گفت
قلت يا رسول الله إن المسكين ليقف على بابي حتى
گفتم اے رسول خدا بدرستیکه مسکین بر آئینه می ایستد بر در من تا آنکه
أستحيي فلا أجد في بيتي ما أدفع في يده فقال
شرم میدارم پس نمی یابم در خانه خود چیزے که بنهم در دست وے پس فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم ادفعي في يده ولو
پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم بنه در دست وے
ظلفا محرقا رواه أبو داود وعن مولى لعثمان رض
سم سوخته باشد رواه ابو داود و روایت است از مولے که مر عثمان رض بود

قال اهدي لام سلمة بضعة من لحم وكان النبي

گفت هدیه فرستاده شده مرام سلمه را پاره از گوشت و بود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يعجبه اللحم فقالت للخادم ضعيه

صلے اللہ علیہ و سلم کہ خوش می آمد اورا گوشت پس گفت ام سلمہ مرخادمہ را بنہ آن گوشت را

في البيت لعل النبي صلى الله عليه وسلم ياكله فوضعته

در خانہ شاید کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم بخورد آنرا پس بنہاد خادمہ آنرا

في كوة البيت فجاء سائل فقام على الباب فقال

در طاقچہ خانہ پس آمد سوال کنندہ پس استاد بر در پس گفت

تصدقوا بارك الله فيكم فقالوا بارك الله فيك

تصدق کنید برکت کناد حق تعالی در شما پس گفتند اہل خانہ مر سایل را کہ برکت کناد خدا در تو

فذهب السائل فدخل النبي صلى الله عليه وسلم فقال

پس رفت سایل پس در آمد پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم یعنے در خانہ پس فرمود آنحضرت

يا ام سلمة هل عندكم شيء اطعمه فقالت نعم قالت

اے ام سلمہ آیا ہست نزد شما چیزے کہ بخورم پس گفت آرے ہست پس گفت

للخادم اذهبي فاتي رسول الله صلى الله عليه وسلم

مر خادمہ را کہ برو پس بیار نزد پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم

بذلك اللحم فذهبت فلم تجده في الكوة الا قطعة

آن گوشت را پس رفت خادمہ پس نیافت آن گوشت را در طاقچہ مگر سنگ پارہ را

مروة فقال النبي صلى الله عليه وسلم فان ذلك اللحم

پس گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم پس بدرستیکہ آن گوشت

عاد مروة لما لم تعطوه السائل رواه البيهقي في دلائل النبوة

گشت سنگ سفید از جہت ندادنش سایل را رواہ بیہقی در دلایل النبوۃ



وعن ابن عباس رض قال قال النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم

الا اخبركم بشر الناس منزلا قيل نعم قال الذي يسال

آیا خبر ندہم شما را بہ بدترین مردم از روے مرتبہ گفتہ شد آرے خبر دہ فرمود آن کسے کہ سوال کردہ شود

بالله ولا يعطي به رواه احمد وعن ابي هريرة رض ان

بنام خداوند بنام خدا رواہ احمد و روایت است از ابی ہریرہ رض بدرستیکہ

النبي صلى الله عليه وسلم دخل على بلال وعنده صبرة

آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم در آمد بر بلال و نزد او تودہ بود

من تمر فقال ما هذا يا بلال قال شيء ادخرته لغد

از خرماے خشک پس گفت آنحضرت چیست این خرما اے بلال گفت این چیز نیست کہ ذخیرہ کردہ بودم برائے فردا

فقال اما تخشى ان ترى له غدا بخارا في نار جهنم يوم

فرمود آیا نمی ترسی کہ بہ بینی مر این تمر را فردا دود در آتش دوزخ روز

القيامة انفق بلال ولا تخش من ذي العرش اقلالا

قیامت خرچ کن اے بلال و مترس از خداوند عرش کم کردن را

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و ہم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم

السخاء شجرة في الجنة فمن كان سخيا اخذ بغصن منها

جوانمردی درختے است در بہشت پس کسے کہ باشد سخی گرفتہ است شاخے را از ان درخت

فلم يتركه الغصن حتى يدخله الجنة والشح شجرة في

پس نمی گذارد اورا آن شاخ تا آنکہ می در آرد اورا در بہشت و بخل درختیست در

النار فمن كان شحيحا اخذ بغصن منها فلم يتركه الغصن

دوزخ پس ہر کہ بخیل است گرفتہ است شاخ آنرا پس نمی گذارد اورا آن شاخ

حتى يدخله النار رواهما البيهقي في شعب الايمان وعن
تا آنکه درآرد او را در دوزخ و روایت کرد این دو حدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایت است از
علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بادروا
علی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم شتابی کنید
بالصدقة فان البلاء لا يتخطاها رواه رزين
بصدقه زیرا که بدرستی که بلا تجاوز نمی کند صدقه را رواه رزین

## باب فضل الصدقة في سبيل الله تعالى

باب در بیان فضیلت صدقه فی سبیل الله
وانفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بايديكم الى التهلكة
و خرج کنید در راه خدا و میفکنید خویشتن را بسوی هلاک
واحسنوا ان الله يحب المحسنين ان تبدوا الصدقات
و نیکوکاری کنید بر آئینه خدا دوست میدارد نیکوکاران را اگر آشکارا کنید خیرات را
فنعما هي وان تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم
پس نیکو چیز است آن و اگر پنهان کنید و بدهید آن را بفقیران پس این بهتر است شما را
ويكفر عنكم من سيئاتكم والله بما تعملون خبير عن
و این دور سازد از شما بعض گناهان شما را و خدا بانچه میکنید آگاه است روایت است از
ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه
تصدق بعدل تمرة من كسب طيب ولا يقبل الله الا الطيب
تصدق کند برابر قیمت تمر از کسب پاک و نمی پذیرد خدا تعالی مگر پاک را
فان الله يتقبلها بيمينه ثم يربيها لصاحبها كما يربي
پس بدرستیکه خدا تعالی می پذیرد آن را بدست راست خود پس پرورش میکند آن صدقه را برای صاحبش



احدكم فلوه حتى تكون مثل الجبل متفق عليه وعنه
یکی از شما کره اسپ خود را تا آنکه میباشد آن صدقه مانند کوه متفق علیه و هم از وی است
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما نقصت صدقة
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کم نکرد هیچ صدقه چیزے را
من مال وما زاد الله عبدا بعفو الا عزا وما تواضع احد
از مال و زیادت نگرداند خدا تعالی هیچ بنده را بسبب عفو کردن دیگر عزت در دنیا و فروتنی نکند هیچ یکے
الا رفعه الله رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله
مگر آنکه بلند گرداند قدر او را خدا تعالی رواه مسلم و هم از وی است گفت فرمود پیغامبر خدا
صلى الله عليه وسلم من انفق زوجين من شيء من الاشياء
صلی الله علیه وسلم کسیکه انفاق کند دو چیز را از چیزها
في سبيل الله دعي من ابواب الجنة وللجنة ابواب فمن كان
در راه خدا خوانده میشود آنکس از درهاے بهشت و مر بهشت را درهاست پس کسیکه باشد
من اهل الصلوة دعي من باب الصلوة ومن كان من
از اهل نماز یعنے غالب ست بروے نماز خوانده میشود از در بهشت که مخصوص است باهل نماز و کسیکه باشد از
اهل الجهاد دعي من باب الجهاد ومن كان من اهل
اهل جهاد خوانده می شود از در جهاد و کسیکه باشد از اهل
الصدقة دعي من باب الصدقة ومن كان من اهل
صدقه خوانده می شود از باب صدقه و کسیکه باشد از اهل
الصيام دعي من باب الريان فقال ابو بكر ما على من
روزه خوانده می شود او را از در ریان یعنے در سیرابی پس گفت ابوبکر صدیق رض نیست بر کسیکه
دعي من تلك الابواب من ضرورة فهل يدعى احد
خوانده شود از آن درها ضرورتے پس آیا خوانده می شود هیچ یکے

مِنْ تِلْكَ الْاَبْوَابِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ وَاَرْجُوْ اَنْ تَكُوْنَ مِنْهُمْ

از همه درها گفت آنحضرت آری ست وامید میدارم که باشی تو اے ابوبکر از ان کسان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیه و هم از وے روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَنْ اَصْبَحَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ صَائِمًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ تَبِعَ

یعنی پرسید از صحابه کیست که صبح کرد از شما امروز روزه دار گفت ابوبکر صدیق منم یا رسول الله و فرمود آنحضرت که کیست

مِنْكُمُ الْيَوْمَ جَنَازَةً قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ فَمَنْ اَطْعَمَ مِنْكُمُ

از شما امروز جنازه را گفت ابوبکر صدیق منم گفت آنحضرت پس کیست که طعام خورانید از شما

الْيَوْمَ مِسْكِيْنًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ عَادَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ

امروز مسکین را گفت ابوبکر صدیق من هستم گفت و کیست که پرسید از شما امروز

مَرِيْضًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بیمار را گفت ابوبکر صدیق انا پس گفت آنحضرت صلے الله علیه وسلم

مَا اجْتَمَعْنَ فِيْ امْرِئٍ اِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

جمع نشوند این چهار چیز در یک روز هیچ مرد را مگر آنکه در آید در بهشت رواه مسلم و روایت است

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

خُلِقَ كُلُّ اِنْسَانٍ مِنْ بَنِيْ اٰدَمَ عَلٰى سِتِّيْنَ وَثَلٰثِ مِائَةِ مَفْصِلٍ

پیدا کرده شده است هر شخص از اولاد آدم بر سه صد و شصت بند

فَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ وَحَمِدَ اللّٰهَ وَهَلَّلَ اللّٰهَ وَسَبَّحَ اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ

پس هر که بگوید الله اکبر و الحمد لله و لا اله الا الله و سبحان الله و طلب آمرزش کند از

اللّٰهَ وَعَزَلَ حَجَرًا عَنْ طَرِيْقِ النَّاسِ اَوْ شَوْكَةً اَوْ عَظْمًا

خدا و دور کند سنگی را از راه مردم یا خارے را یا استخوانے را



اَوْ اَمَرَ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ نَهٰى عَنْ مُنْكَرٍ عَدَدَ تِلْكَ السِّتِّيْنَ وَالثَّلٰثِمِائَةِ

یا امر کند بمشروع یا نهی کند از نامشروع موافق عدد سه صد و شصت بند

فَاِنَّهُ يَمْشِيْ يَوْمَئِذٍ وَقَدْ زَحْزَحَ نَفْسَهُ عَنِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بدرستیکه آنکس راه میرود و یا شام میکند در آن روز حال آنکه دور انداخته خود را از آتش رواه مسلم

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا اَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ

نیست هیچ مسلمانے که بنشاند درختے را یا بکارد کشتے را پس بخورد از ان

اِنْسَانٌ اَوْ طَيْرٌ اَوْ بَهِيْمَةٌ اِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

آدمی یا پرنده یا چارپایه مگر آن که باشد مر او را صدقه متفق علیه

وَفِيْ رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رض وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ

و در روایتے مر مسلم را از جابر رض آمده است و آنچه دزدیده شد از ان نیز او را صدقه است

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ غُفِرَ لِامْرَأَةٍ مُوْمِسَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلٰى رَأْسِ رَكِيٍّ

وسلم که آمرزیده شد مر زنے زانیه که گذشت بسگے بر سر چاه

يَلْهَثُ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ فَنَزَعَتْ خُفَّهَا فَاَوْثَقَتْهُ

در حالیکه می برآرد آن سگ زبان خود را از تشنگی نزدیک است که بکشد او را تشنگی پس کشید آن زن زانیه موزه خود را

بِخِمَارِهَا فَنَزَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ فَغُفِرَ لَهَا بِذٰلِكَ قِيْلَ اِنَّ

بسر پوش خود پس کشید آن زن برائے سگ چیزے از آب پس آمرزیده شد مر آن زن را بآن عمل گفته شد بدرستیکه

لَنَا فِي الْبَهَائِمِ اَجْرًا قَالَ فِيْ كُلِّ ذَاتِ كَبِدٍ رَطْبَةٍ اَجْرٌ

ما را در احسان کردن بهیمه یا سیراب کردن آنها ثواب است فرمود آنحضرت در احسان کردن بهر جان که خداست

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
متفق علیه و روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ رَجُلٌ بِغُصْنِ شَجَرَةٍ عَلٰى ظَهْرِ
صلی اللّٰہ علیہ وسلم گذشت مردے بہ شاخ درختے کہ بر پشت
طَرِيْقٍ فَقَالَ لَأُنَحِّيَنَّ هٰذَا عَنْ طَرِيْقِ الْمُسْلِمِيْنَ لَا يُؤْذِيْهِمْ
راہ است دفوق او پس گفت ہر آئینہ یکسو گردانم این شاخ را از راہ مسلمانان تا ایذا نکند این شاخ مسلمانان را
فَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
پس در آوردہ شد آن مرد در بہشت متفق علیہ و ہم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ رَأَيْتُ رَجُلًا يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ
صلی اللّٰہ علیہ وسلم ہر آئینہ تحقیق دیدم مردیرا کہ میگردد و تنعم میکند در بہشت
فِيْ شَجَرَةٍ قَطَعَهَا مِنْ ظَهْرِ الطَّرِيْقِ كَانَتْ تُؤْذِي النَّاسَ
بجہت درختے کہ برید آن را از ظاہر طریق و فوق آن بود آن درخت کہ آزار میکرد مردم را
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِيْ بَرْزَةَ رضـ قَالَ قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ
رواہ مسلم و روایت است از ابی برزہ رضـ گفت ابو برزہ گفتم اے نبی اللّٰہ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِّمْنِيْ شَيْئًا أَنْتَفِعُ بِهٖ قَالَ اعْزِلِ
صلی اللّٰہ علیہ وسلم بیاموزان مرا چیزے از اعمال کہ سود مند شوم بدان فرمود آنحضرت
الْأَذٰى عَنْ طَرِيْقِ الْمُسْلِمِيْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ
آنچہ آزار کند از راہ مسلمانان از خار و سنگ جز آن رواہ مسلم و روایت است از عبد اللّٰہ
ابْنِ سَلَامٍ رضـ قَالَ لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِيْنَةَ
ابن سلام رضـ گفت ہنگامے کہ قدوم آورد آنحضرت صلی اللّٰہ علیہ وسلم مدینہ را از مکہ بہ ہجرت
جِئْتُ فَلَمَّا تَبَيَّنْتُ وَجْهَهٗ عَرَفْتُ أَنَّ وَجْهَهٗ لَيْسَ بِوَجْهِ
آمدم نزد آنحضرت پس ہنگامے کہ دیدم و تامل کردم روے مبارک آنحضرت را شناختم کہ روے وے نیست



كَذَّابٍ فَكَانَ أَوَّلُ مَا قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَفْشُوا السَّلَامَ
دروغ گوئی پس بود آنحضرت نخستین چیزے کہ گفت در نصیحت و دعوت مردم این کلام ای مردمان فاش گردانید سلام گفتن را
وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصِلُوا الْأَرْحَامَ وَصَلُّوْا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ
و بخورانید طعام مسکینان را و پیوند کنید رحمہا را یعنی قرابت را و نماز بگذارید در شب در حالیکہ مردم
نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
در خواب باشند این کارہا بکنید مے درآید بہ بہشت بسلامت از عذاب رواہ الترمذی و ابن ماجہ
وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ
والدارمی و روایت است از عبد اللّٰہ بن عمرو رضـ گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعْبُدُوا الرَّحْمٰنَ
پیغامبر خدا صلی اللّٰہ علیہ وسلم عبادت کنید خدائے مہربان را
وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَأَفْشُوا السَّلَامَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ
و بخورانید طعام گدا را و بلند گوئید سلام را سے درآئید بہ بہشت بسلامت از تعب و حجاب
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رضـ قَالَ قَالَ
رواہ الترمذی و ابن ماجہ و روایت است از انس رضـ گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئُ
پیغامبر خدا صلی اللّٰہ علیہ وسلم بدرستیکہ تصدق کردن ہر آئینہ میکشد آتش
غَضَبَ الرَّبِّ وَتَدْفَعُ مِيْتَةَ السُّوْءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
خشم الٰہی را و دور میگرداند مرگ بد را اشارتست بحصول سلامت رواہ الترمذی
وَعَنْ أَبِيْ ذَرٍّ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از ابی ذر رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللّٰہ علیہ وسلم
تَبَسُّمُكَ فِيْ وَجْهِ أَخِيْكَ صَدَقَةٌ وَأَمْرُكَ بِالْمَعْرُوْفِ صَدَقَةٌ
تبسم کردن تو یعنی لب شیرین کردن در روے برادر خود صدقہ است و امر کردن تو بمعروف صدقہ است

ونهيك عن المنكر صدقة وارشادك الرجل في ارض الضلال
ونهی کردن تو از منکر صدقه است وراه نمودن تو مرد را در زمین گمراہی که مردم در وے راه گم کنند

صدقة ونصرك الرجل الردي البصر لك صدقة
صدقه است ویاری دادن تو مرد تباه بینائی را مر ترا صدقه است

واماطتك الحجر والشوك والعظم عن الطريق لك صدقة
و دور کردن تو سنگ را و خار را و استخوان را از راه مر ترا صدقه است

وافراغك من دلوك في دلو اخيك لك صدقة رواه الترمذي وعن
وریختن تو از دلو یعنی آب در دلو برادر خود مر ترا صدقه است رواه ترمذی و روایت است از

سعد بن عبادة رضه قال يا رسول الله صلى الله عليك وسلم
سعد بن عباده رض گفت اے رسول خدا صلے الله علیک وسلم

ان ام سعد ماتت فاي الصدقة افضل قال الماء
بدرستیکه مادر سعد مرده است پس کدام صدقه بروح وے کنم بهتر است فرمود آنحضرت که آب بهترین صدقه

فحفر بئرا وقال هذه لام سعد رواه ابو داود والنسائي
پس کند سعد چاه را بنام مادر و گفت این چاه برائے ام سعد است رواه ابو داود والنسائی

وعن ابي سعيد رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه
و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه

وسلم ايما مسلم كسا مسلما ثوبا على عري كساه الله من
وسلم هر مسلمانے که بپوشاند مسلمانے دیگر را جامه بر برهنگی بپوشاند او را خدا از

خضر الجنة وايما مسلم اطعم مسلما على جوع
حلهاے سبز بهشت و هر مسلمانے که بخوراند مسلمانے دیگر را بر گرسنگی

اطعمه الله من ثمار الجنة وايما مسلم سقا مسلما
بخوراند او را خدا تعالے از میوه هاے بهشت و هر مسلمانے که بنوشاند مسلمانے را



على ظماء سقاه الله من الرحيق المختوم رواه ابو داود
بر تشنگی بنوشاند او را خدا تعالی از شراب خالص که مهر کرده شده ظروف آن رواه ابو داود

والترمذي وعن عائشة رضه انهم ذبحوا شاة
والترمذی و روایت است از عائشه رض بدرستیکه ایشان یعنی اهل بیت ذبح کردند گوسپند را

فقال النبي صلى الله عليه وسلم ما بقي منها فقالت
پس فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم چه چیز باقی مانده از ان گوسپند پس گفت عائشه رض

ما بقي منها الا كتفها قال بقي كلها غير كتفها رواه
باقی نمانده از وے مگر شانه وے یعنی همه بخشش کرده شد بفقیران فرمود آنحضرت باقی مانده همه شاة جز کتف وے

الترمذي وعن ابن عباس رضه قال سمعت رسول الله
الترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول ما من مسلم كسا مسلما
صلے الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مسلمانے که بپوشاند مسلمانے را

ثوبا الا كان في حفظ من الله ما دام عليه منه خرقة
جامه مگر آنکه باشد آنکه جامه پوشانیده در حفظ خدا تا آن وقت که باقی ماند از ان جامه پاره

رواه احمد والترمذي وعن ابي ذر رضه قال
رواه احمد و الترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ثلثة يحبهم الله
فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسان اند که دوست میدارد ایشان را خدا

وثلثة يبغضهم الله فاما الذين يحبهم الله فرجل اتى
و کسان اند که دشمن میدارد ایشان را خدا پس آن کسانیکه دوست میدارد ایشان را خدا پس یکے مرد است که آمد

قوما فسألهم بالله ولم يسألهم بقرابة بينه وبينهم فمنعوه
گروهے را پس سوال کرد ایشان را بحض نام خدا و سوال نکرد ایشان را از جهت خویشی که میان او و میان ایشان بود پس منع کردند او را

فَتَخَلَّفَ رَجُلٌ بِأَعْيَانِهِمْ فَأَعْطَاهُ سِرًّا لَا يَعْلَمُ بِعَطِيَّتِهٖ
پس سبقت کرد بر ایشان مردے پس انداخت ایشان را پس داد او را نهانے در حالیکه نمی داند داده شده او را

إِلَّا اللّٰهُ وَالَّذِي أَعْطَاهُ وَقَوْمٌ سَارُوْا لَيْلَتَهُمْ حَتّٰى إِذَا كَانَ
مگر خدا تعالی و آن کسیکه داده است او را و دوم مردیست از میان قومی که راه رفتند تمام شب تا آن وقتیکه

النَّوْمُ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِمَّا يُعْدَلُ بِهٖ فَوَضَعُوْا رُءُوْسَهُمْ
خواب دوست داشته شده تر است بسوے ایشان از هرچه برابر کرده شود با آن پس نهادند این قوم سرهاے ایشان را بخواب

فَقَامَ يَتَمَلَّقُنِيْ وَيَتْلُوْا اٰيَاتِيْ وَرَجُلٌ كَانَ فِيْ سَرِيَّةٍ
پس ایستاد بنماز مردے در حالیکه مناجات میکند و میخواند آیات کتاب مرا سوم مردے که بود در لشکرے

فَلَقِيَ الْعَدُوَّ فَهُزِمُوْا فَأَقْبَلَ بِصَدْرِهٖ حَتّٰى يُقْتَلَ
پس ملاقات کرد دشمنان را پس شکست داده شدند اهل آن پس اقبال کرد این مرد بسینهٔ خود تا آنکه کشته شود آن

أَوْ يُفْتَحَ لَهٗ وَالثَّلَاثَةُ الَّذِيْنَ يُبْغِضُهُمُ اللّٰهُ الشَّيْخُ الزَّانِيْ
یا گشایش کرده شود و آن کس که دشمن میدارد ایشان را خدا تعالی کے پیر زنا کننده

وَالْفَقِيْرُ الْمُخْتَالُ وَالْغَنِيُّ الظَّلُوْمُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ
دوم درویشے که تکبر کننده است سوم توانگر ظلم کننده رواه الترمذی و مر نسائی را

مِثْلُهٗ وَعَنْ أَنَسٍ ؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
مثل آنست و روایت است از انس ؓ گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ لَمَّا خَلَقَ اللّٰهُ الْأَرْضَ جَعَلَتْ تَمِيْدُ فَخَلَقَ الْجِبَالَ
وسلم وقتیکه پیدا کرد خدا تعالی زمین را شروع کرد زمین که میل کند و بجنبد پس پیدا کرد خدا کوه

فَقَالَ بِهَا عَلَيْهَا فَاسْتَقَرَّتْ فَعَجِبَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ مِنْ شِدَّةِ
پس زد کوه را بر زمین پس قرار یافت زمین پس شگفت کردند فرشتگان از سختی

الْجِبَالِ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْجِبَالِ
کوه ها پس گفتند ای پروردگار آیا هست از آفرینش تو چیزے سخت تر از کوه ها

١؎ فتخلف رجل ... این عبارت ...

٢؎ ...



قَالَ نَعَمْ الْحَدِيْدُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ
فرمود حق تعالی آرے آهن سخت تر است از کوه پس گفتند فرشتگان ای رب آیا هست از پیدایش تو چیزی سخت تر

مِنَ الْحَدِيْدِ قَالَ نَعَمْ النَّارُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ
از آهن گفت پروردگار آرے آتش است پس گفتند اے رب آیا هست از

خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ الْمَاءُ فَقَالُوْا
پیدایش تو چیزے سخت تر از آتش گفت حق تعالی آرے آب است پس گفتند

يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ قَالَ نَعَمْ
اے رب آیا هست از پیدایش تو چیزے سخت تر از آب گفت حق تعالے آرے

الرِّيْحُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الرِّيْحِ
باد است پس گفتند ای رب آیا هست از پیدایش تو چیزے سخت تر از باد

قَالَ نَعَمْ ابْنُ اٰدَمَ تَصَدَّقَ صَدَقَةً مِنْ يَمِيْنِهٖ يُخْفِيْهَا
گفت حق تعالی آرے سخت تر از آن صدقه دادن فرزند آدم است که تصدق میکند بدست راست خود و

مِنْ شِمَالِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِيْ ذَرٍّ ؓ قَالَ
از دست چپ خود رواه الترمذی و روایت است از ابی ذر ؓ گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ
فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم نیست هیچ بندهٔ مسلمان

يُنْفِقُ مِنْ كُلِّ مَالٍ لَهٗ زَوْجَيْنِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ إِلَّا
که خرچ کند از هر مالے که مر او راست دو چیز چنانکه دو اسپ و دو شتر در راه خدا تعالی مگر اینکه

اسْتَقْبَلَتْهُ حَجَبَةُ الْجَنَّةِ كُلُّهُمْ يَدْعُوْهُ إِلٰى مَا
پیش مے آیند او را پرده داران بهشت هر یک از ایشان میخوانند او را بسوے چیزے که

عِنْدَهٗ قُلْتُ وَكَيْفَ ذٰلِكَ قَالَ إِنْ كَانَتْ إِبِلًا فَبَعِيْرَيْنِ
نزد اوست از نعمت گفتم و چگونه است اتفاق دو چیز از هر مال فرمود آنحضرت اگر باشد اموال شتر پس

وَاِنْ كَانَتْ بَقَرَةً فَبَقَرَتَيْنِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ

واگر باشد مال گاوان پس انفاق کند دو گاو را رواه النسائی و روایت است از

مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ

مرثد بن عبد اللہ گفت مرثد حدیث کرد مرا بعضے از اصحاب آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ سَمِعَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ وے شنید آنحضرت را صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ ظِلَّ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ صَدَقَتُهُ رَوَاهُ

وسلم کہ میگفت کہ جائے پناہ مومن و سبب آسائش وی در روز قیامت صدقۂ اوست رواہ

اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احمد و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ وَسَّعَ عَلٰى عِيَالِهٖ فِي النَّفَقَةِ يَوْمَ عَاشُوْرَاءَ وَسَّعَ اللّٰهُ

کسیکہ فراخی کند بر اہل و عیال خود در خرچ روز عاشورا فراخ گرداند خدا تعالی

عَلَيْهِ سَائِرَ سَنَتِهٖ قَالَ سُفْيَانُ اِنَّا قَدْ جَرَّبْنَاهُ

بروے در باقی سال وے گفتہ است سفیان ثوری بدرستے ما آزمودیم این را

فَوَجَدْنَاهُ كَذٰلِكَ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي

پس یافتیم این را ہمچنین رواہ رزین و روایت کرد بیہقی این حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنْهُ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ وَاَبِيْ سَعِيْدٍ وَجَابِرٍ

شعب ایمان از وے و از ابی ہریرہ رض و از ابی سعید رض و از جابر رض حکم کرد بیہقی

وَضَعَّفَهُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بضعف این حدیث و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلٰى اَهْلِهٖ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ چون انفاق کند مسلمان نفقہ را بر اہل خود



وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهٗ صَدَقَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وحال آنکہ وے نیت ثواب وارد میباشد آن نفقہ مراورا صدقہ اگرچہ بقدر اندادہ است متفق علیہ

## بَابُ اَفْضَلِ الصَّدَقَةِ

باب دربیان افضلیت صدقہ

وَيُطْعِمُوْنَ الطَّعَامَ عَلٰى حُبِّهٖ مِسْكِيْنًا وَّيَتِيْمًا وَّاَسِيْرًا

و میدہند طعام را با وجود احتیاج بآن فقیران را و یتیم را و زندانی را میگویند

اِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِيْدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَّلَا شُكُوْرًا

جز این نیست کہ طعام میدہیم شما را برائے ذات خدائی طلب نمیکنیم از شما مزدے و نہ شکرے

مَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ

صفت آنانکہ خرچ میکنند اموال خود را در راہ خدا مانند

حَبَّةٍ اَنْۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِيْ كُلِّ سُنْۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ

صفت یک دانہ است کہ برویاند ہفت خوشہ را در ہر خوشہ صد دانہ است

وَاللّٰهُ يُضٰعِفُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ۞ لَنْ تَنَالُوا

و خدا دو چند میدہد ہر کرا خواہد و خدا جواد دانا است ہرگز نیابید

الْبِرَّ حَتّٰى تُنْفِقُوْا مِمَّا تُحِبُّوْنَ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ شَيْءٍ

نیکی را تا آنکہ خرچ کنید از آنچہ دوست میدارید و ہر چیز کہ خرچ کنید

فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض وَحَكِيْمِ بْنِ حِزَامٍ

پس ہر آئینہ خدا بوے دانا است روایت است از ابی ہریرہ رض و حکیم ابن حزام

قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ الصَّدَقَةِ

گفتند ہر دو کہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بہترین صدقہ

مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَابْدَاْ بِمَنْ تَعُوْلُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزیست کہ باشد از قوت غنی یعنے عیال را محتاج نگذارد و آغاز کن بانفاق کسیکہ غمخواری میکنی از عیال رواہ البخاری

رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ حَكِيمٍ وَحْدَهُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ
وروایت کرد مسلم از حکیم بن حزام تنها و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت
قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ
فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم یک دیناریست کہ انفاق کردہ در راہ
اللّٰهِ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى
خدا یعنی جہاد و دیگر دیناریست کہ انفاق کردہ تو آزاد در آزاد کردن بندہ و دینار دیگر است کہ تصدق کردہ بر
مِسْكِينٍ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي
مسکین و دینار دیگر است کہ انفاق کردہ تو بر اہل و عیال خود بزرگترین آن دینارہا از روی اجر آن دینار است
أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ ثَوْبَانَ رض
کہ انفاق کردہ بر اہل و عیال خود رواہ مسلم و روایت است از ثوبان رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ دِينَارٍ
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فاضلترین دینارے
يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ
کہ انفاق کند آنرا مرد دیناریست کہ انفاق کند آنرا بر عیال خود و دیناریست کہ انفاق کند آنرا
عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ
بر چارپایہ خود کہ در راہ خدا است و دیناریست کہ انفاق کند آنرا بر یاران خود
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ
در راہ خدا این سہ محل افضل مصارف صدقہ است رواہ مسلم و روایت است از عائشہ رض گفت
يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّ لِي جَارَيْنِ فَإِلَى أَيِّهِمَا أُهْدِي قَالَ
ای پیغامبر خدا بدرستی مرا دو ہمسایہ است بسوی کدام یکے ازین دو ہدیہ بفرستم فرمود آنحضرت
إِلَى أَقْرَبِهِمَا مِنْكِ بَابًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض
بفرست بسوی کسیکہ نزدیکتر است درش از در تو رواہ بخاری و روایت است از ابی ہریرہ رض



قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الصَّدَقَةِ
گفت اے پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کدام صدقہ
أَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
فاضلتر است گفت آنحضرت آنکہ مرد قلیل المال باشد مشقت کند و بدہد و ابتدا کن بکسیکہ عیالمندی آنہا
وَعَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
و روایت است از سلیمان بن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ وَهِيَ
اللہ علیہ وسلم تصدق کردن بر مسکین ثواب یکصدقہ دارد و صدقہ
عَلَى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ
بر کسیکہ قرابت ولادت و رحم دارد ثواب دو صدقہ دارد یکے صدقہ دوم صلہ رحم رواہ احمد ترمذی
وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
والنسائی و ابن ماجہ والدارمی و روایت است از ابن عباس رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم آیا خبر نکنم شمارا
بِخَيْرِ النَّاسِ رَجُلٌ مُمْسِكٌ بِعِنَانِ فَرَسِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
بہ بہترین مردمان مردیست کہ نگاہ دارندہ است عنان اسپ را در راہ خدا یعنے جہاد با کافر
أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالَّذِي يَتْلُوهُ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي غُنَيْمَةٍ لَهُ
آیا خبر نکنم شمارا بمردے کہ تابع و تالی اوست مردیست کہ گوشہ گیرندہ است در گوسپند چند کہ مر او راست
يُؤَدِّي حَقَّ اللّٰهِ فِيهَا أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ رَجُلٌ
کہ ادا میکند حق خدا را در ان گوسپندان آیا خبر نکنم شمارا ببدترین مردم مردیست کہ
يُسْأَلُ بِاللّٰهِ وَلَا يُعْطِي بِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ
سوال کردہ میشود بنام خدا و نمی دہد بدان رواہ الترمذی والنسائی

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ أُمِّ بُجَيْدٍ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
والدارمی و روایت است از ام بجید رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بِظِلْفٍ مُحَرَّقٍ رَوَاهُ
الله علیه وسلم ازگردانید سائل را اگرچه باشد بسم سوخته رواه
مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ وَأَبُوْدَاوُدَ مَعْنَاهُ
مالک والنسائی و روایت کرد ترمذی وابوداود معنے این حدیث را
وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه
وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعَاذَ بِاللّٰهِ فَأَعِيْذُوْهُ وَمَنْ سَأَلَ بِاللّٰهِ
وسلم کسیکه پناه طلبد بنام خدا پس پناه دهید اورا وکسیکه سوال کند بنام خدا
فَأَعْطُوْهُ وَمَنْ دَعَاكُمْ فَأَجِيْبُوْهُ وَمَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ
پس بدهید اورا وکسیکه دعوت کند شما را پس اجابت کنید اورا وکسیکه بکند بسوے شما
مَعْرُوْفًا فَكَافِئُوْهُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوْا مَا تُكَافِئُوْهُ فَادْعُوْا
نکوئی پس پاداش کنید اورا پس اگر نیابید چیزے که پاداش کنید اورا پس دعا کنید
لَهُ حَتّٰى تَرَوْا أَنْ قَدْ كَافَأْتُمُوْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُوْدَاوُدَ
مر اورا تا آنکه بدانید وگمان برید که مکافات کردید اورا رواه احمد و ابوداود
وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
والنسائی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ تُشْبِعَ كَبِدًا
الله علیه وسلم فاضلترین صدقه آنست که سیر گردانی جگر
جَائِعًا رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض
گرسنه را مومن باشد یا کافر رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از عائشه رض



قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَنْفَقَتِ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم چون انفاق کند و تصدق نماید
الْمَرْأَةُ مِنْ طَعَامِ بَيْتِهَا غَيْرَ مُفْسِدَةٍ كَانَ لَهَا أَجْرُهَا بِمَا
زنے از طعام خانه خود درحالیکه اسراف نماینده است باشد مر آن زن را ثواب آن بسبب
أَنْفَقَتْ وَلِزَوْجِهَا أَجْرُهُ بِمَا كَسَبَ وَلِلْخَازِنِ مِثْلُ ذٰلِكَ
انفاق کردن و باشد مر شوهر او را ثواب آن بسبب کسب کردن و بامر خزینه دار را مانند آن ثواب
لَا يَنْقُصُ بَعْضُهُمْ أَجْرَ بَعْضٍ شَيْئًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
کم نمی گرداند بعضے ازین سه تن ثواب بعض را چیزے متفق علیه است و روایت است از
أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم
إِذَا أَنْفَقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ كَسْبِ زَوْجِهَا مِنْ غَيْرِ أَمْرِهِ
چون انفاق کند زن از مال شوهر خود بے حکم وے با علم زن برضاے زوج
فَلَهَا نِصْفُ أَجْرِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ مُوْسَى
پس باشد مر آن زن را نصف ثواب آن متفق علیه و روایت است از ابی موسے
الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم
الْخَازِنُ الْمُسْلِمُ الْأَمِيْنُ الَّذِيْ يُعْطِيْ مَا أُمِرَ بِهِ كَامِلًا
گنجینه دار مسلمان امانت دار کسیکه میدهد آنچه که امر کرده شده است بدان بکمال و تمام
مُوَفَّرًا طَيِّبَةً بِهِ نَفْسُهُ فَيَدْفَعُهُ إِلَى الَّذِيْ أُمِرَ لَهُ بِهِ
درحالیکه خوش است بدان نفس وے پس میرساند آنرا بسوے کسیکه امر کرده شده است مراو را بدان
أَحَدُ الْمُتَصَدِّقَيْنِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ
یکے از دو تصدق کنندگان است متفق علیه و روایت است از عائشه رض گفت

اَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اُمِّيْ اُفْتُلِتَتْ
مردے گفت آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ مادر من مردہ است بمرگ ناگہانی

نَفْسُهَا وَاَظُنُّهَا لَوْ تَكَلَّمَتْ تَصَدَّقَتْ فَهَلْ لَهَا اَجْرٌ اِنْ
وگمان میبرم او را کہ اگر سخن میکرد ہر آئینہ بسیار می در تصدق میکرد پس آیا ہست مر او را ثواب

تَصَدَّقْتُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ
تصدقیکہ میکنم از جانب وے فرمود آنحضرت آرے میرسد ثواب متفق علیہ و روایت است از ابی امامہ رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ فِيْ خُطْبَتِهٖ
گفت شنیدم آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت در خطبۂ خود

عَامَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ لَا تُنْفِقُ امْرَاَةٌ شَيْئًا مِّنْ بَيْتِ زَوْجِهَا
در سال حجۃ الوداع انفاق نکند ہیچ زنے ہیچ چیز را از خانہ شوہر خود

اِلَّا بِاِذْنِ زَوْجِهَا قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مگر بحکم شوہر خود گفتہ شد یا رسول اللہ صلے اللہ علیہ وسلم

وَلَا الطَّعَامَ قَالَ ذٰلِكَ اَفْضَلُ اَمْوَالِنَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
وطعام را نیز انفاق نکند فرمود آن بہترین مال ہائے ما است رواہ الترمذی

## كِتَابُ صِيَامِ رَمَضَانَ وَقِيَامِ لَيَالِيْهِ

باب کتاب روزہ رمضان و قیام شبہائے آن

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى
اے کسانیکہ ایمان آوردند لازم کردہ شد بر شما روزہ داشتن چنانکہ لازم کردہ شد بر

الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ۝ اَيَّامًا مَّعْدُوْدٰتٍ
کسانیکہ پیش از شما بودند تا باشد کہ پرہیزگاری کنید روزہ داشتن در روزہائے چند شمردہ شدہ

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ
پس کسیکہ باشد از شما بیمار یا مسافر پس لازم است بروے شمار آن روز از روزہائے



اُخَرَ وَعَلَى الَّذِيْنَ يُطِيْقُوْنَهٗ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِيْنٍ
دیگر و لازم است بر آنانکہ نمی توانند روزہ داشتن فدیہ از خوراک یک درویش

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهٗ وَاَنْ تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ
پس ہر کہ بجا آرد نیکی را این بہتر است او را و آنکہ روزہ دارید بہتر است شما را

اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيْ اُنْزِلَ فِيْهِ
اگر میدانید ماہ رمضان آنست کہ نازل شد در وے

الْقُرْاٰنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ
قرآن ہدایت برائے مردمان و سخنان روشن از ہدایت و از جدا کردن حق و باطل

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيْضًا اَوْ
پس ہر کہ دریابد از شما آن ماہ را پس باید کہ روزہ دارد آن را و ہر کہ بیمار باشد یا

عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ
مسافر پس بروے لازم است شمار آنچہ فوت شد از روزہائے دیگر میخواہد خدا بشما آسانی

وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا
و نمی خواہد بشما دشواری و میخواہد کہ تمام کنید شمار و بہ بزرگی یاد کنید

اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۝
خدا را بشکرانہ آنکہ راہ نمود شما را و تا باشد کہ شاکر شوید

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اِذَا دَخَلَ رَمَضَانُ فُتِحَتْ اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَفِيْ رِوَايَةٍ
وسلم چون می درآید رمضان کشادہ می شود درہائے آسمان و در روایتے

فُتِحَتْ اَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَغُلِّقَتْ اَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتِ
کشادہ می شود درہائے بہشت و بستہ می شود درہائے دوزخ و زنجیر در پا کردہ می شود

الشَّيَاطِينُ وَفِي رِوَايَةٍ اَبْوَابُ الرَّحْمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
شیاطین و در روایت دیگر گشاده می شود درهاے رحمت متفق علیه
وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از سهل بن سعد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ اَبْوَابٍ مِنْهَا بَابٌ يُسَمَّى
علیه وسلم که در بهشت هشت در است از جمله درها دریست که نامی میشود آنرا
الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُهُ اِلَّا الصَّائِمُوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
ریان در نمی آید آنرا مگر روزه داران متفق علیه است و روایت است از
اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم
مَنْ صَامَ رَمَضَانَ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ
کسیکه روزه دارد رمضان را از جهت ایمان بخدا و چشم داشت اجر آمرزیده شود مر او را آنچه پیش گذشته است
مِنْ ذَنْبِهٖ وَمَنْ قَامَ رَمَضَانَ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ
از گناه وے و کسیکه قیام کند رمضان را یعنی نماز گذارد در شبهاے وے از جهت ایمان و حسبةً لله آمرزیده شود
مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا
آنچه پیش رفته است از گناهان وے و کسیکه قیام کند در شب قدر بجهت ایمان و احتساب
غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ
آمرزیده شود او را گناه گذشته متفق علیه و هم از وے روایت گفت
قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ عَمَلِ ابْنِ اٰدَمَ
فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم هر عمل نیک آدمی زاد
يُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ اَمْثَالِهَا اِلٰى سَبْعِ مِائَةِ ضِعْفٍ
زیاده کرده می شود یک نیکی بده چند وے تا هفت صد مانند



قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى اِلَّا الصَّوْمَ فَاِنَّهٗ لِيْ وَاَنَا اَجْزِيْ بِهٖ يَدَعُ
گفت خدا تعالی مگر روزه زیراکه آن براے من است و من جزا میدهم بآن مر وے را ترک میدهد صائم
شَهْوَتَهٗ وَطَعَامَهٗ مِنْ اَجْلِيْ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ
خواهش نفس و طعام خود را از براے من مر روزه دار را دو فرحت است یک فرحت
عِنْدَ فِطْرِهٖ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهٖ وَلَخُلُوْفُ فَمِ الصَّائِمِ
نزد گشادن روزه و فرحت دیگر نزد لقاے پروردگار خود در آخرت و هر آئینه بوے دهن روزه دار
اَطْيَبُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ رِيْحِ الْمِسْكِ وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ فَاِذَا كَانَ
خوشتر است نزد خدا از بوے مشک و روزه سپر است پس چون باشد
يَوْمُ صَوْمِ اَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ فَاِنْ سَابَّهٗ اَحَدٌ
روز روزه یکے از شما پس باید که تکلم نکند بکلام قبیح و فحش و خصومت نکند پس اگر دشنام دهد روزه دار را
اَوْ قَاتَلَهٗ فَلْيَقُلْ اِنِّي امْرُؤٌ صَائِمٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
یا خصومت کند او را پس باید که بگوید بدرستیکه من مرد روزه دارم متفق علیه و روایت است از
اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم
اِذَا كَانَ اَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّيَاطِيْنُ
چون میباشد نخستین شب از ماه رمضان بند کرده می شوند شیاطین
وَمَرَدَةُ الْجِنِّ وَغُلِّقَتْ اَبْوَابُ النَّارِ فَلَمْ يُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ
و سرکشان از جن و بسته می شود درهاے دوزخ پس گشاده نمی شود از ان درها هیچ درے
وَفُتِّحَتْ اَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ يُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَيُنَادِيْ
و گشاده می شوند درهاے بهشت پس بند کرده نمی شود از ان درها هیچ درے و ندا میکند
مُنَادٍ يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ اَقْبِلْ وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ اَقْصِرْ وَلِلّٰهِ عُتَقَاءُ مِنَ
آواز دهنده ای طلب کننده نیکی پیش آ و اے طالب بدی باز دار نفس خود را از گناهان و مر خدا راست آزادگان

مِنَ النَّارِ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
از دوزخ و آن آزادگی در همه شب است روا ه ترمذی و ابن ما جه

وَاَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
و احمد از شخصے و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

اَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُّبَارَكٌ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهٗ
آمد شما را رمضان که ماہے است برکت داده شده فرض گردانیده است خدا بر شما روزه آن را

تُفَتَّحُ فِيْهِ اَبْوَابُ السَّمَآءِ وَتُغَلَّقُ فِيْهِ اَبْوَابُ الْجَحِيْمِ وَتُغَلُّ
گشاده میشود درو درہائے آسمان و بسته می شود درو درہائے دوزخ و غل کرده می شوند

فِيْهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِيْنِ لِلّٰهِ فِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ
درو سرکشان شیاطین مر خدا را در رمضان شبے بهتر است از هزار ماه

مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ
کسیکه حرام گردانیده شد نیکی و ثواب آن را پس بتحقیق حرام گردانیده شد از خیر کثیر رواه احمد و النسائی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از عبد الله بن عمر رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ الصِّيَامُ وَالْقُرْاٰنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَقُوْلُ الصِّيَامُ
و سلم گفت که روزه و قرآن شفاعت میکنند مر بنده را میگوید روزه

اَيْ رَبِّ اِنِّيْ مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ فَشَفِّعْنِيْ
اے پروردگار من بدرستیکه من باز داشتم او را از خورش و شهوات دیگر بروز پس قبول کن شفاعت را

فِيْهِ وَيَقُوْلُ الْقُرْاٰنُ مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ فَشَفِّعْنِيْ فِيْهِ
در وے و میگوید قرآن که منع کردم او را از خواب بشب پس قبول کن شفاعت مرا در وے

فَيُشَفَّعَانِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسِ بْنِ
پس قبول کرده میشود هر دو روایت کرد بیهقی این حدیث را در شعب الایمان و روایت است از انس بن



مَالِكٍ رض قَالَ دَخَلَ رَمَضَانُ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ
مالک رض گفت انس و آمد رمضان پس فرمود آنحضرت صلے الله علیه و سلم بدرستیکه

هٰذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ وَفِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حُرِمَهَا
این ماه بتحقیق حاضر شد شما را و درو شبے است بهتر از هزار ماه کسیکه محروم گردانیده شد از آن

فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهٗ وَلَا يُحْرَمُ خَيْرَهَا اِلَّا كُلُّ مَحْرُوْمٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ
پس بتحقیق محروم گردانیده شد از خیر همه و محروم گردانیده نمیشود از خیر این شب مگر هر کسیکه محروم است از دو سعادت

وَعَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رض قَالَ خَطَبَنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ
و روایت است از سلمان فارسی رض گفت سلمان خطبه خواند ما را آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ اٰخِرِ يَوْمٍ مِّنْ شَعْبَانَ فَقَالَ
صلے الله علیه و سلم در پسین روز از ماه شعبان پس فرمود

اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ اَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيْمٌ شَهْرٌ مُّبَارَكٌ
اے مردمان بتحقیق سایه انداخت شما را ماہے بزرگ ماہے است که برکت کرده شده است

شَهْرٌ فِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ جَعَلَ اللّٰهُ صِيَامَهٗ
و شهریست که در وے یک شبے است بهتر از هزار ماه گردانیده است خدایتعالی روزه آن ماه

فَرِيْضَةً وَقِيَامَ لَيْلِهٖ تَطَوُّعًا مَنْ تَقَرَّبَ فِيْهِ بِخَصْلَةٍ
فرض و گردانیده است نماز کردن در شب وے نفل و سنت کسیکه نزدیکی جوید بدرگاه حق در وے

مِنَ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ اَدّٰى فَرِيْضَةً فِيْمَا سِوَاهُ وَمَنْ اَدّٰى
از نیکی باشد همچو کسیکه بگذارد فرض در ماہے که جز رمضان ست و کسیکه او اکند

فَرِيْضَةً فِيْهِ كَانَ كَمَنْ اَدّٰى سَبْعِيْنَ فَرِيْضَةً فِيْمَا سِوَاهُ
فریضه در وے باشد همچو کسیکه بگذارد هفتاد فرض در ماہے که جز رمضان است

وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَالصَّبْرُ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَشَهْرُ الْمُوَاسَاةِ
و آن ماہیست که در وے صبر است از شهوات نفس و صبر کردن ثواب او بهشت است و آن ماہیست

وشهر يزاد فيه رزق المؤمن من فطر فيه صائما كان
و ماہیست کہ دروے زیادہ کردہ می شود رزق مومن کسیکہ روزہ کشایاند روزہ دارے را باشد
له مغفرة لذنوبه وعتق رقبته من النار وكان له
مر او را سبب آمرزیدن مر گناہان او را و سبب آزادگی ذات وے از آتش و باشد مر او را
مثل أجره من غير أن ينتقص من أجره شيء قلنا
مانند مزد او بے آنکہ کم شود از مزد وے چیزے گفتیم ما
يا رسول الله ليس كلنا نجد ما نفطر به الصائم فقال
اے پیغامبر خدا نیست ہمہ باین صفت کہ بیابیم چیزے را کہ روزہ بکشائیم بآن پس فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم يعطي الله هذا الثواب
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم میدہد خدا یتعالی این ثواب
من فطر صائما على مذقة لبن أو تمرة أو شربة من
کسے را کہ روزہ کشایاند روزہ دارے را بدمی از شیر آمیختہ بآب یا بیک خرما یا ازیک آب
ماء ومن أشبع صائما سقاه الله من حوضي شربة
و کسیکہ سیر گرداند روزہ دارے را بنوشاند او را خدا یتعالی از حوض من کہ کوثر است نوشیدنی
لا يظمأ حتى يدخل الجنة وهو شهر أوله رحمة
کہ تشنہ نگردد بعد از وے ہرگز تا آنکہ درآید بہشت را و آن ماہ است کہ اول وے سبب رحمت
وأوسطه مغفرة وآخره عتق من النار ومن خفف
و میان وے سبب مغفرت و آخر وے آزادیست از آتش دوزخ و کسیکہ تخفیف کند
عن مملوكه فيه غفر الله له وأعتقه من النار وعن
از جاریہ و غلام خود کہ روزہ دار نہ بیامرزد خدا یتعالی مر او را و آزاد گرداند او را از دوزخ و روایت است
ابن عباس قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم
از ابن عباس رضہ بدرستیکہ بود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم



إذا دخل شهر رمضان أطلق كل أسير وأعطى كل سائل
چون می درآمد ماہ رمضان رہا میکرد ہر قیدے را و میداد ہر خواہندہ را
وعن ابن عمر رضہ أن النبي صلى الله عليه وسلم قال
و روایت است از ابن عمر رضہ بدرستیکہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود
إن الجنة تزخرف لرمضان من رأس الحول إلى حول
کہ بہشت آراستہ می شود برائے رمضان از سر سال تا سال
قابل قال فإذا كان أول يوم من رمضان هبت ريح
آیندہ گفت پس چون بباشد نخست روزے از رمضان می وزد بادے
تحت العرش من ورق الجنة على الحور العين فيقلن
زیر عرش از برگہائے بہشت بر حوران بہشت پس میگویند آن حوران بہشت
يا رب اجعل لنا من عبادك أزواجا تقر بهم أعيننا
اے پروردگار ما گردان مارا از بندگان خود شوہران کہ خنک گردد و قرار گیرد بایشان چشمہای ما
وتقر أعينهم بنا روى البيهقي الأحاديث الثلاثة
و خنک گردد و قرار گیرد چشمہاے ایشان بما روایت کرد بیہقی این احادیث ہر سہ را
في شعب الإيمان وعن أبي هريرة رضہ عن النبي
در شعب ایمان و روایت از ابی ہریرہ رضہ کہ آنحضرت
صلى الله عليه وسلم أنه قال يغفر لأمتي في آخر
صلی اللہ علیہ وسلم گفت آمرزیدہ می شود مر امت من در آخر
ليلة من رمضان قيل يا رسول الله أهي ليلة القدر
شبے از رمضان گفتہ شد یا رسول اللہ آیا آن شب قدر است
قال لا ولكن العامل إنما يوفى أجره إذا قضى عمله
گفت آنحضرت نیست ولکن کار کنندہ دادہ میشود مزد او وقتیکہ تمام کند عمل خود را و آن در شب می باشد

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواہ احمد و روایت است ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّوْرِ وَالْعَمَلَ بِهٖ

صلی اللہ علیہ وسلم روزہ دارے کہ ترک نکند سخن دروغ و باطل را و عمل کردن را بزور

فَلَيْسَ لِلّٰهِ حَاجَةٌ فِيْ أَنْ يَدَعَ طَعَامَهٗ وَشَرَابَهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پس نیست مر خدا را حاجتے درآنکہ ترک کند خوردنی و نوشیدنی خود را روایت کرد این حدیث را بخاری

وَعَنْهُ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وہم ازوے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ رُخْصَةٍ وَلَا مَرَضٍ

کسیکہ افطار کند یک روز از رمضان بے رخصت شرعی چنانکہ سفر و پیری و بے مرض

لَمْ يَقْضِ عَنْهُ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهٖ وَإِنْ صَامَهٗ رَوَاهُ أَحْمَدُ

قضا نکند ازوے روزہ تمام عمر اگرچہ روزہ دارد تمام عمر رواہ احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبُخَارِيُّ

والترمذی وابوداود وابن ماجہ والدارمی و روایت کرد بخاری

فِيْ تَرْجَمَةِ بَابٍ وَعَنْهُ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

در ترجمہ باب یعنے بطریق تحدیث نیاورده است وہم ازوے مرویست گفت فرمود آنحضرت

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهٗ مِنْ صِيَامِهٖ

صلی اللہ علیہ وسلم بسا روزہ دار کہ نیست اورا حاصل از روزہ خود

إِلَّا الظَّمَأُ وَكَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهٗ مِنْ قِيَامِهٖ

مگر تشنگی و بسا شب خیز و نماز گذار کہ نیست مراورا حاصلے از قیام خود

إِلَّا السَّهَرُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

مگر بیداری رواه الدارمی

[Margin note:] ١ چنانکہ روزہ دارد و از دیگر و از دروغ و غیبت و از آزار دیگران ... ٢ چنانکہ نماز در زمین مغصوب کند و از جماعت و سنن و آداب آن ...



# بَابُ السُّحُوْرِ وَالْإِفْطَارِ

باب دربیان سحر و افطار

عَنْ أَنَسٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از انس رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

تَسَحَّرُوْا فَإِنَّ فِي السُّحُوْرِ بَرَكَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

طعام سحر بخورید زیراکہ در طعام سحر برکتست متفق علیہ و روایت است از

عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عمرو بن العاص رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَصْلُ مَا بَيْنَ صِيَامِنَا وَصِيَامِ أَهْلِ الْكِتٰبِ أَكْلَةُ

وسلم فرق میان روزہ ما و روزہ اہل کتاب خوردن

السَّحَرِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَهْلٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

سحراست رواہ مسلم و روایت است از سہل گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا

صلی اللہ علیہ وسلم ہمیشہ اند مردم ملابس بخیر مادام کہ شتابی کنند در

الْفِطْرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ

کشادن روزہ متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى أَحَبُّ

پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفت خدا تعالی دوست تر

عِبَادِيْ إِلَيَّ أَعْجَلُهُمْ فِطْرًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بندگان من بسوے من شتابندہ ترین ایشانست در روزہ کشادن رواہ الترمذی و روایت از

سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سلمان بن عامر رضـ گفت سلمان فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُفْطِرْ عَلَى تَمْرٍ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ

چون افطار کند یکے از شما پس باید که افطار کند بر خرما پس بدرستیکه افطار بخرما سبب برکت است پس اگر نیابد خرما

فَلْيُفْطِرْ عَلَى مَاءٍ فَإِنَّهُ طَهُورٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

پس باید که افطار کند بر آب پس بدرستیکه آب پاک کننده است معده را رواه احمد و الترمذی

وَأَبُودَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَلَمْ يَذْكُرْ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ

وابوداود وابن ماجه والدارمی و ذکر نه کرده است لفظ فانه برکت را

غَيْرُ التِّرْمِذِيِّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى

جز ترمذی و روایت است از انس رض گفت انس بود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُفْطِرُ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى رُطَبَاتٍ فَإِنْ

الله علیه وسلم که افطار میکرد پیش از آنکه نماز بگذارد بر چند خرمائے تر پس اگر

لَمْ تَكُنْ رُطَبَاتٌ فَتُمَيْرَاتٌ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تُمَيْرَاتٌ حَسَا

نمی بود خرمائے تر پس افطار میکرد بچند خرمائے خشک پس اگر نمی بود خرمائے خشک می نوشید

حَسَوَاتٍ مِنْ مَاءٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُودَاوُدَ وَعَنْ زَيْدِ

چند کف آب را رواه ترمذی وابوداود و روایت است از زید

ابْنِ خَالِدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا أَوْ جَهَّزَ غَازِيًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ

کسیکه روزه بکشایاند روزه دار را یا سامان کند غزا کننده را پس او راست مانند اجر وے رواه البیهقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمُحْيِي السُّنَّةِ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

در شعب ایمان و محی السنه در کتاب شرح السنه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم



لَا يَزَالُ الدِّينُ ظَاهِرًا مَا عَجَّلَ النَّاسُ الْفِطْرَ لِأَنَّ الْيَهُودَ

همیشه است دین غالب مادام که شتابی کنند مردم افطار را زیرا که یهود

وَالنَّصَارَى يُؤَخِّرُونَ رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

ونصارے تاخیر می کنند در افطار رواه ابوداود وابن ماجه

وَعَنْ أَبِي عَطِيَّةَ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَمَسْرُوقٌ عَلَى

و روایت است از ابی عطیه گفت که داخل شدم من و مسروق بر

عَائِشَةَ فَقُلْنَا يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِ

عائشه رض پس گفتیم ما اے ام المومنین دو مرد اند از یاران

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدُهُمَا يُعَجِّلُ الْإِفْطَارَ وَيُعَجِّلُ

محمد صلی الله علیه وسلم یکے از آن دو مرد شتابی میکند در روزه کشادن و شتابی میکند

الصَّلٰوةَ وَالْآخَرُ يُؤَخِّرُ الْإِفْطَارَ وَيُؤَخِّرُ الصَّلٰوةَ قَالَتْ

نماز را و دیگرے از آن دو تاخیر میکند روزه کشادن را و تاخیر میکند نماز گذاردن را گفت عائشه

أَيُّهُمَا يُعَجِّلُ الْإِفْطَارَ وَيُعَجِّلُ الصَّلٰوةَ قُلْنَا عَبْدُ اللهِ بْنُ

کدام از آن تعجیل میکند افطار را و تعجیل میکند نماز گذاردن را گفتیم عبد الله بن

مَسْعُودٍ قَالَتْ هٰكَذَا صَنَعَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

مسعود رض گفت عائشه رض همچنین کرده است پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَالْآخَرُ أَبُو مُوسٰى رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

وسلم و گفتیم و آن مرد دیگر که تاخیر میکند ابو موسے اشعری است رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نِعْمَ سَحُورُ

گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیکو طعام سحر

الْمُؤْمِنِ التَّمْرُ رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ

مسلمان خرما است رواه ابوداود

# باب صيام التطوع

باب در بیان روزه نفل

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ
وسلم افضل الصيام بعد رمضان شهر الله المحرم
وسلم فاضلترین روزہا بعد از روزہ رمضان روزہ ماہ خدا است کہ محرم است
وافضل الصلوة بعد الفريضة صلوة الليل رواه مسلم
وفاضلترین نمازہا بعد نماز فرض نماز شب کہ تہجد است رواہ مسلم
وعن ابي قتادة رض ان رجلا اتى النبي صلى الله
وروایت است از ابی قتادہ رض کہ مردے آمد آنحضرت را صلی اللہ
عليه وسلم فقال كيف تصوم فغضب رسول الله صلى
علیہ وسلم پس گفت آنحضرت چگونہ روزہ میداری پس در خشم آمد آنحضرت صلی
الله عليه وسلم من قوله فلما راى عمر غضبه قال
اللہ علیہ وسلم از گفتن آن مرد پس چون دید عمر خشم آنحضرت را گفت
رضينا بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد نبيا
راضی شدیم بخدا کہ پروردگار ما است وراضی شدیم باسلام کہ دین ما است وراضی شدیم بمحمد کہ پیغامبر
نعوذ بالله من غضب الله ومن غضب رسوله فجعل
پناہ میخواہیم بخدا از غضب خدا واز غضب رسول وے پس در استاد
عمر رض يردد هذا الكلام حتى سكن غضبه فقال
عمر رض کہ تکرار میکرد این کلام را تا آنکہ آرام یافت غضب آنحضرت پس گفت
عمر يا رسول الله كيف من يصوم الدهر كله قال لا صام
عمر رض یا رسول اللہ چگونہ است حال آنکسیکہ روزہ دارد ہمہ روزگار ہمیشہ گفت آنحضرت نہ روزہ



ولا افطر او قال لم يصم ولم يفطر قال كيف من يصوم
ونہ افطار کرد او یا گفت لم یصم ولم یفطر شک راوی است گفت عمر چگونہ است حال کسیکہ روزہ دارد
يومين ويفطر يوما قال ويطيق ذلك احد قال كيف
دو روز وافطار کند یکروز فرمود آنحضرت آیا طاقت دارد آنرا ہیچ یکے گفت عمر چگونہ است
من يصوم يوما ويفطر يوما قال ذلك صوم داود قال
حال کسیکہ روزہ یکروز دارد وافطار کند یکروز را گفت آنحضرت این روزہ داود علیہ السلام است
كيف من يصوم يوما ويفطر يومين قال وددت اني
چگونہ است حال کسیکہ روزہ دارد یکروز وافطار کند دو روز فرمود آنحضرت کہ دوست میدارم کہ من
طوقت ذلك ثم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
طاقت دادہ شوم آنرا پستر فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
ثلث من كل شهر ورمضان الى رمضان فهذا صيام
بس است یا اولی است سہ روز از ہر ماہ رمضان تا رمضان بر آفادہ دوام پس اینست روزہ ہمہ
الدهر كله صيام يوم عرفة احتسب على الله ان يكفر
روزگار روزہ روز عرفہ دہ مزد وثواب چشم دارم معتمد بر فضل خدا کہ تکفیر کند
السنة التي قبله والسنة التي بعده وصيام يوم
سالے را کہ پیش از وست وتکفیر کند سالے را کہ بعد از وست وروزہ روز
عاشوراء احتسب على الله ان يكفر السنة التي قبله
عاشورا چشم دارم از خدا تعالی کہ تکفیر کند گناہان سالے را کہ پیش از وست
رواه مسلم وعنه قال سئل رسول الله صلى الله
رواہ مسلم وہم از ابی قتادہ گفت پرسیدہ شد پیغامبر خدا صلی اللہ
عليه وسلم عن صوم الاثنين فقال فيه ولدت وفيه
علیہ وسلم از سبب روزہ دوشنبہ پس فرمود در آنروز زائیدہ شدہ ام ودر آنروز

أُنْزِلَ عَلَيَّ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رض
نخست فرستاده شده است وحی بر من رواه مسلم و روایت است از ابی ایوب انصاری رض

أَنَّهُ حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ
که وے حدیث کرد این حدیث را که آنحضرت صلے الله علیه وسلم گفت

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ
کسیکه روزه دارد رمضان را پستر تابع گرداند آن را شش روزه از شوال باشد

كَصِيَامِ الدَّهْرِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ
ایچو روزه روزگار همیشه رواه مسلم و روایت است از ابی سعید

الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللهِ بَعَّدَ اللهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ
کسیکه روزه دارد یک روز در راه خدا یعنی در جهاد دور دارد خدایتعالے ذات او را از آتش دوزخ

سَبْعِينَ خَرِيفًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ
هفتاد سال مراد از خریف سال است عرب ابتداے سال بخریف کنند متفق علیه و از عائشه رض مروی است گفت

كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصُومُ الْاِثْنَيْنِ
بود آنحضرت صلے الله علیه وسلم که روزه میداشت در بعضے احیان بروز دوشنبه

وَالْخَمِيسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض
و پنجشنبه رواه الترمذی والنسائی و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تُعْرَضُ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم عرض کرده می شوند در درگاه عزت

الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَأُحِبُّ أَنْ يُعْرَضَ عَمَلِي
اعمال بندگان روز دوشنبه و پنجشنبه پس دوست میدارم که عرض کرده شود عمل من



وَأَنَا صَائِمٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ
درحالیکه من روزه دارم رواه ترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا
فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم اے ابوذر چون

صُمْتَ مِنَ الشَّهْرِ ثَلٰثَةَ أَيَّامٍ فَصُمْ ثَلٰثَ عَشْرَةَ وَأَرْبَعَ عَشْرَةَ
روزه داری از ماه سه روزه پس روزه دار سیزدهم و چهاردهم

وَخَمْسَ عَشْرَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض
و پانزدهم را روایت کرد ترمذی و نسائی و روایت است از ابی امامه رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ يَوْمًا
گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه روزه دارد یک روز

فِي سَبِيلِ اللهِ جَعَلَ اللهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا كَمَا بَيْنَ
در راه خدا میگرداند خدا میان وے و میان آتش خندق بقدر مسافتے که میان

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَامِرِ بْنِ
آسمان و زمین است رواه ترمذی و روایت است از عامر بن

مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ الصَّوْمُ فِي الشِّتَاءِ رَوَاهُ أَحْمَدُ
غنیمت بارده روزه داشتن است در زمستان کنایت است از حصول و بے مشقت رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى
و ترمذی و روایت از ابن عباس رض که آنحضرت صلے

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدِمَ الْمَدِينَةَ فَوَجَدَ الْيَهُودَ صِيَامًا
الله علیه وسلم قدوم آورد مدینه را پس یافت یهود را روزه دارنده

يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روز عاشورا پس گفت مرایشان را پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ مَا هٰذَا الْيَوْمُ الَّذِي تَصُومُونَهُ فَقَالُوا هٰذَا

وسلم چیست این روز یکه روزه میدارید شما در آن پس گفتند یهود این

يَوْمٌ عَظِيمٌ أَنْجَى اللّٰهُ فِيهِ مُوسٰى وَقَوْمَهُ وَغَرَّقَ فِرْعَوْنَ

روز بزرگ است رستگاری داده است خدا درو موسے را و قوم او را و غرق کرده است فرعون را

وَقَوْمَهُ فَصَامَهُ مُوسٰى شُكْرًا فَنَحْنُ نَصُومُهُ فَقَالَ

و قوم او را پس روزه داشت موسی درین روز بجهت شکرانه پس ما روزه میداریم بر اتباعیت او پس گفت

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَنَحْنُ أَحَقُّ وَأَوْلٰى بِمُوسٰى

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم پس ما سزاوار تر ایم بموسے

مِنْكُمْ فَصَامَهُ رَسُولُ اللّٰهِ وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

از شما پس ما نیز روزه میداریم پس روزه داشت درین روز آنحضرت و امر کرد بروزه داشتن این روز متفق علیه

وَعَنْ حَفْصَةَ رض قَالَتْ أَرْبَعٌ لَمْ يَكُنْ يَدَعُهُنَّ

و روایت است از حفصه رض گفت چهار خصلت اند که نبود که ترک می داد آنرا

النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صِيَامُ يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَالْعَشْرِ

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم روزهٔ روز عاشورا و روزه دهم ذی الحجه

وَثَلٰثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَكْعَتَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ رَوَاهُ

و روزه سه روز از هر ماه و دو رکعت سنت قبل از نماز بامداد رواه

النَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ

نسائی و روایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس رض که بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُفْطِرُ أَيَّامَ الْبِيضِ فِي حَضَرٍ

صلے اللہ علیہ وسلم که افطار نمیکرد روزهای ایام بیض را نه در حضر



وَلَا سَفَرٍ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

و نه در سفر رواه النسائی و روایت است از ابی هریرة رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكٰوةٌ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم مر هر چیز را از نعمتهاے الٰہی زکوٰة است

وَزَكٰوةُ الْجَسَدِ الصَّوْمُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ أَنَّ

و زکوٰة بدن و صحت وے روزه است رواه ابن ماجه و هم از وے مرویست که

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَصُومُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بود که روزه میداشت روز دوشنبه را

وَالْخَمِيسِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّكَ تَصُومُ الْاِثْنَيْنِ

و پنجشنبه را پس گفته شد اے رسول اللہ بدرستیکه روزه میداری دوشنبه را

وَالْخَمِيسَ فَقَالَ إِنَّ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ يَغْفِرُ

و پنجشنبه را پس فرمود بدرستیکه روزه دوشنبه و پنجشنبه می آمرزد

اللّٰهُ فِيهِمَا لِكُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا ذَا هَاجِرَيْنِ يَقُولُ دَعْهُمَا

خدا تعالے در آن مر هر مسلمان را مگر دو قطع کننده رحم را میگوید خدا که بگذار این هر دو را

حَتّٰى يَصْطَلِحَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ

تا اتفاق کنند و صلح نمایند رواه احمد و ابن ماجه و هم از وے مرویست که گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ يَوْمًا

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکه روزه دارد روزے

ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللّٰهِ بَعَّدَهُ اللّٰهُ مِنْ جَهَنَّمَ كَبُعْدِ غُرَابٍ

بجهت طلب کردن ذات خدا و رضاے وے دور میگرداند او را خدا از دوزخ مانند دوری زاغ

طَائِرٍ وَهُوَ فَرْخٌ حَتّٰى مَاتَ هَرِمًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَرَوٰى

پرنده در حالیکه آن زاغ چوزه است تا آنکه میرد در غایت پیری رواه احمد و روایت کرد

وَعَنْ سَلْمَةَ بْنِ قَيْسٍ عَنْ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ

وروایت است از سلمه بن قیس بیهقی در شعب ایمان

بُرَيْدَةَ قَالَ دَخَلَ بِلَالٌ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بریده رض گفت در آمد بلال بر پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ وَهُوَ يَتَغَدّٰى فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وسلم و آنحضرت طعام چاشت میخورد پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ الْغَدَاءَ يَا بِلَالُ قَالَ اِنِّيْ صَائِمٌ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَقَالَ

وسلم حاضر شوی اے بلال طعام را گفت بلال روزه دارم یا رسول اللہ پس گفت

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَاْكُلُ رِزْقَنَا وَفَضْلُ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم میخوریم ما رزق خود را وزیادت

رِزْقِ بِلَالٍ فِي الْجَنَّةِ اَشَعَرْتَ يَا بِلَالُ اَنَّ الصَّائِمَ

رزق بلال در بہشت است آیا شعور داری و میدانی اے بلال کہ روزه دار

يُسَبِّحُ عِظَامُهٗ وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلٰئِكَةُ مَا اُكِلَ عِنْدَهٗ

تسبیح میکند استخوانہاے وے و آمرزش میخواہند مر او را فرشتگان مادام کہ خورده شود نزد وے

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ عَامِرِ بْنِ سَهْلٍ

رواه بیہقی در شعب ایمان وروایت است از عامر بن سہل

الْحَرْمِيِّ سَمِعْتُ رَجُلًا يُحَدِّثُ اَنَّهٗ سَمِعَ اَنَسَ بْنَ

الحرمی کہ شنیدم مردے را کہ حدیث میکرد کہ وے شنید انس بن

مَالِكٍ يَقُوْلُ فِي الْجَنَّةِ قَصْرٌ لَا يَدْخُلُهٗ اِلَّا صُوَّامُ

مالک را کہ میگفت کہ در بہشت محل و مکانے است کہ داخل نمیشود آنرا مگر کسیکہ روزه

رَجَبٍ رَوَاهُ ابْنُ شَاهِيْنَ فِي التَّرْغِيْبِ

ماه رجب روایت کرد ابن شاہین در ترغیب



# بَابُ فَضِيْلَةِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ

باب در بیان فضیلت شب قدر

حٰمٓ وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ اِنَّا اَنْزَلْنٰهُ فِيْ لَيْلَةٍ مُّبٰرَكَةٍ اِنَّا

قسم حم بکتاب واضح کہ ہر آئینہ ما فرود آوردیم این کتاب را در شب مبارک ہر آئینہ

كُنَّا مُنْذِرِيْنَ فِيْهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيْمٍ اَمْرًا مِّنْ

ما بودیم ترساننده در آن شب مبارک فیصل کرده میشود ہر کار استوار فرود آوردیم آنرا بوحی کردن از

عِنْدِنَا اِنَّا كُنَّا مُرْسِلِيْنَ رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ اِنَّهٗ هُوَ

نزدیک خویش ہر آئینہ ما بودیم فرستنده فرود آوردیم آنرا بسبب رحمت از نزدیک پروردگار تو ہر آئینہ اوست

السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَّالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ

شنوا دانا قسم بصبح و بشبہاے ده گانہ و قسم بجفت و طاق

وَالَّيْلِ اِذَا يَسْرِ هَلْ فِيْ ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِيْ حِجْرٍ اِنَّا اَنْزَلْنٰهُ

و قسم بشب چون روان شود آیا درین مقدمہ سوگند معتبر است صاحب خرد را ہر آئینہ ما فرود آوردیم

فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا اَدْرٰىكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

قرآن را در شب قدر و چہ چیز مطلع ساخت ترا کہ چیست شب قدر شب قدر

خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلٰئِكَةُ وَالرُّوْحُ فِيْهَا بِاِذْنِ

بہتر است از ہزار ماه فرود می آیند فرشتگان و روح پاک در آن شب بفرمان

رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ اَمْرٍ سَلٰمٌ هِيَ حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

پروردگار خویش برائے سرانجام ہر کارے محض سلامتی است آن شب تا وقت طلوع فجر

عَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

اِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ نَزَلَ جِبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چون بباشد لیلۃ القدر فرود می آید جبرئیل علیہ السلام

فِي كَبْكَبَةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُصَلُّونَ عَلَى كُلِّ عَبْدٍ قَائِمٍ
در جماعة از فرشتگان دعا می‌کنند و درود میفرستند بر هر بنده که ایستاده است
أَوْ قَاعِدٍ يَذْكُرُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ عِيدِهِمْ
یا نشسته که یاد میکند مر خدا ے را عز وجل پس چون باشد روز عید مسلمانان
يَعْنِي يَوْمَ فِطْرِهِمْ بَاهَى بِهِمْ مَلٰئِكَتَهُ فَقَالَ يَا مَلٰئِكَتِي
یعنے روز افطار ایشان مفاخرت میکند وے تعالی به بندگان فرشتگان خود را پس میگوید اے فرشتگان
مَا جَزَاءُ أَجِيرٍ وَفّٰى عَمَلَهُ قَالُوا رَبَّنَا جَزَاؤُهُ أَنْ يُوَفّٰى أَجْرُهُ
چیست پاداش مزدوری که تمام کرد عمل خود را میگویند فرشتگان پروردگار ما پاداش او اینست که تمام داده
فَقَالَ مَلَائِكَتِي عَبِيدِي وَإِمَائِي قَضَوْا فَرِيضَتِي عَلَيْهِمْ
پس میگوید پروردگار فرشتگان من غلامان من پرستاران من گذاردند طاعت مرا که فرض کردانیدم بر ایشان
ثُمَّ خَرَجُوا يَعُجُّونَ إِلَى الدُّعَاءِ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَكَرَمِي وَ
پستر بیرون آمدند در حالیکه بر میدارند آواز خود را بدعا سوگند بغلبه قدرت و بزرگی وجود
عُلُوِّي وَارْتِفَاعِ مَكَانِي لَأُجِيبَنَّهُمْ فَيَقُولُ ارْجِعُوا فَقَدْ
و بلند قدری و بلند رتبه من هر آئینه اجابت میکنم دعاے ایشان را پس میگوید خدا بر گردید بتحقیق
غَفَرْتُ لَكُمْ وَبَدَّلْتُ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ قَالَ فَيَرْجِعُونَ
آمرزیدم مر شما را و تبدیل میکنم بدیهاے شما را به نیکیها گفت آنحضرت صلعم بر میگردند بندگان
مَغْفُورًا لَهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ
در حالیکه آمرزیده شده است ایشان را رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از
عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
عباده بن صامت رض گفت عباده بیرون آمد آنحضرت صلے اللہ علیه
وَسَلَّمَ لِيُخْبِرَنَا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحٰى رَجُلَانِ مِنَ
وسلم تا خبر دهد ما را بلیلة القدر پس نزاع نمودند و خصومت میکردند بیکدیگر دو مرد از



الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ خَرَجْتُ لِأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحٰى
مسلمانان پس گفت آنحضرت بیرون آمدم تا خبر دهم شما را بشب قدر که کدام شب است پس نزاع کردند
فُلَانٌ وَفُلَانٌ فَرُفِعَتْ وَعَسٰى أَنْ يَكُونَ خَيْرًا لَكُمْ فَالْتَمِسُوهَا
فلان و فلان پس برداشته شد آن شب از خاطر من و تواند که باشد یعنے برداشتن از خاطر تعیین آن بهتر
فِي التَّاسِعَةِ وَالسَّابِعَةِ وَالْخَامِسَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
در شب بست و نهم و بست و هفتم و بست و پنجم رواه البخاری
وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی بکره گفت شنیدم آنحضرت را صلے اللہ علیه
وَسَلَّمَ يَقُولُ الْتَمِسُوهَا يَعْنِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تِسْعٍ يَبْقَيْنَ
وسلم که میگفت که طلب کنید آنرا یعنے شب قدر را در نه شب که باقی می مانند
أَوْ فِي سَبْعٍ يَبْقَيْنَ أَوْ فِي خَمْسٍ يَبْقَيْنَ أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ آخِرِ لَيْلَةٍ
یا در هفت شب که باقی می مانند او پنج شب که باقی می مانند یا در سه شب که باقی می مانند یا در شب اخیر رمضان
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ
رواه الترمذی و روایت از ابن عباس رض که پیغامبر خدا صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ
علیه وسلم فرمود طلب کنید اورا در ده شب اخیر از رمضان
لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تَاسِعَةٍ تَبْقٰى فِي سَابِعَةٍ تَبْقٰى فِي خَامِسَةٍ تَبْقٰى
شب قدر را در شب بست و نهم که باقی میماند و در شب بست و هفتم که باقی میماند در شب بست و پنجم
رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
رواه البخاری و روایت است از عایشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوِتْرِ مِنَ الْعَشْرِ
صلے اللہ علیه وسلم بجوئید شب قدر را در شبهاے طاق از عشرہ

الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ زِرِّ

اخیر از رمضان رواه البخاری و روایت است از زر

ابْنِ حُبَيْشٍ قَالَ سَأَلْتُ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ إِنَّ أَخَاكَ ابْنَ

بن حبیش گفت سوال کردم ابی ابن کعب را پس گفتم برادر تو ابن

مَسْعُودٍ يَقُولُ مَنْ يَقُمِ الْحَوْلَ يُصِبْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقَالَ

سعود میگوید کسیکه قیام لیل کند سال تمام درمی یابد شب قدر را پس گفت

رَحِمَهُ اللّٰهُ أَرَادَ أَنْ لَا يَتَّكِلَ النَّاسُ أَمَا إِنَّهُ قَدْ عَلِمَ أَنَّهَا

رحمت کند ابن مسعود را خدایتعالی میخواست ابن مسعود که اعتماد نکنند مردم آگاه باش بدرستیکه ابن مسعود بتحقیق

فِي رَمَضَانَ وَأَنَّهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ وَأَنَّهَا لَيْلَةُ سَبْعٍ وَ

که شب قدر در رمضان است در دهه اخیر است از رمضان و بدرستیکه آن لیلت بست و هفتم است

عِشْرِينَ ثُمَّ حَلَفَ لَا يَسْتَثْنِي أَنَّهَا لَيْلَةُ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ

پستر سوگند خوردابی درحالیکه استثنائی کرد یعنی انشاء الله نگفت و جزم میکرد که شب قدر لیلت بست و هفتم

فَقُلْتُ بِأَيِّ شَيْءٍ تَقُولُ ذٰلِكَ يَا أَبَا الْمُنْذِرِ قَالَ بِالْعَلَامَةِ

پس گفتم ابی ابن کعب را بچه چیز و بکدام دلیل میگوئی آنرا اے ابا منذر گفت ابی به نشانیکه خبر داده ما را

أَوْ بِالْآيَةِ الَّتِي أَخْبَرَنَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

یا بآیت گفت شک راویست خبر داده ما را رسول الله صلی الله علیه وسلم

أَنَّهَا تَطْلُعُ يَوْمَئِذٍ لَا شُعَاعَ لَهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

علامت اینست که آفتاب در صبح آن شب می برآید درحالیکه نیست روشنی مراورا رواه مسلم و روایت است

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از عایشه رض گفت عایشه گفتم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

أَرَأَيْتَ إِنْ عَلِمْتُ أَيُّ لَيْلَةٍ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مَا أَقُولُ فِيهَا قَالَ

خبر ده مرا اگر بدانم که کدام شب است شب قدر و دریابم آنرا چه گویم از ذکر و دعا در آن شب گفت آنحضرت



قُولِي اللّٰهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي

بگو این دعا را خداوندا بدرستیکه تو عفو کننده دوست میداری عفو را پس عفو کن از ما

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهُ

رواه احمد و ابن ماجه و الترمذی و صحیح گفت ترمذی این حدیث را

## بَابُ قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

این باب در قیام ماه رمضان است و در قیام نصف از شعبان یعنی شب برات

عَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عایشه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

خَرَجَ لَيْلَةً مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَصَلَّى فِي الْمَسْجِدِ وَصَلَّى رِجَالٌ

برآمد شبی از میان شب پس نماز گذارد در مسجد و نماز گذاردند مردمان

بِصَلٰوتِهِ فَأَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوا فَاجْتَمَعَ أَكْثَرُ مِنْهُمْ

همراه نماز آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس جمع شدند زیاده تر از ایشان

فَصَلَّوْا مَعَهُ فَأَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوا فَكَثُرَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ

پس نماز گذاردند با آنحضرت صلعم پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس بسیار شدند اهل مسجد

مِنَ اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ فَخَرَجَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از شب ثالث پس برآمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فَصَلَّى فَصَلَّوْا بِصَلٰوتِهِ فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةُ عَجَزَ

پس نماز گذارد آنحضرت صلعم پس نماز گذاردند بنماز آنحضرت صلعم یعنی با جماعت هرگاه که شد شب چهارم تنگ آمد

الْمَسْجِدُ عَنْ أَهْلِهِ حَتّٰى خَرَجَ بِصَلٰوةِ الصُّبْحِ فَلَمَّا قَضَى

مسجد نبوی صلعم از کثرت اهل آن تا آنکه برآمد آنحضرت صلعم برای نماز فجر پس هرگاه که ادا کرد آنحضرت

الْفَجْرَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَالَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّهُ

نماز فجر را متوجه شد بر مردمان پس کلمه شهادت خواند پستر فرمود لیکن بعد حمد و نعت پس بدرستیکه شان این است

لم يخف على مكانكم ولكني خشيت أن تفترض عليكم

که نه خوف کرده شد بر شان شما ولیکن من خوف کردم که فرض شود این نماز تراویح بر شما با جماعت

فتعجزوا عنها فتوفي رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس عاجز آیید شما از ادای آن پس وفات کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

والأمر على ذلك رواه البخاري وعن أبي هريرة رض

وحال آنکه حال تراویح برین بود رواه البخاری و روایت است از ابی هریرة رض

قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يرغب في قيام

گفت که بود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که ترغیب مینمود صحابه را در گزاردن نماز شب

رمضان من غير أن يأمرهم فيه بعزيمة فيقول من

در رمضان بے آنکه امر کند ایشان را در قیام رمضان بجد و تاکید و ایجاب پس فرمود آنحضرت کسیکه

قام رمضان إيمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه

قیام کند رمضان را بجهت ایمان و تصدیق ثواب و طلب اجر آخرت آمرزیده شود او را چیزیکه پیشین فتاده است از گناهان

الحديث رواه مسلم وعن أبي هريرة رض أن

تا آخر حدیث رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من قام رمضان

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه قیام کند رمضان را

إيمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه قال ابن شهاب

بجهت ایمان و طلب ثواب آخرت آمرزیده شود چیزیکه پیش رفته است از گناهان وی و گفت ابن شهاب

فتوفي رسول الله صلى الله عليه وسلم والأمر على ذلك

پس قبض کرده شد روح آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحال آنکه شان و کار قیام رمضان برین

ثم كان الأمر على ذلك في خلافة أبي بكر وصدرا

پس بود امر برهمین روش در زمان خلافت ابی بکر و همین بود امر وی در زمان اول



من خلافة عمر وعن عبد الرحمن بن عبد القاري

خلافت عمر یعنی قیام رمضان بغیر جماعت و روایت است از عبد الرحمن بن عبد القاری

أنه قال خرجت مع عمر ابن الخطاب رض ليلة في رمضان

گفت که بیرون آمدم با عمر ابن الخطاب رض شبی از رمضان

إلى المسجد فإذا الناس أوزاع متفرقون يصلي الرجل

بسوی مسجد پس ناگاه مردم پریشان و جدا جدا نشسته نماز میکرد مردی

لنفسه ويصلي الرجل فيصلي بصلوته الرهط فقال عمر رض

برای خود تنها و نماز میکرد مردی پس نماز میکرد ندا با نماز وی قومی پس گفت عمر بن الخطاب

إني أرى لو جمعت هؤلاء على قارئ واحد لكان أمثل

بدرستیکه من اگر جمع کنم این مردم را بر یک امام هر آئینه باشد افضل

ثم عزم فجمعهم على أبي ابن كعب ثم خرجت معه ليلة

پستر عزم کرد پس جمع کرد مردم را بر ابی ابن کعب گفت عبد الرحمن بن قاری پستر بیرون آمدم با عمر بشب

أخرى والناس يصلون بصلوة قارئهم قال عمر

دیگر وحال آنکه مردم نماز میگذاردند بنماز امام خود گفت عمر رض

نعمت البدعة هذه والتي تنامون عنها أفضل من التي

نیکو بدعت است این بدعت و آن نماز که خواب میکنید و غفلت میورزید شما از ان فاضلتر است از آن نماز

تقومون يريد آخر الليل وكان الناس يقومون أوله

که قیام میکنید میخواست عمر آخر شب را و بودند مردم که قیام میکردند در اول شب

رواهما البخاري وعن عائشة رض قالت فقدت

روایت کرد این حدیث هر دو را بخاری و روایت است از عایشه رض گفت عایشه گم کردم

رسول الله صلى الله عليه وسلم ليلة فإذا هو

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در شب نوبت خود پس ناگاه دیدم که آنحضرت

بِالْبَقِيعِ فَقَالَ أَكُنْتِ تَخَافِينَ أَنْ يَحِيفَ اللهُ عَلَيْكِ وَرَسُولُهُ

در مقبرهٔ مدینه مطهره است پس گفت آنحضرت آیا بودی تو که میترسیدی که جور و ستم میکند خدا بر تو و پیغامبر او

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنَّكَ أَتَيْتَ بَعْضَ نِسَائِكَ

گفت عایشه که گفتم یا رسول الله بدرستیکه من گمان بردم که تو آمدی به بعضے از زنان خود

فَقَالَ إِنَّ اللهَ تَعَالَى يَنْزِلُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ إِلَى

پس فرمود آنحضرت که سببش آن بود که بدرستی خدایتعالی نزول میکند بفضل و رحمت در شب نیمه از شعبان بسوی

السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَغْفِرُ لِأَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ شَعْرِ غَنَمِ كَلْبٍ

آسمانے که فرود تر از آسمان است پس می آمرزد بیشتر از شمار موهای گوسپندان قبیله کلب [illegible]

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَزَادَ رَزِينٌ مِمَّنِ اسْتَحَقَّ النَّارَ

رواه الترمذی و ابن ماجه و زیاده کرد رزین لفظ ممن استحق النار یعنے مستحق النار را

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عایشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ هَلْ تَدْرِينَ مَا فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ يَعْنِي لَيْلَةَ النِّصْفِ

که فرمود آیا دانی یا تو اے عایشه که چه چیز است درین شب از برکات و غرایب یعنے شب نیمه

مِنْ شَعْبَانَ قَالَتْ مَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ فِيهَا أَنْ يُكْتَبَ

از شعبان گفت عایشه چه چیز است درین شب یا رسول الله پس فرمود آنحضرت ع که درین شب نوشته شود

كُلُّ مَوْلُودٍ بَنِي آدَمَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ وَفِيهَا أَنْ يُكْتَبَ كُلُّ

هر که زائیده شود از فرزندان آدم درین سال و دیگر در آن شب نوشته شود هر که

هَالِكٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ وَفِيهَا تُرْفَعُ أَعْمَالُهُمْ

هالک شود از فرزندان آدم درین سال و درین شب برداشته شود کردارهاے فرزندان آدم

وَفِيهَا تُنْزَلُ أَرْزَاقُهُمْ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللهِ مَا مِنْ أَحَدٍ

و در آن شب نازل کرده شود رزقهاے بنی آدم پس گفت عایشه رض ای پیغمبر خدا نیست هیچ کسے



يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا بِرَحْمَةِ اللهِ تَعَالَى فَقَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ

که درآید بهشت را مگر برحمت خدایتعالی پس گفت آنحضرت ع که نیست هیچ یکے که

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا بِرَحْمَةِ اللهِ تَعَالَى ثَلٰثًا قُلْتُ وَلَا أَنْتَ

درآید بهشت را مگر برحمت خدایتعالی گفت آنحضرت ع این کلمات را سه بار گفت عایشه که گفتم و نه در آئی

يَا رَسُولَ اللهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلٰى هَامَتِهِ فَقَالَ وَلَا أَنَا إِلَّا

اے پیغمبر خدا پس نهاد آنحضرت ع دست مبارک خود را بر سر مبارک خود پس گفت و نه من در آیم جنت

أَنْ يَتَغَمَّدَنِيَ اللهُ مِنْهُ بِرَحْمَتِهِ يَقُولُهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ رَوَاهُ

بپوشد مرا خدایتعالی برحمت خود در حالتیکه میگفت آنحضرت ع این کلمات را سه بار رواه

الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَعَنْ أَبِي مُوسَى

بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از ابی موسے

الْأَشْعَرِيِّ رض عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ

اشعری رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت که بدرستے خدایتعالی آگه

اللهَ لَيَطَّلِعُ فِي لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَيَغْفِرُ لِجَمِيعِ خَلْقِهِ

واقف می شود بر احوال بندگان در شب نصف از شعبان پس می آمرزد مر همه خلق را

إِلَّا لِمُشْرِكٍ أَوْ مُشَاحِنٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ أَحْمَدُ

مگر مر کافر را و دشمن دارنده و کینه ورزنده مسلمانان را رواه ابن ماجه و رواه احمد

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ وَفِي رِوَايَةٍ إِلَّا اثْنَيْنِ

از عبدالله بن عمرو بن العاص و در روایت احمد آمده که خدا می بخشد همه را مگر

مُشَاحِنٍ وَقَاتِلِ النَّفْسِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ

مشاحن را و خون ناحق ریزنده و کشنده نفس را و روایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ النِّصْفِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون باشد شب نیمه

مِنْ شَعْبَانَ فَقُوْمُوْا لَيْلَهَا وَصُوْمُوْا يَوْمَهَا فَإِنَّ اللهَ تَعَالٰى
از شعبان پس قیام کنید شب آنرا و روزه دارید روز آنرا پس بدرستیکه خدایتعالے
يَنْزِلُ فِيْهَا لِغُرُوْبِ الشَّمْسِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَقُوْلُ أَلَا
نزول میکند برحمت درین شب بوقت غروب آفتاب بسوے آسمان دنیا پس میگوید آیا هست
مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهٗ أَلَا مِنْ مُسْتَرْزِقٍ فَأَرْزُقَهٗ أَلَا
هیچ آمرزش خواهنده پس بیامرزم مرا او را آیا هست هیچ روزی خواهنده پس روزی دهم او را آیا هست
مُبْتَلًى فَأُعَافِيَهٗ أَلَا كَذَا أَلَا كَذَا حَتّٰى يَطْلُعَ الْفَجْرُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ
هیچ بلا رسیده پس برهانم او را از بلا کذا کذا کنایت است از انواع ارباب حاجات میگوید خدا این کلمات تا وقت طلوع [?]

## بَابُ الْاِعْتِكَافِ

باب در بیان اعتکاف

عَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از عائشه رض بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم
كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتّٰى تَوَفَّاهُ
بود که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان تا آنکه میراند او را
اللهُ تَعَالٰى ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهٗ بَعْدَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
خدایتعالے پستر معتکف شدند ازواج مطهره آنحضرت بعد از وے متفق علیه
وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
و روایت است از انس رض گفت که بود آنحضرت صلے الله علیه
وَسَلَّمَ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ
وسلم که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان
فَلَمْ يَعْتَكِفْ عَامًا فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ اعْتَكَفَ عِشْرِيْنَ
پس اعتکاف نکرد یکسال پس وقتیکه شد سال آئنده اعتکاف کرد دو ده شب یکے قضا و دیگر [?]



رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ عَنْ
رواه الترمذی و رواه ابو داود و ابن ماجه از
أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتِ السُّنَّةُ عَلَى
ابی ابن کعب و روایت است از عائشه رض گفت عائشه سنت بر
الْمُعْتَكِفِ أَنْ لَا يَعُوْدَ مَرِيْضًا وَلَا يَشْهَدَ جَنَازَةً
معتکف آنست که عیادت نکند مریض را و حاضر نشود نماز جنازه را
وَلَا يَمَسَّ الْمَرْأَةَ وَلَا يُبَاشِرَهَا وَلَا يَخْرُجَ لِحَاجَةٍ
و مساس نکند زن را و مباشرت نکند او را و بیرون نیاید برای حاجتے
إِلَّا لِمَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا اعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ وَلَا اعْتِكَافَ
مگر برای حاجتے که چاره نیست از آن و روا نیست اعتکاف مگر بروزه و روا نیست اعتکاف
إِلَّا فِيْ مَسْجِدٍ جَامِعٍ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
مگر در مسجد جامع یعنی مسجد جماعت رواه ابو داود و روایت است از ابن عباس رض
أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي
که پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم گفت در حق
الْمُعْتَكِفِ هُوَ يَعْتَكِفُ الذُّنُوْبَ وَيُجْزٰى لَهٗ مِنَ
معتکف که آن منع کرده میشود و باز داشته میشود از گناهان و جزا داده میشود مر آنرا از
الْحَسَنَاتِ كَعَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ
حسنات که فوت میشود او را بسبب اعتکاف او مثل عامل حسنات همه ها رواه ابن ماجه

## كِتَابُ فَضَائِلِ الْقُرْاٰنِ

کتاب در بیان فضائل القرآن

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ فَاسْتَعِذْ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ
پس وقتیکه خوانی قرآن را پس پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰۤى اَنْ يَّاْتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا
بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن بر آنکه بیارند مانند این
الْقُرْاٰنِ لَا يَاْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيْرًا
قرآن هرگز نیارند مانند آن اگرچه باشد بعض ایشان بعض را مدددهنده
اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ قُلْ فَاْتُوْا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهٖ مُفْتَرَيٰتٍ
آیا میگویند بربسته است قرآن را بگو پس بیارید ده سوره مانند این بربافته
وَّادْعُوْا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ
و بخوانید هر کرا توانید بجز خدا اگر راست گو هستید
وَاِنْ كُنْتُمْ فِيْ رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ
و اگر هستید در شبه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود پس بیارید یک سوره
مِّنْ مِّثْلِهٖ وَادْعُوْا شُهَدَآءَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ
مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بجز خدا اگر هستید
صٰدِقِيْنَ ۝ فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا وَلَنْ تَفْعَلُوْا فَاتَّقُوا النَّارَ
راست گو پس اگر نکردید و البته نتوانید کرد پس حذر کنید از آن آتش سوزان
الَّتِيْ وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۖ اُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِيْنَ ۝
که آتش انگیز آن مردمان و سنگها باشد آماده کرده شده است برای کافران
لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا
اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هرآئینه میدیدی آنرا نیایش کرده پاره پاره شده
مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ ۝ اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُوْنَ ۝
از خوف خدا هرآئینه ما فرو فرستادیم قرآن را و هرآئینه ما او را نگاه بانیم
اِنَّاۤ اَنْزَلْنٰهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ۝ وَهٰذَا كِتٰبٌ
هرآئینه ما فرستادیم آنرا قرآن عربی باشد که شما دریابید و این کتابی است



مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنْذِرَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا وَبُشْرٰى
باور دارنده در زبان عربی برای آنکه بترساند ستمگاران را و برای مژده دادن
لِلْمُحْسِنِيْنَ عَنْ عُثْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
نیکوکاران را روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْاٰنَ وَعَلَّمَهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
علیه وسلم بهترین شما کسیکه آموخت قرآن را و آموزانید آنرا رواه البخاری
وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ الْمَاهِرُ بِالْقُرْاٰنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ
وسلم نیکو دریابنده و استاد در قرآن بحفظ و تجوید با طائکهای بزرگ نشند و نیکوکار
وَالَّذِيْ يَقْرَاُ الْقُرْاٰنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيْهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهٗ
و آنکسیکه میخواند قرآن را و در میماند در خواندن وی و خواندن قرآن برا و دشوار است
اَجْرَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
دو اجر است متفق علیه و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ اِلَّا عَلَى اثْنَيْنِ رَجُلٌ
صلی الله علیه وسلم نیست جای رشک بردن مگر بر دو کس یکی مردی
اٰتَاهُ اللّٰهُ الْقُرْاٰنَ فَهُوَ يَقُوْمُ بِهٖ اٰنَآءَ اللَّيْلِ وَاٰنَآءَ
که داده است او خدا قرآن را پس آنمرد بر می خیزد بقرآن یعنی میخواند آنرا در ساعات
النَّهَارِ وَرَجُلٌ اٰتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ اٰنَآءَ
صبح و شام دوم مردی که داده است او را مالی پس آنمرد انفاق میکند از آن در ساعات
اللَّيْلِ وَاٰنَآءَ النَّهَارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
صبح و شام متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن الذي
گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم بدرستیکه آن کسے که
ليس في جوفه شيء من القرآن كالبيت الخرب رواه
نیست در درون وے چیزے از قرآن همچو خانه ویران است رواه
الترمذي والدارمي وعن عبد الله بن عمرو رض
الترمذی والدارمی وروایت است از عبد الله بن عمرو رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يقال لصاحب
گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم گفته می شود مرصاحب
القرآن اقرأ وارتق ورتل كما كنت ترتل في الدنيا
قرآن را بخوان وترقی مدارج کن وبتجوید بخوان قرآن را چنانکه ترتیل میکردی در دنیا
فإن منزلك عند آخر آية تقرأها رواه أحمد والترمذي
بدرستیکه منزل تو نزد آخر آیتے که میخوانی آنرا رواه احمد والترمذی
وأبو داود والنسائي وعن أبي سعيد رض قال قال
وابوداود والنسائی وروایت است از ابی سعید رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول الرب تبارك
آنحضرت صلے الله علیه وسلم که میگوید پروردگار تبارک
وتعالى من شغله القرآن عن ذكري ومسألتي أعطيته
وتعالے کسے که بازدار داورا قرآن از ذکر کردن من ودعا وسوال من میدهم اورا
أفضل ما أعطي السائلين وفضل كلام الله على سائر
بیشتر از آنچه میدهم سوال کنندگان را وفضل کلام خدا بر باقی کلام خلائق
الكلام كفضل الله على خلقه رواه الترمذي والدارمي
همچو فضل خدا است بر مخلوق او رواه الترمذی والدارمی



والبيهقي في شعب الإيمان وعن ابن مسعود رض قال
والبیهقی در شعب ایمان وروایت است از ابن مسعود رض گفت
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ حرفا من
فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه بخواند یک حرف از
كتاب الله فله به حسنة والحسنة بعشر أمثالها لا أقول
کتاب خدا پس مر او راست نیکی وهر نیکی جزا داده می شود بده چند او نمی گویم
الم حرف ألف حرف ولام حرف وميم حرف رواه
الم یک حرف است بل الف تنها حرفست وهمچنین لام حرف است ومیم حرفست رواه
الترمذي والدارمي وعن معاذ الجهني رض قال
الترمذی والدارمی وروایت است از معاذ الجهنی رض گفت
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ القرآن
فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه بخواند قرآن را
وعمل بما فيه ألبس والداه تاجا يوم القيامة ضوءه
وعمل کرد بچیزے که در قرآن است پوشانیده شوند پدر ومادر او تاج روز قیامت که روشنائی او
أحسن من ضوء الشمس في بيوت الدنيا لو كانت
خوشتر وقوی تر از روشنائی آفتاب باشد در خانهاے دنیا اگر می بود آفتاب
فيكم فما ظنكم بالذي عمل بهذا رواه أحمد وأبو داود
در خانهای شما پس چیست گمان شما بآن کسیکه بخواند وعمل کند بقرآن رواه احمد وابوداود
وعن عقبة بن عامر رض قال سمعت رسول الله
وروایت است از عقبه بن عامر رض گفت شنیدم آنحضرت را
صلى الله عليه وسلم يقول لو جعل القرآن في إهاب ثم
صلے الله علیه وسلم که میگفت اگر گردانیده می شد قرآن در پوستے پس تر

أُلْقِيَ فِي النَّارِ مَا احْتَرَقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ رض
انداخته می شد در آتش نمی سوخت روواه الدارمی و روایت است از علی رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْاٰنَ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر که بخواند قرآن را

فَاسْتَظْهَرَهُ فَاَحَلَّ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ اَدْخَلَهُ اللّٰهُ
پس یاد کرد آنرا پس حلال گرداند حلال آنرا و حرام گرداند حرام آنرا درمی آرد خدایتعالی او را

الْجَنَّةَ وَشَفَّعَهُ فِيْ عَشَرَةٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهٖ كُلُّهُمْ قَدْ
در بهشت و قبول میکند شفاعت او را در ده کس از اهل بیت وے که همه ایشان بتحقیق

وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
واجب شده است برایشان را آتش رواه احمد و الترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعَلَّمُوا الْقُرْاٰنَ فَاقْرَءُوْهُ فَاِنَّ مَثَلَ
علیه وسلم بیاموزید قرآن را پس بخوانید آنرا پس بدرستیکه حال

الْقُرْاٰنِ لِمَنْ تَعَلَّمَ فَقَرَاَهُ وَقَامَ بِهٖ كَمَثَلِ جِرَابٍ مَحْشُوٍّ
قرآن مر کسے را که آموخت پس خواند آنرا و قیام کرد بدان بچو انبانی است که پر کرده شده است

مِسْكًا تَفُوْحُ بِهٖ رِيْحُهٗ كُلَّ مَكَانٍ وَمَثَلُ مَنْ تَعَلَّمَهٗ
بمشک میدمید بوے وے در هر جا و حال کسیکه آموخت قرآن را

فَرَقَدَ وَهُوَ فِيْ جَوْفِهٖ كَمَثَلِ جِرَابٍ اُوْكِيَ عَلٰى مِسْكٍ
پس خواب کرد حال آنکه قرآن در شکم اوست بچو حال انبان مشک است که بسته شده است بروی

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ
رواه الترمذی والنسائی وابن ماجه و روایت است واز



اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى قَرَاَ طٰهٰ وَيٰسٓ قَبْلَ اَنْ يَّخْلُقَ السَّمٰوٰتِ
بدرستیکه خدایتعالی خواند یعنی اظهار کرد سوره طه و یٰسین را پیش از آنکه پیدا کند آسمانها

وَالْاَرْضَ بِاَلْفِ عَامٍ فَلَمَّا سَمِعَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ الْقُرْاٰنَ قَالَتْ
و زمین را بهزار سال هرگاه که شنیدند فرشتگان قرارت طه و یٰس را گفتند فرشتگان

طُوْبٰى لِاُمَّةٍ يُّنْزَلُ هٰذَا عَلَيْهَا طُوْبٰى لِاَجْوَافٍ تَحْمِلُ هٰذَا
خیر و خوبی باد مر امتے را که فرود فرستاده شود این هر دو سوره بر آن است و خوبی باد مر آن شکمها را و دلها را که بر دارند آن را

وَطُوْبٰى لِاَلْسِنَةٍ تَتَكَلَّمُ بِهٰذَا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ
و خوبی باد مر زبان ها را که تکلم کنند این رواه الدارمی و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَعْرِبُوا الْقُرْاٰنَ وَاتَّبِعُوْا غَرَآئِبَهٗ وَغَرَآئِبُهٗ فَرَآئِضُهٗ
اظهار کنید معانی قرآن را و پیروی کنید غرایب قرآن را و غرایب وے فرایض و

وَحُدُوْدُهٗ وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
حدود اوست و روایت است از عایشه رض که آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ قِرَاءَةُ الْقُرْاٰنِ فِي الصَّلٰوةِ اَفْضَلُ مِنْ
وسلم گفت خواندن قرآن در نماز بهتر است از

قِرَاءَةِ الْقُرْاٰنِ فِيْ غَيْرِ الصَّلٰوةِ وَقِرَاءَةُ الْقُرْاٰنِ فِيْ غَيْرِ
خواندن قرآن در غیر نماز و خواندن قرآن در غیر

الصَّلٰوةِ اَفْضَلُ مِنَ التَّسْبِيْحِ وَالتَّكْبِيْرِ وَالتَّسْبِيْحُ اَفْضَلُ
نماز افضل است از تسبیح و تکبیر و تسبیح بهتر است

مِنَ الصَّدَقَةِ وَالصَّدَقَةُ اَفْضَلُ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّوْمُ

ازصدقه دادن در راه خدا وصدقه دادن بهتر است از روزه داشتن وروزه داشتن

جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَعَنْ عُثْمَانَ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ اَوْسٍ

سپر است از آتش دوزخ وروایت است از عثمان ابن عبدالله ابن اوس

الثَّقَفِيِّ عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الثقفی از جد خود که اوس است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

قِرَاءَةُ الرَّجُلِ الْقُرْاٰنَ فِيْ غَيْرِ الْمُصْحَفِ اَلْفُ دَرَجَةٍ وَقِرَاءَتُهٗ

ثواب خواندن مرد قرآن را درغیر مصحف هزار درجه دارد و ثواب خواندن او

فِي الْمُصْحَفِ تُضَعَّفُ عَلٰى ذٰلِكَ اِلٰى اَلْفَيْ دَرَجَةٍ وَعَنِ

درمصحف زیاده کرده می شود بر آن تا دو هزار درجه وروایت است از

ابْنِ عُمَرَ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِنَّ هٰذِهِ الْقُلُوْبَ تَصْدَاُ كَمَا يَصْدَاُ الْحَدِيْدُ اِذَا اَصَابَهُ

بدرستیکه این دلهای مردم زنگ میگیرد یعنی تیره میگردد چنانکه زنگ میگیرد آهن وقتیکه میرسد آنرا

الْمَاءُ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا جِلَاؤُهَا قَالَ كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ

آب گفته شد ای رسول خدا چیست سبب روشنی وصفای وی گفت بسیاری یاد کردن موت

وَتِلَاوَةُ الْقُرْاٰنِ رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الْاَرْبَعَةَ فِيْ

وخواندن قرآن است روایت کرد بیهقی این چهار حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا اَنَّ نَبِيَّ اللّٰهِ صَلَّى

شعب ایمان وروایت است از حسن بصری از روی ارسال که آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَاَ فِيْ لَيْلَةٍ مِائَةَ اٰيَةٍ لَمْ يُحَاجَّهُ

الله علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند در شبی صد آیت قرآن محاجات نکند وخصومت ننماید او را



الْقُرْاٰنُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَمَنْ قَرَاَ فِيْ لَيْلَةٍ مِائَتَيْ اٰيَةٍ

قرآن دران شب وکسیکه بخواند در شبی دو صد آیت

كُتِبَ لَهٗ قُنُوْتُ لَيْلَةٍ وَمَنْ قَرَاَ فِيْ لَيْلَةٍ خَمْسَ مِائَةِ اٰيَةٍ

نوشته شود برای وی طاعت شب وکسیکه بخواند در شبی پنجصد آیت

اِلَى الْاَلْفِ اَصْبَحَ وَلَهٗ قِنْطَارٌ مِنَ الْاَجْرِ قَالُوْا وَمَا الْقِنْطَارُ

تا هزار صبح میکند درحالیکه مراو راست قنطار از اجر گفتند صحابه وچیست قنطار

قَالَ اِثْنَا عَشَرَ اَلْفًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسَى

گفت آنحضرت قنطار مقدار دوازده هزار است رواه الدارمی وروایت است از ابی موسی

الْاَشْعَرِيِّ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت ابی موسی که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تَعَاهَدُوا الْقُرْاٰنَ فَوَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ لَهُوَ اَشَدُّ

رعایت ومداومت کنید بقرآن پس سوگند بخدای که بقای ذات من در دست قدرت اوست برآمیند

تَفَصِّيًا مِنَ الْاِبِلِ فِيْ عُقُلِهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

از روی رها شدن از شتری که بسته باشد ای وی در رسن متفق علیه است وروایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْاٰنِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ

نیست از ما کسیکه تغنی نکند بقرآن یعنی مستغنی شود از همه رواه بخاری وروایت است از

الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

براء بن عازب رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ زَيِّنُوا الْقُرْاٰنَ بِاَصْوَاتِكُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ

وسلم بیارائید قرآن را بخوش آوازهای شما رواه احمد وابوداود

ترازانشتر است ۱۲

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ رض قَالَ

وابن ماجه والدارمی و روایت است از سعد بن عباده رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِءٍ يَقْرَأُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مردے کہ می خواند

الْقُرْاٰنَ ثُمَّ يَنْسَاهُ اِلَّا لَقِيَ اللّٰهَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَجْذَمَ رَوَاهُ

قرآن را پس فراموش گرداند آن را مگر آنکه پیش می آید خدا را روز قیامت منقطع الاعضا یعنی مجذوم

اَبُوْدَاؤُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

ابو داؤد والدارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمْ يَفْقَهْ

کہ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کہ نہ فہمید

مَنْ قَرَأَ الْقُرْاٰنَ فِيْ اَقَلَّ مِنْ ثَلَاثٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

کسیکہ خواند قرآن در کمتر از سه روز رواه الترمذی

اَبُوْدَاؤُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ

وابو داؤد والدارمی و روایت است از عقبه بن عامر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجَاهِرُ بِالْقُرْاٰنِ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم جهر کننده قرآن را

كَالْجَاهِرِ بِالصَّدَقَةِ وَالْمُسِرُّ بِالْقُرْاٰنِ كَالْمُسِرِّ بِالصَّدَقَةِ

بجهر آشکارا دهنده است صدقه را و بآواز پست خواننده قرآن را بجهر پنهان دهنده است صدقه را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاؤُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ اللَّيْثِ

رواه الترمذی وابو داؤد والنسائی و روایت است از لیث

ابْنِ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ اَبِيْ مُلَيْكَةَ عَنْ يَعْلَى ابْنِ مَمْلَكٍ رض

ابن سعد رض کہ وے روایت میکند از ابن ابی ملیکه از یعلی ابن مملک رض



اَنَّهُ سَاَلَ اُمَّ سَلَمَةَ رض عَنْ قِرَاءَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

کہ وے پرسید از ام سلمه رض از قراءت پیغمبر صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَاِذَا هِيَ تَنْعَتُ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً حَرْفًا حَرْفًا

وسلم پس ناگاه ام سلمه صفت میکند قراءت را کہ پیدا و کشاده است حرف بعد از حرف جدا جدا

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاؤُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ حُذَيْفَةَ

رواه الترمذی وابو داؤد والنسائی و روایت است از حذیفه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِقْرَءُوا

رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخوانید

الْقُرْاٰنَ بِلُحُوْنِ الْعَرَبِ وَاَصْوَاتِهَا وَاِيَّاكُمْ وَلُحُوْنَ

قرآن را بلحن عرب و خوش آوازیهاے ایشان و دور دارید خود را از لحن

اَهْلِ الْعِشْقِ وَلُحُوْنَ اَهْلِ الْكِتَابَيْنِ وَسَيَجِيْءُ بَعْدِيْ

اہل عشق و لحن ہاے اہل دو کتاب یعنی توریت و انجیل و زود باشد کہ بیاید پس از من

قَوْمٌ يُرَجِّعُوْنَ بِالْقُرْاٰنِ تَرْجِيْعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ لَا يُجَاوِزُ

گروہے کہ ترجیع کنند بقرآن مانند سرود و نوحه و نمی گزرد قرآن

حَنَاجِرَهُمْ مَفْتُوْنَةٌ قُلُوْبُهُمْ وَقُلُوْبُ الَّذِيْنَ يُعْجِبُهُمْ

گلو ہای ایشان را در فتنه انداخته شده است دلهاے ایشان و دلہاے آنکسان کہ خوش می آید

شَاْنُهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَرَزِيْنٌ فِيْ

حال ایشان رواه بیہقی در شعب ایمان و رزین در

كِتَابِهٖ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

کتاب خود و روایت است از براء بن عازب رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ حَسِّنُوا الْقُرْاٰنَ بِاَصْوَاتِكُمْ

صلی الله علیه وسلم کہ میگفت نیک گردانید قرآن را بآوازہاے خود

فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيْدُ الْقُرْاٰنَ حُسْنًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

زیراکہ آواز خوش زیادہ میکرداند قرآن را در حسن رواه الدارمی

وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رض أَنَّهُ مَرَّ عَلٰى قَاصٍّ يَقْرَأُ

و روایت است از عمران بن حصین رض کہ او گذشت بر قصہ خوان کہ قرآن میخواند

ثُمَّ يَسْأَلُ فَاسْتَرْجَعَ ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و از مردم سوال میکرد پس استرجاع کرد عمران پستر گفت کہ شنیدم آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْاٰنَ فَلْيَسْأَلِ اللّٰهَ بِهِ

علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ خواند قرآن را پس باید کہ سوال کند خدا را بقرآن

فَإِنَّهُ سَيَجِيْءُ أَقْوَامٌ يَقْرَءُوْنَ الْقُرْاٰنَ يَسْأَلُوْنَ بِهِ

پس بدرستیکہ شان اینست زود باشد کہ بیایند گروہہا کہ بخوانند قرآن را و سوال کنند از

النَّاسَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ

از مردم رواه احمد والترمذی و روایت است از بریده گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْاٰنَ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند قرآن را

يَتَأَكَّلُ بِهِ النَّاسَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَوَجْهُهٗ عَظْمٌ

درحالیکہ طلب اکل میکند بقرآن از مردم بیاید آنکس روز قیامت حال آنکہ روی وے استخوان

لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ

کہ نیست در روے وے گوشت رواه بیہقی در شعب ایمان و روایت است از

أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

انس بن مالک رض گفت انس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

إِنَّ لِلّٰهِ أَهْلِيْنَ مِنَ النَّاسِ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَنْ هُمْ

بدرستیکہ مر خدا راست اہالیان و خواص از مردمان گفتند صحابہ ای پیغمبر خدا کیستند ایشان



قَالَ هُمْ أَهْلُ الْقُرْاٰنِ أَهْلُ اللّٰهِ وَخَاصَّتُهٗ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

فرمود ایشان اہل قرآن اہل اللہ و خواص او اند رواه ابن ماجہ

وَعَنْ أُبَيِّ ابْنِ كَعْبٍ رض مَا بَالُ أَقْوَامٍ يُقْرَأُ عَلَيْهِمْ كِتَابُ اللّٰهِ

و روایت است از ابی بن کعب رض چہ حال آنکسان است کہ خوانده شود بر ایشان کتاب خدا

لَا يَدْرُوْنَ مَا قُرِئَ عَلَيْهِمْ فِيْهِ وَلَا مَا تُرِكَ هٰكَذَا كَانَتْ

نمی دانند کہ چہ خوانده شد بر ایشان دران و نمی دانند کہ چہ ترک کرده شده است ہمچنین بود حال

بَنُوْ إِسْرَائِيْلَ خَرَجَتْ خَشْيَةُ اللّٰهِ مِنْ قُلُوْبِهِمْ فَغَابَتْ

بنی اسرائیل بیرون شد خوف خدا از دلہاے ایشان پس غایب شد

قُلُوْبُهُمْ وَشَهِدَتْ أَبْدَانُهُمْ أَلَا وَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ

دلہاے ایشان و حاضر شد بدنہاے ایشان آگاہ شو ہر آئینہ خداے بزرگ و بلند

لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ عَمَلًا حَتّٰى يَشْهَدَ بِقَلْبِهٖ مَا شَهِدَ بِبَدَنِهٖ

قبول نمی کند از کسے ہیچ عملے تا آنکہ گواہی دہد بدل او آنچہ کہ گواہی میدہد از بدن خود

جامع وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از انس بن مالک رض گفت فرمود آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا حَمَلَةَ الْقُرْاٰنِ إِنَّ أَهْلَ السَّمٰوٰتِ

اللہ علیہ وسلم اے حاملان قرآن بدرستیکہ اہل آسمان

يَذْكُرُوْنَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ تَعَالٰى فَتَحَبَّبُوْا إِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى بِتَوْقِيْرِ

یاد میکنند شمارا نزد خدایتعالے پس دوست شوید بسوے خدا بسبب توقیر

كِتَابِهٖ يَزِدْكُمْ حُبًّا وَيُحَبِّبْكُمْ إِلٰى عِبَادِهٖ يَا حَمَلَةَ الْقُرْاٰنِ أَنْتُمْ

کتاب او زیاده دوست میدارد شمارا خدا دوست میگرداند شمارا نزد بندگان او اے بردارندگان قرآن شما

مُخْتَصُّوْنَ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ تَعَالٰى الْمُعَلِّمُوْنَ كَلَامَ اللّٰهِ تَعَالٰى

مخصوص ہستید برحمت خدایتعالے تعلیم کنندگان کلام خدایتعالے

الْمُقَرَّبُوْنَ مِنَ اللّٰهِ تَعَالٰى مَنْ وَالَاهُمْ تَقَرَّبَ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى
قریب کرده شده اند از خدایتعالی کسیکه دوست داشت ایشان را قرب جاید بسوے خدایتعالی

وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَ اللّٰهَ يُدْفَعُ عَنْ قَارِئِ الْقُرْاٰنِ بَلَاءُ
وکسیکه دشمن گرفت ایشان را پس بتحقیق دشمن داشت خدارا دور کرده شود از خواننده قرآن بلاهای

الدُّنْيَا وَيُدْفَعُ عَنْ مُسْتَمِعِ الْقُرْاٰنِ بَلَاءُ الْاٰخِرَةِ يَا حَمَلَةَ
دنیا و دفع کرده شود از شنونده قرآن بلاهاے آخرت اے حاملان

الْقُرْاٰنِ تَحَبَّبُوْا اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى بِتَوْقِيْرِ كِتَابِهٖ يَزِدْكُمْ حُبًّا
قرآن پس دوست شوید ایشان شمارا بسوے خدایتعالی بسبب بزرگی کتاب وے زیاده میکند خدا محبت شمارا

وَيُحَبِّبْكُمْ اِلٰى عِبَادِهٖ جَامِعٌ كَبِيْرٌ عَنْ اَنَسٍ رضـ قَالَ
و دوست میکند شمارا بسوے بندگان او روایت است از انس رضـ گفت

خَرَجَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ فَنَادٰى
برآمد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم روزے پس ندا کرد آنحضرت ﷺ

بِاَعْلٰى صَوْتِهٖ يَا حَامِلَ الْقُرْاٰنِ اِكْحَلْ عَيْنَيْكَ بِالْبُكَاءِ
به بلند آواز خود که بردارنده قرآن سرمگین کن هر دو چشم ترا از گریه

اِذَا ضَحِكَ الْمُبْطِلُوْنَ وَقُمْ بِاللَّيْلِ اِذَا نَامَ النَّائِمُوْنَ
وقتیکه خنده کنند مبطلون و برخیز بشب براے نماز چون خواب کنند خوابندگان

وَصُمْ اِذَا اَكَلَ الْاٰكِلُوْنَ وَاعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَلَا تَحْقِدْ
و روزه بدار وقتیکه میخورند خورندگان و عفو کن از کسیکه ظلم کند بر تو و کینه مدار

فِيْ مَنْ يَحْقِدُ وَلَا تَجْهَلْ فِيْمَنْ يَجْهَلُ الدَّيْلَمِيْ
در حق کسیکه کینه دارد و نادان مشو در حق کسیکه جاہل شود رواه دیلمی

## بَابُ تَفْضِيْلِ فَضَائِلِ سُوَرِ الْقُرْاٰنِ وَاٰيَاتِهٖ
باب تفضیل فضائل سوره‌هاے قرآن و آیات آن



جزء ۱۶ رکوع ۱۶ وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِيْ فَاِنَّ لَهٗ مَعِيْشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهٗ
وهر که روگردان شود از یاد کردن من پس او را بود زندگانی تنگ و نابینا برانگیزم او را

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمٰى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْٓ اَعْمٰى وَقَدْ
روز قیامت گوید اے پروردگار من چرا برانگیختی مرا نابینا و هر آئینه پیش ازین

جزء ۱۶ رکوع ۱۸ كُنْتُ بَصِيْرًا ۝ قَالَ كَذٰلِكَ اَتَتْكَ اٰيٰتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَ
بینا بودم گوید همچنین آمد بتو نشانهاے ما پس تغافل کردی از ان

كَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰى ۝ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ
و همچنین امروز تغافل کرده شود در حق تو و هر آئینه فرو فرستاد خدا بر شما در قرآن

اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا
که چون بشنوید بآیتهاے خدا انکار نموده می آید و تمسخر کرده می شود آیتها

جزء ۵ رکوع ۱۵ فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِيْ حَدِيْثٍ غَيْرِهٖ
پس منشینید با ایشان تا آنکه شروع کنند در سخنے بجز آن

اِنَّكُمْ اِذًا مِّثْلُهُمْ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ
هر آئینه شما آنگاه مانند آن کافران باشید جز این نیست که مومنان آنند که چون یاد کرده شود خدا

وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ
بترسند دلهای ایشان و چون خوانده شود بر ایشان آیات خدا زیاده سازند آن آیات

اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ۝ الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ
ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل میکنند آنانکه برپا میدارند

الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۝ اُولٰٓئِكَ هُمُ
نماز را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج میکنند این جماعت ایشانند

الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ
مومنان بتحقیق براے ایشان است مرتبها نزد پروردگار ایشان و آمرزش

وَرِزْقٌ كَرِيْمٌ ۝ حٰمٓ تَنْزِيْلٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

و روزی نیک این فرو فرستادن است از جانب خدائے بخشاینده و مهربان

كِتٰبٌ فُصِّلَتْ اٰيٰتُهٗ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ۝

این کتابیست واضح ساخته شد آیات او را در حالیکه قرآنے عربی است برائے قومے که میدانند

بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا فَاَعْرَضَ اَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ۝

در حالیکه مژده دهنده و ترسانندہ است پس روئے گردان شدند اکثر مردمان پس ایشان نمی شنوند

عَنِ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رض قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از نواس بن سمعان رض گفت شنیدم آنحضرت صلے اللہ

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ يُؤْتٰى بِالْقُرْاٰنِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاَهْلِهِ الَّذِيْنَ كَانُوْا

علیه وسلم را که میگفت آورده میشود قرآن روز قیامت و اہل قرآن آنکسانیکه بودند

يَعْمَلُوْنَ بِهٖ تَقْدُمُهٗ سُوْرَةُ الْبَقَرَةِ وَاٰلُ عِمْرٰنَ كَاَنَّهُمَا

که عمل میکردند باحکام قرآن پیش می شود قرآن را سوره بقره و آل عمران گو یا که این دو

غَمَامَتَانِ اَوْ ظُلَّتَانِ سَوْدَاوَانِ بَيْنَهُمَا شَرْقٌ اَوْ كَاَنَّهُمَا

سورت دو ابرند یا دو سائبان سیاه میان این دو سورت شرق است یا این دو گویا

فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافَّ تُحَاجَّانِ عَنْ صَاحِبِهِمَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

دو جماعت اند از پرند صف بستگان که حجت میکنند از جانب صاحب ایشان رواه مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ بَيْنَمَا جِبْرَئِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و روایت است از ابن عباس رض گفت در اثنائے آنکه جبرئیل علیه السلام

قَاعِدٌ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعَ نَقِيْضًا مِّنْ

نشسته است نزد آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم شنید جبرئیل ع آوازی را از

فَوْقِهٖ فَرَفَعَ رَأْسَهٗ فَقَالَ هٰذَا بَابٌ مِّنَ السَّمَآءِ فُتِحَ الْيَوْمَ

بالائے خود پس برداشت سر خود را آنحضرت ص پس گفت جبرئیل ع این دریست از آسمان کشاده شد امروز



لَمْ يُفْتَحْ قَطُّ اِلَّا الْيَوْمَ فَنَزَلَ مِنْهُ مَلَكٌ فَقَالَ هٰذَا مَلَكٌ

و کشاده نشد هرگز مگر امروز پس فرود آمد از آن فرشته پس گفت جبرئیل ع که این فرشته ایست

نَزَلَ اِلَى الْاَرْضِ لَمْ يَنْزِلْ قَطُّ اِلَّا الْيَوْمَ فَسَلَّمَ فَقَالَ اَبْشِرْ

که فرود آمده است بسوئے زمین که فرود نیامده هرگز مگر امروز پس سلام گفت آن فرشته پس گفت

بِنُوْرَيْنِ اُوْتِيْتَهُمَا لَمْ يُؤْتَهُمَا نَبِيٌّ قَبْلَكَ فَاتِحَةُ الْكِتٰبِ

بدو نورے که داده شد بتو داده نشد آن دو نور هیچ پیغمبر پیش از تو یکے سوره الحمد للہ

وَخَوَاتِيْمُ سُوْرَةِ الْبَقَرَةِ لَنْ تَقْرَاَ بِحَرْفٍ مِّنْهُمَا اِلَّا اُعْطِيْتَهٗ

و دیگر دو آیت که در آخر سوره بقره است یعنے از آمن الرسول تا آخر سوره هرگز نخوانی بحرفی از فاتحه و آمن الرسول

وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی الدرداء گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيَعْجِزُ اَحَدُكُمْ اَنْ يَّقْرَاَ فِيْ لَيْلَةٍ ثُلُثَ الْقُرْاٰنِ

علیه وسلم آیا عاجز می آید یکے از شما از آنکه بخواند در شبے ثلث قرآن را

قَالُوْا وَكَيْفَ يَقْرَاُ ثُلُثَ الْقُرْاٰنِ قَالَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ

گفتند صحابه چگونه خواند ثلث قرآن را در شب فرمود که سوره قل هو الله احد

يَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْاٰنِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَرَوَى الْبُخَارِيُّ عَنْ

برابر است ثلث قرآن را رواه مسلم و روایت کرد بخاری از

اَبِيْ سَعِيْدٍ رض وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

ابی سعید رض و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَّقَلْبُ الْقُرْاٰنِ يٰسٓ

اللہ علیه وسلم بدرستیکه مر هر شئے را دلیست و دل قرآن سوره یاسین است

وَمَنْ قَرَاَ يٰسٓ كَتَبَ اللّٰهُ لَهٗ بِقِرَاءَتِهَا قِرَاءَةَ الْقُرْاٰنِ

و هر که بخواند سوره یٰسین را بنویسد خدا تعالے مر او را بسبب خواندن آن ثواب بخواندن قرآن

عشر مرات رواه الترمذي والدارمي وعن أبي هريرة رض
ده مرتبه رواه الترمذی والدارمی واز ابی ہریرہ رض مرویست
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ حم
گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ خواند سورۂ حم
الدخان في ليلة أصبح يستغفر له سبعون ألف ملك
الدخان را در شب صبح میکند درحالیکه آمرزش میخواهند او را هفتاد هزار فرشتگان
رواه الترمذي وعن ابن عباس رض قال ضرب بعض
رواه الترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت که زد بعضے
أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم خباءه على قبر وهو
از اصحاب پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم خیمہ خود را برگورے و وے
لا يحسب أنه قبر فإذا فيه إنسان يقرأ سورة تبارك
گمان نمی برد که آن قبر است پس ناگاه در آن قبر آدمیست که میخواند سورہ تبارک
الذي بيده الملك حتى ختمها فأتى النبي صلى الله عليه
الذی بیده الملک تا آنکه ختم کرد آنرا پس آمد وے پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ
وسلم فأخبره فقال النبي صلى الله عليه وسلم هي
وسلم پس خبر داد آنحضرت را باین حال پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم که این سورہ
المانعة هي المنجية تنجيه من عذاب القبر رواه الترمذي
مانع است این سوره رستگاری دهنده است رستگاری میدهد او را از عذاب قبر رواه الترمذی
وعن ابن عباس وأنس بن مالك رض قالا قال رسول الله
و روایت است از ابن عباس رض و انس بن مالک رض گفتند این هر دو که فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم إذا زلزلت تعدل نصف القرآن
صلے اللہ علیہ وسلم که سورہ اذا زلزلت برابر است نصف قرآن را



وقل هو الله أحد تعدل ثلث القرآن وقل يا أيها الكافرون
وقل ہو اللہ احد برابر است ثلث قرآن را وقل یا ایہا الکافرون
تعدل ربع القرآن رواه الترمذي وعن معقل بن
برابر است ربع قرآن را رواه الترمذی و روایت است از معقل بن
يسار رض عن النبي صلى الله عليه وسلم من قال حين يصبح
یسار رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم که گفت آنحضرت هر که بگوید هنگامیکه صبح کند
ثلث مرات أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم
سه مرتبه اعوذ باللہ السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
فقرأ ثلث آيات من آخر سورة الحشر وكل الله به
پس بخواند سه آیت از آخر سورہ حشر وکیل گرداند خدا تعالے بوے
سبعين ألف ملك يصلون عليه حتى يمسي وإن مات
هفتاد هزار فرشته را که درود میفرستند بروے تا آنکه شام کند و اگر بمیرد آن کس
في ذلك اليوم مات شهيدا ومن قالها حين يمسي كان
در آن روز می میرد شهید و کسیکه می گوید این آیت را هنگامے که شام می کند باشد
بتلك المنزلة رواه الترمذي والدارمي وعن أنس رض
بهمان مرتبه که در صبح ذکر کرده شد رواه الترمذی والدارمی و روایت است از انس رض
عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قرأ كل يوم مائتي
از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم که گفت آنحضرت کسیکه بخواند هر روز دوصد
مرة قل هو الله أحد محي عنه ذنوب خمسين سنة إلا
بار قل ہو اللہ احد محو کرده شود از وے گناهان پنجاه سال مگر
أن يكون عليه دين رواه الترمذي والدارمي
آنکه باشد بروے وامے رواه الترمذی والدارمی

وَفِي رِوَايَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً وَلَمْ يَذْكُرْ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ
و در روایت دارمی خواندن و پنجاه بار واقع شده و ذکر نکرده است دارمی این استثنا را که از اِلا
دَيْنٌ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَرَادَ
یکون علیه دین است و از وے مرویست که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسے که خواهد که
أَنْ يَنَامَ عَلَى فِرَاشِهِ فَنَامَ عَلَى يَمِينِهِ ثُمَّ قَرَأَ مِائَةَ
خواب کند بر بستر خود پس بخوابد بر جانب راست خود بر بستر بخواند صد
مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ يَقُولُ لَهُ الرَّبُّ
بار قل هو الله احد وقتیکه باشد روز قیامت میگوید مر او را پروردگار
يَا عَبْدِيْ أُدْخُلْ عَلَى يَمِينِكَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
اے بندهٔ من در آئی بر جانب راست خود در بهشت رواه الترمذی
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از ابی هریره رضـ که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ فَقَالَ وَجَبَتْ قُلْتُ
شنید مردے را که میخواند قل هو الله احد پس فرمود آنحضرت که واجب گشت گفتم
وَمَا وَجَبَتْ قَالَ الْجَنَّةُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ
چه واجب گشت فرمود آنحضرت بهشت رواه مالک و ترمذی و نسائی
وَعَنْ أَيْفَعَ بْنِ عَبْدِ الْكَلَاعِيِّ رضـ قَالَ قَالَ رَجُلٌ
و روایت است از ایفع بن عبد الکلاعی رضـ گفت ایفع که گفت مردے
يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ
اے پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کدام سوره از قرآن
أَعْظَمُ قَالَ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ قَالَ فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ أَعْظَمُ
بزرگتر است فرمود آنحضرت قل هو الله احد گفت آن مرد پس کدام آیت در قرآن بزرگتر



قَالَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ قَالَ فَأَيُّ
گفت آنحضرت آیة الکرسی که لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر است گفت آن مرد پس کدام
آيَةٍ يَا رَسُولَ اللهِ تُحِبُّ أَنْ تُصِيبَكَ وَأُمَّتَكَ قَالَ
آیت اے پیغمبر خدا دوست میداری که برسد خیر و برکت آن ترا و امت ترا گفت آنحضرت
خَاتِمَةُ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فَإِنَّهَا مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَةِ اللهِ
خاتمه سورهٔ بقره زیرا که آن از خزینه هاے رحمت خدا است
مِنْ تَحْتِ عَرْشِهِ أَعْطَاهَا هٰذِهِ الْأُمَّةَ لَمْ تَتْرُكْ خَيْرًا
از زیر عرش وے داده است آن را باین امت ترک نکرده است هیچ چیزے از خیر
مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ
دنیا و آخرت مگر آنکه مشتمل است بروے و در گرفته است رواه الدارمی
وَعَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ
و روایت است از عبد الملک بن عمیر بطریق مرسل گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ شِفَاءٌ مِنْ
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم که در سوره فاتحة الکتاب شفا است از
كُلِّ دَاءٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ
هر مرض جسمانی و روحانی اگر بطریق یقین بخواند رواه الدارمی و بیهقی در شعب الایمان
وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رضـ قَالَ مَنْ قَرَأَ آخِرَ
و روایت است از عثمان بن عفان رضـ گفت کسے که بخواند آخر سوره
آلِ عِمْرَانَ فِي لَيْلَةٍ كُتِبَ لَهُ قِيَامُ لَيْلَةٍ وَعَنْ مَكْحُولٍ
آل عمران در شبے نوشته میشود مر آنکس را ثواب بیداری شب و از مکحول مرویست
قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ آلِ عِمْرَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صَلَّتْ عَلَيْهِ
گفت کسیکه بخواند سوره آل عمران روز جمعه درود فرستند بر آنکس

الملئكة الى الليل رواهما الدارمي وعن كعب رض
واستغفار كنند مراورا فرشتگان تا شب رواهما الدارمي وروايت است از كعب رض
ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اقرءوا سورة
بدرستيكه آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود بخوانيد سورة
هود يوم الجمعة رواه الدارمي وعن ابي سعيد رض
هود را روز جمعه رواه الدارمي وروايت است از ابى سعيد خدرى رض
ان النبي صلى الله عليه وسلم قال من قرأ سورة الكهف
بدرستيكه آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود كسيكه بخواند سوره كهف را
في يوم الجمعة اضاء له النور ما بين الجمعتين رواه
در روز جمعه روشن ميگردد مراورا نور ايمان درميان دو شنبه كه در دو جمعه است رواه
البيهقي في دعوات الكبير وعن خالد بن معدان
بيهقى در دعوات الكبير وروايت است از خالد بن معدان
قال اقرءوا المنجية وهي الم تنزيل فانه بلغني ان
گفت خالد بخوانيد سوره كه رستگارى دهنده است وآن الم تنزيل كه در وى سجده است زيرا كه رسيده
رجلا كان يقرأها ما يقرأ شيئا غيرها وكان كثير
مردے بود كه ميخواند آنرا نمى خواند چيزے را جز اين و بود آن مرد بسيار
الخطايا فنشرت جناحها عليه قالت رب اغفر له
گناه گار پس پراگنده كرد اين سوره بازوے خود را بر آن مرد و شفاعت كرد اين سوره و گفت اى پروردگا
فانه كان يكثر قراءتي فشفعها الرب تعالى فيه وقال
پس بدرستيكه بود آن مرد كه بسيار ميكرد خواندن مرا پس قبول شفاعت كرد پروردگار در حق آن مرد و گفت
اكتبوا له بكل خطيئة حسنة وارفعوا له درجة
پروردگار بفرشتگان كه بنويسيد براے اين مرد بهر بدى نيكى و بلند گردانيد براے وے درجه



وقال ايضا انها تجادل عن صاحبها في القبر تقول اللهم
و گفت نيز بدرستيكه اين سوره خصومت ميكند در قبر از جانب خواننده باينطور كه مى گويد خداوندا
ان كنت من كتابك فشفعني فيه وان لم اكن من كتابك
اگر هستم سوره از كتاب تو پس قبول كن شفاعت من در حق وے واگر نيستم سوره از كتاب تو
فامحني عنه وانها تكون كالطير تجعل جناحها عليه
پس محو كن مرا از كتاب و بدرستيكه اين سوره ميگردد بقدرت خدا همچو جانور پرنده مى اندازد بازوے خود بر خواننده
فتشفع له فتمنعه من عذاب القبر وقال في تبارك
پس شفاعت ميكند مراورا پس منع ميكند از عذاب قبر و گفت در سوره تبارك
مثله وكان خالد لا يبيت حتى يقرأهما وقال طاؤس
مانند اين و بود خالد كه شب نمى كرد تا آنكه ميخواند اين دو سوره را و گفت طاؤس يمانى تابعى
فضلتا على كل سورة في القرآن بستين حسنة رواه
تفضيل داده شده اند اين دو سوره بر هر سوره كه در قرآن است بشصت نيكى رواه
الدارمي وعن عطاء بن ابي رباح قال بلغني ان
الدارمي وروايت است از عطاء ابن ابى رباح گفت كه رسيده است مرا بدرستيكه
رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من قرأ يس في
آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود كسيكه بخواند سوره يسين در
صدر النهار قضيت حوائجه رواه الدارمي مرسلا
اول روز پر داخته شود حاجتهاے وے روايت كرد اين حديث را دارمى بطريق مرسل
وعن معقل بن يسار المزني رض ان النبي صلى الله
وروايت است از معقل بن يسار المزنى رض بدرستيكه آنحضرت صلى الله
عليه وسلم قال من قرأ يس ابتغاء وجه الله تعالى
عليه وسلم فرمود كسيكه بخواند سوره يسين از براے طلب رضاے خداے تعالى

غفر له ما تقدم من ذنبه فاقرؤها عند موتاكم

آمرزیده شود هر چیزے که پیش رفته است از گناه وے پس بخوانید آنرا نزد مردهائے شما یعنی کسیکه مشرف بموت باشد

رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن علي رض قال

رواه البیهقی در شعب ایمان و روایت است از علی رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لكل شيء

شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت مر هر چیزے را

عروس وعروس القرآن الرحمن وعن ابن مسعود رض

عروس است و عروس قرآن سوره رحمن است و روایت است از ابن مسعود رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ سورة الواقعة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواند سورة واقعه را

في كل ليلة لم تصبه فاقة أبدا وكان ابن مسعود رض

در هر شب نمیرسد آنرا فاقه و درویشے هرگز و بود ابن مسعود رض

يأمر بناته بقرأن بها في كل ليلة رواهما البيهقي

که امر میکرد دختران خود را که بخوانند این سوره در هر شب روایت کرد بیهقی هر دو حدیث را

في شعب الإيمان وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله

در شعب ایمان و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم ألا يستطيع أحدكم أن يقرأ ألف

صلی الله علیه وسلم آیا نمی تواند یکے از شما که بخواند هزار

آية في كل يوم قالوا ومن يستطيع أن يقرأ ألف آية

آیت را در هر روز گفتند صحابه که می تواند که بخواند هزار آیات با وجود موانع اعمال دیگر

في كل يوم قال أما يستطيع أحدكم أن يقرأ ألهاكم

در هر روز فرمود آنحضرت آیا نمی تواند یکے از شما ..... که بخواند سوره الهکم



التكاثر رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن سعيد بن المسيب رض

التکاثر روایت کرد این حدیث بیهقی در شعب ایمان و روایت است از سعید بن المسیب رض

مرسلا عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قرأ قل هو الله

که از کبار تابعین است بطریق مرسل از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت کسیکه بخواند

أحد عشر مرات بني له بها قصر في الجنة ومن قرأ

سورهٔ قل هو الله احد ده بار بنا کرده شود برائے وے بسبب قراءة آن کوشکے در بهشت و کسیکه بخواند

عشرين مرة بني له قصران في الجنة فقال عمر بن

بست بار بنا کرده شود برائے وے دو کوشک در بهشت پس گفت عمر بن

الخطاب رض والله يا رسول الله إذا لنكثرن قصورنا فقال

الخطاب رض سوگند بخدا یا رسول الله چون ثواب خواندن اینچنین است هر آئینه بسیار میخواهیم و بسیار می گردانیم

رسول الله صلى الله عليه وسلم الله أوسع من ذلك رواه الدارمي

بسبب خواندن کوشکهائے خود را پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم خدا فراخ تر است ازان یعنی تعجب مکن

# كتب الدعوات

وإذا سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة

و چون استفسار کنند ترا بندگان من از حال من پس هر آئینه من نزدیکم قبول میکنم دعائے

الداع إذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم

دعا کننده چون دعا کند مرا پس باید که فرمانبرداری کنند مرا و ایمان آرند بمن تا باشد که ایشان

يرشدون وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

راه یابند روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يستجاب للعبد ما لم يدع بإثم أو قطيعة رحم ما لم يستعجل

قبول کرده شود دعائے بنده مادام که دعا نکند بزه یا بچیزیکه بآن بریده کاری شود یا دعا کند بریدن خویشی

قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا الْاِسْتِعْجَالُ قَالَ يَقُوْلُ

گفته شده ای رسول الله چیست صورت استعجال فرمود میگوید بنده

قَدْ دَعَوْتُ وَقَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ اَرَ يُسْتَجَابُ

بتحقیق دعا کردم بتحقیق دعا کردم پئے کردم و بسیار کردم دعا پس ندیدم که استجابت

لِيْ فَيَسْتَحْسِرُ عِنْدَ ذٰلِكَ وَيَدَعُ الدُّعَاءَ رَوَاهُ

کرده شدم پس منقطع میشود و ملول گردد نزد آن و ترک کند دعا را رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِى الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مسلم و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعْوَةُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لِاَخِيْهِ بِظَهْرِ

صلی الله علیه وسلم دعائے مرد مسلمان غائبانه مر برادر خود را

الْغَيْبِ مُسْتَجَابَةٌ عِنْدَ رَاْسِهٖ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ كُلَّمَا

مستجابست نزد سر دعا فرشته ایست گماشته شده هرگاه

دَعَا لِاَخِيْهِ بِخَيْرٍ قَالَ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِهٖ اٰمِيْنَ

دعائے میکند به نیکی مر برادر خود را می گوید فرشته گماشته شده است بر آن که آمین

وَلَكَ بِمِثْلٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ

و ترا است مانند آن و زیاده است رواه مسلم و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَدْعُوْا عَلٰى اَنْفُسِكُمْ وَلَا تَدْعُوْا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعائے بد مکنید بر ذاتہائے خود و دعائے بد مکنید

٣٨٦

عَلٰى اَوْلَادِكُمْ وَلَا تَدْعُوْا عَلٰى اَمْوَالِكُمْ وَلَا تُوَافِقُوْا

بر اولاد خود و دعائے بد مکنید بر مالہائے خود موافق نگردید

مِنَ اللّٰهِ سَاعَةً يُسْئَلُ فِيْهَا عَطَاءٌ فَيَسْتَجِيْبُ لَكُمْ

از خدا ساعتے را که سوال کرده شود از خدا در آن ساعت عطائے پس استجابت

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

رواه مسلم و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

علیه وسلم دعا مغز و خلاصه عبادتست رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ شَيْءٌ اَكْرَمَ عَلَى اللّٰهِ مِنَ الدُّعَاءِ رَوَاهُ

علیه وسلم نیست هیچ چیزے بزرگتر بر خدا تعالی از دعا رواه

التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رض قَالَ

الترمذی و ابن ماجه و روایت است از سلمان الفارسی رض

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَرُدُّ الْقَضَاءَ اِلَّا الدُّعَاءُ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم رد نمی کند قضا را مگر دعا

وَلَا يَزِيْدُ فِى الْعُمُرِ اِلَّا الْبِرُّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و زیاده نمی گرداند در عمر مگر نیکی رواه الترمذی رح

٣٨٧

وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الدُّعَاءَ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ
علیہ وسلم بدرستیکہ دعا سود میدہد از آنچہ کہ فرود آمدہ است از بلا
يَنْزِلْ فَعَلَيْكُمْ عِبَادَ اللّٰهِ بِالدُّعَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
واز آنچہ فرود نیامدہ است پس بر شما باد اے بندگان خدا بر دعا رواه الترمذی
وَعَنْ اَبِي مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
وروایت است از ابی مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖ فَاِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ اَنْ
علیہ وسلم سوال کنید خدایتعالے را از افزونی کرم وے زیرا کہ خدایتعالی دوست میدارد
يُّسْئَلَ وَاَفْضَلُ الْعِبَادَةِ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ رَوَاهُ
کہ سوال کردہ شود و افزون ترین عبادتہا از روے ثواب چشم داشتن کشایش است رواه
التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
الترمذی وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَّمْ يَسْئَلِ اللّٰهَ يَغْضَبْ عَلَيْهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
علیہ وسلم کسیکہ سوال نکند و نخواہد از خدا خشم بگیرد وے تعالی بر وے رواه الترمذی
ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ فُتِحَ لَهٗ
وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ کشادہ شود بر آنکہ
مِنْكُمْ بَابُ الدُّعَاءِ فُتِحَتْ لَهٗ اَبْوَابُ الرَّحْمَةِ وَمَا سُئِلَ اللّٰهُ
از شما در دعا کشادہ میشود برائے وے درہائے رحمت و سوال کردہ نشد از خدایتعالے
شَيْئًا يَعْنِي اَحَبَّ اِلَيْهِ مِنْ اَنْ يُّسْئَلَ الْعَافِيَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
چیزی یعنی چیزی محبوب تر نزد وے تعالی از سوال کردن عافیت یعنی صحت مرض و سلامتی آن جمیع آفات رواه الترمذی



قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَرَّهٗ اَنْ يَّسْتَجِيْبَ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ شاد گرداند او را کہ استجابت کند
اللّٰهُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
خدایتعالے دعائے او را نزد بلاہائے سخت پس باید کہ بسیار کند دعا را در نرمی رواه الترمذی
وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُدْعُوا اللّٰهَ
وہم از وے ہست گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دعا کنید خدا را
وَاَنْتُمْ مُوْقِنُوْنَ بِالْاِجَابَةِ وَاعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ لَا يَسْتَجِيْبُ
وحال آنکہ شما یقین کنندہ گانید باجابت و بدانید کہ خدایتعالے قبول نمی کند
دُعَاءً مِنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لَاهٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
دعا را از دل بیخبر بازی کنندہ مشغول بغیر حق رواه الترمذی وروایت است از
مَالِكِ بْنِ يَسَارٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مالک بن یسار رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
اِذَا سَاَلْتُمُ اللّٰهَ فَاسْئَلُوا اللّٰهَ بِبُطُوْنِ اَكُفِّكُمْ وَلَا تَسْئَلُوْهُ
چون سوال کنید از خدا پس سوال کنید او را بباطن کفہاے دست خود و سوال مکنید او را
بِظُهُوْرِهَا وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَلُوا اللّٰهَ بِبُطُوْنِ
بپشتہای کف دست ودر روایت ابن عباس رض گفت آنحضرت سوال بکنید از خدا بباطن
اَكُفِّكُمْ وَلَا تَسْئَلُوْهُ بِظُهُوْرِهَا فَاِذَا فَرَغْتُمْ فَامْسَحُوْا بِهَا
کفہای دست شما و سوال مکنید او را بظاہر کفہای دست خود پس چون فارغ شوید از دعا پس بمالید کفہای دست
وُجُوْهَكُمْ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ سَلْمَانَ رض قَالَ قَالَ
روہاے خود را رواه ابوداؤد وروایت است از سلمان رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ رَبَّكُمْ حَيِيٌّ كَرِيْمٌ يَسْتَحْيِيْ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ پروردگار شما صاحب حیا و کریم است شرم دارد

مِنْ عَبْدِهٖ اِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ اِلَيْهِ اَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا[۱] رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

از بندہ خود وقتیکہ بردارد ہر دو دست خود بسوے پروردگار کہ باز گرداند دستہا ے بندہ را خالی رواہ الترمذی

وَاَبُوْدَاؤُدَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَعْوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ عُمَرَ رض

وابوداود وبیہقی در دعوات کبیر وروایت است از عمر رض

قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ

گفت بود آنحضرت صلے اللہ علیہ سلم چون برمیداشت ہر دو دست خود را

فِي الدُّعَاءِ لَمْ يَحُطَّهُمَا حَتّٰى يَمْسَحَ بِهِمَا وَجْهَهٗ رَوَاهُ

در دعا فرود نمی آورد ہر دو دست خود را تا آنکہ مسح میکرد با ہا روی مبارک خود را رواہ

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

الترمذی وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُمُ الصَّائِمُ

صلے اللہ علیہ وسلم سہ کس اند کہ رد کردہ نمی شود دعا ے ایشان یکے از ان روزہ دار است

حِيْنَ يُفْطِرُ وَالْاِمَامُ الْعَادِلُ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُوْمِ يَرْفَعُهَا

در ہنگامیکہ افطار میکند دوم بادشاہ عادل سوم دعا ے ستم رسیدہ بر میدارد دعا ے مظلوم را

اللّٰهُ فَوْقَ الْغَمَامِ[۲] وَتُفْتَحُ لَهَا اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَيَقُوْلُ الرَّبُّ

خدا یتعالے بالا ے ابر وکشادہ میشود براے وے درہا ے آسمان ومیگوید پروردگار

وَعِزَّتِيْ لَاَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِيْنٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

سوگند بہ بزرگی من کہ ہر آئینہ یاری میدہم ترا اگرچہ باشد پس از روزگار ے رواہ الترمذی

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثُ

وہم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم سہ

دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيْهِنَّ دَعْوَةُ الْوَالِدِ[۳] وَدَعْوَةُ

دعا مستجاب اند نیست شک در اجابت آن سہ اول دعا کردن پدر فرزند را و دوم دعا

[۱] صفر بکسر صاد وسکون فا خالی وصفار بیرون شدن ۱۲

[۲] غمام ابر سفید است ۱۲

[۳] والد خواہ پدر باشد یا جد ، ہر دعاے والدہ بطریق اولی مقبول است ۱۲



الْمُسَافِرِ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُوْمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاؤُدَ

مسافر براے خود یا براے غیر و سوم دعاے ستم رسیدہ رواہ الترمذی و ابوداود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وابن ماجہ وروایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيَسْاَلْ اَحَدُكُمْ رَبَّهٗ حَاجَتَهٗ كُلَّهَا حَتّٰى يَسْاَلَ

علیہ وسلم باید کہ بخواہد یکے از شما از پروردگار خود حاجت خود را ہمہ را تا آنکہ بخواہد

شِسْعَ نَعْلِهٖ اِذَا انْقَطَعَ زَادَ فِيْ رِوَايَةٍ عَنْ ثَابِتٍ الْبُنَانِيِّ

دوال نعل خود چون شکستہ گردد زیادہ کردہ است راوی در روایتے از ثابت بنانی

مُرْسَلًا حَتّٰى يَسْاَلَهُ الْمِلْحَ وَحَتّٰى يَسْاَلَهُ شِسْعَهٗ اِذَا انْقَطَعَ

بطریق ارسال این عبارت کہ تا آنکہ سوال کند از وے نمک دیگ را و تا آنکہ سوال کند از وے دوال نعل

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رض قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواہ الترمذی وروایت است از ابی بن کعب رض گفت بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا ذَكَرَ اَحَدًا فَدَعَا لَهٗ بَدَاَ بِنَفْسِهٖ

صلے اللہ علیہ وسلم چون یاد میکرد یکے را پس دعا میکرد او را آغاز میکرد بدعا براے خود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ مَا

رواہ الترمذی وروایت است از ابی سعید الخدری رض گفت نیست

مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُوْ بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيْهَا اِثْمٌ وَلَا قَطِيْعَةُ رَحِمٍ

ہیچ مسلمانی کہ دعا کند بدعاے کہ نیست در آن دعا بزہ ونہ بریدن خویشی

اِلَّا اَعْطَاهَا اللّٰهُ بِهَا اِحْدٰى ثَلٰثٍ اِمَّا اَنْ يُعَجِّلَ لَهٗ دَعْوَتَهٗ

مگر آنکہ بدہد او را خدا یتعالے بآن دعا یکے از سہ خصلت یا آنکہ شتابی میکند براے وے اجابت دعاے او

وَاِمَّا اَنْ يَدَّخِرَهَا لَهٗ فِي الْاٰخِرَةِ وَاِمَّا اَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ

و یا آنکہ نگاہ میدارد دعاے او را براے او در آخرت و یا آنکہ برمیگرداند از وے

مِنَ السُّوْءِ مِثْلَهَا قَالُوْا اِذًا نُكْثِرُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى اَكْثَرُ

از بدی مانند دعا کرده است گفتند صحابه اکنون کثرت کنیم دعا البته مستجاب است بسیار میکنیم دعا را فرمود آنحضرت فضل خدا بیشتر

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ

روایه احمد و روایت است ابن عباس رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَمْسُ دَعَوَاتٍ يُسْتَجَابُ لَهُنَّ

صلی الله علیه وسلم فرمود پنج دعا است قبول کرده میشود مر آنها را

دَعْوَةُ الْمَظْلُوْمِ حَتّٰى يَنْتَصِرَ وَدَعْوَةُ الْحَاجِّ حَتّٰى

یکی دعای ستم رسیده تا آنکه انتقام میکشد حق تعالی از ستم کننده دوم دعای قصد کننده حج بیت الله تا آنکه

يَصْدُرَ وَدَعْوَةُ الْمُجَاهِدِ حَتّٰى يَقْعُدَ وَدَعْوَةُ الْمَرِيْضِ

رجوع کند سوم دعای جهاد کننده تا آنکه کم میکند اسباب و آلات یعنی فارغ میگردد از جهاد و چهارم دعای بیمار

حَتّٰى يَبْرَءَ وَدَعْوَةُ الْاَخِ لِاَخِيْهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ ثُمَّ قَالَ

تا آنکه به میگردد و پنجم دعای برادر مسلمان برای مسلمان دیگر غائبانه باز فرمود

وَاَسْرَعُ هٰذِهِ الدَّعَوَاتِ اِجَابَةً دَعْوَةُ الْاَخِ لِاَخِيْهِ بِظَهْرِ

و زود تر این دعا ها بقبول دعای برادر مسلمان برای مسلمان دیگر است غائبانه

الْغَيْبِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ

روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از انس رض گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ دَعَا بِمِائَةِ دَعْوَةٍ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر دعا میکرد صد بار

اِفْتَتَحَهَا وَخَتَمَهَا وَتَوَسَّطَهَا بِرَبَّنَا اٰتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً

شروع میکرد دعا را و ختم میکرد آن دعا را و درمیان آن دعا میگفت این دعا که ربنا آتنا فی الدنیا حسنة

وَّفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ. ابن النجار جمع الجوامع

و فی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار روایه ابن النجار در جمع الجوامع



## بَابُ ذِكْرِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالتَّقَرُّبِ اِلَيْهِ

باب است در ذکر خدای عز و جل و نزدیکی جستن بسوی او

فَاذْكُرُوْنِيْۤ اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوْا لِيْ وَلَا تَكْفُرُوْنِ

پس یاد کنید مرا یاد کنم شما را و سپاس گوئید مرا و ناسپاسی مکنید

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ ؕ

آنانکه ایمان آوردند و آنانکه آرام میگیرند دلهای ایشان بیاد خدا

اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوْبُ ۞ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

آگاه شو بیاد خدا آرام می گیرند دلها آنانکه ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ طُوْبٰى لَهُمْ وَحُسْنُ

و کارهای نیک کردند خوشی باشد ایشان را و بهتر است

مَاپہ ۝ وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهٗ شَيْطٰنًا

جایگاه وہر کہ غافل شود از یاد خدا بر گماریم برائے او شیطان

فَهُوَ لَهٗ قَرِيْنٌ ۝ اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ

پس آن شیطان او را ہمنشین بود آیا وقت نرسیده است مسلمانان کہ بپاشند کنند آنکہ خوف زده باشند

لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

وقت یاد کردن خدا و وقت یاد آوردن آنچہ آمده است از وحی آن و روایت است از ابی ہریره

وَاَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واز ابی سعید گفتند ہر دو کہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

لَا يَقْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ اِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ

نه نشیند ہیچ گروہے درحالیکہ ذکر میکنند خدا را مگر آنکہ احاطہ میکنند ایشان را ملائکہ

وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِيْنَةُ وَ

ومی پوشد ایشان را انوار رحمت و فرود می آید بر ایشان آرامیش و

ذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيْمَنْ عِنْدَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

یاد میکند ایشان را خدا تعالے در آن جماعت کہ نزد اوییند رواه مسلم و روایت است

اَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی موسیٰ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

مَثَلُ الَّذِيْ يَذْكُرُ رَبَّهٗ وَالَّذِيْ لَا يَذْكُرُ رَبَّهٗ مَثَلُ

حال آن کسیکہ یاد میکند پروردگار خود را و آن کسیکہ یاد نکند پروردگار خود را مانند حال

الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

زنده و مرده است متفق علیہ و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اللّٰهُ تَعَالٰى

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ فرماید خدا تعالے



مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ عَشْرُ اَمْثَالِهَا وَاَزِيْدُ وَمَنْ جَآءَ

کسیکہ بیارد نیکی را یعنی عمل نیک کند پس مر او راست ده چندان ثواب و بیشتر ہم میدہم و کسیکہ بیارد

بِالسَّيِّئَةِ فَجَزَآءُ سَيِّئَةٍ مِّثْلُهَا اَوْ اَغْفِرُ وَمَنْ تَقَرَّبَ

بدی را یعنی عمل بد کند پس پاداشش بدی مانند اوست یعنی یک بدی یا می آمرزم و کسیکہ نزدیکی جوید

مِنِّيْ شِبْرًا تَقَرَّبْتُ اِلَيْهِ ذِرَاعًا وَمَنْ تَقَرَّبَ اِلَيَّ ذِرَاعًا

از من مقدار یک شبر نزدیکی جویم من بسوئے وے مقدار یک ذراع و کسیکہ نزدیکی جوید بسوئے من یک ذراع

تَقَرَّبْتُ اِلَيْهِ بَاعًا وَمَنْ اَتَانِيْ يَمْشِيْ اَتَيْتُهٗ هَرْوَلَةً

نزدیکی جویم بسوئے وے مقدار یک باع و کسیکہ بیاید مرا روان می آیم او را دوان

وَمَنْ لَقِيَنِيْ بِقُرَابِ الْاَرْضِ خَطِيْٓئَةً لَا يُشْرِكُ بِيْ شَيْئًا

و کسیکہ پیش آید مرا بمقدار زمین و پری آن از روے گناهان کہ شریک نکرده با من چیزے را

لَقِيْتُهٗ بِمِثْلِهَا مَغْفِرَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

پیش می آیم او را بمانند آن از روے آمرزیدن رواه مسلم و روایت است از ابی ہریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ اللہ

تَعَالٰى قَالَ مَنْ عَادٰى لِيْ وَلِيًّا فَقَدْ اٰذَنْتُهٗ بِالْحَرْبِ

تعالے گفت کسیکہ دشمن دارد دوستی را از دوستان من پس اذن دہم او را بجنگ

وَمَا تَقَرَّبَ اِلَيَّ عَبْدِيْ بِشَيْءٍ اَحَبَّ اِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ

و نزدیکی نجست بسوے من بنده من ہیچ چیزے کہ محبوب تر است بسوے من از چیزے کہ فرض گردانیدم

عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِيْ يَتَقَرَّبُ اِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتّٰٓى اُحِبَّهٗ

بر وے و ہمیشہ است بنده من کہ نزدیکی جوید بسوے من بنوافل تا آنکہ دوست دارم او را

فَاِذَا اَحْبَبْتُهٗ فَكُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِيْ يَسْمَعُ بِهٖ وَبَصَرَهُ

پس چون دوست میدارم او را پس میباشم من شنوائی او کہ می شنود از آن و بینائی او

الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي

که می بیند بآن و می باشم دست آن که بگیرد بآن و می باشم پاے وے که

يَمْشِي بِهَا وَإِنْ سَأَلَنِي لَأُعْطِيَنَّهُ وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي

راه میرود بآن و اگر سوال کند از من هر آئینه میدهم او را مطلوب او را و اگر پناه جوید آن بنده از من

لَأُعِيذَنَّهُ وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدُّدِي

هر آئینه پناه میدهم او را و توقف نمی کنم در چیزے که من کننده آنم مانند توقف من

عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ وَلَا بُدَّ

از قبض کردن جان مومن که ناخوش میدارد مومن مرگ را و من ناخوش دارم اندوهگین کردن او را

لَهُ مِنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

او را از مرگ رواه البخاری و هم از وے مرویست رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلّٰهِ مَلٰٓئِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه مر خدا را فرشتگانند که میگردند در راهها و گرد خانها

يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللهَ

میجویند خداوندان ذکر را پس چون می یابند گروهے را که ذکر میکنند خدا را

تَنَادَوْا هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ قَالَ فَيَحُفُّونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى

آواز میدهند یکدیگر را و میگویند بیائید بسوے حاجت خود گفت آنحضرت گرد اگرد میکنند ایشان را به بالهای خود

السَّمَاءِ الدُّنْيَا قَالَ فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ مَا يَقُولُ

تا آسمان دنیا گفت آنحضرت پس مے پرسد فرشتگان را رب ایشان حال آنکه وی تعالی داناتر است که چه میگویند

عِبَادِي قَالُوا يَقُولُونَ يُسَبِّحُونَكَ وَيُكَبِّرُونَكَ وَيَحْمَدُونَكَ

بندگان من میگویند فرشتگان که بپاکی یاد میکنند ترا و بزرگی میکنند ترا و ثنا میگویند ترا

وَيُمَجِّدُونَكَ قَالَ فَيَقُولُ هَلْ رَأَوْنِي قَالَ فَيَقُولُونَ لَا

و عظمت میکنند ترا گفت آنحضرت پس میگوید پروردگار آیا دیده اند مرا گفت آنحضرت پس میگویند فرشتگان



وَاللهِ مَا رَأَوْكَ قَالَ فَيَقُولُ كَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي قَالَ فَيَقُولُونَ

نه سوگند بخدا ندیده اند ترا گفت آنحضرت پس میگوید وے تعالی چگونه می بود حال ایشان اگر میدیدند مرا گفت آنحضرت

لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً وَأَشَدَّ لَكَ تَمْجِيدًا

اگر می دیدند ترا می بودند سخت تر در عبادت کردن مر ترا و سخت تر در تعظیم کردن مر ترا

وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا قَالَ فَيَقُولُ فَمَا يَسْأَلُونَ قَالُوا يَسْأَلُونَكَ

و بیشتر در تسبیح کردن مر ترا گفت آنحضرت پس میگوید وی تعالی پس چه چیز میخواهند میگویند فرشتگان میخواهند

الْجَنَّةَ قَالَ يَقُولُ وَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ لَا وَاللهِ

بهشت را گفت آنحضرت میگوید وی تعالی آیا دیده اند بهشت را گفت آنحضرت میگویند فرشتگان نه سوگند بخدا

يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ

اے پروردگار ندیده اند گفت آنحضرت میگوید وے تعالی پس چگونه می بود اگر میدیدند بهشت را گفت آنحضرت میگویند

لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا وَأَشَدَّ لَهَا

اگر میدیدند بهشت را می بودند سخت تر از روے حرص کردن در آن و می بودند سخت تر از روے طلب مر آنرا

طَلَبًا وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً قَالَ فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ قَالَ

و می بودند بزرگتر از روے رغبت کردن در آن میگوید وی تعالی پس از چه چیز پناه میجویند گفت آنحضرت

يَقُولُونَ مِنَ النَّارِ قَالَ يَقُولُ فَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ

میگویند فرشتگان پناه میجویند از آتش دوزخ گفت میگوید وی تعالی آیا دیده اند دوزخ را گفت میگویند فرشتگان

لَا وَاللهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا قَالَ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ

نه سوگند بخدا ندیده اند اے پروردگار میگوید وے تعالی چه حال باشد اگر میدیدند گفت

يَقُولُونَ لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا وَأَشَدَّ لَهَا

میگویند فرشتگان اگر میدیدند آتش را می بودند سخت تر از روے گریختن از آن و آتش را می بودند سخت

مَخَافَةً قَالَ فَيَقُولُ فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ قَالَ

تر از روے ترسیدن مر آنرا گفت پس میگوید وی تعالی پس گواه میگیرم شما را بدرستیکه آمرزیدم ایشان را

يقول ملك من الملئكة فيهم فلان ليس منهم انما جاء

میگوید فرشته از فرشتگان که در ایشان فلانست که نیست از ایشان که یا مده است گر

لحاجة قال هم الجلساء لا يشقى جليسهم رواه البخاري

از جهت کار دیگر گفت خدا تعالی این قوم همنشینان اند بدبخت نمیشود همنشین ایشان رواه البخاری

وعن عبد الله بن بسر رض قال جاء اعرابي الى النبي

و روایت است از عبد الله بن بسر رض گفت آمد بادیه نشینی نزد پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم فقال اي الناس خير فقال طوبى

صلی الله علیه وسلم پس گفت کدام از مردمان بهتر است پس گفت آنحضرت خوشی باد

لمن طال عمره وحسن عمله قال يا رسول الله اي الاعمال

مر کسی را که دراز شد عمر وی و نیک شد کردار وی گفت آن اعرابی یا رسول الله کدام از عملها

افضل قال ان تفارق الدنيا ولسانك رطب من ذكر

زیاده تر است ثواب آن گفت آنحضرت اینست که جدا شوی دنیا را و بمیری در حالیکه زبان تو تر بود از ذکر

الله رواه احمد والترمذي وعن ابي هريرة رض قال

خدا رواه احمد و الترمذی و روایت است از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من قوم يقومون

آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ گروهی که برخیزند

من مجلس لا يذكرون الله فيه الا قاموا عن مثل

از مجلس و ذکر نکنند خدا را در آن مجلس مگر آنکه برخیزند از مانند

جيفة حمار وكان عليهم حسرة رواه احمد وابو داود

مردار خر و باشد بر ایشان موجب حسرت رواه احمد و ابو داود

وعن ام حبيبة رض قالت قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ام حبیبه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله



عليه وسلم كل كلام ابن آدم عليه لا له الا امر

علیه وسلم هر سخن آدمی زیان است بر وی نه سود مر او را مگر امر کردن کسی را

بمعروف او نهي عن منكر او ذكر الله رواه الترمذي

بامر شرع یا باز داشتن از نامشروع یا ذکر خدا تعالی رواه الترمذی

وابن ماجة وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى

و ابن ماجه و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم لا تكثروا الكلام بغير ذكر الله فان

الله علیه وسلم بسیار مگوئید سخن را بی ذکر خدا پس تحقیق

كثرة الكلام بغير ذكر الله قسوة للقلب وان ابعد

بسیاری سخن بی ذکر خدا سختی است مر دل را و بدرستیکه دورترین

الناس من الله القلب القاسي رواه الترمذي

مردم از خدا صاحب دل سخت است رواه الترمذی

وعن ابن عباس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الشيطان جاثم على قلب ابن آدم فاذا ذكر الله

شیطان نشیننده است بر دل فرزند آدم پس چون ذکر میکند خدا را

خنس واذا غفل وسوس رواه البخاري تعليقا

جدا میگردد شیطان و چون غافل میشود وسواس میدهد روایت کرد او را بخاری بطریق تعلیق

وعن مالك قال بلغني ان رسول الله صلى الله

و روایت است از مالک گفت رسید مرا که پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم كان يقول ذاكر الله في الغافلين

علیه وسلم بود که میگفت ذکر کننده خدا در میان غافلان

كالمقاتل خلف الفارين وذاكر الله في الغافلين كغصن
مانند قتال کننده است از پس گریزندگان و ذکر کننده خدا در میان غافلان بچو شاخ
أخضر في شجر يابس وفي رواية مثل الشجرة الخضراء
سبز است در درخت خشک و در روایتے گفته مانند درخت سبز است
في وسط الشجر وذاكر الله في الغافلين مثل مصباح
درمیان درختان خشک و ذکر کننده خدا درمیان غافلان مانند چراغے است
في بيت مظلم وذاكر الله في الغافلين يريه الله مقعده
در خانه تاریک و ذکر کننده خدا درمیان غافلان بنماید او را خدا جاے نشست او را
من الجنة وهو حي وذاكر الله في الغافلين يغفر له
در بهشت و او زنده است و ذکر کننده خدا درمیان غافلان آمرزیده می شود او را
بعدد كل فصيح وأعجم والفصيح بنو آدم والأعجم
گناهان بشمار هر گویا و ناگویا مراد فصیح آدمیان اند و مراد باعجم
البهائم رواه رزين وعن أبي هريرة رضـ قال قال
چهارپایها اند رواه رزین و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم إن الله تعالى يقول أنا
آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالے می گوید من
مع عبدي إذا ذكرني وتحركت بي شفتاه رواه
با بنده خودم برحمت و اعانت وقتیکه ذکر میکند مرا و می جنباند بذکر من هر دو لب خود را رواه
البخاري وعن عبد الله بن عمر رضـ عن النبي صلى الله
البخاری و روایت است از عبدالله بن عمر رضـ از آنحضرت صلی الله
عليه وسلم أنه كان يقول لكل شيء صقالة وصقالة
علیه وسلم که آنحضرت بود که میگفت مر هر چیز را از زنگ میگیرد مصقله است و مصقله



القلوب ذكر الله وما من شيء أنجى من عذاب الله
دلها ذکر خدا است و نیست هیچ چیزے نجات دهنده تر از عذاب خدا
من ذكر الله قالوا ولا الجهاد في سبيل الله قال ولا
از ذکر خدا تعالی گفتند صحابه و نه جهاد کردن در راه خدا گفت آنحضرت و نه اینکه
أن يضرب بسيفه حتى ينقطع رواه البيهقي
کارزار کند بشمشیر خود تا آنکه منقطع شود یعنے کشته شود رواه البیهقی

في دعوات الكبير
در دعوات الکبیر

## باب أسماء الله الحسنى

هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة
اوست آنخدا که نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا
هو الرحمن الرحيم ه هو الله الذي لا إله إلا هو
اوست بخشاینده مهربان اوست آنخدا که نیست معبود غیر او
الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
پادشاه نهایت پاک سلامت از همه عیبها امن دهنده نگاهبان غالب
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون ه هو الله
اصلاح کننده کارهاے بندگان بزرگوار پاکی خداے راست از شریک مقرر کردن ایشان آنخدا
الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح
آفریدگار نو پدید آرنده نگاه دارنده او راست نامهاے نیک پاکی یاد می کنند
له ما في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم ه
او را هر چه در آسمان و زمین است و اوست غالب با حکمت

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَاۗءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِيْنَ

وخدایراست نامهاے نیک پس بخوانیداو را بآن نامها و بگذارید آنان را

يُلْحِدُوْنَ فِيْۤ اَسْمَاۗئِهٖ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

که کجروی میکنند در نامهای خدا داده خواهد شد مرایشان را جزاے آنچه میکردند

اَللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاۗءُ الْحُسْنٰى

آنخدایے که نیست ہیچ معبود مگر او مرا و راست نامهاے نیک

عَنْ اَبِیْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ تِسْعَةً وَّتِسْعِيْنَ اِسْمًا

اللہ علیہ وسلم بدرستیکه خدایتعالے را نود و نه نام است



مَنْ اَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

کسیکه یاد گیرد آن اسمارا در آید به بہشت اوست خدا اے که نیست ہیچ معبود مگر اوست

الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ

این دو اسم مشتق از رحمت اند و رحمن ابلغ پادشاه حقیقی نهایت پاک سالم از همه عیبها

الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

امن دہندہ نگاہبان غالب اصلاح کننده کارہاے بندگان را بزرگوار

الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ

آفریدگار نو پیدا آرنده صورت دہندہ در ارحام آمرزنده گناہان غالب و شکننده پشت

الْوَهَّابُ الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِيْمُ الْقَابِضُ

عطا کننده رزق دہندہ کشاینده درہاے رحمت عالم است بآشکار و نہان قبض و تنگی

الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ

بسط و فراخی کننده فرو آرنده کافران را بردارنده مومنان را و عزیز گرداننده ذلیل گرداننده

السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ الْحَكَمُ الْعَدْلُ اللَّطِيْفُ

شنوا است نه بگوش بینا است نه بچشم حاکم داد دہندہ لطف و نرمی کننده

الْخَبِيْرُ الْحَلِيْمُ الْعَظِيْمُ الْغَفُوْرُ الشَّكُوْرُ

خبردار بردبار بزرگ پوشنده گناہان را ثواب جزیل دہندہ بر

الْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ الْحَفِيْظُ الْمُقِيْتُ الْحَسِيْبُ

بلندتر از ہمه مرتبه بزرگ نگاه دارنده خالق اقوات و رساننده آن کافی

الْجَلِيْلُ الْكَرِيْمُ الرَّقِيْبُ الْمُجِيْبُ الْوَاسِعُ

بزرگ قدر بزرگ و عزیز نگاہبان اجابت کننده دعا کشادگی دہندہ

الْحَكِيْمُ الْوَدُوْدُ الْمَجِيْدُ الْبَاعِثُ الشَّهِيْدُ الْحَقُّ

صاحب حکمت دوست دارنده بسیار بزرگ برانگیزنده مردہا را از گورہا حاضر یا گواه بر ظاہر و باطن

اَلْوَكِيْلُ اَلْقَوِيُّ اَلْمَتِيْنُ اَلْوَلِيُّ اَلْحَمِيْدُ

وکیل کنندهٔ تصرف بدست اوست توانا استوار محب ستوده

اَلْمُحْصِيْ اَلْمُبْدِئُ اَلْمُعِيْدُ اَلْمُحْيِيْ اَلْمُمِيْتُ

داننده بر سبیل احاطه ابتدا کننده اعاده کننده زنده کننده میرانده

اَلْحَيُّ اَلْقَيُّوْمُ اَلْوَاجِدُ اَلْمَاجِدُ اَلْوَاحِدُ

زندهٔ ازلی قایم بذات خود واجب الوجود بمعنی مجید یکیست بذات خود

اَلْاَحَدُ اَلصَّمَدُ اَلْقَادِرُ اَلْمُقْتَدِرُ اَلْمُقَدِّمُ

یکے بصفات خود بے نیاز ومنزه صاحب قدرت صاحب اقتدار پیش کننده

اَلْمُؤَخِّرُ اَلْاَوَّلُ اَلْاٰخِرُ اَلظَّاهِرُ اَلْبَاطِنُ

پس کننده اول ازلے آخر ابدی ظاهر وجود او بآیات در ارضوسما باطن

اَلْوَالِيْ اَلْمُتَعَالِيْ اَلْبَرُّ اَلتَّوَّابُ اَلْمُنْتَقِمُ

یاری کننده بلندقدر نکوئی کننده رجوع برحمت کننده پاداش کننده

اَلْعَفُوُّ اَلرَّءُوْفُ مَالِكُ الْمُلْكِ ذُوالْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

عفو کننده از سیئات احسان کننده نافذ است حکم او در مملکت صاحب جلال وصاحب کرامت

اَلْمُقْسِطُ اَلْجَامِعُ اَلْغَنِيُّ اَلْمُغْنِيْ اَلْمُعْطِيْ

عادل جمع کننده خلق را بے نیاز بے نیاز کننده عطا کننده

اَلْمَانِعُ اَلضَّارُّ اَلنَّافِعُ اَلنُّوْرُ اَلْهَادِيْ

منع کننده خالق ضرر خالق نفع منور هدایت کننده

اَلْبَدِيْعُ اَلْبَاقِيْ اَلْوَارِثُ اَلرَّشِيْدُ اَلصَّبُوْرُ

بیمثل بے مانند دایم الوجود باقی لعبد فنائے موجودات ارشاد دهنده شکیبائی کننده وتحمل

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَعْوَاتِ الْكَبِيْرِ

رواه الترمذی و بیهقی در دعوات الکبیر



وَعَنْ اَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيْدَ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از اسماء بنت یزید بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ اسْمُ اللّٰهِ الْاَعْظَمُ فِيْ هَاتَيْنِ الْاٰيَتَيْنِ وَاِلٰهُكُمْ

وسلم گفت اسم اعظم درین دو آیت است یکے اینست که الٰهکم

اِلٰهٌ وَّاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ۝ وَفَاتِحَةِ اٰلِ عِمْرَانَ

اله واحد تا آخر ودر اول سورهٔ آل عمران که اینست

الٓمّٓ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

الم الله لا اله الا هو الحی القیوم رواه الترمذی

وَاَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ سَعْدٍ رض

و ابو داؤد و ابن ماجه و الدارمی وروایت است از سعد رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعْوَةُ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعاے

ذِي النُّوْنِ اِذْ دَعَا رَبَّهٗ وَهُوَ فِيْ بَطْنِ الْحُوْتِ

یونس علیه السلام وقتیکه دعا کرد بدرگاه خود ما وحال آنکه وے در شکم ماهی بود

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ ۝

لا اله الا انت تا آخر است

لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُّسْلِمٌ فِيْ شَيْءٍ اِلَّا اسْتُجَابَ لَهٗ

دعا نکرد بوے هیچ مردے مسلمان در هیچ چیز مگر آنکه قبول کرد خدایتعالے دعا وے

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ

رواه احمد والترمذی وروایت است از جابر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بگوید سبحان الله

الْعَظِيْمِ وَبِحَمْدِهٖ غُرِسَتْ لَهٗ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ
العظیم وبحمدہ نشانده شود برائے وے درخت خرما در بہشت روایت کرد

التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ الزُّبَيْرِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
الترمذی و روایت است از زبیر رض گفت فرمود آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ اِلَّا
الله علیہ وسلم نیست ہیچ صباح کہ صبح می کنند در وے بندگان مگر آنکہ

مُنَادٍ يُنَادِيْ سَبِّحُوا الْمَلِكَ الْقُدُّوْسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
آواز کننده یعنی فرشتہ آواز میکند تسبیح و تنزیہ کنید خدا را کہ پادشاه الملک پاک از جمیع نقایص است و بگوید سبحان الملک القدوس

وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
و روایت است از ابی سعید الخدری رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مُوْسٰى يَا رَبِّ عَلِّمْنِيْ شَيْئًا
صلے الله علیہ وسلم گفت موسے علیہ السلام اے پروردگار من بیاموز مرا چیزے

اَذْكُرُكَ بِهٖ اَوْ اَدْعُوْكَ فَقَالَ يَا مُوْسٰى قُلْ لَا اِلٰهَ
کہ ذکر کنم ترا بدان چیز یا بخوانم ترا بآنچیز شک از راوی است پس فرمود حق تعالی اے موسے بگو لا اله

اِلَّا اللّٰهُ فَقَالَ يَا رَبِّ كُلُّ عِبَادِكَ يَقُوْلُ هٰذَا اِنَّمَا اُرِيْدُ
الا الله پس گفت موسے اے پروردگار من ہر بنده تو میگوید این را می خواہم من

شَيْئًا تَخُصُّنِيْ بِهٖ قَالَ يَا مُوْسٰى لَوْ اَنَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعَ
مگر چیزے را مخصوص و ممتاز گردانی تو مرا بدان چیز گفت حق تعالی اے موسے اگر ثابت شود کہ ہفت آسمان

وَعَامِرَهُنَّ غَيْرِيْ وَالْاَرَضِيْنَ السَّبْعَ وُضِعْنَ فِيْ كِفَّةٍ
و آباد کنندگان آنہا جز من یعنی عامل اہل آسمان و ہفت زمین نہاده شوند در پلہ

وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِيْ كِفَّةٍ لَمَالَتْ بِهِنَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ
و نہاده شود لا اله الا الله در پلہ دیگر از ترازو ہر آئینہ میل میکند کفہ لا اله الا الله در اینچه آید روایت کرد این حدیث را



# بَابُ ثَوَابِ التَّسْبِيْحِ وَالتَّحْمِيْدِ وَالتَّكْبِيْرِ وَالتَّهْلِيْلِ

باب در بیان ثواب تسبیح و تحمید و تکبیر و تہلیل

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ الْمَلِكِ
بپاکی یاد میکند خدا را ہر آنچہ در آسمان ہاست و آنچہ در زمین است خدائے پادشاه

الْقُدُّوْسِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ
نہایت پاک غالب باحکمت پس بپاکی یاد کن نام پروردگار بزرگ خود را

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوٰتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ وَاِنْ
بپاکی یاد میکنند او را آسمانہائے ہفتگانہ و زمین و ہر کہ در میان اینہا است و نیست

مِّنْ شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهٖ وَلٰكِنْ لَّا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِيْحَهُمْ
ہیچ چیز مگر بپاکی یاد میکند بستایش او و لیکن شما فہم نمی کنید یاد کردن ایشان را

اِنَّهٗ كَانَ حَلِيْمًا غَفُوْرًا ۝ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ
ہر آئینہ وے ہست بردبار آمرزگار روایت است از ابی ہریره رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَاَنْ اَقُوْلَ سُبْحَانَ اللّٰهِ
فرمود آنحضرت صلے الله علیہ وسلم ہر آئینہ گفتن این چہار کلمہ را

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ اَحَبُّ اِلَيَّ مِمَّا
دوست داشتہ شده تر است بسوے من از ہر

طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ
چیزیکہ برآمده است بر وے آفتاب یعنی از دنیا و ما فیہا روایت کرد مسلم و ہم از وے روایت گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ
آنحضرت صلے الله علیہ وسلم کسیکہ بگوید این دو کلمہ را

وَبِحَمْدِهٖ فِيْ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَاِنْ كَانَتْ
در روزے صد بار افگنده شود و کم کرده شود گناہان وے اگرچہ باشد گناہان وے

مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ
مانند کف دریا در کثرت متفق علیه وہم ازوے روایت گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلِمَتَانِ خَفِيْفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ
صلی اللہ علیہ وسلم دو کلمہ اند سبک بر زبان
ثَقِيْلَتَانِ فِي الْمِيْزَانِ حَبِيْبَتَانِ إِلَى الرَّحْمٰنِ سُبْحَانَ اللهِ
گران در میزان اعمال محبوب اند بسوے رحمن و آن سبحان اللہ
وَبِحَمْدِهٖ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيْمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ
وبحمدہ سبحان اللہ العظیم است متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رضـ
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسے کہ بگوید این کلمہ را
وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ فِيْ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَتْ لَهٗ عَدْلَ عَشْرِ
در روزے صد بار باشد مر او را برابر ثواب دہ بردہ
رِقَابٍ وَكُتِبَتْ لَهٗ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ
کہ آزاد کردہ باشد و نوشتہ شود برائے وے صد نیکی و محو کردہ شود ازوے صد بدی
وَكَانَتْ لَهٗ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهٗ ذٰلِكَ حَتّٰى يُمْسِيَ
و باشد این کلمات مر او را پناہ از شیطان و شر وے در آن روز کہ گفتہ است تا آنکہ شبانگاہ کند
وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهٖ إِلَّا رَجُلٌ عَمِلَ أَكْثَرَ
و نیارد ہیچ یکے عمل فاضلتر از آنچہ آوردہ است او مگر مردے کہ عمل کرد بیشتر
مِنْهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ رضـ عَنْ أَبِيْهِ
از آنچہ کہ او کردہ است متفق علیہ و روایت است از عمرو بن شعیب رضـ از پدر خود



عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَبَّحَ
و او از جد عمرو گفت عمرو فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بپاکی یاد کند
اللهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ
خدا را و بگوید سبحان اللہ صد بار در صبح و صد بار در شبانگاہ باشد ہمچو کسیکہ حج گذاردہ است صد
حَجَّةٍ وَمَنْ حَمِدَ اللهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ
حج و کسیکہ حمد گوید خدا را و بگوید الحمد للہ صد بار در بامداد و صد بار در شبانگاہ
كَانَ كَمَنْ حَمَلَ عَلٰى مِائَةِ فَرَسٍ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ وَمَنْ هَلَّلَ
باشد ہمچو کسے کہ سوار کردہ است مردم را بر صد اسپ در راہ خدا و کسیکہ تہلیل کند و بگوید لا الٰہ الا اللہ
اللهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ
صد بار در بامداد و صد بار در شبانگاہ باشد ہمچو کسے کہ آزاد کردہ باشد
مِائَةَ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيْلَ وَمَنْ كَبَّرَ اللهَ مِائَةً
صد بردہ را از اولاد اسمعیل و کسیکہ بہ بزرگی یاد کند خدا را و بگوید اللہ اکبر صد بار
بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ لَمْ يَأْتِ فِيْ ذٰلِكَ الْيَوْمِ
در بامداد و صد بار در شبانگاہ نیارد درین روز ہیچ یکے عمل
أَحَدٌ بِأَكْثَرَ مِمَّا أَتٰى بِهٖ إِلَّا مَنْ قَالَ مِثْلَ ذٰلِكَ أَوْ
بیشتر از آنچہ آوردہ است آنکس آن را مگر کسے کہ گفتہ است مثل آن یا
زَادَ عَلٰى مَا قَالَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ يُسَيْرَةَ
زیادہ کردہ است بر آنچہ کہ او گفتہ است رواہ الترمذی و روایت است از یسیرہ بنت یاسر رضـ
وَكَانَتْ مِنَ الْمُهَاجِرَاتِ قَالَتْ قَالَ لَنَا رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى
و بود از کسانیکہ ہجرت کردہ بودند گفت فرمود مارا آنحضرت صلی
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُنَّ بِالتَّسْبِيْحِ وَالتَّهْلِيْلِ وَالتَّقْدِيْسِ
اللہ علیہ وسلم بر شما باد اے جماعت زنان کہ یاد کنید خدا را بتنزیہ و پاکی بگفتن سبوح قدوس رب الملائکة والروح

وَاعْقِدْنَ بِالْأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ

وعقد کنید و گره بندید لیس انگشتان زیرا که بدرستیکه انامل و اصابع پرسیده میشوند بروز قیامت طلب نطق کرده شده و گویا

وَلَا تَغْفُلْنَ فَتُنْسَيْنَ الرَّحْمَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُودَاوُدَ

و غافل مباشید اے زنان از ذکر خدا پس فراموش کرده شوید و محروم گردانیده شوید از رحمت رواه الترمذی و ابوداود

وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض بدرستیکه آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

مَرَّ عَلٰى شَجَرَةٍ يَابِسَةِ الْوَرَقِ فَضَرَبَهَا بِعَصَاهُ

گذشت بر درخت خشک برگها پس زد آن درخت را بچوبے که در دست آنحضرت بود

فَتَنَاثَرَ الْوَرَقُ فَقَالَ إِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

پس افتادند برگها پس گفت آنحضرت که این کلمات

وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ تُسَاقِطُ ذُنُوبَ الْعَبْدِ كَمَا

می افگند گناهان بنده را چنانکه

يَتَسَاقَطُ وَرَقُ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

میریزد برگهاے این درخت رواه الترمذی

وَعَنْ مَكْحُولٍ رض عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت است از مکحول رض از ابی ہریره رض گفت ابوہریره فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

صلی اللہ علیہ وسلم مرا که بسیار گو لاحول و لا قوة

إِلَّا بِاللّٰهِ فَإِنَّهَا مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ قَالَ مَكْحُولٌ فَمَنْ قَالَ لَا حَوْلَ

الا باللہ پس زیرا که آن کلمات از گنج بہشت است گفت مکحول پس کسیکه گوید لاحول

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا مَنْجَا مِنَ اللّٰهِ إِلَّا إِلَيْهِ كَشَفَ اللّٰهُ عَنْهُ

ولا قوة الا باللہ و نیست رستگاری از خدا مگر بسوے او تعالی می کشاید خدا تعالی ازو



سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الضُّرِّ أَدْنَاهَا الْفَقْرُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

هفتاد درها از ضرر که ادنائے آنها فقر است رواه الترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی ہریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ دَوَاءٌ مِنْ تِسْعَةٍ وَتِسْعِينَ

وسلم که این کلمات دوا است از نود و نه

دَاءً أَيْسَرُهَا الْهَمُّ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ

درد آسان ترین آن دردها اندوه است رواه البیهقی در دعوات الکبیر

# كِتَابُ الْحَجِّ

کتاب در بیان حج

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّٰهِ اَلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ

و تمام کنید حج و عمره را برائے خدا حج موقت است بماه های دانسته شده

فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ

پس هر که لازم کرد بر خود درین ماه حج را یعنی احرام بست پس مخالطت زنان جائز نیست

فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ

در حج و هر چه میکنید از نیکی میداند او را خدا تعالی و توشه همراه گیرید هر آئینه

خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ۝ وَلِلّٰهِ

بهترین زاد توشه پرهیزگاریست و بترسید از من اے خداوندان خرد و حق خدا است

عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا

بر مردمان حج خانه کعبه هر که توانائی دارد برفتن بسوئے آن از جهت اسباب راه

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝

و هر که کافر شود پس هر آئینه خدا بے نیاز است از عالمیان

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
وروایت است ازابی ہریرہ رضا گفت پرسیدہ شد آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ الْعَمَلِ اَفْضَلُ قَالَ اِيْمَانٌ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ
علیہ وسلم کہ کدام کار افزون تراست در ثواب فرمود آنحضرت فاضل ترین اعمال ایمان بخدا ورسول
قِيْلَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ الْجِهَادُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ قِيْلَ ثُمَّ مَاذَا
گفتہ شد پس ترکدام عمل بہتراست فرمود آنحضرت کارزار کردن در راہ خدا است گفتہ شد پس کدام
قَالَ حَجٌّ مَبْرُوْرٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
فرمود آنحضرت حج مقبول وروایت است از وے گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَجَّ لِلّٰهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ
علیہ وسلم کسیکہ حج کند برائے خدا نہ برائے ریا وسمعہ پس رفث نکند وفسق نورزد باز گردد
كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ اُمُّهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ
پاک از گناہان ہمچو پاک بودن او در روزی کہ زائیدہ است او را مادر او وہم از وی مرویست گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْعُمْرَةُ اِلَى الْعُمْرَةِ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم عمرہ تا عمرہ دیگر
كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُوْرُ لَيْسَ لَهٗ جَزَاءٌ اِلَّا
کفارتست مر گناہان را کہ واقع شوند میان آن دو عمرہ و حج مقبول نیست مر او را جزا مگر
الْجَنَّةُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ قَالَ
بہشت متفق علیہ وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ عُمْرَةً فِيْ رَمَضَانَ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ بدرستیکہ عمرہ کردن در رمضان
تَعْدِلُ حَجَّةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَلِيٍّ رضـ قَالَ قَالَ
برابر حج گذاردن است متفق علیہ وروایت است از علی رض گفت فرمود



رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَلَكَ زَادًا وَرَاحِلَةً
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ مالک باشد توشہ راہ واہل وعیال وسواری را
تُبَلِّغُهٗ اِلٰى بَيْتِ اللّٰهِ وَلَمْ يَحُجَّ فَلَا عَلَيْهِ اَنْ يَمُوْتَ يَهُوْدِيًّا
کہ برساند او را تا خانہ خدا و حج نکرد پس نیست تفاوت بروے کہ بمیرد کافر بردین یہود یا
اَوْ نَصْرَانِيًّا وَذٰلِكَ اَنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى يَقُوْلُ وَلِلّٰهِ
بردین نصارے واین وعید بجہت آنست کہ خدائے تبارک وتعالی میگوید وحق ثابت مرخدارا
عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا رَوَاهُ
برمردم قصد خانہ کعبہ برہر کہ میتواند راہ رفت بسوے وے رواہ
التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
الترمذی وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا صَرُوْرَةَ فِي الْاِسْلَامِ رَوَاهُ
صلے اللہ علیہ وسلم نمی باید مسلمان را کہ ترک حج وترک تزوج کند رواہ
اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
ابو داود وہم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَرَادَ الْحَجَّ فَلْيُعَجِّلْ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَالدَّارِمِيُّ
علیہ وسلم کسے کہ خواہد حج را و قادر باشد برادا پس باید کہ شتابی کند و فرصت غنیمت داند
وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
وروایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَابِعُوْا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَاِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ
علیہ وسلم متابعت کنید میان حج وعمرہ یعنے بکنید ہر یکے را بعد از دیگرے پس بدرستیکہ حج و عمرہ دور میکنند
الْفَقْرَ وَالذُّنُوْبَ كَمَا يَنْفِي الْكِيْرُ خَبَثَ الْحَدِيْدِ وَالذَّهَبِ
فقر را و گناہان را چنانکہ دور میکند بیتہاے آہنگری ریم و چرک آہن و زر

وَالْفِضَّةِ وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُوْرَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ رَوَاهُ

وسیم را ونیست مرحج مبرور را ثواب مگر بهشت روواه

التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رض كَانَ أَهْلُ

الترمذی والنسائی وروایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس بودند اہل

الْيَمَنِ يَحُجُّوْنَ فَلَا يَتَزَوَّدُوْنَ وَيَقُوْلُوْنَ نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُوْنَ

یمن می برآمدند بحج پس توشه نمی برداشتند ومی گفتند ما متوکلانیم

فَإِذَا قَدِمُوْا مَكَّةَ سَأَلُوا النَّاسَ فَأَنْزَلَ اللّٰهُ سُبْحَانَهُ

پس وقتیکه می آمدند بمکه معظمه سوال میکردند از مردم پس وحی فرستاد خدایتعالی این آیت را

وَتَزَوَّدُوْا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

یعنی توشه بردارید و پرهیز کنید از سوال زیرا که تقوے بهترین توشه است رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ عَلَى النِّسَاءِ

وروایت است از عائشه رض گفتم اے پیغمبر خدا آیا برزنان

جِهَادٌ قَالَ نَعَمْ عَلَيْهِنَّ جِهَادٌ لَا قِتَالَ فِيْهِ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ

جهاد است گفت آنحضرت آرے برزنان جهاد است که نیست قتال درو وآن حج وعمره است

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَبِيْ أُمَامَةَ رض قَالَ قَالَ

رواه ابن ماجه وروایت است از ابی امامه رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنَ الْحَجِّ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه باز ندارد اورا از حج

حَاجَةٌ ظَاهِرَةٌ أَوْ سُلْطَانٌ جَائِرٌ أَوْ مَرَضٌ حَابِسٌ فَمَاتَ

حاجتی ظاهر که عدم زاد وراحله است یا قهرمان ستمگر بادشاه یا بیماری باز دارنده یعنی تواند بآن عمل

وَلَمْ يَحُجَّ فَلْيَمُتْ إِنْ شَاءَ يَهُوْدِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا

وحج نکرد پس گو بمیرد آنکس اگر خواهد یهودی واگر خواهد نصرانی



رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى

رواه الدارمی وروایت از ابی هریره رض از آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ الْحَاجُّ وَالْعُمَّارُ وَفْدُ اللّٰهِ

الله علیه وسلم بدرستیکه آنحضرت فرمود که حج کنندگان وعمره برآرندگان قدوم آرندگانند ورسیدگان

إِنْ دَعَوْهُ أَجَابَهُمْ وَإِنِ اسْتَغْفَرُوْهُ غَفَرَ لَهُمْ رَوَاهُ

اگر دعا میکنند خدا را اجابت میکند ایشان را واگر طلب آمرزش کنند او را آمرزد ایشان را رواه

ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابن ماجه وهم از وے مرویست که گفت ابو هریره رض شنیدم آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ وَفْدُ اللّٰهِ ثَلٰثَةٌ الْغَازِيْ وَالْحَاجُّ

علیه وسلم که میگفت وفد خدا سه است یکے غازی دوم حج کننده

وَالْمُعْتَمِرُ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ

سوم عمره بجا آرنده رواه النسائی والبیهقی در شعب الایمان

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِذَا لَقِيْتَ الْحَاجَّ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَصَافِحْهُ وَمُرْهُ

وسلم چون ببینی حاج را پس سلام کن بروے ودست وے را بگیر وبفرما اورا

أَنْ يَسْتَغْفِرَ لَكَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بَيْتَهُ فَإِنَّهُ مَغْفُوْرٌ لَهُ

که طلب آمرزش کند برائے تو پیش از آنکه در آید خانه خود را زیرا که وے آمرزیده شده است مر اورا

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه احمد وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ خَرَجَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا أَوْ غَازِيًا

صلی الله علیه وسلم کسے که برآمد بحج یا بعمره یا بغزا

ثم مات في طريقه كتب الله له أجر الغازي والحاج

پس مرد در راه آن می نویسد خدایتعالی مر او را اجر غزا کننده و حج گذارنده

والمعتمر رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن سهل

و عمره بر آرنده رواه البیهقی در شعب الایمان و روایت است از سهل

ابن سعد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من

بن سعد ساعدی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ

مسلم يلبي إلا لبى من عن يمينه وشماله من حجر أو

مسلمانی که تلبیه میکند مگر آنکه تلبیه میکند کسیکه از جانب دست راست اوست و دست چپ او از سنگ یا

شجر أو مدر حتى تنقطع الأرض من ههنا وههنا رواه

درخت یا کلوخ تا آنکه منتهی میگردد زمین از اینجا و از اینجا عبارتست از منتهای ارض بعالم

الترمذي وابن ماجة وعن عائشة رض قالت إن

الترمذی و ابن ماجه و روایت است از عائشه رض گفت عائشه بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ما من يوم أكثر

آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت نیست هیچ روزے بیشتر

من أن يعتق الله فيه عبدا من النار من يوم عرفة

از آزاد کردن خدایتعالی در آن روز بنده را از آتش دوزخ از روز عرفه

وإنه ليدنو ثم يباهي بهم الملائكة فيقول ما أراد

و بدرستیکه وی تعالی نزدیک میشود برحمت و مغفرت پس مفاخرت میکند به بندگان که حاضر اند بموقف ملائکه را پس میگوید چه اراده

هؤلاء رواه مسلم وعن عمرو بن شعيب عن

این بندگان من رواه مسلم و روایت است از عمرو بن شعیب از

أبيه عن جده أن النبي صلى الله عليه وسلم قال

پدر خود و او از جد عمرو بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت



خير الدعاء دعاء يوم عرفة وخير ما قلت أنا والنبيون

بهترین دعاها دعاے روز عرفه است و بهترین دعائے و ذکرے که گفتم من و پیغمبرانے

من قبلي لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك

که پیش از من بوده اند اینست که از لا اله الا الله تا قدیر

وله الحمد وهو على كل شيء قدير رواه الترمذي

رواه الترمذی

وعن طلحة بن عبيد الله بن كريز أن رسول الله

و روایت است از طلحه بن عبید الله ابن کریز بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ما رئي الشيطان يوما هو

صلی الله علیه وسلم گفت دیده نشد شیطان در هیچ روزے که وے

فيه أصغر ولا أدحر ولا أحقر ولا أغيظ منه في

در آن روز خردتر باشد و نه دورتر و نه خوارتر و نه خشم و غصه خورنده تر از خودش که در

يوم عرفة وما ذلك إلا لما يرى من تنزل الرحمة

روز عرفه باشد و نیست آن راندگی و خواری مگر از جهت چیزیکه میبیند از فرود آمدن رحمت الهی

وتجاوز الله عن الذنوب العظام إلا ما أري يوم بدر

و در گذشتن خدایتعالی از گناهان بزرگ مگر آنچه دیده شد از خواری شیطان روز بدر

فإنه قد رأى جبريل يزع الملائكة رواه مالك مرسلا

پس بدرستیکه شیطان بتحقیق دید جبرئیل عم را روز بدر که ترتیب میداد ملائکه را و صف آرایی میکرد برای جنگ

وفي شرح السنة بلفظ المصابيح وعن جابر رض

و در شرح السنه بلفظے که در مصابیح است و روایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا كان

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون می باشد

يَوْمَ عَرَفَةَ إِنَّ اللّٰهَ يَنْزِلُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيُبَاهِي بِهِمُ

روز عرفه بدرستیکه خدایتعالی فرود می آید بآسمانیکه پایان تر است پس مفاخرت میکند بآدمیان

الْمَلٰئِكَةَ فَيَقُوْلُ انْظُرُوْا إِلَى عِبَادِيْ أَتَوْنِيْ شُعْثًا غُبْرًا

فرشتگان را پس میگوید سبحانه بنگرید بسوی بندگان من که آمده اند بدرگاه من ژولیده مو

ضَاجِّيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيْقٍ أُشْهِدُكُمْ أَنِّيْ قَدْ غَفَرْتُ

فریاد کننده به تلبیه از هر راه گشاده و دور گواه میگیرم شما را اینکه بدرستیکه آمرزیدم

لَهُمْ فَيَقُوْلُ الْمَلٰئِكَةُ يَا رَبِّ فُلَانٌ كَانَ يُرَهَّقُ وَفُلَانٌ

ایشان را پس میگویند فرشتگان ای پروردگار فلان کس از میان این حاضران می بود که نسبت برهق کرده

وَفُلَانَةُ قَالَ يَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ

و فلان مرد و فلان زن چنین و چنان اند گفت آنحضرت میگوید خدا عزوجل بتحقیق آمرزیدم مر ایشان را

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ

گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس نیست روزی که بیشتر

عَتِيْقًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ

آزاد شده در وی از آتش دوزخ از روز عرفه روایت کرد این حدیث را در شرح سنه

وَعَنْ عَبَّاسِ بْنِ مِرْدَاسٍ رض أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از عباس ابن مرداس رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعَا لِأُمَّتِهِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ بِالْمَغْفِرَةِ فَأُجِيْبَ

علیه وسلم دعا کرد مر امت خود را در شبانگاه روز عرفه بآمرزیدن گناهان پس اجابت کرده

إِنِّيْ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ مَا خَلَا الظَّالِمَ فَإِنِّيْ آخُذُ لِلْمَظْلُوْمِ

که بدرستیکه من بتحقیق آمرزیدم مر ایشان را مر گناهان را جز مظالم که مراد بآن حقوق عباد است پس بدرستیکه من

مِنْهُ قَالَ أَيْ رَبِّ إِنْ شِئْتَ أَعْطَيْتَ الْمَظْلُوْمَ مِنَ الْجَنَّةِ

از ظالم گفت آنحضرت ای رب من اگر خواهی بدهی مظلوم را از نعیم بهشت



وَغَفَرْتَ لِلظَّالِمِ فَلَمْ يُجَبْ عَشِيَّتَهُ فَلَمَّا أَصْبَحَ بِالْمُزْدَلِفَةِ

و بیامرزی مر ظالم را پس اجابت کرده نشد آنحضرت دعای دیگر در آن شبانگاه پس هنگامیکه صبح کرد آنحضرت بمزدلفه

أَعَادَ الدُّعَاءَ فَأُجِيْبَ إِلَى مَا سَأَلَ قَالَ فَضَحِكَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

باز کرد دعا را پس اجابت کرده شد آنحضرت مر چیزیرا که سوال کرد گفت راوی پس خنده کرد آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ قَالَ تَبَسَّمَ فَقَالَ لَهُ أَبُوْ بَكْرٍ وَعُمَرُ

صلی الله علیه وسلم یا گفت راوی بجای ضحک تبسم پس گفتند مر آنحضرت را ابوبکر رض و عمر رض

بِأَبِيْ أَنْتَ وَأُمِّيْ إِنَّ هٰذِهِ لَسَاعَةٌ مَا كُنْتَ تَضْحَكُ فِيْهَا

پدر و مادر ما فدای تو باد بدرستیکه این ساعتی است که نبودی تو که خنده میکردی در وی

فَمَا الَّذِيْ أَضْحَكَكَ أَضْحَكَ اللّٰهُ سِنَّكَ قَالَ إِنَّ عَدُوَّ

پس چه چیز خندانید ترا همیشه خنداند خدایتعالی دندان ترا گفت آنحضرت بدرستیکه دشمن

اللّٰهِ إِبْلِيْسَ لَمَّا عَلِمَ أَنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدِ اسْتَجَابَ دُعَائِيْ

خدا که ابلیس است هنگامی که دانست که خدایتعالی بتحقیق اجابت کرد دعای مرا

وَغَفَرَ لِأُمَّتِيْ أَخَذَ التُّرَابَ فَجَعَلَ يَحْثُوْهُ عَلٰى رَأْسِهِ

و بیامرزید مر امت مرا گرفت خاک پس گشت که می انداخت بهر دو دست خاک بر سر خود

وَيَدْعُوْ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُوْرِ فَأَضْحَكَنِيْ مَا رَأَيْتُ مِنْ جَزَعِهِ

و دعا میکرد بویل و ثبور پس در خنده در آورد مرا چیزیکه دیدم من از بیصبری و ناله و فریاد وی

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِيْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ نَحْوَهُ

روایت کرد ابن ماجه و روایت کرد بیهقی در کتاب بعث و نشور مانند این حدیث

## بَابُ فَضَائِلِ مَكَّةَ زَادَهَا اللّٰهُ تَعَالٰى شَرَفًا

باب فضائل مکه معظمه زادها الله شرفا

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِيْ بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَّهُدًى

هر آئینه اول خانه که مقرر کرده شد برای مردمان آنست که در مکه است برکت داده شده و هدایت

۱ جزء ۴ رکوع ۱

لِلْعٰلَمِيْنَ ٥ فِيْهِ اٰيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ اِبْرَاهِيْمَ ٥ وَمَنْ
مر مردمان را در آن خانه نشانهای روشن است از آن جمله جای ایستادن ابراهیم است و هر کہ
دَخَلَهٗ كَانَ اٰمِنًا عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
درآید آن جا ایمن بود و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَكَّةَ مَا اَطْيَبَكِ مِنْ بَلَدٍ وَاَحَبَّكِ
صلی اللہ علیہ وسلم مر مکہ معظمہ را کہ چہ عجب شہرے تو و دوست داشتہ شدۂ تو
اِلَيَّ وَلَوْلَا اَنَّ قَوْمِيْ اَخْرَجُوْنِيْ مِنْكِ مَا سَكَنْتُ
بسوے من اگر نمی بود اینکہ قوم من بیرون کردند از سکونت تو نمی کردم سکونت
غَيْرَكِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَدِيِّ
بجز تو رواہ الترمذی و روایت است از عبد اللہ ابن عدی
ابْنِ حَمْرَاءَ قَالَ رَاَيْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابن حمراء گفت دیدم آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم
وَاقِفًا عَلَى الْحَزْوَرَةِ فَقَالَ وَاللّٰهِ اِنَّكِ لَخَيْرُ اَرْضِ اللّٰهِ
ایستادہ بر حزورہ پس فرمود آنحضرت خطاب بمکہ معظمہ کردہ بدرستی تو بہترین زمین خدائی
وَاَحَبُّ اَرْضِ اللّٰهِ اِلَى اللّٰهِ وَلَوْلَا اَنِّيْ اُخْرِجْتُ مِنْكِ
و محبوب ترین زمین خدائی نزد خدا و اگر نمی بود آنکہ بیرون آوردہ شدم من از تو
مَا خَرَجْتُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَيَّاشِ
بیرون نمی آمدم رواہ الترمذی و ابن ماجہ و روایت است از عیاش
ابْنِ اَبِيْ رَبِيْعَةَ الْمَخْزُوْمِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
ابن ابی ربیعۃ المخزومی گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَزَالُ هٰذِهِ الْاُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا عَظَّمُوْا هٰذِهِ
علیہ وسلم ہمیشہ باشد این امت بخیر و سلامت در دین و دنیا تا وقتیکہ تعظیم کنند این



الْحُرْمَةَ حَقَّ تَعْظِيْمِهَا فَاِذَا ضَيَّعُوْا ذٰلِكَ هَلَكُوْا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ
حرمت را یعنی حرمت مکہ را حق تعظیم وے پس چون ضائع کنند آن حرمت را ہلاک شوند رواہ ابن ماجہ
وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
نَزَلَ الْحَجَرُ الْاَسْوَدُ مِنَ الْجَنَّةِ وَهُوَ اَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ
فرود آمدہ است حجر اسود از بہشت و وے در آن حال زیادہ تر بود در سفیدی از شیر
فَسَوَّدَتْهُ خَطَايَا بَنِيْ اٰدَمَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ
پس سیاہ گردانیدند او را گناہان اولاد آدم رواہ احمد و الترمذی و ہم از وے مرویست
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْحَجَرِ وَاللّٰهِ لَيَبْعَثَنَّهُ
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم در شان حجر اسود بخدا سوگند ہر آئینہ برانگیزد حجر اسود را
اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَهٗ عَيْنَانِ يُبْصِرُ بِهِمَا وَلِسَانٌ يَنْطِقُ بِهٖ
خدایتعالی روز قیامت در حالیکہ مر او را دو چشم باشد کہ ببیند بآن دو چشم و زبانے باشد کہ سخن گوید بآن
يَشْهَدُ عَلٰى مَنِ اسْتَلَمَهٗ بِحَقٍّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
گواہی دہد بر کسے کہ بوسہ داد او را بحق یعنے با یمان رواہ الترمذی و ابن ماجہ
وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى
والدارمی و روایت است از ابن عمر رض گفت آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ الرُّكْنَ وَالْمَقَامَ يَاقُوْتَتَانِ مِنْ
اللہ علیہ وسلم را کہ میفرمود بدرستیکہ رکن و مقام ابراہیم ہر دو یاقوت اند از
يَاقُوْتِ الْجَنَّةِ طَمَسَ اللّٰهُ نُوْرَهُمَا وَلَوْ لَمْ يَطْمِسْ نُوْرَهُمَا
جنس یاقوت بہشت ناپدید کردہ است خدایتعالی نور آن ہر دو را و اگر ناپدید نمی کرد نور ہر دو را
لَاَضَاءَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
ہر آئینہ روشن میشد ہر چہ میان مشرق و مغرب است رواہ الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از ابی ہریرہ رض بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

قَالَ وُكِّلَ بِهٖ سَبْعُوْنَ مَلَكًا يَعْنِي الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ فَمَنْ قَالَ

فرمود موکل گردانیدہ شدہ اند بوی ہفتاد فرشتہ یعنے برکن یمانی پس کسے کہ بگوید

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ رَبَّنَا اٰتِنَا

از اللّٰہم تا وقنا عذاب النار

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ قَالُوْا اٰمِيْنَ

میگویند آن فرشتگان آمین

رَوَاهُ

بَابُ فَضَائِلِ الْمَدِيْنَةِ زَادَهَا اللّٰهُ تَعَالٰى كَرَامَةً ابْنُ مَاجَةَ

روایت: این باب در فضائل مدینہ است زیادہ گرداند خدا تعالے بزرگی آنرا ابن ماجہ

عَنْ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از سعد بن وقاص گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اِنِّيْ اُحَرِّمُ مَا بَيْنَ لَابَتَيِ الْمَدِيْنَةِ اَنْ تُقْطَعَ عِضَاهُهَا اَوْ يُقْتَلَ

بدرستیکہ من حرام میگردانیدم میان ہر دو لابہ مدینہ کہ بریدہ شود درختان آن و کشتہ شوند

صَيْدُهَا وَقَالَ الْمَدِيْنَةُ خَيْرٌ لَّهُمْ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ لَا يَدَعُهَا

شکار آن و فرمود آنحضرت کہ مدینہ بہتر است ایشان را اگر بدانند ترک مدینہ را

اَحَدٌ رَغْبَةً عَنْهَا اِلَّا اَبْدَلَ اللّٰهُ فِيْهَا مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِّنْهُ

کسے از روے انکار مگر بدل میکند بجائے او خدا تعالے کسے را کہ بہتر است از وے

وَلَا يَثْبُتُ اَحَدٌ عَلٰى لَاْوَائِهَا وَجَهْدِهَا اِلَّا كُنْتُ لَهٗ شَفِيْعًا

و پا بر جا نماند ہیچ یکے و صبر نمی کند بر سختی و گرسنگی و محنت مدینہ مگر آنکہ باشم مر او را شفاعت کنندہ

اَوْ شَهِيْدًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

و گواہی دہندہ روز قیامت رواہ مسلم و روایت است از ابی ہریرہ رض



اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَصْبِرُ عَلٰى

کہ گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم صبر نمی کند بر

لَاْوَاءِ الْمَدِيْنَةِ وَشِدَّتِهَا اَحَدٌ مِّنْ اُمَّتِيْ اِلَّا كُنْتُ لَهٗ شَفِيْعًا

سختی و محنت مدینہ ہیچ یکے از امت من مگر آنکہ میباشم او را شفیع

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض فِيْ

روز قیامت رواہ مسلم و روایت است از عبد اللہ بن عمر رض در

رُؤْيَا النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَدِيْنَةِ رَاَيْتُ امْرَاَةً

خواب دیدن آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم در شان مدینہ دیدم زنے را

سَوْدَاءَ ثَائِرَةَ الرَّاْسِ خَرَجَتْ مِنَ الْمَدِيْنَةِ حَتّٰى نَزَلَتْ

سیاہ ژولیدہ موے بیرون آمد آن زن از مدینہ تا آنکہ فرود آمد

مَهْيَعَةَ فَتَاَوَّلْتُهَا اَنَّ وَبَاءَ الْمَدِيْنَةِ نُقِلَ اِلٰى مَهْيَعَةَ

موضعے را کہ نام او مہیعہ است گفت آنحضرت پس تعبیر کردم آن زن را کہ تپ و بیماری مدینہ بردہ شد

وَهِيَ الْجُحْفَةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ

و آن موضع جحفہ است رواہ بخاری و روایت است از جابر بن

سَمُرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

سمرہ رض گفت شنیدم آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت

اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى سَمَّى الْمَدِيْنَةَ طَابَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بدرستیکہ خدا تعالی نام کردہ است مدینہ را طابہ بر زبان حبیب خود رواہ مسلم و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اُمِرْتُ بِقَرْيَةٍ تَاْكُلُ الْقُرٰى يَقُوْلُوْنَ يَثْرِبُ وَهِيَ الْمَدِيْنَةُ

امر کردہ شدم بہجرت بقریہ کہ میخورد قریہا دیگر را یعنے غالب آید قریہ مدینہ است میگویند یثرب آن

تَنْفِي النَّاسَ كَمَا يَنْفِي الْكِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بدر میکند مدینه مردم را چنانچه دور میکند کوره آهنگران پلیدی آهن را متفق علیه

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وازوے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

عَلَى أَنْقَابِ الْمَدِينَةِ مَلٰئِكَةٌ لَا يَدْخُلُهَا الطَّاعُونُ وَلَا

بر راهہای مدینه فرشتگان نگاہبان اند که در نمی آید بمدینه طاعون ونه

الدَّجَّالُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

دجال متفق علیه وروایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنْ بَلَدٍ إِلَّا سَيَطَؤُهُ الدَّجَّالُ

صلی الله علیه وسلم نیست ہیچ شہرے مگر آنکه درآید آنرا دجال

إِلَّا مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ لَيْسَ نَقْبٌ مِنْ أَنْقَابِهَا إِلَّا عَلَيْهِ

مگر مکه معظمه ومدینه منوره نیست ہیچ راہے از راہہاے مدینه مگر آنکه بروے

الْمَلٰئِكَةُ صَافِّينَ يَحْرُسُونَهَا فَيَنْزِلُ السَّبْخَةَ فَتَرْجُفُ

فرشتگانند صف زده نگہبانی میکنند آن را پس نزول خواہد کرد دجال شوره زمین را پس بجنباند

الْمَدِينَةُ بِأَهْلِهَا ثَلٰثَ رَجَفَاتٍ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ كُلُّ كَافِرٍ

مدینه ساکنان خود را سه بار جنبانیدن پس بیرون خواہد آمد بسوے او ہر کافر

وَمُنَافِقٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ

ومنافق متفق علیه وروایت است از سعد رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَكِيدُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدسگالی نکند وایذا ندہد اہل مدینه را

أَحَدٌ إِلَّا انْمَاعَ كَمَا يَنْمَاعُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

ہیچ یکے مگر چنانکه میگدازد نمک در آب متفق علیه



وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا

وروایت است از انس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود چون

قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ فَنَظَرَ إِلَى جُدُرَاتِ الْمَدِينَةِ أَوْضَعَ رَاحِلَتَهُ

قدوم می آورد از سفر پس نظر میکرد بسوے دیوارہاے مدینه میراند شتر سوارے خود را

وَإِنْ كَانَ عَلَى دَابَّةٍ حَرَّكَهَا مِنْ حُبِّهَا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

واگر سوار می بود بر دابه دیگر می دوانید آن را از دوستی مدینه رواه بخاری وہم از انس است

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَلَعَ لَهُ أُحُدٌ فَقَالَ هٰذَا جَبَلٌ

که ظاہر شد مر آنحضرت را جبل احد پس فرمود آنحضرت که این کوہیست

يُحِبُّنَا وَنُحِبُّهُ اللّٰهُمَّ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ حَرَّمَ مَكَّةَ وَإِنِّي أُحَرِّمُ

که دوست میدارد ما را و دوست میداریم او را آلہی بدرستیکه ابراہیم حرام گردانید مکه را و بدرستیکه

مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ

که میان دو سنگستان مدینه است متفق علیه وروایت است از ابن عمر رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَطَاعَ أَنْ يَمُوتَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه میخواہد که بمیرد

بِالْمَدِينَةِ فَلْيَمُتْ بِهَا فَإِنِّي أَشْفَعُ لِمَنْ يَمُوتُ بِهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ

در مدینه پس باید که بمیرد در مدینه پس بدرستیکه من شفاعت کنم آنرا که بمیرد در مدینه رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

والترمذی واز ابی ہریره رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آخِرُ قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى الْإِسْلَامِ

صلی الله علیه وسلم آخر شہرے که خراب شود از شہرہاے اسلام

خَرَابًا الْمَدِينَةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ رض

نزد قیام قیامت مدینه است رواه الترمذی وروایت است از ابی بکره رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْمَدِيْنَةَ رُعْبُ
از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم درنمی آید مدینہ را ترس
الْمَسِيْحِ الدَّجَّالِ لَهَا يَوْمَئِذٍ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ عَلٰى كُلِّ بَابٍ
مسیح دجال آنرا درآن وقت آمدن دجال ہفت درخواہد بود بر ہر در
مَلَكَانِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
دو فرشتہ نگہبان نشستہ رواہ البخاری وروایت است از انس رضـ از آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ بِالْمَدِيْنَةِ ضِعْفَيْ مَا
اللہ علیہ وسلم کہ فرمود آنحضرت خداوندا بگردان در مدینہ دوچند از آنچہ
جَعَلْتَ بِمَكَّةَ مِنَ الْبَرَكَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ رَجُلٍ مِنْ
گردانیدہ در مکہ از برکت متفق علیہ وروایت است از مردے از
آلِ الْخَطَّابِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ زَارَنِيْ
اولاد خطاب از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت کسیکہ زیارت کند مرا
مُتَعَمِّدًا كَانَ فِيْ جِوَارِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ سَكَنَ الْمَدِيْنَةَ
قصداً نہ بطفیل کار دیگر باشد در ہمسایگی من در روز قیامت و کسیکہ سکونت ورزد در مدینہ
وَصَبَرَ عَلٰى بَلَائِهَا كُنْتُ لَهٗ شَهِيْدًا أَوْ شَفِيْعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
وصبر کند بر بلاے وے باشم او را گواہی دہندہ و شفاعت کنندہ روز قیامت۔
وَمَنْ مَاتَ فِيْ أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ بَعَثَهُ اللّٰهُ مِنَ الْآمِنِيْنَ يَوْمَ
و کسیکہ بمیرد در یکے از مکہ و یا مدینہ برانگیزاند او را خدا تعالیٰ با گروہ بیخوفان در روز
الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ يَحْيَى
قیامت رواہ بیہقی در شعب الایمان وروایت است از یحیی
ابْنِ سَعِيْدٍ رضـ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ
بن سعید رضـ بدرستیکہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم



جَالِسًا وَقَبْرٌ يُحْفَرُ بِالْمَدِيْنَةِ فَاطَّلَعَ رَجُلٌ فِي الْقَبْرِ فَقَالَ بِئْسَ
نشستہ بود گورے کندہ میشد در مدینہ پس نظر کرد مردے در قبر پس گفت آنمرد بد
مَضْجَعُ الْمُؤْمِنِ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِئْسَمَا
خوابگاہ مومنست گور پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بد حرفے بود
قُلْتَ قَالَ الرَّجُلُ إِنِّيْ لَمْ أُرِدْ هٰذَا إِنَّمَا أَرَدْتُ الْقَتْلَ فِيْ
کہ گفتی گفت آنمرد بدرستیکہ من مراد نداشتم نکوہش موت براے مومن جز این نیست کہ
سَبِيْلِ اللّٰهِ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا مِثْلَ الْقَتْلِ
راہ خدا ارادہ کردم پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نیست مردن در
فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ مَا عَلَى الْأَرْضِ بُقْعَةٌ أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ يَكُوْنَ
مانند کشتہ شدن در راہ خدا بلکہ افضل است نیست بر زمین ہیچ جاے محبوب تر نزد من کہ باشد
قَبْرِيْ بِهَا مِنْهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ رَوَاهُ مَالِكٌ مُرْسَلًا وَعَنِ
قبر من در وے از مدینہ سہ بار فرمود رواہ مالک وروایت است از
ابْنِ عُمَرَ رضـ مَرْفُوْعًا مَنْ حَجَّ فَزَارَ قَبْرِيْ بَعْدَ مَوْتِيْ كَانَ
ابن عمر رضـ از روے مرفوع کسیکہ حج کند پس زیارت کند قبر مرا بعد از من باشد
كَمَنْ زَارَنِيْ فِيْ حَيَاتِيْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ
ہمچو کسے کہ زیارت کرد و ملاقات نمود مرا در زندگی من رواہ البیہقی در شعب الایمان
وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وروایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ صَلٰوةٌ فِيْ مَسْجِدِيْ هٰذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلٰوةٍ فِيْمَا
وسلم یک نماز در مسجد من کہ اینست بہتر است از ہزار نماز در
سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدٍ الْخُدْرِيِّ رضـ
غیر آن مگر در مسجد حرام وازابی سعید الخدری رضـ مرویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ اِلَّا
گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کجاوه‌ها مبندید مگر
اِلٰى ثَلٰثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْمَسْجِدِ الْاَقْصٰى وَمَسْجِدِيْ
بسوی سه مسجد یکی مسجد حرام دوم مسجد اقصی سوم مسجد من که این است
هٰذَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَيْنَ بَيْتِيْ وَمِنْبَرِيْ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ
صلی الله علیه وسلم که درمیان بیت من و منبر من روضهٔ از روضه‌های
الْجَنَّةِ وَمِنْبَرِيْ عَلٰى حَوْضِيْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَنَسِ
بهشت است و منبر من بر حوض کوثر باشد متفق علیه و از انس بن مالک رض روایت
ابْنِ مَالِكٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةُ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم یک نماز
الرَّجُلِ فِيْ بَيْتِهٖ بِصَلٰوةٍ وَصَلٰوتُهٗ فِيْ مَسْجِدِ الْقَبَائِلِ بِخَمْسٍ
مرد در خانه او یک نماز است و نماز او در مسجد قبیله برابر
وَعِشْرِيْنَ صَلٰوةً وَصَلٰوتُهٗ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِيْ يُجْمَعُ فِيْهِ
بست و پنج نماز است و نماز او در مسجدیکه جمع شوند در آن بمقدار
بِخَمْسِ مِائَةِ صَلٰوةٍ وَصَلٰوتُهٗ فِي الْمَسْجِدِ الْاَقْصٰى بِخَمْسِيْنَ
پنج صد نماز است و نماز وی در مسجد اقصی ثواب پنجاه
اَلْفَ صَلٰوةٍ وَصَلٰوتُهٗ فِيْ مَسْجِدِيْ بِخَمْسِيْنَ اَلْفَ صَلٰوةٍ
هزار نماز دارد و نماز وی در مسجد من ثواب پنجاه هزار نماز دارد
وَصَلٰوتُهٗ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بِمِائَةِ اَلْفِ صَلٰوةٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ
و نماز وی در مسجد حرام مقابل صد هزار نماز است رواه ابن ماجه



وَعَنْ عَاصِمٍ الْاَحْوَلِ قَالَ سَاَلْتُ اَنَسَ بْنَ مَالِكٍ اَحَرَّمَ
و روایت است از عاصم احول که سوال کردم از انس بن مالک آیا حرام کرد
النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِيْنَةَ قَالَ نَعَمْ حَرَامٌ حَرَّمَهَا
آنحضرت صلی الله علیه وسلم مدینه را گفت بلی حرام کرده است آنرا
اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ لَا يُخْتَلٰى خَلَاهَا فَمَنْ فَعَلَ ذٰلِكَ فَعَلَيْهِ
خدا و رسول او قطع کرده نشود درخت آن پس اگر کسے کرد این را پس بر وے
لَعْنَةُ اللّٰهِ وَالْمَلٰئِكَةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ رَوَاهُ ش
لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردمان باشد

## بَابُ مَنَاقِبِ الْقُرَيْشِ وَالْعَرَبِ

باب در بیان مناقب قریش و عرب

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ
روایت است از ابن عمر رض گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم
لَا يَزَالُ هٰذَا الْاَمْرُ فِيْ قُرَيْشٍ مَا بَقِيَ مِنْهُمُ اثْنَانِ مُتَّفَقٌ
همیشه باشد امر خلافت در قریش تا وقتیکه باقی باشد از ایشان دو کس متفق
عَلَيْهِ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ
علیه و روایت است از معاویه رض گفت که بشنیدم آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ هٰذَا الْاَمْرَ فِيْ قُرَيْشٍ لَا يُعَادِيْهِمْ
صلی الله علیه وسلم را که میگفت بدرستیکه این امر خلافت در قریش است دشمنی نکند ایشان را
اَحَدٌ اِلَّا كَبَّهُ اللّٰهُ عَلٰى وَجْهِهٖ مَا اَقَامُوا الدِّيْنَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
هیچ یکے مگر آنکه بر روے افگند خدایتعالے او را تا وقتیکه برپا دارند قریش دین را رواه البخاری
وَعَنْ سَعْدٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ يُّرِدْ
و روایت است از سعد از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت کسیکه خواهد

هُوَانَ قُرَيْشٍ أَهَانَهُ اللّٰهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
خواری قریش را خوار گرداند اورا خدا تعالی رواه الترمذی و روایت است از
عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رض قَالَ مَاتَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عمران بن حصین رض که گفت وفات فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
وَهُوَ يَكْرَهُ ثَلٰثَةَ أَحْيَاءٍ ثَقِيفٍ وَبَنِي حَنِيفَةَ وَبَنِي أُمَيَّةَ
حال آنکه آنحضرت ناخوش میداشت سه قبیله را ثقیف و بنی حنیفه و بنی امیه
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
رواه الترمذی و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ثَقِيفٍ كَذَّابٌ وَمُبِيرٌ قَالَ عَبْدُ اللّٰهِ
صلی الله علیه وسلم در قبیله ثقیف یکے دروغ گو است و دیگر هلاک کننده مردم ظلم گفت
ابْنُ عِصْمَةَ يُقَالُ الْكَذَّابُ هُوَ الْمُخْتَارُ بْنُ أَبِي عُبَيْدٍ وَالْمُبِيرُ
بن عصمة گفته شد که دروغ گو آن مختار ابن ابی عبید است و خونریز
هُوَ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوسُفَ وَقَالَ هِشَامُ بْنُ حَسَّانٍ أَحْصَوْا
آن حجاج بن یوسف است و گفت هشام بن حسان شمرده و ضبط کردند
مَا قَتَلَ الْحَجَّاجُ صَبْرًا فَبَلَغَ مِائَةَ أَلْفٍ وَعِشْرِيْنَ أَلْفًا
آنچه کشته است حجاج بحبس و بند پس رسیده است عدد شان صد و بست هزار را
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَى مُسْلِمٌ فِي الصَّحِيحِ حِيْنَ قَتَلَ
رواه الترمذی و روایت کرد مسلم در صحیح خود هنگامے که کشت
الْحَجَّاجُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ الزُّبَيْرِ قَالَتْ أَسْمَاءُ إِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ
حجاج عبد الله بن زبیر را گفت اسماء بنت ابی بکر که ام ابن زبیر است که آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدَّثَنَا أَنَّ فِي ثَقِيفٍ كَذَّابًا وَمُبِيرًا
صلی الله علیه وسلم حدیث کرد مارا در ثقیف دروغ گو خواهد بود و خون ریز



فَأَمَّا الْكَذَّابُ فَرَأَيْنَاهُ وَالْمُبِيرُ فَلَا إِخَالُكَ إِلَّا إِيَّاهُ
پس لیکن دروغ گو پس دیدیم ما او را و خون ریز را گمان نمی برم ترا مگر آن خطاب بحجاج کرد
وَعَنْ سَلْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از سلمان رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ لَا تُبْغِضْنِي فَتُفَارِقَ دِيْنَكَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ
وسلم دشمن مدار مرا پس جدا شوی از دین خود گفتم اے رسول خدا
كَيْفَ أُبْغِضُكَ وَبِكَ هَدَانَا اللّٰهُ قَالَ تُبْغِضُ الْعَرَبَ
چگونه دشمن دارم ترا حال آنکه بتو راه راست نمود ما را خدا تعالی گفت آنحضرت دشمن داری
فَتُبْغِضُنِي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رض
پس دشمن داری مرا رواه الترمذی و روایت است از عثمان بن عفان رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ غَشَّ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه خیانت کند
الْعَرَبَ لَمْ يَدْخُلْ فِي شَفَاعَتِي وَلَمْ تَنَلْهُ مَوَدَّتِي رَوَاهُ
عرب را در نیاید در شفاعت من و در نرسد او را دوستی من رواه
التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أُمِّ الْحَرِيرِ مَوْلَاةِ طَلْحَةَ بْنِ مَالِكٍ
الترمذی و روایت است از ام الحریر کنیز آزاد کرده طلحه بن مالک
قَالَتْ سَمِعْتُ مَوْلَايَ يَقُوْلُ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
گفت شنیدم مولاے خود را که میگفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ مِنِ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ هَلَاكُ الْعَرَبِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
وسلم از جمله علامات نزدیک شدن قیامت هلاک شدن عرب است رواه الترمذی
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْمُلْكُ فِي قُرَيْشٍ وَالْقَضَاءُ فِي الْاَنْصَارِ

علیه وسلم خلافت در قریش است و قضا در انصار است

وَالْاَذَانُ فِي الْحَبْشَةِ وَالْاَمَانَةُ فِي الْاَزْدِ يَعْنِي الْيَمَنَ

و بانگ نماز گفتن در قوم حبشه است و امانت ساختن در قبیله ازد است یعنی یمن

وَفِيْ رِوَايَةٍ مَوْقُوْفًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ

و در روایتے این حدیث موقوف است رواه الترمذی و روایت است از ابن عباس

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَحِبُّوا الْعَرَبَ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم دوست دارید عرب را

لِثَلَاثٍ لِاَنِّيْ عَرَبِيٌّ وَالْقُرْاٰنُ عَرَبِيٌّ وَكَلَامُ اَهْلِ الْجَنَّةِ

از جهت سه خصلت یکے آنکه من عربم دوم آنکه قرآن بزبان عرب است سوم آنکه سخن اهل جنت

عَرَبِيٌّ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

عربیت رواه البیهقی در شعب الایمان

## بَابٌ فِيْ فَضْلِ الْيَمَنِ

باب در فضیلت یمن

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رضـ از آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم

قَالَ اَتَاكُمْ اَهْلُ الْيَمَنِ هُمْ اَرَقُّ اَفْئِدَةً وَّاَلْيَنُ قُلُوْبًا

فرمود آمدند شمارا اهل یمن که رقیق تر است فواد شان و نرم تر است دلهاے ایشان

اَلْاِيْمَانُ يَمَانٍ وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَةٌ وَالْفَخْرُ وَالْخُيَلَاءُ فِيْ اَصْحَابِ

ایمان یمنی است و حکمت یمانیه است و نازیدن و ستایش نفس کردن در خداوندان

الْاِبِلِ وَالسَّكِيْنَةُ وَالْوَقَارُ فِيْ اَهْلِ الْغَنَمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

شتر است و آرامش و آهستگی در خداوندان گوسپند است متفق علیه است



عَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غِلَظُ

روایت است از جابر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم سختی

الْقُلُوْبِ وَالْجَفَاءُ فِي الْمَشْرِقِ وَالْاِيْمَانُ فِيْ اَهْلِ الْحِجَازِ

دلها و درشتی خوے در مشرق است و ایمان در اهل حجاز

رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْ شَامِنَا اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْ يَمَنِنَا

وسلم خداوندا برکت ده مارا در شام ما خداوندا برکت ده مارا در یمن ما

قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَفِيْ نَجْدِنَا قَالَ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْ شَامِنَا

گفتند ای رسول خدا و در نجد ما فرمود خداوندا برکت ده مارا در شام ما

وَبَارِكْ لَنَا فِيْ يَمَنِنَا قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَفِيْ نَجْدِنَا فَاَظُنُّهُ

و برکت ده مارا در یمن ما گفتند یا رسول الله و در نجد ما ابن عمر میگوید پس گمان میبرم

قَالَ فِي الثَّالِثَةِ هُنَاكَ الزَّلَازِلُ وَالْفِتَنُ وَبِهَا يَطْلُعُ

که فرمود در بار سوم آنجا یعنی در نجد زلزله‌ها است و فتنه‌ها است و از نجد طلوع میکند

قَرْنُ الشَّيْطَانِ

قرن شیطان یعنی حرب و اعوان او

## فِيْ فَضْلِ الْعَجَمِ

در بیان فضل عجم

هُوَ الَّذِيْ بَعَثَ فِي الْاُمِّيِّيْنَ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ

اوست آنکه برانگیخت در ناخوانندگان پیغامبرے از قوم ایشان میخواند بر ایشان

اٰيَاتِهٖ وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَاِنْ كَانُوْا

آیات اورا و پاک میکند ایشان را و می آموزد ایشان را کتاب و دانش و اگرچه بودند ایشان

مِنْ قَبْلُ لَفِيْ ضَلَالٍ مُّبِيْنٍ ۝ وَّاٰخَرِيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوْا

پیش ازین در گمراہی ظاہر و نیز مبعوث گردانید پیغمبر را در قومے دیگر از ایشان کہ ہنوز نہ پیوستہ اند

بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ

با مسلمانان و اوست غالب با حکمت این است فضل خدا مید ہدش ہر کہ

يَّشَاۤءُ ۭ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ۝ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ

خواہد و خدا یتعالے خداوند فضل بزرگ است و روایت است از ابی ہریرہ رضـ

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَلَا هٰذِهِ الْاٰيَةَ وَاِنْ

ہر آینکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم خواند این آیت را و اگر

تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُوْنُوْا اَمْثَالَكُمْ ۝

روے گردان شوید بدل آرد گروہے دیگر را غیر از شما باز نباشند آنجماعۃ مانند شما

قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَنْ هٰؤُلَاۤءِ الَّذِيْنَ ذَكَرَ اللّٰهُ اِنْ تَوَلَّيْنَا

گفتند صحابہ اے پیغامبر خدا کیستند آنجماعتے کہ یاد کردہ است خدا یتعالے کہ اگر روی گردانی کنیم ما

اسْتُبْدِلُوْا بِنَا ثُمَّ لَا يَكُوْنُوْا اَمْثَالَنَا فَضَرَبَ عَلٰى فَخِذِ

بجاے ما گرفتہ می شوند پس نباشند آنجماعت مانند ما در روے گردانی پس زد دست مبارک آنحضرت علیہ السلام بران

سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ثُمَّ قَالَ هٰذَا وَقَوْمُهُ وَلَوْ كَانَ الدِّيْنُ

سلمان فارسی پستر فرمود جماعت سلمان است و قوم وے و اگر باشد دین فرضا

عِنْدَ الثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِّنَ الْفُرْسِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

نزد ستارہ ثریا ہر آئینہ میگرفتند دین را مردان فارس رواہ الترمذی

وَعَنْهُ قَالَ ذُكِرَتِ الْاَعَاجِمُ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى

و ہم از ابی ہریرہ است گفت ذکر کردہ شدند اہل عجم نزد آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اللہ علیہ وسلم پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم



لَاَنَا بِهِمْ اَوْ بِبَعْضِهِمْ اَوْثَقُ مِنِّيْ بِكُمْ اَوْ بِبَعْضِكُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

ہر آئینہ من با ایشان یا ببعض ایشان یعنے عجمان اعتماد کنندہ ترم در حفظ دین از اعتماد بشما یا ببعض شما

# فِيْ فَضْلِ الشَّامِ

در بیان فضیلت شام

وَاَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِيْنَ كَانُوْا يُسْتَضْعَفُوْنَ مَشَارِقَ

و میراث دادیم گروہے را کہ ضعیف شمردہ می شدند مشارق

الْاَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِيْ بَارَكْنَا فِيْهَا قُلْنَا يَا نَارُ كُوْنِيْ

و مغارب زمینے کہ برکت نہادیم در آن گفتیم اے آتش باش خداوند

بَرْدًا وَّسَلٰمًا عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَاَرَادُوْا بِهٖ كَيْدًا فَجَعَلْنٰهُمُ

برودت و سلامت بر ابراہیم ع و خواستند باو فریب کردن پس ساختیم ایشان را

الْاَخْسَرِيْنَ ۝ وَنَجَّيْنٰهُ وَلُوْطًا اِلَى الْاَرْضِ الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا

زیانکار و برہانیدیم ابراہیم ع را و لوط ع را بسوے زمینے کہ برکت نہادیم در آن

لِلْعٰلَمِيْنَ ۝ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِيْ بٰرَكْنَا

تمامی عالم را و پیدا کردیم میان ایشان و میان آن دہہا کہ برکت نہادیم

فِيْهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَّقَدَّرْنَا فِيْهَا السَّيْرَ ۭ سِيْرُوْا فِيْهَا

در آن یعنے شام دہہاے متصل بیکدیگر و مقرر کردیم در آن آمد و رفت را سیر کنید درین دہہا

لَيَالِيَ وَاَيَّامًا اٰمِنِيْنَ ۝ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رضـ قَالَ

شبہا و روزہا امین شدہ و روایت است از زید بن ثابت رضـ گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طُوْبٰى لِلشَّامِ قُلْنَا

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم خوشی باد مر اہل شام را گفتیم ما

لِاَيٍّ ذٰلِكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ لِاَنَّ مَلٰۤئِكَةَ الرَّحْمٰنِ

از چہ چیز است این دعا اے رسول خدا فرمود زیرا کہ فرشتہاے خداے مہربان

بَاسِطَةٌ اَجْنِحَتَهَا عَلَيْهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
فراخ کننده بازوی خود را بر ایشان رواه احمد و الترمذی و روایت است از
عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عبد الله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
سَتَخْرُجُ نَارٌ مِّنْ نَّحْوِ حَضْرَمَوْتَ اَوْ مِنْ حَضْرَمَوْتَ تَحْشُرُ
نزدیک است که برآید آتشے از جانب حضرموت یا از حضرموت جمع کند این آتش
النَّاسَ قُلْنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَمَا تَاْمُرُنَا قَالَ عَلَيْكُمْ بِالشَّامِ
مردم را گفتیم اے رسول خدا چه میفرمائی مارا گفت آنحضرت بر شما باد که بروید بشام
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ شُرَيْحِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ ذُكِرَ
رواه الترمذی و روایت است از شریح بن عبید گفت ذکر کرده شدند
اَهْلُ الشَّامِ عِنْدَ عَلِيٍّ رض وَقِيْلَ الْعَنْهُمْ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ
اہل شام نزد امیر المومنین علی رض و گفته شد لعنت کن ایشان را یا امیر المومنین
قَالَ لَا اِنِّيْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ
گفت لعنت نمی کنیم آنها را بدرستیکه شنیده ام آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که
اَلْاَبْدَالُ يَكُوْنُوْنَ بِالشَّامِ وَهُمْ اَرْبَعُوْنَ رَجُلًا كُلَّمَا
ابدال میباشند بشام و ابدال چهل مرد اند هرگاه که
مَاتَ رَجُلٌ اَبْدَلَ اللّٰهُ مَكَانَهُ رَجُلًا يُسْقٰى بِهِمُ الْغَيْثُ
بمیرد مردے می آرد خدا یتعالی در بدل او مردے دیگر آب داده میشود بوجود ایشان
وَيُنْتَصَرُ بِهِمْ عَلَى الْاَعْدَاءِ وَيُصْرَفُ عَنْ اَهْلِ الشَّامِ
و نصرت داده میشود بسبب ایشان بر دشمنان و برگردانیده میشود از اہل شام
بِهِمُ الْعَذَابُ وَعَنْ رَجُلٍ مِّنَ الصَّحَابَةِ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ
ببرکت ایشان عذاب و روایت است از مردے از اصحاب رض بدرستیکه آنحضرت



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَتُفْتَحُ الشَّامُ فَاِذَا خُيِّرْتُمُ الْمَنَازِلَ
صلی الله علیه وسلم فرمود نزدیک است که فتح کرده شود بلاد شام پس چون مخیر گردانیده شوید جای
فِيْهَا فَعَلَيْكُمْ بِمَدِيْنَةٍ يُقَالُ لَهَا دِمَشْقُ فَاِنَّهَا مَعْقِلُ الْمُسْلِمِيْنَ
بودن را در ان بلاد پس بر شما باد که اختیار کنید شهری که گفته میشود آن دمشق پس آن شهر پناه مسلمانان است
مِنَ الْمَلَاحِمِ وَفُسْطَاطُهَا مِنْهَا يُقَالُ لَهَا الْغُوْطَةُ
از حربها و محل اجتماع شام از زمین دمشق زمینے است که گفته میشود او را غوطه
رَوَاهُمَا اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
روا ہما احمد و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْخِلَافَةُ بِالْمَدِيْنَةِ وَالْمُلْكُ بِالشَّامِ وَعَنْ
الله علیه وسلم خلافت در مدینه است و ملک در شام و روایت است از
عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَاَيْتُ عَمُوْدًا
عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دیدم ستونے را
مِّنْ نُّوْرٍ خَرَجَ مِنْ تَحْتِ رَاْسِيْ سَاطِعًا حَتّٰى اسْتَقَرَّ بِالشَّامِ
از نور که بیرون آمد از زیر سر من بالا بر آشیده تا آنکه قرار گرفت در شام
رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ رض
رواه بیهقی در دلائل النبوة و روایت است از ابی درداء رض
اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ فُسْطَاطَ
بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مجمع
الْمُسْلِمِيْنَ يَوْمَ الْمَلْحَمَةِ بِالْغُوْطَةِ اِلٰى جَانِبِ مَدِيْنَةٍ
مسلمانان روز جنگ غوطه است جانب شهرے
يُقَالُ لَهَا دِمَشْقُ مِنْ خَيْرِ مَدَائِنِ الشَّامِ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ
که گفته میشود آنرا دمشق از بهترین شهرہاے شام است رواه ابوداود

۱ معقل بفتح میم ... ۱۲ مجمع
۲ فسطاط ... شهر ... ۱۲ مجمع
۳ بعضے گفته اند که این حدیث اشارت بخلافت علی ... و ملک معاویه
... و بعضے گفته که مراد دو ... قتال ...
... زیرا که منقطع ... و جهاد ... ۱۲

وعن عبد الرحمن بن سليمان قال سيأتي ملك من
روایت است از عبد الرحمن بن سلیمان گفت نزدیک است بیاید پادشاهے از
ملوك العجم فيظهر على المدائن كلها الا دمشق رواه ابو داؤد
پادشاهان عجم پس غالب میگردد بر همه شهرها مگر دمشق را رواه ابو داؤد

## باب الكسب وطلب الحلال

باب در بیان کسب و طلب حلال

يا ايها الناس كلوا مما في الارض حلالا طيبا ولا تتبعوا
اے مردمان بخورید از آنچه که در زمین است حلال پاکیزه و پیروی مکنید
خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين ○ انما يأمركم
گامهاے شیطان را بدرستیکه او شما را دشمن آشکاراست جز این نیست که حکم میکند شما
بالسوء والفحشاء وان تقولوا على الله ما لا تعلمون ○
به بدکاری و بیحیائی و آن که افترا کنید بر خدا آنچه نمیدانید
يا ايها الذين آمنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم واشكروا
اے مسلمانان بخورید از پاکیزه ہاے آنچه روزی داده ایم شما را و سپاس گوئید
لله ان كنتم اياه تعبدون ○ عن المقدام بن
خدا را اگر او را می پرستید روایت است از مقدام بن
معديكرب رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما اكل
معدیکرب رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم نخورد
احد طعاما قط خيرا من ان يأكل من عمل يديه وان نبي الله
هیچ یکے طعامے را بهتر از آنکه بخورد از کار هر دو دست خود بدرستیکه نبی خدا تعالیٰ
داؤد عليه السلام كان يأكل من عمل يديه رواه البخاري
داؤد علیه السلام بود که میخورد از عمل دستهاے خود رواه البخاری



وعن ابي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه
و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه
وسلم ان الله تعالى طيب لا يقبل الا طيبا وان الله تعالى
وسلم بدرستیکه خدا تعالیٰ پاک است قبول نمیکند مگر پاک را یعنے حلال را و بدرستیکه خدا تعالیٰ
امر المؤمنين بما امر به المرسلين فقال يا ايها الرسل
امر کرد مسلمانان را بچیزیکه امر کرد بدان پیغامبران را پس گفت اے پیغامبران
كلوا من الطيبات واعملوا صالحا ○ وقال الله تعالى يا ايها
بخورید از رزق هاے حلال و عمل کنید نیک و فرمود حق تعالیٰ اے
الذين آمنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم ثم ذكر الرجل
مومنان بخورید از طعام هاے پاک آنچه داده ایم شما را پس یاد کرد آنحضرت مردے را
يطيل السفر اشعث اغبر يمد يديه الى السماء يا رب
که دراز میکند سفر را که محل مظنه اجابت دعا است ژولیده سر گرد آلود و دراز میکرد اند بر دو دست خود را
يا رب ومطعمه حرام ومشربه حرام وملبسه حرام
اے رب حال آنکه خوردنی او حرام است و نوشیدنی او حرام است و پوشش او حرام است
وغذي بالحرام فانى يستجاب لذلك رواه مسلم
و پرورش کرده شد بحرام پس چگونه قبول کرده شود دعا مر او را رواه مسلم
وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
و هم از وی روایت گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم
يأتي على الناس زمان لا يبالي المرء ما اخذ منه امن
خواهد آمد بر مردم زمانے که باک ندارد مرد که چه چیز گرفته و خورده از مال آیا از
الحلال ام من الحرام رواه البخاري وعن النعمان
حلال یا از حرام رواه البخارے و روایت است از نعمان

ابن بشیر رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الحلال
ابن بشیر رضی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آنچه حلال است
بین والحرام بین وبینهما مشتبهات لا یعلمهن کثیر
ظاهر است وآنچه حرام است نیز هویدا است ودرمیان حلال وحرام چیزها است مشتبه که نمیدانند بسیاری
من الناس فمن اتقی الشبهات استبرأ لدینه وعرضه
از مردم پس کسیکه پرهیز کند شبهات را طلب برات کرد مردین خود وآبروی خود را
ومن وقع فی الشبهات وقع فی الحرام کالراعی یرعی حول
وکسیکه بیفتد در شبهات بیفتد در حرام مانند چرانده که میچراند گرد
الحمی یوشک ان یرتع فیه الا وان لکل ملک حمی الا وان
حمی نزدیک است که بچرد در حمی آگاه باشید بدرستیکه مر هر پادشاهی را حمی است وآگاه باشید که
حمی الله محارمه الا وان فی الجسد مضغة اذا صلحت
حمای خدا محارم اوست وآگاه باشید که در تن آدمی گوشت پاره ایست وقتیکه نیک شود از میل معاصی
صلح الجسد کله واذا فسدت فسد الجسد کله الا وهی
نیک شود همه تن وچون تباه شود آن مضغه تباه شود همه تن خبردار باشید که آن پاره
القلب متفق علیه وعن ابی جحیفة رضی الله عنه ان النبی
دل است متفق علیه وروایت است از ابی جحیفه رضی که آنحضرت
صلی الله علیه وسلم نهی عن ثمن الدم وثمن الکلب
صلی الله علیه وسلم منع کرد از فروختن خون ونهی کرد از بهای سگ
وکسب البغی ولعن آکل الربو وموکله والواشمة
وکسب بغی ولعنت کرد آنحضرت بر خورنده ربا را ولعنت کرد خوراننده ربا را ولعنت کرد واشمه
والمستوشمة والمصور رواه البخاری وعن عائشة رضی الله عنها
ومستوشمه را ولعنت کرد مصورت گر را رواه البخاری وروایت است از عائشه رضی



قالت قال النبی صلی الله علیه وسلم ان اطیب ما اکلتم من
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خوشتر وحلال ترین آنچه میخورید از
کسبکم وان اولادکم من کسبکم رواه الترمذی والنسائی
کسب شما است وبدرستیکه اولاد شما از کسب شما اند رواه الترمذی والنسائی
وابن ماجة وعن عبد الله بن مسعود رضی الله عنه عن رسول الله
وابن ماجه وروایت است از عبد الله بن مسعود رضی از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم قال لا یکسب عبد مال حرام فیتصدق
صلی الله علیه وسلم فرمود کسب نکند هیچ بنده مال حرام را پس تصدق کند
منه فیقبل منه ولا ینفق منه فیبارک له فیه ولا یترکه
از انکه قبول کرده شود آن تصدق ونه خرج کند از ان که برکت کرده شود مر او را در ان وبگذارد
خلف ظهره الا کان زاده الی النار ان الله لا یمحو السیئ
مال حرام را پس پشت خود مگر آنکه باشد آن مال توشه وی بسوی دوزخ بدرستیکه خدا تعالی دور نمیکند بد را
بالسیئ ولکن یمحو السیئ بالحسن ان الخبیث لا یمحو
به بد ولکن محو میکند بد را به نیک بدرستیکه پلید دور نمی کند
الخبیث رواه احمد وکذا فی شرح السنة وعن
پلید را رواه احمد همچنان است در شرح السنة وروایت است از
جابر رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم لا یدخل الجنة
جابر رضی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درنمی آید بهشت را
لحم نبت من السحت وکل لحم نبت من السحت کانت النار
گوشتیکه رویده شده است از حرام وهر گوشتیکه روئید از حرام باشد آتش
اولی به رواه احمد والدارمی والبیهقی فی شعب الایمان
نزدیکتر وسزاوارتر باو رواه احمد والدارمی وبیهقی در شعب الایمان

وعن الحسن بن علي رض قال حفظت من رسول الله صلى الله

وروایت است از حسن بن علی رض که گفت یاد گرفتم از پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم دع ما يريبك الى ما لا يريبك فان الصدق

علیه وسلم بگذار چیزیرا که در شک می اندازد ترا بسوی چیزیکه در شک نمی اندازد زیراکه صدق یقین

طمانينة وان الكذب ريبة رواه احمد والترمذي والنسائي

طمانیت دل است و بدرستیکه کذب سبب شک است رواه احمد و الترمذی و النسائی

وعن عطية السعدي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از عطیه سعدی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم لا يبلغ العبد ان يكون من المتقين حتى يدع ما لا بأس

وسلم نمیرسد بنده بآنکه باشد از متقیان تا آنکه بگذارد چیزیرا که نیست باک

به حذرا لما به بأس رواه الترمذي وابن ماجة وعن

درو از جهت ترسیدن از چیزیکه درو باک است رواه الترمذی و ابن ماجه و روایت است از

عبد الله بن مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

طلب كسب الحلال فريضة بعد الفريضة رواه البيهقي في

طلب کسب حلال فرض است بعد از فرض رواه بیهقی در

شعب الايمان وعن ابن عباس رض انه سئل عن اجرة

شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض که وی پرسیده شد از مزد

كتابة المصحف فقال لا بأس انما هم مصورون وانهم

نوشتن مصحف پس گفت باکی نیست نیستند ایشان مگر صورت گیرندگان و بدرستیکه ایشان

انما ياكلون من عمل ايديهم رواه رزين وعن

نمیخورند مگر از عمل دستهای خویش رواه رزین و روایت است از



رافع بن خديج رض قال قيل يا رسول الله اي الكسب اطيب

رافع بن خدیج رض گفت گفته شد ای پیغمبر خدا کدام کسب خوشتر است

قال عمل الرجل بيده وكل بيع مبرور رواه احمد وعن

فرمود عمل مرد است از دست خود و هر خرید و فروخت صحیح و مقبول در شرع رواه احمد و روایت است از

نافع قال كنت اجهز الى الشام والى مصر فجهزت الى

نافع گفت بودم که میفرستادم وکلای خود را با مال و اسباب بسوی شام و مصر پس تجهیز نمودم بسوی

العراق فاتيت الى ام المؤمنين عائشة رض فقلت لها

عراق پس آمدم نزد ام المؤمنین عائشه رض پس گفتم مر عایشه رض را

يا ام المؤمنين كنت اجهز الى الشام فجهزت الى العراق

ای مادر مومنان بودم که تجهیز میکردم هر بار بسوی شام پس تجهیز کردم این بار بسوی عراق

فقالت لا تفعل وما لك ولمتجرك فاني سمعت رسول الله

پس گفت عایشه مکن تجهیز بسوی عراق چه میکنی تو با تجارت خود پس بدرستیکه من شنیدم پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول اذا سبب الله لاحدكم رزقا

صلی الله علیه وسلم را که میگفت چون سبب گرداند خدا تعالی مر یکی را از شما رزقی

من وجه فلا يدعه حتى يتغير له او يتنكر له رواه احمد

بوجهی از وجوه باید که ترک نکند آنرا تا آنکه تغیر و تنکر شود مر او را رواه احمد

وابن ماجة وعن عائشة رض قالت كان لابي بكر

و ابن ماجه و روایت است از عایشه رض گفت بود مر ابی بکر رض را

غلام يخرج له الخراج فكان ابو بكر ياكل من خراجه

غلام که بیرون آورد برای وی وظیفه پس بود ابو بکر که میخورد از خراج آن غلام

فجاء يوما بشيء فاكل منه ابو بكر رض فقال له الغلام

پس آورد روزی آن غلام چیزی را روزی از جنس طعام پس خورد ابو بکر از آن چیز پس گفت ابو بکر را

تَدْرِي مَا هٰذَا فَقَالَ أَبُوْ بَكْرٍ وَمَا هُوَ قَالَ كُنْتُ تَكَهَّنْتُ لِإِنْسَانٍ

میدانی که چیست این طعام پس گفت ابوبکر چه چیز است گفت غلام بودم که کہانت کرده بودم مر یک آدمی را

فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَمَا أُحْسِنُ الْكَهَانَةَ إِلَّا أَنِّي خَدَعْتُهُ فَلَقِيَنِي

در ایام جاهلیت و نیک نمی دانستم کہانت را لیکن من فریب داده بودم او را پس ملاقات کرد مرا آن مرد

فَأَعْطَانِي بِذٰلِكَ فَهٰذَا الَّذِي أَكَلْتَ مِنْهُ قَالَتْ فَأَدْخَلَ

پس داد مرا بسبب آن کہانت پس این چیز که خوردی تو از آن است گفت عائشه پس در آورد

أَبُوْ بَكْرٍ يَدَهُ فَقَاءَ كُلَّ شَيْءٍ فِي بَطْنِهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

ابوبکر دست خود را در حلق خود پس قے کرد و بیرون انداخت هر چیز که بود در شکم وی رواه البخاری

وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ رضه أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی بکر رضه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ جَسَدٌ غُذِيَ بِالْحَرَامِ وَعَنْ زَيْدِ

فرمود در نمی آید بهشت را تنی که پرورده شده است بحرام و روایت است از زید

ابْنِ أَسْلَمَ رضه أَنَّهُ قَالَ شَرِبَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لَبَنًا وَأَعْجَبَهُ

بن اسلم رضه بدرستیکه گفت نوشید عمر بن الخطاب رض شیرے را و پسند آمد او را آن شیر

فَقَالَ لِلَّذِي سَقَاهُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هٰذَا اللَّبَنُ فَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ وَرَدَ

گفت عمر آن را که نوشانید آن شیر از کجا حاصل شده است ترا پس خبر داد او آنکس که وے آمد

عَلٰى مَاءٍ قَدْ سَمَّاهُ فَإِذَا نَعَمٌ مِنْ نَعَمِ الصَّدَقَةِ وَهُمْ يَسْقُوْنَ

بر جوئے تحقیق نام برد آن را پس ناگاه شتران از شتران زکات آنجا حاضر بودند و جماعت می نوشانیدند

فَحَلَبُوْا لِي مِنْ أَلْبَانِهَا فَجَعَلْتُهُ فِي سِقَائِي وَهُوَ هٰذَا فَأَدْخَلَ

پس دوشیدند برائے من از شیرهائے آنها پس گردانیدم آن شیر را در مشک خود و آن این شیر است پس در آورد

عُمَرُ يَدَهُ فَاسْتَقَاءَ رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ

عمر دست خود را و قے کرد روایهما البیهقی در کتاب شعب الایمان



وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضه قَالَ مَنِ اشْتَرٰى ثَوْبًا بِعَشَرَةِ دَرَاهِمَ

و روایت است از ابن عمر رضه گفت کسے که بخرد جامه را بده درم

وَفِيْهِ دِرْهَمٌ حَرَامٌ لَمْ يَقْبَلِ اللّٰهُ لَهُ صَلٰوةً مَا دَامَ عَلَيْهِ ثُمَّ

و در آن یک درهم حرام باشد قبول نمیکند خدا مر او را هیچ نماز تا آنکه جامه بر تن وے باشد پس

أَدْخَلَ إِصْبَعَيْهِ فِي أُذُنَيْهِ وَقَالَ صُمَّتَا إِنْ لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى

در آورد ابن عمر انگشت خود را در هر دو گوش خود و گفت کر شوند این دو گوش من اگر نمیت آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعْتُهُ يَقُوْلُهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي

الله علیه وسلم که شنیدم او را که گفت آن را رواه احمد والبیهقی در

شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَقَالَ إِسْنَادُهُ ضَعِيْفٌ وَعَنْ أَنَسٍ

شعب الایمان و گفت اسناد آن ضعیف است و روایت است از انس

عَنْ أَنَسٍ رضه قَالَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از انس رضه گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اجْعَلْنِي مُسْتَجَابَ الدَّعْوَةِ قَالَ يَا أَنَسُ أَطِبْ كَسْبَكَ تُسْتَجَبْ دَعْوَتُكَ

گردان مرا از کسانیکه دعای شان قبول کرده شود فرمود آنحضرت ای انس پاک گردان کسب خود را تا قبول کرده شود

فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرْفَعُ اللُّقْمَةَ إِلٰى فِيْهِ مِنْ حَرَامٍ فَمَا يُسْتَجَابُ

پس تحقیق هر مرد که می بردارد لقمه را بسوے دهن خود از حرام پس قبول کرده نشود دعاے

لَهُ أَرْبَعِيْنَ يَوْمًا رَوَاهُ الدَّيْلَمِيُّ

او چهل روز رواه دیلمی

## بَابُ الْمُسَاهَلَةِ فِي الْمُعَامَلَةِ

وَعَنْ حُذَيْفَةَ رضه قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از حذیفه رضه گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنَّ رَجُلًا كَانَ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَأَتَاهُ الْمَلَكُ لِيَقْبِضَ
که مردے بود درمیان آن کسانیکه بودند پیش از شما آمد اورا فرشته مرگ تا بگیرد

رُوحَهُ فَقِيلَ لَهُ هَلْ عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ قَالَ مَا أَعْلَمُ قِيلَ لَهُ
جان اورا پس گفته شد مر آنمرد را آیا کرده تو ایچ عمل از نیکی گفت آنمرد نمیدانم گفته شد

انْظُرْ قَالَ مَا أَعْلَمُ شَيْئًا غَيْرَ أَنِّي كُنْتُ أُبَايِعُ النَّاسَ فِي
ببین گفت آنمرد نمیدانم جز آنکه بودم که خرید و فروخت میکردم مردم را در

الدُّنْيَا وَأُجَازِيهِمْ فَأُنْظِرُ الْمُوسِرَ وَأَتَجَاوَزُ عَنِ الْمُعْسِرِ
دنیا و تقاضاے میکردم پس مهلت میدادم توانگر را و درگذر میکردم از فقیر

فَأَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ
پس داخل کرد اورا خدا تعالے در بهشت متفق علیه و در روایت مسلم

نَحْوَهُ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ وَأَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ
مانند این روایت است از عقبه بن عامر رض و ابی مسعود انصاری رض

فَقَالَ اللهُ تَعَالَى أَنَا أَحَقُّ بِذَا مِنْكَ تَجَاوَزُوا عَنْ عَبْدِي
پس گفت خدا تعالی که من کریم سزاوارترم بدان از تو درگذر کنید از بنده من

وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ
و روایت است از ابی قتاده رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِيَّاكُمْ وَكَثْرَةَ الْحَلِفِ فِي الْبَيْعِ فَإِنَّهُ يُنَفِّقُ ثُمَّ
علیه وسلم دور دارید خود را از بسیار سوگند در بیع زیرا که سوگند رواج میدهد در مال پس

يَمْحَقُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ
باطل میکرداند برکت را رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الْحَلِفُ مَنْفَقَةٌ
آنحضرت صلے الله علیه وسلم را که میگفت که سوگند محل رواج است



لِلسِّلْعَةِ مَمْحَقَةٌ لِلْبَرَكَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض
مر کالاے را و محل کاهیدن است برکت را متفق علیه و روایت است از ابی ذر رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ
از آنحضرت صلے الله علیه وسلم گفت آنحضرت سه کس اند که کلام نمی کند ایشان را خدا

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ
در روز قیامت و نظر رحمت نمی کند سوے ایشان و پاک نمیگرداند از ذنوب ایشان را و مر ایشان را

أَلِيمٌ قَالَ أَبُو ذَرٍّ خَابُوا وَخَسِرُوا مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللهِ
عذاب دردناک است گفت ابوذر نومید شدند و زیان کار شدند کیستند آنها اے رسول خدا

قَالَ الْمُسْبِلُ وَالْمَنَّانُ وَالْمُنَفِّقُ سِلْعَتَهُ بِالْحَلِفِ الْكَاذِبِ
گفت آنحضرت یکے از آن دراز کننده ازار است بطریق تکبر دوم منت نهنده بعد از عطا سوم

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ
رواه مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ
صلے الله علیه وسلم بازرگان راست گو امانت دار محشور می شود روز قیامت با پیغمبران

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَ
و صدیقان و شهیدان رواه الترمذی و الدارمے

الدَّارَقُطْنِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض وَعَنْ
و دار قطنی و روایت کرد این حدیث را ابن ماجه از ابن عمر رض و روایت است از

عُبَيْدِ بْنِ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عبید بن رفاعه از پدر خود از آنحضرت صلے الله علیه وسلم

قَالَ التُّجَّارُ يُحْشَرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فُجَّارًا إِلَّا مَنِ اتَّقَى وَبَرَّ
فرمود آنحضرت که سوداگران حشر کرده میشوند روز قیامت فجار مگر کسیکه پرهیزگاری کند از حرام و

وصدق رواه الترمذي وابن ماجة والدارمي وروى

وراست گوید رواه الترمذی و ابن ماجه والدارمی و روایت است از

البيهقي في شعب الايمان عن البراء

بیهقی در شعب الایمان از براء

# باب الربوا

باب در بیان سود

والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في

و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی نمایند آنرا در

سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم يوم يحمى عليها

راه خدا پس بشارت ده آنرا بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده میشود بران مال

في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم

در آتش دوزخ پس داغ کرده میشود بآن پیشانی های ایشان و پهلوهای ایشان و پشت های ایشان

هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون

و گفته شود اینست انچه ذخیره نهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

الذين ياكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذي

کسانیکه میخورند سود را برنخیزند از گور مگر چنانکه برخیزد کسیکه

يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما

دیوانه ساخت او را شیطان بسبب آسیب رسانیدن این بسبب آنست که سودخوران گفتند

البيع مثل الربوا واحل الله البيع وحرم الربوا فمن

سوداگری مانند سود است و حلال کرده است خدا سوداگری را و حرام ساخته است سود را پس کسیکه

جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف وامره

آمد وی را پند از جانب پروردگار وے پس باز ماند از بیکاری پس او راست انچه گذشت و کار او



الى الله ومن عاد فاولئك اصحب النار هم فيها خلدون ○

بخدا و کسیکه باز گشت بسود خواری پس آن گروه باشندگان دوزخ اند همیشه دران باشند

يمحق الله الربو ويربي الصدقات والله لا يحب كل

نابود میسازد خدا برکت سود را و افزون میسازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد هر

كفار اثيم ○ يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وذروا ما بقي

ناسپاس گناهگار را اے مومنان حذر کنید از خدا و ترک کنید انچه مانده است

من الربوا ان كنتم مؤمنين ○ فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب

از سود اگر هستید از اهل ایمان پس اگر نکردید پس خبردار باشید بجنگے

من الله ورسوله وان تبتم فلكم رءوس اموالكم لا تظلمون

از خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شما راست اصل مالهای شما نه شما ستم کنید

ولا تظلمون ○ يا ايها الذين امنوا لا تاكلوا الربوا

و نه شما ستم کرده شوید اے مومنان مخورید سود را

اضعافا مضاعفة ○ واتقوا الله لعلكم تفلحون ○ واتقوا

دو چندان بر بر تو و بترسید خدا را تا باشد که رستگار شوید و بترسید

النار التي اعدت للكافرين ○ واطيعوا الله والرسول

از آن آتش که آماده کرده شده است برای کافران و فرمان برید خدا و پیغامبر را

لعلكم ترحمون ○ عن جابر رض قال لعن رسول الله

شاید که شما مهربانی کرده شوید روایت است از جابر رض گفت لعنت کرده است آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اكل الربوا وموكله وكاتبه

صلی الله علیه وسلم خورنده ربا را و خوراننده ربا را و نویسنده آن را

وشاهديه وقال هم سواء رواه مسلم وعن ابي هريرة رض

و گواهان آنرا و فرمود که اینها برابراند در ورود لعنت رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض

عَنْ رَّسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيَاتِيَنَّ عَلَى
از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ فرمود آنحضرت ؐ هر آئینه می آید بر

النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى اَحَدٌ اِلَّا اٰكِلُ الرِّبٰوا فَاِنْ لَمْ يَاْكُلْهُ
مردمان زمانے کہ باقی نماند ہیچ یکے مگر آنکہ بخورد ربوا پس اگر نخورد ربوا

اَصَابَهٗ مِنْ بُخَارِهٖ وَيُرْوٰى مِنْ غُبَارِهٖ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ
میرسد او را از بخار و اثر آن و روایت کرده شد من غباره یعنے میرسد از گرد وے رواه احمد و ابوداؤد

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حَنْظَلَةَ
والنسائی وابن ماجہ و روایت است از عبد اللہ بن حنظلہ

غَسِيْلِ الْمَلَائِكَةِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
کہ او را غسیل ملائکہ گویند گفت عبد اللہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

دِرْهَمُ رِبٰوا يَاْكُلُهُ الرَّجُلُ وَهُوَ يَعْلَمُ اَشَدُّ مِنْ سِتَّةٍ وَّ
یک درہم کہ بخورد آن را مرد حال آنکہ وے میداند کہ سود است سخت تر است از ستی

وَثَلٰثِيْنَ زَنْيَةً رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارَقُطْنِيُّ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي
و ششش زنا رواه احمد و دار قطنے و روایت کرد بیہقے در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَزَادَ وَقَالَ مَنْ نَبَتَ لَحْمُهٗ
شعب الایمان و زیاده کرد بیہقی از ابن عباس ؓ این عبارت یعنے و گفت کسیکه بروید گوشت را

مِنَ السُّحْتِ فَالنَّارُ اَوْلٰى بِهٖ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض
از حرام پس آتش دوزخ سزاوار است بوے و روایت است از ابی ہریرہ رضہ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلرِّبٰوا سَبْعُوْنَ
گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم سود خوردن ہفتاد پاره است

جُزْءًا اَيْسَرُهَا اَنْ يَّنْكِحَ الرَّجُلُ اُمَّهٗ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض
ادنائے آن ہفتاد پاره اینست کہ وطی کند مرد مادر خود را و روایت است از ابن مسعود رضہ



قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الرِّبٰوا
گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکه مال ربا

وَاِنْ كَثُرَ فَاِنَّ عَاقِبَتَهٗ تَصِيْرُ اِلٰى قُلٍّ رَوَاهُمَا ابْنُ مَاجَةَ
اگرچه بسیار باشد پس تحقیق پایان کار او باز میگردد بسوی کمی و نقصان روایت کرد ہر دو حدیث را ابن ماجہ

وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَرَوَى اَحْمَدُ الْاَخِيْرَ وَعَنْ
و بیہقے در شعب الایمان و روایت کرد این حدیث اخیر را داؤ

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَتَيْتُ
ابی ہریره رضہ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم آمدم

لَيْلَةَ اُسْرِيَ بِيْ عَلٰى قَوْمٍ بُطُوْنُهُمْ كَالْبُيُوْتِ فِيْهَا الْحَيَّاتُ
در شب معراج بر گروہے کہ شکمهای ایشان مانند خانهاے کہ در آن مارہا اند

تُرٰى مِنْ خَارِجِ بُطُوْنِهِمْ فَقُلْتُ مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا
دیده میشود آن مارہا از بیرون شکمهاے ایشان پس گفتم من کیستند این گروه اے

جِبْرَئِيْلُ قَالَ هٰؤُلَاءِ اٰكَلَةُ الرِّبٰوا رَوَاهُ اَحْمَدُ
جبرئیل ؑ گفت این گروه خورندۂ رِبا اند رواه احمد

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَلِيٍّ رض اَنَّهٗ سَمِعَ رَسُوْلَ اللّٰهِ
و ابن ماجہ و روایت است از علی رضہ کہ وے شنید آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ اٰكِلَ الرِّبٰوا
صلے اللہ علیہ وسلم کہ لعنت میکرد خورندۂ ربوا را

وَمُوْكِلَهٗ وَكَاتِبَهٗ وَمَانِعَ الصَّدَقَةِ وَكَانَ
و خوراننده آن را و کاتب آن را و منع کننده زکواة را و بود آنحضرت ؐ

يَنْهٰى عَنِ النَّوْحِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض
کہ نہی میکرد از نوحہ کردن رواه نسائے و از انس رضہ مروی است

ل قُلّ بضم قاف بمعنی قلت یعنی قلت
بکسر قاف و تشدید لام بمعنی ذلت
بخاری ۱۲۵ محدث دہلی

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَقْرَضَ اَحَدُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم چون بدہد یکے از شما دیگرے را

قَرْضًا فَاَهْدٰى اِلَيْهِ اَوْ حَمَلَهٗ عَلَى الدَّابَّةِ فَلَا يَرْكَبْهُ

وام پس ہدیہ فرستد آنکہ قرض گرفتہ است بسوے قرض دہندہ یا سوار گرداند او را بر ستور پس باید کہ سوار

وَلَا يَقْبَلْهَا اِلَّا اَنْ يَكُوْنَ جَرٰى بَيْنَهٗ وَبَيْنَهٗ قَبْلَ ذٰلِكَ رَوَاهُ

و قبول نکند آن ہدیہ را مگر آنکہ جاری است و عادت شدہ است میان این و آن پیش از معاملہ قرض رواہ

ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ

ابن ماجہ و بیہقی در شعب ایمان و روایت است ہم از انس رضی اللہ عنہ از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا اَقْرَضَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَاْخُذْ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت وقتیکہ قرض دہد مردے مرد دیگر را پس باید کہ ہدیہ نگیرد

هَدِيَّةً رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِيْ تَارِيْخِهٖ هٰكَذَا فِي الْمُنْتَقٰى

از وام دہندہ روایت کرد بخاری در تاریخ خود این چنین است در منتقی

وَعَنْ اَبِيْ بُرْدَةَ بْنِ اَبِيْ مُوْسٰى رضی قَالَ قَدِمْتُ الْمَدِيْنَةَ

و روایت است از ابی بردہ بن ابی موسی رضی اللہ عنہ گفت قدوم آوردم مدینہ را

فَلَقِيْتُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ سَلَامٍ فَقَالَ اِنَّكَ بِاَرْضٍ فِيْهَا الرِّبٰوا

پس ملاقات کردم عبد اللہ بن سلام را پس گفت عبد اللہ مرا بدرستیکہ تو بزمینے ہستی کہ در وے ربا

فَاشٍ فَاِذَا كَانَ لَكَ عَلٰى رَجُلٍ حَقٌّ فَاَهْدٰى اِلَيْكَ حِمْلَ تِبْنٍ

آشکارا است پس چون باشد مر ترا بر مردے حقے یعنی وامے پس بفرستد آن مرد بسوے تو پشتارہ کاہ

اَوْ حِمْلَ شَعِيْرٍ اَوْ حِمْلَ قَتٍّ فَلَا تَاْخُذْهُ فَاِنَّهٗ رِبًوا رَوَاهُ

یا پشتارہ جو یا بفرستد بار علفے پس مگیر آن را پس تحقیق آن حکم ربا دارد رواہ

الْبُخَارِيُّ وَعَنِ الْاَسْوَدِ بْنِ ذَهَبٍ رضی دَخَلْتُ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ

بخاری و روایت است از اسود بن ذہب در آمدم بر آنحضرت



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ اَلَا اُنَبِّئُكَ بِشَيْءٍ مِنَ الرِّبٰوا عَسَى اللّٰهُ

صلی اللہ علیہ وسلم پس فرمود آیا خبر دہم ترا بچیزے کہ از ربا باشد عنقریب خدا تعالے

اَنْ يَنْفَعَكَ بِهٖ قُلْتُ بَلٰى قَالَ اِنَّ الرِّبٰوا اَبْوَابٌ اَلْبَابُ مِنْهُ عِدْلُ

نفع دہد ترا آن گفتم بلے یا رسول خدا فرمود بدرستیکہ سود انواع و اقسام است قسمے از آن برابر میشود

تِسْعِيْنَ حُوْبًا اَدْنَاهَا فَجْرَةٌ كَاضْطِجَاعِ الرَّجُلِ مَعَ اُمِّهٖ وَاِنَّ

نود معصیت ادنی گناہ آن بیحیائی است مانند خفتن مرد با مادر خود و بدرستیکہ

اَرْبَا الرِّبَا اِسْتِطَالَةُ الْمَرْءِ فِيْ عِرْضِ اَخِيْهِ بِغَيْرِ حَقٍّ ابْنُ مَنْدَهْ وَاَبُوْ نُعَيْمٍ

سخت تر ربا آبرو ریزی مرد است برادر خود ناحق و روایت کرد این حدیث را ابن مندہ و ابو نعیم

## بَابُ الْاِحْتِكَارِ

باب در بیان احتکار

عَنْ عُمَرَ رضی عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجَالِبُ

روایت است از عمر رضی اللہ عنہ از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کشندہ

مَرْزُوْقٌ وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُوْنٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ

رزق دادہ شدہ است و نگاہدارندہ لعنت کردہ شدہ رواہ ابن ماجہ والدارمی

وَعَنْ مَعْمَرٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از معمر رضی اللہ عنہ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

مَنِ احْتَكَرَ فَهُوَ خَاطِئٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضی

کسیکہ احتکار کند پس آن عاصی و آثم است رواہ مسلم و روایت است از عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنِ احْتَكَرَ

گفت شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسے کہ احتکار کند

عَلَى الْمُسْلِمِيْنَ طَعَامَهُمْ ضَرَبَهُ اللّٰهُ بِالْجُذَامِ وَالْاِفْلَاسِ

بر مسلمانان طعام ایشان را بزند او را خدا تعالے بجذام مرضی مشہور است و بافلاس

رواه ابن ماجة والبيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه

رواه ابن ماجه و بیهقی در شعب ایمان و رزین در کتاب خود

وعن ابن عمر رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عمر رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

من احتكر طعاما اربعين يوما يريد به الغلاء فقد برئ

کسیکه احتکار کند طعامی را چهل روز درحالیکه میخواهد بان گرانی غله را پس بدرستیکه بیزار شد آن مرد

من الله وبرئ الله منه رواه رزين وعن معاذ رضه

از خدا و بیزار شد خدایتعالی از وے رواه رزین و روایت است از معاذ رضه

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول بئس العبد

گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه و سلم را که میگفت بد بنده ایست

المحتكر ان ارخص الله الاسعار حزن وان اغلاها فرح

احتکار کننده اگر ارزان گرداند خدا نرخها را اندوهگین گردد و اگر گران گرداند نرخها را شادمان گردد

رواه البيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه وعن

رواه بیهقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود و روایت است از

ابي امامة رضه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من

ابی امامه رضه که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود کسیکه

احتكر طعاما اربعين يوما ثم تصدق به لم يكن له

احتکار کند غله چهل روز پستر تصدق کرد بان طعام نمی باشد آن تصدق کردن مراورا

كفارة رواه رزين

پوشنده گناه وے رواه رزین

## باب الافلاس والانظار والتشديد في الدين



وان كان ذو عسرة فنظرة الى ميسرة وان تصدقوا خير

و اگر باشد مفلسے پس لازم است مهلت دادن تا توانگرے و آنکه خیرات کنید بهتر است

لكم ان كنتم تعلمون ۝ واتقوا يوما ترجعون فيه الى الله

شما را اگر هستید داننده و حذر کنید از آن روز که بازگردانیده شوید در آن بسوی خدا

ثم توفى كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون ۝ عن

پس تمام داده شود هر شخصے آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند روایت است از

ابي هريرة رضه ان النبي صلى الله عليه وسلم قال كان

ابی هریره رضه که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که بود

رجل يداين الناس فكان يقول لفتاه اذا اتيت معسرا

مردے که معامله میکرد مردم را بوام پس بود آنمرد که میگفت مر غلام خود را وقتیکه بیائی تو فقیرے را

تجاوز عنه لعل الله ان يتجاوز عنا قال فلقي الله فتجاوز

درگذر از وے شاید که خدا درگذرد از ما فرمود آنحضرت پیش آمد آنمرد خدا را پس درگذشت از او

عنه متفق عليه وعن ابي قتادة رضه قال قال

از وے متفق علیه و روایت است از ابی قتاده رضه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من سره ان ينجيه الله

آنحضرت صلی الله علیه و سلم کسیکه شاد میگرداند او را که رستگار گرداند او را خدا

من كرب يوم القيمة فلينفس عن معسر او يضع عنه

از اندوهای روز قیامت پس باید که تاخیر کند طلب وام را از فقیر یا بنهد وام را از وے

رواه مسلم وعنه قال سمعت رسول الله صلى

رواه مسلم و هم از ابی قتاده است گفت شنیدم آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول من انظر معسرا او وضع عنه

الله علیه و سلم که میگفت کسیکه مهلت دهد معسر را یا بنهد وام را از وے

أنجاه الله من كرب يوم القيمة رواه مسلم وعن
رستگاری دہد اورا خدا تعالیٰ از اندوہہاے روز قیامت رواہ مسلم و روایت است از
أبي اليسر رضہ قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم
ابی یسر رضہ گفت شنیدم آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم
يقول من أنظر معسرا أو وضع عنه أظله الله في ظله
کہ میگفت کسیکہ مہلت دہد مفلس یا بنہد وام را از گردن وے جای دہد اورا خدا در سایہ عنایت خود
رواه مسلم وعن عمران ابن حصين رضہ قال قال
رواہ مسلم و روایت است از عمران بن حصین رضہ گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم من كان له على رجل حق
پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ باشد مر اورا بر مردے حقے و داے
فمن أخره كان له بكل يوم صدقة رواه أحمد
پس تاخیر کرد آنرا از کسیکہ بروے حق است باشد مر صاحب حق را روز ثواب صدقہ رواہ احمد
وعن جابر رضہ قال كان لي على النبي صلى الله عليه
و روایت است از جابر رضہ گفت کہ مرا بر آنحضرت صلی اللہ علیہ
وسلم دين فقضاني وزادني رواه أبو داود وعن
وسلم دامے پس ادا کرد مرا و زیادہ چیزے بطریق انعام رواہ ابوداؤد و روایت است از
عبد الله بن أبي ربيعة رضہ قال استقرض مني النبي صلى الله
عبداللہ بن ابی ربیعہ گفت قرض گرفت از من آنحضرت صلی اللہ
عليه وسلم أربعين ألفا فجاءه مال فدفعه إلي وقال
علیہ وسلم چہل ہزار پس آمد آنحضرت را مالے پس مرفع کرد آن چہل ہزار را بسوی من و فرمود
بارك الله تعالى في أهلك ومالك إنما جزاء السلف الحمد
برکت کند خدا تعالیٰ در اہل تو و در مال تو نیست پاداش قرض مگر حمد و شکر



والأداء رواه النسائي وعن أبي هريرة رضہ أن رجلا
و ادار آن رواہ النسائی و روایت است از ابی ہریرہ رضہ کہ مردے
تقاضى رسول الله صلى الله عليه وسلم فأغلظ له فهم أصحابه
طلب کرد از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس سخت گفت پس قصد کردند یاران وے
فقال دعوه فإن لصاحب الحق مقالا واشتروا له بعيرا
ایذای مرد را پس فرمود کہ بگذارید اورا زیراکہ مر صاحب حق را جاے گفتن است و بخرید براے وی شترے
فأعطوه إياه قالوا لا نجد إلا أفضل من سنه قال اشتروه
پس بدہید اورا آن شتر گفتند اصحاب نمی یابیم مگر زیادہ تر از سال شترِ وے فرمود بخرید آن را
فأعطوه فإن خيركم أحسنكم قضاء متفق عليه وعنه
پس بدہید وے را زیراکہ بہترین شما نیک ترین شما است در قضای دین متفق علیہ و ہم از وی مرویست
أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال مطل الغني ظلم
کہ پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود دیر داشتن توانگر وام را ظلم است
فإذا أتبع أحدكم على ملي فليتبع متفق عليه وعن
پس چون در پے فرستادہ شود یکے از شما بر توانگرے یعنے حوالہ کردہ شود پس باید کہ در پے رود متفق علیہ از
أبي هريرة رضہ عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من أخذ
ابی ہریرہ رضہ مرویست از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت کسے کہ بگیرد
أموال الناس يريد أداءها أدى الله عنه ومن أخذ
مالہای مردم را یعنے بوام و در حالتیکہ میخواہد ادای آن ادا میکند خدا تعالیٰ از جانب آن کسیکہ بگیرد
يريد إتلافها أتلفه الله عليه رواه البخاري وعن
در حالیکہ میخواہد ہلاک کردن مال مردم را ہلاک میگرداند خدا بروی یعنے اعانت نمی کند رواہ البخاری و از
أبي قتادة رضہ قال قال رجل يا رسول الله أرأيت إن قتلت
ابی قتادہ رضہ گفت کہ گفت مردے ای رسول خدا خبر دہ اگر کشتہ شوم

فِي سَبِيلِ اللهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ يُكَفِّرُ اللهُ

در راه خدا صبر کننده امید ثواب دارنده و پشت ندهنده آیا می پوشد خدا تعالے

عَنِّي خَطَايَايَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَمْ فَلَمَّا

از من گناهان من فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم آرے پوشیده شد گناهان تو پس چون

اَدْبَرَ نَادَاهُ فَقَالَ نَعَمْ إِلَّا الدَّيْنَ كَذٰلِكَ قَالَ جِبْرَئِيلُ رَوَاهُ

پشت داد آن مرد پس خواند او را پس گفت آنحضرت آرے می بخشد همه گناه را مگر وام همچنین گفت جبرئیل رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رضـ اَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

مسلم و روایت است از عبداللہ بن عمرو رضـ بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

علیہ وسلم فرمود آمرزیده میشود مر شهید را هر گناه مگر وام رواه مسلم

وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتّٰى يُقْضٰى عَنْهُ رَوَاهُ

وسلم ذات مسلمان آویخته شده است بوام و سبب وام خود وارد تا آنکه گذارده شود دین از وی رواه

الشَّافِعِيُّ وَاَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ

الشافعی واحمد والترمذی وابن ماجة والدارمی و روایت است از

الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

براء بن عازب رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

صَاحِبُ الدَّيْنِ مَأْسُورٌ بِدَيْنِهِ يَشْكُو اِلٰى رَبِّهِ الْوَحْدَةَ يَوْمَ

خداوند دین محبوس و اسیر است بدین خود گله میکند بسوے پروردگار خود تنهائی و وحشت را روز

الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ اَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ

قیامت رواه فی شرح السنة و روایت است از ابی سعید خدری رضـ



قَالَ اُتِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِجَنَازَةٍ لِيُصَلِّيَ عَلَيْهَا

گفت آورده شد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم جنازه را تا بگذارد بروے نماز

فَقَالَ هَلْ عَلٰى صَاحِبِكُمْ دَيْنٌ قَالُوا نَعَمْ قَالَ هَلْ تَرَكَ لَهُ مِنْ

پس گفت آنحضرت آیا هست بر وی وامی گفتند آرے هست فرمود آیا گذاشته است مر دین را چیزیکه

وَفَاءٍ قَالُوا لَا قَالَ صَلُّوا عَلٰى صَاحِبِكُمْ قَالَ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ

وفا کند ادای آن گفتند نگذاشته است فرمود نماز گزارید شما بر صاحب خود گفت علی رضـ ابن ابی طالب

عَلَيَّ دَيْنُهُ يَا رَسُولَ اللهِ فَتَقَدَّمَ فَصَلّٰى عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ مَعْنَاهُ

بر من دین اوست ای رسول خدا پس پیش آمد آنحضرت پس نماز گذارد بروی و در روایت دیگر معنی اینحدیث آمده

وَقَالَ فَكَّ اللهُ رِهَانَكَ مِنَ النَّارِ كَمَا فَكَكْتَ رِهَانَ اَخِيكَ

و این زیادت که گفت آنحضرت در حق علی رضـ که خلاص گرداند خدا نفس ترا چنانچه خلاص کردی نفس برادر

الْمُسْلِمِ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يَقْضِي عَنْ اَخِيهِ دَيْنَهُ اِلَّا فَكَّ

مسلمان خود را نیست هیچ بنده مسلمان که بگذارد از جانب برادر خود وام او را مگر آنکه خلاص گرداند

اللهُ رِهَانَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

خداے گرو او را روز قیامت رواه فی شرح السنة و روایت است از

ثَوْبَانَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ وَهُوَ

ثوبان رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکه بمیرد و حال آنکه

بَرِيءٌ مِنَ الْكِبْرِ وَالْغُلُولِ وَالدَّيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وی بیزار است از کبر و از خیانت کردن در غنیمت و از وام می درآید در بهشت رواه الترمذی

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِي مُوسٰى رضـ عَنِ النَّبِيِّ

وابن ماجه والدارمی و روایت است از ابی موسی رضـ از آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ اَعْظَمَ الذُّنُوبِ عِنْدَ اللهِ اَنْ يَلْقَاهُ

صلے اللہ علیہ وسلم فرمود بدرستیکه بزرگترین گناهان نزد خدا آنست که پیش آید خدا را

بها عبد بعد الكبائر التي نهى الله عنها ان يموت رجل
آن گناهان بعد از گناهان کبیره که نهی کرده است خدای از آن آنست که بمیرد بنده و حال آنکه
وعليه دين لا يدع له قضاء رواه احمد وابو داود وعن
بروی دین است و بے نگذارد بنده برائے ادای وے رواه احمد و ابوداؤد و در روایت است
سعيد بن الاطول قال مات اخي وترك ثلث مائة دينار
سعد بن الطول رض گفت مرد برادر من و بگذاشت سه صد دینار
وترك ولدا صغارا فاردت ان انفق عليهم فقال لي
و گذاشت اولاد خورد خواستم که خرج کنم آن دینارها بر اولاد وے پس فرمود مرا
رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اخاك محبوس بدينه
پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم بدرستیکه برادر تو محبوس است از وصول نعمت بسبب دین
فاقض عنه قال فذهبت فقضيت عنه ثم جئت فقلت
پس ادا کن از وے دین را گفت پس رفتم پس قضا کردم دین را از وی پس آمدم پس گفتم
يا رسول الله قد قضيت عنه ولم تبق الا امرأة تدعي
یا رسول الله تحقیق ادا کردم دین را از وے و باقی نماند مگر زنے که دعوے می کند
دينارين وليست لها بينة قال اعطها فانها صادقة
دو دینار را و نیست مر او را گواه گفت آنحضرت بده آنرا زیرا که وی راست میگوید شاید که بوحی دانست صدق او
رواه احمد وعن محمد بن عبد الله بن جحش قال
رواه احمد و روایت است از محمد بن عبد الله بن جحش گفت
كنا جلوسا بفناء المسجد حيث يوضع الجنائز ورسول الله
بودیم نشسته در صحن مسجد آنجا که نهاده مے شوند جنازها و حال آنکه آنحضرت
صلى الله عليه وسلم جالس بين ظهرينا فرفع رسول الله
صلے الله علیه وسلم نشسته بود میان ما پس برداشت پیغامبر خدا



صلى الله عليه وسلم بصره قبل السماء فنظر ثم طأطأ
صلی الله علیه وسلم بینائی خود را جانب آسمان پس نگاه کرد پستر پست کرد
بصره ووضع يده على جبهته قال سبحان الله سبحان الله
بصر خود را و نهاد دست خود بر پیشانی خود گفت سبحان الله سبحان الله
ماذا انزل من التشديد قال فسكتنا يومنا وليلتنا فلم نر
چه چیز فرود آمد از سخت گرفتن گفت راوی پس خاموش بودیم ما درین روز و شب پس ندیدیم
الا خيرا حتى اصبحنا قال محمد فسألت رسول الله صلى الله
مگر نیکی را تا آنکه صبح کردیم گفت راوی محمد پس سوال کردم آنحضرت صلے الله
عليه وسلم ما التشديد الذي نزل قال في الدين والذي
علیه وسلم را که چیست آن تشدید که فرود آمد گفت آنحضرت که آن تشدید در حق وام است سوگند
نفس محمد بيده لو ان رجلا قتل في سبيل الله ثم عاش
بآن خدائے که بقای محمد در دست اوست که اگر ثابت شدے که مردے کشته شد در راه خدا پستر زنده شد
ثم قتل في سبيل الله ثم عاش ثم قتل في سبيل الله
پستر کشته شد در راه خدا پستر زنده شد پستر کشته شد در راه خدا
ثم عاش وعليه دين ما دخل الجنة حتى يقضى عنه رواه
پستر زنده شد و حال آنکه بر وی وام است در نمی آید بهشت را تا آنکه ادا کرده شود دین او رواه
احمد وفي شرح السنة نحوه
احمد و در شرح السنة مانند آن حدیث

## باب الغصب

ولا تأكلوا اموالكم بينكم بالباطل وتدلوا بها الى الحكام
و مخورید اموال خویشتن را در میان خویش بناحق و مرسانید اموال خود را بسوی حاکمان

لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝
تا بخورید پاره از اموال مردمان بستم دانسته

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ
و نزدیک مشوید بمال یتیم و دران تصرف مکنید مگر بطریقے که آن نیکوتر باشد تا برسد بقوت خود یعنی بالغ شود

عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از سعید بن زید رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ أَخَذَ شِبْرًا مِّنَ الْأَرْضِ ظُلْمًا فَإِنَّهُ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ
وسلم کسیکه بگیرد یک دست از زمین بستم پس تحقیق طوق گردانیده شود آن زمین در گردن او

الْقِيٰمَةِ مِنْ سَبْعِ أَرَضِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
روز قیامت از هفت زمین متفق علیه و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ يَزِيدَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ
عبدالله بن یزید انصاری رض از آنحضرت صلے الله علیه وسلم که

نَهَىٰ عَنِ النُّهْبَةِ وَالْمُثْلَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي حُرَّةَ
نهی کرد آنحضرت از نهبه یعنی غارت بمال مسلم و از مثله یعنی عقوبت کردن ببریدن بینی و گوش در رواه است از ابی حره

الرَّقَاشِيِّ عَنْ عَمِّهِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
رقاشی از عم خود رض گفت آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ أَلَا لَا تَظْلِمُوا أَلَا لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ إِلَّا بِطِيبِ
وسلم آگاه باشید که ظلم نکنید و آگاه باشید حلال نیست مال مردے مگر بخوشی

نَفْسٍ مِّنْهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَالدَّارَقُطْنِيُّ
نفس از وے رواه بیهقی در شعب الایمان و دار قطنی

فِي الْمُجْتَبَىٰ وَعَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ رض قَالَ قَالَ
در کتاب مجتبے و روایت است از سالم از پدر خود رض گفت فرمود



رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَخَذَ مِنَ الْأَرْضِ شِبْرًا
آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بگیرد از زمین یک دست

بِغَيْرِ حَقِّهِ خُسِفَ بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِلَىٰ سَبْعِ أَرَضِينَ رَوَاهُ
بیحق شرعی فرو برده شود اورا روز قیامت تا هفت زمین رواه

الْبُخَارِيُّ وَعَنْ يَعْلَى بْنِ مُرَّةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ
بخاری و روایت است از یعلے بن مره رض گفت شنیدم آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ أَخَذَ أَرْضًا بِغَيْرِ حَقِّهَا كُلِّفَ
صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه بگیرد زمینے را بناحق تکلیف کرده شود

أَنْ يَحْمِلَ تُرَابَهَا الْمَحْشَرَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْهُ قَالَ
که بردارد بر سر خاک آن در حشر رواه احمد و هم از وے مرویست که گفت

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَيُّمَا رَجُلٍ ظَلَمَ
شنیدم آنحضرت صلے الله علیه وسلم را که میگفت هر مردے که بظلم بگیرد

شِبْرًا مِّنَ الْأَرْضِ كَلَّفَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَحْفِرَهُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ
یک شبر را از زمین تکلیف کند اورا خدائے عز و جل که بکند آن شبر زمین را تا آنکه برسد

آخِرَ سَبْعِ أَرَضِينَ ثُمَّ يُطَوَّقُهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ حَتَّىٰ يُقْضَىٰ
آخر هفت زمین را پس طوق گردانیده شود ان زمین اورا تا آخر روز قیامت تا آنکه تمام کرده شود

بَيْنَ النَّاسِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ رض قَالَ
حکم میان مردم رواه احمد و روایت است از ابی بکره رض گفت

خَطَبَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ النَّحْرِ قَالَ إِنَّ الزَّمَانَ
که خطبه خواند ما را آنحضرت صلے الله علیه وسلم بروز نحر و گفت که زمان یعنی سال

قَدِ اسْتَدَارَ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ
بتحقیق بازگشت بهیئت وے که در روز پیدا کردن خدا آسمان ها و زمین را بود

السَّنَةُ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ثَلٰثٌ مُتَوَالِيَاتٌ
سال دوازده ماه است ازان چهار ماه حرام است سه ماه پیهم آینده اند
ذُو الْقَعْدَةِ وَذُو الْحِجَّةِ وَالْمُحَرَّمُ وَرَجَبُ مُضَرَ الَّذِي بَيْنَ
و آن ذوالقعده و ذوالحجه و محرم و رجب که منسوب بسوی قبیله مضر است آنکه میان
جُمَادٰى وَشَعْبَانَ وَقَالَ أَيُّ شَهْرٍ هٰذَا قُلْنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ
جمادی الاخری و شعبان است و گفت آنحضرت کدام ماه است این گفتیم ما خدا و رسول خدا
أَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ بِغَيْرِ اسْمِهِ فَقَالَ
داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم ما که آنحضرت نزدیک است که نام برد او را بجز
أَلَيْسَ ذَا الْحِجَّةِ قُلْنَا بَلٰى قَالَ أَيُّ بَلَدٍ هٰذَا قُلْنَا اللّٰهُ
آیا نیست این ماه ذوالحجه گفتیم ما آرے فرمود آنحضرت که کدام شهر است این گفتیم خدا
وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ بِغَيْرِ
و رسول خدا دانا تر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم بتحقیق نزدیک است که نام برد او را
اسْمِهِ قَالَ أَلَيْسَ الْبَلْدَةَ قُلْنَا بَلٰى قَالَ فَأَيُّ يَوْمٍ هٰذَا
نام او فرمود آیا نیست این بلده گفتیم آرے فرمود پس کدام روز است این
قُلْنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ
گفتیم خدا و رسول خدا دانا تر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم که آنحضرت قریب است
بِغَيْرِ اسْمِهِ قَالَ أَلَيْسَ يَوْمَ النَّحْرِ قُلْنَا بَلٰى قَالَ فَإِنَّ
که نام دیگر برد فرمود آنحضرت آیا نیست این روز نحر گفتیم آرے فرمود آنحضرت پس بتحقیق
دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ
خونهای شما و مالهای شما و آبروهاے شما بر شما حرام است مانند حرمت
يَوْمِكُمْ هٰذَا فِي بَلَدِكُمْ هٰذَا فِي شَهْرِكُمْ هٰذَا وَسَتَلْقَوْنَ
روز شما که این است در شهر شما که این شهر است و نزدیک است که پیش آیید



رَبَّكُمْ فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ أَلَا فَلَا تَرْجِعُوا بَعْدِي ضُلَّالًا
به پروردگار شما پس بپرسد پروردگار شما از کردار شما آگاه باشید پس مگردید بعد از رفتن من از دنیا گمراهان
يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ
که بزند بعضے از شما گردنهاے بعضے را آگاه باشید آیا هست که رسانیدم رسالت را گفتند آرے گفت آنحضرت
اللّٰهُمَّ اشْهَدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ أَوْعٰى
بار خدایا گواه باش پس باید که برساند حاضر کسی را که غائب است پس بسا کسیکه رسانیده شده است یاد دارنده تر
مِنْ سَامِعٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض أَنَّهُ سَمِعَ
از کسیکه شنیده است متفق علیه و روایت است از ابی ذر رض بدرستیکه او شنید
رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنِ ادَّعٰى مَا لَيْسَ لَهُ
آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه دعوے کرد چیزی را که نیست مر او را
فَلَيْسَ مِنَّا وَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
پس آنکس نیست از ما و باید که بگیرد جای خود را از آتش رواه مسلم و روایت است از
خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ رض قَالَ غَزَوْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
خالد بن ولید رض گفت غزا کردم همراه آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ يَوْمَ خَيْبَرَ فَأَتَتِ الْيَهُودُ فَشَكَوْا أَنَّ النَّاسَ قَدْ
وسلم بروز جنگ خیبر پس آمدند یهود پس شکایت کردند که مردمان بتحقیق
أَسْرَعُوا إِلٰى حَظَائِرِهِمْ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
سرعت کردند بسوے درختان خرمای ما پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ أَلَا لَا يَحِلُّ أَمْوَالُ الْمُعَاهِدِينَ إِلَّا بِحَقِّهَا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
وسلم آگاه باشید که حلال نیست مالهاے اهل ذمه مگر بحق آن رواه ابوداؤد

## بَابُ الْأُرْثِيَاءِ

در بیان ... 

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ لَعَنَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ
روایت است از عبداللہ بن عمر رضـ گفت کہ لعنت کرد آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ رَوَاهُ أَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ
علیہ وسلم رشوت دہندہ را و گیرندہ را رواہ ابوداود و ابن ماجہ
وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ وَرَوَاهُ أَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ
و رواہ ترمذی از عبداللہ و از ابی ہریرہ رضـ و رواہ احمد و البیہقی
فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ عَنْ ثَوْبَانَ وَزَادَ وَالرَّائِشَ يَعْنِيْ وَالَّذِيْ
در شعب ایمان از ثوبان مولائے آنحضرت و زیادہ کرد بیہقی لفظ الرائش یعنی آنکس
يَمْشِيْ بَيْنَهُمَا وَعَنْ أَبِيْ أُمَامَةَ رضـ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ
کہ پیام کند میان ہر دو و از ابی امامہ رضـ مرویست کہ آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَفَعَ لِأَحَدٍ شَفَاعَةً فَأَهْدٰى لَهٗ هَدِيَّةً عَلَيْهَا
علیہ وسلم فرمود کسیکہ شفاعت کرد مر کسے را پس ہدیہ فرستاد مر آنکس را بر این شفاعت
فَقَبِلَهَا فَقَدْ أَتٰى بَابًا عَظِيْمًا مِّنْ أَبْوَابِ الرِّبَوا رَوَاهُ أَبُوْدَاوٗدَ
پس قبول کرد آنرا پس تحقیق آمد او باب عظیم را از ابواب ربوا رواہ ابوداود

## بَابٌ فِي الْهِبَةِ وَالْهَدِيَّةِ

باب در بیان ہبہ و ہدیہ

وَعَنْ أَنَسٍ رضـ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ
و روایت است از انس رضـ کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بود کہ
لَا يَرُدُّ الطِّيْبَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ عَنِ
رد نکرد قسم خوشبوی را رواہ بخاری و روایت است از ابی ہریرہ رضـ از
النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تُذْهِبُ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کہ ہدیہ فرستید زیرا کہ ہدیہ دور می کند



وَحَرَ الصَّدْرِ وَلَا تَحْقِرَنَّ جَارَةٌ لِجَارَتِهَا وَلَوْ شِقَّ
دو سینہ را و باید کہ حقیر نپندارد ہیچ زن برائے زنے کہ ہمسایہ اوست اگرچہ
فِرْسِنِ شَاةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رضـ أَنَّ النَّبِيَّ
بغر سم گوسپند رواہ ترمذی و روایت است از جابر رضـ کہ آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أُعْطِيَ عَطَاءً فَوَجَدَ فَلْيَجْزِ بِهٖ وَمَنْ
صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ دادہ شدہ چیزے پس یافت آنکس را پس باید کہ بدہد عوض
لَّمْ يَجِدْ فَلْيُثْنِ فَإِنَّ مَنْ أَثْنٰى فَقَدْ شَكَرَ وَمَنْ كَتَمَ فَقَدْ كَفَرَ
نیابد پس باید کہ ثنا کند دہندہ را زیرا کہ کسیکہ ثنا گوید پس تحقیق شکر کرد و کسیکہ پوشید احسان را پس تحقیق کفران
وَمَنْ تَحَلّٰى بِمَا لَمْ يُعْطَ كَانَ كَلَابِسِ ثَوْبَيْ زُوْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
و کسیکہ بیاراید خود را بچیزی کہ دادہ نشدہ باشد آنکس ہمچو پوشندہ دو جامہ دروغ رواہ ترمذی
وَأَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ
و ابوداود و روایت است از اسامہ بن زید گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صُنِعَ إِلَيْهِ مَعْرُوْفٌ فَقَالَ لِفَاعِلِهٖ
صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ کردہ شد بوے احسان پس گفت مر احسان کنندہ را
جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا فَقَدْ أَبْلَغَ فِي الثَّنَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
جزاک اللہ خیرا پس تحقیق مبالغہ کرد در ثنا رواہ ترمذی و روایت است از
أَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ
ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ
لَّمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللهَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ
شکر نگوید مردم را در احسان شکر نگوید خدائے را رواہ احمد و الترمذی
وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ
و روایت است از عائشہ رضـ از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت

تهادوا فإن الهدية تذهب الضغائن رواه الترمذي

هدیه بفرستید زیرا که هدیه دور میکند کینه ها و دشمنیها را رواه ترمذی

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عمر رض گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ثلث لا ترد الوسائد والدهن واللبن رواه الترمذي

سه چیز است که رد کرده نشود یکی بالینها دوم روغن سوم شیر رواه ترمذی

وقال هذا حديث غريب قيل أراد بالدهن الطيب وعن

و گفت این حدیث غریب است گفته شد که مراد آنحضرت از لفظ دهن خوشبوئی است و از

أبي عثمان النهدي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

ابی عثمان نهدی رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم إذا أعطي أحدكم الريحان فلا يرده فإنه خرج

وسلم چون داده شود یکی از شما ریحان پس باید که رد نکند آنرا پس بدرستیکه ریحان بیرون آمده

من الجنة رواه الترمذي مرسلا وعن ابن عباس رض

از بهشت رواه ترمذی مرسلا و از ابن عباس رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم العائد في هبته

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بازگردنده در هبه خود یعنی بازستاننده آنچیز را

كالكلب يعود في قيئه ليس لنا مثل السوء رواه البخاري

مانند سگ است که باز میگردد در قی خود و میخورد آنرا سزاوار نیست ما را حال قصه بدی رواه بخاری

وعن ابن عمر وابن عباس رض أن النبي صلى الله عليه

و روایت است از ابن عمر رض و ابن عباس رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال لا يحل للرجل أن يعطي عطية ثم يرجع فيها

وسلم گفت حلال نیست مر مرد را که بدهد چیزی را از هبه و صدقه و هدیه پستر رجوع کند در وے



إلا الوالد فيما يعطي ولده ومثل الذي يعطي العطية ثم يرجع

مگر والد در آنچه میدهد فرزند خود را و حال آن کسیکه میدهد چیزی را پستر رجوع می کند

فيها كمثل الكلب الذي أكل حتى إذا شبع قاء ثم عاد في

در آن همچو حال سگ است که میخورد چیزی را تا آنکه چون سیر شد قی کرد پستر باز گشت در

قيئه رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن ماجة

قی خود یعنی خوردن گرفت رواه ابوداود و ترمذی و النسائی و ابن ماجه

## باب الوصية

باب در بیان وصیت

عن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ما حق امرئ مسلم له شيء يوصي فيه يبيت ليلتين إلا

نیست حق مردی مسلمانی که مر او را چیزی است که صلاحیت آن دارد که وصیت کرده شود در وی و بگذارد دو شب را مگر آنکه

ووصيته مكتوبة عنده متفق عليه وعن جابر رض

وصیت وے نوشته شده است نزد وے متفق علیه و روایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من مات على وصية

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه مرد بر وصیت یعنی در وقت مردن وصیت کرد

مات على سبيل وسنة ومات على تقى وشهادة ومات

مرد بر راه و روش دین و مرد بر تقوی و شهادت و مرد در حالیکه

مغفورا له رواه ابن ماجة وعن أنس رض قال قال

آمرزیده شده است مر او را رواه ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من قطع ميراث وارثه قطع الله

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه قطع کند میراث وارث خود را قطع کند خدا تعالی

مِيْرَاثَهُ مِنَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ

میراث اورا از بہشت روز قیامت رواہ ابن ماجہ و رواہ بیہقی

فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض وَعَنْ اَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض

در شعب ایمان از ابی ہریرہ رض و روایت است از انس بن مالک رض

قَالَ كَانُوْا يَكْتُبُوْنَ فِيْ صُدُوْرِ وَصَايَاهُمْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

گفت بودند صحابہ رض کہ می نوشتند در شروع وصایائے خود بسم اللہ الرحمن الرحیم

هٰذَا مَا اَوْصٰى بِهٖ فُلَانٌ اَنَّهٗ يَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ

این چیزیست کہ وصیت کرد بآن فلان بدرستیکہ او گواہی میدہد باین کہ نیست خدا مگر خدائے واحد

لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کہ نہ شریک است مر او را و باینکہ محمد بندہ او و رسول اوست صلے اللہ علیہ وسلم

وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

و باینکہ قیامت آئیدہ است بلا شک و باینکہ خدا برانگیزد کسے را کہ

الْقُبُوْرِ وَاَوْصٰى مَنْ تَرَكَ مِنْ اَهْلِهٖ اَنْ يَّتَّقُوا اللّٰهَ وَيُصْلِحُوْا

در قبور است و وصیت کرد کسے را کہ گذاشتہ است از اہل و باینکہ پرہیزند از خدا و صلح کنند

ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَيُطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ وَاَوْصَاهُمْ

در میان خود و فرمان برداری کنند خدا و رسول او را اگر ہستند مسلمان و وصیت کرد آنہا را

بِمَا اَوْصٰى اِبْرَاهِيْمُ بَنِيْهِ وَيَعْقُوْبُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى

بآنکہ وصیت کرد ابراہیم فرزندان خود را و یعقوب بدرستیکہ خدا تعالیٰ برگزیدہ است

لَكُمُ الدِّيْنَ فَلَا تَمُوْتُنَّ اِلَّا وَاَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ ۝

برائے شما این دین را پس از این جہان نروید مگر مسلمان

عب ض وَسَنَدُهٗ صَحِيْحٌ

و سند آن صحیح است



# بَابُ الْاِجَارَةِ

باب در بیان اجارہ

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى ثَلٰثَةٌ اَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

وسلم فرمود خدا تعالے سہ کس اند کہ من پیکار کنندہ ایشانم روز قیامت

رَجُلٌ اَعْطٰى بِيْ ثُمَّ غَدَرَ وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَاَكَلَ ثَمَنَهٗ

یکے مردیست کہ دادہ است عہد و پیمان بنام من لیتر بیوفائی کرد و دیگر مردے کہ فروخت آزادے پس خورد بہای آزاد

وَرَجُلٌ اِسْتَاجَرَ اَجِيْرًا فَاسْتَوْفٰى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِهٖ اَجْرَهٗ

و سوم مردیست کہ بکرایہ گرفت مزدورے را پس استیفا کرد از وے یعنے عمل را و نداد او را مزدوری او را

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

رواہ بخاری و روایت است از عبد اللہ بن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَعْطُوا الْاَجِيْرَ اَجْرَهٗ قَبْلَ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدہید مزدور را مزد او پیش از آنکہ

اَنْ يَّجِفَّ عَرَقُهٗ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

خشک شود خوے او رواہ ابن ماجہ و روایت است از ابی ہریرہ رض

اَنَّهٗ عَلَّمَ رَجُلًا سُوْرَةً مِّنَ الْقُرْاٰنِ فَاَهْدٰى اِلَيْهِ ثَوْبًا

بدرستیکہ او تعلیم کرد مردے را یک سورہ از قرآن پس ہدیہ فرستاد آن مرد مر ابو ہریرہ رض کپڑا

اَوْ خَمِيْصَةً فَذَكَرَ ذٰلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

یا خمیصہ بود پس ذکر کردہ شد مر آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم پس فرمود

اِنَّكَ اِنْ اَخَذْتَهٗ اُلْبِسْتَ ثَوْبًا مِّنَ النَّارِ عَبْدُ بْنُ حُمَيْدٍ وَرُوَاتُهٗ ثِقَاتٌ

بدرستیکہ تو اگر میگیری پوشی تو پارچہ از آتش عبد بن حمید گفت راویان این حدیث ہمہ ثقہ اند

# كِتَابُ النِّكَاحِ

وَإِنْ خِفْتُمْ اَنْ لَّا تُقْسِطُوْا فِي الْيَتٰمٰى فَانْكِحُوْا مَا طَابَ لَكُمْ

واگر دانید که عدل نتوانید کرد در حق دختران یتیمه پس نکاح کنید آنچه خوش آید شمارا

مِّنَ النِّسَاۤءِ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا

از سائر زنان دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر دانید که درین صورت نیز عدل نتوانید کرد

فَوَاحِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ وَلَا تَنْكِحُوْا مَا نَكَحَ اٰبَاۤؤُكُمْ

پس نکاح کنید یک زن را یا بگیرید آنرا که مالک او شده دستهای است شما و نکاح مکنید کسی را که نکاح با او کرده اند پدران شما

مِّنَ النِّسَاۤءِ اِلٰى مُحْصِنِيْنَ غَيْرَ مُسَافِحِيْنَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

از زنان تا لفظ محصنین غیر مسافحین روایت است از عبد الله

ابْنِ مَسْعُوْدٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن مسعود رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاۤءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ

ای گروه جوانان کسیکه طاقت دارد از شما نکاح را پس باید که نکاح کند

فَاِنَّهُ اَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَاَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ

پس تحقیق که نکاح پوشنده تر است مر نظر را نگاه دارنده تر است شرمگاه را و کسیکه طاقت نکاح ندارد پس بروی است

بِالصَّوْمِ فَاِنَّهُ لَهُ وِجَاۤءٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو

که روزه دارد پس تحقیق روزه مر آنرا مانند خصی کردن است و از عبد الله بن عمرو مروی است

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلدُّنْيَا كُلُّهَا مَتَاعٌ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که دنیا همه نفع گرفتن و آسایش است

وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْاَةُ الصَّالِحَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و بهترین منافع دنیا زن نیکوکار است روایت کرد او را مسلم و از



اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثَةٌ

ابی هریره رضـ بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود سه چیز اند

حَقٌّ عَلَى اللّٰهِ عَوْنُهُمُ الْمُكَاتَبُ الَّذِيْ يُرِيْدُ الْاَدَاۤءَ وَالنَّاكِحُ الَّذِيْ

که ثابت است مر خدا را یاری دادن ایشان یکی مکاتب که میخواهد ادا را دوم نکاح کننده که

يُرِيْدُ الْعَفَافَ وَالْمُجَاهِدُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

میخواهد پارسائی را و سوم کسیکه کارزار میکند در راه خدا روایت است از ترمذی و النسائی

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و ابن ماجه و هم از ابی هریره رضـ مرویست گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اِذَا خَطَبَ اِلَيْكُمْ مَّنْ تَرْضَوْنَ دِيْنَهُ وَخُلُقَهُ فَزَوِّجُوْهُ اِنْ لَّا تَفْعَلُوْهُ

وقتیکه خواستگاری کند بسوی شما کسیکه راضی هستید شما دین او را و خلق او را پس تزویج کنید او را اگر نکنید

تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْاَرْضِ وَفَسَادٌ عَرِيْضٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

پیدا میشود آزمایش و بلا در زمین و تباهی و خرابی بسیار رواه ترمذی

وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از معقل بن یسار گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تَزَوَّجُوا الْوَدُوْدَ الْوَلُوْدَ فَاِنِّيْ مُكَاثِرٌ بِكُمُ الْاُمَمَ رَوَاهُ اَبُوْ دَاؤُدَ

نکاح کنید زن دوست دارنده شوهر را بسیار زاینده را زیرا که من غالب آینده ام بسبب شما امتهارا

وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ ابْنِ سَالِمِ بْنِ عُتْبَةَ بْنِ عُوَيْمِ

والنسائی و روایت است از عبد الرحمن بن سالم بن عتبه بن عویم

بْنِ سَاعِدَةَ الْاَنْصَارِيِّ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بن ساعده انصاری از پدرش و آن از جدش گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِالْاَبْكَارِ فَاِنَّهُنَّ اَعْذَبُ اَفْوَاهًا

صلی الله علیه وسلم بر شما است که نکاح کنید بکران را زیرا که بکران شیرین تر است دهن های ایشان

وَاَنْتَقُ اَرْحَامًا وَاَرْضٰی بِالْیَسِیْرِ رَوَاهُ اِبْنُ مَاجَةَ مُرْسَلًا

وحمل گیرنده تراست رحمہائے ایشان وراضی شونده تر اند باندک وآسان از ارال خلق وجماع رواه ابن ماجه

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عباس رض گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَمْ تَرَ لِلْمُتَحَابَّیْنِ مِثْلَ النِّكَاحِ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ

نمی بینی برائے دو کسیکه دوست میدارند یکدیگر را مانند وصله نکاح واز انس رض مرویست گفت که فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَرَادَ اَنْ یَلْقَی اللّٰهَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه اراده میکند که پیش آید درگاه حق را پاک

طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْیَتَزَوَّجِ الْحَرَائِرَ وَعَنْ اَبِیْ اُمَامَةَ

پاک کرده شده پس باید که نکاح کند زنان اصیل وآزاد را و روایت است از ابی امامه رض

عَنِ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ یَقُوْلُ مَا اسْتَفَادَ

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه آنحضرت فرمود حاصل نکرد

الْمُؤْمِنُ بَعْدَ تَقْوَی اللّٰهِ خَیْرًا لَهُ مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ اِنْ

مسلمان بعد از تقوای خدا هیچ چیزے بهتر مر او را از زن نیک خوئے وخوبروے اگر

اَمَرَهَا اَطَاعَتْهُ وَاِنْ نَظَرَ اِلَیْهَا سَرَّتْهُ وَاِنْ اَقْسَمَ

بفرماید مرد آن زن را فرمانبرداری او کند واگر نگاه کند بسوی آن شاد گرداند او را واگر سوگند خورد مرد

عَلَیْهَا اَبَرَّتْهُ وَاِنْ غَابَ عَنْهَا نَصَحَتْهُ فِیْ نَفْسِهَا وَمَالِهِ رَوَی

بر آن زن راستگر گرداند او را واگر غائب گردد مرد از آن زن خیرخواهی کند او را در نفس خود ومال او

اِبْنُ مَاجَةَ الْاَحَادِیْثَ الثَّلٰثَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض

روایت کرد ابن ماجه این سه حدیث را و روایت است از عائشه رض

قَالَتْ قَالَ النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَعْظَمَ النِّكَاحِ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بزرگترین نکاح



بَرَكَةً اَیْسَرُهُ مُؤْنَةً وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

از روی برکت آسان ترین از روی بار است و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ

صلی الله علیه وسلم وقتیکه نکاح کند بنده پس تحقیق کامل میگرداند نصف دین را

الدِّیْنِ فَلْیَتَّقِ اللّٰهَ فِی النِّصْفِ الْبَاقِیْ رَوَاهُمَا الْبَیْهَقِیُّ فِیْ

پس باید که بپرهیزد خدا را در نصف باقی رواهما بیهقی در

شُعَبِ الْاِیْمَانِ وَعَنْ اَبِیْ سَعِیْدٍ وَّابْنِ عَبَّاسٍ رض

شعب الایمان و روایت است از ابی سعید وابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مَنْ وُلِدَ لَهُ وَلَدٌ

گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه پیدا شود او را فرزند

فَلْیُحْسِنْ اِسْمَهُ وَاَدَبَهُ فَاِذَا بَلَغَ فَلْیُزَوِّجْهُ فَاِنْ بَلَغَ

پس باید که نام نیک دارد وادب دهد او را پس چون برحد بلوغ رسد پس باید که تزویج کند او را

وَلَمْ یُزَوِّجْهُ فَاَصَابَ اِثْمًا فَاِنَّمَا اِثْمُهُ عَلٰی اَبِیْهِ وَعَنْ

ونکرد نکاح او پس رسید آن فرزند گناه را پس جز این نیست که گناه او بر پدر او باشد واز

عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَاَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی

عمر بن الخطاب رض مرویست واز انس بن مالک رض نیز از آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِی التَّوْرٰىةِ مَكْتُوْبٌ مَنْ بَلَغَتْ

الله علیه وسلم فرمود آنحضرت که در توریت نوشته است کسیکه برسد

اِبْنَتُهُ اثْنَتَیْ عَشْرَةَ سَنَةً وَلَمْ یُزَوِّجْهَا فَاَصَابَتْ

دختر او وا ده سال را ونکاح نکند آنکس آن دختر را پس برسد آن دختر

اِثْمًا فَاِثْمُ ذٰلِكَ عَلَیْهِ رَوَاهُمَا الْبَیْهَقِیُّ فِیْ شُعَبِ الْاِیْمَانِ

بزه را پس بزه آن بر آن کس است روایت کرده است آنرا بیهقی در شعب الایمان

# باب النظر الى المخطوبة وبيان العورات

باب در احادیث دیدن بسوی زنیکه خواستگاری کنند وبیان اعضاے نادیدنی

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ

وکلان سال از زنان آنانکه توقع نکاح دارند پس نیست بر ایشان

جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ص

بزه درانکه فرو نهند جامهاے خود را نه ظاهر کنان آرایش را

وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ه قُلْ

واگر پرهیزگاری کنند بهتر است ایشان را و خدا شنوا دانا است بگو

لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

بمسلمان مردان که بپوشند چشمهاے خود را ونگاه دارند شرمگاهاے خود را

ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ه وَقُلْ

این پاکیزه تر است ایشان را هر آئینه خدا خبردار است بانچه میکنند وبگو

لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

زنان مسلمانان را که بپوشند چشمهاے خود را ونگاه دارند شرمگاهاے خود را

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ

وآشکارا نکنند آرایش خود را مگر آنچه ظاهر شود ازین مواضع وباید که فرو گزارند

بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا

دامنهاے خود را بر گریبانهاے خود را ونه نمایند آرایش خود را مگر

لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ

بشوهران خویش یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران خویش

أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ

یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش



أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ

یا پسران همشیرگان خویش یا زنان خویش یا آنچه مالک او شده است دستهاے ایشان

أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ

یا تابعینیکه صاحب شهوت نباشند از مردان یعنی پیران یا طفلانیکه

الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ

هنوز مطلع نشده اند بر شرمگاه زنان ونزنند زمین

بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ

بپای خویش تا دانسته شود آنچه پنهان میکنند از زیور خویش و رجوع کنید بسوے خدا

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی سعید رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَىٰ عَوْرَةِ الرَّجُلِ وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَىٰ

وسلم نظر نکند مرد بسوے عورت مرد ونه زن بسوے

عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ

عورت زن ونه رسد مرد بسوے مرد در یک جامه

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رضـ قَالَ قَالَ

رواه مسلم وروایت است از عقبه بن عامر رضـ گفت فرمود

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِيَّاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى

آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم دور دارید خود را از در آمدن بر

النِّسَاءِ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ الْحَمْوَ قَالَ

زنان بیگانه پس گفت مردے یا رسول اللہ خبر ده مرا از حال حمو فرمود آنحضرت صلعم

الْحَمْوُ الْمَوْتُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رضـ

که حمو مرگ است یعنی فتنه وے بیشتر است متفق علیه وروایت است از جریر بن عبد اللہ رضـ

قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ نَظَرِ
گفت پرسیدم آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را از نظر
الْفُجَاءَةِ فَأَمَرَنِي أَنْ أَصْرِفَ بَصَرِي رَوَاهُ مُسْلِمٌ
ناگہانی پس امر کرد مرا کہ بگردانم نظر خود را رواہ مسلم
وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از جابر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَرْأَةَ تُقْبِلُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ وَتُدْبِرُ فِي
وسلم بدرستیکہ زن پیش می آید در صورت شیطان و پس میرود در
صُورَةِ شَيْطَانٍ إِذَا أَحَدُكُمْ أَعْجَبَتْهُ الْمَرْأَةُ فَوَقَعَتْ
صورت شیطان و ہرگاہ یکے از شما خوش آید او را زنے پس افتاد آن زن
فِي قَلْبِهِ فَلْيَعْمِدْ إِلَى امْرَأَتِهِ فَلْيُوَاقِعْهَا فَإِنَّ ذٰلِكَ يَرُدُّ
در دل آن مرد پس باید کہ قصد کند آن مرد بسوے زن خود پس باید کہ جماع کند زن خود را پس آن جماع دور کند
مَا فِي نَفْسِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
چیزیرا کہ در نفس وے است از میلان رواہ مسلم و روایت است از جابر رضـ گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَطَبَ أَحَدُكُمُ الْمَرْأَةَ فَإِنِ
صلے اللہ علیہ وسلم چون خواہد یکے از شما کہ خواستگاری کند زنے را پس اگر
اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَا يَدْعُوهُ إِلَى نِكَاحِهَا فَلْيَفْعَلْ
بتواند نظر کند بسوے چیزے کہ باعث میشود او را بسوے نکاح او پس باید کہ بکند نظر را
رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رضـ قَالَ
رواہ ابوداؤد و روایت است از مغیرہ بن شعبہ رضـ کہ گفت
خَطَبْتُ امْرَأَةً فَقَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
خواستگاری کردم زنے را پس فرمود مرا پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم



هَلْ نَظَرْتَ إِلَيْهَا قُلْتُ لَا قَالَ فَانْظُرْ إِلَيْهَا فَإِنَّهُ أَحْرٰى
آیا دیدہ تو بسوے آن زن گفتم نظر نکردم بسوے آن فرمود نظر کن بسوے او زیرا کہ نظر کردن سزاوار تر است
أَنْ يُؤْدَمَ بَيْنَكُمَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ
بوقوع الفت و اتفاق میان شما رواہ احمد و الترمذی و النسائی
وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ بُرَيْدَةَ رضـ قَالَ قَالَ
و ابن ماجہ و الدارمی و روایت است از بریدہ رضـ گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيٍّ يَا عَلِيُّ لَا تُتْبِعِ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم علی مرتضی را اے علی تابع مگردان
النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَإِنَّ لَكَ الْأُولٰى وَلَيْسَتْ لَكَ الْآخِرَةُ
یک نظر را بنظر دیگر زیرا کہ بدرستیکہ جائز است ترا نظر نخستین و جائز نیست مر ترا نظر پسین
رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ
رواہ احمد و الترمذی و ابوداؤد و الدارمی و روایت است از
عَلِيٍّ رضـ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ
علی رضـ کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم مرا امر کرد کہ اے علی
لَا تُبْرِزْ فَخِذَكَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى فَخِذِ حَيٍّ وَلَا مَيِّتٍ
ظاہر مکن ران خود را و نگاہ مکن ران زندہ را و نہ مردہ را
رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ
رواہ ابوداؤد و ابن ماجہ و روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِيَّاكُمْ وَالتَّعَرِّيَ فَإِنَّ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دور دارید خود را از برہنگی زیرا کہ
مَعَكُمْ مَنْ لَا يُفَارِقُكُمْ إِلَّا عِنْدَ الْغَائِطِ وَحِينَ يُفْضِي الرَّجُلُ
با شما کسے است کہ جدا نمیشود از شما مگر نزد قضاے حاجت و دیگر ہنگامے کہ میرسد مرد

إِلَى أَهْلِهِ فَاسْتَحْيُوهُمْ وَأَكْرِمُوهُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بسوی اہل خود جماع میکنند پس شرم دارید ایشان را و گرامی دارید ایشان را رواہ ترمذی و روایت است از

أُمِّ سَلَمَةَ رض أَنَّهَا كَانَتْ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ام سلمہ رض کہ وے بود نزد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

وَمَيْمُونَةُ رض إِذْ أَقْبَلَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و میمونہ رض نیز بود ناگاہ روی آورد ابن ام مکتوم کہ اعمی بود پس درآمد ابن ام مکتوم بر آنحضرت پس فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احْتَجِبَا مِنْهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَلَيْسَ

صلے اللہ علیہ وسلم در پردہ شوید از وے پس گفتیم یا رسول اللہ آیا نیست

هُوَ أَعْمَى لَا يُبْصِرُنَا فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وے کور کہ نمی بیند ما را پس گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

أَفَعَمْيَاوَانِ أَنْتُمَا أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

آیا پس کورید شما آیا نیستید شما کہ می بینید اورا رواہ احمد و الترمذی

وَأَبُودَاوُدَ وَعَنْ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و ابوداؤد و روایت است از عمر رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود

قَالَ لَا يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ ثَالِثُهُمَا الشَّيْطَانُ رَوَاهُ

خلوت نکند ہیچ مردی بزنی مگر آنکہ باشد سوم آنہا شیطان رواہ

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ مَا نَظَرْتُ أَوْ مَا رَأَيْتُ

الترمذی و روایت است از عائشہ رض گفت ندیدم یا گفت نگاہ نکردم

فَرْجَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَطُّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اندام شرم پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم را ہرگز رواہ ابن ماجہ

وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی امامہ رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم



قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَنْظُرُ إِلَى مَحَاسِنِ امْرَأَةٍ أَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَغُضُّ

فرمود آنحضرت نیست ہیچ مسلمانے کہ نظر کند بخوبیہای زنے اول بار پستر فرو خوابانید

بَصَرَهُ إِلَّا أَحْدَثَ اللّٰهُ لَهُ عِبَادَةً يَجِدُ حَلَاوَتَهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ

چشم خود را مگر آنکہ نو پیدا گرداند خدا تعالی برای آنکس عبادتی را کہ بیابد شیرینی آنرا رواہ احمد

وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا قَالَ بَلَغَنِي أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از حسن البصری رض الطریق مرسل گفت رسیدہ است مرا کہ بدرستیکہ آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَعَنَ اللّٰهُ النَّاظِرَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ

اللہ علیہ وسلم فرمودہ است لعنت کند خدا نظر کنندہ را بسوی عورت غیر و کسیرا کہ نظر کردہ شدہ است

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

رواہ بیہقی در شعب الایمان

## بَابُ الْمُبَاشَرَةِ

باب در بیان مباشرت

وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ

و سوال میکنند ترا از حیض بگو کہ وے نجاست پس یکسو شوید از زنان

فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ

در حال حیض و نزدیکی مکنید با ایشان تا آنکہ پاک شوند پس چون پاک شوند

فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ

پس بیائید با ایشان از آن راہ کہ مباح کردہ است خدا بر آمینہ خدا دوست میدارد تائبان را

وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ

و دوست میدارد پاک شوندگان را و روایت است از ابی سعید رض کہ فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَعْظَمَ الْأَمَانَةِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ بزرگترین امانت

عِنْدَ اللهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَفِيْ رِوَايَةٍ اِنَّ مِنْ اَشَرِّ النَّاسِ

نزد خدا تعالیٰ روز قیامت و در روایت دیگر این چنین آمده که بدترین مردم

عِنْدَ اللهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ الرَّجُلُ يُفْضِيْ اِلَى امْرَأَتِهٖ

نزد خدا تعالیٰ در مرتبه روز قیامت مردیست که برسد ببوی زن خود

وَتُفْضِيْ اِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و برسد زن ببوی وی پس بپراگنده کند راز نهانی آن زن را رواه مسلم و روایت است از

خُزَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ رضـ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خزیمه بن ثابت رضـ هرآئینه فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم

قَالَ اِنَّ اللهَ لَا يَسْتَحْيِيْ مِنَ الْحَقِّ لَا تَأْتُوا النِّسَاءَ فِيْ

بدرستیکه خدا تعالیٰ شرم نمیدارد از حق میائید زنان را یعنی وطی مکنید در

اَدْبَارِهِنَّ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ

دبرهای ایشان رواه احمد والترمذی و ابن ماجه والدارمی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَلْعُوْنٌ مَنْ اَتَى امْرَأَتَهٗ فِيْ دُبُرِهَا رَوَاهُ

علیه وسلم لعنت کرده شده است کسیکه بیاید زن خود را در دبر او رواه

اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاؤُدَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى

احمد و ابوداؤد و هم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلے

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الَّذِيْ يَأْتِي امْرَأَتَهٗ فِيْ دُبُرِهَا لَا يَنْظُرُ

اللہ علیه وسلم بدرستیکه کسیکه بیاید زن خود را در دبر او نظر نکند

اللهُ اِلَيْهِ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ

خدا تعالیٰ ببوی او رواه در شرح السنة و روایت است از ابن عباس رضـ



قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ اللهُ اِلٰى

گو فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم نظر نمیکند خدا تعالیٰ ببوی

رَجُلٍ اَتٰى رَجُلًا اَوِ امْرَأَةً فِي الدُّبُرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

مردے که بیاید مردے را یا زنے را در دبر رواه ترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَتٰى حَائِضًا اَوِ امْرَأَةً فِيْ دُبُرِهَا اَوْ

علیه وسلم کسیکه بیاید زن حائضه را یا بیاید در دبر زن یا

كَاهِنًا فَصَدَّقَهٗ بِمَا يَقُوْلُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا اُنْزِلَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بیاید کاهن را پس تصدیق کرد کاهن را بچیزیکه گفته است پس تحقیق کافر شد بآنچه فرود آورده شده است بر محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

صلے اللہ علیه وسلم رواه ابن ماجه

## بَابُ الْوَلِيْمَةِ وَبَيَانِ اِجَابَةِ الدَّعْوَةِ

باب در بیان طعام ولیمه و بیان قبول نمودن دعوت

عَنْ اَنَسٍ رضـ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَاٰى عَلٰى

روایت است از انس رضـ که آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم دید بر

عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَوْفٍ اَثَرَ صُفْرَةٍ فَقَالَ مَا هٰذَا قَالَ اِنِّيْ

عبدالرحمن بن عوف اثر زردے پس فرمود چه چیز است این زردی گفت عبدالرحمن بدرستیکه

تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً عَلٰى وَزْنِ نَوَاةٍ مِنْ ذَهَبٍ قَالَ بَارَكَ

من نکاح کرده ام زنے را بوزن دانه خرما از طلا گفت آنحضرت برکت دهد

اللهُ لَكَ اَوْلِمْ وَلَوْ بِشَاةٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

خدا تعالیٰ مرترا ولیمه کن اگرچه بگوسپندے هم باشد متفق علیه و هم از وے مرویست گفت

اَوْلَمَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِيْنَ بَنٰى بِزَيْنَبَ
ولیمه کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم ہنگامیکہ زفاف کرد بزینب
بِنْتِ جَحْشٍ فَاَشْبَعَ النَّاسَ خُبْزًا وَّلَحْمًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
بنت جحش پس سیر گردانید مردمان را بنان و گوشت روا ه البخاری
وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيْمَةِ يُدْعٰى لَهَا الْاَغْنِيَاءُ
وسلم بدترین طعامہا طعام ولیمہ است کہ خواندہ میشود برائے آن توانگران
وَيُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ وَمَنْ تَرَكَ الدَّعْوَةَ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ
وگذاشتہ میشوند درویشان و کسیکہ ترک کند اجابت دعوت را پس بتحقیق نافرمانی کرد خدا
وَرَسُوْلَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ
و رسول خدا را متفق علیہ و روایت است از جابر رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا دُعِيَ اَحَدُكُمْ اِلٰى
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم چون خواندہ شود یکے از شما بسوے
طَعَامٍ فَلْيُجِبْ فَاِنْ شَاءَ طَعِمَ وَاِنْ شَاءَ تَرَكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
طعام پس باید کہ بپذیرد آنرا پس اگر خواہد بخورد و اگر خواہد نخورد روا ہ مسلم
وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
و روایت است از عبد اللہ بن عمر رض گفت آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ دُعِيَ فَلَمْ يُجِبْ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ
اللہ علیہ وسلم کسیکہ خواندہ شد بطعامی پس اجابت نکرد پس بتحقیق نافرمانی کرد خدا و رسول خدا را
وَمَنْ دَخَلَ عَلٰى غَيْرِ دَعْوَةٍ دَخَلَ سَارِقًا وَخَرَجَ مُغِيْرًا
و کسیکہ در آید ناخواندہ در آید گویا کہ دزدی کنندہ است و بیرون آمد گویا کہ غارت کنندہ است



رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ رَجُلٍ مِّنْ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى
رواہ ابو داود و روایت است از مردے از اصحاب آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ
اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود
اِذَا اجْتَمَعَ الدَّاعِيَانِ فَاَجِبْ اَقْرَبَهُمَا بَابًا وَاِنْ سَبَقَ اَحَدُهُمَا
وقتیکہ جمع شوند دو داعی یعنی دو کس دعوت کنندہ پس اجابت کن از آنکہ نزدیکتر است در وے
فَاَجِبِ الَّذِيْ سَبَقَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ عِمْرَانَ
پس اجابت کن آن کسے را کہ پیشی کردہ است روا ہ احمد و ابو داود و روایت است از عمران
اِبْنِ حُصَيْنٍ قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ
بن حصین کہ نہی کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم از
اِجَابَةِ طَعَامِ الْفَاسِقِيْنَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ
اجابت دعوت فاسقاں روا ہ بیہقی در شعب الایمان
وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ اِذَا دَخَلَ اَحَدُكُمْ عَلٰى اَخِيْهِ الْمُسْلِمِ فَلْيَاْكُلْ
وسلم چون در آید یکے از شما بر برادر مسلمان پس باید کہ بخورد از
مِنْ طَعَامِهٖ وَلَا يَسْاَلْ وَيَشْرَبْ مِنْ شَرَابِهٖ وَلَا يَسْاَلْ رَوَاهُ
خوردنی او و نپرسد از کجا است و بنوشد از نوشیدنی و نپرسد کہ از کجا است و چگونہ است روا ہ
الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَقَالَ هٰذَا اِنْ صَحَّ فَلِاَنَّ الظَّاهِرَ
بیہقی در شعب الایمان و گفت بیہقی این حدیث اگر صحیح است پس از جہت آنست
اَنَّ الْمُسْلِمَ لَا يُطْعِمُهٗ وَلَا يَسْقِيْهِ اِلَّا مَا هُوَ حَلَالٌ عِنْدَهٗ
کہ مسلمان نخوراند او را و نی نوشاند او را مگر آنچہ حلال است نزد وے

از در وی واگر پیشی کند یکی ازان دو ۱۲

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ الْمُتَبَارِيَانِ لَا يُجَابَانِ وَلَا يُؤْكَلُ طَعَامُهُمَا قَالَ
وسلم متباریان اجابت کردہ نشود دعوت ایشان و خوردہ نشود طعام ایشان گفت
الْإِمَامُ أَحْمَدُ يَعْنِي الْمُتَعَارِضَيْنِ بِالضِّيَافَةِ فَخْرًا وَرِيَاءً
امام احمد در تفسیر متباریان ہر دو شخصے کہ معارضہ میکنند و بر ضد یکدیگر میروند از جہت نازیدن و نمود

## بَابُ الْقَسْمِ

باب در بیان قسم

عَنْ عَائِشَةَ رضـ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ
روایت است از عائشہ رضـ کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بود کہ
يَقْسِمُ بَيْنَ نِسَائِهِ فَيَعْدِلُ وَيَقُولُ اللَّهُمَّ هٰذَا قَسْمِي
قسم میکرد میان زنان خود پس عدل و مساوات میکرد و میگفت خداوندا این قسم من است
فِيمَا أَمْلِكُ فَلَا تَلُمْنِي فِيمَا تَمْلِكُ وَلَا أَمْلِكُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
در آنچہ مالکم پس ملامت مکن مرا در چیزیکہ مالک ہستی و مالک نیستم رواہ ترمذی
وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ
و ابو داود و النسائی و ابن ماجہ و الدارمی و روایت است از
أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا كَانَتْ
ابی ہریرہ رضـ از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت آنحضرت ۲ وقتیکہ باشد
عِنْدَ الرَّجُلِ امْرَأَتَانِ فَلَمْ يَعْدِلْ بَيْنَهُمَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
نزد مرد دو زن پس عدل نکند درمیان آن دو زن می آید آنمرد روز قیامت
وَشِقُّهُ سَاقِطٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ
حال آنکہ نصف بدن او افتادہ باشد رواہ ترمذی و ابو داود و النسائی



وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ
و ابن ماجہ و الدارمی

## بَابُ عِشْرَةِ النِّسَاءِ وَمَا لِكُلٍّ وَاحِدٍ مِّنَ الْحُقُوقِ

باب در احادیث کہ وارد شدہ اند در صحبت و مخالطت با زنان و آنچہ مر ہر یکے راست از حقہا

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ لَنْ تَسْتَقِيمَ لَكَ عَلٰى طَرِيقَةٍ
بدرستیکہ زن پیدا کردہ شدہ است از ضلع ہرگز راست نمیرود زن برائے تو براہ و روش یک
فَإِنِ اسْتَمْتَعْتَ بِهَا اسْتَمْتَعْتَ بِهَا وَبِهَا عِوَجٌ وَإِنْ
پس اگر خواہی کہ بہرہ مند شوی از ان نفع گیری بوے حال آنکہ در وے کجی است و اگر
ذَهَبْتَ تُقِيمُهَا كَسَرْتَهَا وَكَسْرُهَا طَلَاقُهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ
میروی و میخواہی کہ راست کنی او را می شکنی او را و مراد بشکستن زن طلاق است رواہ مسلم
وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
و روایت است از عائشہ رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي
وسلم بہترین شما نزد خلق و خدا بہترین شما است مر اہل خود را و من بہترین شما ام مر اہل خود را
وَإِذَا مَاتَ صَاحِبُكُمْ فَدَعُوهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ
و چون بمیرد یار شما پس ترک دہید ذکر عیوب او را رواہ ترمذی و الدارمی
وَعَنْ إِيَاسِ بْنِ عَبْدِ اللهِ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى
و روایت است از ایاس بن عبد اللہ رضـ گفت کہ فرمود آنحضرت صلی
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَضْرِبُوا إِمَاءَ اللهِ فَجَاءَ عُمَرُ إِلٰى رَسُولِ اللهِ
اللہ علیہ وسلم مزنید کنیزان خدا را پس آمد عمر رضـ بسوے پیغمبر

صلى الله عليه وسلم فقال ذئرن النساء على أزواجهن
صلی الله علیه وسلم پس گفت عمر دلیر شوند زنان بر مردان خود
فرخص في ضربهن فأطاف بآل رسول الله صلى الله عليه
پس رخصت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در زدن زنان پس گرد گشتند
وسلم نساء كثير يشكون أزواجهن فقال رسول الله
باهل بیت آنحضرت بسیار زنان در حالیکه گله میکردند مردان خود را پس فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم لقد طاف بآل محمد نساء كثير
صلی الله علیه وسلم هر آئینه تحقیق فرود آمدند باهل بیت محمد زنان بسیار
يشكون أزواجهن ليس أولئك بخياركم رواه أبو داود
شکایت کنان مردان خود را نیستند آن مردان که میزنند زنان خود را نیکان شما رواه ابوداود
وابن ماجة والدارمي وعن عائشة رض قالت قال
وابن ماجه والدارمی و روایت است از عائشه رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم إن من أكمل المؤمنين
آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از کامل ترین مسلمانان
إيمانا أحسنهم خلقا وألطفهم بأهله رواه الترمذي
از روی ایمان نیکوترین مسلمانان است از روی خلق و نرمی کننده ترین ایشان است باهل و عیال خود رواه الترمذی
وعن عمر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال
و روایت است از عمر رض او شان روایت می کنند از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت
لا يسأل الرجل فيما ضرب امرأته عليه رواه أبو داود
که سوال کرده نمی شود مرد در آنچه زد زن خود را بران رواه ابوداود
وابن ماجة وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله
وابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت



صلى الله عليه وسلم أكمل المؤمنين إيمانا أحسنهم خلقا
صلی الله علیه وسلم کامل ترین مسلمانان از روی ایمان نیکوترین آنهاست از روی خلق
وخياركم خياركم لنسائهم رواه الترمذي وعنه
و بهترین شما بهترین شما اند مر زنان خود را رواه ترمذی و هم از وی مرویست
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا دعى الرجل امرأته
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخواند مرد زن خود را
إلى فراشه فأبت فبات غضبان لعنتها الملائكة حتى تصبح
بسوی بستر خود پس انکار کرد آن زن پس شب گزارد مرد خشمگین لعنت میکنند آن زن را فرشتگان تا آنکه صبح میکند
متفق عليه وفي رواية لهما قال والذي نفسي بيده
متفق علیه و در روایت بخاری و مسلم آمده که گفت آنحضرت سوگند میکنم بخدا که آنکسی که در دست قدرت اوست
ما من رجل يدعو امرأته إلى فراشه فتأبى عليه إلا كان
نیست هیچ مردی که بخواند زن خود را بسوی فراش خود پس اباء آورد آن زن مگر آنکه باشد
الذي في السماء ساخطا عليها حتى يرضى عنها وعن
کسیکه در آسمان است یعنی فرشتگان خشم کننده بر زن تا آنکه خوشنود گردد مرد از او و روایت است از
عائشة رض أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان في نفر
عائشه رض که آنحضرت صلی الله وسلم بود در جماعت
من المهاجرين والأنصار فجاء بعير فسجد له فقال أصحابه
از مهاجرین و انصار پس آمد شتری پس سجده کرد آنحضرت را پس گفتند یاران آنحضرت
يا رسول الله تسجد لك البهائم والشجر فنحن أحق أن
ای رسول خدا سجده میکنند ترا چارپایه ها و درختان پس ما سزاوارتریم بآنکه
نسجد لك فقال اعبدوا ربكم وأكرموا أخاكم
سجده کنیم ترا پس فرمود عبادت کنید پروردگار خود را و گرامی دارید برادر خود را

ولو كنت آمر أحدا أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد

داگر می بودم کہ امر میکردم کسے را کہ سجدہ کند کسے را ہر آئینہ امر میکردم زن را کہ سجدہ کند

لزوجها ولو أمرها أن تنقل من جبل أصفر إلى جبل أسود

مر شوہر خود را و اگر امر کند مرد زن را کہ ببرد سنگ را از کوہ زرد بسوے کوہ سیاہ

ومن جبل أسود إلى جبل أبيض كان ينبغي لها أن تفعله

و ببرد سنگ را از کوہ سیاہ بسوے کوہ سپید لائق است اورا کہ بکند این کار

رواه أحمد وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله

رواہ احمد و روایت است از جابر رض گفت کہ فرمود آنحضرت صلے اللہ

عليه وسلم ثلثة لا يقبل لهم صلاة ولا يصعد لهم

علیہ وسلم سہ کس اند کہ قبول کردہ نمی شود ایشان را ہیچ نماز و بالا نمیرود ہیچ

حسنة العبد الآبق حتى يرجع إلى مواليه فيضع يده

نیکی آن سہ کس یکے از ان سہ بندہ گریختہ تا آنکہ باز آید بسوے صاحبان خود پس نہد آن بندہ دست

في أيديهم والمرأة الساخط عليها زوجها والسكران

در دستہای ایشان و دوم زنے کہ خشم کنندہ است بر آن زن شوہر وے و سوم مست

حتى يصحو رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن

تا آنکہ ہشیار گردد رواہ بیہقی در شعب الایمان و روایت است از

أسماء رض أن امرأة قالت يا رسول الله إن لي ضرة فهل

از اسماء رض کہ زنے گفت اے رسول خدا بدرستیکہ مرا انباغیست پس آیا ہست

علي جناح أن تشبعت من زوجي غير الذي يعطيني

بر من گناہ اگر ظاہر کنم از شوہر خود جز آنچہ میدہد مرا شوہر

فقال المتشبع بما لم يعط كلابس ثوبي زور متفق عليه

پس گفت آنحضرت ظاہر کنندہ خود را بچیزیکہ دادہ نشدہ است مانند پوشندہ دو جامہ دروغ است متفق علیہ



وعن أنس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

المرأة إذا صلت خمسها وصامت شهرها وأحصنت

زنے چون بخواند نماز پنجگانہ و روزہ دارد ماہ رمضان را و نگاہدارد

فرجها وأطاعت بعلها فلتدخل من أي أبواب الجنة

شرمگاہ خود را و فرمان برداری کند شوہر خود را پس باید کہ داخل شود از ہر دریکہ خواہد بہشت را

شاءت رواه أبو نعيم في الحلية وعن أبي هريرة رض

روایت کرد این حدیث را ابو نعیم در حلیہ و روایت است از ابی ہریرہ رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو كنت آمرا أحدا

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم اگر می بودم امر کنندہ کسے را

أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها

باین کہ سجدہ کند مر کسے را ہر آئینہ امر میکردم زن را کہ سجدہ کند مر شوہر خود را

رواه الترمذي وعن أم سلمة رض قالت قال رسول الله

رواہ ترمذی و روایت است از ام سلمہ رض گفت کہ فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم أيما امرأة ماتت وزوجها عنها

صلے اللہ علیہ وسلم ہر زنے کہ بمیرد در حالیکہ شوہر آن زن از وے

راض دخلت الجنة رواه الترمذي وعن طلق بن

راضی است در می آید آن زن بہشت را رواہ ترمذی و روایت است از طلق بن

علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا الرجل

علی رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم وقتیکہ مرد

دعا زوجته لحاجته فلتأته وإن كانت على التنور

بخواند زن خود را از برائے حاجت خود پس باید کہ بیاید آن زن شوہر خود را اگرچہ باشد آن زن بر تنور

رواه الترمذي وعن معاذ رضه عن النبي صلى الله عليه
رواه ترمذی و روایت است از معاذ رضه از آنحضرت صلی الله علیه
وسلم قال لا تؤذي امرأة زوجها في الدنيا الا قالت
وسلم فرمود آنحضرت ایذا نکند زنے شوهر خود را در دنیا مگر آنکه میگوید
زوجته من الحور العين لا تؤذيه قاتلك الله فانما هو
زوجه آنمرد که از حور عین است ایذا مکن شوهر خود را بکشد ترا خدا تعالی زیرا که آنمرد نیست
عندك دخيل يوشك ان يفارقك الينا رواه الترمذي
نزد تو مگر غریب و مسافر نزدیک است که جدائی میکند از تو بسوئے ما رواه ترمذی
وابن ماجة وعن ابي هريرة رضه قال قال رسول الله
و ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رضه گفت فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم ليس منا من خبب امرأة على زوجها او
صلی الله علیه وسلم نیست بر طریقه ما کسیکه بد راه کند زنے را بر شوهر وے یا
عبدا على سيده رواه ابوداود وعن ابي هريرة رضه
بدراه کند غلامے را بر خواجه وے رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره رضه
قال قيل لرسول الله صلى الله عليه وسلم اي النساء خير
گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کدام از زنان بهتر است
قال التي تسره اذا نظر وتطيعه اذا امر ولا تخالفه في
گفت آن زن که شاد و خوش گرداند مرد را چون نگاه کند بروے و فرمان برداری کند مر او را چون امر کند و مخالفت نکند در
نفسها ولا مالها بما يكره رواه النسائي والبيهقي
ذات خود و نه در مال تصرفه خود بچیزیکه مکروه و ناخوش دارد مرد رواه نسائی و بیهقی
في شعب الايمان وعن ابن عباس رضه ان رسول الله
در شعب ایمان و روایت است از ابن عباس رضه که آنحضرت



صلى الله عليه وسلم قال اربع من اعطيهن فقد اعطي
صلی الله علیه وسلم فرمود چهار خصلت اند که هر کرا داده شود پس تحقیق داده شد
خير الدنيا والاخرة قلب شاكر ولسان ذاكر وبدن
او نیکی هر دو جهان دل شاکر یعنی شکر کننده منعم را و زبان ذکر کننده مر خدا را و تنے
على البلاء صابر وزوجة لا تبغيه خونا في نفسها
بر بلا صبر کننده و زنیکه طلب نمی کند برائے مرد خیانت در نفس خود
ولا ماله رواه البيهقي في شعب الايمان
و نه در مال او روایت کرد بیهقی در شعب الایمان

## باب الطلاق

در بیان طلاق

عن ثوبان رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
روایت است از ثوبان رضه گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
ايما امرأة سألت زوجها طلاقا في غير ما بأس
هر زنے که سوال کند شوهر خود را طلاق در غیر حالت شدت
فحرام عليها رائحة الجنة رواه احمد والترمذي
پس حرام است بر آن زن بوئے بهشت رواه احمد والترمذی
وابوداود وابن ماجة والدارمي وعن ابن عمر رضه
وابوداود و ابن ماجه والدارمی و روایت است از ابن عمر رضه
عن النبي صلى الله عليه وسلم قال ابغض الحلال الى الله
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت دشمن ترین حلال نزد خدا
الطلاق رواه ابوداود وعن علي رضه عن النبي
طلاق است رواه ابوداود و روایت است از علی رضه از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا طَلَاقَ قَبْلَ نِكَاحٍ وَلَا عِتَاقَ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ گفت نیست طلاق دادن پیش از نکاح ونیست آزاد کردن

إِلَّا بَعْدَ مِلْكٍ وَلَا وِصَالَ فِي صِيَامٍ وَلَا يُتْمَ بَعْدَ احْتِلَامٍ

مگر بعد از ملک ونیست وصال در روزہ ہا داشتن ونیست یتیمی بعد از بلوغ

وَلَا رَضَاعَ بَعْدَ فِطَامٍ وَلَا صُمْتَ يَوْمٍ إِلَى اللَّيْلِ رَوَاهُ

ونیست شیر خوارگی پس از مدت شیر خوارگی ونیست جائز خاموشی روز تا شب رواہ

فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رض قَالَ قَالَ

در شرح السنہ وروایت است از معاذ بن جبل رضی اللہ گفت کہ فرمود

لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا مُعَاذُ مَا خَلَقَ

مرا آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ اے معاذ نیافریدہ است

اللّٰهُ شَيْئًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِتَاقِ

خداتعالی چیزے را بر روے زمین کہ دوست تر باشد بسوے خداتعالی از آزاد کردن

وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ شَيْئًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَبْغَضَ إِلَيْهِ

ونہ پیدا کرد خداتعالی چیزے را بر روے زمین کہ مبغوض تر باشد بسوے خدا

مِنَ الطَّلَاقِ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

از طلاق رواہ دار قطنی وروایت است از عبداللہ

ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ لَعَنَ اللّٰهُ الْمُحَلِّلَ وَالْمُحَلَّلَ لَهُ

بن مسعود رض کہ گفت لعنت کردہ است خدا تحلیل کنندہ را و لعنت کردہ است محلل لہ را

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ عَلِيٍّ

رواہ دارمی ورواہ ابن ماجہ از علے

وَابْنِ عَبَّاسٍ وَعُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض

وابن عباس وعقبہ بن عامر



## بَابُ حَقِّ الْمَمْلُوكِ عَلَى سَيِّدِهِ

باب در حق مملوک بر مالک او

## وَحَقِّهِ عَلَى الْمَمْلُوكِ

وحق مالک بر مملوکش

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از جابر بن سمرہ رض گفت کہ فرمود آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَعْطَى اللّٰهُ أَحَدَكُمْ خَيْرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ

اللہ علیہ وسلم چون بدہد خداتعالی یکے از شمارا مال کثیر پس باید کہ آغاز کند در انفاق بنفس خود

وَأَهْلِ بَيْتِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رض

واہل بیت خود رواہ مسلم روایت است از ابی بکر صدیق رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَيِّئُ

از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت کہ در نمی آید بہشت را بد صحبت

الْمَلَكَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ رَافِعِ

با مملوک رواہ ترمذی وابن ماجہ وروایت است رافع

ابْنِ مَكِيثٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ حُسْنُ

ابن مکیث کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت نیکی کردن

الْمَلَكَةِ يُمْنٌ وَسُوءُ الْخُلُقِ شُؤْمٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

بمملوکان موجب برکت است وبد خلقی سبب بے برکتی است رواہ ابوداود واز

أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ رض قَالَ كُنْتُ أَضْرِبُ غُلَامًا لِي

ابی مسعود انصاری رض مرویست گفت بودم کہ میزدم غلامے را کہ مرا بود

فَسَمِعْتُ مِنْ خَلْفِي صَوْتًا اِعْلَمْ أَبَا مَسْعُودٍ رض لَلّٰهُ أَقْدَرُ

پس شنیدم از پس خود آوازے را کہ بدان ابا مسعود ہر آئینہ خدا توانا تر است

عَلَيْكَ مِنْكَ عَلَيْهِ فَالْتَفَتُّ فَإِذَا هُوَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
بر تو از تو آنکه برین غلام هستی پس باز نگریستم پس ناگاه آواز کننده پیغامبر
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
خدا صلی الله علیه وسلم بود پس گفتم اے رسول الله صلے الله علیه وسلم
هُوَ حُرٌّ لِوَجْهِ اللّٰهِ فَقَالَ أَمَا لَوْ لَمْ تَفْعَلْ لَلَفَحَتْكَ النَّارُ
این غلام آزاد کردم برای ذات خدا پس گفت آنحضرت آگاه باش اگر نمیکردی تو او را آزاد البته میسوزانید ترا آتش
أَوْ لَمَسَّتْكَ النَّارُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ
یا مساس میکرد ترا آتش رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رضـ گفت
سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ ضَرَبَ
شنیدم از آنحضرت صلے الله علیه وسلم را که می گفت کسیکه بزند
غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ يَأْتِهِ أَوْ لَطَمَهُ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ أَنْ
غلامے را که مر او راست حدیکه نکرده است یعنی بگناه بزند یا طپانچه زند پس کفارت وے
يُعْتِقَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ سَمِعْتُ
که آزاد کند او را رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رضـ گفت شنیدم
أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ قَذَفَ مَمْلُوكَهُ
آنحضرت صلے الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه دشنام کند مملوک خود را حال آنکه
وَهُوَ بَرِيءٌ مِمَّا قَالَ جُلِدَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ
آن مملوک پاک است از آنچه گفته است تازیانه زده میشود روز قیامت مگر آنکه باشد آن مملوک
كَمَا قَالَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ
چنانکه گفته است متفق علیه روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَنَعَ لِأَحَدِكُمْ
آنحضرت صلے الله علیه وسلم وقتیکه بسازد برای یکی از شما



خَادِمُهُ طَعَامَهُ ثُمَّ جَاءَهُ بِهِ وَقَدْ وَلِيَ حَرَّهُ وَدُخَانَهُ
خدمتگار وے طعام او را پس بیارد نزد او طعام را حال آنکه تحقیق والی شده است گرمی آتش و دود آن را
فَلْيُقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوهًا قَلِيلًا
پس باید که بنشاند او را با خود پس باید که بخورد با وے پس اگر باشد طعام قلیل که خورده شود بسبب
فَلْيَضَعْ فِي يَدِهِ مِنْهُ أُكْلَةً أَوْ أُكْلَتَيْنِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
پس باید که بنهد در دست خادم از آن یک لقمه یا دو لقمه رواه مسلم
وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی ذر رضـ گفت آنحضرت صلے الله علیه
وَسَلَّمَ إِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ فَمَنْ جَعَلَ
وسلم مملوکان شما که برادر شما اند گردانیده است ایشان را خدا زیر دست شما پس کسیکه گردانید
اللّٰهُ أَخَاهُ تَحْتَ يَدَيْهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا
خدا برادر آنکس را خدمتگار وے پس باید که بخوراند او را از آنکه خود میخورد و بپوشاند او را از آنچه خود
يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفْهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ
بپوشد و تکلیف ندهد او را چیزے که غالب آید او را پس اگر تکلیف کند او را
مَا يَغْلِبُهُ فَلْيُعِنْهُ عَلَيْهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
چیزیکه غالب آید او را پس باید که یاری دهد او را بر آن عمل متفق علیه و روایت است از
أَبِي سَعِيدٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی سعید رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم
إِذَا ضَرَبَ أَحَدُكُمْ خَادِمَهُ فَذَكَرَ اللّٰهَ فَارْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ
وقتیکه بزند یکے از شما خدمتگار خود را پس یاد کند وی خدا را یعنی طلب عفو کرد بنام خدا پس باز دارید دستهای
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
رواه الترمذی و روایت است از جابر رضـ از آنحضرت صلے الله

قال ثلث من كن فيه يسر الله حتفه وادخل جنته رفق

گفت سه خصلت است که هرکه باشند آن خصلت ها در وی آسان میگرداند خدا مرگ او را و در بهشت خاص

بالضعيف وشفقة على الوالدين واحسان الى المملوك رواه

با ناتوان دوم مهربانی و نیکی کردن برپادر و پدر سوم نیکی و خوش خلقی ورزیدن بر مملوک رواه

الترمذي وعن ابي امامة رض ان رسول الله

الترمذی و روایت است از ابی امامه رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم وهب لعلي غلاما فقال لا تضربه

صلے الله علیه وسلم بخشید مر علی را رض غلامے پس فرمود که مزن این غلام را بے حق شرعی

فاني نهيت عن ضرب اهل الصلوة ولقد رايته يصلي

پس بدرستیکه من نهی کرده شده ام از زدن نماز گذارندگان و بتحقیق دیدم او را که نماز میگذارد

هذا لفظ المصابيح وفي المجتبى للدارقطني ان عمر

این لفظے است در مصابیح و در کتاب مجتبی که تصنیف دارقطنی است اینست که امیر المومنین عمر

ابن الخطاب قال نهانا رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن خطاب رض گفته است نهی کرد مارا پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

عن ضرب المصلين وعن ابي ذر رض قال قال

از زدن نماز گذارندگان و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من لايمكم من

آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه ملائمت و موافقت کند شمارا از

مملوكيكم فاطعموه مما تاكلون واكسوه مما تكسون

مملوکان شما پس بخورانید او را آنچه میخورید و بپوشانید او را از آنچه می پوشید

ومن لا يلايمكم منهم فبيعوه ولا تعذبوا خلق الله

و کسیکه موافقت نمیکند شمارا از مملوکان پس بفروشید او را عذاب مکنید خلق خدا را



رواه احمد وابوداؤد وعن ابي موسى رض قال لعن

رواه احمد و ابوداؤد و روایت کرد از ابی موسی رض که لعنت کرد

رسول الله صلى الله عليه وسلم من فرق بين الوالد

آنحضرت صلے الله علیه وسلم برکسیکه جدائی کند درمیان والد

وولده وبين الاخ وبين اخيه رواه ابن ماجة

و ولد او و جدائی کند میان برادر و میان برادر وے رواه ابن ماجه

والدارقطني وعن ابي ايوب رض قال سمعت

و دارقطنی و روایت است از ابی ایوب انصاری رض گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من فرق بين

آنحضرت صلے الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه تفریق کند در میان

والدة وولدها فرق الله بينه وبين احبته يوم

والده و فرزند وے به بیع و هبه و جز آن جدائی کند خدا تعالی میان وے و میان دوستان وے در روز

القيمة رواه الترمذي والدارمي وعن عبد الله

قیامت رواه الترمذی و الدارمی و روایت است از عبدالله

ابن عمر رض قال جاء رجل الى النبي صلى الله عليه وسلم

بن عمر رض گفت آمد مردے بسوے آنحضرت صلے الله علیه وسلم

فقال يا رسول الله كم نعفو عن الخادم فسكت ثم

پس گفت آن مرد یا رسول الله چند بار درگذاریم از تقصیرات خدمتگار پس خاموش ماند پستر

اعاد عليه الكلام فصمت فلما كانت الثالثة قال

بازگردانید آن مرد برآنحضرت این سخن را پس خاموش بود آنحضرت پس چون بار سوم شد فرمود آنحضرت

اعفوا عنه كل يوم سبعين مرة رواه ابوداؤد

عفو کنید از خادم هر روز هفتاد بار مقصود مبالغه است نه تعیین و تحدید چنانچه متعارف است درین عدد رواه ابوداؤد

وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض وَعَنْ

وروا ه ترمذی از عبد الله بن عمرو رض و روایت است از

اَبِي هُرَيْرَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

ابی ہریرہ رض کہ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

اَلَا اُنَبِّئُكُمْ بِشِرَارِكُمُ الَّذِيْ يَاْكُلُ وَحْدَهٗ وَيَجْلِدُ

آیا خبر نکنم شمارا کہ بدترین شما کدام فریق اند کسیکه میخورد تنها و تازیانه میزند

عَبْدَهٗ وَيَمْنَعُ رِفْدَهٗ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ اَبِيْ بَكْرٍ

غلام خود را و باز میدارد عطاے خود را رواه رزین و روایت است از ابی بکر

ن الصِّدِّيْقِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

صدیق رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَيِّئُ الْمَلَكَةِ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَلَيْسَ

در نمی آید در بهشت بد خلق با مملوکین گفتند صحابه یا رسول الله آیا نیست کہ

اَخْبَرْتَنَا اَنَّ هٰذِهِ الْاُمَّةَ اَكْثَرُ الْاُمَمِ مَمْلُوْكِيْنَ وَيَتَامٰى

خبر داده ما را که این امت تو بیشترین امتهاے سابق است از روے مملوکان و یتیمان

قَالَ نَعَمْ فَاَكْرِمُوْهُمْ كَكَرَامَةِ اَوْلَادِكُمْ وَاَطْعِمُوْهُمْ

فرمود آنحضرت آرے پس گرامی دارید ایشان را بچو گرامی داشتن فرزندان خود را و بخورانید ایشان را

مِمَّا تَاْكُلُوْنَ قَالُوْا فَمَا يَنْفَعُنَا الدُّنْيَا قَالَ فَرَسٌ تَرْتَبِطُهٗ

از انچه میخورید گفتند صحابه پس چه چیز نفع میکند ما را در دنیا فرمود آنحضرت نفع میکند شمارا اسپی کہ می بندید او را

تُقَاتِلُ عَلَيْهِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَمْلُوْكُكَ يَكْفِيْكَ فَاِذَا

و قتال میکنید سوار ان اسپ در راه خدا و غلامے کہ بسندگی کند در کار تو پس و قتیکه

صَلّٰى فَهُوَ اَخُوْكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ سَهْلِ

نماز بگذارد آن غلام پس حکم برادر تو دارد رواه ابن ماجه و روایت است از سهل



بْنِ الْحَنْظَلِيَّةِ قَالَ مَرَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِبَعِيْرٍ

بن حنظلیه گفت که گذشت آنحضرت صلی الله علیه وسلم بشترے کہ

قَدْ لَحِقَ ظَهْرُهٗ بِبَطْنِهٖ فَقَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ فِيْ هٰذِهِ الْبَهَائِمِ

بتحقیق چسپیده بود پشت او بشکم وے از غایت گرسنگی پس فرمود بترسید خدا را در ریاعت حق این

الْمُعْجَمَةِ فَارْكَبُوْهَا صَالِحَةً وَاتْرُكُوْهَا صَالِحَةً رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

چار پایهاے بیزبان پس سوار شوید آنها را در حالیکه قابل اند برای سواری و ترک کنید آنها را در حالیکه مانده

وَعَنْ جَرِيْرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جریر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِذَا اَبَقَ الْعَبْدُ لَمْ تُقْبَلْ لَهٗ صَلٰوةٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ عَنْهُ

وسلم وقتیکه بگریزد بنده قبول نمی شود برائے وے هیچ نمازے و در روایتی دیگر از جریر رض آمده

قَالَ اَيُّمَا عَبْدٍ اَبَقَ مِنْ مَوَالِيْهِ فَقَدْ كَفَرَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْهِمْ

که هر بنده که بگریزد از صاحبان خود پس بتحقیق کافر شد تا آنکه باز گردد بسوے ایشان

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه مسلم و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نِعِمَّا لِلْمَمْلُوْكِ اَنْ يَتَوَفَّاهُ اللّٰهُ

صلی الله علیه وسلم نیکو چیزیست مملوک را کہ بمیراند اورا خدا

بِحُسْنِ عِبَادَةِ رَبِّهٖ وَطَاعَةِ سَيِّدِهٖ نِعِمَّا لَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

به نیک کردن عبادت پروردگار خود و خدمت صاحب خود و نیکو چیزیست این حال برائے او متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از عبد الله بن عمر رض کہ آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ الْعَبْدَ اِذَا نَصَحَ لِسَيِّدِهٖ وَاَحْسَنَ

علیه وسلم فرمود کہ بنده چون خیر خواهی و حق شناسی ورزد برائے صاحب خود و نیکو کند

عِبَادَةُ اللّٰهِ فَلَهُ أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پرستش خدا را پس مران بنده را ست مزد او دو بار متفق علیه

# كِتَابُ الْعِتْقِ

کتاب در احادیث آزاد ساختن برده

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُسْلِمَةً أَعْتَقَ اللّٰهُ بِكُلِّ عُضْوٍ

وسلم کسیکه آزاد کند برده مسلمان را آزاد کند خدا تعالی در مقابله هر اندامے ازان برده اندامے را

مِنْهُ عُضْوًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ حَتّٰى فَرْجَهُ بِفَرْجِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

از انکس از آتش دوزخ تا آنکه عورت را بعورت وے متفق علیه

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ذر رض گفت که پرسیدم آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را

أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ قَالَ إِيمَانٌ بِاللّٰهِ وَجِهَادٌ فِي سَبِيلِهِ قَالَ قُلْتُ

که کدام عمل فاضلترین عملهاست در ثواب فرمود آنحضرت دو چیز فاضلترین عملهاست یکے ایمان دوم کارزار کردن در

فَأَيُّ الرِّقَابِ أَفْضَلُ قَالَ أَغْلَاهَا ثَمَنًا وَأَنْفَسُهَا عِنْدَ أَهْلِهَا

پس کدام از بندگان بهتر است گفت گران ترین بنده است از روی بها و نفیس ترین بنده از نزد کسان وے

قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَفْعَلْ قَالَ تُعِينُ صَانِعًا أَوْ تَصْنَعُ لِأَخْرَقَ قُلْتُ

ابو ذر میگوید گفتم پس اگر نکنم این کار را فرمود آنحضرت یاری دهی کسی دیگر را یا کار و پیشه کنی مر کسیرا که کار نمیتواند کرد گفتم

فَإِنْ لَمْ أَفْعَلْ قَالَ تَدَعُ النَّاسَ مِنَ الشَّرِّ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ

پس اگر این را نیز نتوانم کرد گفت آنحضرت ترک دهی مردم را از شر پس بدرستیکه این خصلت که ترک کنی

بِهَا عَلَى نَفْسِكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض

آن بر نفس خود متفق علیه و روایت است از براء بن عازب رض



قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ عَلِّمْنِي

گفت که آمد بادیه نشینی نزد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم پس گفت آن بادیه نشین بیاموزان مرا

عَمَلًا يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ قَالَ لَئِنْ كُنْتَ أَقْصَرْتَ الْخُطْبَةَ لَقَدْ

کارے که در آرد مرا به بهشت فرمود البته که کوتاه کردی تو خطبه را هر آئینه

أَعْرَضْتَ الْمَسْأَلَةَ أَعْتِقِ النَّسَمَةَ وَفُكَّ الرَّقَبَةَ قَالَ أَوَلَيْسَا

پهن ساختی سوال را آزاد کن نفس را و خلاص کن برده را گفت بدوی آیا نمیستند عتق نسمه و فک رقبه

وَاحِدًا قَالَ لَا عِتْقُ النَّسَمَةِ أَنْ تَفَرَّدَ بِعِتْقِهَا وَفَكُّ الرَّقَبَةِ

یکے فرمود آنحضرت یکے نیست عتق نسمه آنست که تنها و مستقل باشی تو بآزاد کردن آن و فک رقبه

أَنْ تُعِينَ فِي ثَمَنِهَا وَالْمِنْحَةَ الْوَكُوفَ وَالْفَيْءَ عَلَى ذِي الرَّحِمِ

آنست که اعانت کنی در بهاے وی بده بخشش شیردار را و بکن رجوع برحمت و احسان بر صاحب رحم اگرچه

الظَّالِمِ فَإِنْ لَمْ تُطِقْ ذٰلِكَ فَأَطْعِمِ الْجَائِعَ وَاسْقِ الظَّمْآنَ

ظالم باشد پس اگر طاقت نه داری آنرا پس بخوران چیزے گرسنه را و بنوشان تشنه را

وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنْ لَمْ تُطِقْ ذٰلِكَ فَكُفَّ

و امر کن به نیکی و نهی کن از بدی پس اگر نمی توانی کرد ازان پس نگاهدار

لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

زبان خود را مگر از خیر رواه بیهقی در شعب الایمان

وَعَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عمرو بن عبسه رض که آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ بَنٰى مَسْجِدًا لِيُذْكَرَ اللّٰهُ فِيهِ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ

وسلم فرمود کسیکه بنا کند مسجدے را تا یاد کرده شود خدا در وے بر آورده شود برای وی خانه

فِي الْجَنَّةِ وَمَنْ أَعْتَقَ نَفْسًا مُسْلِمَةً كَانَتْ فِدْيَتَهُ مِنْ جَهَنَّمَ

در بهشت و کسیکه آزاد کند نفس مسلمانرا باشد آن نفس سربهای او از آتش دوزخ

وَمَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي سَبِيلِ اللهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

وکسیکه پیر شد پیر شدنی در راه خدا میباشد آن شیبت مر او را نور روز قیامت

رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدَبٍ رض

رواه فی شرح السنته روایت است از سمره بن جندب رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَفْضَلُ الصَّدَقَةِ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم افضلترین صدقه

الشَّفَاعَةُ بِهَا تُفَكُّ الرَّقَبَةُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ

شفاعت کردن است که بآن خلاص کرده میشود گردن از قتل یا عذاب یا از بندگی رواه البیهقی در شعب الایمان

# بَابُ الْاَيْمَانِ

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللهُ بِاللَّغْوِ فِي اَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ

مواخذه نمیکند خدا تعالی به بیهوده گوئی در سوگندهای شما لیکن مواخذه میکند از شما

بِمَا عَقَّدْتُّمُ الْاَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ اِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسٰكِيْنَ

بسبب محکم کردن سوگندها بالقصد پس کفارت یمین منعقده طعام دادن ده مسکین راست

مِنْ اَوْسَطِ مَا تُطْعِمُوْنَ اَهْلِيْكُمْ اَوْ كِسْوَتُهُمْ اَوْ تَحْرِيْرُ

از جنس میانه از آنچه میخورانید اهل خود را یا پوشش دادن ایشان را یا آزاد کردن

رَقَبَةٍ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلٰثَةِ اَيَّامٍ ذٰلِكَ كَفَّارَةُ

برده را پس کسیکه نیابد لازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارت

اَيْمَانِكُمْ اِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوْا اَيْمَانَكُمْ كَذٰلِكَ

سوگندهای شما چون سوگند خورید یعنی حانث شوید و نگاهدارید سوگندهای خود را اینچنین

يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ وَلَا تَجْعَلُوا

بیان میکند خدا برای شما آیتهای خود را تا بود که شما شکر کنید و مکنید



اللهَ عُرْضَةً لِاَيْمَانِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْا وَتَتَّقُوْا وَتُصْلِحُوْا

نام خدا را نشانه برای سوگندهای خویش برای اجتناب آنکه نیکوکاری کنید و پرهیزگاری نمائید و صلح آرید

بَيْنَ النَّاسِ وَاللهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللهُ

درمیان مردم و خدا شنوا دانا است مواخذه نمیکند خدا از شما

بِاللَّغْوِ فِي اَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُّؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ

به بیهوده گوئی در سوگندهای شما ولیکن مواخذه میکند بآنچه قصد کرده است دلهای شما

قُلُوْبُكُمْ وَاللهُ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ

و خدا آمرزنده بردبار است روایت است از ابن عمر رض که

رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ اللهَ يَنْهٰكُمْ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که بدرستیکه خدا تعالی باز میدارد و منع میکند شمارا

اَنْ تَحْلِفُوْا بِاٰبَائِكُمْ مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيَحْلِفْ بِاللهِ

از سوگند خوردن به پدران خود کسیکه هست سوگند خورنده پس باید که سوگند خدا بخورد

اَوْ لِيَصْمُتْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ ثَابِتِ بْنِ الضَّحَّاكِ رض

یا باید که خاموش باشد متفق علیه و روایت است از ثابت بن ضحاک رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَلَفَ عَلٰى مِلَّةٍ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه سوگند خورد بر دینے

غَيْرِ الْاِسْلَامِ كَاذِبًا فَهُوَ كَمَا قَالَ وَلَيْسَ عَلَى ابْنِ

که غیر اسلام است چنانکه گوید که اگر این کار کنم یهودی باشم درحالیکه بدروغ خورنده است این سوگند را پس آنکس چنان است

اٰدَمَ نَذْرٌ فِيْمَا لَا يَمْلِكُ وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهٗ بِشَيْءٍ فِي

آدم نذر در چیزیکه مالک آن نیست چنانکه گوید اگر شفا یابد بیمار من فلان غلام آزاد است و آن غلام ملک او نیست آزاد نمیشود و اگر

الدُّنْيَا عُذِّبَ بِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ لَعَنَ مُؤْمِنًا فَهُوَ كَقَتْلِهٖ

در دنیا عذاب کرده شود بآنچیز روز قیامت و کسیکه لعنت کند مسلمان را پس آن لعنت کردن مانند کشتن او است

وَمَنْ قَذَفَ مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ فَهُوَ كَقَتْلِهِ وَمَنِ ادَّعَى دَعْوَى
وکسیکه دشنام کند مسلمانی را بکفر پس آن مانند قتل اوست وکسیکه دعوے کند دعوے
كَاذِبَةً لِيَتَكَثَّرَ بِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللهُ اِلَّا قِلَّةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
دروغ تا حاصل کند بدان مال کثیر زیاده نگرداند او را خدا تعالیٰ مگر کمی مال را متفق علیه
وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ
وروایت است از ابی ہریره رض که آنحضرت صلے الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِيْنٍ فَرَاٰى خَيْرًا مِنْهَا
علیه وسلم فرمود کسیکه سوگند خورد بر یمین پس ببیند بهتر ازان یمین
فَلْيُكَفِّرْ عَنْ يَمِيْنِهِ وَلْيَفْعَلْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ
پس باید که کفاره دهد از سوگند خود و بکند آن چیز را رواه مسلم وهم از ابی ہریره رض مرویست
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمِيْنُكَ عَلٰى
گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم سوگند تو محمول است بر
مَا يُصَدِّقُكَ عَلَيْهِ صَاحِبُكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ
چیزیکه تصدیق میکند ترا صاحب تو که سوگند مید بد ترا رواه مسلم وهم از وے مرویست
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْيَمِيْنُ عَلٰى نِيَّةِ
گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم سوگند بر نیت سوگند دهنده است
الْمُسْتَحْلِفِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ
که مراد از صاحب در حدیث سابق است رواه مسلم وهم از وی مرویست گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَحْلِفُوْا بِاٰبَائِكُمْ وَلَا بِاُمَّهَاتِكُمْ
صلے الله علیه وسلم سوگند مخورید به پدران خود ونه به مادران خود
وَلَا بِالْاَنْدَادِ وَلَا تَحْلِفُوْا بِاللهِ اِلَّا وَاَنْتُمْ صَادِقُوْنَ
ونه سوگند بخورید بشرکا یعنی به بتان ونه سوگند بخورید بخدا مگر آنکه شما راست هستید



رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ
رواه ابو داود والنسائے وروایت است از ابن عمر رض که
رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَلَفَ عَلٰى يَمِيْنٍ
آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود کسیکه سوگند خورد بر چیزے
فَقَالَ اِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالٰى فَلَا حِنْثَ عَلَيْهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
پس بگوید انشاء الله تعالے پس نیست حنث بروے رواه ترمذی
وَاَبُوْ دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ
وابو داود والنسائے وابن ماجه ودارمے
وَعَنْ اَبِي اُمَامَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى
وروایت است از ابی امامه رض گفت فرمود آنحضرت صلے
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اقْتَطَعَ حَقَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بِيَمِيْنِهِ
الله علیه وسلم کسیکه قطع کرد و جدا ساخت حق مرد مسلم را بسبب سوگند خود
فَقَدْ اَوْجَبَ اللهُ لَهُ النَّارَ وَحَرَّمَ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ فَقَالَ
پس بتحقیق لازم می گرداند خدا مر آن بنده را آتش دوزخ و حرام گرداند بروے بهشت پس گفت
لَهُ رَجُلٌ وَاِنْ كَانَ شَيْئًا يَسِيْرًا يَا رَسُوْلَ اللهِ قَالَ
مر آنحضرت را مردے اگرچه باشد آن چیز اندک اے رسول خدا فرمود آنحضرت
وَاِنْ كَانَ قَضِيْبًا مِنْ اَرَاكٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ بَابُ الْاَقْضِيَةِ
اگرچه باشد مال شاخ از درخت مواک رواه مسلم
وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ اُنَيْسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ
وروایت است از عبد الله بن انیس رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ مِنْ اَكْبَرِ الْكَبَائِرِ الشِّرْكَ بِاللهِ
صلے الله علیه وسلم بدرستیکه از گناهانے که کبیره ترین گناهاست شرک آوردن بخدا

وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَالْيَمِينُ الْغَمُوسُ وَمَا حَلَفَ حَالِفٌ

وآزاد کردن پدر وما در وسوگند خوردن بر کار گذشته دیده ودانسته وسوگند نخورد هیچ سوگند خورنده

بِاللهِ يَمِينَ صَبْرٍ فَأَدْخَلَ فِيهَا مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ إِلَّا

بخدا سوگند صبر پس در آورد در ان یمین مانند بازوے پشه مگر آنکه

جُعِلَتْ نُكْتَةً فِي قَلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

گردانیده شود آن یمین نقطه سیاه در دل وے تا روز قیامت وباقیماند وبال او که دران عالم ظاهر میگردد

باب ایضا وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

صلے الله علیه وسلم کس اند که کلام نمیکند ایشان را خدا تعالی روز قیامت

وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ رَجُلٌ حَلَفَ عَلٰى سِلْعَةٍ لَقَدْ أُعْطِيَ

ونظر نمیکند بسوی ایشان نظر عنایت یکے از ان مرد یست که سوگند خورد بر کالای که بتحقیق داده شده است

بِهَا أَكْثَرَ مِمَّا أُعْطِيَ وَهُوَ كَاذِبٌ وَرَجُلٌ حَلَفَ عَلٰى يَمِينٍ

باین کالا بیشتر از ان چه داده شد وحال آنکه وی دروغ گوست ودیم سوگند دوم مردیست که سوگند خورد

كَاذِبَةٍ بَعْدَ الْعَصْرِ لِيَقْتَطِعَ بِهَا مَالَ رَجُلٍ مُسْلِمٍ وَرَجُلٌ

دروغ بعد از وقت عصر تا جدا گرداند بوے مال مردے مسلمان وسوم مردے

مَنَعَ فَضْلَ مَاءٍ فَيَقُولُ اللهُ الْيَوْمَ أَمْنَعُكَ فَضْلِي كَمَا

که منع کند زیادت آب را پس میگوید خدا تعالی روز قیامت امروز منع میکنم ترا افزونی کرم خود را

مَنَعْتَ فَضْلَ مَاءٍ لَمْ تَعْمَلْ يَدَاكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ باب احیاء الموت

چنانچه منع کردی تو فزونی آب را که عمل نکرده وساخته است هر دو دست تو متفق علیه

## بَابٌ فِي النُّذُورِ

باب در میان نذرها



عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَابْنِ عُمَرَ رض قَالَا قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

وروایت است از ابی هریره وابن عمر رض گفت آنحضرت صلے

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَنْذُرُوا فَإِنَّ النَّذْرَ لَا يُغْنِي عَنِ الْقَدَرِ

الله علیه وسلم نذر کنید یعنی باعتقاد آنکه نذر رد میکند قدر را زیرا که نذر سود نمیدهد از قضا وقدر

شَيْئًا وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَخِيلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چیزی را وجز این نیست که بیرون آورده می شود بسبب نذر از بخیل چیزے از مال متفق علیه

وَعَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

وروایت است از عایشه رض که آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ نَذَرَ أَنْ يُطِيعَ اللهَ فَلْيُطِعْهُ وَمَنْ نَذَرَ

وسلم فرمود کسیکه نذر کند که اطاعت وفرمانبرداری کند خدا را پس باید که اطاعت کند خدا را وکسیکه

أَنْ يَعْصِيَهُ فَلَا يَعْصِهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عُقْبَةَ

که نافرمانی کند خدا را پس نافرمانی نکند خدا را اهل کفاره دهد رواه بخاری وروایت است از عقبه

ابْنِ عَامِرٍ رض عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كَفَّارَةُ

بن عامر رض از آنحضرت صلے الله علیه وسلم که گفت آنحضرت م کفاره

النَّذْرِ كَفَّارَةُ الْيَمِينِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض

نذر کفاره یمین است رواه مسلم وروایت است از انس رض

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى شَيْخًا يُهَادِي

که آنحضرت صلے الله علیه وسلم دید پیرے را که راه میرود

بَيْنَ ابْنَيْهِ فَقَالَ مَا بَالُ هٰذَا قَالُوا نَذَرَ أَنْ يَمْشِيَ إِلَى

میان دو پسر خود تکیه بر آنها کرده پس پرسید آنحضرت م چیست حال این مرد پس گفتند نذر کرده است

الْبَيْتِ فَقَالَ إِنَّ اللهَ تَعَالٰى عَنْ تَعْذِيبِ هٰذَا نَفْسَهُ لَغَنِيٌّ

بسوے کعبه پس فرمود آنحضرت بدرستیکه خدا تعالی از عذاب کردن این شخص نفس خود را بے نیاز است

وَأَمَرَهُ أَنْ يَّرْكَبَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِّمُسْلِمٍ عَنْ
وامر کرد او را که سوار شود از جهت عجز او از مشی و در روایتی مر مسلم را از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ اِرْكَبْ اَيُّهَا الشَّيْخُ فَاِنَّ اللهَ غَنِيٌّ
ابی ہریرہ رضـ این چنین آمده است که فرمود سوار شو ای پیر زیرا که خدای تعالیٰ بے نیاز است

عَنْكَ وَعَنْ نَذْرِكَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ
از تو و از نذر تو و روایت است از ابن عباس رضـ که آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ نَذَرَ نَذْرًا لَمْ يُسَمِّهِ فَكَفَّارَتُهُ
صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکه نذر کند نذرے که نام او نبرد پس کفاره او

كَفَّارَةُ يَمِيْنٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا فِيْ مَعْصِيَةٍ فَكَفَّارَتُهُ
کفاره یمین است و کسیکه نذر کرد نذرے در معصیة پس کفاره این

كَفَّارَةُ يَمِيْنٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا لَا يُطِيْقُهُ فَكَفَّارَتُهُ
کفاره یمین است و کسیکه نذر کند نذرے را که طاقت ندارد که بجا آرد او را پس کفاره او

كَفَّارَةُ يَمِيْنٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا اَطَاقَهُ فَلْيَفِ بِهِ رَوَاهُ اَبُوْدَاؤُدَ وَابْنُ مَاجَهْ
کفاره یمین است و کسیکه نذر کند نذری را که طاقت دارد آن را پس باید که وفا کند بآن نذر رواه ابوداؤد وابن ماجه

# كِتَابُ الْقِصَاصِ

کتاب در بیان قصاص

وَالَّذِيْنَ اِذَا اَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُوْنَ ۝ وَجَزٰٓؤُا
و آنانکه چون برسد بر ایشان تعدی ایشان انتقام می کشند و سزای

سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهٗ عَلَى اللهِ
بدی بدی است مانند آن پس هر که بگذارد و تقصیر را اصلاح آرد پس مزد او بر خدا است

اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ ۝ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهٖ فَاُولٰٓئِكَ
هر آئینه خدا دوست نمیدارد ظالمان را و هر آئینه کسیکه انتقام کشد بعد مظلوم شدن خود پس آن جماعت



مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيْلٍ اِنَّمَا السَّبِيْلُ عَلَى الَّذِيْنَ يَظْلِمُوْنَ
نیست بر ایشان هیچ راه ملامت جز این نیست که راه ملامت بر جماعت است که ظلم میکنند

النَّاسَ وَيَبْغُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝
بر مردمان و فساد میخواهند در زمین ناحق آن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ
و هر که صبر کند و بیامرزد هر آئینه این صفت از کارهاے مقصود است اے مسلمانان

اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلٰى اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ
لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان آزاد در مقابله آزاد است و بنده

بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰى وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ
در مقابله بنده است و زن در مقابله زن است و شما را بسبب قصاص زندگانی است

يّٰٓاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ۝ وَمَنْ يَّقْتُلْ مُؤْمِنًا
اے خداوندان عقل تا باشد که پرہیزگاری کنید و هر که بکشد مسلمان را

مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهٗ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيْهَا وَغَضِبَ اللهُ عَلَيْهِ
بقصد پس جزاء او دوزخ است جاوید آنجا و خشم گرفته است بر او خدا

وَلَعَنَهٗ وَاَعَدَّ لَهٗ عَذَابًا عَظِيْمًا عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ
و لعنت کرد او را و آماده ساخت برای او عذاب بزرگ و روایت است از عبد اللہ بن

مَسْعُوْدٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مسعود رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

اَوَّلُ مَا يُقْضٰى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِي الدِّمَآءِ
اول آنچه حکم کرده شود در میان مردم روز قیامت در خونها باشد

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رضـ اَنَّ النَّبِيَّ
متفق علیه و روایت است از عبد اللہ بن عمر رضـ گفت بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لزوال الدنيا أهون على الله

صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه زوال دنیا و فانی شدن آن آسان تر است نزد خدا

من قتل رجل مسلم رواه الترمذي والنسائي

از کشتن یا کشته شدن مسلمان رواه ترمذی والنسائی

وعن أبي سعيد وأبي هريرة رض عن رسول الله صلى

وروایت است از ابی سعید و از ابی هریره رض از آنحضرت صلی

الله عليه وسلم قال لو أن أهل السماء والأرض اشتركوا

الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت ۲ اگر ثابت شود که همه آسمانیان و زمینیان شریک اند

في دم مؤمن لأكبهم النار رواه الترمذي وعن

در ریختن خون مسلمانی هر آئینه بر روی می افگند ایشان را در آتش دوزخ رواه ترمذی و روایت است از

ابن عباس رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال يجيء

ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت ۲ می آرد

المقتول بالقاتل يوم القيمة ناصيته ورأسه بيده

کشته شده کشنده را روز قیامت درحالیکه موی پیشانی کشنده و سر وی در دست مقتول است

وأوداجه تشخب دما يقول يا رب قتلني حتى يدنيه

ورگهای گردن وی می ریزد خون از انها و میگوید مقتول ای پروردگار من کشته است مرا این شخص تا آنکه نزدیک میگرداند

من العرش رواه الترمذي والنسائي وابن ماجة

از عرش رواه ترمذی ونسائی وابن ماجه

وعن أبي الدرداء عن رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از ابی درداء از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال كل ذنب عسى الله أن يغفره إلا من مات

وسلم فرمود هر گناه امید است که ببخشد آن را خدا تعالی مگر آنکس که بمیرد



مشركا أو من يقتل مؤمنا متعمدا رواه أبو داود والنسائي

مشرک یا کسیکه بکشد مسلمانی را بقصد دیده و دانسته رواه ابوداود والنسائی

عن معاوية رض وعن عبد الله بن مسعود رض قال

از معاویه رض و روایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يحل دم امرء

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که حلال نیست ریختن خون مرد

مسلم يشهد أن لا إله إلا الله وأني رسول الله إلا

مسلم که گواهی میدهد بالوهیت خدا و رسالت من این تاکید اسلام است مگر

بإحدى ثلاث النفس بالنفس والثيب الزاني والمارق

بسبب یکی از سه خصلت یکی از ان خصلتها قتل است عمدا یعنی در قصاص دوم زنا است که رجم کرده میشود

لدينه التارك للجماعة متفق عليه وعن

سوم بر آمدن از دین بارتداد و ترک دهنده مر جماعت مسلمانان را متفق علیه و روایت است از

ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لن يزال المؤمن في فسحة من دينه ما لم يصب دما

همیشه است مسلمان در کشادگی و فراخی از امور دین مادام که نرسیده است وی بخون

حراما رواه البخاري وعن عبد الله بن عمرو رض

حرام رواه البخاری و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قتل معاهدا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بکشد کافر عهد کننده را

لم يرح رائحة الجنة وإن ريحها توجد من مسيرة

یا امام بر ترک حرب ذمی باشد یا غیر وی نیابد بوی بهشت را و بدرستیکه بوی بهشت یافته میشود از مسافت

اربعين خريفا رواه البخاري وعن سعيد بن المسيب رض
چهل سال رواه بخاری و روایت است از سعید بن مسیب رض
ان عمر ابن الخطاب رض قتل نفرا خمسة او سبعة برجل
که امیر المومنین عمر بن الخطاب رض کشت پنج مردرا یا هفت مردرا در بدل یکمرد
واحد قتلوه قتل غيلة وقال عمر رض لو تمالأ عليه
که کشته بودند آنکسان بطریق غیله و گفت عمر رض اگر اتفاق میکردند و یاری میدادند بروے
اهل صنعاء لقتلتهم جميعا رواه مالك وروى البخاري
ساکنان صنعا هر آئینه می‌کشتم ایشان را همه رواه مالک و روایت کرد بخاری
عن ابن عمر رض نحوه وعن جندب قال حدثني فلان
از ابن عمر رض مانند آن و روایت است از جندب گفت که حدیث کرد مرا فلان صحابی
ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال يجيء المقتول
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که می‌آرد کشته شده
بقاتله يوم القيمة فيقول سل هذا فيم قتلني فيقول
کشنده خود را روز قیامت پس میگوید مقتول بخدا که بپرس این را که بچه جهت کشته است مرا
قتلت على ملك فلان قال جندب فاتقها رواه النسائي
کشته ام او را بر ملک و سلطنت فلان گفت جندب پس پرهیز کن از این رواه نسائی
وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم من اعان على قتل مؤمن بشطر كلمة لقي الله مكتوب
وسلم کسیکه یاری دهد و مدد کند بر قتل مسلم بنیم کلمه مراد بنیم کلمه اُق است از لفظ اقتل ملاقات میکند خدا را و حال آنکه
بين عينيه ايس من رحمة الله رواه ابن ماجة
میان دو چشم وے این که نا امید است از رحمت خدا این شخص رواه ابن ماجه



وعن ابن عمر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال
و روایت است از ابن عمر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
اذا امسك الرجل الرجل وقتله الآخر يقتل الذي قتل
وقتیکه نگاه دارد مردے مردے را و بکشد او را مردے دیگر کشته شود آن کس که کشت
ويحبس الذي امسك رواه الدارقطني وعن طاؤس
و حبس کرده شود آنکسے که نگاه داشت رواه دارقطنی و روایت است از طاؤس
عن ابن عباس رض عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال
از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت
ومن قتل عمدا فهو قود ومن حال دونه فعليه لعنة
و کسیکه کشته شود عمدا پس آن قتل موجب قصاص است و کسیکه حایل گردد در میان آن قصاص پس بر وی لعنت
الله وغضبه لا يقبل منه صرف ولا عدل رواه ابو داود
خدا و خشم اوست و پذیرفته نمی‌شود از وے توبه و نه فدیه رواه ابو داود
والنسائي وهذا طرف من الحديث وعن عمرو
و نسائی و این لفظ طرفے است از حدیث بزرگ و روایت است از عمرو رض
ابن شعيب عن ابيه عن جده ان رسول الله صلى الله
بن شعیب رض از پدرش و از جدش که آنحضرت صلی الله
عليه وسلم قال من تطبب ولم يعلم منه طب فهو
علیه وسلم فرمود کسیکه طبیبے کرد خود را بتکلف و حال آنکه دانسته نشده است از وی طب پس آن
ضامن رواه ابو داود والنسائي باب الديات عن مشكوة
ضامن است رواه ابو داود و نسائی این حدیث را در مشکوة در باب دیات آ
وعن ابي الدرداء رض قال سمعت رسول الله صلى الله
و روایت است از ابی درداء رض گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ رَجُلٍ يُصَابُ بِشَيْءٍ فِي جَسَدِهٖ
علیه وسلم میگفت نیست هیچ مردے که مصیبت زده شود در تن وی بقطع یا بجرح
فَتَصَدَّقَ بِهٖ إِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ خَطِيْئَةً
پس تصدق کند این یعنی عفو کند او را مگر آنکه بلند گرداند او را خدا تعالی بآن عفو پایه و دور کند از وی گناه
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ خُزَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ رض
رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از خزیمه بن ثابت رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَصَابَ ذَنْبًا
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه برسید و ارتکاب کرد گناہے را
أُقِيْمَ عَلَيْهِ حَدُّ ذٰلِكَ الذَّنْبِ فَهُوَ كَفَّارَتُهٗ رَوَاهُ فِي شَرْحِ
که اقامت کرده شد بر آنکس حد آن پس آن حد کفارت و محو کننده آن گناه است رواه در شرح
السُّنَّةِ بَابُ مَا لَا يُدْعٰى عَلَى الْمَحْدُوْدِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض
السنة در باب الایدعی علی المحدود و روایت است از علی رض
عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَصَابَ حَدًّا
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه رسید حدے را
فَعُجِّلَ عُقُوْبَتُهٗ فِي الدُّنْيَا فَاللّٰهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُّثَنِّيَ عَلٰى
پس شتاب کرده شد عذاب آن در دنیا پس عذاب کرده نشود در آخرت زیرا که خدا عادل تر است از آنکه دو
عَبْدِهِ الْعُقُوْبَةَ فِي الْآخِرَةِ وَمَنْ أَصَابَ حَدًّا فَسَتَرَهُ اللّٰهُ
بنده خود عقوبت در آخرة و کسیکه برسد گناہے را پس پوشید خدا آن گناه را
عَلَيْهِ وَعَفَا عَنْهُ فَاللّٰهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَّعُوْدَ فِي شَيْءٍ قَدْ
بروے و عفو کند از آن پس خدا بزرگتر است از آنکه باز گردد بعذاب کردن در چیزے که تحقیق
عَفَا عَنْهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ بَابٌ أَيْضًا وَعَنْ
عفو کرد از آن رواه ترمذی و ابن ماجه در باب مذکور نیز و روایت است



أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
مَنْ تَرَدّٰى مِنْ جَبَلٍ فَقَتَلَ نَفْسَهٗ فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ يَتَرَدّٰى
کسیکه بیندازد از بالاے کوه خود را پس بکشد نفس خود را پس آنکس در آتش دوزخ است می افتد
فِيْهَا خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيْهَا أَبَدًا وَمَنْ تَحَسّٰى سُمًّا فَقَتَلَ نَفْسَهٗ
در وے همیشه همیشه داشته شده در آتش و کسیکه بیاشامد زهر را پس بکشد خود را
فَسُمُّهٗ فِي يَدِهٖ يَتَحَسَّاهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيْهَا أَبَدًا
پس زهر او در دست او خواهد بود در حالیکه می آشامد در آتش دوزخ همیشه همیشه داشته شده در آتش
وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهٗ بِحَدِيْدَةٍ فَحَدِيْدَتُهٗ فِي يَدِهٖ يَتَوَجَّأُ
و کسیکه بکشد خود را بآہنے مثل کاردے و یا شمشیرے پس آہن او در دست اوست میزند
بِهَا فِي بَطْنِهٖ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيْهَا أَبَدًا مُتَّفَقٌ
بآن حدید در شکم خود در آتش جهنم همیشه همیشه داشته شده در آتش دایما متفق
عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
علیه هم از ابی هریره مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
اَلَّذِيْ يَخْنُقُ نَفْسَهٗ يَخْنُقُهَا فِي النَّارِ وَالَّذِيْ يَطْعَنُهَا
آنکسیکه خفه میکند نفس خود را خفه میکند نفس خود را در آتش دوزخ و آنکسیکه به نیزه میزند نفس خود را
يَطْعَنُهَا فِي النَّارِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جُنْدُبِ
میزند نفس خود را بنیزه در آتش رواه بخاری و روایت است از جندب
ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بن عبد الله رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
كَانَ فِيْمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ بِهٖ جُرْحٌ فَجَزِعَ فَأَخَذَ سِكِّيْنًا
بود در آن کسانیکه پیش از شما بودند مردے که بود بوے جراحتے بد دلی بیصبری کرد و تاب نیاورد

فَجَزَّ بِهَا يَدَهُ فَمَا رَقَأَ الدَّمُ حَتَّى مَاتَ قَالَ اللهُ تَعَالَى

پس ببرید پاره‌ها بان دست خود را پس نایستاد خون تا آنکه مرد فرمود خدا تعالی

بَادَرَنِي عَبْدِي بِنَفْسِهِ فَحَرَّمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ

شتابی کرد مرا بنده من بهلاک کردن جان خود پس حرام گردانیدم بروے بهشت متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ الطُّفَيْلَ بْنَ عَمْرٍو الدَّوْسِيَّ

علیه وروایت است از جابر رض که طفیل بن عمرو دوسی

لَمَّا هَاجَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلَى الْمَدِيْنَةِ هَاجَرَ

وقتیکه هجرت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بسوے مدینه منوره هجرت کرد

اِلَيْهِ وَهَاجَرَ مَعَهُ رَجُلٌ مِنْ قَوْمِهِ فَمَرِضَ فَجَزِعَ فَاَخَذَ

بسوے آنحضرت ص و هجرت کرد با طفیل مردے از قوم وے پس بیمار شد آنمرد پس صبر نکرد پس

مَشَاقِصَ لَهُ فَقَطَعَ بِهَا بَرَاجِمَهُ فَشَخَبَتْ يَدَاهُ حَتَّى مَاتَ

پیکانها مر او را بود پس برید آنمرد بند‌هاے انگشتان خود را پس روان شد خون از هر دو دست او تا آنکه مرد آنمرد

فَرَاٰهُ الطُّفَيْلُ بْنُ عَمْرٍو فِيْ مَنَامِهِ وَهَيْئَتُهُ حَسَنَةٌ

پس دید آنمرد را طفیل بن عمرو در خواب خود در حال آنکه صورت وے نیکو است

وَرَاٰهُ مُغَطِّيًا يَدَيْهِ فَقَالَ لَهُ مَا صَنَعَ بِكَ رَبُّكَ فَقَالَ

و دید او را در حالیکه پوشنده است هر دو دست خود را پس گفت طفیل مر آنمرد را چه معامله کرد با تو پروردگار

غَفَرَ لِيْ بِهِجْرَتِيْ اِلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بیامرزید مرا بسبب هجرت کردن بسوے پیغمبر وے صلی الله علیه وسلم

فَقَالَ مَا لِيْ اَرَاكَ مُغَطِّيًا يَدَيْكَ قَالَ قِيْلَ لِيْ لَنْ نُصْلِحَ

پس گفت طفیل چیست مرا که می بینم ترا پوشنده هر دو دست خود را گفت آنمرد گفته شد مرا هرگز اصلاح نمیکنیم

مِنْكَ مَا اَفْسَدْتَ فَقَصَّهَا الطُّفَيْلُ عَلَى رَسُوْلِ اللهِ

از تو چیزیرا که فاسد و تباه کردی تو پس خواند این قصه را طفیل بر آنحضرت



صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

صلی الله علیه وسلم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اَللّٰهُمَّ وَلِيَدَيْهِ فَاغْفِرْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

بار خدایا چنانچه آمرزیدی سایر اعضای او را بیامرز هر دو دست او را رواه مسلم

## بَابُ مَا لَا يُضْمَنُ مِنَ الْجِنَايَاتِ

باب در بیان جنایاتے که ضمان آن نیست

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ

روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت شنیدم آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ قُتِلَ دُوْنَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيْدٌ

صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه کشته شد نزد مال خود از جهت دفع کردن ازان پس آنکس شهید است

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ جَاءَ رَجُلٌ

متفق علیه وروایت است از ابی هریره رض گفت که آمد مردے

فَقَالَ يَا رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَرَاَيْتَ اِنْ جَاءَ

پس گفت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر ده مرا که اگر بیاید

رَجُلٌ يُرِيْدُ اَخْذَ مَالِيْ قَالَ فَلَا تُعْطِهِ مَالَكَ قَالَ اَرَاَيْتَ

مردی که میخواهد گرفتن مال مرا گفت آنحضرت ص پس مده او را مال خود گفت آن مرد خبر ده مرا

اِنْ قَاتَلَنِيْ قَالَ قَاتِلْهُ قَالَ اَرَاَيْتَ اِنْ قَتَلَنِيْ قَالَ فَاَنْتَ

اگر قتال کند مرا و خواهد که مرا بکشد چه کار کنم فرمود قتال کن او را و جنگ کن باوے گفت خبر ده مرا که اگر بکشد مرا فرمود پس تو

شَهِيْدٌ قَالَ اَرَاَيْتَ اِنْ قَتَلْتُهُ قَالَ هُوَ فِي النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

شهید هستی گفت آن مرد خبر ده مرا که اگر بکشم من او را حال او چیست فرمود آنحضرت ص که او در آتش دوزخ است رواه مسلم

وَعَنْهُ اَنَّهُ سَمِعَ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و هم از ابی هریره رض مرویست که وے شنید آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

يَقُوْلُ لَوِ اطَّلَعَ فِيْ بَيْتِكَ اَحَدٌ وَلَمْ تَأْذَنْ لَهٗ فَخَذَفْتَهٗ

که میگفت اگر مطلع میشد و می نگریست در خانهٔ تو کسے و حال آنکه اذن نمیدادی تو مر او را پس می انداختی مر او را

بِحَصَاةٍ فَفَقَأْتَ عَيْنَهٗ مَا كَانَ عَلَيْكَ مِنْ جُنَاحٍ مُتَّفَقٌ

بسنگریزه پس کور میکردی تو چشم او را نمی بود بر تو هیچ گناہے متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مُغَفَّلٍ رضـ اَنَّهٗ رَاٰى رَجُلًا

علیه و روایت است از عبد الله بن مغفل رضـ که وے دید مردے را

يَخْذِفُ فَقَالَ لَا تَخْذِفْ فَاِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

که او خذف میکند پس گفت خذف مکن زیرا که آنحضرت صلے الله علیه وسلم

وَسَلَّمَ نَهٰى عَنِ الْخَذْفِ وَقَالَ اِنَّهٗ لَا يُصَادُ بِهٖ صَيْدٌ وَّلَا

وسلم نهی کرده است از خذف و گفت آنحضرت که خذف شکار کرده نمی شود بوی شکارے

يُنْكَاُ بِهٖ عَدُوٌّ وَلٰكِنَّهَا قَدْ تَكْسِرُ السِّنَّ وَتَفْقَأُ الْعَيْنَ

و مجروح کرده نمیشود بوی دشمن دین و لیکن این فعل یا حصاة می شکند دندان کسے را و کور میکند چشم کسے را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

متفق علیه و روایت است از ابی موسے رضـ گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا مَرَّ اَحَدُكُمْ فِيْ مَسْجِدِنَا اَوْ فِيْ سُوْقِنَا

صلی الله علیه وسلم وقتیکه بگذرد یکے از شما در مسجد ما و در بازار ما

وَمَعَهٗ نَبْلٌ فَلْيُمْسِكْ عَلٰى نِصَالِهَا اَنْ يُصِيْبَ اَحَدًا

و سایر مجامع در حکم آنست و حال آنکه با وی تیر است پس باید که نگاهبانی کند و دست نهد بر پیکان آن

مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ مِنْهَا بِشَيْءٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ

از مسلمانان از آن پیکان چیزے از جراحت متفق علیه و روایت است از ابی هریره رضـ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُشِيْرُ اَحَدُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم اشارت نکند یکے از شما



عَلٰى اَخِيْهِ بِالسِّلَاحِ فَاِنَّهٗ لَا يَدْرِيْ لَعَلَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ

بر برادر خود از سلاح یعنے از آلات حدید زیرا که وی در نمی یابد شاید که شیطان بگیرد سلاح را

فِيْ يَدِهٖ فَيَقَعُ فِيْ حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

در حالیکه در دست اوست پس بیفتد در کوی از آتش دوزخ متفق علیه و هم از ابی هریره رضـ مرویست گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَشَارَ اِلٰى اَخِيْهِ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه اشارت کند بوی برادر خود

بِحَدِيْدَةٍ فَاِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَلْعَنُهٗ حَتّٰى يَضَعَهَا وَاِنْ كَانَ

باهنے مثل تیر و شمشیر پس بدرستیکه فرشتگان لعنت میکنند آنکس را تا آنکه بنهد آن آهن را از دست خود و اگرچه باشد

اَخَاهُ لِاَبِيْهِ وَاُمِّهٖ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ وَ

مشار الیه یا مشیر برادر او مر پدر او و مادر او را یعنے برادر حقیقی رواه بخاری و روایت است از ابن عمر و

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَمَلَ

و ابی هریره رضـ از آنحضرت صلے الله علیه وسلم که فرمود کسیکه بر دارد

عَلَيْنَا السِّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَزَادَ مُسْلِمٌ وَمَنْ

بر ما آلات حرب را پس نیست از ما در طریقهٔ ما رواه بخاری و زیاده کرد مسلم در روایت کرد کسیکه

غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَعَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْاَكْوَعِ رضـ قَالَ

خیانت کرد و ترک نصیحت کرد ما را پس نیست از ما و روایت است از سلمه بن اکوع رضـ گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَلَّ عَلَيْنَا السَّيْفَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه برکشد بما شمشیر را

فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ

پس نیست از ما رواه مسلم و روایت است از هشام بن عروه از

اَبِيْهِ اَنَّ هِشَامَ بْنَ حَكِيْمٍ رضـ مَرَّ بِالشَّامِ عَلٰى اُنَاسٍ مِّنَ الْاَنْبَاطِ

پدر خود روایت میکند که هشام بن حکیم رضـ گذشت در ملک شام بر مردان از انباط

وَقَدْ أُقِيمُوا فِي الشَّمْسِ وَصُبَّ عَلَى رُؤُسِهِمُ الزَّيْتُ فَقَالَ

وحال آنکه ایستاده کرده شده اند در آفتاب و ریخته شده است بر سر ایشان روغن زیتون پس گفت

مَا هٰذَا قِيلَ يُعَذَّبُونَ فِي الْخَرَاجِ فَقَالَ هِشَامٌ أَشْهَدُ

چیست این حال گفته شد عذاب کرده میشوند بجهت خراج که مال واجبی نمیدهند پس گفت هشام گواهی میدهم

لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللّٰهَ

برآئینه شنیده ام آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدایتعالی

يُعَذِّبُ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

عذاب میکند آن کسانی را که عذاب میکنند مردمان را در دنیا روا ه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوشِكُ إِنْ طَالَتْ بِكَ مُدَّةٌ أَنْ تَرَى قَوْمًا

علیه وسلم نزدیک است اگر دراز شود ترا مدت عمر که ببینی گروهی را که

فِي أَيْدِيهِمْ مِثْلُ أَذْنَابِ الْبَقَرِ يَغْدُونَ فِي غَضَبِ اللّٰهِ وَيَرُوحُونَ

در دستهای ایشان است مانند دمهای گاوان مراد تازیانه ها است که از چرم میباشد بامداد میکنند

فِي سَخَطِ اللّٰهِ وَفِي رِوَايَةٍ وَيَرُوحُونَ فِي لَعْنَةِ اللّٰهِ رَوَاهُ

در بے رضای خدایتعالی و در روایتی است این لفظ که و شام میکنند در لعنت خدایتعالی روا

مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسلم وهم از ابی هریره رضـ روایت گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

صِنْفَانِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ

دو نوع و دو گروه اند از اهل دوزخ ندیده ام ایشان را و نخواهم دید یکے گروهی اند که با ایشان تازیانها

كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ

مانند دمهای گاوان میزنند بآن تازیانه مردم را و دوم جماعت اند از زنان که خداوند پوشش اند



عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُؤُسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ

یا پوشیده اند بدنهای خود را اما برهنه اند گردانیده اند دلهای مردمان را مایل بسوی خود میل کننده بسوی مردان

الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا وَإِنَّ رِيحَهَا

که مایل اند آن کوهان ها بجهت کثرت فربهی نه در می آیند بهشت را و نمی یابند بوی بهشت وحال آنکه بوی بهشت

تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا وَكَذَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

یافته میشود از مسافت چنین وچنین یعنی مسافت بعید در غایت بعد رواه مسلم و روایت است

جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَاتَلَ

جابر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه

أَحَدُكُمْ فَلْيَجْتَنِبِ الْوَجْهَ فَإِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ عَلَى

قتال کند یکے از شما یعنی مضاربت کند و مخاصمت نماید اگرچه کفار باشد پس باید که اجتناب کند

صُورَتِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ رضـ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ

صورت خود متفق علیه وروایت است از جابر رضـ که نهی کرد آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُتَعَاطَى السَّيْفُ مَسْلُولًا رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم از تناول شمشیر وگرفتن آن برکشیده و برهنه رواه

التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ عَنِ النَّبِيِّ

ترمذی و ابوداؤد وروایت است از ابن عمر رضـ از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِجَهَنَّمَ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ بَابٌ

صلی الله علیه وسلم فرمود مر دوزخ را هفت در است یک در

مِنْهَا لِمَنْ سَلَّ السَّيْفَ عَلَى أُمَّتِي أَوْ قَالَ عَلَى أُمَّةِ

از آن درها مر کسی راست که بکشد شمشیر را برامت من یا گفت بجای علی امتی لفظ علی امة

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

محمد صلی الله علیه وسلم رواه ترمذی

# بَابُ الْمَيْسِرِ وَالنَّرْدِ وَالشَّطْرَنْجِ وَغَيْرِهٖ

يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيْهِمَا اِثْمٌ كَبِيْرٌ وَّ
سوال میکنند ترا از شراب وقمار بگو درین هردو گناه سخت است
مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَاِثْمُهُمَا اَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَعَنْ
ونفع‌ها است مردمان را یعنی در دنیا و گناه این هردو سخت تر است از نفع آنها و روایت است از
بُرَيْدَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَعِبَ
بریدة رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بازی کرد
بِالنَّرْدِ شِيْرِ فَكَاَنَّمَا صَبَغَ يَدَهٗ فِيْ لَحْمِ خِنْزِيْرٍ وَّدَمِهٖ
با نردشیر پس گویا که رنگین نمود دست خود را در گوشت خوک و خون وے
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
رواه مسلم و روایت است از ابی هریرة رض از آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَلَفَ فَقَالَ فِيْ حَلْفِهٖ بِاللَّاتِ
الله علیه وسلم که فرمود کسیکه سوگند خورد پس گوید در سوگند خود سوگند میخورم بلات
وَالْعُزّٰى فَلْيَقُلْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَمَنْ قَالَ لِصَاحِبِهٖ
وعزی که نامهای بتان است پس باید که توبه کند وتدارک نماید بکلمهٔ توحید وکسیکه بگوید یار خود را
تَعَالَ اُقَامِرْكَ فَلْيَتَصَدَّقْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رض
بیا قمار بازم با تو پس باید که تصدق کند بجای که بدان قمار خواهد باخت متفق علیه و روایت است از ابی موسی رض
اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَعِبَ بِالنَّرْدِ فَقَدْ
بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بازی کرد با نرد یعنی چوسر وشطرنج وغیره پس تحقیق
عَصَى اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ
نافرمانی کرد آنکس خدا و رسول را رواه احمد و ابو داود و روایت است از



اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَاٰى
از ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم دید
رَجُلًا يَّتْبَعُ حَمَامَةً فَقَالَ شَيْطَانٌ يَّتْبَعُ شَيْطَانَةً رَوَاهُ اَحْمَدُ
مردیرا که پس پشت کبوترے میرود پس فرمود که شیطان است که تابع میگردد شیطان خود را رواه احمد
وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ
وابو داود وابن ماجه وبیهقی در شعب ایمان
وَعَنْ عَلِيٍّ رض اَنَّهٗ كَانَ يَقُوْلُ الشَّطْرَنْجُ هُوَ مَيْسِرُ
واز علی رض مروی است که او میگفت که شطرنج قمار
الْاَعَاجِمِ وَعَنِ ابْنِ شِهَابٍ رض اَنَّ اَبَا مُوْسَى الْاَشْعَرِيَّ رض
عجمیان است واز ابن شهاب مروی است بدرستیکه ابا موسی اشعری رض
قَالَ لَا يَلْعَبُ بِالشَّطْرَنْجِ اِلَّا خَاطِئٌ وَعَنْهُ رض اَنَّهٗ
گفت بازی نمیکند به شطرنج هیچ یکی مگر گنهگار وهم ازوی مرویست که وے
سُئِلَ عَنْ لَعِبِ الشَّطْرَنْجِ فَقَالَ هِيَ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا يُحِبُّ اللّٰهُ
سوال کرده شد از بازی شطرنج پس گفت که شطرنج از کار باطل است و دوست نمیدارد خدایتعالی
الْبَاطِلَ رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ
باطل را روایت کرد بیهقی این سه حدیث‌ها را در شعب ایمان

# كِتَابُ الْحُدُوْدِ

کتاب در بیان حدود

اَلزَّانِيَةُ وَالزَّانِيْ فَاجْلِدُوْا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ
زن زنا کننده و مرد زنا کننده بزنید هر یکے را از ایشان صد دره
وَلَا تَاْخُذْكُمْ بِهِمَا رَاْفَةٌ فِيْ دِيْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ
و باید که در نگیرد شما را شفقت بر ایشان در جاری کردن شرع اگر ایمان آورده اید

بالله واليوم الآخر وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين

بخدا و روز آخر و باید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعت از مسلمانان

عن عبادة بن الصامت رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از عباده بن صامت رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم اقيموا حدود الله في القريب والبعيد ولا تأخذكم

وسلم برپا کنید حدهای خدارا به نزدیک و دور و باید که نگیرد شمارا

في الله لومة لائم رواه ابن ماجة وعن ابن عمر رض

در دین خدا هیچ ملامت کننده رواه ابن ماجه و از ابن عمر رض مرویست

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اقامة حد من

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود برپا کردن حدے از

حدود الله خير من مطر اربعين ليلة في بلاد الله رواه

حدود خدا بهتر است از باران چهل شب در تمام شهرهای خدا رواه

ابن ماجة ورواه النسائي عن ابي هريرة رض وعن

ابن ماجه و رواه نسائی از ابی هریره رض و روایتست از

المغيرة رض قال قال سعد بن عبادة لو رأيت رجلا مع

مغیره رض که گفت گفت سعد بن عباده اگر ببینم من مردے را با

امرأتي لضربته بالسيف غير مصفح فبلغ ذلك

زن خود هر آئینه میزدم او را بشمشیر غیر زننده بطرف شمشیر و عرض وی پس رسید آن سخن

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اتعجبون من غيرة

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس فرمود آنحضرت ۲ آیا تعجب میدارید شما از غیرت

سعد والله انا اغير منه والله اغير مني ومن اجل

سعد سوگند بخدا من غیرت ناک ترام از وے و خدا غیرت ناکتر است از من و بسبب



غيرة الله حرم الله الفواحش ما ظهر منها وما بطن

غیرت خدا حرام گردانیده است خدایتعالی گناهان را هرچه ظاهر است از آن و هرچه پوشیده

ولا احد احب اليه العذر من الله ومن اجل ذلك بعث

و نیست کسیکه محبوب تر باشد بسوی او عذر از خدایتعالی و بدین سبب برانگیخت خدا

المنذرين والمبشرين ولا احد احب اليه المدحة من الله

پیغمبران ترسانندگان و خوشخبری رسانندگان را و نیست کسی محبوب تر بسوی او ستائش کردن از خدای

عز وجل ومن اجل ذلك وعد الله الجنة متفق عليه

عز وجل و بسبب آن وعده فرمود خدا به بهشت متفق علیه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی الله

عليه وسلم ان الله تعالى يغار وان المؤمن يغار وغيرة

علیه وسلم بدرستیکه خدایتعالی غیرت میکند و تحقیق مسلمان غیرت میکند و غیرت

الله ان لا يأتي المؤمن ما حرم الله متفق عليه باب اللعان هشم

خدا آنست که نیاید مومن چیزیرا که حرام گردانیده است خدایتعالے

## باب اثم الزنا

باب در بیان گناه زنا

ولا تقربوا الزنى انه كان فاحشة وساء سبيلا ٥

و نزدیک مشوید بزنا هر آئینه وے بیحیائی است و بد راهی است

عن عمرو بن العاص رض قال سمعت رسول الله صلى

از عمرو بن العاص رض مرویست که گفت شنیدم من آنحضرت صلے

الله عليه وسلم يقول ما من قوم يظهر فيهم الزنا الا اخذوا

الله علیه وسلم را که میگفت نیست هیچ قومی که پیدا می گردد در ایشان زنا مگر آنکه گرفته می شوند

بِالسَّنَةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرُّشَا اِلَّا اُخِذُوْا بِالرُّعْبِ

و بقحط و نیست هیچ قومی که پیدا و ظاهر گردد در ایشان رشوت اگر آنکه گرفت کرده میشوند به ترس و بیم

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ عُمَرَ رضقَالَ اِنَّ اللّٰهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا

رواه احمد و از عمر بن خطاب رض مرویست بدرستیکه خدایتعالی برانگیخته است محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ وَاَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ فَكَانَ

صلی الله علیه وسلم را بدین ثابت و نازل فرموده است بروے کتاب پس بود

مِمَّا اَنْزَلَ اللّٰهُ تَعَالٰى اٰيَةُ الرَّجْمِ رَجَمَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

از انچه نازل نمود خدایتعالی آیهٔ رجم رجم فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ وَالرَّجْمُ فِي كِتَابِ

الله علیه وسلم و رجم کردیم ما پس آنحضرت و رجم در کتاب

اللّٰهِ حَقٌّ عَلٰى مَنْ زَنٰى اِذَا اَحْصَنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ اِذَا

خدا حق است برکسے که زنا کند وقتیکه محصن باشد از مردان و زنان وقتیکه

قَامَتِ الْبَيِّنَةُ اَوْ كَانَتِ الْحَبَلُ اَوِ الْاِعْتِرَافُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

قایم شوند گواهان یا باشد حبل یعنی بار شکم از غیر زوج یا باشد اقرار متفق علیه

وَعَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ رض قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

و از سمره بن جندب رض گفت که بود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا صَلّٰى اَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ مَنْ رَاٰى

علیه وسلم چون فارغ میشد از نماز صبح توجه میکرد بما بروے مبارک خود پس میفرمود کیست که دیده است

مِنْكُمُ اللَّيْلَةَ رُؤْيَا قَالَ فَاِنْ رَاٰى اَحَدٌ قَصَّهَا فَيَقُوْلُ

از شما امشب خوابے را سمره گفت پس اگر میدید یکے خوابے را میخواند آنرا پس میگفت آنحضرت

مَا شَاءَ اللّٰهُ فَسَاَلَنَا يَوْمًا فَقَالَ هَلْ رَاٰى مِنْكُمْ اَحَدٌ

انچه خواسته است خدا پس پرسید مارا روزی پس گفت آیا دیده است از شما هیچ یکے



رُؤْيَا قُلْنَا لَا قَالَ لٰكِنِّي رَاَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ اَتَيَانِي فَاَخَذَا

خوابے را گفتیم که ندیده است فرمود لیکن من دیده ام امشب دو مرد را که آمدند مرا پس گرفتند

بِيَدِي فَاَخْرَجَانِي اِلٰى اَرْضٍ مُقَدَّسَةٍ فَاِذَا رَجُلٌ جَالِسٌ وَرَجُلٌ

هر دو دست مرا پس بیرون آوردند مرا بسوی زمین پاک پس ناگاه در انجا مردے نشسته است و مردی

قَائِمٌ بِيَدِهِ كَلُّوْبٌ مِنْ حَدِيْدٍ يُدْخِلُهُ فِي شِدْقِهِ فَيَشُقُّهُ حَتّٰى

ایستاده در دست او کلوب است از آهن که میدارد آنرا در کلهٔ مرد نشسته پس پاره میکند شدق او را

يَبْلُغَ قَفَاهُ ثُمَّ يَفْعَلُ بِشِدْقِهِ الْاٰخَرِ مِثْلَ ذٰلِكَ وَيَلْتَئِمُ

تا آنکه میرسد پس سر او را همچنین میکند بشدق دیگر وے مانند انچه کرده بود و بهم می آید

شِدْقُهُ هٰذَا فَيَعُوْدُ فَيَصْنَعُ مِثْلَهُ قُلْتُ مَا هٰذَا قَالَا انْطَلِقْ

این کلهٔ او پس باز میگردد پس میکند مانند آن پس گفتم آن دو مرد را چیست این گفتند آن برو

فَانْطَلَقْنَا حَتّٰى اَتَيْنَا عَلٰى رَجُلٍ مُضْطَجِعٍ عَلٰى قَفَاهُ وَرَجُلٌ

پس رفتیم ما تا آنکه آمدیم برمردے که افتاده است بر قفاے خود و مردے

قَائِمٌ عَلٰى رَاْسِهِ بِفِهْرٍ اَوْ صَخْرَةٍ يَشْدَخُ بِهٖ رَاْسَهُ فَاِذَا

ایستاده است بر سر او سنگ در دست که می شکند بآن سنگ سر آنمرد را پس چون

ضَرَبَهُ تَدَهْدَهَ الْحَجَرُ فَانْطَلَقَ اِلَيْهِ لِيَاْخُذَهُ فَلَا يَرْجِعُ

میزند او را می غلطد سنگ و دور می افتد پس میرود آنمرد بجانب آن سنگ تا بگیرد آن را پس باز

اِلٰى هٰذَا حَتّٰى يَلْتَئِمَ رَاْسُهُ وَعَادَ رَاْسُهُ كَمَا كَانَ فَعَادَ

بسوے این نمیگردد تا آنکه به میگردد سر او و میگردد سر او چنانکه بود پس باز می آید

اِلَيْهِ فَضَرَبَهُ فَقُلْتُ مَا هٰذَا قَالَا انْطَلِقْ فَانْطَلَقْنَا حَتّٰى

بسوی وے پس میزند او را پس پرسیدم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم ما تا آنکه

اَتَيْنَا اِلٰى ثَقْبٍ مِثْلِ التَّنُّوْرِ اَعْلَاهُ ضَيِّقٌ وَاَسْفَلُهُ وَاسِعٌ

آمدیم بسوے سوراخ که مانند تنور است بالاے آن ثقب تنگ است و پایان او فراخ

تتوقد تحته نار فإذا ارتفعت ارتفعوا حتى كاد
می افروزد زیر آن تنور آتش پس چون بلند میگردد آتش بلند میشوند مردم تا آنکه قریب است

أن يخرجوا منها وإذا أخمدت رجعوا فيها وفيها رجال ونساء
که بیرون افتند و چون می نشیند آن آتش رجوع میکنند درو و دران مردان و زنان اند

عراة فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى أتينا على
برهنه پس گفتم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم ما تا آنکه آمدیم ما بر

نهر من دم فيه رجل قائم على وسط النهر وعلى شط
جوی از خون دران جوی مردیست ایستاده درمیان جوی و بر کنار

النهر رجل بين يديه حجارة فأقبل الرجل الذي في النهر
جوی مردی دیگر است پیش وی سنگها است پس پیش آمد مردیکه بود درمیان نهر

فإذا أراد أن يخرج رمى الرجل بحجر في فيه فرده حيث
پس چون میخواهد که بیرون آید می زند آنمرد که بر کنار نهر است سنگی در دهن آنمرد پس میگرداند اورا بجا

كان فجعل كلما جاء ليخرج رمى في فيه بحجر فيرجع كما كان
که بود پس ایستاد آنمرد باین صفت که هرگاه که می آید آنمرد تا بیرون آید می انداخت در دهن او سنگ پس میگردید همچنان

فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى انتهينا إلى
پس پرسیدم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم ما تا آنکه رسیدیم ما بسوی

روضة خضراء فيها شجرة عظيمة وفي أصلها شيخ
بوستان سبز که دران درختی بزرگ است و در بیخ آن درخت پیری است

وصبيان وإذا رجل قريب من الشجرة بين يديه نار يوقدها
و اطفال پس ناگاه مردی است دیگر نزدیک آن درخت پیش او آتشی است که می افروزد آن را

فصعدا بي الشجرة فأدخلاني دارا وسط الشجرة لم أر قط
پس ببروند مرا بالای آن درخت پس درآوردند مرا در سرائی که میان آن درخت است ندیدیم هرگز



أحسن منها فيها رجال شيوخ وشباب ونساء و
بهتر ازان پس دران مردان اند پیران و جوانان و زنانند

صبيان ثم أخرجاني منها فصعدا بي الشجرة فأدخلاني
و طفلان پس بیرون آوردند مرا ازان سرا پس بردند مرا بالای آن درخت پس درآوردند مرا

دارا هي أحسن وأفضل منها فيها شيوخ وشباب
سرائی را که بهتر و افضل بود ازان پس دراین سرا پیران و جوانانند

فقلت لهما إنكما قد طوفتماني الليلة فأخبراني عما
پس گفتم من مر آن دو مرد را که بسیار گردانیدید شما مرا امشب پس خبر دهید مرا ازانچه

رأيت قالا نعم أما الرجل الذي رأيته يشق شدقه
دیده ام گفتند هان اما مردی که دیدی که پاره کرده می شود کله او

فكذاب يحدث بالكذبة فتحمل عنه حتى تبلغ الآفاق
پس مردی دروغ گوست که خبر میدهد بدروغ پس یاد گرفته میشود آن حدیث دروغ ازوی تا آنکه میرسد در اطراف عالم

فيصنع به ما ترى إلى يوم القيامة والذي رأيته
پس کرده میشود چیزی که می بینی تا روز قیامت و آنکس که دیدی تو اورا

يشدخ رأسه فرجل علمه الله القرآن فنام عنه
که شکسته میشود سر او پس مردی است که تعلیم کرد اورا الله تعالی قرآن را پس خواب کرد از قرآن

بالليل ولم يعمل بما فيه بالنهار يفعل به ما رأيت إلى
در شب و عمل نکرد بانچه در قرآنست در روز کرده میشود بآن انچه که دیدی تا

يوم القيامة والذي رأيته في الثقب فهم الزناة والذي
روز قیامت و آنکس که دیدی تو اورا در سوراخ پس آن جماعت زناکارانند و آنکس

رأيته في النهر آكل الربا والشيخ الذي رأيته في أصل
که دیدی تو اورا در نهر سود خوار است و پیری که دیدی تو اورا در بیخ

الشَّجَرَةِ إِبْرَاهِيمُ وَالصِّبْيَانُ حَوْلَهُ فَأَوْلَادُ النَّاسِ وَالَّذِي
درخت ابراہیم خلیل است و طفلان که گرد او بیند پس اولاد مردم اند وکسیکه
يُوقِدُ النَّارَ مَالِكٌ خَازِنُ النَّارِ وَالدَّارُ الْأُولَى الَّتِي دَخَلْتَ
می افروزد آتش را مالک است داروغه دوزخ وسرای پیشین که در آمدی تو
دَارُ عَامَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَمَّا هٰذِهِ الدَّارُ فَدَارُ الشُّهَدَاءِ وَأَنَا
جای عوام مسلمانان است ولیکن این سرای دوم که احسن از اول بود پس جای شهیدان است و من
جِبْرَئِيلُ وَهٰذَا مِيكَائِيلُ فَارْفَعْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي
جبرئیل ام واین میکائیل است پس بردار سر خود را پس برداشتم من سر خود را
فَإِذَا فَوْقِي مِثْلُ السَّحَابَةِ وَفِي رِوَايَةٍ مِثْلُ الرَّبَابَةِ الْبَيْضَاءِ
پس ناگاه بالای سر من مانند ابر است و در روایتی آمده است که بالای سر من مانند ربابه سفید است
قَالَا ذٰلِكَ مَنْزِلُكَ قُلْتُ دَعَانِي أَدْخُلْ مَنْزِلِي قَالَا إِنَّهُ
گفتند آن دو مرد که این مقام تست گفتم بگذارید مرا تا در آیم منزل خود را گفتند بدرستیکه
بَقِيَ لَكَ عُمُرٌ لَمْ تَسْتَكْمِلْهُ فَلَوِ اسْتَكْمَلْتَهُ أَتَيْتَ مَنْزِلَكَ
از عمر تو هنوز باقی است که تمام نکردی تو آن را پس اگر تمام میکردی آن را می آمدی منزل خود را
رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ بَابُ الرُّؤْيَا مش
روایت کرد آن را بخاری در باب رؤیا مشکوة

## بَابُ إِثْمِ اللِّوَاطَةِ
باب در اثم لواطت

عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
روایت است از عکرمه از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ وَجَدْتُمُوهُ يَعْمَلُ عَمَلَ قَوْمِ لُوطٍ
الله علیه وسلم کسیکه بیابید شما او را که میکند فعل گروه لوط



فَاقْتُلُوا الْفَاعِلَ وَالْمَفْعُولَ بِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
پس بکشید کننده این کار را و آن را که کرده شده است رواه ترمذی و ابن ماجه
وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و از جابر رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم
إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي عَمَلُ قَوْمِ لُوطٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
بدرستیکه ترسنده ترین چیزیکه می ترسم من بر امت خود کار قوم لوط است رواه ترمذی
وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَأَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ
و ابن ماجه و روایت است از ابن عباس و ابی هریره رض بدرستیکه آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَلْعُونٌ مَنْ عَمِلَ عَمَلَ قَوْمِ لُوطٍ
صلی الله علیه وسلم فرمود لعنت کرده شده است کسیکه بکند کار قوم لوط
رَوَاهُ رَزِينٌ وَفِي رِوَايَةٍ لَهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ عَلِيًّا أَحْرَقَهُمَا
روایت کرد رزین و در روایتی که مر رزین راست از ابن عباس رض بدرستیکه علی رض سوخت هر دو را
وَأَبَا بَكْرٍ هَدَمَ عَلَيْهِمَا حَائِطًا وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى
و ابوبکر رض انداخت بر هر دو دیوارے را و هم از وے مروی است که آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَنْظُرُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى رَجُلٍ أَتَى رَجُلًا
الله علیه وسلم فرمود که نظر رحمت نمیکند خدای بزرگ بسوے مردے که بیاید مردی را
أَوِ امْرَأَةً فِي دُبُرِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
یا زنے را در دبر او رواه ترمذی و از ابن عباس رض مرویست
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَتَى بَهِيمَةً
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاید چارپایه را یعنی وطی کند
فَاقْتُلُوهُ وَاقْتُلُوهَا مَعَهُ قِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ مَا شَأْنُ الْبَهِيمَةِ
بوے پس بکشید او را و بکشید آن بہیمه را همراه او گفته شد مر ابن عباس را چیست حال بہیمه

قَالَ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ ذٰلِكَ

گفت نشنیدم من از پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم دران باب

شَيْئًا وَلٰكِنْ أُرَاهُ كَرِهَ أَنْ يُؤْكَلَ لَحْمُهَا أَوْ يُنْتَفَعَ بِهَا وَقَدْ

چیزے ولیکن گمان می برم کہ مکروہ پنداشتہ است آنحضرت کہ خوردہ شود گوشت آن بہیمہ

فُعِلَ بِهَا ذٰلِكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

حال آنکہ کردہ شد آن بہیمہ بآن کار رواہ ترمذی و ابوداود و ابن ماجہ

## بَابُ السَّرِقَةِ

باب در بیان دزدی

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوْا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا

مرد دزدنده و زن دزدنده ببرید دست ایشان بجزاے آنچہ کہ بعمل آوردہ اند

نَكَالًا مِّنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهٖ

کہ عبرتیست از طرف خدا و خدا غالب داناست پس ہرکہ توبہ کرد بعد ستم خود

وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللّٰهَ يَتُوْبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝

و کار شایستہ شود پس ہر آئینہ خدا برحمت باز میگردد بجوے ہر آئینہ خدا آمرزندہ و مہربان است

عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

از ابی ہریرہ رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم مرویست فرمود

لَعَنَ اللّٰهُ السَّارِقَ يَسْرِقُ الْبَيْضَةَ فَتُقْطَعُ يَدُهٗ وَيَسْرِقُ الْحَبْلَ

آنحضرت ص لعنت کند خدا تعالی دزدی را کہ می دزدد بیضہ را پس بریدہ میشود دست او و می دزدد

فَتُقْطَعُ يَدُهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ

پس بریدہ میشود دست او متفق علیہ و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ عَلَى الْمُنْتَهِبِ قَطْعٌ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نیست بر غارت کنندہ قطع



وَمَنِ انْتَهَبَ نُهْبَةً مَشْهُوْرَةً فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ

و کسیکہ نہب کند نہب کردنی مشہور آشکارا پس نیست از ما رواہ ابوداود

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ جِيْءَ بِسَارِقٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و از جابر رض مرویست گفت آوردہ شد دزدے بسوی آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَقَالَ اقْطَعُوْهُ فَقُطِعَ ثُمَّ جِيْءَ بِهٖ الثَّانِيَةَ فَقَالَ اقْطَعُوْهُ

وسلم فرمود آنحضرت کہ ببرید دست او را پس بریدہ شد بیشتر آوردہ شد دزد دوم بار پس فرمود ببرید

فَقُطِعَ ثُمَّ جِيْءَ بِهِ الثَّالِثَةَ فَقَالَ اقْطَعُوْهُ فَقُطِعَ ثُمَّ جِيْءَ

پس بریدہ شد بیشتر آوردہ شد دزد سوم بار پس فرمود ببرید او را پس بریدہ شد پس آوردہ شد

بِهِ الرَّابِعَةَ فَقَالَ اقْطَعُوْهُ فَقُطِعَ فَأُتِيَ بِهِ الْخَامِسَةَ

دزد بار چہارم پس فرمود ببرید او را پس بریدہ شد پس آوردہ شد او بار پنجم

فَقَالَ اقْتُلُوْهُ فَانْطَلَقْنَا بِهٖ فَقَتَلْنَاهُ ثُمَّ اجْتَرَرْنَاهُ فَأَلْقَيْنَاهُ

پس فرمود بکشید او را پس بردیم او را و او را پس کشتیم او را پس کشیدیم او را و پس انداختیم او را

فِيْ بِئْرٍ وَرَمَيْنَا عَلَيْهِ الْحِجَارَةَ رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

در چاہے و انداختیم بروے سنگہا رواہ ابوداود و نسائی

وَرُوِيَ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ فِيْ قَطْعِ السَّارِقِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى

و روایت کردہ شد در شرح سنہ در باب قطع سارق از آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقْطَعُوْهُ ثُمَّ احْسِمُوْهُ وَعَنْ عَائِشَةَ رض

اللہ علیہ وسلم کہ ببرید دست دزد را و داغ کنید آنرا بآتش و از عائشہ رض مرویست

أُتِيَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَارِقٍ فَقَطَعَهٗ

کہ آوردہ شد نزد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم دزدی پس قطع کرد او را

فَقَالُوْا مَا كُنَّا نُرَاكَ تَبْلُغُ بِهٖ هٰذَا قَالَ لَوْ كَانَتْ

پس گفتند صحابہ بودیم ما گمان می بردیم ترا کہ میرسی با این دزد باین مرتبہ را کہ دست ویرا ببری فرمود اگر

فَاطِمَةُ لَقَطَعْتُهَا رَوَاهُ النَّسَائِيُّ

فاطمہ ہر آئینہ قطع می کردم دست اورا رواہ نسائی

## بَابُ الْمُسْكِرَاتِ وَوَعِيدِ شَارِبِهَا

باب در احادیثے کہ در مسکرات و وعید شارب آن وارد شدہ

يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْاَنْصَابُ وَ

ای مسلمانان جز این نیست کہ خمر و قمار و نشانہای معبودان باطل

الْاَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوْهُ لَعَلَّكُمْ

و تیرہاے فال پلید است از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا کہ شما

تُفْلِحُوْنَ ۝ اِنَّمَا يُرِيْدُ الشَّيْطَانُ اَنْ يُّوْقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ

رستگار شوید جز این نیست کہ میخواہد شیطان کہ بیندازد در میان شما دشمنی

وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ

و ناخوشی بسبب خمر و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا

وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ اَنْتُمْ مُّنْتَهُوْنَ ۝ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

و از نماز پس آیا الحال شما باز ایستادید و روایت است از ابن عمر رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ مُسْكِرٍ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم ہر مسکر

خَمْرٌ وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَمَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا فَمَاتَ

خمر است و ہر مسکر حرام است و کسیکہ نوشید خمر را در دنیا پس بمیرد

وَهُوَ يُدْمِنُهَا وَلَمْ يَتُبْ لَمْ يَشْرَبْهَا فِي الْاٰخِرَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

در حالیکہ پیوستہ میخورد آنرا و توبہ نکرد از ان نخواہد نوشید خمر در آخرت رواہ مسلم

وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ رَجُلًا قَدِمَ مِنَ الْيَمَنِ فَسَاَلَ النَّبِيَّ

و از جابر رض مرویست کہ مردے قدوم آورد از یمن پس پرسید آنحضرت



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ شَرَابٍ يَشْرَبُوْنَهُ بِاَرْضِهِمْ مِنَ

صلی اللہ علیہ وسلم از شرابے کہ مینوشیدند اہل یمن آن را در زمین خود از

الذُّرَةِ يُقَالُ لَهُ الْمِزْرُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ذرہ گفتہ میشود ان شراب را مزر پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اَوَمُسْكِرٌ هُوَ قَالَ نَعَمْ قَالَ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ اِنَّ عَلَى اللّٰهِ

آیا مسکر است آن گفت آن مرد آری گفت آنحضرت ہر مسکر حرام است بدرستیکہ بر خدا

عَهْدًا لِمَنْ يَشْرَبُ الْمُسْكِرَ اَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ طِيْنَةِ الْخَبَالِ قَالُوْا

عہد است ہر کسیرا کہ نوشد مسکر را کہ بنوشاند اورا از طینت خبال گفتند صحابہ

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَمَا طِيْنَةُ الْخَبَالِ قَالَ عَرَقُ اَهْلِ النَّارِ

یا رسول خدا و چیست طینت خبال فرمود خوے اہل آتش است یا گفت

اَوْ عُصَارَةُ اَهْلِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رض

زرد آبے کہ میرود از اہل نار رواہ مسلم و روایت است از جابر رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا اَسْكَرَ

کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود چیزیکہ مست میگرداند

كَثِيْرُهُ فَقَلِيْلُهُ حَرَامٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ

بسیار وی پس اندک وے نیز حرام است رواہ ترمذی و ابو داود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ

و ابن ماجہ و روایت است از عائشہ رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا اَسْكَرَ مِنْهُ الْفَرْقُ فَمِلْءُ

صلے اللہ علیہ وسلم گفت چیزیکہ مست گرداند از وے فرق پس پُری

الْكَفِّ مِنْهُ حَرَامٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ

کف دست از وی حرام است روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و ابو داود

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ لَعَنَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از انس رض گفت انس رض لعنت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فِي الْخَمْرِ عَشَرَةً عَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَشَارِبَهَا وَحَامِلَهَا
در مقدمهٔ خمر ده کسان را کسیکه بیفشرد آنرا و کسیکه افشرده شده است برای وی و کسیکه بنوشد آنرا و کسیکه بردارد آنرا
وَالْمَحْمُوْلَةَ اِلَيْهِ وَسَاقِيَهَا وَبَائِعَهَا وَاٰكِلَ ثَمَنِهَا وَالْمُشْتَرِيَ
و کسیکه برداشته شده است بسوی آن و کسیکه بنوشاند آنرا و کسیکه فروشد و کسیکه بخورد قیمت آنرا و کسیکه خریده
لَهَا وَالْمُشْتَرٰى لَهٗ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ
آنرا و کسیکه خرید کرده شده است برای وی رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از
ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
لَعَنَ اللّٰهُ الْخَمْرَ وَشَارِبَهَا وَسَاقِيَهَا وَبَائِعَهَا وَمُبْتَاعَهَا
که لعنت کرد خدا تعالی خمر را و کسیکه بنوشد آن را و کسیکه بنوشاند آنرا و کسیکه بفروشد آنرا و کسیکه خرید کند آن را
وَعَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُوْلَةَ اِلَيْهِ
و کسیکه بیفشرد آنرا و کسیکه افشرده شده است برای وی و کسیکه برداشت آنرا و کسیکه برداشته شده است بسوی او
رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ
رواه ابوداود و ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت
اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُتِيَ بِرَجُلٍ قَدْ
آورده شد نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که
شَرِبَ الْخَمْرَ فَقَالَ اضْرِبُوْهُ فَمِنَّا الضَّارِبُ بِيَدِهٖ وَ
که نوشیده بود خمر پس فرمود آنحضرت بزنید او را پس بود از ما زننده بدست خود و
الضَّارِبُ بِثَوْبِهٖ وَالضَّارِبُ بِنَعْلِهٖ ثُمَّ قَالَ بَكِّتُوْهُ فَاَقْبَلُوْا
زننده بجامه خود و زننده بنعل خود پس گفت سرزنش کنید او را پس روی آوردند



عَلَيْهِ يَقُوْلُوْنَ مَا اتَّقَيْتَ اللّٰهَ وَمَا خَشِيْتَ اللّٰهَ وَمَا اسْتَحْيَيْتَ
بروی در حالیکه می گویند پرهیز نکردی خدا را و نه ترسیدی خدا را و شرم نداشتی
مِنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ اَخْزَاكَ اللّٰهُ قَالَ
از پیغمبر خدا پس گفتند بعضے از قوم خوار گرداند و رسوا کند ترا خدا تعالی گفت
لَا تَقُوْلُوْا هٰكَذَا لَا تُعِيْنُوْا عَلَيْهِ الشَّيْطَانَ وَلٰكِنْ قُوْلُوْا
مگوئید همچنین یاری مدهید بروے شیطان را و لیکن بگوئید
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَهٗ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْهُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ
خداوندا بیامرز او را خداوندا رحمت کن او را رواه ابوداود و روایت است از
وَائِلِ الْحَضْرَمِيِّ اَنَّ طَارِقَ بْنَ سُوَيْدٍ سَاَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ
وائل حضرمی که طارق بن سوید سوال کرد آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْخَمْرِ فَنَهَاهُ فَقَالَ اِنَّمَا اَصْنَعُهَا لِلدَّوَاءِ
علیه وسلم را از شرب خمر پس نهی کرد آنحضرت صلعم او را پس گفت نمی کنم او را مگر برائے دوا
فَقَالَ اِنَّهٗ لَيْسَ بِدَوَاءٍ وَلٰكِنَّهٗ دَاءٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
پس فرمود آنحضرت صلعم بدرستیکه آن نیست دارو و لیکن آن درد است رواه مسلم
وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
و روایت است از عبدالله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ يَقْبَلِ اللّٰهُ لَهٗ صَلٰوةً
الله علیه وسلم کسیکه بخورد خمر را قبول نکند خدا تعالی مر او را نماز
اَرْبَعِيْنَ صَبَاحًا فَاِنْ تَابَ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْهِ فَاِنْ عَادَ
چهل صباح پس اگر توبه کند رجوع میکند خدا بروے پس اگر عود کند بشرب خمر
لَمْ يَقْبَلِ اللّٰهُ لَهٗ صَلٰوةً اَرْبَعِيْنَ صَبَاحًا فَاِنْ تَابَ تَابَ اللّٰهُ
قبول نمیکند خدا تعالی برائے وے نماز چهل صباح پس اگر توبه کند رجوع میکند خدا

عَلَيْهِ فَإِنْ عَادَ لَمْ يَقْبَلِ اللّٰهُ لَهُ صَلٰوةَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَإِنْ
بروے پس اگر عود کند بشرب خمر قبول نمیکند خدایتعالی مر او را نماز چهل صباح پس اگر
تَابَ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْهِ فَإِنْ عَادَ الرَّابِعَةَ لَمْ يَقْبَلِ اللّٰهُ صَلٰوةَ
توبه کرد رجوع میکند خدا بروے پس اگر عود کرد بخوردن خمر در کرت چهارم قبول نمیکند خدا برای وی نماز
أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَإِنْ تَابَ لَمْ يَتُبِ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَقَاهُ مِنْ
چهل صباح پس اگر توبه کرد این بار رجوع نمیکند خدا بروے و می نوشاند او را از
نَهْرِ الْخَبَالِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَى النَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
جوی زرد آب دوزخیان رواه ترمذی و روایت کرد این حدیث را نسائی و ابن ماجه
وَالدَّارِمِيُّ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ
والدارمی از عبد الله بن عمر رض و روایت است از عبد الله
بْنِ عَمْرٍو رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَدْخُلُ
بن عمرو رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود در نمی آید
الْجَنَّةَ عَاقٌّ وَلَا قَمَّارٌ وَلَا مَنَّانٌ وَلَا مُدْمِنُ خَمْرٍ رَوَاهُ
بهشت را آزارنده مادر و پدر را و در نمی آید بهشت را قمار بازنده و در نمی آید بهشت را منت نهنده و در نمی
الدَّارِمِيُّ وَفِي رِوَايَةٍ لَهُ وَلَا وَلَدُ زِنْيَةٍ بَدَلَ قَمَّارٍ
دارمی و در روایتے مر او راست و در نمی آید بهشت را ولد الزنا بجای قمار بازنده
وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رضـ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ بَعَثَنِي رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ وَهُدًى لِّلْعٰلَمِيْنَ
وسلم بدرستیکه خدایتعالی فرستاده است مرا سبب رحمت مر جهانیان را و سبب هدایت مر جهانیان را
وَأَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِمَحْقِ الْمَعَازِفِ وَالْمَزَامِيرِ وَالْأَوْثَانِ
و امر کرد مرا پروردگار من عز وجل بباطل کردن معازف و کاهانیدن مزامیر و شکستن بتان



وَأَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ وَحَلَفَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِعِزَّتِي لَا يَشْرَبُ
و باطل کردن تمامه رسوم جاهلیت و گفته است پروردگار من سوگند میخورم بعزت خود که نوشد
عَبْدٌ مِّنْ عَبِيدِي جُرْعَةً مِّنْ خَمْرٍ إِلَّا سَقَيْتُهُ مِنَ الصَّدِيدِ
هیچ بنده از بندگان من و یک جرعه از شراب مگر آنکه بنوشانم او را از زرد آب
مِثْلَهَا وَلَا يَتْرُكُهَا مِنْ مَخَافَتِي إِلَّا سَقَيْتُهُ مِنْ حِيَاضِ الْقُدْسِ
مانند آن و نگذارد هیچ بنده خمر را از ترس من مگر آنکه بنوشانم او را از حوضهاے قدس
رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
رواه احمد و از ابن عمر رض مرویست که آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثَةٌ قَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ الْجَنَّةَ مُدْمِنُ
علیه وسلم فرمود سه مرد اند که بتحقیق حرام گردانیده است خدا بر ایشان بهشت را یکی پیوسته
الْخَمْرِ وَالْعَاقُّ وَالدَّيُّوثُ الَّذِي يُقِرُّ فِي أَهْلِهِ الْخُبْثَ رَوَاهُ
خورنده خمر دوم آزار کننده مادر و پدر را سوم مرد بیغیرت آنکه قرار میدهد در اهل و عیال خود پلیدی یعنی زنا را
أَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضـ أَنَّ النَّبِيَّ
رواه احمد و نسائی و روایت است از ابی موسے اشعری رض که آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ
صلی الله علیه وسلم فرمود کس اند در نمے آیند به بهشت
مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَقَاطِعُ الرَّحِمِ مُصَدِّقٌ بِالسِّحْرِ رَوَاهُ أَحْمَدُ
مدمن خمر و برنده رحم که بخویشان پیوند نمی کند و تصدیق کننده بسحر رواه احمد
وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُدْمِنُ
و از ابن عباس مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم مدمن
الْخَمْرِ إِنْ مَاتَ لَقِيَ اللّٰهَ كَعَابِدِ وَثَنٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي مُوسَى رضـ
خمر اگر بمیرد پیش می آید خدا را مانند پرستش کننده بت رواه احمد و روایت از ابی موسی رض

أَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ مَا أُبَالِيْ شَرِبْتُ الْخَمْرَ أَوْ عَبَدْتُ هٰذِهِ

که میگفت که باک ندارم که بنوشم من شراب یا پرستش کنم این

السَّارِيَةَ دُوْنَ اللّٰهِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُقَيْبَةَ

ستون را جز خدایتعالی رواه نسائی و روایت است از حکم بن عقیبه

عَنْ أَنَسِ بْنِ حُذَيْفَةَ صَاحِبِ الْبَحْرَيْنِ قَالَ كَتَبْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

از انس بن حذیفه صاحب بحرین گفت که من نوشتم من بسوی آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ النَّاسَ قَدِ اتَّخَذُوْا بَعْدَ الْخَمْرِ أَشْرِبَةً تُسْكِرُهُمْ

صلی الله علیه وسلم بدرستی مردمان بتحقیق میسازند بعد از خمر شراب‌ها که

كَمَا يُسْكِرُ الْخَمْرُ مِنَ التَّمْرِ وَالزَّبِيْبِ يَصْنَعُوْنَ ذٰلِكَ فِي الدُّبَّاءِ الْمُزَفَّتِ

درستی می آرند ایشان را چنانکه مستی می آرد خمر از خرما و مویز می سازند آنرا در دبا و مزفت

وَالنَّقِيْرِ وَالْحَنْتَمِ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ كُلَّ

و نقیر و حنتم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه هر

شَرَابٍ أَسْكَرَ فَهُوَ حَرَامٌ وَالْمُزَفَّتُ حَرَامٌ وَالنَّقِيْرُ حَرَامٌ وَالْحَنْتَمُ

شرابیکه مست گرداند پس آن حرام است و مزفت نیز حرام است و نقیر و حنتم

حَرَامٌ فَاشْرَبُوْا فِي الْقِرَبِ وَشُدُّوا الْأَوْكِيَةَ فَاتَّخَذَ النَّاسُ فِي الْقِرَبِ

نیز حرام است پس بنوشید در مشکیزه‌ها و ببندید سر بند آن پس می ساختند مردمان در مشکیزه‌ها

مَا يُسْكِرُهُمْ فَبَلَغَ ذٰلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَامَ فِي النَّاسِ فَقَالَ إِنَّهُ

چیزیکه درستی می آرد ایشان را پس رسید این خبر آنحضرت را پس ایستاد آنحضرت در مردمان

لَا يَفْعَلُ ذٰلِكَ إِلَّا أَهْلُ النَّارِ أَلَا إِنَّ كُلَّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَكُلَّ مُفْتِرٍ حَرَامٌ وَكُلَّ مُخَدِّرٍ

پس فرمود بدرستی شان اینکه نمیکنند این عمل مگر دوزخی آگاه باشید هر مسکر حرام است و هر مفتر حرام است و هر مخدر

حَرَامٌ وَمَا أَسْكَرَ كَثِيْرُهُ فَقَلِيْلُهُ حَرَامٌ وَمَا

حرام است و چیزیکه درستی می آرد بسیار وی پس اندک وی حرام است و چیزیکه



خَمَّرَ الْقَلْبَ فَهُوَ حَرَامٌ رَوَاهُ أَبُوْ نُعَيْمٍ وَقَالَ الْحَكَمُ عِنْدَهُ مُرْسَلٌ بَابُ

می پوشد قلب را پس وی حرام است روایت کرد ابونعیم و گفت حکم از ابونعیم این حدیث مرسل است باب

الشَّفَاعَةِ فِي الْحُدُوْدِ عَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ قُرَيْشًا

در بیان احادیث وارد شده در شفاعت کردن حدود یعنی درخواست کردن از امام که درگذرد از اقامت حد روایت است از عائشه رض

أَهَمَّهُمْ شَأْنُ الْمَرْأَةِ الْمَخْزُوْمِيَّةِ الَّتِيْ سَرَقَتْ فَقَالُوْا مَنْ يُكَلِّمُ

یعنی صحابه از قریش بوده اند و غمگین ساخت ایشان را کار و حال آن زن مخزومیه که دزدیده بود پس گفتند کیست که سخن کند

فِيْهَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوْا وَمَنْ يَجْتَرِئُ

از جهت وی پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم پس گفتند کیست که دلیری تواند کرد

عَلَيْهِ إِلَّا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ حِبُّ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بر آنحضرت مگر اسامه بن زید که محبوب پیغمبر خداست صلی الله علیه وسلم

فَكَلَّمَهُ أُسَامَةُ رض فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس سخن کرد آنحضرت را اسامه رض پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أَتَشْفَعُ فِيْ حَدٍّ مِنْ حُدُوْدِ اللّٰهِ ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا

آیا شفاعت می کنی تو در حدی از حدود خدا پس برخاست آنحضرت پس خطبه خواند بعد از آن پس گفت

أَهْلَكَ الَّذِيْنَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوْا إِذَا سَرَقَ فِيْهِمُ الشَّرِيْفُ

آنحضرت هلاک گردانیده شدند آن کسانیکه پیش از شما بوده اند مگر اینکه ایشان بودند که چون دزدی میکرد در میان

تَرَكُوْهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيْهِمُ الضَّعِيْفُ أَقَامُوْا عَلَيْهِ الْحَدَّ

و توانائی میگذاشتند او را و چون دزد بود بیان ایشان ناتوانی اقامت میکردند بروی حد

وَايْمُ اللّٰهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و سوگند خدا اگر ثابت شود که فاطمه رض بنت محمد مصطفی صلی الله علیه

وَسَلَّمَ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

وسلم بدزدد هر آئینه سے بریدم دست او را متفق علیه و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عبد الله بن عمر رض گفت عبد الله شنیدم من آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ حَالَتْ شَفَاعَتُهُ دُوْنَ حَدٍّ مِّنْ

وسلم که میگفت کسیکه حایل گردد و درمیان آید شفاعت او نزد حدے از

حُدُوْدِ اللّٰهِ فَقَدْ ضَادَّ اللّٰهَ وَمَنْ خَاصَمَ فِيْ بَاطِلٍ

حدود خدا پس بتحقیق ضدیت کرد خدا را و کسیکه پیکار کند در مخالف حق

وَهُوَ يَعْلَمُهُ لَمْ يَزَلْ فِيْ سَخَطِ اللّٰهِ تَعَالٰى حَتّٰى يَنْزِعَ

و حال آنکه میداند آنرا که باطل است همیشه میباشد وے در غضب خدا تا آنکه باز آید از آن

وَمَنْ قَالَ فِيْ مُؤْمِنٍ مَّا لَيْسَ فِيْهِ اَسْكَنَهُ اللّٰهُ

و کسیکه گوید در حق مسلمانے چیزیکه نیست درو از عیب و نقصان جای کند او را خدا تعالے

رَدْغَةَ الْخَبَالِ حَتّٰى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوُدَ

در گل زرداب دوزخیان تا آنکه بیرون آید از آنچه گفته است رواه احمد و ابو داؤد

وَفِيْ رِوَايَةٍ لِلْبَيْهَقِيِّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ مَنْ اَعَانَ

و در روایت کرد بیهقی در شعب ایمان این لفظ است کسیکه یاری کند

عَلٰى خُصُوْمَةٍ لَا يَدْرِيْ اَحَقٌّ اَمْ بَاطِلٌ

در خصومتے که در نمی یابد که حق است یا باطل

فَهُوَ فِيْ سَخَطِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْزِعَ

پس وے در غضب خدا است تا آنکه باز آید

# كِتَابُ الْاِمَارَةِ وَالْقَضَاءِ

کتاب در بیان امارت و قضاء ت

يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ

اے مومنان فرمان برداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را



وَاُولِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ فَاِنْ تَنَازَعْتُمْ فِيْ شَيْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلَى اللّٰهِ

و فرمان روایان را از جنس شما پس اگر اختلاف کنید در چیزے پس راجع کنید او را بسوے خدا

وَالرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ط

و پیغامبر اگر اعتقاد میدارید بخدا و روز آخر

ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا

این بهتر است و نیکوتر باعتبار عاقبت

## بَابُ ثَوَابِ الْعَادِلِيْنَ

بیان احادیثی که وارد شده است در بیان ثواب عادلان

يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوَّامِيْنَ لِلّٰهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ

اے زمرهٔ مومنان باشید قیام کنندگان برائے خدا گواهان براستی

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰى اَنْ لَّا تَعْدِلُوْا اِعْدِلُوْا

و نه انگیزد شما را دشمنی گروهے از مشرکان بر آنکه عدل نه کنید در باب ایشان عدل کنید

هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ه

که عدل نزدیکتر است به پرهیزگاری و بترسید از خدا در ظلم بدرستیکه خدا داناست بآنچه میکنید

وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ

و اگر حکم کنی پس حکم کن میان آنها براستی و عدل بدرستیکه خدا دوست میدارد

الْمُقْسِطِيْنَ ه عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

عدل کنندگان را و در حکم روایت است از عبد الله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُوْلٌ

صلی الله علیه وسلم آگاه باشید همه شما رعایند و همه شما پرسیده می شوید

عَنْ رَّعِيَّتِهِ فَالْاِمَامُ الَّذِيْ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُوْلٌ عَنْ رَّعِيَّتِهِ

از رعیت خود پس امامے که قایم است بر مردم باصلاح حال راعی و چراننده است و وے سوال کرده میشود از حال

والرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عن رعيته

ومرد راعی است بر اہل خانہ خود و وے سوال کردہ میشود از حال رعیت خود

والمرأة راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة

وزن راعی است بر خانہ شوہر خود و فرزندان او و وے سوال کردہ مے شود

عنهم وعبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول

از ایشان و غلام مرد راعی است بر مال خواجہ خود و از آن پرسیده شود

عنه ألا وكلكم مسئول عن رعيته متفق عليه

از ان آگاہ باشید ہمہ شما سوال کردہ شوید از رعیت خود متفق علیہ

وعن عبد الله عمرو بن العاص رض قال قال

و روایت است از عبد اللہ بن عمرو بن عاص رض گفت عبد اللہ فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم إن المقسطين عند الله

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ امراء عادل و دادگر کہ نزد خدا

على منابر من نور عن يمين الرحمن وكلتا يديه يمين

بر منبرہاے از نور اند بجانب دست راست خدا و ہر دو دست خدا راست اند

الذين يعدلون في حكمهم وأهليهم وما ولوا رواه

آنکسانیکہ عدل و راستی میکنند در احکام خود و اہل اسے خود و عدل میکنند در چیزیکہ والی اندرو

مسلم وعن عائشة رض عن رسول الله صلى الله

مسلم و روایت است از عائشہ رض از آنحضرت صلی اللہ

عليه وسلم قال أتدرون من السابقون إلى ظل الله

علیہ وسلم کہ فرمود آیا دریابید کہ کیستند رسندگان بسوے سایہ خدا

عز وجل يوم القيامة قالوا الله ورسوله أعلم قال

عز وجل روز قیامت گفتند خدا و رسول وے دانا تر است فرمود آنحضرت



الذين إذا أعطوا الحق قبلوه وإذا سئلوه بذلوه

سابقان کسانے اند کہ چون دادہ شود ایشان را حق بپذیرند آنرا و چون سوال کردہ شوند حق را بذل کنند آنرا

وحكموا للناس كحكمهم لأنفسهم رواه أحمد

و حکم کنند برائے مردم مانند حکم کردن ایشان براے ذات ہاے خود رواہ احمد

وعن أبي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی سعید رض کہ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عليه وسلم إن أحب الناس إلى الله يوم القيامة وأقربهم

علیہ وسلم بدرستیکہ دوست داشتہ شدہ ترین مردم بسوی خدا روز قیامت و نزدیکترین ایشان

منه مجلسا إمام عادل وإن أبغض الناس إلى الله

از درگاہ خدا از روے مجلس بادشاہ داد گر است و بدرستیکہ دشمن داشتہ شدہ ترین مردم بسوے خدا

يوم القيامة وأشدهم عذابا وفي رواية وأبعدهم

روز قیامت و سخت ترین مردم از رو عذاب و در روایتے این نیز آمدہ کہ دور ترین ایشان

منه مجلسا إمام جائر رواه الترمذي وعن

از خدا از روے مجلس بادشاہ جور کنندہ است رواہ ترمذی و روایت است از

عمر بن الخطاب رض قال قال رسول الله صلى الله

عمر بن الخطاب رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عليه وسلم إن أفضل عباد الله عند الله منزلة يوم

علیہ وسلم بدرستیکہ فاضلترین بندگان خدا از روے قدر و مرتبہ در روز

القيامة إمام عادل رفيق وإن أشر الناس عند الله منزلة

قیامت بادشاہ داد گر مہربان نرم دل است و بدرستیکہ بدترین مردم در قدر و مرتبہ

يوم القيامة إمام جائر خرق رواه البيهقي في شعب الإيمان

روز قیامت بادشاہ جور کنندہ نامہربان است رواہ بیہقی در شعب الایمان

وعن ابن عمر رضـ ان النبي صلى الله عليه وسلم
وروایت است از ابن عمر رضـ که از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
قال ان السلطان ظل الله في الارض یاوي الیه كل
فرمود بدرستیکه پادشاه سایهٔ خداست در زمین پناه می آرد بسوی وی هر
مظلوم من عباده فاذا عدل كان له الاجر وعلى
ستم دیده از بندگان خدا پس چون عدل کند سلطان مر او را پاداش عدالت وواجب گردد
الرعیة الشكر واذا جار كان علیه الاصر وعلى
رعیت شکر گزاری و چون جور کند بروی بار گناه است و لازم است بر
الرعیة الصبر رواه البیهقي في شعب الایمان
رعیت صبر کردن بر آن رواه بیهقی در شعب الایمان
وعن معاویة رضـ قال قال رسول الله صلى الله
وروایت از حضرت معاویه رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله
علیه وسلم یا معاویة ان ولیت امرا فاتق الله واعدل
علیه وسلم ای معاویه اگر والی گردانیده شوی کاری را پس تقوی کن خدا را وعدل کن
قال فما زلت اظن اني مبتلى بعمل لقول النبي صلى
گفت پس همیشه بودم که گمان می بردم که مبتلا گردانیده میشوم بعملی از جهت گفتن آنحضرت صلی
الله علیه وسلم حتى ابتلیت رواه احمد والبیهقي
الله علیه وسلم تا آنکه مبتلا گردانیده شدم رواه احمد و بیهقی
في دلائل النبوة وعن یحیى بن هشام عن یونس
در دلایل النبوة وروایت است از یحیی بن هشام رضـ از یونس
بن ابي اسحاق عن ابیه قال قال رسول الله
بن ابی اسحاق از پدرش گفت فرمود آنحضرت



صلى الله علیه وسلم كما تكونون كذلك یؤمر علیكم رواه
صلی الله علیه وسلم چنانکه می باشید در صلاح وفساد حاکم گردانیده میشود بر شما رواه
البیهقي في شعب الایمان وقال هذا منقطع وروایته
بیهقی در شعب الایمان و گفت که این حدیث منقطع است و روایت او
ضعیف وعن ابي الدرداء رضـ قال قال رسول الله
ضعیف است وروایت است از ابی درداء رضـ گفت فرمود آنحضرت
صلى الله علیه وسلم ان الله تعالى یقول انا الله لا اله
صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدای تعالی میگوید منم خدا نیست هیچ خدای
الا انا مالك الملوك وملك الملوك قلوب الملوك في
مگر من مالک پادشاهانم و پادشاه پادشاهانم دلهای پادشاهان در
یدي وان العباد اذا اطاعوني حولت قلوب ملوكهم
دست قدرت من است و تحقیق که بندگان چون فرمانبرداری کنند مرا میگردانم دلها پادشاهان ایشان
علیهم بالرحمة والرأفة وان العباد اذا عصوني
بر آنها برحمت ورافت و تحقیق که بندگان چون نافرمانی کنند مرا
حولت قلوبهم بالسخطة والنقمة فساموهم سوء
میگردانم دلهای ایشان را بغضب و کراهت پس تکلیف میکنند ملوک عباد را
العذاب فلا تشغلوا انفسكم بالدعاء على الملوك
بعذاب بد پس مشغول مگردانید نفسهای خود را ببد دعا کردن بر پادشاهان
ولكن اشغلوا انفسكم بالذكر والتضرع كي اكفیكم
ولیکن مشغول دارید نفسهای خود را بذکر من و بزاری تا کفایت کنم
ملوككم رواه ابو نعیم في الحلیة وعن عائشة رضـ
شر ملوک شما را رواه ابو نعیم در حلیه وروایت است از عائشه رضـ

م
مقصود منع است
از ذم امرا و سبب ایذاء
ایشان و سبب تقصیر
بنفس خود ۱۲ ******

قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا اراد الله

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه خواهد خدا ایتعالی

بالامير خيرا جعل له وزير صدق ان نسي ذكره وان

بادشاه نیکی را بگرداند برائے او وزیر راست گفتار اگر فراموش کند بادشاه حق را یاد دہانید

ذكر اعانه واذا اراد به غير ذلك جعل له وزير سوء

یاد کند یاری دہد او را و چون خواہد خدا با او غیر آن بگرداند مر او را وزیر بد

ان نسي لم يذكره وان ذكر لم يعنه رواه احمد

اگر فراموش کند امیر حق را یاد ندہاند او را اگر یاد کند یاری ندہد او را رواه احمد

والنسائي وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى

والنسائی و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم من راى من اميره شيئا يكرهه فليصبر

الله علیه وسلم کسیکه ببیند از امیر خود چیزیکه ناخوش دارد آنرا پس باید که صبر کند

فانه ليس احد يفارق الجماعة شبرا فيموت الا مات

پس به تحقیق که نیست ہیچ یکے که جدائی کند جماعت را یک وجب پس بمیرد مگر آنکه بمیرد

ميتة جاهلية متفق عليه وعن ام الحصين رض

مردن اہل جاہلیت متفق علیه و روایت است از ام حصین رض

قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان امر عليكم

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر حاکم ساخته شود بر شما

عبد مجدع يقودكم بكتاب الله فاسمعوا له واطيعوا

غلامے گوش و بینی بریده که میکشد شما را بکتاب خدا پس سماع کنید مر او را و اطاعت کنید

رواه مسلم وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله

رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت



صلى الله عليه وسلم السمع والطاعة على المرء المسلم

صلی الله علیه وسلم شنیدن و قبول کردن حکم امام واجب است بر مرد مسلمان

فيما احب وكره ما لم يؤمر بمعصية فاذا امر بمعصية

در ہر چه که دوست میدارد آنرا و مکروه میدارد آنرا مادام که امر کرده نشود بگناہی پس چون امر کرده شود بگناہی

فلا سمع ولا طاعة متفق عليه

پس نیست شنیدن و نه فرمان برداری متفق علیه

## باب وعيد الولاة الظالمين

باب در احادیثے که در وعید والیان ظالم وارد شده

ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون ۝

و ہر که حکم نکند بانچه خدا نازل فرموده است پس ایشان اند ستمکاران

ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون ۝

و ہر که حکم نکند بانچه نازل فرمود خدا پس ایشانند گروه کافران

ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون ۝

و ہر که حکم نکند بانچه نازل فرمود خدا پس ایشانند بدکاران

عن معقل بن يسار رض قال سمعت رسول الله صلى

روایت است از معقل بن یسار رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول ما من وال يلي رعية من المسلمين

الله علیه وسلم را که میفرمود نیست ہیچ والی که تصرف کند رعیتے را از مسلمانان

فيموت وهو غاش لهم الا حرم الله عليه الجنة متفق عليه

پس بمیرد آن والی و حال آنکه خیانت کننده است مر ایشان را مگر آنکه حرام میگرداند خدا بر وے بہشت را

وعنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

و ہم از وی مرویست گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

يَقُولُ مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللّٰهُ رَعِيَّةً فَلَمْ يَحُطْهَا بِنَصِيحَةٍ
که میگفت نیست هیچ بنده که طلب می‌کند از وی نگاهداشت رعیتی را پس نگاهداشت آن بنده رعیت را بخیر خواهی
اِلَّا لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِذِ
مگر آنکه نمی یابد بوے بهشت را متفق علیه و روایت است از عائذ
بْنِ عَمْرٍو رضـ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بن عمرو رضـ گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را
يَقُولُ اِنَّ شَرَّ الرِّعَاءِ الْحُطَمَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
که میفرمود بدرستیکه بدترین امرا حطمه است رواه مسلم و روایت است از
عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عائشه رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
اَللّٰهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ اَمْرِ اُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْقُقْ
خداوندا کسیکه والی و متصرف گردانیده شود از کار امت من چیزی را پس شاق و دشوار آید بر ایشان
عَلَيْهِ وَمَنْ وَلِيَ مِنْ اَمْرِ اُمَّتِي شَيْئًا فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ
بروے و کسیکه والی گردانیده شد از امر امت من چیزی را پس نرمی کند بایشان پس نرم شو تو بروے
بِهٖ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ
رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ اَمِيرِ عَشَرَةٍ اِلَّا
آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ امیر ده مرد مگر آنکه
يُؤْتَى بِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَغْلُولًا حَتّٰى يَفُكَّ عَنْهُ الْعَدْلُ
آورده می شود روز قیامت غل در گردن تا آنکه خلاص میسازد او را عدل
اَوْ يُوبِقَهُ الْجَوْرُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رضـ
یا هلاک میکرد اند او را ظلم رواه دارمی و روایت است از ابی هریره رضـ



قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيْلٌ لِلْاُمَرَاءِ
که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وائے مر امرا را
وَيْلٌ لِلْعُرَفَاءِ وَيْلٌ لِلْاُمَنَاءِ لَيَتَمَنَّيَنَّ اَقْوَامٌ يَوْمَ
و وائے مر عرفا را و وائے مر امنا را هر آئینه آرزو کنند قومها روز
الْقِيٰمَةِ اَنَّ نَوَاصِيَهُمْ مُعَلَّقَةٌ بِالثُّرَيَّا يَتَجَلْجَلُونَ بَيْنَ
قیامت کاشکی موی پیشانی ایشان آویخته باشد به پروین در حالیکه می جنبیدند
السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ وَاَنَّهُمْ لَمْ يَلُوا عَمَلًا رَوَاهُ فِي شَرْحِ
بلند میان آسمان و زمین و تحقیق که والی نمی شدند هیچ عملی را روایت کرد آن را در شرح
السُّنَّةِ وَعَنْ غَالِبٍ الْقَطَّانِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَدِّهٖ قَالَ
السنة و روایت است از غالب قطان تابعی از مردے که او روایت دارد از جد خود
قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الْعِرَافَةَ
گفت جد او که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه عرافت شدن
حَقٌّ وَلَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ عُرَفَاءَ وَلٰكِنَّ الْعُرَفَاءَ فِي النَّارِ
حق است و چاره نیست مردم را از وجود عریفان ولیکن اکثر عریفان در آتش دوزخ اند
رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره رضـ از آنحضرت صلی الله
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّكُمْ سَتَحْرِصُونَ عَلَى الْاِمَارَةِ
علیه وسلم که فرمود بدرستیکه شما نزدیک است که حرص کنید بر امارت
وَسَتَكُونُ نَدَامَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَنِعْمَ الْمُرْضِعَةُ
و حکومت و نزدیک است که باشد آن امارت موجب پشیمانی روز قیامت پس نیکو شیر دهنده است
وَبِئْسَتِ الْفَاطِمَةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ الْمِقْدَامِ بْنِ
امارت و بد از شیر باز دارنده است روایت کرد این حدیث را بخاری و از مقدام بن

مَعْدِ يْكَرِبَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَرَبَ
معدیکرب مرویست که آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم زد
عَلٰى مَنْكِبَيْهِ ثُمَّ قَالَ اَفْلَحْتَ يَا قُدَيْمُ اِنْ مُتَّ وَلَمْ
بر ہردو دوشہای وے پستر فرمود بحقیق رستگاری یافتی ای قدیم اگر بمیری
تَكُنْ اَمِيْرًا وَّلَا كَاتِبًا وَّلَا عَرِيْفًا رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ
بحالیکہ نباشی امیر ونہ نویسندۂ امیر ونباشی عریف رواہ ابو داؤد و
عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
از عقبہ بن عامر رضی مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ صَاحِبُ مَكْسٍ يَعْنِي الَّذِي
علیہ وسلم در نمی آید بہشت را خداوند مکس یعنی آنکہ می گیرد
يَعْشُرُ النَّاسَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِي
عشر از مردم رواہ احمد و ابو داؤد و دارمی و روایت است از
ذَرٍّ قَالَ قَالَ لِي رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ
ابی ذر رضی گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم مرا شش روز
اَيَّامٍ اِعْقِلْ يَا اَبَا ذَرٍّ مَا يُقَالُ لَكَ بَعْدُ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ
که فہم کن اے ابا ذر چیزی را کہ گفتہ شود ترا بعد از ین پس ہرگاہ کہ شد روز
السَّابِعُ قَالَ اُوْصِيْكَ بِتَقْوَى اللّٰهِ فِي سِرِّ اَمْرِكَ وَعَلَانِيَتِهِ
ہفتم گفت آنحضرت وصیت می کنم ترا بہ پرہیزگاری خدا در پنہان کار تو و آشکارا
وَاِذَا اَسَأْتَ فَاَحْسِنْ وَلَا تَسْئَلَنَّ اَحَدًا شَيْئًا وَّاِنْ سَقَطَ
و چون بدکنی کارے را نیکی نیز کن کہ حسنہ محو کند سیئہ را و سوال مکن کسی را ہیچ چیز را اگرچہ بیفتد
سَوْطُكَ وَلَا تَقْبِضْ اَمَانَةً وَّلَا تَقْضِ بَيْنَ اثْنَيْنِ رَوَاهُ اَحْمَدُ
تازیانہ تو و قبض مکن امانت را و قاضی مشو میان دو کس رواہ احمد



وَعَنْ اَبِي اُمَامَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ
و از ابی امامہ مرویست از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ آنحضرت
قَالَ مَا مِنْ رَجُلٍ يَلِي اَمْرَ عَشَرَةٍ فَمَا فَوْقَ ذٰلِكَ اِلَّا اَتَاهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ
فرمود نیست مردے کہ والی و حاکم شود کار دہ کس را پس زیادہ از آن الا آنکہ بیاید در حال
مَغْلُوْلًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَدُهُ اِلٰى عُنُقِهِ فَكَّهُ بِرُّهُ اَوْ اَوْبَقَهُ
غل کردہ شدہ روز قیامت دست وے بسوے گردن او کہ خلاص میگرداند او را
اِثْمُهُ اَوَّلُهَا مَلَامَةٌ وَّاَوْسَطُهَا نَدَامَةٌ وَّاٰخِرُهَا خِزْيٌ
یا ہلاک میگرداند او را بدی و ابتداے ولایت ملامت است و میان آن پشیمانی است و آخر آن رسوائی
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رضه
روز قیامت رواہ احمد و از عبد اللہ بن عمرو رض مرویست
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَظَرَ اِلٰى
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ نگاہ کند بسوے
اَخِيْهِ نَظْرَةً يُخِيْفُهُ اَخَافَهُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ
برادر خود نگاہیکہ بترساند آن برادر را بترساند او را خدا تعالی روز قیامت رواہ البیہقی
فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَبِي سَعِيْدٍ رضه عَنِ النَّبِيِّ
در شعب الایمان و از ابی سعید رض مرویست از آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِكُلِّ غَادِرٍ لِوَاءٌ عِنْدَ
صلی اللہ علیہ وسلم کہ فرمود مر ہر غادر را لواے است نزد
اِسْتِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَفِي رِوَايَةٍ لِكُلِّ غَادِرٍ لِوَاءٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
دبر وے روز قیامت و در روایتے دیگر آمدہ است کہ مر ہر غادر را لوائیست روز قیامت
يُرْفَعُ لَهُ بِقَدْرِ غَدْرِهِ اَلَا وَلَا غَادِرَ اَعْظَمُ غَدْرًا مِّنْ اَمِيْرِ عَامَّةٍ
کہ بلند گردانیدہ میشود آن علم برائے وی باندازۂ غدر وی آگاہ باشید کہ نیست غادر کہ عظیم تر است

رواه مسلم وعن عمرو بن مرة انه قال لمعاوية
روداه مسلم و روایت است از عمرو رض روایت میکند که وے گفت مر معاویه را

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من
که شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود کسیکه

ولاه الله شيئا من امر المسلمين فاحتجب دون حاجتهم و
والی و متصرف گرداند اورا خدا تعالی چیزیرا از کار مسلمانان پس در پرده شود آنکس فرود حوائج ایشان

خلتهم وفقرهم احتجب الله دون حاجته وخلته وفقره
یعنی منع کند ارباب حاجت را از حاجات در پرده شود خدا تعالی از فرود حاجات وے یعنی

فجعل معاوية رجلا على حوائج الناس رواه ابو داود
منع میکند از مطلوب وے پس گردانید معاویه مردی را بر حاجتهای مردم رواه ابو داود

والترمذي وفي رواية له ولاحمد اغلق الله تعالى
والترمذی و در روایتی از ترمذی این چنین است و مر احمد را نیز می بندد خدا تعالی

ابواب السماء دون خلته وحاجته ومسكنته
درهای آسمان را از فرود حاجات وے و محتاجی وے

وعن عمر بن الخطاب انه كان اذا بعث عماله
و روایت است از عمر بن خطاب رض که وی بود چون میفرستاد عاملان خود را

شرط عليهم ان لا تركبوا برذونا ولا تاكلوا نقيا ولا
شرط میکرد بر ایشان که سوار نشوید اسپ ترکی را و مخورید میده را و نپوشید

تلبسوا رقيقا ولا تغلقوا ابوابكم دون حوائج الناس فان
جامه تنک و نفیس را و نه بندید درهای خود را فرود حاجتهای مردم پس اگر

فعلتم شيئا من ذلك فقد حلت بكم العقوبة ثم يشيعهم
کنید چیزے را ازین پس تحقیق فرود می آید شما عذاب پس متابعت میکرد عمر رض عمال



رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عبد الله بن
رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از عبد الله بن

مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من
مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست

حاكم يحكم بين الناس الا جاء يوم القيمة وملك اخذ
حاکمے که حکم میکند میان مردم مگر آنکه می آید روز قیامت درحالیکه فرشته گیرنده است

بقفاه ثم يرفع راسه الى السماء فان قال القه القاه في
گردن او را پس بر میدارد آن فرشته سر خود را بسوی آسمان پس اگر میگوید خدا بینداز او را در

مهواة اربعين خريفا رواه احمد وابن ماجة والبيهقي
دوزخ می اندازد فرشته او را در محل افتادن چهل سال رواه احمد و ابن ماجه و بیهقی

في شعب الايمان وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله
در شعب ایمان و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم تعوذوا بالله من راس السبعين وامارة
صلی الله علیه وسلم پناه جوئید بخدا از سر سال هفتاد و از امارت

الصبيان رواه احمد وعن جابر بن سمرة رض
خردان رواه احمد و روایت است از جابر بن سمره رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ثلاثة
گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود سه خصلت است

اخاف على امتي الاستسقاء بالانواء وحيف السلطان
که میترسم برامت خود طلب کردن باران بمنازل قمر دوم جور و ستم سلطان

وتكذيب بالقدر رواه احمد وعن ابي ذر رض
وسوم انکار کردن تقدیر الهی را رواه احمد و روایت است از ابی ذر رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْفَ اَنْتُمْ وَاَئِمَّةً
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم چگونہ باشد حال شما با ائمہ

مِنْ بَعْدِيْ يَسْتَاْثِرُوْنَ بِهٰذَا الْفَيْءِ قُلْتُ اَمَا وَالَّذِيْ
بعد من کہ مستقل و باشند باین مال گفتم آگاه باشس سوگند بخدا

بَعَثَكَ بِالْحَقِّ اَضَعُ سَيْفِيْ عَلٰى عَاتِقِيْ ثُمَّ اَضْرِبُ بِهٖ حَتّٰى
کہ برانگیختہ است ترا بحق بنہم شمشیر خود را بر گردن خود پس میزنم بآن شمشیر تا آنکہ

اَلْقَاكَ قَالَ اَوَلَا اَدُلُّكَ عَلٰى خَيْرٍ مِّنْ ذٰلِكَ تَصْبِرُ حَتّٰى
ملاقات میکنم ترا فرمود آنحضرت آیا راه ننمایم ترا به بہتر ازین از شمشیر زدن صبر کن تا آنکہ

تَلْقَانِيْ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رضـ
ملاقات میکنی مرا رواه ابو داؤد و روایت است از ابی امامہ رضـ

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ الْاَمِيْرَ اِذَا ابْتَغَى
از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت آنحضرت بدرستیکہ امیر وقتیکہ طلب کند

الرِّيْبَةَ فِي النَّاسِ اَفْسَدَهُمْ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رضـ
شک و تہمت را در مردم تباه میگرداند ایشان را رواه ابو داؤد و از ابی سعید

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَفْضَلُ الْجِهَادِ
کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فاضل ترین جہاد

مَنْ قَالَ كَلِمَةَ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
قول کسی است کہ میگوید کلمہ حق را نزد سلطان جور کننده رواه الترمذی

وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ عَنْ
و ابو داؤد و ابن ماجہ و روایت کرد احمد و نسائی از

طَارِقِ ابْنِ شِهَابٍ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ
طارق بن شہاب و روایت است از ابن عباس رضـ از آنحضرت صلی اللہ



عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ سَكَنَ الْبَادِيَةَ جَفَا وَمَنِ اتَّبَعَ
علیہ وسلم گفت آنحضرت کسیکہ سکونت کند در بادیہ سخت دل گردد و کسیکہ ہمیشہ در پے

الصَّيْدَ غَفَلَ وَمَنْ اَتَى السُّلْطَانَ افْتُتِنَ رَوَاهُ اَحْمَدُ
صید رود غافل میگردد و کسیکہ بیاید سلطان را می افتد در بلا و فتنہ رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَفِيْ رِوَايَةِ اَبِيْ دَاوٗدَ مَنْ لَزِمَ
و ترمذی و نسائی و در روایت ابی داؤد این است کسیکہ ملازمت کند

السُّلْطَانَ افْتُتِنَ وَمَا ازْدَادَ عَبْدٌ مِّنَ السُّلْطَانِ دُنُوًّا
سلطان را در فتنہ افتد و زیاده نکند ہیچ بنده از سلطان قرب و منزلت

اِلَّا ازْدَادَ مِنَ اللّٰهِ بُعْدًا وَعَنْ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ رضـ
مگر آنکہ زیاده میکند دوری را از خدا و روایت است از کعب بن عجره رضـ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُعِيْذُكَ بِاللّٰهِ
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم در پناه خدا میدہم ترا

مِنْ اِمَارَةِ السُّفَهَاءِ قَالَ وَمَا ذَاكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ
از فرمانروائی بیخردان گفت کعب و چیست امارت سفہا اے پیغمبر خدا گفت آنحضرت

اُمَرَاءُ سَيَكُوْنُوْنَ مِنْ بَعْدِيْ مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِمْ فَصَدَّقَهُمْ
امراء نزدیک کہ باشند بعد از من کسانیکہ درآیند بر ایشان پس تصدیق کنند بر ایشان

بِكِذْبِهِمْ وَاَعَانَهُمْ عَلٰى ظُلْمِهِمْ فَلَيْسُوْا مِنِّيْ وَلَسْتُ
دروغ ایشان و یاری دہند ایشان را بظلم ایشان پس نیستند آن کسان از من و نیستم من

مِنْهُمْ وَلَمْ يَرِدُوْا عَلَيَّ الْحَوْضَ وَمَنْ لَّمْ يَدْخُلْ عَلَيْهِمْ
از ایشان و ہرگز در نیایند بر من حوض کوثر را و آنانکہ در نیایند بر ایشان

وَلَمْ يُصَدِّقْهُمْ بِكِذْبِهِمْ وَلَمْ يُعِنْهُمْ عَلٰى ظُلْمِهِمْ
و تصدیق نکنند ایشان را بدروغ ایشان و اعانت نہ کنند ایشان را بظلم ایشان

فأولئك مني وأنا منهم وأولئك يردون علي الحوض
پس آنکسان از من اند و من از ایشان هستم و آن کسان درمی آیند بر من حوض را
رواه الترمذي والنسائي وعن أبي بكرة رض قال
رواه ترمذی و نسائی و روایت است از ابی بکره رض گفت
لما بلغ رسول الله صلى الله عليه وسلم أن أهل فارس قد
چون رسید آنحضرت صلی الله علیه وسلم را اینکه فارسیان
ملكوا عليهم بنت كسرى قال لن يفلح قوم
ملکه گردانیده اند بر خود دختر کسری را فرمود آنحضرت هرگز رستگاری و پیروزی نیابند گروهی
ولوا أمرهم امرأة رواه البخاري
که والی گردانیدند در کار خود زنی را رواه بخاری

## بيان ما على القضاة

بیان آنچه بر قاضیان است

عن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم من جعل قاضيا بين الناس فقد ذبح بغير
وسلم کسیکه گردانیده شد قاضی میان مردم پس تحقیق ذبح کرده شد بی
سكين رواه أحمد والترمذي وأبو داود وابن ماجة
کارد رواه احمد و ترمذی و ابو داود و ابن ماجه
وعن أنس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
من ابتغى القضاء وسأل وكل إلى نفسه ومن أكره عليه
کسیکه طلب کند قضا را و سوال کند گذاشته میشود بسوی نفس وی و کسیکه اکراه کرده شد بر قضا



أنزل الله عليه ملكا يسدده رواه الترمذي وأبو داود وابن ماجة
میفرستد خدا بروی فرشته را که راست میگرداند کردار و گفتار او را رواه ترمذی و ابو داود و ابن ماجه
وعن بريدة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم القضاة
و روایت است از بریده رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که قاضیان
ثلثة واحد في الجنة واثنان في النار وأما الذي في الجنة فرجل
سه قسم اند یکی در بهشت و دو قسم در آتش پس لیکن آن کسیکه در بهشت ست پس مردیست
عرف الحق فقضى به ورجل عرف الحق فجار في الحكم
که شناخت حق را پس حکم کرد بحق و مردے شناخت حق را پس جور کرد در حکم
فهو في النار ورجل قضى للناس على جهل فهو في
پس آنکس در آتش است و مرد دیگر حکم کرد برای مردم بنا بر جهل پس وے نیز در
النار رواه أبو داود وابن ماجة وعن أبي هريرة رض
آتش ست رواه ابو داود و ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من طلب
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواهد
قضاء المسلمين حتى يناله ثم غلب عدله جوره فله
قضاے مسلمانان را تا آنکه بیابد او را پس غالب آید عدل او جور او را پس مر او راست
الجنة ومن غلب جوره عدله فله النار رواه أبو داود
بهشت و کسیکه غالب آید جور او عدل او را پس مر او راست آتش دوزخ رواه ابو داود
وعن عائشة رض عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
قال ليأتين على القاضي العدل يوم القيمة يتمنى أنه
که فرمود آنحضرت هر آئینه می آید بر قاضی عادل روز قیامت آرزو می برد قاضی کاشکے وی

لَمْ يَقْضِ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي تَمْرَةٍ قَطُّ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ سَعِيْدِ

حکم نمی کرد میان دو کس در یک خرما هرگز رواه احمد و روایت است از سعید

بْنِ الْمُسَيَّبِ أَنَّ مُسْلِمًا أَوْ يَهُوْدِيًّا اِخْتَصَمَا اِلَى عُمَرَ فَرَأَى الْحَقَّ

بن مسیب رض که مسلمان و یک یهودی خصومت کردند و آمدند بسوی عمر رض پس دید عمر رض حق

لِلْيَهُوْدِيِّ فَقَضٰى لَهٗ عُمَرُ بِهٖ فَقَالَ لَهُ الْيَهُوْدِيُّ وَاللّٰهِ لَقَدْ

مر یهودی را پس حکم کرد جانب یهودی پس گفت مر عمر را یهودی بخدا سوگند هر آئینه

قَضَيْتَ بِالْحَقِّ فَضَرَبَهٗ عُمَرُ بِالدِّرَّةِ وَقَالَ مَا يُدْرِيْكَ

بتحقیق حکم کردی تو بحق پس زد آن یهودی را عمر رض بدره و گفت عمر رض چه چیز دریابد ترا که این یافتی

فَقَالَ الْيَهُوْدِيُّ وَاللّٰهِ اِنَّا نَجِدُ فِي التَّوْرٰىةِ اَنَّهٗ لَيْسَ قَاضٍ

پس گفت یهودی بخدا سوگند تا می یافتیم در توریت اینکه نیست حکم کننده

يَقْضِيْ بِالْحَقِّ اِلَّا كَانَ عَنْ يَمِيْنِهٖ مَلَكٌ وَعَنْ شِمَالِهٖ مَلَكٌ

که حکم کند بحق مگر آنکه می باشد در جانب راست وی فرشته و در جانب چپ وی فرشته

يُسَدِّدَانِهٖ وَيُوَفِّقَانِهٖ لِلْحَقِّ مَادَامَ عَلَى الْحَقِّ فَاِذَا تَرَكَ

دیگر که سداد می بخشند او را و توفیق میدهند او را برای حق مادامیکه آن حکم بر حق است

الْحَقَّ عَرَجَا وَتَرَكَاهُ رَوَاهُ مَالِكٌ رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ

حاکم حق را بالا سے روند آن دو فرشته و میگذارند او را رواه مالک رحمة الله علیه

## بَابُ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

باب در میان امر بالمعروف و نهی عن المنکر

وَلْتَكُنْ مِّنْكُمْ اُمَّةٌ يَّدْعُوْنَ اِلَى الْخَيْرِ وَيَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ

و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند بسوی نیکو کاری و بفرمایند کار پسندیده

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ه يَا بُنَيَّ

و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران ای پسرک



اَقِمِ الصَّلٰوةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوْفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

برپا دار نماز را و بفرما بکار پسندیده و منع کن از ناپسندیده

وَاصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ

و صبر کن بر هر چه برسد بتو هر آئینه این مقدمه از کارهای

الْاُمُوْرِ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدِ الْخُدْرِيِّ رض عَنْ

مقصود است و روایت ست از ابی سعید خدری رض از آنحضرت

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ رَاٰى

صلی الله علیه و سلم فرمود هر که ببیند از

مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهٖ فَاِنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهٖ

شما نامشروع را پس باید که تغیر دهد او را از دست خود پس اگر نتواند پس بزبان

فَاِنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهٖ وَذٰلِكَ اَضْعَفُ الْاِيْمَانِ رَوَاهُ

پس اگر نتواند پس باید که تغیر دهد بدل و این سست ترین ایمان ست رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ نُعْمَانَ بْنِ بَشِيْرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مسلم و روایت است از نعمان بن بشیر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ الْمُدْهِنِ فِيْ حُدُوْدِ اللّٰهِ

صلی الله علیه و سلم حال و مثال سستی کننده در حدود شریعت

وَالْوَاقِعِ فِيْهَا مَثَلُ قَوْمٍ اِسْتَهَمُوْا سَفِيْنَةً فَصَارَ

و آنکه افتاده است در حدود خدا مانند مثال و حال قومی ست که قرعه انداختند در کشتی و قرعه افکندند پس

بَعْضُهُمْ فِيْ اَسْفَلِهَا وَصَارَ بَعْضُهُمْ فِيْ اَعْلَاهَا فَكَانَ الَّذِيْ

گشتند بعضے در درجه های پست و گشتند بعضے در درجه های بلند از وی پس بود آنکس که

فِيْ اَسْفَلِهَا يَمُرُّ بِالْمَاءِ عَلَى الَّذِيْ فِيْ اَعْلَاهَا

در پایان کشتی ست میگذشت باب بر آنکسان که در بالاے کشتی نشسته اند

فتأذوا به فأخذ فأسا فجعل ينقر أسفل السفينة فأتوه

پس آزار میکشیدند بدان پس گرفت آنکس که در پایان ست تبرے را پس کاویدن گرفت شکستن پایان کشتی را

فقالوا ما لك تأذيت بي ولا بد لي من الماء فإن

پس گفتند چه شده است ترا گفت ایذا کشیدید شما بسبب من و چاره نیست مرا از آب پس اگر

أخذوا على يديه أنجوه ونجوا أنفسهم وإن تركوه

بگیرند و باز دارند ازین کار آنمرد را رستگاری دهند او را و رستگاری دهند ذاتهای خود را و اگر

أهلكوه وأهلكوا أنفسهم رواه البخاري وعن حذيفة

گذارند او را هلاک میگردانند او را و هلاک میگردانند ذاتهای خود را رواه بخاری و روایت است از حذیفه

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال والذي نفسي بيده

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که سوگند بخدای که تهائے ذات من در دست اوست

لتأمرن بالمعروف ولتنهون عن المنكر أو ليوشكن الله

هر آئینه امر کنید شما بمعروف و نهی میکنید از منکر یا نزدیک ست که خدا تعالی میفرستد

أن يبعث عليكم عذابا من عنده ثم لتدعنه ولا

برشما عذابے از نزد خود پستر هر آئینه دعا میکنید الله تعالی را

يستجاب لكم رواه الترمذي وعن جرير بن

و قبول کرده نمی شود دعاء شما را رواه ترمذی و روایت است از جریر بن

عبد الله رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

عبدالله رض گفت شنیدم من آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يقول ما من رجل يكون في قوم يعمل فيهم بالمعاصي

که میگفت نیست هیچ مردے که میباشد در قومی که میکند آن مرد در ایشان گناهان

يقدرون على أن يغيروا عليه ولا يغيرون إلا أصابهم الله

قدرت دارند آن قوم بر تغیر دادن بر آن مرد و تغیر نمی دهند مگر برساند خدا آن قوم را



منه بعقاب قبل أن يموتوا رواه أبو داود وابن ماجه

خدا تعالی از جهت آن عذاب پیش از آنکه بمیرند رواه ابوداود وابن ماجه

وعن عدي بن عدي الكندي قال حدثنا مولى لنا

و روایت است از عدی بن عدی الکندی گفت عدی حدیث کرد ما را مولای که بود ما را

أنه سمع جدي يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه

که وے شنید جد مرا که میگفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يقول إن الله لا يعذب العامة بعمل الخاصة حتى

وسلم را که میفرمود که خدا تعالی عذاب نمی کند اکثر قوم را بعمل چند مردم خاص ایشان تا آنکه

يروا المنكر بين ظهرانيهم وهم قادرون على أن ينكروه

ببینند عامه نامشروعے را میان خود حال آنکه ایشان می توانند که انکار کنند

فلا ينكروا فإذا فعلوا ذلك عذب الله تعالى العامة

پس انکار نکنند و تغیر ندهند آنرا پس چون کنند این را عذاب میکند خدا تعالی عامه را

والخاصة رواه في شرح السنة وعن العرس بن

و خاصه را رواه در شرح السنه و روایت است از عرس ابن

عميرة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال إذا عملت

عمیره رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود چون کرده شود

الخطيئة في الأرض من شهدها فكرهها كان كمن

گناه در زمین هر که حاضر بود آن را پس ناخوش دارد آن را باشد همچو کسیکه

غاب عنها ومن غاب عنها فرضيها كان كمن شهدها

غایب است از آن و هر که غایب بود از آن پس راضی شود از آن باشد همچو کسیکه حاضر است آنرا

رواه أبو داود وعن أبي البختري عن رجل من أصحاب

رواه ابوداود و روایت است از ابی البختری رض از مردے از یاران

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کہ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَنْ يَّهْلِكَ النَّاسُ حَتّٰى يُعْذِرُوْا مِنْ اَنْفُسِهِمْ

علیہ وسلم ہرگز ہلاک نشوند مردم تا آنکہ بسیار شود گناہان وعیبہائے ایشان از ذاتہائے ایشان

رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ قَالَ

رواہ ابوداود و روایت است از عبد اللہ بن مسعود رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا وَقَعَتْ بَنُوْ اِسْرَآئِيْلَ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم ہنگامے کہ افتادند بنی اسرائیل

فِي الْمَعَاصِيْ نَهَتْهُمْ عُلَمَآؤُهُمْ فَلَمْ يَنْتَهُوْا فَجَالَسُوْهُمْ

در معصیتہا باز داشتند ایشان را دانشمندان ایشان پس باز نماندند پس نشستند دانشمندان ایشان در مجلسہا

وَاٰكَلُوْهُمْ وَشَارَبُوْهُمْ فَضَرَبَ اللّٰهُ قُلُوْبَ بَعْضِهِمْ بِبَعْضٍ

وخوردند و نوشیدند با ایشان پس خلط کرد خدا تعالیٰ دلہائے بعض ایشان را بہ بعض

فَلَعَنَهُمُ اللّٰهُ عَلٰى لِسَانِ دَاوٗدَ وَعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذٰلِكَ

پس لعنت کرد بنی اسرائیل را خدا بر زبان داود و عیسی بن مریم علیہما السلام این لعنت کردن

بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ قَالَ فَجَلَسَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

بسبب تجاوز کردن ایشان بود از حد و گفت ابن مسعود پس نشست آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ مُتَّكِئًا فَقَالَ لَا وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ

اللہ علیہ وسلم و بود تکیہ کردہ پس فرمود بخدا سوگند تا آنکہ بپیچید ایشان را

حَتّٰى تَاْطِرُوْهُمْ اَطْرًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ

بر پیچیدنے و بگیرید دستہائے ایشان و حکم کنید رواہ ترمذی و روایت است از جابر رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَوْحَى اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم وحی فرستاد خدا تعالیٰ



اِلٰى جِبْرَئِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَنِ اقْلِبْ مَدِيْنَةَ كَذَا وَكَذَا بِاَهْلِهَا

بسوے جبرئیل علیہ السلام کہ برہم زن و بگردان شہر چنین و چنین را با اہل شہر

فَقَالَ يَا رَبِّ اِنَّ فِيْهِمْ عَبْدَكَ فُلَانًا لَّمْ يَعْصِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ

پس گفت جبرئیل ع اے پروردگار در میان اہل این شہر فلان بندہ تست کہ معصیت نکردہ است

قَالَ فَقَالَ اقْلِبْهَا عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ فَاِنَّ وَجْهَهٗ لَمْ يَتَمَعَّرْ

گفت جبرئیل ع پس فرمود پروردگار بگردان و برہم زن آن بلدہ را بر وے و بر ہمہ ایشان زیرا کہ روئے آن بندہ متغیر نشدہ

فِيَّ سَاعَةً قَطُّ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

از جہت من یک ساعت ہرگز رواہ بیہقی در شعب ایمان

## بَابُ الظُّلْمِ

این باب در بیان ظلم است

اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ

ہر آئینہ خدا بدل نمیکند حالتے را کہ بقومے باشد تا ذ تنیکہ ایشان بدل کنند آنچہ در ضمیر است

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَّلٰكِنَّ النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ○

ہر آئینہ خدا ہیچ ظلم نہ کند بر مردمان ولیکن مردمان بر خویشتن ستم میکنند

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَاِنْ تَكُ حَسَنَةً يُّضٰعِفْهَا

ہر آئینہ خدا ظلم نمی کند وزن ذرہ و اگر آن عمل نیکی باشد دو چندان میکند آن را

وَيُؤْتِ مِنْ لَّدُنْهُ اَجْرًا عَظِيْمًا ○ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللّٰهُ النَّاسَ

و بدہد از نزدیک خود مزد بزرگ و اگر گرفتار کند خدا مردمان را

بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَآبَّةٍ وَّلٰكِنْ يُّؤَخِّرُهُمْ اِلٰى اَجَلٍ

بسبب ستم ایشان نگذارد بر زمین ہیچ جنبندہ ولیکن تاخیر میکند ایشان را تا وقت

مُّسَمًّى فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُوْنَ ○

مقرر پس چون برسد آن وقت مقرر ایشان باز نمانند ساعتے و نہ پیش روند

عَنْ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَلظُّلْمُ

وروایت است از ابن عمر رض بدرستیکہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ ظلم کردن

ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

سبب تاریکی است روز قیامت متفق علیہ وروایت است از ابی ہریرہ رض

اَنَّهٗ سَمِعَ رَجُلًا يَقُوْلُ اِنَّ الظَّالِمَ لَا يَضُرُّ اِلَّا نَفْسَهٗ فَقَالَ

کہ وے شنید مردیرا کہ میگوید ظالم زیان نمی کند مگر نفس خود را پس گفت

اَبُوْ هُرَيْرَةَ رض بَلٰى وَاللّٰهِ حَتَّى الْحُبَارٰى لَتَمُوْتُ فِيْ وَكْرِهَا

ابوہریرہ رض آرے بخدا سوگند زیان میکند تا آنکہ جبارے ہر آئینہ مرد

هُزْلًا لِظُلْمِ الظَّالِمِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ

در آشیانہ خود از لاغری بجہت ظلم ظالم روایت کرد بیہقی این چہار حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَوْسِ ابْنِ شُرَحْبِيْلٍ اِنَّهٗ سَمِعَ

شعب الایمان وروایت است از اوس بن شرحبیل رض کہ وے شنید

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ مَشٰى مَعَ ظَالِمٍ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ برود با ظالم

لِيُقَوِّيَهٗ وَهُوَ يَعْلَمُ اَنَّهٗ ظَالِمٌ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْاِسْلَامِ

تا تقویت کند او را حال آنکہ آنکس میداند کہ وی ظالم است پس بتحقیق بیرون آمد از اسلام

وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از علی رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

اِيَّاكَ وَدَعْوَةَ الْمَظْلُوْمِ فَاِنَّمَا يَسْاَلُ اللّٰهَ حَقَّهٗ وَاِنَّ اللّٰهَ

دور دار خود را از دعاے مظلوم زیرا کہ وے می طلبد از خدا حق خود را و تحقیق خدا

لَا يَمْنَعُ ذَا حَقٍّ حَقَّهٗ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

منع نمی کند ہیچ صاحب حق را از حق وے وروایت است از ابی امامہ رض کہ آنحضرت



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مِنْ شَرِّ النَّاسِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود از بدترین مردم از روے مرتبہ نزد خدا روز قیامت

عَبْدٌ اَذْهَبَ اٰخِرَتَهٗ بِدُنْيَا غَيْرِهٖ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

بندہ ایست کہ ضائع کرد آخرت خود را بسبب دنیاے غیر خود رواہ ابن ماجہ وروایت است از

عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلدَّوَاوِيْنُ

عائشہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم دواوین

ثَلٰثَةٌ دِيْوَانٌ لَا يَغْفِرُ اللّٰهُ الْاِشْرَاكَ بِاللّٰهِ يَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ

سہ است یکے صحیفہ ایست کہ نمی آمرزد خدا او آن شریک گردانیدن کسے را بخدا است میگوید خداے

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَدِيْوَانٌ لَا يَتْرُكُهُ اللّٰهُ

کہ خداے تعالیٰ نمی آمرزد شرک را و دیوان دوم صحیفہ ایست کہ مہمل نمیگذارد آن را خدا

ظُلْمُ الْعِبَادِ فِيْمَا بَيْنَهُمْ حَتّٰى يَقْتَصَّ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ

و آن ظلم بندگان است درمیان یکدیگر تا آنکہ قصاص بستانند بعضے از ایشان از بعضے

وَدِيْوَانٌ لَا يَعْبَاُ اللّٰهُ بِهٖ ظُلْمُ الْعِبَادِ فِيْمَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللّٰهِ

و صحیفہ سوم باک ندارد خدا ازان و آن ظلم بندگان است میان خود و میان خدا

فَذٰلِكَ اِلَى اللّٰهِ اِنْ شَاءَ عَذَّبَهٗ وَاِنْ شَاءَ تَجَاوَزَ عَنْهُ وَعَنْ

پس آن موکول است بارادت الٰہی اگر خواہد عذاب کند بندہ را و اگر خواہد تجاوز کند ازان واز

اَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ

ابی موسیٰ رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ خدا

لَيُمْلِيْ لِلظَّالِمِ حَتّٰى اِذَا اَخَذَهٗ لَمْ يُفْلِتْهُ ثُمَّ قَرَاَ وَكَذٰلِكَ

ہر آئینہ مہلت میدہد ظالم را تا آنکہ وقتیکہ بگیرد او را نمی گذارد او را پس تر خواند و ہمچنین است

اَخْذُ رَبِّكَ اِذَا اَخَذَ الْقُرٰى وَهِيَ ظَالِمَةٌ الْاٰيَةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

گرفتن پروردگار تو چون بگیرد قریہ ہا را کہ ظالم اند تا آخر آیہ متفق علیہ

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضقَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ كَانَتْ لَهٗ مَظْلِمَةٌ لِاَخِيْهِ مِنْ عِرْضِهٖ اَوْشَيْءٍ فَلْيَتَحَلَّلْهُ

ہر کہ باشد مراو را مظلمہ برادر مسلمان را از آبروے کہ ریختہ یا از چیزے دیگر پس باید کہ تحلل بجوید

مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ اَنْ لَا يَكُوْنَ لَهٗ دِيْنَارٌ وَّلَا دِرْهَمٌ اِنْ كَانَ لَهٗ

از وے امروز پیش از آنکہ نباشد مراو را دینارے و نہ درہم اگر باشد او را

عَمَلٌ صَالِحٌ اُخِذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلِمَتِهٖ وَاِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهٗ حَسَنَاتٌ

عمل نیک گرفتہ شود از وے باندازہ ظلم او و اگر نباشد مراو را نیکیہا

اُخِذَ مِنْ سَيِّاٰتِ صَاحِبِهٖ فَحُمِلَ عَلَيْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

گرفتہ شود از بدیہاے صاحب وے پس برداشتہ شود بروے رواہ البخاری وہم از وی مرویست

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَتَدْرُوْنَ مَا الْمُفْلِسُ قَالُوْا

کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود مر صحابہ را آیا درمی یابید کہ مفلس چیست گفتند

اَلْمُفْلِسُ فِيْنَا مَنْ لَّا دِرْهَمَ لَهٗ وَلَا مَتَاعَ فَقَالَ اِنَّ الْمُفْلِسَ

کہ مفلس در میان ما کسے است کہ نیست درہم مراو را و نہ متاع پس فرمود آنحضرت ص مفلس

مِنْ اُمَّتِيْ مَنْ يَّاْتِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِصَلٰوةٍ وَّصِيَامٍ وَّزَكٰوةٍ

از امت من کسے است کہ بیاید روز قیامت بنماز و روزہ و زکوۃ

وَيَاْتِيْ قَدْ شَتَمَ هٰذَا وَقَذَفَ هٰذَا وَاَكَلَ مَالَ هٰذَا وَسَفَكَ

و بیاید آنکس باینحالت کہ دشنام کردہ است این را و نسبت بزنا کرد این را و خورد مال این را و ریخت

دَمَ هٰذَا وَضَرَبَ هٰذَا فَيُعْطٰى هٰذَا مِنْ حَسَنَاتِهٖ وَهٰذَا مِنْ

خون این را و زد این را پس داده شود این شخص کہ دشنام خوردہ از نیکیہاے وی و شخص دیگر

حَسَنَاتِهٖ فَاِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهٗ قَبْلَ اَنْ يُّقْضٰى مَا عَلَيْهِ اُخِذَ

از نیکیہاے وے پس اگر فانی شود نیکیہاے وی پیش از آنکہ حکم کردہ شود بجزاے گناہی کہ بروے است گرفتہ شود



مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

از گناہان مظلومان پس انداختہ شود بر ظالم پستر انداختہ شود در آتش رواہ مسلم

وَعَنْهُ رضقَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَتُؤَدُّنَّ

وہم از ابی ہریرہ رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ ہر آئینہ ادا کردہ می شود

الْحُقُوْقُ اِلٰى اَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ حَتّٰى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجَلْحَاءِ

حقہا بسوے اہل حقوق روز قیامت تا آنکہ قصاص گرفتہ شود براے گوسفند بے شاخ

مِنَ الشَّاةِ الْقَرْنَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رضاَنَّهٗ

از گوسفند شاخ دار رواہ مسلم و روایت است از معاویہ رض کہ وے

كَتَبَ اِلٰى عَائِشَةَ رض اَنِ اكْتُبِيْ اِلَيَّ كِتَابًا تُوْصِيْنِيْ فِيْهِ

بسوے عائشہ رض عنہا نوشت کہ بنویس براے من مکتوبے کہ وصیت کنی مرا در آن

وَلَا تُكْثِرِيْ فَكَتَبَتْ سَلَامٌ عَلَيْكَ اَمَّا بَعْدُ فَاِنِّيْ سَمِعْتُ

و زیادتی مکن پس نوشت عائشہ رض سلام علیک لیکن بعد سلام پس تحقیق شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنِ الْتَمَسَ رِضَا اللّٰهِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میفرمود کسیکہ طلب کند خوشنودی خدا

بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللّٰهُ مُؤْنَةَ النَّاسِ وَمَنِ الْتَمَسَ

با ناخوشنودی مردم کفایت کند او را خدا تعالی بار گرانی مردم را و ہر کہ طلب کند

رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللّٰهِ وَكَلَهُ اللّٰهُ اِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ

خوشنودی مردم را با ناخوشنودی خدا بگذارد او را خدا بسوے مردم و سلام

عَلَيْكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حُبْشِيٍّ رض

بر تو رواہ ترمذی و روایت است از عبد اللہ بن حبشی رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ ببرد درخت کنار را

صَوَّبَ اللّٰهُ رَأْسَهٗ فِي النَّارِ رَوَاهُ أَبُوْدَاوٗدَ وَقَالَ هٰذَا الْحَدِيْثُ

واژگون گرداند خدا سر او را در آتش دوزخ رواه ابوداود و گفته است ابوداود این حدیث

مُخْتَصَرٌ يَعْنِيْ مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً فِيْ فَلَاةٍ يَسْتَظِلُّ بِهَا

مختصر است یعنی تمام حدیث اینست کسیکه برید سدره را در دشت که پناه میجوید بسایه او

ابْنُ السَّبِيْلِ وَالْبَهَائِمُ عَبَثًا وَظُلْمًا بِغَيْرِ حَقٍّ يَكُوْنُ لَهٗ

مسافر و حیوانات از روی ستم و بغیر حقی که باشد مر آنکسی را

فِيْهَا صَوَّبَ اللّٰهُ رَأْسَهٗ فِي النَّارِ رَوَاهُ أَبُوْدَاوٗدَ بَابُ الشَّفْعَةِ

در آن سدره حق نگون گرداند سر او را خدا در آتش دوزخ رواه ابوداود در باب شفعه

مش. وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مشکات و روایت است از ابن عمر رض که بتحقیق آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

لَمَّا مَرَّ بِالْحِجْرِ قَالَ لَا تَدْخُلُوْا مَسَاكِنَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا أَنْفُسَهُمْ

هرگاه بگذشت مقام حجر فرمود داخل شوید سکونتگاه کسانی را که ظلم کردند بر جانهای خود

إِلَّا أَنْ تَكُوْنُوْا بَاكِيْنَ أَنْ يُصِيْبَكُمْ مَا أَصَابَهُمْ ثُمَّ قَنَّعَ

مگر آنکه باشید شما گریه کنان بخوف اینکه برسد شما را آنچه رسیده است ایشان را پس بر قع کشید

رَأْسَهٗ وَأَسْرَعَ السَّيْرَ حَتّٰى اجْتَازَ الْوَادِيَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

سر خود را و بزودی رفت تا آنکه تجاوز نمود آن صحرا را متفق علیه

## بَابُ الْغَضَبِ وَالْكِبْرِ

این باب در مذمت غضب و کبر است

وَالَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا

و برای آنانکه پرهیز میکنند از گناهان کبیره و از بی حیائیها و چون

غَضِبُوْا هُمْ يَغْفِرُوْنَ ۝ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ

بخشم می آیند ایشان می آمرزند و متاب رخساره خود را از طرف مردمان



وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

و راه مرو در زمین خرامان هرآئینه خدا دوست نمی دارد هر نازنده خود

فَخُوْرٍ ۝ وَاقْصِدْ فِيْ مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ

ستاینده را و میانه روی کن در رفتار خود و پست کن آواز خود را

إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيْرِ ۝ وَسَارِعُوْا إِلٰى مَغْفِرَةٍ

هرآئینه بدترین آواز هرآئینه آواز خران باشد و شتاب کنید بسوی آمرزش

مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ

از پروردگار خود و بسوی بهشتی که پهنائی آن مانند آسمانها و زمین است آماده کرده شده است

لِلْمُتَّقِيْنَ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِيْنَ

برای پرهیزگاران آنانکه خرج میکنند در آسایش و سختی و فرو خورندگان

الْغَيْظَ وَالْعَافِيْنَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ۝ إِنَّ اللّٰهَ

خشم و عفو کنندگان از مردمان و خدا دوست میدارد نیکوکاران را هرآئینه خدا

لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُوْرًا وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ

دوست نمیدارد کسی را که باشد متکبر خودستاینده و از ابن عمر رض روایت گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَجَرَّعَ عَبْدٌ أَفْضَلَ عِنْدَ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرو نبرد و ننوشید و نیاشامید هیچ بنده فاضلتر نزد

اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جُرْعَةِ غَيْظٍ يَكْظِمُهَا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللّٰهِ تَعَالٰى

خدای بزرگ و بلند از جرعه خشمی که فرو برده آن را از جهت طلب خوشنودی خدا تعالے

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيْمٍ عَنْ أَبِيْهِ عَنْ جَدِّهٖ رض

رواه احمد و روایت است از بهز بن حکیم از پدر خود و او از جد وے

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْغَضَبَ لَيُفْسِدُ الْإِيْمَانَ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم هرآئینه خشم گرفتن هرآئینه تباه میکرداند ایمان را

كما يفسد الصبر العسل وعن أبي هريرة رضـ قال قال
چنانچه تباه میگرداند صبر شهد را و روایت است از ابی هریرة رضـ گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم قال موسى بن عمران عليه
آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت موسی بن عمران علیه
السلام يا رب من أعز عبادك عندك قال من إذا قدر غفر
السلام اے پروردگار من کیست عزیزترین بندگان تو نزد تو فرمود عزیزترین بندگان کسیکه چون قادر شود بر انتقام
وعن أنس أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من
و روایت است از انس رضـ که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه
خزن لسانه ستر الله عورته ومن كف غضبه كف الله
نگاه دارد زبان خود را از عیب مردم بپوشد خدا تعالی عیب او را و کسیکه فرو خورد خشم خود را باز دارد خدا
عنه عذابه يوم القيمة ومن اعتذر إلى الله قبل الله
از آن کس عذاب خود را روز قیامت و کسیکه عذرخواهی کند بسوی خدا بپذیرد خدا
عذره روى الأحاديث الثلاثة البيهقي في شعب الإيمان
عذر او را روایت کرد این هر سه حدیث را بیهقی در شعب الایمان
وعن أبي ذر رضـ أن رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از ابی ذر رضـ که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
قال إذا غضب أحدكم وهو قائم فليجلس فإن ذهب عنه
فرمود چون بخشم آید یکے از شما حال آنکه وے ایستاده است پس باید که بنشیند پس اگر رفت از ان
الغضب وإلا فليضطجع رواه أحمد والترمذي وعن
خشم بهتر ورنه باید که بر پهلو بخسپد رواه احمد والترمذی و روایت است از
عطية بن عروة السعدي رضـ قال قال رسول الله صلى الله
عطیه بن عروه سعدی رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله



عليه وسلم إن الغضب من الشيطان وإن الشيطان خلق
علیه وسلم بدرستیکه خشم کردن از شیطان است و بدرستیکه شیطان پیدا کرده شده است
من النار وإنما يطفئ النار بالماء فإذا غضب أحدكم
از آتش و سرد کرده نمی شود آتش مگر بآب پس چون بخشم آید یکے از شما
فليتوضأ رواه أبو داود وعن أبي هريرة رضـ أن
باید که وضو سازد رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره رضـ که
رجلا قال للنبي صلى الله عليه وسلم أوصني قال لا تغضب
مردے گفت مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که وصیت کن مرا فرمود خشم مگیر
فردد ذلك مرارا قال لا تغضب رواه البخاري وعنه
پس باز گردانید آن مرد آن قول را فرمود خشم مگیر رواه بخاری و هم از وے مرویست
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس الشديد بالصرعة
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست زبردست آن کس که مردم را بر زمین اندازد
إنما الشديد الذي يملك نفسه عند الغضب متفق عليه
بلکه زبردست آنست که مالک باشد نفس خود را وقت غضب متفق علیه
وعن حارثة بن وهب رضـ قال قال رسول الله صلى الله
و روایت است از حارثه بن وهب رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عليه وسلم ألا أخبركم بأهل الجنة كل ضعيف متضعف
علیه وسلم آیا خبر ندهم شما را باهل بهشت هر ضعیف که حقیر می پندارند او را مردم
لو أقسم على الله لأبره ألا أخبركم بأهل النار كل عتل
اگر سوگند خورد بر خدا راستگوی میگرداند وی تعالی او را آیا خبر ندهم شما را باهل دوزخ هر درشت خو
جواظ مستكبر متفق عليه وعن ابن مسعود رضـ قال
باطل بخیل و متکبر متفق علیه و روایت است از ابن مسعود رضـ گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ أَحَدٌ

فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم درنمی آید دوزخ را ہیچ یکے

فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ إِيمَانٍ وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ

کہ در دل وے مقدار دانہ خردل از ایمان باشد و درنمی آید بہشت را

أَحَدٌ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ كِبْرٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

ہیچ یکے کہ در دل وے مقدار دانہ خردل است از کبر رواہ مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ

وسلم سہ کس اند کہ سخن نگوید خدا تعالے با ایشان روز قیامت و ثنائی گوید بر ایشان

وَفِي رِوَايَةٍ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ شَيْخٌ زَانٍ

و در روایتے این نیز آمده است و نظر نمیکند بسوے ایشان و مر ایشان را عذاب دردناک است یکے زانی

وَمَلِكٌ كَذَّابٌ وَعَائِلٌ مُسْتَكْبِرٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

دوم بادشاہ دروغ گوینده سوم درویش تکبر کننده رواه مسلم و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم میفرماید

اللّٰهُ تَعَالَى الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي فَمَنْ نَازَعَنِي

خدا تعالے کبریا چادر من و عظمت ازار من است پس کسیکہ نزاع کند

وَاحِدًا مِنْهُمَا أَدْخَلْتُهُ النَّارَ وَفِي رِوَايَةٍ قَذَفْتُهُ فِي النَّارِ

و مشارکت جوید بمن در یکے ازین ہر دو صفت داخل میکنم او را در آتش دوزخ و در روایتے بجای ادخلته قذفته

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

رواه مسلم و روایت است از عمرو بن شعیب رض او از پدر خود و او از جد خود



عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُحْشَرُ الْمُتَكَبِّرُونَ

از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم روایت میکند کہ فرمود آنحضرت کہ برانگیختہ میشوند تکبر کنندگان

أَمْثَالَ الذَّرِّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِي صُوَرِ الرِّجَالِ يَغْشَاهُمُ

مانند مورچہاے خورد روز قیامت در صورت مردان کہ می پوشد ایشان را

الذُّلُّ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ يُسَاقُونَ إِلَى سِجْنٍ فِي جَهَنَّمَ يُسَمَّى

خواری از ہر جا و ہر سو رانده میشوند بسوے زندانے در دوزخ کہ نامیده میشود

بُولَسَ تَعْلُوهُمْ نَارُ الْأَنْيَارِ يُسْقَوْنَ مِنْ عُصَارَةِ أَهْلِ النَّارِ

آن زندان بولس غلبه میکند ایشان را آتش دوزخ کہ آتش آتشہاست نوشانیده میشوند ایشان از آنچہ سیلان میکند از دوزخیان

طِينَةِ الْخَبَالِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ رض

از زرد آب و ریم و خون رواه ترمذی و از اسماء بنت عمیس رض مرویست

قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ بِئْسَ

گفت شنیدم من آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت بد

الْعَبْدُ عَبْدٌ تَخَيَّلَ وَاخْتَالَ وَنَسِيَ الْكَبِيرَ الْمُتَعَالِ بِئْسَ

بنده است بنده کہ بر خود عجب کرد و خود را نیک خیال کرد و فراموش کرد خداوند بزرگ بلند قدر را و بد

الْعَبْدُ عَبْدٌ تَجَبَّرَ وَاعْتَدَى وَنَسِيَ الْجَبَّارَ الْأَعْلَى بِئْسَ

بنده است بنده کہ جبر نمود و در ظلم و فساد از حد در گذشت و فراموش کرد خداوند جبار را کہ بلند قدرت او و بد

الْعَبْدُ عَبْدٌ سَهَا وَلَهَا وَنَسِيَ الْمَقَابِرَ وَالْبِلَى بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ

بنده است بنده کہ فراموش کرد و مشغول شد بلہو و لعب و فراموش کرد مقبرہا را و پوسیدگی بدن را و بد بنده است

عَتَا وَطَغَى وَنَسِيَ الْمُبْتَدَا وَالْمُنْتَهَى بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتِلُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ

کہ از حد در گذشت و سرکشی کرد و فراموشی کرد آغاز حال و انتہاے حال خود را بد بنده است بنده کہ فریب میدہد

بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتِلُ الدِّينَ بِالشُّبُهَاتِ بِئْسَ الْعَبْدُ

بد بنده است بنده کہ فریب میدہد دین را بشبہات بد بنده است

عَبْدُ طَمَعٍ يَقُودُهُ بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدُ هَوًى يُضِلُّهُ بِئْسَ الْعَبْدُ
بنده که طمع و حرص می کند او را برو را ارباب دنیا بد بنده است بنده که هوای نفس گراه میگرداند او را

عَبْدٌ رَغَبٌ يُذِلُّهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ
بد بنده است بنده که رغبت در دنیا خوار میکند او را روایت کرد ترمذی و بیهقی در شعب الایمان گفت بیهقی

قَالَ لَيْسَ إِسْنَادُهُ بِالْقَوِيِّ وَعَنْ عُمَرَ رَضِ قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ
نیست اسناد این حدیث قوی و از امیر المومنین عمر رض مرویست گفت وقتیکه وے بر منبر بود

يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوَاضَعُوا فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
اے مردان تواضع کنید زیرا که من شنیدم آنحضرت را صلے الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ تَوَاضَعَ لِلّٰهِ رَفَعَهُ اللّٰهُ فَهُوَ فِي نَفْسِهِ صَغِيْرٌ
وسلم که می گفت کسیکه تواضع کند با مردم از برائے خدا بلند گرداند خدا مرتبه او را پس آنکس در نفس خود

وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيْمٌ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللّٰهُ فَهُوَ فِي أَعْيُنِ
و در چشمان مردم بزرگست و کسیکه تکبر کند فرو نهد خدا مرتبه او را پس او در چشم

النَّاسِ صَغِيْرٌ وَفِي نَفْسِهِ كَبِيْرٌ حَتّٰى لَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِمْ مِنْ كَلْبٍ
مردم حقیرست و در نفس خود بزرگست تا آنکه هر آئینه وے سبکترست بر مردم از سگ

أَوْ خِنْزِيْرٍ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
یا خوک و از ابی هریره رض مرویست که آنحضرت صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ وَثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ فَأَمَّا
علیه وسلم فرمود سه خصلت رستگاری دهنده است از عذاب و سه خصلت هلاک کننده است

الْمُنْجِيَاتُ فَتَقْوَى اللّٰهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْقَوْلُ بِالْحَقِّ فِي
اما خصلتهای نجات دهنده یکے از آن پس پرهیزگاری از خداست پنهان و آشکارا دوم گفتن سخن راست در

الرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَا وَالْفَقْرِ وَأَمَّا الْمُهْلِكَاتُ
خوشنودی و ناخوشنودی سوم میانه روے در توانگری و درویشی اما خصلتهاے هلاک کننده



فَهَوًى مُتَّبَعٌ وَشُحٌّ مُطَاعٌ وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَهِيَ أَشَدُّهُنَّ
یکی هوای نفس که پیروی کرده شده است آن را دوم بخل و حرص اطاعت کرده شده سوم معجب بودن مرد بنفس خود و این

رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْأَحَادِيْثَ الْخَمْسَةَ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ
بدترین خصلتهاے مذکوره است روایت کرد این حدیث پنج را بیهقی در شعب الایمان

كِتَابُ الْجِهَادِ اَلَّذِيْنَ آمَنُوْا وَهَاجَرُوْا وَجَاهَدُوْا
کتاب در جهاد آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ
در راه خدا با موال خویش و جان خویش بزرگتر اند در مرتبه نزدیک خدا

وَأُولٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُوْنَ ۝ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ
و این جماعت ایشانند مطلب یابان مژده میدهد ایشان را پروردگار ایشان برحمت از نزدیک خود و خوشنودی

وَّجَنّٰتٍ لَّهُمْ فِيْهَا نَعِيْمٌ مُّقِيْمٌ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا أَبَدًا ط إِنَّ اللّٰهَ
و بوستانها که ایشان را در آنجا نعمت دایم بود باشندگان آنجا همیشه هر آئینه

عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيْمٌ ۝ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُوْرِ عِنْدَ اللّٰهِ اثْنَا
نزد خدا مزد بزرگ است هر آئینه شمار ماهها نزدیک خدا

عَشَرَ شَهْرًا فِيْ كِتَابِ اللّٰهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ
دوازده ماه ست در کتاب خدا روزے که آفرید آسمانها و زمین را

مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوْا
از انجمله چهار ماه ست حرام اینست دین درست پس ستم مکنید

فِيْهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِيْنَ كَافَّةً كَمَا
در آن ماهها بر خویشتن و جنگ کنید با مشرکان همه ایشان چنانکه ایشان

يُقَاتِلُوْنَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوْا أَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ ۝
جنگ می کنند با شما همه شما و بدانید که خدا با متقیان ست ۝

يا أيها الذين آمنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا
ای مسلمانان چیست شما را که چون بشما گفته می شود بیرون آئید
في سبيل الله اثاقلتم إلى الأرض أرضيتم
در راه خدا گران شده میل میکنید بسوے زمین آیا راضی شدید
بالحيوة الدنيا من الآخرة فما متاع الحيوة الدنيا
بزندگانی دنیا عوض آخرت پس نیست متاع زندگانی دنیا
في الآخرة إلا قليل ۝ إلا تنفروا يعذبكم عذابا
در برابر آخرت مگر اندکے اگر بیرون نیائید عذاب کند شما را عذابے
أليما ۝ ويستبدل قوما غيركم ولا تضروه شيئا والله
دردناک و بدل شما گیرد قومے را بجز شما و هیچ زیان نرسانید خدا را و خدا
على كل شيء قدير ۝ يا أيها النبي جاهد
بر همه چیز تواناست اے پیغامبر جهاد کن
الكفار والمنافقين واغلظ عليهم ومأواهم جهنم
با کافران و با منافقان و درشتی کن بر ایشان و جاے ایشان دوزخ ست
وبئس المصير ۝ إن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله
و وے بد جائیست هر آئینه خدا دوست میدارد آنها را که جنگ میکنند در راه خدا
صفا كأنهم بنيان مرصوص ۝ كتب عليكم القتال
صف زده گویا که ایشان عمارتے هستند محکم بیکدیگر چسپیده لازم کرده شد بر شما جنگ
وهو كره لكم وعسى أن تكرهوا شيئا وهو خير
و آن دشوار است بر شما و شاید که شما ناخوش دارید چیزے را که حال آنکه وے بهتر باشد
لكم وعسى أن تحبوا شيئا وهو شر لكم والله يعلم وأنتم لا تعلمون ۝
شما را و شاید دوست دارید چیزے را حال آنکه وی بد باشد و خدا میداند و شما نمیدانید



الذين آمنوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا يقاتلون
مومنان کارزار میکنند در راه خدا و کافران می جنگند
في سبيل الطاغوت فقاتلوا أولياء الشيطان إن كيد
در راه معبود باطل پس جنگ کنید با دوستان شیطان هر آئینه حیله
الشيطان كان ضعيفا ۝ أينما تكونوا يدرككم الموت
شیطان سست است هر جا که باشید دریابد شما را مرگ
ولو كنتم في بروج مشيدة ۝ وفضل الله المجاهدين
اگرچه باشید در محلهاے محکم و افزون داده است خدا مجاهدان را
على القاعدين أجرا عظيما ۝ درجات منه ومغفرة ورحمة
بر نشینندگان مزد بزرگ درجه ها از جانب خویش و آمرزش و بخشایش
وكان الله غفورا رحيما ۝ ومن يهاجر في سبيل الله يجد
و هست خدا آمرزنده مهربان و هر که ترک وطن بکند در راه خدا بیابد
في الأرض مراغما كثيرا وسعة ۝ ومن يخرج من بيته
در زمین اقامت گاه بسیار و فراخی معیشت و هر که بیرون رود از خانه خود
مهاجرا إلى الله ورسوله ثم يدركه الموت فقد وقع
هجرت کنان بسوے خدا و پیغامبر او پس دریابد او را موت پس بتحقیق ثابت شد
أجره على الله وكان الله غفورا رحيما ۝ عن
مزد او بر خدا و هست خدا آمرزنده مهربان روایت است از
أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
ابی هریره رض گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم
مثل المجاهد في سبيل الله كمثل الصائم القائم
حال جهاد کننده در راه خدا همچو حال روزه دارنده شب بیدار

الْقَانِتِ بِآيَاتِ اللّٰهِ لَا يَفْتُرُ مِنْ صِيَامٍ وَّلَا صَلٰوةٍ حَتّٰى

طاعت کننده وقیام نماینده بآیات خداست کہ سست نمی شود آن صایم قایم از صیام وقیام تا آنکہ

يَرْجِعَ الْمُجَاهِدُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

بازگردد جہاد کننده در راه خدا متفق علیہ وہم از ابی ہریره رضی مرویست گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنْتَدَبَ اللّٰهُ لِمَنْ خَرَجَ

کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم ضامن شد خدا تعالیٰ مر کسے را کہ بیرون آمد که جہت

فِيْ سَبِيْلِهٖ لَا يُخْرِجُهٗ اِلَّا اِيْمَانٌ بِيْ وَتَصْدِيْقٌ بِرُسُلِيْ

بجہاد در حالیکہ بیرون نمی آرد او را مگر ایمان بمن و راستگو داشتن پیغمبران مرا

اَنْ اُرْجِعَهٗ بِمَا نَالَ مِنْ اَجْرٍ اَوْ غَنِيْمَةٍ اَوْ اُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

کہ بازگردانم او را بخانہ اش بچیزیکہ یافتہ است از ثواب آخرت یا غنیمت یا درآرم او را در بہشت متفق علیہ

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِيْ

وہم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بخدا او کہ

نَفْسِيْ بِيَدِهٖ لَوْلَا اَنَّ رِجَالًا مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ لَا تَطِيْبُ اَنْفُسُهُمْ

اگر نمی بود ترس آنکہ مردان از مسلمانان خوش نمی شود نفسہای ایشان

اَنْ يَّتَخَلَّفُوْا عَنِّيْ وَلَا اَجِدُ مَا اَحْمِلُهُمْ عَلَيْهِ مَا تَخَلَّفْتُ

کہ واپس مانند و جدا شوند از من و نمی بود آنکہ نمی یابم چیزیکہ سوار کنم ایشان را بر آن واپس نمیماندم و جدا

عَنْ سَرِيَّةٍ تَغْزُوْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ لَوَدِدْتُّ

از ہر فوجے کہ جنگ کرد در راه خدا و بخدا سوگند ہر آئینہ دوست میدارم

اَنْ اُقْتَلَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ اُحْيٰى ثُمَّ اُقْتَلَ ثُمَّ اُحْيٰى ثُمَّ

کہ کشتہ شوم در راه خدا پس زنده گردانیده شوم پس باز کشتہ شوم پس باز زنده گردانیده شوم پس

اُقْتَلَ ثُمَّ اُحْيٰى ثُمَّ اُقْتَلَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَهْلِ

کشتہ شوم باز زنده گردانیده شوم پس کشتہ شوم متفق علیہ و روایتست از سہل



بْنِ سَعْدٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رِبَاطُ

ابن سعد رضی گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نگاہداشتن سرحد اسلام

يَوْمٍ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ خَيْرٌ مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

یک روزے در راه خدا بہتر است از دنیا و ہرچہ بر دنیا است متفق علیہ

وَعَنْ اَنَسٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رضی گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

لَغَدْوَةٌ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَوْ رَوْحَةٌ خَيْرٌ مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيْهَا

ہر آئینہ یک بامداد سیر کردن در راه خدا یا یک شبانگاه بہتر است از دنیا و آنچہ در دنیا است

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رضی قَالَ سَمِعْتُ

متفق علیہ و روایت است از سلمان فارسی رضی گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رِبَاطُ يَوْمٍ وَّلَيْلَةٍ خَيْرٌ مِّنْ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میفرمود کہ رباط یک روز و شب بہتر است از

صِيَامِ شَهْرٍ وَّقِيَامِهٖ وَاِنْ مَّاتَ جَرٰى عَمَلُهُ الَّذِيْ كَانَ

روزه یکماه و شب خیزی آن و اگر بمیرد روان میگردد بروے ثواب عمل وی کہ بود

يَعْمَلُهٗ وَاُجْرِيَ عَلَيْهِ رِزْقُهٗ وَاَمِنَ الْفَتَّانَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

عمل میکرد و رسانیده میشود بروے رزق وی و ایمن میگردد از فتنہ اندازنده کہ فرشتۂ عذاب

وَعَنْ اَبِيْ عَبْسٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی عبس رضی گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

مَا اغْبَرَّتْ قَدَمَا عَبْدٍ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَتَمَسَّهُ النَّارُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

گرد آلوده نگردد دو پائے ہیچ بنده در راه خدا پس مس کند او را آتش دوزخ رواه بخاری

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضی اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ہریره رضی کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قال لا يجتمع الكافر وقاتله في النار ابدا رواه مسلم

فرمود جمع نمی شود کافر وکشندهٔ کافر در آتش دوزخ همیشه رواه مسلم

وعن ابي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از ابی هریره رضـ گفت آنحضرت صلی الله علیه

وسلم لا يكلم احد في سبيل الله والله اعلم بمن يكلم

وسلم مجروح گردانیده نمی شود هیچ یکے در راه خدا وخدا دانا تر است بکسے که مجروح گردانیده شود

في سبيله الا جاء يوم القيمة وجرحه يثعب دما اللون

در راه وے مگر آنکه می آید روز قیامت وحال آنکه جراحت او میریزد خون رنگ رنگ

لون الدم والريح ريح المسك متفق عليه وعن

خون وبوے بوے مشک متفق علیه وروایت است از

ابي موسى رضـ قال جاء رجل الى النبي صلى الله عليه وسلم

ابی موسی رضـ گفت آمد مردے بسوے آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فقال الرجل يقاتل للمغنم والرجل يقاتل للذكر والرجل

پس گفت آن مرد مرد قتال میکند براے غنیمت ومردے قتال میکند براے نام ومردے

يقاتل ليرى مكانه فمن في سبيل الله قال من قاتل

قتال میکند براے این غرض که دیده شود مکان او در شجاعت پس کیست در راه خدا گفت آنحضرت

لتكون كلمة الله هي العليا فهو في سبيل الله متفق عليه

براے آنکه باشد کلمهٔ خدا بلند تر پس اوست جهاد کننده در راه خدا متفق علیه

وعن انس رضـ عن النبي صلى الله عليه وسلم قال جاهدوا

وروایت است از انس رضـ از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود جهاد کنید

المشركين باموالكم وانفسكم والسنتكم رواه ابو داود

کافران را بمالهاے خود وبذاتهاے خود وبزبانهاے خود رواه ابو داود



والنسائي والدارمي وعن ابي هريرة رضـ قال قال

ونسائی ودارمے وروایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم افشوا السلام واطعموا الطعام

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاش کنید سلام را وبخورانید طعام را

واضربوا الهام تورثوا الجنان رواه الترمذي وعن

وبزنید سرها را تا وارث گردانیده شوید بهشتها را رواه ترمذی وروایت است از

فضالة بن عبيد عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

فضاله بن عبید از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت

كل ميت يختم على عمله الا الذي مات مرابطا في سبيل

هر مرده ختم کرده میشود بر همان عمل که کرده است مگر آن کسیکه مرد نگهدارنده در راه

الله فانه ينمى له الى يوم القيمة ويامن من فتنة

خدا پس بدرستیکه شان اینست زیاده کرده میشود براے وی عمل وے تا روز قیامت وایمن گردد از آزمایش

القبر رواه الترمذي وابو داود ورواه الدارمي

قبر رواه ترمذے وابوداود وروایت کرد اینحدیث را دارمے

عن عقبة بن عامر وعن معاذ بن جبل رضـ انه سمع

از عقبه بن عامر وروایت است از معاذ بن جبل رضـ که وے شنید

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من قاتل في

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه قتال کند در

سبيل الله فواق ناقة فقد وجبت له الجنة ومن جرح جرحا في

راه خدا مقدار میان دو دوشیدن ماده شتر پس بتحقیق واجب میگردد براے وے بهشت وکسیکه خسته

سبيل الله او نكب نكبة فانها تجيء يوم القيمة كاغزر ما كانت لونها

راه خدا یا رنج رسانیده شود رنج رسانیدنی پس می آید روز قیامت بسیار تر بودن آن جراحت

الزَّعفرانُ وريحُها المِسكُ ومن خرج خراجاً في سبيل الله فانّ عليه
زعفران است وبوی آن مشک است وکسیکه بیرون آید ویرا ریش در راه خدا پس بدرستیکه بروی
طابعُ الشهداء رواه الترمذيّ وابوداود والنسائيّ وعن ابي هريرة
مهر شهیدان است رواه ترمذی وابوداود ونسائی وروایت از ابی هریره رض
قال قال رسول الله صلّى الله عليه وسلّم لا يلج النارَ من بكى من
گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درنمی آید آتش دوزخ را کسیکه گریه از
خشية الله حتّى يعود اللبن في الضرع ولا يجتمع على عبدٍ
ترس خدا تا آنکه باز گردد شیر در پستان وجمع نمی شود بر هیچ بنده
غبارٌ في سبيل الله ودخانُ جهنّم رواه الترمذيّ
گرد در راه خدا ودود جهنم یعنے مجاهد در دوزخ نمی آید رواه ترمذی
وزاد النسائيّ في اخرى في منخريْ مسلمٍ ابداً وفي
وزیاده کرده است نسائی در روایت دیگر یعنے جمع نمیگردد غبار ودود در سوراخ بینی مسلمان هرگز
اخرى له في جوف عبدٍ ابداً ولا يجتمع الشحّ والايمان
روایتی دیگر مر نسائی را جمع نمیگردد غبار ودود در درون بنده هرگز وجمع نمی شود بخل وایمان
في قلب عبدٍ ابداً وعن ابن عبّاس رض قال قال
در دل بنده هرگز وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود
رسول الله صلّى الله عليه وسلّم عينانِ لا تمسّهما النار
آنحضرت صلی الله علیه وسلم دو چشم اند که مس نمیکند آن دو چشم را آتش دوزخ
عينٌ بكت من خشية الله وعينٌ باتت تحرس في سبيل الله
یکے چشمے که گریسته است از خوف خدا ودیگر چشمے که شب گروه که نگاهبانی میکند مجاهدان را از خوف کفار در سبیل الله
رواه الترمذيّ وعن ابي هريرة رض قال مرّ رجلٌ من
رواه ترمذی وروایت است از ابی هریره رض گفت گذشت مردے از



اصحاب رسول الله بشعبٍ فيه عيينةٌ من ماءٍ عذبةٍ
یاران آنحضرت صلی الله علیه وسلم بشعبے که در وے چشمکے بود از آب شیرین
فاعجبته فقال لو اعتزلتُ الناس فاقمتُ في هذا الشِّعب
پس خوش آمد آن چشمه آن مرد را پس گفت آن مرد کاشکے گوشه میگرفتم از مردم پس اقامت میکردم درین شعب
فذكر ذلك لرسول الله صلّى الله عليه وسلّم فقال لا تفعل
پس ذکر کرده شد آن نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس گفت آنحضرت مکن این را
فانّ مقام احدكم في سبيل الله افضل من صلوته في بيته
زیرا که بدرستی ایستادن یکے از شما در راه خدا فاضلتر است از نماز وے در خانه خود
سبعين عاماً الا تحبّون ان يغفر الله لكم ويدخلكم
هفتاد سال آیا دوست نمیدارید شما که بیامرزد خدایتعالی شما را ودر آرد شما را
الجنّة اغزوا في سبيل الله من قاتل في سبيل الله فواق
در بهشت قتال کنید با کافران در راه خدا کسیکه غزا کند در راه خدا مقدار زمان دو دوشیدن
ناقةٍ وجبت له الجنّة رواه الترمذيّ وعن عثمان رض
ناقه واجب میگردد مر او را بهشت رواه ترمذی وروایت است از عثمان رض
عن رسول الله صلّى الله عليه وسلّم قال رباط يومٍ في
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بودن یک روز در
سبيل الله خيرٌ من الف يومٍ فيما سواه من المنازل
سرحد کفر وبستن اسپان بهتر است از عبادت هزار روز در غیر آنجا از منزلها
رواه الترمذيّ وعن عبد الله بن حُبشيّ انّ النبيّ
رواه ترمذی وروایت است از عبد الله بن حبشی که آنحضرت
صلّى الله عليه وسلّم سُئل ايّ الاعمال افضل قال
صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام از عملهاست که فاضلتر است گفت

طُولُ الْقِيَامِ قِيلَ فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ

دراز ایستادن در نماز گفته شد پس کدام صدقه فاضلتر است فرمود طاقت فقیر

قِيلَ فَأَيُّ الْهِجْرَةِ أَفْضَلُ قَالَ مَنْ هَجَرَ مَا حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ

گفته شد پس کدام هجرت فاضلتر است فرمود کسیکه جدائی کرد چیزیرا که حرام کرده است خدا بروے

قِيلَ فَأَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ قَالَ مَنْ جَاهَدَ الْمُشْرِكِينَ بِمَالِهِ

پس گفته شد پس کدام جهاد فاضلتر است فرمود کسیکه جهاد کرده کافران را بمال خود

وَنَفْسِهِ قِيلَ فَأَيُّ الْقَتْلِ أَشْرَفُ قَالَ مَنْ أُهْرِيقَ دَمُهُ

وجهاد کرده است بنفس خود گفته شد پس کدام کشته شدن در جهاد شریفتر است فرمود کسیکه ریخته شد خون

وَعُقِرَ جَوَادُهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَفِي رِوَايَةِ النَّسَائِيِّ أَنَّ

وپے کرده شده اسپ او رواه ابوداود و در روایت نسائی اینچنین آمده است که

النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام یکے از اعمال فاضلتر است

قَالَ إِيمَانٌ لَا شَكَّ فِيهِ وَجِهَادٌ لَا غُلُولَ فِيهِ وَحَجَّةٌ

فرمود فاضلترین اعمال ایمان است که نیست شک در وے وجهاد نیست که نیست خیانت در غنیمت و

مَبْرُورَةٌ قِيلَ فَأَيُّ الصَّلٰوةِ أَفْضَلُ قَالَ طُولُ الْقُنُوتِ

که مقبول شده است گفته شد پس کدام نماز فاضلتر است فرمود نمازیکه قیام در وے دراز باشد

ثُمَّ اتَّفَقَا فِي الْبَاقِي وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ

پستر اتفاق کردند هردو در باقی حدیث و روایت است از ابی امامه رض از آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللهِ مِنْ

صلی الله علیه وسلم که فرمود نیست چیزے دوست داشته شده تر بسوے خدا از

قَطْرَتَيْنِ وَأَثَرَيْنِ قَطْرَةُ دُمُوعٍ مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَقَطْرَةُ

دو قطره و دو نشان یکے قطره اشکهاست از ترس خدا و قطره دیگر



دَمٍ يُهَرَاقُ فِي سَبِيلِ اللهِ وَأَمَّا الْأَثَرَانِ فَأَثَرٌ فِي سَبِيلِ اللهِ

خونے که ریخته میشود در راه خدا واما دو اثر پس یکے نشان زخم است در راه خدا

وَأَثَرٌ فِي فَرِيضَةٍ مِنْ فَرَائِضِ اللهِ تَعَالَى رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و دوم اثرے در فریضه از فرائض خدا تعالے رواه ترمذے

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَرْكَبِ الْبَحْرَ إِلَّا حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا أَوْ

الله علیه وسلم سوار مشو دریارا مگر درحالیکه حج کننده یا عمره برآرنده یا

غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللهِ فَإِنَّ تَحْتَ الْبَحْرِ نَارًا وَتَحْتَ النَّارِ

غزا کننده در راه خدا زیراکه زیر دریا آتشے است و زیر آتش

بَحْرًا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رض أَنَّ

دریائیست رواه ابوداود و روایت است از عبد الله بن عمرو رض که

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَفْلَةٌ كَغَزْوَةٍ رَوَاهُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بازگشتن مجاهد از سفر غزا مانند غزا

أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض قَالَ خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللهِ

رواه ابوداود و روایت است از ابی امامه رض گفت بیرون آمدیم همراه آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَرِيَّةٍ فَمَرَّ رَجُلٌ بِغَارٍ فِيهِ شَيْءٌ

صلی الله علیه وسلم در پاره از لشکر پس گذشت مردے بغارے که درو چیزے

مِنْ مَاءٍ وَبَقْلٍ فَحَدَّثَ نَفْسَهُ بِأَنْ يُقِيمَ فِيهِ وَيَتَخَلَّى

از آب وتره و سبزی بود پس حدیث کرد آن مرد بانفس خود که اقامت کند درین غار و خلوت

مِنَ الدُّنْيَا فَاسْتَأْذَنَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ذٰلِكَ

گزیند از دنیا پس طلب اذن کرد از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در اقامت کردن

فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم اني لم أبعث باليهودية

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه فرستاده نشده ام بملت یهودیت

ولا بالنصرانية ولكني بعثت بالحنيفية السمحة والذي نفس

ونه بملت نصرانیت ولیکن فرستاده شده ام بدین اسلام که ملت نرم و آسان است سوگند بخدا ایکه

محمد بيده لغدوة أو روحة في سبيل الله خير من الدنيا

ذات محمد در دست اوست هر آئینه سیر کردن در بامداد یا سیر کردن در شبانگاه در راه خدا بهتر است

وما فيها ولمقام أحدكم في الصف خير من صلوته ستين

و هر چه در وی است و هر آئینه ایستادن یکی از شما در صف قتال بهتر است از نماز گذاردن شصت

سنة رواه أحمد وعن أبي سعيد أن رسول الله

سال رواه احمد و روایت است از ابی سعید رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من رضي بالله ربا وبالإسلام

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه راضی و خوشنود گردد بخدا که پروردگار است و راضی گردد باسلام

دينا وبمحمد رسولا وجبت له الجنة فعجب

که دین وی است و راضی گردد بمحمد که رسول است واجب گردد برای وی بهشت پس خوشی کرد مر این

لها أبو سعيد فقال أعدها علي يا رسول الله فأعادها

کلمات را ابو سعید رض و گفت اعاده کن این کلمات را بر من ای رسول خدا

عليه ثم قال وأخرى يرفع الله بها العبد مائة

پس اعاده کرد آنحضرت آن کلمات را بروی پستر گفت آنحضرت و خصلت دیگر است بلند میگرداند

درجة في الجنة ما بين كل درجتين كما بين السماء

پایه در بهشت مسافت میان هر دو پایه چنان است که میان آسمان

والأرض قال وما هي يا رسول الله قال الجهاد في سبيل الله الجهاد في

و زمین است گفت ابو سعید و چه چیز است آن خصلت یا رسول الله فرمود آنحضرت جهاد کردن در راه



سبيل الله الجهاد في سبيل الله رواه مسلم وعن

جهاد کردن است در راه خدا رواه مسلم و روایت است از

أبي موسى قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أبواب الجنة

ابی موسی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه درهای بهشت

تحت ظلال السيوف فقام رجل رث الهيئة فقال يا أبا

زیر سایه شمشیر است پس ایستاد مردی کهنه و سوده شکل و جامه پس گفت آن مرد یا ابا

موسى أنت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول هذا

موسی تو شنیدی آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت این سخن را

قال نعم فرجع إلى أصحابه فقال أقرأ عليكم السلام ثم كسر

گفت آری شنیدم پس رجوع کرد آن مرد بسوی یاران خود پس گفت میخوانم بر شما سلام را

جفن سيفه فألقاه ثم مشى بسيفه إلى العدو فضرب به

نیام خود را پس بینداخت نیام را پستر رفت با شمشیر خود بسوی دشمنان پس بزد بشمشیر

حتى قتل رواه مسلم وعن أبي هريرة رض قال قال

تا آنکه کشته شد رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من احتبس فرسا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ببندد اسپی را

في سبيل الله إيمانا بالله وتصديقا بوعده فإن شبعه وريه

در راه خدا از جهت ایمان آوردن بخدا و از جهت راست داشتن وعده حق پس بدرستیکه سیر

وروثه وبوله في ميزانه يوم القيمة رواه البخاري وعن

و سرگین او و بول او در میزان او باشد روز قیامت رواه بخاری و روایت است از

جابر رض قال قال رجل للنبي صلى الله عليه وسلم يوم أحد

جابر رض که گفت مردی مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم روز جنگ احد

أَرَأَيْتَ إِنْ قُتِلْتُ فَأَيْنَ أَنَا قَالَ فِي الْجَنَّةِ فَأَلْقَى تَمَرَاتٍ فِي

که خبر دهید اگر کشته شوم پس کجاست جای من فرمود آنحضرت در بهشت است جای تو پس بیندا لغت

يَدِهٖ ثُمَّ قَاتَلَ حَتّٰى قُتِلَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ

دست او بود پستر قتال کرد تا آنکه کشته شد متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض گفت

بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ رَوَاحَةَ فِي سَرِيَّةٍ

فرستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم عبد الله بن رواحه را در فوجی و لشکر

فَوَافَقَ ذٰلِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَغَدَا أَصْحَابُهُ وَقَالَ أَتَخَلَّفُ وَأُصَلِّي

پس موافق افتاد آن فرستادن روز جمعه را پس وقت بامداد رفتند یاران او و گفت عبد الله پس میمانم

مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ أَلْحَقُهُمْ فَلَمَّا صَلّٰى

با پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پستر لاحق میشوم ایشان را و میرسم پس چون نماز گذارد ابن رواحه

مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَآهُ فَقَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَغْدُوَ

با آنحضرت صلی الله علیه وسلم دید آنحضرت او را پس فرمود چه باز داشت ترا از پگاه بر آمدن تو

مَعَ أَصْحَابِكَ فَقَالَ أَرَدْتُ أَنْ أُصَلِّيَ مَعَكَ ثُمَّ أَلْحَقَهُمْ فَقَالَ

با یاران تو پس گفت عبد الله خواستم که نماز جمعه بگذارم با تو بعد از آن برسم با ایشان پس فرمود آنحضرت

لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَدْرَكْتَ فَضْلَ غَدْوَتِهِمْ

اگر خرج میکردی تو چیزی را که در زمین است از اسباب و شروع همه در نمی یافتی فضل و ثواب پگاه بیرون

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ بَابُ اٰدَابِ السَّفَرِ مش

روایت کرد این حدیث را ترمذی از باب آداب سفر مشکات

## بَابُ ثَوَابِ الْإِعَانَةِ عَلَى الْجِهَادِ

باب در بیان ثواب اعانت کردن بر جهاد از مال و اسباب

عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از زید بن خالد رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم



قَالَ مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَقَدْ غَزَا وَمَنْ خَلَفَ غَازِيًا

فرمود کسیکه ساخته کند اسباب غازی را در راه خدا پس بتحقیق غزا کرد و کسیکه خلیفه گردد

فِي أَهْلِهٖ فَقَدْ غَزَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مَسْعُودٍ

در اهل و عیال وی پس بتحقیق غزا کرد متفق علیه و روایت است از ابی مسعود رض

الْأَنْصَارِيِّ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ بِنَاقَةٍ مَخْطُومَةٍ فَقَالَ هٰذِهٖ فِي

انصاری گفت آورد مردی شتر ماده را که با مهار بود پس گفت آورده این ناقه در

سَبِيلِ اللّٰهِ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَكَ

راه خداست پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مر ترا

بِهَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ سَبْعُ مِائَةِ نَاقَةٍ كُلُّهَا مَخْطُومَةٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

این یک ناقه روز قیامت ثواب هفت صد ناقه است که همه آن مهار کرده شده است رواه مسلم

وَعَنْ خُرَيْمِ بْنِ فَاتِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از خریم بن فاتک رض که فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَنْفَقَ نَفَقَةً فِي سَبِيلِ اللّٰهِ كُتِبَ لَهٗ بِسَبْعِ

علیه وسلم کسیکه خرج کند خرچه را در راه خدا نوشته شود برای وی ثواب هفتصد

مِائَةِ ضِعْفٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

مانند آن رواه ترمذی و نسائی و روایت است از ابی امامه رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الصَّدَقَاتِ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضلترین صدقه ها

ظِلُّ فُسْطَاطٍ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَمِنْحَةُ خَادِمٍ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَوْ طَرُوقَةُ

سایه خیمه است که بخشیده شود در راه خدا و بهترین صدقات بخشیدن خادم است در راه خدا

فَحْلٍ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ

که بگویند بزند او را شتر نر در راه خدا رواه ترمذی و هم از عبد الله بن عمر روایت که فرمود

رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لِلْغَازِیْ اَجْرُہٗ وَلِلْجَاعِلِ اَجْرُہٗ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم مرغازی را مزد اوست ومر جاعل را مزد او

وَاَجْرُ الْغَازِیْ رَوَاہُ اَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ عَلِیٍّ

ومزد غازی یعنے دو اجراست رواہ ابو داؤد و روایت است از علی رض

وَاَبِی الدَّرْدَاءِ وَاَبِیْ ہُرَیْرَۃَ وَاَبِیْ اُمَامَۃَ وَعَبْدِ اللّٰہِ بْنِ عُمَرَ وَعَبْدِ اللّٰہِ بْنِ عَمْرٍو

وابی درداء وابی ہریرہ وابی امامہ وعبد اللہ بن عمر وعبد اللہ بن عمرو

وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللّٰہِ وَعِمْرَانَ بْنِ حُصَیْنٍ رَضِیَ اللّٰہُ تَعَالٰی عَنْہُمْ

وجابر بن عبد اللہ وعمران بن حصین رضی اللہ تعالے عنہم

اَجْمَعِیْنَ کُلُّہُمْ یُحَدِّثُ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

اجمعین ہر ایشان روایت میکنند از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اَنَّہٗ قَالَ مَنْ اَرْسَلَ نَفَقَۃً فِیْ سَبِیْلِ اللّٰہِ وَاَقَامَ فِیْ بَیْتِہٖ فَلَہٗ

ہر یکے میگوید کہ آنحضرت فرمود ہر کہ فرستد نفقہ را در راہ خدا و اقامت کند در خانہ خود پس

بِکُلِّ دِرْہَمٍ سَبْعُ مِائَۃِ دِرْہَمٍ وَمَنْ غَزَا بِنَفْسِہٖ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰہِ

مر او را بہر درہم ہفتصد درہم است و کسیکہ غزا کند بذات خود در راہ خدا

وَاَنْفَقَ فِیْ وَجْہِ ذٰلِکَ فَلَہٗ بِکُلِّ دِرْہَمٍ سَبْعُ مِائَۃِ اَلْفِ دِرْہَمٍ

و انفاق کند در وجہ خدا پس مر او راست بہر درہم ہفت صد ہزار درہم

ثُمَّ تَلَا ہٰذِہِ الْاٰیَۃَ وَاللّٰہُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَّشَاءُ رَوَاہُ ابْنُ

پستر خواند آنحضرت این آیت را وخدا زیادہ کند ثواب مر کسے را کہ بخواہد رواہ ابن

مَاجَۃَ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَۃَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

ماجہ و روایت است از جابر بن سمرہ رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَنْ یَّبْرَحَ ہٰذَا الدِّیْنُ قَائِمًا یُقَاتِلُ عَلَیْہِ

صلے اللہ علیہ وسلم ہمیشہ است این دین اسلام بر پا کارزار میکنند بر برپا داشتن وے



عِصَابَۃٌ مِّنَ الْمُسْلِمِیْنَ حَتّٰی تَقُوْمَ السَّاعَۃُ رَوَاہُ مُسْلِمٌ

جماعت از مسلمانان تا آنکہ بر پا می شود و می آید قیامت رواہ مسلم

## بَابُ اِثْمِ تَارِکِ الْجِہَادِ

این باب در بیان گناہ ترک کنندہ جہاد است

عَنْ اَبِیْ ہُرَیْرَۃَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ

عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ وَلَمْ یَغْزُ وَلَمْ یُحَدِّثْ بِہٖ نَفْسَہٗ

علیہ وسلم کسیکہ مرد و غزا نکرد و حدیث نکرد بغزا نفس خود را

مَاتَ عَلٰی شُعْبَۃٍ مِّنْ نِّفَاقٍ رَوَاہُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِیْ اُمَامَۃَ رض

می میرد بر قسمے از نفاق رواہ مسلم و روایت است از ابی امامہ رض

عَنِ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَّمْ یَغْزُ وَلَمْ یُجَہِّزْ

کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ غزا نکند و ساختگی نکند ہیچ غازی را

غَازِیًا اَوْ یَخْلُفْ غَازِیًا فِیْ اَہْلِہٖ بِخَیْرٍ اَصَابَہُ اللّٰہُ بِقَارِعَۃٍ

از مال و اسباب یا خلیفہ نشود ہیچ غازی را در اہل وے بہ نیکی برساند او را خدا انتعالے حادثہ سخت

قَبْلَ یَوْمِ الْقِیٰمَۃِ رَوَاہُ اَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ اَبِیْ ہُرَیْرَۃَ رض قَالَ

پیش از روز قیامت رواہ ابو داؤد و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ لَّقِیَ اللّٰہَ بِغَیْرِ اَثَرٍ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ ملاقات کند خدا را بے نشانی

مِنْ جِہَادٍ لَقِیَ اللّٰہَ وَفِیْہِ ثُلْمَۃٌ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَابْنُ مَاجَۃَ

از جہاد ملاقات می کند خدا را و حال آنکہ در دین وے رخنہ است رواہ ترمذی و ابن ماجہ

وَعَنْ اَبِیْ ہُرَیْرَۃَ رض اَنَّ رَجُلًا قَالَ یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ہریرہ رض کہ مردے گفت یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

رجل يريد الجهاد في سبيل الله وهو يبتغي عرضا من
مردیست که میخواهد جهاد با کافران در راه خدا و حال آنکه آن مرد طلب می کند متاعی از
عرض الدنيا فقال النبي صلى الله عليه وسلم لا أجر له
متاع دنیا پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست ثواب آخرت مر او را
رواه أبو داود وعن معاذ رض قال قال رسول الله صلى الله
رواه ابوداود و روایت است از معاذ رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عليه وسلم الغزو غزوان فأما من ابتغى وجه الله وأطاع
علیه وسلم غزا کردن دو قسم است اما کسیکه طلب کند بغزا کردن ذات خدا و رضای وے
الإمام وأنفق الكريمة وياسر الشريك واجتنب الفساد
و فرمانبرداری کند بادشاه را و خرچ کند در راه خدا نفس مالهای برگزیده خود را و رفق نماید لشکر
فإن نومه ونبهه أجر كله وأما من غزا فخرا ورياء
پس بدرستیکه خواب او و بیداری او موجب اجر و ثواب است اما کسیکه غزا کند بجهت نازیدن و برای ریا
وسمعة وعصى الإمام وأفسد في الأرض فإنه لم يرجع
و سمعه و بیفرمانی کند امام را و فساد کند در زمین پس بدرستیکه وی باز نمی گردد
بالكفاف رواه مالك وأبو داود والنسائي وعن
از غزا برابر و ثواب رواه مالک و ابوداود و نسائی و روایت است از
عبد الله بن عمرو رض أنه قال يا رسول الله صلى الله عليه
عبد الله بن عمرو رض بدرستیکه وے گفت یا رسول الله صلی الله علیه
وسلم أخبرني عن الجهاد فقال يا عبد الله بن عمرو إن قاتلت
وسلم خبر ده مرا از جهاد که چه چیز باید کرد پس فرمود آنحضرت ای عبد الله بن عمرو اگر قتال کنی
صابرا محتسبا بعثك الله صابرا محتسبا وإن قاتلت مرائيا
در حالیکه صبر کننده و ثواب چشم دارنده از خدا برانگیزد ترا خدا بصفت صبر و احتساب و اگر قتال کنی



مكاثرا بعثك الله مرائيا مكاثرا يا عبد الله بن عمرو
مکاثرت برانگیزد ترا خدای تعالی ریاکار و فخر کننده ای عبد الله بن عمرو
على أي حال قاتلت أو قتلت بعثك الله على تلك الحال
و بر هر حالتی که کارزار کنی و کشته شوی برانگیزد ترا خدای تعالی بر آن حالت
رواه أبو داود وعن عبادة بن الصامت رض قال قال رسول الله
رواه ابوداود و روایت است از عباده بن صامت رض گفت فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم من غزا في سبيل الله ولم ينو
صلی الله علیه وسلم کسیکه غزا کند در راه خدا و نیت نکند
إلا عقالا فله ما نوى رواه النسائي
مگر بدست آوردن پای رسن شترے را پس مر او راست چیزیکه نیت کرده است رواه نسائی

## باب مناقب الشهادة والشهداء

باب در بیان اوصاف شهادت و شهدا

ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله أموات بل أحياء
و مگوئید کسی را که کشته شود در راه خدا که ایشان مردگانند بلکه ایشان زنده اند
ولكن لا تشعرون ه ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا
و لیکن شما آگاه نمیشوید و گمان مکن کسانیکه کشته شدند در راه خدا مرده
بل أحياء عند ربهم يرزقون فرحين بما آتاهم الله من فضله
بلکه زنده اند نزد پروردگار خویش روزی داده میشوند شادمان بانچه عطا کرده است
ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم
خدا ایشان را از فضل خود و خوش وقت می شوند بسبب آنانکه هنوز بایشان نه پیوسته اند از پس
ألا خوف عليهم ولا هم يحزنون ه وعن المقدام
بسبب آنکه هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند و از مقدام بن معدی کرب

بن معدیکرب قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

للشهید عند الله ست خصال یغفر له فی اول دفعة

مر شهید را نزد خدا شش خصلت است یکی آنکه آمرزیده میشود مر او را در اول دفعه

ویری مقعده من الجنة ویجار من عذاب القبر ویامن من

و نموده میشود او را جای نشست وی از بهشت و نگاه داشته میشود از عذاب قبر و ایمن میگردد از

الفزع الاکبر ویوضع علی راسه تاج الوقار الیاقوتة منها

ترس بزرگتر و نهاده میشود بر سر وی افسر عزت و تعظیم که یک جوهر از ان

خیر من الدنیا وما فیها ویزوج ثنتین وسبعین زوجة

بهتر است از دنیا و هر چه در دنیاست از متاع و جفت کرده شود او را هفتاد و دو زن

من الحور العین ویشفع فی سبعین من اقربائه رواه الترمذی

از حور بهشت و قبول کرده میشود شفاعت او را در هفتاد کس از خویشان وی روایت کرد این حدیث را

وابن ماجة وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله

ترمذی و ابن ماجه و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

علیه وسلم الشهید لا یجد الم القتل الا کما یجد احدکم

علیه وسلم شهید نمی یابد درد قتل را مگر چنانکه می یابد یکی از شما

الم القرصة رواه الترمذی والنسائی والدارمی

درد گزیدن کیک روا ترمذی و نسائی و دارمی

وعن ابن عباس رض ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال

و روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

لاصحابه انه لما اصیب اخوانکم یوم احد جعل الله ارواحهم فی جوف

مر یاران خود را هنگامیکه مصیبت زده شدند برادران شما در غزوه احد گردانید خدا تعالی ارواح ایشان را در درون



طیر خضر ترد انهار الجنة تاکل من ثمارها وتاوی

پرنده های سبز فرود می آیند آن پرنده ها جو یهای بهشت را میخورند آن طیور از میوه های بهشت پناه

الی قنادیل من ذهب معلقة فی ظل العرش فلما وجدوا طیب

بسوی قندیلها از طلا که آویخته شده اند آن قندیلها در سایه عرش پس هنگامیکه یافتند آن کشتگان اطعمه

ماکلهم ومشربهم ومقیلهم قالوا من یبلغ اخواننا عنا

خوشی طعام و شراب و خوابگاه خود را گفتند کیست که برساند و خبر کند برادران ما را از جانب ما

اننا احیاء فی الجنة لئلا یزهدوا فی الجنة ولا ینکلوا

اینکه ما هستیم زندگانیم در بهشت تا آنکه برادران ما بی رغبتی نکنند در بهشت و سستی و بیدلی نکنند

عند الحرب فقال الله تعالی انا ابلغهم عنکم فانزل الله تعالی

در جنگ پس گفت خدا تعالی که من میرسانم خبر برادران شما را از جانب شما پس فرود فرستاد خدا تعالی

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء

این آیات را و گمان مبر آن کسانی را که کشته شده اند در راه خدا که مردگان اند بلکه زندگان اند

الی اخر الایات رواه ابو داود وعن ابی هریرة رض ان

تا آخر آیت رواه ابو داود و از ابی هریره رض مرویست که

رسول الله صلی الله علیه وسلم قال عرض علی اول

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود عرض کرده شد بر من نخستین

ثلثة یدخلون الجنة شهید وعفیف متعفف وعبد احسن

کسانیکه می در آیند بهشت را یکی شهید دوم پارسای سوم بنده که نیکو کرده است بندگی خدا را

عبادة الله ونصح لموالیه رواه الترمذی وعن

و نیک خواهی کرده مر صاحبان خود را رواه ترمذی و گفت

انس رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما من احد یدخل

انس رض فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی که در آید

الجنة يحب ان يرجع الى الدنيا وله ما في الارض من شيء
بہشت را دوست دارد کہ باز گردد بسوئے دنیا و باشد مر او را آنچہ در زمین است از چیزے
الا الشهيد يتمنى ان يرجع الى الدنيا فيقتل عشر مرات لما
مگر شہید کہ آرزو دارد کہ باز گردد بسوی دنیا پس کشتہ شود دہ بار از جہت آنچہ
يرى من الكرامة متفق عليه وعن عبد الله بن
می بیند از بزرگی و ثواب متفق علیہ و از عبد اللہ بن
عمرو بن العاص ان النبي صلى الله عليه وسلم قال
عمرو بن عاص رض مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود
القتل في سبيل الله يكفر كل شيء الا الدين
کہ کشتہ شدن در راہ خدا کفایت می کند ہر چیز یعنے ہر گناہ را مگر وام را
رواه مسلم وعن ابي هريرة ان رسول الله صلى الله
روایت کرد مسلم و از ابی ہریرہ رض مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ
عليه وسلم قال يضحك الله الى رجلين يقتل احدهما
علیہ وسلم فرمود خندہ میکند خدا را بسوی دو مرد کہ میکشد یکے ازان دو مرد دیگرے را
الاخر يدخلان الجنة يقاتل هذا في سبيل الله
درآیند ہر دو مرد بہشت را قتال می کند این یکے در راہ خدا
فيقتل ثم يتوب الله على القاتل فيستشهد متفق عليه
پس کشتہ میشود پس می درآید بہشت را پس رجوع میکند خدا برحمت بر قاتل کہ کافر بود و ایمان آورد پس شہید کردہ میشود
وعن مسروق قال سألنا عبد الله بن مسعود عن هذه الاية
و روایت است از مسروق گفت پرسیدیم عبد اللہ بن مسعود را از تفسیر این آیت
ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون
و گمان مبر آنہا نیکہ کشتہ شدند در راہ خدا مردہ بلکہ زندگانند نزد پروردگار خود روزی دادہ میشوند تا آخر آیت



قال انا قد سألنا عن ذلك رسول الله صلى الله عليه وسلم
گفت ابن مسعود بدرستیکہ ما بتحقیق پرسیدیم از تفسیر این آیت از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
فقال ارواحهم في اجواف طير خضر لها قناديل معلقة
پس فرمود آنحضرت ارواح شہیدان در درون پرندگان سبز است مر آن پرندگان را قندیلہاست
بالعرش تسرح من الجنة حيث شاءت ثم تأوي الى تلك القناديل
بعرش کہ حکم آشیانہ دارد می چرند آن طیور از بہشت ہر جا کہ میخواہند پس پناہ می گیرند بسوے آن قنادیل
فاطلع اليهم ربهم اطلاعة فقال هل تشتهون شيئا قالوا اي
پس مطلع شد بسوے ایشان پروردگار ایشان مطلع شدنی بعنایات خاص پس فرمود آیا خواہش دارید
شيء نشتهي ونحن نسرح من الجنة حيث شئنا ففعل
چیز خواہیم و حال آنکہ ما می چریم از بہشت ہر جا کہ مے خواہیم پس کرد
ذلك بهم ثلث مرات فلما راوا انهم لن يتركوا من ان يسألوا
پروردگار این سوال را با ایشان سہ بار پس ہنگامیکہ دیدند ایشان کہ البتہ گذاشتہ نمی شوند از خواستن
قالوا يا رب نريد ان ترد ارواحنا في اجسادنا حتى نقتل
گفتند ای پروردگار میخواہیم کہ باز گردانی جانہاے مارا در تنہاے ما تا آنکہ کشتہ شویم
في سبيلك مرة اخرى فلما راى ان ليس لهم حاجة تركوا
در راہ تو و شہید شویم بار دیگر پس چون دانست پروردگار تعالی کہ نیست مر ایشان را ہیچ حاجت گذا
رواه مسلم وعن انس قال قال رسول الله
برحالت اول رواہ مسلم و روایت است از انس رض گفت کہ فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم يعطى الشهيد ست خصال باول قطرة
صلی اللہ علیہ وسلم دادہ می شود شہید را سہ چیز اول بقطرہ
من دمه يغفر له بها ذنوبه واول من يمسح التراب
از خون او آمرزیدہ میشود مر او را بسبب آن گناہان او و اول کسیکہ پاک می کند خاک را

عَنْ وَجْهِهِ زَوْجَتُهُ مِنَ الْحُوْرِ الْعِيْنِ فَإِذَا وَقَعَ جَنْبُهُ وَقَعَ

از روی وے زوجۂ او باشد از زنان بہشت و چون واقع میشود پہلوی شہید بزمین واقع میشود

فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ الدَّيْلَمِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض لَمَّا كَانَ يَوْمُ اُحُدٍ

در بہشت روایت کرد دیلمی این حدیث را و روایت است از انس رض ہر گاہ کہ بود جنگ احد

مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِحَمْزَةَ وَقَدْ جُدِعَ وَمُثِّلَ بِهِ

گذشت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بحمزہ بن عبد المطلب و حال آنکہ پارہ پارہ کردہ و مثلہ کردہ شدہ بود

فَقَالَ لَوْلَا اَنْ تَجِدَ لَتَرَكْتُهُ حَتّٰى يَحْشُرَهُ اللهُ مِنْ بُطُوْنِ

پس فرمود اگر نمی یافتم ہر آئینہ میگذاشتم او را تا آنکہ محشور گرداند او را خدا از شکمہای

السِّبَاعِ وَالطَّيْرِ وَلَمْ يُصَلِّ عَلٰى اَحَدٍ مِّنَ الشُّهَدَاءِ وَقَالَ

درندہ | و پرندہ | و نماز نگذارد آنحضرت ؐ بر ہیچ یکے از شہیدان و فرمود

اَنَا شَهِيْدٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ

کہ من گواہی دہندہ ام بر شما امروز و فردا روز قیامت

# بَابُ اَصْنَافِ الشُّهَدَاءِ

این باب در اقسام شہید است

عَنْ سَهْلِ بْنِ حُنَيْفٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

روایت است از سہل بن حنیف رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَاَلَ اللهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَّغَهُ اللهُ مَنَازِلَ

علیہ وسلم کسیکہ سوال میکند از خدا تعالی شہادت بصدق برساند او را خدا تعالی مرتبۂ

الشُّهَدَاءِ وَاِنْ مَاتَ عَلٰى فِرَاشِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

شہیدان را اگرچہ بمیرد آنکس بر فرش خود رواہ مسلم و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَعُدُّوْنَ الشَّهِيْدَ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم چہ میشمارید کہ شہید کیست در میان شما



فِيْكُمْ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللهِ مَنْ قُتِلَ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ فَهُوَ شَهِيْدٌ

گفتند یا رسول اللہ کسیکہ کشتہ شدہ در راہ خدا پس وے شہید است

قَالَ اِنَّ شُهَدَاءَ اُمَّتِيْ اِذًا لَقَلِيْلٌ مَنْ قُتِلَ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ فَهُوَ

گفت آنحضرت بدرستیکہ شہیدان امت من بر این تقدیر ہر آئینہ کم اند کسیکہ کشتہ شود در راہ خدا پس

شَهِيْدٌ وَمَنْ مَاتَ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ فَهُوَ شَهِيْدٌ وَمَنْ مَاتَ فِي الطَّاعُوْنِ

شہید است و کسیکہ میرد در راہ خدا بے سببی شہید است و کسیکہ میرد در علت طاعون

فَهُوَ شَهِيْدٌ وَمَنْ مَاتَ فِي الْبَطْنِ فَهُوَ شَهِيْدٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پس وی شہید است و کسیکہ میرد در علت شکم پس وی شہید است رواہ مسلم و روایت است

اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلطَّاعُوْنُ

از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ طاعون

شَهَادَةٌ لِّكُلِّ مُسْلِمٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

سبب شہادت است ہر مسلمان متفق علیہ و روایت است از عائشہ رض گفت

سَاَلْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الطَّاعُوْنِ فَاَخْبَرَنِيْ

کہ پرسیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را از حقیقت طاعون پس خبر داد مرا

اَنَّهُ عَذَابٌ يَبْعَثُهُ اللهُ عَلٰى مَنْ يَّشَاءُ وَاَنَّ اللهَ جَعَلَهُ رَحْمَةً

آنحضرت ؐ کہ طاعون عذابیست کہ میفرستد آنرا پروردگار بر ہر کہ میخواہد و خدا گردانیدہ است طاعون را

لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَلَيْسَ مِنْ اَحَدٍ يَقَعُ الطَّاعُوْنُ فَيَمْكُثُ فِيْ بَلَدِهٖ صَابِرًا

مر مومنان را و نیست ہیچ یکے کہ واقع میشود طاعون پس درنگ کند در شہر خود صبر کنندہ

مُحْتَسِبًا يَعْلَمُ اَنَّهُ لَا يُصِيْبُهُ اِلَّا مَا كَتَبَ اللهُ لَهُ اِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ اَجْرِ

و چشم دارندہ براجر و ثواب در حالیکہ یقین دارد کہ نمیرسد او را از مصیبت مگر آنچہ نوشتہ است

شَهِيْدٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صُرَدٍ رض قَالَ قَالَ

شہید رواہ البخاری و روایت است از سلیمان بن صرد رض گفت کہ فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَتَلَهُ بَطْنُهُ لَمْ يُعَذَّبْ

آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم کسیکه کشت اورا شکم او عذاب کرده نشود

فِي قَبْرِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ

در قبر او رواه احمد وترمذی وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَوْتُ غُرْبَةٍ شَهَادَةٌ رَوَاهُ

آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم مردن در غربت شهادت است رواه

ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ تُوُفِّيَ رَجُلٌ

ابن ماجه وروایت است از عبد اللّٰه بن عمرو رض گفت مُرد مردے

بِالْمَدِيْنَةِ مِمَّنْ وُلِدَ بِهَا فَصَلَّى عَلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بمدینه ازان کسانیکه زائیده شده بودند بمدینه پس نماز گذاردبر او آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم

فَقَالَ يَا لَيْتَهُ مَاتَ بِغَيْرِ مَوْلِدِهِ قَالُوْا وَلِمَ ذَاكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

پس فرمود آنحضرت ای کاشکے میمردی درغیر جای زائیدن خود گفتند اصحاب چرا این آرزو

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا مَاتَ بِغَيْرِ مَوْلِدِهِ قِيْسَ لَهُ

صلی اللّٰه علیه وسلم فرمود که بدرستیکه مرد چون بمیرد درغیر مولد خود اندازه گرفته شود برای او

مِنْ مَوْلِدِهِ إِلَى مُنْقَطَعِ أَثَرِهِ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از مولد او تا جای بریده شدن نشان پای او در بهشت رواه نسائی وابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم

مَنْ مَاتَ مَرِيْضًا مَاتَ شَهِيْدًا وَوُقِيَ فِتْنَةَ الْقَبْرِ وَغُدِيَ وَرِيْحَ

کسیکه مرد بیمار مرد شهید ونگاه داشته شود از فتنهٔ قبر وعذاب آن ودمیده شود بامداد وشبانگاه

عَلَيْهِ بِرِزْقِهِ مِنَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي

بروے رزق از بهشت رواه ابن ماجه وبیهقی در



شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ جَابِرٍ رض أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

شعب ایمان وروایت است از جابر رض که آنحضرت صلی اللّٰه علیه

وَسَلَّمَ قَالَ الْفَارُّ مِنَ الطَّاعُوْنِ كَالْفَارِّ مِنَ الزَّحْفِ وَالصَّابِرُ

وسلم فرمود که گریزنده از طاعون همچو گریزنده از جنگ کافران است وصبر کننده

فِيْهِ لَهُ أَجْرُ شَهِيْدٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ سَعِيْدِ بْنِ زَيْدٍ رض

در طاعون سزاوار اجر شهید است رواه احمد وروایت است از سعید بن زید رض

أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قُتِلَ دُوْنَ

که آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم فرمود کسیکه کشته شد نزد

دِيْنِهِ فَهُوَ شَهِيْدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُوْنَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيْدٌ وَمَنْ قُتِلَ

دین خود پس وے شهید است وکسیکه کشته شد نزد خون خود پس وی شهید است وکسیکه کشته شد

دُوْنَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيْدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُوْنَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيْدٌ رَوَاهُ

برای حفظ مال خود پس وی شهید است وکسیکه کشته شد نزد اهل وعیال خود پس وی شهید است

التِّرْمِذِيُّ وَأَبُوْ دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أُمِّ حَرَامٍ رض عَنِ

رواه ترمذی وابوداود ونسائی وروایت است از ام حرام رض از ان

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْمَائِدُ فِي الْبَحْرِ الَّذِي

حضرت صلی اللّٰه علیه وسلم که فرمود آنحضرت جنبنده در دریا که می گردد

يُصِيْبُهُ الْقَيْءُ لَهُ أَجْرُ شَهِيْدٍ وَالْغَرِيْقُ لَهُ أَجْرُ شَهِيْدَيْنِ

سرش بجنبیدن کشتی ودر سیر اوراقی دغثیان مراورا مزد شهید است وغرق شونده در دریا مراورا اجر دو شهید است

رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ

رواه ابوداود وروایت است از ابی مالک اشعری رض گفت

سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ فَصَلَ

که شنیدم آنحضرت را صلی اللّٰه علیه وسلم که میگفت کسیکه پیدا شود

فِي سَبِيلِ اللهِ فَمَاتَ أَوْ قُتِلَ أَوْ وَقَصَهُ فَرَسُهُ أَوْ بَعِيرُهُ

از وطن در راه خدا پس بمیرد یا کشته شود یا بیندازد او را اسپ وے یا شتر وی

أَوْ لَدَغَتْهُ هَامَّةٌ أَوْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ بِأَيِّ حَتْفٍ شَاءَ اللهُ

یا گزد او را گزنده یا مرد بر فرش خود بهر مردگی که خواهد خدا

فَإِنَّهُ شَهِيدٌ وَإِنَّ لَهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

پس بدرستیکه وی شهید است و بدرستیکه مر او راست بهشت روایت کرد ابوداود و روایت است از

عُتْبَةَ بْنِ عَبْدِ السُّلَمِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عتبه بن عبد سلمی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

الْقَتْلَى ثَلٰثَةٌ مُؤْمِنٌ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللهِ

کشتگان سه قسم اند یکی مسلمانی است که جهاد کرد بنفس خود و مال خود در راه خدا

فَإِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ قَاتَلَ حَتَّى يُقْتَلَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى

پس چون ملاقات کرد دشمن را قتال کرد تا آنکه کشته شد فرمود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِ فَذٰلِكَ الشَّهِيدُ الْمُمْتَحَنُ فِي

الله علیه وسلم در شان این مومن پس آن شهید است امتحان کرده شده

خَيْمَةِ اللهِ تَحْتَ عَرْشِهِ لَا يَفْضُلُهُ النَّبِيُّونَ إِلَّا بِدَرَجَةِ النُّبُوَّةِ

در خیمه خدا است زیر عرش وی فاضل و زیاده نمیشود آن شهید را پیغمبران مگر بدرجه نبوت

وَمُؤْمِنٌ خَلَطَ عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ

و دوم از کشتگان مسلمانیکه آمیخت کردار نیک و کردار بد جهاد کرد بنفس خود و مال خود

فِي سَبِيلِ اللهِ إِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ قَاتَلَ حَتَّى يُقْتَلَ قَالَ النَّبِيُّ

در راه خدا وقتیکه ملاقات کند دشمن را قتال میکند تا آنکه کشته شود گفته است آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِ مُمَصْمِصَةٌ مَحَتْ ذُنُوبَهُ وَخَطَايَاهُ

صلی الله علیه وسلم در شان این مجاهد این ستانی است که محو میکند گناه و بدیهای او را



إِنَّ السَّيْفَ مَحَّاءٌ لِلْخَطَايَا وَأُدْخِلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَ

بدرستیکه شمشیر و کشته شدن بدان محو و پاک گرداننده است مر گناهان را و در آورده میشود از هر کدام

وَمُنَافِقٌ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فَإِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ قَاتَلَ حَتَّى

و سوم از کشتگان منافق است که جهاد کرد بنفس و مال خود پس چون ملاقات کرد دشمن را قتال میکند تا آنکه

يُقْتَلَ فَذٰلِكَ فِي النَّارِ إِنَّ السَّيْفَ لَا يَمْحُو النِّفَاقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

کشته می شود پس آن منافق در آتش دوزخ است بدرستیکه شمشیر محو نمیکند نفاق را روایت کرد دارمی

وَعَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رض

و روایت است از فضاله بن عبید انصاری که شنیدم عمر بن خطاب رض را

يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

که میگفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم که میگفت

الشُّهَدَاءُ أَرْبَعَةٌ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيمَانِ لَقِيَ الْعَدُوَّ

شهیدان چهار کس اند یکے مرد مسلمان نیک و تیره ایمان که ملاقات کرده است دشمنان را

فَصَدَقَ اللهَ حَتَّى قُتِلَ فَذٰلِكَ الَّذِي يَرْفَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ أَعْيُنَهُمْ

پس راستگو گردانید خدا را تا آنکه کشته شد آن مرد پس آن مرد آن کسے است که برمیدارند مردم

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ هٰكَذَا وَرَفَعَ رَأْسَهُ حَتَّى سَقَطَتْ قَلَنْسُوَتُهُ

روز قیامت همچنین و برداشت سر خود را برائے بیان تا آنکه افتاد کلاه وے بجهت مبالغه

فَمَا أَدْرِي أَقَلَنْسُوَةَ عُمَرَ أَرَادَ أَمْ قَلَنْسُوَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ

راوی گوید نمی دانم که کلاه عمر رض مراد داشته است یا کلاه آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيمَانِ لَقِيَ الْعَدُوَّ

علیه وسلم گفت آنحضرت و شهید دیگر مرد مومن قوی الایمان است که ملاقات کرده است دشمن

كَأَنَّمَا ضُرِبَ جِلْدُهُ بِشَوْكِ طَلْحٍ مِنَ الْجُبْنِ أَتَاهُ

گویا زده شده است پوست او بخارهای درختان خاردار از جهت ترسندگی که دادرا

سَهْمٌ غَرْبٌ فَقَتَلَهُ فَهُوَ فِي الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ

تیرے کہ انداختہ شود معلوم نیست کشت او را پس این شہید در پایۂ دوم است و شہید سوم مرد مومن

خَلَطَ عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا لَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَدَقَ اللّٰهَ حَتّٰى

کہ آمیختہ است کردار نیک را و کردار دیگر را کہ بد است ملاقات کرد دشمن را پس تصدیق کرد خدا را تا آنکہ

قُتِلَ فَذٰلِكَ فِي الدَّرَجَةِ الثَّالِثَةِ وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ أَسْرَفَ عَلٰى

کشتہ شد پس آنکہ در درجہ سوم است و چہارم مردے مسلمان است و لیکن اسراف کردہ است بر

نَفْسِهِ وَلَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَدَقَ اللّٰهَ حَتّٰى قُتِلَ فَذٰلِكَ فِي

نفس خود و معصیت ورزیدہ است و ملاقات کرد دشمن را پس تصدیق کرد خدا را تا آنکہ کشتہ شد پس آن مرد در

الدَّرَجَةِ الرَّابِعَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

پایۂ چہارم است از ہمہ پایان مر رواہ ترمذی و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشُّهَدَاءُ خَمْسَةٌ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ شہیدان پنج قسم اند

الْمَطْعُوْنُ وَالْمَبْطُوْنُ وَالْغَرِيْقُ وَصَاحِبُ الْهَدْمِ وَالشَّهِيْدُ

یکے آنکہ بعلت طاعون مرد دوم آنکہ بعلت اسہال و انتفاخ بطن جان دادہ است سوم آنکہ در آب

فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَتِيْكٍ رض قَالَ

پنجم کشتہ شود در راہ خدا متفق علیہ و روایت است از جابر بن عتیک رض کہ گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشَّهَادَةُ سَبْعٌ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ شہادت ہفت نوع است

سِوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ الْمَطْعُوْنُ شَهِيْدٌ وَالْغَرِيْقُ شَهِيْدٌ

سوائے کشتہ شدن در راہ خدا طاعون زدہ شہید است و غرق شدہ شہید است

وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ شَهِيْدٌ وَالْمَبْطُوْنُ شَهِيْدٌ وَصَاحِبُ الْحَرِيْقِ

وصاحب ذات الجنب شہید است و بعلت شکم مردہ شہید است و صاحب الحریق



شَهِيْدٌ وَالَّذِي يَمُوْتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيْدٌ وَالْمَرْأَةُ تَمُوْتُ

شہید است و کسیکہ مردہ است زیر ہدم بنا شہید است و زنیکہ بمیرد بسبب زائیدن

بِجُمْعٍ شَهِيْدٌ رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس آن نیز شہید است رواہ مالک و ابو داود و نسائی

# كِتَابُ الصَّيْدِ وَالذَّبَائِحِ

کتاب در بیان صید و ذبائح

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيْرِ وَمَا أُهِلَّ

حرام کردہ شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچہ آواز کردہ شود

لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوْذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيْحَةُ

مر غیر خدا باو و آنچہ بفشردن گلو مردہ باشد و آنچہ بچوب و سنگ زدن مردہ باشد و آنچہ از بلندی زیر افتادہ

وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ

و آنچہ خوردہ درندہ باشد مگر آنچہ ذبح کنید و حرام کردہ شد آنچہ ذبح شدہ بر بتہا

وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوْا بِالْأَزْلَامِ ذٰلِكُمْ فِسْقٌ ط

و آنچہ قسمت کنید بر تیرہا این فسق است

عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رض أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

روایت است از عبد اللہ بن عمرو بن العاص رض کہ آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَتَلَ عُصْفُوْرًا فَمَا فَوْقَهَا

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ کشت گنجشک را پس چیزے را کہ فوق اوست

بِغَيْرِ حَقِّهَا سَأَلَهُ اللّٰهُ عَنْ قَتْلِهِ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَمَا

در صغر یا در کبر بغیر حق آن مے پرسد او را خدا از قتل آن گفتہ شد یا رسول اللہ و چیست

حَقُّهَا قَالَ أَنْ يَذْبَحَهَا فَيَأْكُلَهَا وَلَا يَقْطَعُ رَأْسَهَا

حق کشتن او گفت آنحضرت حق آنست کہ ذبح کند او را پس بخورد انرا و نبرد سر او را

نَرْمِي بِهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ
پس بیندازد آن را رواه احمد ونسائی ودارمی وروایت است از
ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
ابن عمر رض گفت آنحضرت را شنیدم صلی الله علیه
وَسَلَّمَ يَنْهَى أَنْ تُصْبَرَ بَهِيْمَةٌ أَوْ غَيْرُهَا لِلْقَتْلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
وسلم که نهی میکرد از آنکه صبر داده شود یعنی حبس کرده شود چارپایه وغیر آن از برای قتل متفق علیه
وَعَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ مَنِ اتَّخَذَ
وهم از وی مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم لعنت کرده است کسی را که گرفت ساخت
شَيْئًا فِيْهِ الرُّوْحُ غَرَضًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض
چیزے را که در وی روح است هدف ونشانه متفق علیه وروایت است از جابر رض
قَالَ نَهَى رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الضَّرْبِ فِي
گفت که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از زدن در
الْوَجْهِ وَعَنِ الْوَسْمِ فِي الْوَجْهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ
روی بطپانچه یا تازیانه وجز آن آدم باشد یا حیوانے ونهی کرد از داغ کردن در روے رواه مسلم وهم از او
أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ عَلَيْهِ حِمَارٌ وَقَدْ وُسِمَ
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم گذشت بر وی خرے حال آنکه بتحقیق داغ کرده شده است
فِي وَجْهِهِ قَالَ لَعَنَ اللهُ الَّذِيْ وَسَمَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
در روے آن حمار گفت آنحضرت لعنت کناد خدایتعالی آن کسے را که داغ کرده است او را رواه م
وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ غَدَوْتُ إِلَى رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ
وروایت است از انس رض گفت بامداد بردم بسوے آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِعَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِيْ طَلْحَةَ لِيُحَنِّكَهُ فَوَافَيْتُهُ
علیه وسلم عبد الله بن ابی طلحه را تا تحنیک کند آنحضرت او را پس یافتم من آنحضرت را



فِيْ يَدِهِ الْمِيْسَمُ يَسِمُ إِبِلَ الصَّدَقَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
درحالیکه در دست اوست آهنے داغ میکرد شتران زکوة را تا متمیز شوند از دیگر متفق علیه

## بَابُ ذِكْرِ الْكَلْبِ

باب در ذکر کلب یعنی کدام کلب نگاهداشتن جائز است وکدام جائز نیست
عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
مَنِ اقْتَنَى كَلْبًا إِلَّا كَلْبَ مَاشِيَةٍ أَوْ ضَارٍ نَقَصَ مِنْ عَمَلِهِ
کسیکه گرد آرد یعنی نگاهدارد سگے را مگر سگے که برائے نگهبانی مواشی نگاهدارد یا سگ شکاری نقصان
كُلَّ يَوْمٍ قِيْرَاطَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض
هر روز دو قیراط متفق علیه وروایت است از ابی هریره رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اتَّخَذَ كَلْبًا
که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بگیرد سگے را
إِلَّا كَلْبَ مَاشِيَةٍ أَوْ صَيْدٍ أَوْ زَرْعٍ انْتَقَصَ مِنْ أَجْرِهِ
مگر سگے که نگاهبانی مواشی میکند یا شکار میکند یا نگاهبانی زراعت میکند نقصان کرده میشود از مزد او
كُلَّ يَوْمٍ قِيْرَاطٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُغَفَّلٍ رض
هر روز یک قیراط متفق علیه وروایت است از عبد الله بن مغفل رض
عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا أَنَّ الْكِلَابَ أُمَّةٌ
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نبی بود که این سگان امتی
مِنَ الْأُمَمِ لَأَمَرْتُ بِقَتْلِهَا كُلِّهَا فَاقْتُلُوْا مِنْهَا كُلَّ أَسْوَدَ
از امتها اند هر آئینه امر میکردم بکشتن آن همه پس چون سبیل نیست بکشتن همه پس بکشید هر سگ سیاه
بَهِيْمٍ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
که زیان کننده تر است رواه ابو داود ودارمی وروایت است از ابن عباس رض

قَالَ نَهَى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ التَّحْرِيْشِ بَيْنَ
که نهی کرده است آنحضرت صلی الله علیه وسلم از برغلانیدن وجنگ انداختن میان
الْبَهَائِمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ
چارپایها رواه ترمذی وابوداود وروایت است از ابی هریره رضـ
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَصْحَبُ الْمَلٰٓئِكَةُ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم همراه نمی شوند فرشتگان
رُفْقَةً فِيْهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ
گروهی را که دران سگ است ونه گروهی را که جرس است رواه مسلم وروایت است از ابن عباس رضـ
عَنْ مَيْمُوْنَةَ رضـ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَصْبَحَ
از میمونه رضـ که هرآئینه آنحضرت صلی الله علیه وسلم صبح کرد
يَوْمًا وَاجِمًا وَقَالَ اِنَّ جِبْرِيْلَ كَانَ وَعَدَنِيْ اَنْ يَلْقَانِيْ
روزی خاموش واندوهگین وگفت آنحضرت در بیان سبب دلگیری که هرآئینه جبرئیل وعده کرده بود
اللَّيْلَةَ فَلَمْ يَلْقَنِيْ اَمَا وَاللّٰهِ مَا اَخْلَفَنِيْ ثُمَّ وَقَعَ فِيْ نَفْسِهٖ
امشب که گذشت پس ملاقات نکرد مرا آگاه باشید سوگند بخدا خلاف وعده نکرد جبرئیل که بجهت سببی لیکن
جِرْوُ كَلْبٍ تَحْتَ فُسْطَاطٍ لَّهٗ فَاَمَرَ بِهٖ فَاُخْرِجَ ثُمَّ اَخَذَ
سگ بچه که افتاده بود در زیر خیمه که بود مر آنحضرت را پس امر کرد به برآوردن آن پس بیرون آورده شد پس گرفت
بِيَدِهٖ مَاءً فَنَضَحَ مَكَانَهٗ فَلَمَّا اَمْسٰى لَقِيَهٗ جِبْرِيْلُ فَقَالَ
بدست شریف آن را پس پاشید آنحضرت در جائیکه سگ بچه نشسته بود پس هرگاه شام کرد پیش آمد آنحضرت جبرئیل
لَقَدْ كُنْتَ وَعَدْتَنِيْ اَنْ تَلْقَانِي الْبَارِحَةَ قَالَ اَجَلْ وَلٰكِنَّا
هرآئینه بتحقیق وعده کرده بودی تو مرا که ملاقات خواهی کرد مرا دی شب گفت جبرئیل ولیکن ما فرشتگان
لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيْهِ كَلْبٌ وَلَا صُوْرَةٌ فَاَصْبَحَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
در نمی آئیم خانه را که در وی کلب است یا صورت پس صبح کرد پیغمبر خدا



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَئِذٍ فَاَمَرَ بِقَتْلِ الْكِلَابِ حَتّٰى اَنَّهٗ يَاْمُرُ
صلی الله علیه وسلم آن یوم که شنید از جبرئیل این سخن پس امر کرد بکشتن سگان تا آنکه چنان شد که امر
بِقَتْلِ كَلْبِ الْحَائِطِ الصَّغِيْرِ وَيَتْرُكُ كَلْبَ الْحَائِطِ الْكَبِيْرِ
بکشتن سگ بوستان خورد و میگذاشت سگ بوستان بزرگ که دران زیادت احتیاج است
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
رواه مسلم وروایت است از ابی هریره رضـ که بود آن حضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَاْتِيْ دَارَ قَوْمٍ مِّنَ الْاَنْصَارِ وَدُوْنَهُمْ
صلی الله علیه وسلم می آمد سرای قومی را از انصار را ونزد شان
دَارٌ فَشَقَّ ذٰلِكَ عَلَيْهِمْ فَقَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ تَاْتِيْ دَارَ فُلَانٍ
سرای دیگر بود پس دشوار آمد آمدن آنحضرت نزد آن قوم برایشان پس گفتند یا رسول الله می آئی سرای فلان را
وَلَا تَاْتِيْ دَارَنَا قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِاَنَّ فِيْ
ونمی آئی سرای ما را فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هرآئینه در
دَارِكُمْ كَلْبًا قَالُوْا اِنَّ فِيْ دَارِهِمْ سِنَّوْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ
سرای شما سگ است گفتند بدرستیکه در سرای شان گربه است پس فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسِّنَّوْرُ سَبُعٌ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ
صلی الله علیه وسلم گربه از قسم درنده است مضایقه ندارد رواه دارقطنی

## بَابُ قَتْلِ الْمُؤْذِيَاتِ

باب در بیان کشتن ایذاء دهندگان

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ اَنَّهٗ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابن عمر رضـ که وی شنید آنحضرت را صلی الله علیه وسلم
يَقُوْلُ اُقْتُلُوا الْحَيَّاتِ وَاقْتُلُوْا ذَا الطُّفْيَتَيْنِ وَالْاَبْتَرَ فَاِنَّهُمَا
که میگفت بکشید ماران را بکشید مار خداوند طفیه را وبکشید ماری را که نام او ابتر است پس بدرستیکه

يَطْمِسَانِ الْبَصَرَ وَيَسْتَسْقِطَانِ الْحَبَلَ قَالَ عَبْدُ اللّٰهِ فَبَيْنَا

این دو قسم مار نابینا میگرداند بینائی را و طلب سقوط میکنند بار شکم را گفت عبد الله پس در اثنای

أَنَا أُطَارِدُ حَيَّةً أَقْتُلُهَا نَادَانِي أَبُو لُبَابَةَ لَا تَقْتُلْهَا

آنکه حمله می آوردم ماری را که بکشم او را آواز داد مرا ابو لبابه انصاری که مکش این مار را

فَقُلْتُ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِقَتْلِ الْحَيَّاتِ

پس گفتم که آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرده است بکشتن ماران تو چون منع میکنی

فَقَالَ إِنَّهُ نَهَى بَعْدَ ذٰلِكَ عَنْ ذَوَاتِ الْبُيُوتِ وَهُنَّ الْعَوَامِرُ

پس گفت بدرستی آنحضرت ع نهی کرد بعد از امر کردن از کشتن آنچه بود این ماران که در خانه ها باشند ساکنان خانه

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أُمِّ شَرِيكٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

متفق علیه و روایت است از ام شریک رض که آنحضرت صلی الله

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِقَتْلِ الْوَزَغِ وَقَالَ كَانَ يَنْفُخُ عَلَى

علیه وسلم امر کرده است بکشتن سام ابرص و فرمود آنحضرت ع بود وزغ که دم میکرد

إِبْرَاهِيمَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رض أَنَّ

بر ابراهیم متفق علیه و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِقَتْلِ الْوَزَغِ وَسَمَّاهُ

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرد بقتل وزغ و نام کرده است او را

فُوَيْسِقًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ

فاسقک رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَتَلَ وَزَغًا فِي أَوَّلِ ضَرْبَةٍ

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بکشد سام ابرص را در اول زدن

كُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَفِي الثَّانِيَةِ دُونَ ذٰلِكَ وَفِي الثَّالِثَةِ

نوشته میشود برای وی صد نیکی و بکشد او را در زدن دوم نوشته میشود برای او فرود صد و کسیکه بکشد او را در



دُونَ ذٰلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

نوشته می شود او را کمتر زدن دوم رواه مسلم و هم از وی مرویست گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَصَتْ نَمْلَةٌ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فَأَمَرَ بِقَرْيَةِ

صلی الله علیه وسلم گزید مورچه پیغمبری از پیغمبران را پس امر کرد بقریه

النَّمْلِ فَأُحْرِقَتْ فَأَوْحَى اللّٰهُ تَعَالَى أَنْ قَرَصَتْكَ نَمْلَةٌ أَحْرَقْتَ

مورچگان که سوخته شود پس سوخته شد پس وحی فرستاد خدای تعالی بسوی آن پیغمبر از جهت آنکه گزید ترا یک

أُمَّةً مِنَ الْأُمَمِ تُسَبِّحُ مُتَّفَقٌ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ رض

مورچه سوختی تو گروهی را از گروهی اینچنین گروهی که تسبیح میکنند خدا را متفق علیه و روایت است از زید بن خالد

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبُّوا الدِّيكَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دشنام مدهید خروس را

فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلٰوةِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ

زیرا که وے بیدار می گرداند برائے نماز رواه ابوداود و روایت است از عبد الرحمن

بْنِ أَبِي لَيْلَى قَالَ قَالَ أَبُو لَيْلَى قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

بن ابی لیلی گفت که فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ظَهَرَتِ الْحَيَّةُ فِي الْمَسْكَنِ فَقُولُوا لَهَا إِنَّا

علیه وسلم چون پیدا آید مار در جای سکونت پس بگوئید مر آن مار را بدرستیکه ما

نَسْأَلُكِ بِعَهْدِ نُوحٍ وَبِعَهْدِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ أَنْ لَا تُؤْذِينَا

سوال میکنیم ترا بعهد نوح و بعهد سلیمان بن داود این را که ایذا مکنی ما را

فَإِنْ عَادَتْ فَاقْتُلُوهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

پس اگر باز گردد و بیاید پس بکشید او را رواه ترمذی و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَا سَالَمْنَاهُمْ مُنْذُ حَارَبْنَاهُمْ وَمَنْ تَرَكَ شَيْئًا مِنْهُمْ خِيفَةً

صلح نکرده ایم ما ایشان را از آن باز که جنگ کرده ایم با ایشان را و کسیکه ترک کند و نکشد چیزی را از آن ماران از جهت

فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ

پس نیست آن کس از ما رواه ابو داود و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُقْتُلُوا الْحَيَّاتِ كُلَّهُنَّ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بکشید ماران همه ماران را

فَمَنْ خَافَ ثَأْرَهُنَّ فَلَيْسَ مِنِّيْ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس کسیکه بترسد کینه کشی آنها را پس نیست آنکس از من رواه ابو داود والنسائی

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ اقْتُلُوا الْحَيَّاتِ كُلَّهَا إِلَّا الْجَانَّ الْأَبْيَضَ الَّذِيْ كَأَنَّهُ

فرمود بکشید ماران را همه ماران را مگر مار خورد سفید را آن که مانند

قَضِيْبُ فِضَّةٍ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ

شاخ نقره است رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا وَقَعَ الذُّبَابُ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه بیفتد مگس در آوند

فِيْ إِنَاءِ أَحَدِكُمْ فَامْقُلُوْهُ فَإِنَّ فِيْ أَحَدِ جَنَاحَيْهِ دَاءً وَفِي

یکی از شما پس غوطه دهید او را در آن ظرف پس بدرستیکه در یکی از دو بازوی او زهر است و در بازوی دیگر

الْآخَرِ شِفَاءً فَإِنَّهُ يَتَّقِيْ بِجَنَاحِهِ الَّذِيْ فِيْهِ الدَّاءُ فَلْيَغْمِسْهُ رَوَاهُ

تندرستی پس بدرستیکه نگاه میدارد نفس خود در ابتداء پیش میکند بازوی خود که در وی زهر است پس باید که غوطه دهد او را

أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدِ الْخُدْرِيِّ رض عَنِ النَّبِيِّ

ابو داود و روایت است از ابی سعید خدری رض از آن حضرت



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا وَقَعَ الذُّبَابُ فِي الطَّعَامِ

صلی الله علیه وسلم که گفت وقتیکه بیفتد مگسی در طعام

فَامْقُلُوْهُ فَإِنَّ فِيْ أَحَدِ جَنَاحَيْهِ سَمًّا وَفِي الْآخَرِ شِفَاءً وَإِنَّهُ

پس غوطه زنید او را پس بدرستیکه در یکی از دو بازوی وی او زهر است و در بازوی دیگر شفا است و بدرستی که

يُقَدِّمُ السَّمَّ وَيُؤَخِّرُ الشِّفَاءَ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنِ ابْنِ

پیشتر می اندازد بازوی زهر را و پس می اندازد بازوی شفا را رواه در شرح السنة و روایت است از

عَبَّاسٍ رض قَالَ نَهَى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ قَتْلِ

ابن عباس رض که آنحضرت نهی کرده است صلی الله علیه وسلم از کشتن

أَرْبَعٍ مِنَ الدَّوَابِّ النَّمْلَةِ وَالنَّحْلَةِ وَالْهُدْهُدِ وَالصُّرَدِ رَوَاهُ

چهار از دواب یکی مورچه که پیش از آنکه بگزد دوم مگس شهد سوم هدهد چهارم صرد رواه

أَبُوْ دَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِيْ ثَعْلَبَةَ الْخُشَنِيِّ يَرْفَعُ الْجِنُّ

ابو داود والدارمی و روایت است از ابی ثعلبه خشنی که رفع میکند حدیث را بسوی آنحضرت

ثَلٰثَةُ أَصْنَافٍ صِنْفٌ لَهُمْ أَجْنِحَةٌ يَطِيْرُوْنَ فِي الْهَوَاءِ

سه گونه اند و یک قسم قسمی هستند که مر ایشان را بازوها است که می پرند در هوا

وَصِنْفٌ حَيَّاتٌ وَكِلَابٌ وَصِنْفٌ يَحِلُّوْنَ وَيَظْعَنُوْنَ

و قسمی دیگر ماران و سگان اند و صنفی دیگر که فرود می آیند در جا و نقبها و اقامت میکنند در آن و کوچ میکنند

رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ

رواه در شرح السنة

## بَابُ الْأَطْعِمَةِ

باب در بیان آداب طعام

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَا يَأْكُلَنَّ أَحَدُكُمْ بِشِمَالِهِ وَلَا يَشْرَبَنَّ بِهَا فَإِنَّ الشَّيْطَانَ
البتہ باید کہ نخورد یکے از شما بدست چپ والبتہ باید کہ نوشد بدست چپ ہم زیرا کہ شیطان بخورد
يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ
بدست چپ و می نوشد بدست چپ رواہ مسلم و روایت است از جابر رضـ گفت
سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضُرُ
شنیدم آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم که می گفت بدرستیکہ شیطان حاضر میشود
أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ حَتَّى يَحْضُرَ عِنْدَ طَعَامِهِ فَإِذَا
یکے از شمارا نزد ہر چیز از شان آن یکے تا آنکہ حاضر می شود نزد طعام وے پس چون
سَقَطَتْ مِنْ أَحَدِكُمُ اللُّقْمَةُ فَلْيُمِطْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَذًى ثُمَّ
بیفتد از دست یکے از شما لقمہ پس باید کہ دور کند از ان لقمہ چیزیکہ مخلوط است بان از آنچہ مکروہ می پندارد
لِيَأْكُلْهَا وَلَا يَدَعْهَا لِلشَّيْطَانِ فَإِذَا فَرَغَ فَلْيَلْعَقْ أَصَابِعَهُ
پس بخورد آن را و نگذارد آنرا برای شیطان پس چون فارغ شود از خوردن پس باید کہ لیسد انگشتان خود را
فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ طَعَامِهِ تَكُونُ الْبَرَكَةُ رَوَاهُ
پس بدرستیکہ وی نمیداند کہ در کدام جزو وی از اجزاے طعام وی می باشد برکت رواہ
مُسْلِمٌ وَعَنْ نُبَيْشَةَ رضـ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
مسلم و روایت است از نبیشہ رضـ کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَكَلَ فِي قَصْعَةٍ فَلَحِسَهَا اسْتَغْفَرَتْ لَهُ
وسلم فرمود کسیکہ بخورد در کاسہ پس بلیسد بعد از خوردن کاسہ را آمرزش میخواہد
الْقَصْعَةُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ
برای وی کاسہ رواہ احمد و الترمذی و ابن ماجہ و الدارمی
وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ كَانَ أَحَبَّ الطَّعَامِ إِلَى رَسُولِ اللهِ
و روایت است از ابن عباس رضـ کہ بود دوست ترین طعامہا نزد پیغمبر خدا



صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الثَّرِيدُ مِنَ الْخُبْزِ وَالثَّرِيدُ مِنَ الْحَيْسِ
صلی اللہ علیہ وسلم اشکنہ از نان و اشکنہ از حیس
رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أُمِّ هَانِئٍ رضـ قَالَتْ دَخَلَ عَلَيَّ النَّبِيُّ
رواہ ابو داود و روایت است ام ہانی رضـ گفت کہ داخل شد بر من آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَعِنْدَكِ شَيْءٌ قُلْتُ لَا إِلَّا خُبْزٌ
صلی اللہ علیہ وسلم پس پرسید آیا ہست نزد تو چیزے گفتم نیست چیزے مگر نان خشک
يَابِسٌ وَخَلٌّ فَقَالَ هَاتِي مَا أَقْفَرَ بَيْتٌ فِيهِ خَلٌّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
و سرکہ پس فرمود بیار آنچہ حاضر است خالی نیست از نانخورش خانہ کہ در وے سرکہ ہست رواہ ترمذی
وَعَنْ أَبِي جُحَيْفَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی جحیفہ رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ لَا آكُلُ مُتَّكِئًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ قَتَادَةَ رضـ عَنْ
وسلم نمیخورم طعام را تکیہ کردہ رواہ بخاری و روایت است از قتادہ رضـ کہ
أَنَسٍ رضـ قَالَ مَا أَكَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى خِوَانٍ وَلَا
گفت انس رضـ نخورد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم طعام را نہادہ بر خوان و نخورد
فِي سُكُرُّجَةٍ وَلَا خُبِزَ لَهُ مُرَقَّقٌ قِيلَ لِقَتَادَةَ عَلَى مَا يَأْكُلُونَ
در سکرجہ یعنے انا ر صغیر و پختہ نشد برای آنحضرت نان تنک و نخوردہ گفتہ شد مر قتادہ را بر چہ
قَالَ عَلَى السُّفَرِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ مَا
گفت بر سفرہا رواہ بخاری و روایت است از ابی ہریرہ رضـ کہ گفت
عَابَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَعَامًا قَطُّ إِنِ اشْتَهَاهُ أَكَلَهُ
عیب نکرد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ہیچ طعامی را ہرگز و اگر خوش میداشت طعام کہ پیش می آوردند میخورد
وَإِنْ كَرِهَهُ تَرَكَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ
و اگر ناخوش میداشت از ان نمی خورد متفق علیہ و روایت است از عائشہ رضـ گفت

كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحِبُّ الْحَلْوَاءَ وَالْعَسَلَ

بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دوست میداشت حلوا را و شهد را

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواه البخاری و روایت است از جابر رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

سَأَلَ اَهْلَهُ الْاُدُمَ فَقَالُوا مَا عِنْدَنَا اِلَّا الْخَلُّ فَدَعَا بِهِ فَجَعَلَ

طلبید از خانه خود نانخورش را پس گفتند نیست نزد ما مگر سرکه پس طلبید سرکه را پس خوردن گرفت

يَاْكُلُ بِهِ وَيَقُولُ نِعْمَ الْاِدَامُ الْخَلُّ نِعْمَ الْاِدَامُ الْخَلُّ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

نان با آن سرکه و میگفت بقصد مدح نیکو نانخورش است سرکه نیکو نانخورش است سرکه برای تاکید رواه مسلم

اَبِي اَيُّوبَ قَالَ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُرِّبَ طَعَامٌ

ابی ایوب رض مرویست گفت بودیم ما نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس نزدیک گردانیده شد طعامی

فَلَمْ اَرَ طَعَامًا كَانَ اَعْظَمَ بَرَكَةً مِنْهُ اَوَّلَ مَا اَكَلْنَا وَلَا اَقَلَّ بَرَكَةً

پس ندیدیم هیچ طعامی را که عظیم تر باشد در برکت از آن طعام در ابتدای وقت خوردن ما و ندیدیم کمتر از روی برکت

فِي اٰخِرِهِ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللهِ كَيْفَ هٰذَا قَالَ اِنَّا ذَكَرْنَا اسْمَ

در وقت آخر آن گفتیم ای رسول خدا چگونه بود حال این طعام که در اول برکت داشت و در

اللهِ حِينَ اَكَلْنَا ثُمَّ قَعَدَ مَنْ اَكَلَ وَلَمْ يُسَمِّ اللهَ فَاَكَلَ

آخر بی برکت شد فرمود آنحضرت که ما خوردیم و در ابتدا بنام خدا الحق نشست کسیکه خورد نام خدا نبرد پس

مَعَهُ الشَّيْطَانُ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض

با وی شیطان سبب کمی این بود رواه فی شرح السنة و روایت است از عایشه رض

قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَكَلَ اَحَدُكُمْ

گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخورد یکی از شما

فَنَسِيَ اَنْ يَذْكُرَ اللهَ عَلٰى طَعَامِهِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللهِ اَوَّلَهُ وَاٰخِرَهُ

پس فراموش کند ذکر کردن نام خدا را بر طعام خود را اول پس باید که بگوید آخر اینجا که یاد آید بسم الله اوله



رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُو دَاوُدَ وَعَنْ اُمَيَّةَ ابْنِ مَخْشِيٍّ رض قَالَ

رواه ترمذی وابوداود و روایت است از امیه بن مخشی رض گ

كَانَ رَجُلٌ يَاْكُلُ فَلَمْ يُسَمِّ حَتّٰى لَمْ يَبْقَ مِنْ طَعَامِهِ اِلَّا لُقْمَةٌ

بود مردی که طعام میخورد پس بسم الله نکرد تا آنکه باقی نماند از طعام وی مگر یک لقمه

فَلَمَّا رَفَعَهَا اِلٰى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللهِ اَوَّلَهُ وَاٰخِرَهُ فَضَحِكَ

پس هرگاه که برداشت آن لقمه باقیمانده را بسوی دهن خود گفت آن مرد بسم الله اوله وآخره پس خنده کرد

النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ مَا زَالَ الشَّيْطَانُ يَاْكُلُ

صلی الله علیه وسلم پستر فرمود بود شیطان که میخورد

مَعَهُ فَلَمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللهِ اسْتَقَاءَ مَا فِي بَطْنِهِ رَوَاهُ اَبُو دَاوُدَ

با وی تا این هنگام پس اکنون برد ایمن و نام خدا را رد کرد شیطان چیزی که در شکم وی بود رواه ابوداود

وَعَنْ اَبِي سَعِيدِنِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ

و روایت است از ابی سعید خدری رض گفت بود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا فَرَغَ مِنْ طَعَامِهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

صلی الله علیه وسلم چون فارغ می شد از طعام خوردن میگفت سپاس مر خدای را

اَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَجَعَلَنَا مُسْلِمِينَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُو دَاوُدَ وَابْنُ

که بخورانید ما را طعام و بنوشانید آب را و گردانید ما را مسلمان رواه ترمذی وابوداود وابن

مَاجَةَ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

علیه وسلم آنکه میخورد و شکر نعمت حق میکند مانند کسیکه روزه میدارد و صبر میکند رواه ترمذی

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ اُتِيَ

و روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که آورده شد

بِقَصْعَةٍ مِنْ ثَرِيدٍ فَقَالَ كُلُوا مِنْ جَوَانِبِهَا وَلَا تَأْكُلُوا مِنْ

نزد آنحضرت کاسه از اشکنه پس فرمود آنحضرت بخورید از جوانب واطراف کاسه ونخورید از

وَسَطِهَا فَإِنَّ الْبَرَكَةَ تَنْزِلُ فِي وَسَطِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

میانهٔ آن زیرا که برکت در طعام نازل می شود بر طعامیکه در میان کاسه است رواه ترمذی

وَعَنْ عِكْرَاشِ بْنِ ذُؤَيْبٍ قَالَ أُتِينَا بِجَفْنَةٍ كَثِيرَةِ

وروایت است از عکراش بن ذویب رض گفت آورده شدیم ما کاسهٔ کلان را که بسیار بود

الثَّرِيدِ وَالْوَذْرِ فَخَبَطْتُ بِيَدِي فِي نَوَاحِيهَا وَأَكَلَ رَسُولُ اللّٰهِ

درو اشکنه وگوشت پاره‌های استخوان پس زدم دست خود را در هر جانب جفنه و خود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ فَقَبَضَ بِيَدِهِ الْيُسْرَى عَلَى

صلی الله علیه وسلم از پیش خود پس گرفت آنحضرت بدست چپ خود دست مرا و زد دست خود را

يَدِي الْيُمْنَى ثُمَّ قَالَ يَا عِكْرَاشُ كُلْ مِنْ مَوْضِعٍ وَاحِدٍ فَإِنَّهُ

دست من پس گفت ای عکراش بخور از یک جا زیرا که این یک

طَعَامٌ وَاحِدٌ ثُمَّ أُتِينَا بِطَبَقٍ فِيهِ أَلْوَانُ التَّمْرِ فَجَعَلْتُ آكُلُ

طعام است پس آورده شد نزد ما طبقی که در وی تمر از رنگ رنگ بود پس خوردن گرفتم آن را

مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَجَالَتْ يَدُ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از پیش خود بجهت آنچه شنیدم از آنحضرت و جولان کرد دست پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

فِي الطَّبَقِ فَقَالَ يَا عِكْرَاشُ كُلْ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ فَإِنَّهُ غَيْرُ لَوْنٍ

در طبق و از هر جانب بخورد پس فرمود آنحضرت یا عکراش بخور از هر جانب که خواهی زیرا که این طعام

وَاحِدٍ ثُمَّ أُتِينَا بِمَاءٍ فَغَسَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

یکرنگ نیست پس آب آورده شد نزد ما پس شست پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَدَيْهِ وَمَسَحَ بِبَلَلِ كَفَّيْهِ وَجْهَهُ وَذِرَاعَيْهِ وَرَأْسَهُ وَقَالَ

هر دو دست خود را و مسح کرد به تری آب هر دو کف دست بر روی خود و مسح کرد هر دو دست خود را و تمام سر



يَا عِكْرَاشُ هٰذَا الْوُضُوءُ مِمَّا غَيَّرَتِ النَّارُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

ای عکراش این وضو از طعام است که تغییر داده است آن را آتش و پخته شده است رواه ترمذی

وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از انس بن مالک رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَيِّدُ إِدَامِكُمُ الْمِلْحُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

وسلم بهترین نان خورش شما نمک است رواه ابن ماجه وروایت است

أَسْمَاءَ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا أُتِيَتْ بِثَرِيدٍ أَمَرَتْ بِهِ

از اسماء بنت ابی بکر که بود عادت وی چون آورده می شد اشکنه نزد وی میفرمود پوشیده نگاه داریدش

فَغُطِّيَ حَتّٰى تَذْهَبَ فَوْرَةُ دُخَانِهِ وَتَقُولُ إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

پس پوشیده میشد تا آنکه برود جوشش و غلبه دود و گرمی وی و میگفت بدرستیکه شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ هُوَ أَعْظَمُ لِلْبَرَكَةِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

صلی الله علیه وسلم که میگفت این نگاه داشتن طعام موجب بسیار برکت است رواه دارمی

وَعَنْ نُبَيْشَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

و از نبیشه رض روایت گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه

أَكَلَ فِي قَصْعَةٍ ثُمَّ لَحِسَهَا تَقُولُ لَهُ الْقَصْعَةُ أَعْتَقَكَ اللّٰهُ

بخورد در کاسه پس بلیسد میگوید مر او را کاسه که آزاد کند ترا خدا

مِنَ النَّارِ كَمَا أَعْتَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض

از آتش دوزخ چنانکه آزاد کردی تو مرا از شیطان رواه رزین وروایت است از انس رض

قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ مِنَ الدُّبَّاءِ فَقُلْتُ

گفت بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اکثار و زیادتی میکرد از کدو پس گفتم

يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّكَ لَتُحِبُّ الدُّبَّاءَ فَقَالَ الدُّبَّاءُ يُكَثِّرُ

ای رسول خدا بدرستیکه شما هر آئینه دوست میدارید کدو را پس فرمود کدو بزرگ می کند

الدِّمَاغَ وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ رَوَاهُ الدَّيْلَمِيُّ

دماغ را و زیاده میکند عقل را روایت کرده دیلمی

## بَابُ الْأَشْرِبَةِ وَبَيَانِ أَوَانِي الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ

باب در ذکر انواع شرابها و حکم آن و بیان ظروف زر و سیم

عَنْ أَنَسٍ رضـ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از انس رضـ گفت که بود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

يَتَنَفَّسُ فِي الشَّرَابِ ثَلٰثًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَزَادَ مُسْلِمٌ فِي رِوَايَةٍ

که نفس میزد در آب خوردن سه نفس متفق علیه است و زیادت کرد مسلم در روایت دیگر این لفظ را

وَيَقُولُ إِنَّهُ أَرْوَى وَأَبْرَأُ وَأَمْرَأُ وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رضـ أَنَّ

و میگفت آنحضرت صلعم که باب این صفت سیر کننده و صحت بخشنده و گوارا است و از ام سلمه رضـ روایت است که

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الَّذِي يَشْرَبُ فِي آنِيَةِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آن کسیکه می نوشد در اوند

الْفِضَّةِ إِنَّمَا يُجَرْجِرُ فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي

نقره گویا می نوشد آنکس جرعه جرعه باواز در شکم خود آتش دوزخ را متفق علیه و در

رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ إِنَّ الَّذِي يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ فِي آنِيَةِ الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ

روایت دیگر مر مسلم را این عبارت است هر که می نوشد در آوند نقره و زر

وَعَنْ حُذَيْفَةَ رضـ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از حذیفه رضـ گفت شنیدم آنحضرت را صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ وَلَا الدِّيبَاجَ وَلَا تَشْرَبُوا فِي آنِيَةِ

وسلم که میگفت مپوشید جامهاے ابریشم را و نه دیبا و منوشید در اوندهاے

الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَا تَأْكُلُوا فِي صِحَافِهَا فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا

طلا و نقره و نخورید در کاسهاے طلا و نقره زیرا که این اشیا مر کافران راست در دنیا



وَهِيَ لَكُمْ فِي الْآخِرَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضـ

و آن مر شماراست در آخرت متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رضـ

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشُّرْبِ مِنْ ثُلْمَةِ

گفت که منع فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم از خوردن آب از سوراخ

الْقَدَحِ وَأَنْ يُنْفَخَ فِي الشَّرَابِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ

قدح و کوزه و مانند آن و منع کرد از دم در دمیدن در آب رواه ابوداود و روایت است از ابن عباس رضـ

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَكَلَ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم چون بخورد

أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَأَطْعِمْنَا

یکے از شما طعامے را پس باید بگوید خدایا برکت ده مارا در این طعام و بخوران مارا

خَيْرًا مِنْهُ وَإِذَا سُقِيَ لَبَنًا فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ

طعامی بهتر ازین طعام که خوردیم و چون بنوشد شیر را پس باید که بگوید خدایا برکت ده مارا درین شیر

وَزِدْنَا مِنْهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ يُجْزِئُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ

و زیاده برسان مارا ازان باین وجه که نیست چیزیکه کفایت کند از طعام و شراب

إِلَّا اللَّبَنُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ

مگر شیر رواه ترمذی و ابوداود و از ابن عمر رضـ

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَرِبَ فِي إِنَاءِ

مرویست که آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم فرمود هر که بخورد آب در ظرفے

ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ أَوْ إِنَاءٍ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ ذٰلِكَ فَإِنَّمَا يُجَرْجِرُ

از طلا یا نقره یا بخورد در ظرفے که در آن ظرف چیزے از زر یا نقره است پس مینوشد

فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ

و می‌شد جرعه جرعه در شکم خود آتش دوزخ را رواه دارقطنی و روایت است از

أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ رضـ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
ابی مالک اشعری رضـ کہ وی شنید آنحضرت صلے اللّٰہ
وَسَلَّمَ يَقُولُ لَيَشْرَبَنَّ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرَ يُسَمُّونَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا
علیہ وسلم را کہ میگفت ہر آئینہ باشد کہ بخورند بعضے مردان از امت من خمر را نام می نہند خمر را بنام
رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ سَمِعْتُ
رواہ ابو داؤد و ابن ماجہ و روایت است از جابر رضـ گفت شنیدم
النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِذَا سَمِعْتُمْ نُبَاحَ الْكَلْبِ
پیغمبر خدا را صلے اللّٰہ علیہ وسلم کہ میگفت چون بشنوید آواز سگ
وَنَهِيقَ الْحَمِيرِ مِنَ اللَّيْلِ فَتَعَوَّذُوا بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيمِ
و آواز خران را در شب پس پناہ جوئید بخدا از شیطان رجیم
فَإِنَّهُنَّ يَرَيْنَ مَا لَا تَرَوْنَ وَأَقِلُّوا الْخُرُوجَ إِذَا هَدَأَتِ الْأَرْجُلُ
زیرا کہ این سگان و خران می بینند چیزی را کہ نمی بینید شما و کمتر کنید بیرون آمدن را از خانہ وقتیکہ ساکن شود پایہا
فَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبُثُّ مِنْ خَلْقِهِ فِي لَيْلَتِهِ مَا يَشَاءُ وَأَجِيفُوا
زیرا کہ خدائے عزوجل پراگندہ و بیرون می آرد از خلق خود در شب چیزی را کہ میخواہد و برہم زنید و بند کنید
الْأَبْوَابَ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَابًا
در خانہ سرآرا و بگیرید نام خدا را بران زیرا کہ شیطان نمی تواند کشود در را
إِذَا أُجِيفَ وَذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَغَطُّوا الْجِرَارَ وَأَكْفِئُوا
چون بستہ شود و بردہ شود نام خدا و بپوشید دہان کوزہ ہا را کہ در وے
الْآنِيَةَ وَأَوْكُوا الْقِرَبَ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنِ
آبست و قلب کنید ظرفہا را کہ خالی باشد تا از حشرات چیزے در وے نخسپند و دہان ببندید مشکہا را رواہ
ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ جَاءَتْ فَأْرَةٌ تَجُرُّ الْفَتِيلَةَ فَأَلْقَتْهَا بَيْنَ
و از ابن عباس رضـ گفت آمد موشے در حالیکہ میکشد این موش فتیلہ را پس انداخت فتیلہ را



يَدَيْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْخُمْرَةِ الَّتِي
پیش آنحضرت صلی اللّٰہ علیہ وسلم بر سجادہ خرد از حصیر کہ آنحضرت بران تشریف داشت بود
كَانَ قَاعِدًا عَلَيْهَا فَأَحْرَقَتْ مِنْهَا مِثْلَ مَوْضِعِ الدِّرْهَمِ فَقَالَ
پس سوزانید آن موش از ان خمرہ موضعے بمقدار درہم پس فرمود
إِذَا نِمْتُمْ فَأَطْفِئُوا سُرُجَكُمْ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدُلُّ مِثْلَ هٰذِهِ
چون بخوابید بکشید چراغہای خود را زیرا کہ شیطان رہنمائی نماید مثل این موش را
عَلٰى هٰذَا فَيَحْرِقُكُمْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
براین فعل پس میسوزد شیطان و باعث میشود بر سوختن شما رواہ ابوداؤد

# بَابُ الضِّيَافَةِ

باب در بیان فضل ضیافت و آداب آن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابی ہریرہ رضـ کہ گفت فرمود آنحضرت صلے اللّٰہ علیہ وسلم
مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَمَنْ
کسیکہ ایمان دارد بخدا و روز آخرت پس باید کہ اکرام کند مہمان خود را و کسیکہ
كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ
ایمان آرد بخدا و روز جزا پس باید کہ ایذا نرساند ہمسایہ را و کسیکہ باشد
يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ وَفِي
ایمان دارندہ بخدا و روز جزا سخن نیک بگوید یا خاموش ماند و در
رِوَايَةٍ بَدَلَ الْجَارِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَصِلْ
روایتے بدل جار این لفظ آمدہ کسیکہ ایمان آرد بخدا و روز آخرت پس باید کہ صلہ
رَحِمَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي شُرَيْحٍ الْكَعْبِيِّ رضـ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ
رحم کند کہ موجب وصل شود متفق علیہ و روایت است از ابی شریح کعبی رضـ بدرستیکہ آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر
صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه ایمان دارد باخدا و روز آخرت
فليكرم ضيفه جائزته يوم وليلة الضيافة ثلثة
پس باید که اکرام کند مهمان خود را عطیه مخفه وی یکروز و شب است و زمان مهمان داری سه روز است
أيام فما بعد ذلك فهو صدقة ولا يحل له أن يثوي
و بعد ازان هرچه دهد خیر زائد است و روا نیست مر مهمان را که اقامت کند نزد میزبان
عنده حتى يحرجه متفق عليه وعن أبي سعيد رضـ
تا آنکه در حرج و مشقت اندازد او را متفق علیه و روایت است از ابی سعید رضـ
عن النبي صلى الله عليه وسلم قال مثل المؤمن ومثل
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود قصه حال مومن بنسبت ایمان مانند قصه و حال
الإيمان كمثل الفرس في آخيته يجول ثم يرجع إلى آخيته وإن
اسپ است در آخیه وی جولان میکند و هر سو میگردد لیکن رجوع میکند آن باخیه و باز می آید بجای خود و بدرستیکه
المؤمن يسهو ثم يرجع إلى الإيمان فأطعموا طعامكم الأتقياء
مومن همچنین بسهو معصیت میکند لیکن رجوع میکند بسوی ایمان پس بخورانید طعام خود را پرهیزگاران را
وأولوا معروفكم المؤمنين رواه البيهقي في شعب
و بدهید عطیه خود را همه مومنان را رواه بیهقی در شعب
الإيمان وأبو نعيم في الحلية وعن ابن عمر رضـ قال قال
الایمان و ابونعیم در حلیه و روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا وضعت المائدة فلا
آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه نهاده شود مائده پس باید که نایستد
يقوم رجل حتى ترفع المائدة ولا يرفع يده وإن شبع حتى يفرغ
و برنخیزد مردی تا آنکه برداشته شود مائده و برندارد دست از طعام اگرچه سیر گردد تا آنکه فارغ شوند

القوم وليعذر فإن ذلك يخجل جليسه فيقبض يده وعسى
مردم از خوردن و اگر برواره باید که عذر خود را ظاهر کند زیرا که دست برداشتن وی مخدرشرمنده میگرداند همنشین را
أن يكون له في الطعام حاجة رواه ابن ماجة والبيهقي
و شاید که باشد جلیس او را هنوز حاجت طعام رواه ابن ماجه و بیهقی
في شعب الإيمان وعن عمر بن الخطاب رضـ قال قال رسول الله
در شعب الایمان و روایت است از عمر بن خطاب رضـ گفت فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم كلوا جميعا ولا تفرقوا فإن البركة
صلی الله علیه وسلم بخورید با جماعة و جدا جدا مخورید زیرا که برکت
مع الجماعة رواه ابن ماجة وعن أبي هريرة رضـ قال
با جماعة است رواه ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رضـ گفت
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من السنة أن
فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم از جمله سنت است که
يخرج الرجل مع ضيفه إلى باب الدار رواه ابن ماجة وعن
بیرون آید مرد با مهمان خود جهت تکریم او تا در سرا رواه ابن ماجه و روایت است از
ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الخير
ابن عباس رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم خیر و برکت
أسرع إلى البيت الذي يؤكل فيه من الشفرة إلى سنام البعير
زودتر رسنده است بسوی خانه که خورده میشود طعام یعنی با مهمان از رسیدن کارد بکوهان شتر
رواه ابن ماجة وعن وحشي بن حرب عن أبيه عن جده
رواه ابن ماجه و روایت است از وحشی بن حرب او روایت دارد از پدر خود
أن أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم قالوا يا رسول الله
و پدر از جد خود وحشی که بدرستیکه بعضی یاران آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند ای رسول خدا

صلی الله علیه وسلم انا نأكل ولا نشبع قال فلعلكم تفترقون

صلی الله علیه وسلم ما هر چه میخوریم سیر نمی شویم فرمود شاید جدا جدا میخورید

قالوا نعم قال فاجتمعوا على طعامكم واذكروا اسم الله

گفتند صحابه آری همچنین است فرمود آنحضرت پس اجتماع کنید بر طعام خود و ذکر کنید نام خدا را

يبارك لكم فيه رواه ابوداود

تا برکت داده شود مر شما را در طعام رواه ابوداود

## باب في ذكر لباس النبي والنهي عن الاسبال والاحمر والحرير وجلود السباع وثوب الشهرة

باب در بیان لباس آنحضرت و نهی از جر و اسبال و در رنگ سرخ و لباس حریر و دیباو پوست درندها و پارچه که برای شهرت است

عن ابي هريرة رض قال اخرجت الينا عائشة رض كساء

روایت است از ابی هریره رض گفت بیرون آورد بسوی ما عائشه رض چادری

ملبدا وازارا غليظا فقالت قبض روح رسول الله صلى الله

رقعه‌دار هم دوخته و ازاری درشت پس گفت قبض کرده شود روح پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم في هذين متفق عليه وعن عائشة رض قالت

علیه وسلم درین دو جامه متفق علیه و روایت است از عائشه رض گفت

كان فراش رسول الله صلى الله عليه وسلم الذي ينام

بود بستر خواب آنحضرت صلی الله علیه وسلم که خواب کردی

عليه ادما حشوه ليف متفق عليه وعنها رض قالت كان

بروی چرم دباغت کرده شده که در میان او پوست خرما بود بجای پنبه متفق علیه و هم از عائشه صدیقه رض

وساد رسول الله صلى الله عليه وسلم الذي يتكئ عليه

بالش آنحضرت صلی الله علیه وسلم که تکیه می کرد بروی



من ادم حشوه ليف رواه مسلم وعن ام سلمة رض قالت

از چرم دباغت کرده شده که در میان وی پوست خرما بود رواه مسلم و روایت است از ام سلمه رض گفت

كان احب الثياب الى رسول الله صلى الله عليه وسلم القميص

که دوست داشته ترین جامها بسوی آنحضرت صلی الله علیه وسلم پیراهن بود

رواه الترمذي وابوداود وعن اسماء بنت يزيد رض

رواه ترمذی و ابوداود و روایت است از اسماء بنت یزید رض

قالت كان كم قميص رسول الله صلى الله عليه وسلم الى

گفت بود آستین پیراهن آنحضرت صلی الله علیه وسلم

الرصغ رواه الترمذي وابوداود وعن ابن عمر رض قال

بند دست رواه ترمذی و ابوداود و روایت است از ابن عمر رض گفت

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا اعتم سدل بين

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون عمامه می بست فرو میگذاشت گوشه دستار مبارک میان

كتفيه رواه الترمذي وعن ابي كبشة رض قال كان كمام اصحاب

دوشانه خود رواه ترمذی و روایت است از ابی کبشه که گفت بود کلاههای یاران

رسول الله صلى الله عليه وسلم بطحا رواه الترمذي وعن سمرة

آنحضرت صلی الله علیه وسلم چسپیده بسر بلند رفته در هوا رواه ترمذی و روایت است از سمره

ان النبي صلى الله عليه وسلم قال البسوا الثياب البيض فانها اطهر

که تحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بپوشید جامهای سفید را زیرا که جامهای سفید

واطيب وكفنوا فيها موتاكم رواه احمد والترمذي والنسائي وابن ماجه

پاکتره و خوشتر است و کفن کنید درآن مرده های خود را رواه احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وعن عبادة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عليكم

و روایتی است از عباده رض که گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر شما باد

بالعمائم فانها سيماء الملائكة وارخوها خلف ظهوركم

دستارها را زیرا که دستار با علامت فرشتگان است و بگذارید اطراف عمایم را پس پشت خود ها

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عمرو بن شعيب

رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از عمرو بن شعیب

عن ابيه عن جده قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

از پدرش و پدر او از جد عمرو گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ان الله يحب ان يرى اثر نعمته على عبده رواه الترمذي

بدرستیکه خدا دوست میدارد که دیده شود اثر نعمت خود بر بندهٔ خود رواه ترمذی

وعن معاذ بن انس ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از معاذ بن انس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال من اكل طعاما ثم قال الحمد لله الذي اطعمني هذا

فرمود کسیکه بخورد طعامی را پس بگوید شکر مر خدایرا که بخورانید مرا این خوردنی و رسانید مرا

الطعام ورزقنيه من غير حول مني ولا قوة غفر له ما تقدم

این طعام را بی حول و بی قوة که از جانب من باشد آمرزیده شود هر چه گذشته است

من ذنبه رواه الترمذي وزاد ابو داود ومن لبس

از گناهان او رواه ترمذی و زیاده کرد ابو داود و کسیکه بپوشد

ثوبا فقال الحمد لله الذي كساني هذا ورزقنيه من غير

جامه را پس بگوید شکر مر خدایرا که پوشانید مرا این را و داد مرا این جامه را بی

حول مني ولا قوة غفر له ما تقدم من ذنبه وما تاخر

حول و بی قوة که از جانب من باشد آمرزیده شود مر او را هر چه گذشته است از گناهان وی

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم



من تشبه بقوم فهو منهم رواه احمد وابو داود وعن

هر کس که مشابه کرد خود را بقومی پس آن کس از آن قوم است رواه احمد و ابو داود و از

ابن عباس رض قال كل ما شئت والبس ما شئت ما اخطأتك

ابن عباس رض گفت بخور هر چیز را که میخواهی بپوش هر چیز را که میخواهی مادامیکه نرسد ترا

اثنتان سرف ومخيلة رواه البخاري في ترجمة باب

دو خصلت اسراف و تکبر رواه بخاری در ترجمهٔ بابی

وعن سالم عن ابيه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از سالم از پدرش و او از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

الاسبال في الازار والقميص والعمامة من جر منها شيئا

که جر و اسبال که حرام است نه تنها در ازار است بلکه در ازار و پیراهن و عمامه نیز باشد کسیکه دراز

خيلاء لم ينظر الله اليه يوم القيمة رواه ابو داود والنسائي

و بکشد از این جامها بطریق تکبر نظر نکند خدا تعالی بجانب وی روز قیامت رواه ابو داود و نسائی

وابن ماجة وعن ابي سعيد الخدري رض قال سمعت

و ابن ماجه و روایت است از ابی سعید خدری رض گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ازرة المؤمن الى انصاف

آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت یعنی حالت محموده در ازار پوشیدن

ساقيه لا جناح عليه فيما بينه وبين الكعبين ما اسفل من

مسلمین او است نیست گناه بر مومن در پوشیدن ازار تا میان نصف ساق و میان شتالنگ هر چه پایان از شتالنگ

ذلك ففي النار قال ذلك ثلث مرات ولا ينظر الله يوم القيمة

پس در آتش دوزخ است گفت آنرا سه بار و نظر رحمت نمیکند خدا تعالی روز قیامت

الى من جر ازاره بطرا رواه ابو داود وابن ماجة وعن

بسوی کسیکه دراز میکند ازار خود را بطریق تکبر و خیلاء رواه ابو داود و ابن ماجه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

مَا أَسْفَلُ مِنَ الْكَعْبَيْنِ مِنَ الْإِزَارِ فِي النَّارِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزیکہ باشد پایان تر از شتالنگ از ازار در آتش دوزخ است رواہ بخاری

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ بَيْنَمَا رَجُلٌ يَجُرُّ إِزَارَهُ مِنَ الْخُيَلَاءِ خُسِفَ بِهِ فَهُوَ

وسلم در اثنای آنکہ مردے بکشید ازار خود و بتکبر و طغیان میرفت فرو بردہ شد او را

يَتَجَلْجَلُ فِي الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ

بزودی میرود در زمین تا روز قیامت رواہ بخاری و روایت است از ابن

عُمَرَ رضـ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خُيَلَاءَ

عمر رضـ کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ بکشد جامہ خود را بطریق تکبر

لَمْ يَنْظُرِ اللّٰهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

نظر عنایت نکند خدا تعالی بسوے او روز قیامت متفق علیہ و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

ابی ہریرہ رضـ کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود خدا

لَا يَنْظُرُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِلَى مَنْ جَرَّ إِزَارَهُ بَطَرًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

نظر رحمت نکند روز قیامت بسوے کسیکہ بکشد ازار خود بطریق تکبر و اسراف متفق علیہ

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رضـ قَالَ رَأَى رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت است از عبد اللہ بن عمرو بن العاص رضـ کہ دید آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ ثَوْبَيْنِ مُعَصْفَرَيْنِ فَقَالَ إِنَّ هٰذِهِ

صلی اللہ علیہ وسلم بر من دو جامہ رنگین بعصفر پس فرمود کہ این جامہا



مِنْ ثِيَابِ الْكُفَّارِ فَلَا تَلْبَسْهَا وَفِي رِوَايَةٍ قُلْتُ أَغْسِلُهُمَا قَالَ بَلْ

از جنس جامہای کافران است پس مپوش آنہا را و در روایتی آمدہ است کہ گفت عبد اللہ بشویم آنرا فرمود آنحضرت

أَحْرِقْهُمَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رضـ قَالَ

بسوزان آن ہر دو جامہ را رواہ مسلم و روایت است از عبد اللہ بن عمرو رضـ گفت

مَرَّ رَجُلٌ وَعَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَحْمَرَانِ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

گذشت مردے و بر وے دو جامہ سرخ بود پس سلام کرد آن مرد بر پیغمبر خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ

صلی اللہ علیہ وسلم پس جواب سلام وے نداد رواہ ترمذی و ابو داؤد

وَعَنْ عُمَرَ وَأَنَسٍ وَابْنِ الزُّبَيْرِ وَأَبِي أُمَامَةَ رضـ عَنِ

و روایت است از عمر و انس و ابن زبیر و ابی امامہ رضـ

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَبِسَ الْحَرِيرَ فِي

از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم از ہر چہار کہ فرمود آنحضرت ہر کہ پوشید جامہ ابریشم در

الدُّنْيَا لَمْ يَلْبَسْهُ فِي الْآخِرَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ

دنیا نپوشد آن را در آخرت متفق علیہ و روایت است از ابن عمر رضـ

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نمی پوشد

يَلْبَسُ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا خَلَاقَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مُتَّفَقٌ

حریر را در دنیا مگر کسیکہ نیست نصیب مر او را در آخرت متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ حُذَيْفَةَ رضـ قَالَ نَهَانَا رَسُولُ اللّٰهِ

علیہ و روایت است از حذیفہ رضـ گفت کہ نہی کرد ما را آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نَشْرَبَ فِي آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ

صلی اللہ علیہ وسلم از نوشیدن در ظرفہاے طلا و نقرہ

وَأَنْ نَأْكُلَ فِيهَا وَعَنْ لُبْسِ الْحَرِيرِ وَالدِّيبَاجِ وَأَنْ نَجْلِسَ
و از خوردن درین ظروف و از پوشیدن جامه ابریشمی و دیبا و از نشستن

عَلَيْهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُمَرَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ
بر حریر و دیبا متفق علیه و روایت است از ابن عمر رض که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْ لُبْسِ الْحَرِيرِ إِلَّا هٰكَذَا وَرَفَعَ رَسُولُ اللّٰهِ
علیه وسلم نهی کرد از پوشیدن جامهای ابریشمی مگر اینچنین یعنی این مقدار و برداشت پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِصْبَعَيْهِ الْوُسْطَى وَالسَّبَّابَةَ وَضَمَّهُمَا
صلی الله علیه وسلم دو انگشت خود را که میانه است و انگشتی که متصل است از جانب انگشت میانه

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ أَنَّهُ خَطَبَ بِالْجَابِيَةِ
متفق علیه و در روایتی مر مسلم را آمده که عمر رض خطبه خواند بجابیه

فَقَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ لُبْسِ
پس گفت در خطبه نهی کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از پوشیدن

الْحَرِيرِ إِلَّا مَوْضِعَ إِصْبَعَيْنِ أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ أَرْبَعٍ وَعَنْ أَبِي مُوسَى
حریر مگر جای دو انگشت یا سه انگشت یا چهار انگشت و روایت است از ابی موسی

الْأَشْعَرِيِّ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أُحِلَّ
اشعری رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود حلال ساخته

الذَّهَبُ وَالْحَرِيرُ لِلْإِنَاثِ مِنْ أُمَّتِي وَحُرِّمَ عَلَى ذُكُورِهَا
و مباح گردانیده شد از استعمال طلا و پوشیدن ابریشم مر زنان را از امت من و حرام گردانیده شد استعمال

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي رَيْحَانَةَ رض
رواه ترمذی و نسائی و روایت است از ابی ریحانه رض

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ عَشْرٍ عَنِ الْوَشْرِ
که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از ده خصلت از تیز کردن دندان و باریک گردانیدن



وَالْوَشْمِ وَالنَّتْفِ وَعَنْ مُكَامَعَةِ الرَّجُلِ الرَّجُلَ بِغَيْرِ شِعَارٍ
اطراف آن و از خلانیدن سوزن در پوست بسر مایل و از کندن موی سفید از لحیه و راس و از مضاجعت

وَمُكَامَعَةِ الْمَرْأَةِ الْمَرْأَةَ بِغَيْرِ شِعَارٍ وَأَنْ يَجْعَلَ الرَّجُلُ
و بخوابی مرد با مرد بیجامه اگر خوف فتنه نباشد و نهی کرد از بخوابی زن با زن بیجامه و نهی کرد از گردانیدن

فِي أَسْفَلِ ثِيَابِهِ حَرِيرًا مِثْلَ الْأَعَاجِمِ أَوْ يَجْعَلَ عَلَى
مرد در زیر جامهای خود جامه ابریشمی را مانند عجمیان و نیز از گردانیدن مرد بر

مَنْكِبَيْهِ حَرِيرًا مِثْلَ الْأَعَاجِمِ وَعَنِ النُّهْبَى وَعَنْ
دوشهای خود حریر عجمیان و نهی کرد از

رُكُوبِ النُّمُورِ وَلُبُوسِ الْخَاتَمِ إِلَّا لِذِي سُلْطَانٍ رَوَاهُ
غارت کردن مال مردم را و نهی کرد از سواری بر پوست یوز و از پوشیدن خاتم مگر از برای کسیکه

أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
ابو داود و از ابی هریره رض مرویست که گفت آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةُ رُفْقَةً
صلی الله علیه وسلم همراه نمی روند فرشتگان گروهی را

فِيهَا جِلْدُ نَمِرٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض
که در آن گروه جلد درنده است که آن را یوز گویند رواه ابو داود و از ابن عمر رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَبِسَ
که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه پوشید

ثَوْبَ شُهْرَةٍ فِي الدُّنْيَا أَلْبَسَهُ اللّٰهُ ثَوْبَ مَذَلَّةٍ فِي الْآخِرَةِ
ثوب شهرت را یعنی جامه نفیس را بقصد تفاخر و تکبر در دنیا بپوشاند و را خدا تعالی جامه خسیس که بدان بی عزت

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ بَابُ الْخَاتَمِ وَالْحُلِيِّ وَالْأَجْرَاسِ
رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه باب در بیان خاتم و امثال آن از جنس حلی و اجراس

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبَّاسٍ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
گفت عبد الله بن عباس رض که آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ رَاٰى خَاتَمًا مِنْ ذَهَبٍ فِيْ يَدِ رَجُلٍ فَنَزَعَهٗ فَطَرَحَهٗ
وسلم دید انگشتری را از طلا در دست مردے پس برکشید آنرا پس در انداخت آن را
فَقَالَ يَعْمِدُ اَحَدُكُمْ اِلٰى جَمْرَةٍ مِنْ نَارٍ فَيَجْعَلُهَا فِيْ يَدِهٖ فَقِيْلَ لِلرَّجُلِ
پس فرمود قصد میکند یکے از شما بسوی اخگرے از آتش دوزخ پس میگرداند آنرا در دست خویش گفته شد
بَعْدَ مَا ذَهَبَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُذْ خَاتَمَكَ
بعد از رفتن آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بردار انگشتری خود را
اِنْتَفِعْ بِهٖ قَالَ لَا وَاللّٰهِ لَا اٰخُذُهٗ اَبَدًا وَقَدْ طَرَحَهٗ رَسُوْلُ اللّٰهِ
بگیر یعنی بفروش و حاصل کن نفع گفت آن مرد سوگند بخدا نمیگیرم آنرا هرگز و حال آنکه بتحقیق انداخت آنرا پیغامبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَلِيٍّ رض اَنَّ النَّبِيَّ
صلی الله علیه وسلم رواه مسلم واز علی رض روایت که آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَخَذَ حَرِيْرًا فَجَعَلَهٗ فِيْ يَمِيْنِهٖ وَاَخَذَ ذَهَبًا
صلی الله علیه وسلم گرفت جامهٔ ابریشمے را پس نهاد آنرا در دست راست خود گرفت طلا را
فَجَعَلَهٗ فِيْ شِمَالِهٖ ثُمَّ قَالَ اِنَّ هٰذَيْنِ حَرَامٌ عَلٰى ذُكُوْرِ اُمَّتِيْ
ونهاد آن را در دست چپ خود پس فرمود که این دو چیز حرام است بر یک ازان بر مردان امت من
رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ
رواه احمد و ابو داود و النسائی و روایت است از بریده رض که آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِرَجُلٍ عَلَيْهِ خَاتَمٌ مِنْ
صلی الله علیه وسلم گفت مر مردے را که بود بر وے انگشتری از
شَبَهٍ مَالِيْ اَجِدُ مِنْكَ رِيْحَ الْاَصْنَامِ
برنج چیست مرا که می یابم از تو بوئے بتان



فَطَرَحَهٗ ثُمَّ جَاءَ وَعَلَيْهِ خَاتَمٌ مِنْ حَدِيْدٍ فَقَالَ مَالِيْ اَرٰى
پس انداخت آن مرد از خود انگشتری را پس باز آمد آن مرد و حال آنکه بود بر وے انگشتری از آهن پس فرمود چیست
عَلَيْكَ حِلْيَةَ اَهْلِ النَّارِ فَطَرَحَهٗ فَقَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مِنْ اَيِّ
بر تو زیور و پوشش دوزخیان پس انداخت آن مرد آنرا پس عرض کرد اے رسول خدا از چه
شَيْءٍ اَتَّخِذُهٗ قَالَ مِنْ وَرِقٍ وَلَا تُتِمَّهٗ مِثْقَالًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
چیز بسازم انگشتری را فرمود بساز از نقره و تمام مکن انگشتری را تا مثقال بلکه کمتر ازان کن رواه ترمذی
وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ الزُّبَيْرِ رض اَنَّ مَوْلَاةً لَهُمْ ذَهَبَتْ
وابو داود و نسائی و روایت از عبد الله بن الزبیر رض که مولاة ایشان برد
بِابْنَةِ الزُّبَيْرِ اِلٰى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَفِيْ رِجْلِهَا اَجْرَاسٌ فَقَطَعَهَا
دخترک زبیر را بسوے عمر ابن الخطاب رض و در پاے دخترک جرسها بود یعنی زیورے
عُمَرُ رض وَقَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ
بر هیئت جرس که آواز میکرد مثل جرس پس برید آنرا عمر رض و گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه
مَعَ كُلِّ جَرَسٍ شَيْطَانٌ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ
با هر جرس شیطانے ست رواه ابو داود و روایت میکند
بُنَانَةَ مَوْلَاةِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ حَيَّانَ الْاَنْصَارِيِّ
بنانه مولاة عبد الرحمن بن حیان انصاری
كَانَتْ عِنْدَ عَائِشَةَ رض اِذْ دُخِلَتْ عَلَيْهَا بِجَارِيَةٍ
از وے که وے بود نزد عائشه صدیقه رض ناگاه در آورده شد بر عائشه دخترکے بود بر آن
وَعَلَيْهَا جَلَاجِلُ يُصَوِّتْنَ فَقَالَتْ لَا تُدْخِلْنَهَا عَلَيَّ اِلَّا اَنْ تَقْطَعْنَ
جلاجل که آواز میکردند آن جلاجل پس گفت عائشه رض باید که در نیارد آن زن که در آورده است
جَلَاجِلَهَا سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ لَا تَدْخُلُ
جلاجل او را زیرا که من شنیده ام پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت نه آید

الملئكة بيتا فيه جرس رواه ابوداود وعن ابي هريرة رض

فرشتگان خانه را که در وی جرس ست رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من احب ان يحلق

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه دوست دارد که حلقه بیندازد

حبيبه حلقة من نار فليحلقه حلقة من ذهب ومن احب ان

در بینی یا در گوش دوست خود را از آتش دوزخ پس گو که حلقه بپوشاند او را از طلا و کسیکه دوست دارد

يطوق حبيبه طوقا من نار فليطوقه طوقا من ذهب ومن

که در گردن اندازد دوست خود را طوق از آتش پس گو که طوق سازد گردن او را از طلا و کسیکه

احب ان يسور حبيبه سوارا من نار فليسوره سوارا من ذهب

دوست میدارد که بپوشاند دوست خود را دست برنجن از آتش پس گو که بندازد در دست وی سوار از طلا

ولكن عليكم بالفضة فالعبوا بها رواه ابوداود وعن

ولیکن بر شما باد که زیور کنید با نقره از نقره جائز پس لهو و لعب کنید بنقره و بسازید زیور از وی رواه ابوداود

عقبة بن عامر رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يمنع اهل

و روایت است از عقبه بن عامر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که منع میکرد اهل را

الحلية والحرير ويقول ان كنتم تحبون حلية الجنة وحريرها

اهل زیور و حریر بود از پوشیدن آن و میگفت اگر هستید شما که دوست میدارید زیور بهشت را و حریر آن را

فلا تلبسوها في الدنيا رواه النسائي وعن مالك رض

پس نپوشید آن را در دنیا رواه النسائی و منقول است از امام مالک رض

قال انا اكره ان يلبس الغلمان شيئا من الذهب لانه بلغني

که میگفت من مکروه می پندارم که پوشانیده شود پسرگان را چیزی از جنس طلا زیرا که به تحقیق

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن التختم بالذهب فانا اكره للرجال

که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرده است از پوشیدن خاتم طلا پس من مکروه می پندارم مر مردان را



الكبير منهم والصغير رواه في الموطا وعن ثوبان رض

کلان را از ایشان و خردان را از ایشان روایت کرد در موطا و روایت است از ثوبان رض

قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا سافر كان

گفت ثوبان بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون قصد مسافرت میکرد بود

اخر عهده بانسان من اهله فاطمة رض واول من يدخل

آخر عهد آنحضرت صلی الله علیه وسلم یعنی سخن وصیت وی بآدمی که از اهل خانه آنحضرت بود

عليها فاطمة فقدم من غزاة وقد علقت مسحا او سترا

بر وی در وقت قدوم از سفر فاطمه رض پس قدوم آورد آنحضرت از جنگی و حال آنکه آویخته بود فاطمه پلاسی را

على بابها وحلت الحسن والحسين قلبين من فضة فقدم

بر در خانه خود و پوشانیده بود فاطمه رض حسن و حسین را دو دستوانه از نقره پس قدوم آورد آنحضرت

فلم يدخل فظنت ان ما منعه ان يدخل ما راى فهتكت

پس آمد بر فاطمه رض موافق عادت پس گمان برد فاطمه رض که آنچه باز داشت آنحضرت را از در آمدن بر وی

الستر وفكت القلبين عن الصبيين وقطعته منهما فانطلقا

پرده پس بدرید فاطمه رض پرده را و جدا کرد هر دو دستوانه را از هر دو کودک و بریدند یکی دو دستوانه را پس رفتند

الى رسول الله صلى الله عليه وسلم يبكيان فاخذ منهما فقال يا

بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در حالیکه میگریستند پس گرفت آنحضرت از ایشان چیزی را

ثوبان اذهب بهذا الى ال فلان ان هؤلاء اهلي اكره ان

ثوبان ببر این زیور را بسوی آل فلان زیرا که اینها که اهل و اولاد من اند مکروه می پندارم که

ياكلوا طيباتهم في حياتهم الدنيا يا ثوبان اشتر لفاطمة

بخورند لذاید خود را و آنچه خوش آید در زندگانی ایشان در این جهان ای ثوبان بخر از برای فاطمه رض

قلادة من عصب وسوارين من عاج رواه احمد وابوداود

گردن بندی را از عصب و بخر دو دستوانه را از عاج رواه احمد و ابوداود

## بَابُ اللُّحَى وَالشَّوَارِبِ وَالنَّهْيِ عَنْ نَتْفِ الشَّيْبِ وَذِكْرِ الْخِضَابِ فِي الْقَزَعِ وَالْاِكْتِحَالِ وَالْمُخَنَّثِيْنَ وَالْمُتَرَجِّلَاتِ وَالْوَصْلِ وَالْوَشْمِ

باب در مسائل لحیه و شوارب و منع بر کندن
موی سفید و ذکر خضاب و قزع و سرمه
و مخنثین و مترجلات و وصل و وشم

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
خَالِفُوا الْمُشْرِكِيْنَ اَوْفِرُوا اللُّحٰى وَاَحْفُوا الشَّوَارِبَ وَفِيْ رِوَايَةٍ
مخالفت کنید مشرکان را پس وافر دراز کنید ریشان را و کوتاه و پست کنید بروتها را و در روایتی
اَنْهِكُوا الشَّوَارِبَ وَاَعْفُوا اللُّحٰى مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
آمده است که انهاک یعنی بمبالغه کوتاه کنید بروتها را و فرو گذارید و ارسال نمائید ریشها را متفق علیه و از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْفِطْرَةُ
ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سنت قدیم
خَمْسٌ اَلْخِتَانُ وَالْاِسْتِحْدَادُ وَقَصُّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيْمُ
پنج است یکی ختان دوم استعمال حدید در حلق عانه وسوم کوتاه کردن سبلت وچهارم گرفتن
الْاَظْفَارِ وَنَتْفُ الْاِبْطِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَنَسٍ رضـ
ناخنهای دست و پای و بر کندن موی بغل متفق علیه و روایت است از انس رض
قَالَ وُقِّتَ لَنَا فِيْ قَصِّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيْمِ الْاَظْفَارِ وَنَتْفِ الْاِبْطِ
گفت وقتی معین کرد آنحضرت ما را در کوتاه کردن سبلت و گرفتن ناخنها و بر کندن موی بغل
وَحَلْقِ الْعَانَةِ اَنْ لَا نَتْرُكَ اَكْثَرَ مِنْ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ
وحلق عانه که ترک نکنیم ونگذاریم بیشتر از چهل روز رواه مسلم و روایت است از ابن عباس



قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُصُّ اَوْ يَاْخُذُ مِنْ
گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم می برید یا می گرفت از
شَارِبِهٖ وَكَانَ اِبْرَاهِيْمُ خَلِيْلُ الرَّحْمٰنِ يَفْعَلُهٗ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
بروت خود و بود ابراهیم که آن را می کرد رواه ترمذی
وَعَنْ زَيْدِ بْنِ اَرْقَمَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از زید بن ارقم که آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَمْ يَاْخُذْ شَارِبَهٗ فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ
وسلم فرمود کسیکه نگیرد از بروت خود و پست نکرد آنرا پس نیست آنکس از ما رواه احمد و
وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهٖ
ترمذی و نسائی و روایت است از عمرو بن شعیب از پدرش از جد عمرو رض
اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَاْخُذُ مِنْ لِحْيَتِهٖ
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که می گرفت از لحیه مبارک خود را
مِنْ عَرْضِهَا وَطُوْلِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ رُوَيْفِعِ
از پهنائی وی و درازی وی یعنی از جانب لحیه رواه ترمذی و روایت است از رویفع
بْنِ ثَابِتٍ رضـ قَالَ قَالَ لِيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بن ثابت رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
يَا رُوَيْفِعُ لَعَلَّ الْحَيٰوةَ سَتَطُوْلُ بِكَ بَعْدِيْ فَاَخْبِرِ النَّاسَ
ای رویفع شاید که زندگانی دراز گردد ترا پس از من پس خبر ده مردم را
اَنَّ مَنْ عَقَدَ لِحْيَتَهٗ اَوْ تَقَلَّدَ وَتَرًا اَوِ اسْتَنْجٰى بِرَجِيْعِ
بدرستیکه کسیکه گره زند ریش خود را یا کسیکه قلاده سازد زه را یا استنجا کند به پس افکنده
دَابَّةٍ اَوْ عَظْمٍ فَاِنَّ مُحَمَّدًا مِنْهُ بَرِيْءٌ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ
چارپایه یا با استخوان بدرستیکه محمد صلی الله علیه وسلم از هر که این کار کند بیزار است

بَابُ آدَابِ الْخَلَاءِ مِنْ مِشْكٰوةٍ وَعَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيْدٍ رض
باب آداب الخلاء از مشکوة - وروایت است از یحیی بن سعید رض
أَنَّهُ سَمِعَ سَعِيْدَ بْنَ الْمُسَيَّبِ رض يَقُوْلُ كَانَ إِبْرَاهِيْمُ خَلِيْلُ
که وی شنید سعید بن المسیب رض را که میگفت بود ابراهیم خلیل
الرَّحْمٰنِ أَوَّلَ النَّاسِ ضَيَّفَ الضَّيْفَ وَأَوَّلَ النَّاسِ اخْتَتَنَ
الرحمن اول کسیکه ضیافت مهمان کرد واول کسیکه کرد ختنه
وَأَوَّلَ النَّاسِ قَصَّ شَارِبَهُ وَأَوَّلَ النَّاسِ رَأَى الشَّيْبَ
واول کسیکه پست کرد بروت خودرا واول کسیکه دید پیری را وموی سفید را
فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هٰذَا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى وَقَارٌ
پس گفت ای پروردگار من چیست این گفت پروردگار تبارک وتعالی این باعث وقار است
يَا إِبْرَاهِيْمُ قَالَ يَا رَبِّ زِدْنِيْ وَقَارًا رَوَاهُ مَالِكٌ
گفت ابراهیم ای پروردگار من زیادت گردان مراموجب وقار رواه مالک
وَعَنْ كَعْبِ ابْنِ مُرَّةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
وروایت است از کعب بن مره رض از انحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي الْإِسْلَامِ كَانَتْ لَهُ نُوْرًا
علیه وسلم که فرمود آنحضرت کسیکه پیر شد در مسلمانی میباشد پیری مراورا سبب روشنائی
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ
روز قیامت رواه ترمذی ونسائی وروایت است از عمرو بن
شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيْهِ عَنْ جَدِّهٖ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
شعیب از پدرش وا واز پدر خود که جد عمرو است گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَنْتِفُوا الشَّيْبَ فَإِنَّهُ نُوْرُ الْمُسْلِمِ مَنْ شَابَ شَيْبَةً
علیه وسلم نچینید موهای سفید را ازیراکه پیری نورانیت مسلمان است کسیکه پیر شود پیر شدنی در مسلمانی



فِي الْإِسْلَامِ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَكَفَّرَ عَنْهُ بِهَا خَطِيْئَةً
در مسلمانی می نویسد خدایتعالی برای وی بسبب آن نیکی را ومحو میگرداند از انکس بسبب آن گناهی را
وَرَفَعَهُ بِهَا دَرَجَةً رَوَاهُ أَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض
وبلند میگرداند اورا بجهت آن پایه رواه ابوداود واز ابی هریره رض مروی است
أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْيَهُوْدَ وَالنَّصَارٰى
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه یهود ونصاری
لَا يَصْبِغُوْنَ فَخَالِفُوْهُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
خضاب نمی کنند پس مخالفت کنید ایشان را متفق علیه وروایت است از ابن عباس رض
قَالَ مَرَّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ قَدْ خَضَبَ
گفت که گذشت برآنحضرت صلی الله علیه وسلم مردے که بتحقیق خضاب کرده بود
بِالْحِنَّاءِ فَقَالَ مَا أَحْسَنَ هٰذَا قَالَ فَمَرَّ آخَرُ قَدْ خَضَبَ
بحنا پس فرمود آنحضرت ؐ چه خوب است این گفت ابن عباس پس ازان گذشت مردی دیگر که خضاب
بِالْحِنَّاءِ وَالْكَتَمِ فَقَالَ هٰذَا أَحْسَنُ مِنْ هٰذَا ثُمَّ مَرَّ آخَرُ
بحنا وکتم پس فرمود این بهتر از اول است پس گذشت دیگرے
قَدْ خَضَبَ بِالصُّفْرَةِ فَقَالَ هٰذَا أَحْسَنُ مِنْ هٰذَا كُلِّهٖ
که خضاب کرده بود بزردی پس فرمود این بهتر است از همه آنها
رَوَاهُ أَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ
رواه ابوداود وروایت است از ابن عباس رض از انحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَكُوْنُ قَوْمٌ فِيْ آخِرِ الزَّمَانِ يَخْضِبُوْنَ
علیه وسلم فرمود که میشوند قومے در آخر زمان که خضاب میکنند
بِهٰذَا السَّوَادِ كَحَوَاصِلِ الْحَمَامِ لَا يَجِدُوْنَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ
باین رنگ سیاهی که مثل حوصلهای کبوتر است نمی یابند این قوم بوی بهشت را

رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ نَافِعِ بْنِ عُمَرَ رض

رواه ابوداود و نسائی و روایت است از نافع بن عمر رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهٰى عَنِ

گفت شنیدم آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ نہی کرد از

الْقَزَعِ قِيْلَ لِنَافِعٍ مَا الْقَزَعُ قَالَ يُحْلَقُ بَعْضُ رَأْسِ الصَّبِيِّ

قزع گفتہ شد مر نافع را قزع چیست گفت سترده شود پاره از سر کودک

وَيُتْرَكُ الْبَعْضُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَاَلْحَقَ بَعْضُهُمُ التَّفْسِيْرَ بِالْحَدِيْثِ

و گذاشتہ شود پاره دیگر متفق علیہ و لاحق کرده اند بعضے از راویان این تفسیر قزع را

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و از ابن عمر رض مرویست کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

رَاٰى صَبِيًّا قَدْ حُلِقَ بَعْضُ رَأْسِهٖ وَتُرِكَ بَعْضُهٗ فَنَهَاهُمْ

دید کودکی را کہ بتحقیق حلق کرده شده بعضے از سروے و ترک کرده شده بعضے دیگر از سر پس

عَنْ ذٰلِكَ وَقَالَ اِحْلِقُوْا كُلَّهٗ اَوِ اتْرُكُوْا كُلَّهٗ رَوَاهُ

اولیای صبی را از آن و فرمود حلق کنید تمام سر را یا بگذارید تمام آن را رواه

مُسْلِمٌ وَعَنِ الْحَجَّاجِ بْنِ حَسَّانَ رض قَالَ دَخَلْنَا عَلٰى

مسلم و روایت است از حجاج بن حسان رض گفت در آمدیم ما

اَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض فَحَدَّثَتْنِيْ اُخْتِي الْمُغِيْرَةُ قَالَتْ

بر انس بن مالک رض پس حدیث کرد مرا خواهر من مغیره گفت

يَوْمَئِذٍ اَنْتَ غُلَامٌ وَلَكَ قَرْنَانِ اَوْ قُصَّتَانِ فَمَسَحَ

کہ دران روز تو پسر خرد بودی و بود مر ترا در آن وقت دو گیسو یا دو قصہ پس مسح کرد انس

رَأْسَكَ وَبَرَّكَ عَلَيْكَ وَقَالَ اِحْلِقُوْا هٰذَيْنِ اَوْ قُصُّوْهُمَا

سر ترا و دعاے برکت کرد بر تو و گفت تراشید این دو گیسو را یا پست کنید



فَاِنَّ هٰذَا زِيُّ الْيَهُوْدِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

پس بدرستیکہ این هیئت یهود است رواه ابوداود و روایت است از ابن عباس رض

اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اكْتَحِلُوْا بِالْاِثْمِدِ

کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود سرمہ کنید بہ اثمد

فَاِنَّهٗ يَجْلُو الْبَصَرَ وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ وَزَعَمَ اَنَّ النَّبِيَّ

زیرا کہ آن سرمہ جلا میدہد بینائی را و میرویاند موی پلک را و زعم کرد ابن عباس کہ آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَتْ لَهٗ مُكْحُلَةٌ يَكْتَحِلُ بِهَا كُلَّ

صلے اللہ علیہ وسلم بود مر او را سرمہ دان کہ سرمہ میکرد بوے ہر

لَيْلَةٍ ثَلٰثَةً فِيْ هٰذِهٖ وَثَلٰثَةً فِيْ هٰذِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

شب سہ بار درین یعنے چشم راست و سہ بار درین یعنے چشم چپ رواه ترمذی

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ لَعَنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عباس رض گفت لعنت کرد پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

الْمُخَنَّثِيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالْمُتَرَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَقَالَ

مخنثان را از مردان و زنان را کہ در هیئت مشابهت بمردان کنند و فرمود آنحضرت

اَخْرِجُوْهُمْ مِنْ بُيُوْتِكُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ قَالَ

بیرون کنید مخنثان را از خانہائے خود رواه بخاری و ہم از ابن عباس رض مرویست

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ اللّٰهُ الْمُتَشَبِّهِيْنَ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم لعنت کند خدا تعالی تشبہ کنندگان را

مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ

از مردان بزنان و مشابہ شوندگان از زنان بمردان

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ لَعَنَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه البخاری و روایت است از ابی ہریره رض گفت کہ لعنت کرد آنحضرت ص

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةَ
صلے اللہ علیہ وسلم مردی را کہ می پوشد پوشش زن را و زن را
تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ ابْنِ
کہ می پوشد پوشش مرد را رواہ ابوداؤد و روایت است از ابن
أَبِي مُلَيْكَةَ رض قَالَ قِيْلَ لِعَائِشَةَ رض إِنَّ امْرَأَةً تَلْبَسُ
ابی ملیکہ رض گفت پرسیدہ شد مر عائشہ را کہ زنے ہست کہ می پوشد
النَّعْلَ قَالَتْ لَعَنَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلَةَ
نعل را کہ مخصوص بمردان باشد گفت لعنت کرد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم آن زنان را کہ
مِنَ النِّسَاءِ رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ
مشابہ باشند بمردان رواہ ابوداؤد و مرویست از ابی ہریرہ رض گفت
أُتِيَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمُخَنَّثٍ قَدْ خَضَبَ
آوردہ شد نزد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم مخنثی کہ بتحقیق رنگ کردہ بود
يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ بِالْحِنَّاءِ فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
دست و پاے خود را بحنا پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم
وَسَلَّمَ مَا بَالُ هٰذَا قَالُوْا يَتَشَبَّهُ بِالنِّسَاءِ فَأَمَرَ بِهِ فَنُفِيَ
کہ چہ حال دارد این شخص گفتند کہ وی مشابہ میسازد خود را بزنان پس حکم فرمود آنحضرت ازرا
إِلَى النَّقِيْعِ فَقِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللهِ أَلَا نَقْتُلُهُ فَقَالَ إِنِّي نُهِيْتُ
پس راندہ شد بسوی نقیع پس گفتہ شد ای رسول خدا آیا نکشیم او را پس گفت آنحضرت بدرستیکہ منع کردہ شدہ ام
عَنْ قَتْلِ الْمُصَلِّيْنَ رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض
از کشتن نماز گذاران رواہ ابوداؤد و روایت است از عائشہ رض
إِنَّ هِنْدًا بِنْتَ عُتْبَةَ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللهِ بَايِعْنِي فَقَالَ
گفت ہندہ بنت عتبہ گفت ای رسول خدا بیعت کن مرا پس فرمود آنحضرت



لَا أُبَايِعُكِ حَتّٰى تُغَيِّرِيْ كَفَّيْكِ فَكَأَنَّهُمَا كَفَّا سَبُعٍ
بیعت نمی کنم ترا تا آنکہ تغییر دہی ہر دو کف دست خود را پس گویا دو کف دست درندہ است
رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رض قَالَ قَدِمْتُ
رواہ ابوداؤد و روایت است از عمار بن یاسر رض گفت آمدم بر اہل و عیال خود
عَلٰى أَهْلِيْ مِنْ سَفَرٍ وَقَدْ تَشَقَّقَتْ يَدَايَ فَخَلَّقُوْنِيْ بِزَعْفَرَانٍ فَغَدَوْتُ
از سفرے حال آنکہ بتحقیق کفیدہ بود ہر دو دست من پس خلوق مالیدند مرا از زعفران پس آمدم بامداد
عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ
بر پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم پس سلام کردم بر آنحضرت پس
يَرُدَّ عَلَيَّ وَقَالَ اذْهَبْ فَاغْسِلْ هٰذَا عَنْكَ رَوَاهُ
نداد جواب سلام بر من و گفت برو پس بشو این را از خود رواہ
أَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ أَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ
ابوداؤد و مرویست از ابی موسی رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقْبَلُ اللهُ صَلٰوةَ رَجُلٍ فِيْ جَسَدِهِ
صلے اللہ علیہ وسلم قبول نمی کند خدا تعالی نماز مردیرا کہ باشد در بدن او
شَيْءٌ مِنْ خَلُوْقٍ رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض
چیزے از خلوق رواہ ابوداؤد و روایت است از ابن عمر رض
أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَعَنَ اللهُ الْوَاصِلَةَ
کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود لعنت کند خدا آن زنے را کہ پیوند میکند
وَالْمُسْتَوْصِلَةَ وَالْوَاشِمَةَ وَالْمُسْتَوْشِمَةَ
موہای خود را بموہای دیگر و زنے را کہ طلب پیوند دیگری را کہ پیوند دہد و لعنت کند خالکوبندہ و خالکوبانندہ را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
متفق علیہ

# بَابُ التَّصَاوِيرِ

عَنْ أَبِي طَلْحَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ
روایت از ابی طلحہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَدْخُلُ الْمَلٰئِكَةُ بَيْتًا فِيْهِ كَلْبٌ وَلَا تَصَاوِيْرُ
علیہ وسلم درنمی آیند فرشتگان خانہ را کہ دروی سگ است و نہ درآنخانہ کہ دروی تصویرہاست
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى
متفق علیہ و از عائشہ رض روایت از آنحضرت صلے اللہ
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
علیہ وسلم فرمود سخت ترین مردم از روے عذاب روز قیامت
اَلَّذِيْنَ يُضَاهُوْنَ بِخَلْقِ اللهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
آن کسان اند کہ مشابہت می کنند بہ پیدایش خدایتعالی متفق علیہ و از
اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
ابی ہریرہ رض روایت گفت کہ شنیدم آنحضرت را صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ يَقُوْلُ قَالَ اللهُ تَعَالٰى وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ
وسلم کہ میفرمود کہ میفرماید خدایتعالی وکیست ظالم تر از کسیکہ رفت کہ پیدا می کند
كَخَلْقِيْ فَلْيَخْلُقُوْا ذَرَّةً اَوْ لِيَخْلُقُوْا حَبَّةً اَوْ شَعِيْرَةً مُتَّفَقٌ
ہمچو پیدا کردن من پس باید کہ پیدا کنند ذرہ را یعنے مورچہ را یا پیدا کنند دانہ را یا جو را متفق
عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ سَمِعْتُ
علیہ و از عبد اللہ بن مسعود رض روایت است کہ گفت شنیدم
رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میفرمود سخت ترین مردم از روی عذاب



عِنْدَ اللهِ الْمُصَوِّرُوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
نزد خدا مصورگرانند متفق علیہ و روایت است از ابن عباس رض
قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ كُلُّ
گفت شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میفرمود ہر صورت گر
مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يُجْعَلُ لَهٗ بِكُلِّ صُوْرَةٍ صَوَّرَهَا نَفْسًا فَتُعَذِّبُهٗ فِيْ
در دوزخ است گردانیده میشود مر او را بہر صورتیکہ ساختہ است آن را ذاتی وشخصے پس عذاب میکند آن شخص
جَهَنَّمَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رض فَاِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَاصْنَعِ
در دوزخ گفت ابن عباس رض پس اگر ہستی تو البتہ سازندہ صورت پس بساز صورت
الشَّجَرَ وَمَا لَا رُوْحَ فِيْهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض
درخت را و چیزے کہ نیست جان در وی متفق علیہ از ابی ہریرہ رض روایت
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ عُنُقٌ مِّنَ
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ بیرون می آید گردنے از
النَّارِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ لَهَا عَيْنَانِ تُبْصِرَانِ وَاُذُنَانِ تَسْمَعَانِ
آتش روز قیامت کہ باشد مر آن را دو چشم کہ می بیند و دو گوش کہ می شنود
وَلِسَانٌ يَنْطِقُ يَقُوْلُ اِنِّيْ وُكِّلْتُ بِثَلٰثَةٍ بِكُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ
و زبانیکہ سخن میکند میگوید بدرستیکہ من وکیل ساختہ شدہ ام بسہ کس کہ بہر ظالم متکبر سرکش
وَكُلِّ مَنْ دَعَا مَعَ اللهِ اِلٰهًا اٰخَرَ وَبِالْمُصَوِّرِيْنَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
و کسیکہ بخواند با خدای عزوجل خدای دیگر و بصورت گران رواہ ترمذی
وَعَنْ سَعِيْدِ بْنِ اَبِي الْحَسَنِ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
و روایت است از سعید بن ابی الحسن گفت بودم من نزد ابن عباس رض
اِذْ جَاءَهٗ رَجُلٌ فَقَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ اِنِّيْ رَجُلٌ اِنَّمَا مَعِيْشَتِيْ
چون ناگہان آمد ابن عباس را مردی پس گفت آن مرد ای ابن عباس بدرستیکہ من مردی ام زندگانی

مِنْ صَنْعَةِ يَدَيَّ وَاِنِّيْ اَصْنَعُ هٰذِهِ التَّصَاوِيْرَ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رضی الله عنه
گر از پیشهٔ دست من و بتحقیق کہ من پیشه میکنم این صورتها را پس گفت ابن عباس رضی

لَا اُحَدِّثُكَ اِلَّا مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
حدیث نمی کنم ترا مگر آنچه شنیده ام از پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ سَمِعْتُهُ يَقُوْلُ مَنْ صَوَّرَ صُوْرَةً فَاِنَّ اللّٰهَ مُعَذِّبُهٗ
وسلم شنیدم آنحضرت را که میفرمود کسیکه صورتگری کند صورتے را پس بدرستیکه خدا تعالی عذا

حَتّٰى يَنْفُخَ فِيْهِ الرُّوْحَ وَلَيْسَ بِنَافِخٍ فِيْهَا اَبَدًا فَرَبَا الرَّجُلُ
تا آنکه دمد در آن جان را حال آنکه نیست آنکس دمنده در آنجا هرگاهی پس تنگ شدم آن مرد

رَبْوَةً شَدِيْدَةً فَاصْفَرَّ وَجْهُهٗ فَقَالَ وَيْحَكَ اِنْ اَبَيْتَ اِلَّا
تنگ شدن سخت و زرد گشت روی آن مرد از شنیدن این وعید پس گفت ابن عباس وای بر تو اگر ابا میکنی

اَنْ تَصْنَعَ فَعَلَيْكَ بِهٰذَا الشَّجَرِ وَكُلِّ شَيْءٍ لَيْسَ فِيْهِ
همه پیشه الا مگر آنکه پیشه کنی صورتگری را پس بر تو باد این قسم که صورت درختان است و هر چیز یکه نیست درو

رُوْحٌ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها قَالَتْ لَمَّا
جان رواه البخاری واز عائشه رضی مرویست که گفت و قتیکه

اشْتَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ بَعْضُ نِسَائِهٖ
بیمار شد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم یاد کرد بعضے از زنان آنحضرت

كَنِيْسَةً يُقَالُ لَهَا مَارِيَةُ وَكَانَتْ اُمُّ سَلَمَةَ وَاُمُّ حَبِيْبَةَ
کنیسه را که گفته میشد آنرا ماریه و بودند ام سلمه وام حبیبه

اَتَتَا اَرْضَ الْحَبَشَةِ فَذَكَرَتَا مِنْ حُسْنِهَا وَتَصَاوِيْرَ فِيْهَا
که رسیده بودند زمین حبشه را پس یاد کردند از خوبی آن کنشت و صورتهای که در آن بود

فَرَفَعَ رَاْسَهٗ فَقَالَ اُولٰٓئِكَ اِذَا مَاتَ فِيْهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ
پس برداشت آنحضرت سر خود را پس فرمود آنجماعت اند که چون بمیرد در ایشان مرد صالح



بَنَوْا عَلٰى قَبْرِهٖ مَسْجِدًا ثُمَّ صَوَّرُوْا فِيْهِ تِلْكَ الصُّوَرَ اُولٰٓئِكَ
بنا کنند بر سر گور او مسجدے را پس تر تصویر کنند در آن مسجد آن صورتها را آنها

شِرَارُ خَلْقِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی قَالَ
بدترین خلق خدا اند متفق علیه ومرویست از ابن عباس رضی

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

اَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَنْ قَتَلَ نَبِيًّا اَوْ قَتَلَهٗ
سخت ترین مردم از روی عذاب روز قیامت کسی است که کشت پیغمبر را یا کسیکه کشت او را

نَبِيٌّ اَوْ قَتَلَ اَحَدَ وَالِدَيْهِ وَالْمُصَوِّرُوْنَ وَعَالِمٌ لَمْ
پیغمبر یا کسیکه کشت یکے از پدر و مادر خود را وصورتگران و عالمے که

يَنْتَفِعْ بِعِلْمِهٖ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ
سودمند نشود بعلم خود رواه البیهقی در شعب الایمان

## بَابُ الْفَالِ وَالطِّيَرَةِ

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضی قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
روایت است از ابی هریره رضی گفت شنیدم آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ لَا طِيَرَةَ وَخَيْرُهَا الْفَالُ قَالُوْا وَمَا
علیه وسلم را که میفرمود شگون بد گرفتن را تاثیری نیست وبهترین اقسام طیر فال نیک گرفتن است

الْفَالُ قَالَ الْكَلِمَةُ الصَّالِحَةُ يَسْمَعُهَا اَحَدُكُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
گفتند چیست فال فرمود سخن نیک که بشنود آنرا یکے از شما و فال گیرد از آن متفق علیه

وَعَنْهُ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وهم از وی مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَا عَدْوٰى وَلَا طِيَرَةَ وَلَا هَامَةَ وَلَا صَفَرَ وَفِرَّ مِنَ

نیست تجاوز علت از یکی بدیگری و نیست طیره و ہامہ و نہ صفر و بگریز از

الْمَجْذُوْمِ كَمَا تَفِرُّ مِنَ الْاَسَدِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ

مجذوم چنانکہ بگریزی از شیر رواہ البخاری و از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رضـ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عبد اللہ بن مسعود رضـ مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ قَالَ الطِّيَرَةُ شِرْكٌ قَالَهُ ثَلٰثًا وَمَا مِنَّا اِلَّا وَلٰكِنَّ

وسلم فرمود فال بد گرفتن از اعمال مشرکانست این سخن را سہ بار فرمود و فرمود نیست ہیچ یکی از ما

اللّٰهَ يُذْهِبُهٗ بِالتَّوَكُّلِ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

ولیکن خدایتعالے می برد آنرا بسبب توکل رواہ ابو داود و ترمذی

وَعَنْ بُرَيْدَةَ رضـ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از بریدہ رضـ کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

كَانَ لَا يَتَطَيَّرُ مِنْ شَيْءٍ فَاِنْ بَعَثَ عَامِلًا سَاَلَ عَنِ اسْمِهٖ

بود کہ فال بد نمی گرفت از ہیچ چیز پس چون میفرستاد کسی را بعملی می پرسید از نام وی

فَاِذَا كَانَ اَعْجَبَهُ اسْمُهٗ فَرِحَ بِهٖ وَرُئِيَ بِشْرُ ذٰلِكَ

پس چون خوش می آمد آنحضرت صلعم را نام وی خوشحال میشد بدان و ظاہر میشد اثر خوشحالی آن

فِيْ وَجْهِهٖ وَاِنْ كَرِهَ اسْمَهٗ رُئِيَ كَرَاهَةُ ذٰلِكَ

از روی مبارک وی صلعم و اگر مکروہ میداشت نام وی را دیدہ میشد اثر کراہت آن

فِيْ وَجْهِهٖ فَاِذَا دَخَلَ قَرْيَةً سَاَلَ عَنِ اسْمِهَا فَاِنْ

در روی مبارک وی صلعم پس چون در می آمد دیہی را می پرسید نام آن را پس اگر

اَعْجَبَهُ اسْمُهَا فَرِحَ بِهٖ وَرُئِيَ بِشْرُ ذٰلِكَ فِيْ وَجْهِهٖ

خوش می آمد آنحضرت را نام دی خوشحال میشد بدان و دیدہ میشد اثر خوشی آن در روی مبارک وی صلعم



وَاِنْ كَرِهَ اسْمَهَا رُئِيَ كَرَاهَةُ ذٰلِكَ فِيْ وَجْهِهٖ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

و اگر ناخوش میداشت نام او را ظاہر میشد اثر ناخوشی آن در روی شریف وی صلعم رواہ ابو داود

## بَابُ الْكَهَانَةِ

عَنْ عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

از عائشہ رضـ مرویست کہ گفت شنیدم آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَنْزِلُ فِي الْعَنَانِ

اللہ علیہ وسلم را کہ میفرمود بدرستیکہ فرشتگان فرود می آیند در عنان

وَهُوَ السَّحَابُ فَتَذْكُرُ الْاَمْرَ قُضِيَ فِي السَّمَاءِ فَتَسْتَرِقُ

کہ وی سحاب است پس ذکر می کنند کارہا کہ تقدیر کردہ شدہ است در آسمان پس می دزدند

الشَّيَاطِيْنُ السَّمْعَ فَتَسْمَعُهٗ فَتُوْحِيْهِ اِلَى الْكُهَّانِ

شیاطین سمع را پس می شنوند پس میرسانند آن را بسوے کاہنان

فَيَكْذِبُوْنَ مَعَهَا مِائَةَ كَذْبَةٍ مِنْ عِنْدِ اَنْفُسِهِمْ رَوَاهُ

پس دروغ می بندند کاہنان با آن کلمات صد دروغ را از نزد خود رواہ

الْبُخَارِيُّ وَعَنْ حَفْصَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بخاری رحـ و روایت است از حفصہ رضـ گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَتٰى عَرَّافًا فَسَاَلَهٗ عَنْ شَيْءٍ

صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بیاید عراف را پس بپرسد آنرا از چیزے

لَمْ تُقْبَلْ لَهٗ صَلٰوةُ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ

قبول کردہ نشود آن کس را نماز چہل شب و روز رواہ مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و مرویست از ابن عباس رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اقْتَبَسَ عِلْمًا مِنَ النُّجُوْمِ اِقْتَبَسَ شُعْبَةً مِنَ
علیه وسلم کسیکه حاصل می کند پاره از علم نجوم حاصل می کند شاخے از
السِّحْرِ زَادَ مَا زَادَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ
سحر زیادت کرد اقتباس سحر را چندانکه زیادت کرد اقتباس نجوم را رواه احمد وابوداؤد وابن ماجه
وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
واز ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَتٰى كَاهِنًا فَصَدَّقَهٗ بِمَا يَقُوْلُ اَوْ اَتٰى
علیه وسلم ہر کہ بیاید کاہن را پس تصدیق کند در آنچہ می گوید یا بیاید
اِمْرَاَتَهٗ حَائِضًا اَوْ اَتٰى اِمْرَاَتَهٗ فِيْ دُبُرِهَا فَقَدْ بَرِئَ
یعنی وطی کند زن خود را در حالت حیض یا وطی کند زن خود را در دبر او پس بتحقیق بیزار شد
مِمَّا اُنْزِلَ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ
از آنچہ فرستادہ شدہ است بر محمد صلی الله علیه وسلم رواه
اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ قَتَادَةَ رض قَالَ خَلَقَ اللّٰهُ
احمد وابوداؤد واز قتادہ رض مرویست گفت کہ فرمود پیدا کرد خدا تعالی
تَعَالٰى هٰذِهِ النُّجُوْمَ لِثَلٰثٍ جَعَلَهَا زِيْنَةً لِلسَّمَاءِ وَرُجُوْمًا
این ستارہ ہا را برای سہ فائدہ اول گردانیدہ است الله تعالی آنرا زینت آسمان
لِلشَّيَاطِيْنِ وَعَلَامَاتٍ يُهْتَدٰى بِهَا فَمَنْ تَاَوَّلَ فِيْهَا
مر شیاطین را و نشانہای کہ راہ یافتہ شود بدان . پس کسیکہ بیان کرد در وے
بِغَيْرِ ذٰلِكَ اَخْطَاَ وَاَضَاعَ نَصِيْبَهٗ وَتَكَلَّفَ مَا لَمْ
سوای این خطا کرد از جہت صواب وضائع کرد بہرہ خود را و بر خود گرفت کاری را کہ
يَعْلَمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ تَعْلِيْقًا وَفِيْ رِوَايَةِ رَزِيْنٍ
نمی تواند دانست روایت کرد بخاری بطریق تعلیق و در روایت رزین این است



وَتَكَلَّفَ مَا لَا يَعْنِيْهِ وَمَا لَا عِلْمَ لَهٗ بِهٖ وَمَا عَجَزَ عَنْ عِلْمِهِ
و تکلف کرد چیزی کہ سودمند نیست و چیزی کہ نیست او را علم بدان و تکلف کرد در دانستن چیزی کہ عاجز اند از
الْاَنْبِيَاءُ وَالْمَلٰئِكَةُ وَعَنِ الرَّبِيْعِ مِثْلَهٗ وَزَادَ وَاللّٰهِ مَا جَعَلَ
پیغمبران و فرشتگان و از ربیع مرویست مانند آن و زیادہ کرد و سوگند بخدا گردانیدہ است
اللّٰهُ فِيْ نَجْمٍ حَيٰوةَ اَحَدٍ وَلَا رِزْقَهٗ وَلَا مَوْتَهٗ وَاِنَّمَا يَفْتَرُوْنَ
الله تعالی در ہیچ کوکبی زندگانی کسے و نہ رزق کسے و نہ موت کسے و چز این نیست کہ بر می بندند
عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَيَتَعَلَّلُوْنَ بِالنُّجُوْمِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
بر خدا تعالی دروغ را و بہانہ می جویند بہ نجوم و روایت است از ابن عباس رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اقْتَبَسَ
گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکہ حاصل کند
بَابًا مِنْ عِلْمِ النُّجُوْمِ لِغَيْرِ مَا ذَكَرَ اللّٰهُ فَقَدِ اقْتَبَسَ
علم نجوم را برای غیر کاری کہ ذکر کردہ است الله تعالی پس تحقیق حاصل کرد
شُعْبَةً مِنَ السِّحْرِ الْمُنَجِّمُ كَاهِنٌ وَالْكَاهِنُ سَاحِرٌ
شعبہ از سحر منجم حکم کاہن دارد و کاہن حکم ساحر
وَالسَّاحِرُ كَافِرٌ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض
و ساحر کافر است رواه رزین واز ابی سعید رض مرویست
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر
اَمْسَكَ اللّٰهُ الْقَطْرَ عَنْ عِبَادِهٖ خَمْسَ سِنِيْنَ ثُمَّ اَرْسَلَهٗ
بند کند خدا تعالی باران را از بندگان خود پنج سال مثلا پس بفرستد باران را
لَاَصْبَحَتْ طَائِفَةٌ مِّنَ النَّاسِ كَافِرِيْنَ يَقُوْلُوْنَ سُقِيْنَا
ہر آئینہ صبح کنند طائفہ از مردم بحالت کفر میگویند آب دادہ شدیم ما

بِنَوْءِ الْمِجْدَحِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ
بمنزل قمر که نام وے مجدح است رواه نسائی

## بَابُ الرُّؤْيَا

باب در بیان رؤیا

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
از ابی ہریرہ مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
قَالَ مَنْ رَآنِي فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَآنِي فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ
فرمود کسیکہ دید مرا در خواب پس بتحقیق دید مرا زیرا کہ شیطان متمثل نمی شود
فِي صُورَتِي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ
در صورت من متفق علیہ و از ابی ہریرہ رضـ مرویست گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ رَآنِي فِي الْمَنَامِ فَسَيَرَانِي
صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ دید مرا در خواب پس قریب است کہ ببیند مرا
فِي الْيَقْظَةِ وَلَا يَتَمَثَّلُ الشَّيْطَانُ بِي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
در بیداری و نمی تواند کہ متمثل کند شیطان بصورت من متفق علیہ و از
أَبِي قَتَادَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی قتادہ رضـ مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم
الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللهِ وَالْحُلُمُ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِذَا رَأَى
خوابہای خوش از جانب خداست و علامت لطف اوست و خوابہای ناخوش از شیطانست پس چون بیند
أَحَدُكُمْ مَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثْ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ وَإِذَا رَأَى
یکے از شما خوابے کہ خوش دارد آن را پس باید کہ نگوید مگر کسے را کہ دوست دارد و چون بیند
مَا يَكْرَهُ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللهِ مِنْ شَرِّهَا وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ
خوابے را کہ ناخوش دارد آن را پس باید کہ پناہ جوید بخدا از شر آن و از شر شیطان



وَلْيَتْفُلْ ثَلَاثًا وَلَا يُحَدِّثْ بِهَا أَحَدًا فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ
و باید کہ تف کند سہ بار و نگوید آن خواب را بکسے زیرا کہ نگفتن البتہ ضرر نمی کند او را
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى
متفق علیہ و از جابر مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَأَى أَحَدُكُمُ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا
اللہ علیہ وسلم چون بیند یکے از شما خوابے را کہ ناخوش دارد آن را
فَلْيَبْصُقْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا وَلْيَسْتَعِذْ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثًا
پس باید کہ آب از دہن افگند بجانب دست چپ خود سہ بار و باید کہ پناہ جوید بخدا از شیطان سہ بار
وَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ جَنْبِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
و باید کہ بگردد از پہلوے خود کہ بود بر آن پہلو رواہ مسلم
وَعَنْ أَبِي رَزِينٍ الْعُقَيْلِيِّ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ
و از ابی رزین عقیلی رضـ مرویست گفت فرمود رسول خدا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ
صلی اللہ علیہ وسلم خوابہاے مومن پارہ ایست از شش
وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النُّبُوَّةِ وَهِيَ عَلَى رِجْلِ طَائِرٍ
و چہل پارہ ہاے از نبوت و این رؤیا بر پاے طایر است
مَا لَمْ يُحَدِّثْ بِهَا فَإِذَا حَدَّثَ بِهَا وَقَعَتْ وَأَحْسِبُهُ قَالَ
تا آنکہ نگفتہ است آن را پس چون گفت خواب را بغیر واقع میگردد آنکہ تعبیر کرد و می پندارم آنحضرت را
لَا تُحَدِّثْ إِلَّا حَبِيبًا أَوْ لَبِيبًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ
کہ فرمود مگو خواب را مگر با دوست یا شخص دانا رواہ ترمذی و مرویست از
ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابن عباس رضـ گفت شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را

يَقُوْلُ مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلْمٍ لَمْ يَرَهُ كُلِّفَ اَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيْرَتَيْنِ

کرمیفرمود کسیکه دروغ بندد خوابی را که ندیده است آنرا تکلیف کرده میشود که بندد میان دو جو

وَلَنْ يَفْعَلَ وَمَنِ اسْتَمَعَ اِلٰى حَدِيْثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهٗ كَارِهُوْنَ

و هرگز نمی تواند کرد و کسیکه گوش نهد بسوی سخن قومی که آنرا بشنود حال آنکه آن قوم شنیدن او ر

اَوْ يَفِرُّوْنَ مِنْهُ صُبَّ فِيْ اُذُنَيْهِ الْاٰنُكُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ

یا میگریزند از وی ریخته میشود در سر دو گوش وی سرب روز قیامت

صَوَّرَ صُوْرَةً عُذِّبَ وَكُلِّفَ اَنْ يَنْفُخَ فِيْهَا

و کسیکه تصویر کند صورتی را عذاب کرده میشود و تکلیف کرده میشود با نکه در وی روح دمد

وَلَيْسَ بِنَافِخٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و نیست دمنده روح رواه مسلم

تمّ

قَدْ تَمَّ طَبْعُ النِّصْفِ الْاَوَّلِ مِنْ هٰذَا الْكِتَابِ الْمُسْتَطَابِ
بِعَوْنِ اللّٰهِ الْوَهَّابِ فِيْ شَهْرِ الْمُحَرَّمِ سَنَة ۱۳۳۲ھ وَيَلِيْهِ النِّصْفُ الثَّانِي
اِنْشَاءَ اللّٰهُ تَعَالٰى





# صحتنامه خیر المواعظ جلد اول

| صفحه | سطر | غلط | صحیح | صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۰ | ۱ | مَاعنداللہ | ماعنداللہ من | ۱۸ | ۱۷ | شُعُیب | شُعَیب |
| | | | الوجہ | 〃 | ۲۲ | بستر آدیم | پستر آدیم |
| ۱۱ | ۸ | آمرزنس | آمرزش | 〃 | 〃 | پیپیم | پیشیم |
| 〃 | ۱۵ | قَلْبُ | قَلْبِ | ۱۹ | ۶ | درنمیکرد | درنمیگیرد |
| ۱۲ | ۵ | جَوَادَ | جَوَادٌ | 〃 | ۱۲ | برابر | رابر |
| ۱۳ | ۱۰ | وارنچہ | درانچہ | ۲۰ | ۴ | بفرستادیم | نفرستادیم |
| 〃 | ۱۴ | دبر | بر | 〃 | ۱۲ | گردانند | گردانید |
| ۱۴ | ۷ | رَجُل | رَجُلِ | ۲۲ | ۵ | فَاکْسَلی | فَاکْسُنی |
| ۱۴ | ۱۰ | واومیان | وآدمیان | 〃 | ۱۱ | جَامِعَ | جَامِعِ |
| 〃 | ۲۰ | بیاید | بیابد | 〃 | ۱۳ | جامع وصول | جامع اصول |
| ۱۵ | ۴ | ربخ | رنج | 〃 | ۲۲ | پایا | پایہ |
| ۱۶ | ۱۸ | نخستن | نخستین | ۲۳ | ۴ | واثلہ | واثلہ |
| 〃 | ۲۲ | وروز | درروز | ۲۳ | ۷ | ہَاشَمِ | ہَاشِمِ |
| ۱۷ | ۱۶ | میشود مردم | میشود | 〃 | ۹ | ہَاشَمِ | ہَاشِمِ |
| 〃 | ۲۱ | مَنْشُوْر | مَنْشُوْر | 〃 | ۱۳ | صَلَّی اللہِ | صَلَّی اللہُ |
| ۱۸ | ۲ | وبہشت | دربہشت | 〃 | ۱۸ | رومی | مگر وحی |
| 〃 | ۱۰ | راست | است | ۲۴ | ۱۰ | آئینہ الست | آئینہ است |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲۵ | ۱۰ | درگذ | درگذر | ۵۴ | ۷ | مَجْرِیِ | مَجْرَی |
| ۲۶ | ۴ | بہی | بدی | 〃 | 〃 | مُتَّفِقٌ | مُتَّفَقٌ |
| 〃 | ۴ | بہ بدی را | بہ بدی | ۵۸ | ۷ | التَّوْرٰیةُ | التَّوْرٰیةَ |
| ۲۶ | ۷ | تَحْمِیدُ | تَحْمَدُ | 〃 | ۵ | مَخِیًّا | مُحَیًّا |
| ۲۷ | ۲۰ | دارےمی | داری | ۵۹ | ۱۴ | چاپایہ | چارپایہ |
| ۲۸ | ۹ | فَهُدْخِلُنَّهَا | فَيُدْخِلُنَّهَا | ۷۰ | ۳ | نَتَدَاوِی | نَتَدَاوی |
| ۲۹ | ۶ | علیسها | عیبها | ۶۳ | ۵ | اَذَ لَهُ | آذَ لَهُ |
| ۳۰ | ۵ | اَنتَا | اَنْشَاءَ | ۶۴ | ۵ | رَسُوْلُ اللّٰهُ | رَسُوْلُ اللّٰهِ |
| ۳۱ | ۲ | آیہ | آیۂ | ۶۸ | ۷ | وَمَا اَنکُم | وما اٰتکم |
| ۳۱ | ۷ | وَغَیْرَ | وَغَیْرِ | ۶۹ | ۴ | روکردان | روگردان |
| ۳۲ | ۱ | لِکَیْلاً | لِکَیْلَا | 〃 | ۴ | یست | نیست |
| ۳۳ | ۳ | لِوَقِتِهَا | لِوَقْتِهَا | ۷۰ | ۴ | شیر | بشبر |
| ۳۷ | ۱۰ | زمانہ | زمانہ | 〃 | ۸ | چیرہا | چیزہا |
| 〃 | 〃 | بازوفرمود | بازفرمود | ۷۱ | ۱۴ | تگذیب | تکذیب |
| ۳۸ | ۱۱ | بُنِی | بُنِیَ | ۷۱ | ۱۲ | مَثَلَ | مَثَلُ |
| ۳۹ | ۱۱ | شُعْبَۀ | شُعْبَۀٌ | ۷۲ | ۵ | یَغْلِیْنَهُ | یَغْلِبَنَّهُ |
| ۴۰ | ۹ | مُتَّفِقٌ | مُتَّفَقٌ | ۷۲ | ۹ | تَفْحَمُوْنَ | تَفْحَمُوْنَ |
| ۴۱ | ۷ | رَسُوْلَ | رَسُوْلُ | 〃 | ۱۳ | یُعْجِزُکُمْ | یُعْجِزَکُمْ |
| ۴۱ | ۱۷ | النَّبِيِّ | النَّبِيَّ | 〃 | ۱۵ | تَفْحَوْنَ | تَفْحَمُوْنَ |
| ۵۰ | ۱۳ | کَذِبَ | کَذَّبَ | ۷۳ | ۲ | ایشان | ازیشان |
| ۵۳ | ۹ | عَنْ اِبْنِ | عَنِ ابْنِ | ۷۵ | ۸ | ازلازم | لازم |



| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷۵ | ۱۵ | عُمَرُو | عَمْرو | ۹۹ | ۱۳ | شُعُبِ | شُعَبِ |
| ۷۶ | ۱۰ | باشد | مانند | ۱۰۰ | ۷ | شُعُبِ | شُعَبِ |
| ۷۷ | ۱ | رَسُوْلُهُ | وَرَسُوْلُهُ | ۱۰۲ | ۱ | شُعُبِ | شُعَبِ |
| 〃 | ۳ | لَایَنْقِصُ | لَایَنْقُصُ | 〃 | ۶ | اساد | اسناد |
| ۷۸ | ۸ | ایک | یک | 〃 | ۱۱ | کَیَمَاذٰی | فَیُمَاذِی |
| ۷۹ | ۵ | اَلْکَلْبُ | اَلْکَلْبَ | ۱۰۳ | ۹ | آقْرَاَیْتَ | آفَرَاَیْتَ |
| 〃 | ۱۲ | سلم | سلم را | ۱۰۴ | ۱۶ | یسار | چهار |
| ۸۱ | ۲ | صواب | ثواب | ۱۰۶ | ۱۰ | دریاختند | درباختند |
| ۸۱ | ۲ | الذہ | الزہ | 〃 | ۱۷ | اِبْنِ | ابْنُ |
| 〃 | ۸ | اذیشان | ازیشان | 〃 | ۲۱ | فی الذین | فی الدِّیْنِ |
| ۸۲ | ۹ | کَلَیْسَتَنَّ | فَلْیَسْتَنَّ | ۱۰۷ | ۵ | اِبْنِ | ابْنُ |
| ۸۳ | ۳ | قَارَسُوْلُ | قَالَ رَسُوْلُ | 〃 | ۱۲ | دروع | دروغ |
| ۸۴ | ۱۴ | تعاوب | تفاوت | ۱۰۸ | ۱۵ | رَؤُسًا | رُؤُسًا |
| ۸۵ | ۳ | مُحَبَّۃَ | مَحَبَّۃَ | ۱۰۹ | ۲ | ازانس | ازانس |
| 〃 | ۱۳ | اَوْ بَرَ | اَوْ بِرَ | 〃 | ۳ | لِیُجَارِیْ | لِیُجَارِیَ |
| 〃 | ۱۵ | وَبِو | وَبِرَ | 〃 | ۵ | لِیُمَارِیْ | لِیُمَارِیَ |
| ۸۷ | ۹ | فَصْلِ | فَضْلِ | 〃 | ۱۴ | ابْنِ | ابْنُ |
| ۸۹ | ۱۴ | راویرا | ویرا | 〃 | ۲۱ | فَیَلْقٰی | فَیَلْقٰی |
| ۹۴ | ۷ | شُعُبُ | شُعَبٌ | ۱۱۰ | ۲ | رودہای | رودہای |
| ۹۸ | ۶ | ر | نو | 〃 | ۱۸ | ردہای | رودہای |
| ۹۸ | ۹ | لِیُغْنِیْ | لِیُحْیِیَ | ۱۱۱ | ۱۴ | یَخْرُجُ | یَخْرُجَ |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۱۲ | ۷ | مَشتہا | مَشتہا | ۱۲۹ | ۲۰ | مراویرا | مراورا |
| // | ۸ | تا | تاآنکہ | ۱۳۰ | ۱ | شُعْبِ | شُعَبِ |
| ۱۱۳ | ۱۹ | فِیْہِ | فِیْہِ | // | ۴ | امر | امرکنید |
| ۱۱۶ | ۷ | الغائط | الغائط | // | ۲۰ | وازد | وارد |
| // | ۱۰ | ہی | نہی | ۱۳۱ | ۵ | لَاتُؤَخِّرُوْهَا | لَاتُؤَخِّرُوْهَا |
| // | ۱۲ | از | از | // | ۱۲ | نکنند | نکنند |
| // | ۲۰ | دو | رضا | ۱۳۲ | ۴ | برزگ | بزرگ |
| ۱۱۷ | ۳ | یکی | یکی | ۱۳۳ | ۱۱ | التَّثْوِیْبُ | التَّثْوِیْبُ |
| // | ۷ | لَمْ یَبِیْتَا | لَمْ یَبِیْتَا | // | | المُؤَذِّنٌ | المُؤَذِّنُ |
| // | ۱۱ | اللاعنین | اللاعِنَیْنِ | ۱۳۴ | ۸ | ازان | اذان |
| ۱۱۸ | ۳ | ابن ماجہ | ابنُ ماجۃ | // | ۱۴ | ظہار | تہای |
| ۱۱۹ | ۵ | مَطْلَہَرَۃٌ | مُطَہَّرَۃٌ | // | ۱۸ | خاز | نماز |
| ۱۲۱ | ۳ | الصَّلٰوتِ | الصَّلَوَاتِ | // | // | اردو | درود |
| // | ۹ | التَّرغِیْبِ | التَّرْغِیْبِ | ۱۳۷ | ۱۴ | گفتی | گفتنی |
| // | ۱۱ | اتُوْا | اِئْتُوْا | ۱۳۹ | ۳ | یَرْضِیْکَ | یُرْضِیْکَ |
| // | ۱۲ | شائستہ | شائستہ | // | ۱۷ | کُلِّهَا | کُلُّهَا |
| ۱۲۵ | ۸ | حَبُوٌّ | حَبْوًا | ۱۴۰ | ۳ | صَلّٰی | صَلّٰی |
| // | ۱۲ | لَا تَوْهُمَا | لَأَتَوْهُمَا | // | ۱۲ | دراراز | درار |
| // | ۲۱ | غَدَالِی | غَدَا اِلٰی | // | ۱۷ | شَیٌّ | شَیْءٌ |
| ۱۲۶ | ۱ | عَنْ | عَنِ | ۱۴۱ | ۵ | یَوْمَ | یَوْمُ |
| ۱۲۹ | ۷ | لَاتَشْرِبْ | لَاتَشْرَبْ | // | ۹ | قَالُوْ | قَالُوْا |



| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۴۲ | ۵ | سُلَیْمَانَ | سَلْمَانَ | ۱۶۰ | ۳ | الرُّجُلَ | الرَّجُلَ |
| ۱۴۳ | ۳ | بن وداعہ | ابنُ وَدَاعَۃَ | ۱۶۱ | ۱۳ | دَنُوْتُ | دَنَوْتُ |
| // | ۱۵ | بُنُ سَبْعٍ | ابنُ سَبْعٍ | ۱۶۲ | ۳ | شُعُبِ | شُعَبِ |
| ۱۴۴ | ۱۵ | خَمْسَمِائَۃَ | خَمْسِمِائَۃٍ | // | ۹ | شُعُبِ | شُعَبِ |
| // | ۱۷ | ابنُ وَدَاعَۃُ | ابنُ وَدَاعَۃَ | // | ۱۹ | بِمَائَۃٍ | بِمِائَۃٍ |
| // | ۲۱ | یَبْقٰی | یَبْقٰی | | | | |
| // | // | وَتَمْرٌ | وَتَمْرٌ | ۱۶۴ | ۲ | بحث | بحث |
| ۱۴۵ | ۱ | فَلَانِ | فُلَانِ | // | ۱۲ | درجہ | درجہ |
| ۱۴۶ | ۷ | اِبْنِ | اِبْنُ | // | ۱۶ | خدابا | خدایا |
| // | ۱۴ | ترا | تر | ۱۶۶ | ۳ | الرُّکْبِ | الرَّکْبِ |
| ۱۴۸ | ۳ | مُحَمَّدَ | مُحَمَّدٍ | // | ۱۴ | بشناسم | نیشناسم |
| ۱۵۰ | ۳ | عَمِرَو | عَمْرٍو | // | ۱۷ | عُمَرَبْنِ | عُمَرَبْنَ |
| // | ۱۱ | مُجْتَبَیْ | مُجْتَبٰی | ۱۶۸ | ۱ | عَنِ | عَنِ |
| // | ۲۱ | اٰمَنَتْ | اٰمَنَتْ | // | ۱۴ | کلات | کلمات |
| ۱۵۱ | ۳ | اَلْجَنَّۃً | اَلْجَنَّۃُ | // | ۲۰ | انت | رفت |
| ۱۵۲ | ۲ | یانند | مانند | ۱۶۹ | ۵ | بَرَاۃٌ | بَرَاءَۃٌ |
| // | ۴ | فقرا | فقراء | // | ۷ | قَوَابَۃِ | ثَوَابَۃَ |
| ۱۵۳ | ۱ | المَائَۃِ | المِائَۃِ | // | ۱۵ | الجَهَادُ | الجِهَادُ |
| ۱۵۴ | ۲۰ | کر | گر | // | // | ابنِ | ابنَ |
| ۱۵۷ | ۴ | خبر | جز | ۱۷۰ | ۳ | بْنِ | بْنَ |
| // | ۱۲ | میترسم | میترسم | ۱۷۱ | ۳ | یحفظہ | یخفضہ |
| ۱۶۰ | ۱ | آبِیْ | آبِیْ | // | ۲۱ | رَضِیَ | رَضِیَ |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۷۳ | ۱۱ | يَتَخَلِّفُ | يَتَخَلَّفُ | ۲۰۸ | ۱۵ | عِن | عَنِ |
| ۱۷۴ | ۴ | كرگ | گرگ | 〃 | ۱۹ | لَيَكُوْنَنّ | لَيَكُوْنَنَّ |
| ۱۷۵ | ۱ | البَشِيْرِ | البَشِيْرِ | 〃 | 〃 | كَمْ | كَمْ |
| ۱۷۶ | ۱۹ | يُؤَخِرُ | يُؤَخِّرَ | ۲۱۱ | ۳ | قِيَامِ | قِيَامُ |
| ۱۸۳ | ۵ | الآخِرَ | الآخِرُ | 〃 | ۱۷ | الأَضَاحِي | الأَضَاحِيْ |
| ۱۸۴ | ۲۱ | عَقْدِ | عُقَدِ | ۲۱۲ | ۷ | يَارَسُوْلُ الله | يَارَسُوْلَ الله |
| 〃 | 〃 | عَقْدَةِ | عُقَدَةِ | ۲۱۳ | ۳ | اَجَلُهُمْ | اَجَلُهُمْ |
| ۱۸۵ | ۵ | المُغِيْرَةَ | المُغِيْرَةِ | ۲۱۴ | ۱۱ | بِعِبَادَةِ | بِعِيَادَةِ |
| ۱۸۶ | ۱۹ | يَنَامُ | نِيَامٌ | 〃 | ۱۷ | رِوَايَةَ | رِوَايَةٍ |
| ۱۸۷ | ۳ | قَيَامَ | قِيَامُ | ۲۱۵ | ۳ | رَدَّ | رَدٌّ |
| ۱۸۹ | ۱ | بَيْنَ | بَيْنِ | 〃 | ۱۳ | فَحَمِدَاللهُ | فَحَمِدَاللهَ |
| ۱۹۲ | ۹ | لَيَقُلْ | لِيَقُلْ | ۲۱۶ | ۱۱ | فَلاَن | فُلاَن |
| 〃 | ۲۱ | وَاَقْدَهُ | وَاقِدُهُ | ۲۱۷ | ۱۱ | المَوضُوءَ | الوُضُوْءَ |
| ۱۹۳ | ۱۱ | لَمْ يَذْكُرَ | لَمْ يَذْكُرِ | ۲۲۱ | ۷ | تَحُطَّ | تَحُطُّ |
| 〃 | ۱۹ | حَدَثُ | حَدَثٌ | 〃 | ۱۵ | يُذْهَبُ | يُذْهِبُ |
| ۱۹۴ | ۱ | عِنَ | عَنِ | ۲۲۲ | ۹ | الْمَجْذِيَةِ | الْمُجْذِيَةُ |
| ۲۰۴ | ۱۳ | عُثْمَانَ | عُثْمَانُ | ۲۲۷ | ۲۱ | يُبَلِّغُهَا | يَبْلُغُهَا |
| ۲۰۵ | ۲۱ | الشَّافِعَيُّ | الشَّافِعِيُّ | ۲۲۸ | ۲۱ | اطنابه | آصَابَهُ |
| ۲۰۶ | ۲۰ | وودرو | دورو | ۲۲۹ | ۱۵ | اَمْرَأةَ | اِمْرَأَةٌ |
| ۲۰۷ | ۷ | عِنَ | عَنِ | 〃 | ۱۹ | اَنْكَكَشَفَ | اَنْكَشَفَ |
| ۲۰۸ | ۹ | عِنَ | عَنِ | ۲۳۱ | ۱۳ | اَصْبَحَتْ | اَصْبَحَتْ |



| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲۳۲ | ۱۱ | شُعُبٌ | شُعَبِ | ۲۷۷ | ۱۳ | قَبْلِ | قِبَلِ |
| ۲۳۹ | ۱۵ | لاَتَتَمَنَّ | يَتَمَنَّ | 〃 | ۱۵ | النَّبُوَّةِ | النُّبُوَّةِ |
| ۲۴۲ | ۵ | بَا | يَا | ۲۷۹ | ۷ | يَابْنَ | يَاابْنَ |
| 〃 | ۹ | تُوَفِّيَ | تُوُفِّيَ | ۲۸۴ | ۱ | فَاالمُوْمِنُ | فَالمُؤْمِنُ |
| ۲۴۳ | ۳ | ابْنِ | ابْنَ | ۲۸۴ | ۹ | البُخَارِيُّ | البُخَارِيِّ |
| ۲۵۱ | ۱۳ | فَلاَنُ | فُلاَنُ | 〃 | ۱۵ | فَاَجَابَهُ | فَاَجَابَهُ |
| ۲۵۳ | ۱ | طِيّبُ | طَيِّبُ | ۲۸۷ | ۱۱ | اَوِثْنَانِ | اَواثْنَانِ |
| ۲۵۵ | ۱۷ | يَسُوْكَ | يَسُوْءُكَ | ۲۸۹ | ۷ | يَدْخِلُهُ | يُدْخِلُهُ |
| ۲۵۶ | ۷ | تُنْزَعَ | تُنْزَعُ | ۲۹۲ | ۲۱ | شُعُبِ | شُعَبِ |
| ۲۵۷ | ۱ | رَمُوَلُ | رَسُوْل | ۳۰۲ | ۱ | عِن | عَنِ |
| 〃 | ۳ | يَرْجِعَهُ | يُرْجِعَهُ | ۳۰۷ | ۵ | وَاسْتَحِلُّوْا | وَاسْتَحَلُّوْا |
| ۲۵۹ | ۷ | فَاَخْبِرُهُمْ | فَاُخْبِرُوْهُمْ | ۳۰۸ | ۹ | بِمِائَةٍ | بِمِائَةٍ |
| ۲۶۱ | ۷ | وَالِبُسُوْهُ | وَاَلْبِسُوْهُ | ۳۰۹ | ۷ | شُرُّ | شَرُّ |
| 〃 | ۱۵ | جَبَلُ | جَبَلٌ | ۳۱۳ | ۱ | الجِبَالُ | الجِمَالُ |
| 〃 | ۲۱ | لِحْيَنُهُ | لِحْيَتُهُ | ۳۲۱ | ۱۳ | التَّرْمِذِى | التِّرْمِذِي |
| ۲۶۶ | ۵ | يُعَذَّبُ | يُعَذِّبُ | ۳۲۴ | ۹ | فَاَقْبَلُ | فَاَقْبَلَ |
| ۲۶۷ | ۵ | فَلَمْ يَصِبْ | فَلَمْ يُصِبْ | ۳۲۸ | ۱ | وُوَاهُ | رَوَاهُ |
| 〃 | ۲۱ | نَاقَتَهُ | نَاقَتُهُ | 〃 | ۷ | اَجَرًا | آجْرًا |
| ۲۶۸ | ۷ | عِن | عَنِ | ۳۳۰ | ۲۱ | شُعُبِ | شُعَبِ |
| ۲۷۴ | ۱۹ | يَسْمِعُ | يَسْمَعُ | ۳۴۱ | ۱۳ | عَجِّلُوا | عَجَّلُوْا |
| ۲۷۲ | ۳ | ابْنُ | ابْنُ | ۳۴۵ | ۳ | يَطِيْقُ | يُطِيْقُ |

| صفحہ | سطر | غلط | صحیح | صفحہ | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۳۴۵ | ۲۱ | وَلِدتُ | وُلِدْتُ | ۴۲۰ | ۱۷ | مِنْكَ | مِنِّي |
| ۳۴۸ | ۱۰ | اَمَرَ | آمَرَ | ۴۲۱ | ۹ | واللّٰهُ | وَاللّٰهِ |
| ۳۵۲ | ۱۳ | لَاُجَنِّبَنَّهُمْ | لَاُجْنِبَنَّهُمْ | ۴۲۵ | | جُدرات | جُدُرَانُ |
| ۳۵۵ | ۱۷ | فَصَلُّوْا | فَصَلُّوَا | ″ | ۱۱ | لَامتيها | لَابْتَيْهَا |
| ۳۵۶ | ۷ | قِيَامَ | قِيَامِ | ″ | ۱۳ | اسْتَطَاءَ | اسْتَطَاعَ |
| ۳۶۴ | ۱۹ | أَعْطِيَ | أُعْطِيَ | ۴۲۹ | ۹ | مُنَاقِب | مَنَاقِب |
| ۳۷۱ | ۱۷ | شَانَهُمْ | شَانُهُمْ | ۴۳۲ | ۱۷ | آلِيَنْ | آنِيْنُ |
| ۳۷۴ | ۳ | عَادَا | عَادَىٰ | ۴۳۷ | ۵ | بُقَالُ | اَرْضٌ يُقَالُ |
| ۳۷۶ | ۱۳ | شَرْقٌ | شَرْقٌ | ۴۳۹ | ۱۲ | حُرَامٌ | حَرَامٌ |
| ۳۸۴ | ۱۵ | شُعُبِ | شُعَبِ | ۴۴۲ | ۵ | طُمَانِيَةٌ | طُمَانِيْنَةٌ |
| ۳۹۱ | ۱۱ | أُرْبِيِّ | أُبَيِّ | ۴۴۸ | ۳ | شُعُبِ | شُعَب |
| ۳۹۵ | ۲۱ | كَكُنْتَ | فَكُنْتُ | ۴۵۰ | ۱۵ | تَشُعُبِ | شُعَبِ |
| ۳۹۶ | ۵ | تَرَدَّتُ | تَرَدَّدْتُ | ۴۵۵ | ۱۱ | لَعَلَّ اللّٰهُ | لَعَلَّ اللّٰهَ |
| ″ | ۱۵ | فَيَحْفُوْنَهُمْ | فَيُحْفُوْنَهُمْ | ۴۶۴ | ۹ | سَبُع | سَبْع |
| ۳۹۸ | ۱ | فَلَان | فُلَان | ۴۶۵ | ۱ | ضَلَالًا | ضُلَّالًا |
| ″ | ۵ | اَعْرَابِيُّ | اَعْرَابِيٌّ | ۴۶۸ | ۱۱ | اَحَدَكُمْ | اَحَدُكُمْ |
| ۴۰۱ | ۳ | اِلٰى | فى | ۴۷۷ | ۱ | اِخْوَاتِهِنَّ | اَخَوَاتِهِنَّ |
| ۴۱۲ | ۱۱ | كَيَوْم | كَيَوْمِ | ″ | ۳ | الْاَرْبَعِ | الْاَرْبَعَةِ |
| ۴۱۴ | ۳ | نِسَائى | تَسَائى | ۴۸۱ | ۱ | شُعُب | شُعَبِ |
| ۴۱۸ | ۱۸ | لِلْمَظْلُوْمَ | لِلْمَظْلُوْمِ | ۴۸۳ | ۸ | اِمْرَاتُهُ | اِمْرَاَتَهُ |
| ۴۱۹ | ۹ | عُدُوَّ | عَدُوٌّ | ۴۸۵ | ۱۱ | شُعْب | شُعَبِ |



| صفحہ | سطر | غلط | صحیح | صفحہ | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۴۸۵ | ۱۹ | شُعَبِ | شُعُبِ | ۵۵۴ | ۲۱ | لَاتقض | لَاتَقْضِ |
| ۴۹۲ | ۱۵ | اَيَّ النِّسَاءِ | اَيُّ النِّسَاءِ | ۵۵۷ | ۱۳ | اَمَارَةً | اَمَارَةِ |
| ۵۰۰ | ۵ | اُنَبِّئُكُمْ | اُنَبِّئُكُمْ | ۵۵۸ | ۲۱ | بن عباس | ابنِ عَبَّاس |
| ۵۰۲ | ۱ | عِبَادَةُ اللّٰهِ | عِبَادَةَ اللّٰهِ | ۵۵۹ | ۹ | اِلَّاآثَر داد | اِلَّاآثَر دَادَ |
| ″ | ۲۱ | اَلْبَرَّاء | اَلْبَرَاءِ | ۵۹۶ | ۵ | فَقَصٰى | فَقَضٰى |
| ۵۰۴ | ۱۹ | تَلُوْ | تَكُوْ | ″ | ۷ | دُرَّة | دِرَّة |
| ۵۰۵ | ۱ | عُرْضَةً | عُرْضَةً | ۵۷۱ | ۱۵ | مِن | مَن |
| ″ | ۱۵ | مِلَّةِ | مِلَّةِ | ۵۷۷ | ۵ | يَاتُوْنَ | يُاتُوْنَ |
| ۵۱۱ | ۹ | اَلْاَثْنٰى | اَلْاُنْثٰى | ۵۸۲ | ۷ | لَايخرجه | لَايُخْرِجُهُ |
| | | بِالْاَثْنٰى | بِالْاُنْثٰى | ″ | ۱۵ | اُجِدُ | اَجِدُ |
| ۵۱۴ | ۹ | فَلَانٌ | فُلَانٌ | ۵۹۴ | ۱۵ | وَانفق | وَاَنْفَقَ |
| ۵۱۸ | ۱۵ | مَغْطِيًا | مُغَطِيًا | ۶۰۰ | ۱ | يُرْجع | يَرْجِعَ |
| ۵۴۴ | ۱۵ | ولغزى | وَالعُزّٰى | ″ | ۲۱ | لَاتَحْسَبَنَّ | لَاتَحْسَبَنَّ |
| ۵۲۵ | ۵ | شُعُبِ | شُعَبِ | ۶۰۸ | ۱ | مُؤَمِنٌ | مُؤْمِنٌ |
| ″ | ۱۵ | شُعُبِ | شُعَبِ | ۶۰۹ | ۱۳ | فِسَقٌ | فِسْقٌ |
| ۵۲۹ | ۱۱ | رَجُلُ | رَجُلٌ | ۶۱۳ | ۲۱ | اِذَا الطُّفَيْتَيْنِ | ذَاالطُّفْيَتَيْنِ |
| ۵۳۸ | ۵ | سَاقِيَّهَا | سَاقِيهَا | ۶۲۱ | ۷ | يَاْ كُلُ | يَاكُلُ |
| ۵۵۲ | ۱۹ | يُوْتَى | يُوْتَى | ۶۲۲ | ۷ | فَخَبَطَتْ | فَخَبَطَتْ |
| ۵۵۴ | ۱۷ | سَرَ | سِرَ | ۶۲۴ | ۷ | رَوَايَةِ | رِوَايَةِ |
| ″ | ″ | عَلَانِيَتِهٖ | عَلَانِيَتِهٖ | ۶۲۵ | ۵ | الشَّرْب | الشَّرَاب |
| ″ | ۲۱ | لَاتُقْبِضْ | لَاتَقْبِضْ | ″ | ۱۱ | اِنَاءِ | اِنَاءٍ |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶۲۸ | ۵ | یُجِلُّ | تَجِلُّ | ۶۵۱ | ۱۷ | بالمصورین | بالمصورین |
| ۶۳۰ | ۱۴ | شور | شد | ۶۵۳ | ۳ | شَرَح | شَرَار |
| ۶۴۲ | ۱۳ | اوتو کوا | اواتر کو | ۶۵۴ | ۴ | بیگوئے | بیگریزی |

# صحتنامہ حواشی خیر المواعظ جلد اوّل

| صفحہ | سطر | غلط | صحیح | صفحہ | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۰ | ۱ | چیز | خبر | ۳۳ | ۶۳ | بدرنے | بندے |
| ،، | ۵ | مبتدا | مبتدای | ۳۳ | ۱۴ | آفت | افتد |
| ،، | ۲ | نیت | ترفیت | ۳۴ | ۶۶ | آن باولی | بآن اولی |
| ۱۱ | ۱ | یعنی دل | یعنی اگر | ۳۵ | ۳۰ | وازپنجم | پنجم |
| ۱۷ | ۲ | عطاکش | عصاکش | ۳۶ | ۵۴ | اوچیت | او بیت |
| ،، | ۲ | دہ | در | ،، | ۷۲ | بنورلپین | بروزپین |
| ۲۷ | ۲۷ | بجرد | بمرد | ،، | ۸۰ | ابصحت | وبصحت |
| ،، | ۴۴ | الا ایمان | الایمان | ۳۸ | ۶۷ | خداند | خواند |
| ۲۹ | ۸ | نورالنبی | نورانیتے | ۳۹ | ۳۲ | ہراسر | ہرسر |
| ۳۰ | ۳۰ | یشر | کثیر | ،، | ۳۴ | وایتہ | دابتہ |
| ،، | ۲۲ | زلفت | زلف | ،، | ۳۸ | زوذی | روزی |
| ۳۱ | ۲۶ | ممسترشابن | مسترشدین | ،، | ۴۷ | ستور | مسطور |
| ،، | ۴۶ | کچابکجا | کجا بکجا | ،، | ۴۹ | فوائد الفوائد | فوائد الفواد |



| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۲۵ | [illegible] | کس را | ۶۲ | ۲۲ | اور | اورا |
| [illegible] | ۸۹ | [illegible] | زیرا | ۶۷ | ۱۴ | کر | کبر |
| [illegible] | ۹۵ | [illegible] | بالقطع | ،، | ۲۵ | مسلمان | سلمان |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | یخلد | ۶۸ | ۴ | خلفت | خلفت |
| [illegible] | [illegible] | یخلد | چارہ | ،، | ۹۴ | مگر | گمراہان |
| ۴۵ | ۱۳ | جارہ | فقدا | ،، | ۹۷ | نغاعد | تصاعد |
| ،، | ۲۳ | نقا | درکہ | ۷۱ | ۳۰ | سوای | سواری |
| ۵۱ | ۲۱ | درکہ کر | آوردہ | ۷۵ | ۱۱ | زان | زمان |
| ،، | ۲۲ | بالاسر | دعاے | ۷۵ | ۱۷ | ضلالہ | ضلالة |
| ۵۴ | ۷۱ | [illegible] | دختر | ،، | ۲۹ | فس | نفس |
| ،، | ۷۹ | دق | تاباوبفاحشہ | ۷۶ | ۹ | اعتقاد | واعتقاد |
| [illegible] | ۸۵ | بادا اخر | رنجدہ | ۷۸ | ۱ | درموافق | درمواقف |
| ۵ | ۳ | برنجدہ و | ثواب وعقاب | ،، | ۳ | شبہیہ | مشبہ |
| [illegible] | ۱۰ | صواب وعا | امرمین الامرین | ،، | ،، | معتزلہ | معتزلہ را |
| [illegible] | ۲۳ | ولکن ام | سرنیت | ،، | ،، | شیعہ جبیت | شیعہ جبیت داو |
| [illegible] | ۲۷ | سرنیت | ہہ | ،، | ۵ | شبیہ | مشبہ |
| [illegible] | ۳۱ | ہر | ورضی بحکمی | ،، | ۸ | خدا | راہ خدا |
| [illegible] | ۲۸ | ورضا | بقضاء | ،، | ۹ | مجرد | بمجرد |
| [illegible] | ۳۱ | لقد | الہا | ،، | ۱۱ | دانی | واقی |
| [illegible] | ۳۳ | بات | گردھومات | ،، | ۲۸ | استزلال | استدلال |
| [illegible] | ۲۶ | گرد | کتاب | ،، | ۳۰ | اشادان | استادان |

| صفحہ | سطر | غلط | صحیح | صفحہ | سطر |
|---|---|---|---|---|---|
| ۷۸ | ۳۶ | ولااقصاف | والاقصاف | ۸۸ | ۳۱ |
| " | " | یقول | یقول | " | ۵۷ |
| " | ۱۴ | صداد | سداد | ۸۹ | ۲۶ |
| ۷۹ | ۲ | کذیدن | گزیدن | " | ۴ |
| " | ۱۵ | سائل | مسائل | ۹۰ | ۵ |
| " | " | باص | باطن | " | ۹ |
| " | ۲۰ | طرف | طرق | " | ۱۲ |
| " | ۳۸ | رشناخت | دشناخت | " | ۱۳ |
| ۸۰ | ۸ | مرضہ | مرضیہ | " | ۱۰۹ |
| " | ۵۹ | ہفتادو | ہفتاددو | ۹۱ | ۲۳ |
| " | ۶۵ | ہزاہا | ہزارہا | " | ۴۰ |
| ۸۲ | ۳ | ویزان | ویران | " | ۴۵ |
| ۸۳ | ۶۸ | ومال | اہل ومال | " | ۵۹ |
| ۸۴ | ۷ | مردکسے | مردیاکسے | " | ۹۸ |
| ۸۵ | ۶۷ | درجا | درجا | " | ۱۰۴ |
| ۸۶ | ۱۲ | دردمے | دردے | " | " |
| " | ۴ | ورد | ورد | " | ۱۰۹ |
| " | ۳۳ | دردے | درے | ۹۳ | ۳۷ |
| " | ۴۴ | فردافتم | فرورفتم | " | ۵۳ |
| " | ۴۴ | لش | مالش | " | ۸۵ |
| ۸۷ | ۳۳ | اے | است | " | ۱۰۳ |

تمام شد

جلداول

موسرین
یترا
انگریزی
ول
طوطیہ ال حدت متحیر سلت بوجب ادارے راہے ر تعمیم خدا مسجد درار رسیدہ دیشار ابقا یتہ کلماز بشرذی زاہب در مکابر فوائد
توطیہ حال حدیث متحیر اید بموجب ادائے راہے را تعلیم بمسجد رسیا ازیشا بخواند ومال مثالہ بشنو